نهج الذکر

با

ترجمه فارسی

محمدی ری شهری

جلد چهارم

با همکاری
رسول افتی

ترجمه
حمید رضا شیخی

بسم الله الرحمن الرحیم



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



سازمان چاپ و نشر

پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث: ۱۵۴



محمّدی ری‌شهری، محمّد، ۱۳۲۵ ـ
نهج الذکر. ترجمهٔ فارسی / تالیف محمّد محمّدی ری‌شهری با همکاری رسول افقی؛ ترجمهٔ حمیدرضا شیخی. ــ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق = ۱۳۸۶ ــ
ج. ــ (پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث؛ ۱۵۴)
ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 302 - 8
ISBN : 978 - 964 - 493 - 306 - 6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتاب‌نامه: ج ۴.ص. ۵۷۷ ـ ۵۹۹؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. ذکر ـ احادیث ۲. احادیث شیعه ـ قرن ۱۴. ۳. احادیث اهل سنت ـ قرن ۱۴. الف. افقی، رسول، ۱۳۴۵ ـ ، نویسنده همکار. ب. شیخی، حمیدرضا، ۱۳۴۵ ـ ، ج. مترجم. د. عنوان.

BP ۱۴۱/۵/ز۷م۳ ۱۳۸۶ ۲۹۷/۲۱۸

فهرست‌نویسی پیش از انتشار، توسّط کتاب‌خانهٔ تخصّصی حدیث / قم

نهج الذکر

فارسی ـ عربی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

محمدی ری شهری

جلد چهارم

باهمکاری
رسول افسقی

ترجمه
حمید رضا شیخی

نهج الذکر همراه با ترجمه / ج۴

محمّد محمّدی ری‌شهری

همکار: رسول افقی

مترجم: حمیدرضا شیخی

بازبین علمی: عبد الهادی مسعودی، محمّد احسانی‌فر، حیدر مسجدی

بازبین ترجمه: محمّد مرادی

بازبین نهایی: حیدر مسجدی، دکتر ناصر حکمت

مصدریاب احادیث: عبد الحسین کافی، محمود کریمیان، علی نجفی، سیّد مهدی حسینی، داوود اُفقی

اعراب‌گذار: رسول اُفقی

مقابله‌گر با مصادر: رعد بهبهانی، عبد الکریم مسجدی

مجری آماده‌سازی پیش از نشر: محمّد باقر نجفی

سرویراستار فارسی: محمّدهادی خالقی

ویراستار فارسی: محمّد باقری‌زادهٔ اشعری، سیّد محمّد دلال موسوی، مرتضی بهرامی خشنودی

سرویراستار عربی: حسنین دباغ

ویراستار عربی و شرح لغات: نعمان نصری، ماجد صیمری، عبد الکریم مسجدی

فهرست‌ساز: محمّد ضیاء سلطانی، رعد بهبهانی

نمونه‌خوان فارسی: علینقی نگران، سیّد هاشم شهرستانی، محمود سپاسی، مصطفی اوجی، محمّد محمودی، مهدی جوهرچی

نمونه‌خوان عربی: عبد الکریم حلفی، حیدر وائلی

خوش‌نویس: حسن فرزانگان

حروفچین: حسین افخمیان، علی اصغر دُریاب

صفحه‌آرا: محمّد ضیاء سلطانی

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: اول / ۱۳۸۷

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت دوره: ۲۵۰۰۰ تومان

کتابخانه
مرکز تخصصی کامپیوتری علوم اسلامی
شماره ثبت: ۴۲۱۸۳
تاریخ ثبت:

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، نبش کوی ۱۲ پلاک ۱۲۵ تلفن: ۷۷۴۰۵۲۳ ۰۲۵۱ / فاکس: ۷۷۴۰۵۷۱ ۰۲۵۱ / ص.پ ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه و فروشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۷۷۴۰۵۴۵ ۰۲۵۱ – فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام صحن کاشانی) تلفن: ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینهٔ کتاب، طبقهٔ هم‌کف) تلفن: ۳ـ ۲۲۴۰۰۶۲ ۰۵۱۱

فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، میدان تختی، خیابان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهار راه پل خاکی، دست چپ، ساختمان کوثر) تلفن: ۸۴۲۶۳۳۲

http://www.hadith.net

hadith@hadith.net

ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 302 - 8

ISBN : 978 - 964 - 493 - 306 - 6

* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است *

فهرست اجمالی

بخش نهم: استغفار (آمرزش‌خواهی از خدا)

درآمد ۹

فصل یکم: حقیقت آمرزش‌خواهی ۱۷

فصل دوم: تشویق به آمرزش‌خواهی و برحذر داشتن از وا نهادن آن ۲۵

فصل سوم: ویژگی‌های آمرزش‌خواهی ۵۳

فصل چهارم: برکت‌های آمرزش‌خواهی ۵۹

فصل پنجم: اوقات مناسب برای آمرزش‌خواهی ۱۰۱

فصل ششم: مواقع مناسب برای آمرزش‌خواهی ۱۳۳

فصل هفتم: عبادت‌هایی که سزاوار است در آنها طلب آمرزش کرد ۱۵۳

فصل هشتم: آمرزش‌خواهی برای دیگران ۱۸۱

فصل نهم: آمرزش‌خواهی‌های رسیده از پیامبرﷺ و اهل بیت‌ﷺ ۲۴۱

بخش دهم: صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او و بر دیگر پیامبران

درآمد ۳۲۳

فصل یکم: تفسیر صلوات بر پیامبرﷺ ۳۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فصل دوم: فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبرﷺ و خاندان او و تشویق به آن ۳۳۳

فصل سوم: آداب صلوات فرستادن بر پیامبر خداﷺ ۳۶۱

فصل چهارم: برکت‌های صلوات فرستادن بر پیامبر خداﷺ و اهل بیت اوﷺ ۳۷۳

فصل پنجم: صلوات فرستادن بر پیامبرانﷺ ۳۹۷

فصل ششم: صلوات‌های رسیده از پیشوایان بر پیامبر خداﷺ و اهل بیت اوﷺ ۴۰۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بخش نهم

استغفار (آمرزش خواهی از خدا)

شامل:

درآمد

فصل یکم : حقیقت آمرزش خواهی

فصل دوم : تشویق به آمرزش خواهی و برحذر داشتن از وانهادن آن

فصل سوم : ویژگی های آمرزش خواهی

فصل چهارم : برکت های آمرزش خواهی

فصل پنجم : اوقات مناسب برای آمرزش خواهی

فصل ششم : مواقع مناسب برای آمرزش خواهی

فصل هفتم : عبادت هایی که سزاوار است در آنها طلب آمرزش کرد

فصل هشتم : آمرزش خواهی برای دیگران

فصل نهم : آمرزش خواهی های رسیده از پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

درآمد

واژه‌شناسی «استغفار»

واژهٔ «استغفار»، مصدر است از مادّهٔ «غفر». اصل این مادّه، به معنای «پوشاندن» و «پوشیده داشتن» است؛ لیکن گاه توسّعاً در معانی نزدیک و متناسب با آن نیز به کار می‌رود. بنا بر این، «استغفار» به معنای درخواست پوشش است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ابن فارس در این باره می‌گوید:

> مادّهٔ «غفر»، اغلب به معنای پوشش است، به استثنای مواردی که ذکر می‌شود. پس «غفر»، یعنی پوشاندن. غفران و غفر به یک معنا هستند. گفته می‌شود: «غفر الله ذنبه (خدا گناهش را بپوشاند)». غفر و غفران ومغفرة، مصدر هستند... مِغفَر، یعنی: کلاهٔ خود.[1]

همچنین ابن منظور می‌گوید:

> غفر در اصل، به معنای پوشیدن و سرپوش نهادن است. «غفر الله ذنوبه»، یعنی: خداوند، گناهانش را پوشاند و او را رسوای عام نکرد... به هر

---

۱. معجم مقاییس اللغة: ج ۴ ص ۳۸۵.

جامه‌ای که با آن چیزی پوشانده شود، «غفاره» گویند.[۱]

گفتنی است که بررسی موارد استعمال مادّهٔ «غفر» نشان می‌دهد که به هر نوع پوشاندن، «غفر» اطلاق نمی‌شود؛ بلکه «غفر»، سَتری است که در آن، نوعی مصلحتْ موردِ نظر باشد، مانند: «اغفر ثوبك فی الوعاء (جامه‌ات را در ظرف بپوشان و پنهان کن)» که در آن، مصلحت لباس، مورد نظر است، یا «اغفر لی ذنوبی (گناهانم را برایم بپوشان)» که در آن، مصلحت مغفور له در نظر گرفته شده، یا ﴿قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَغْفِرُواْ لِلَّذِينَ لَايَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ؛[۲] به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگو از کسانی که به روزهای [پیروزی] خدا امید ندارند، دوری کنند﴾ که در آن، مصلحت غافر و یا مصلحت غافر و مغفورٌ له، هر دو، منظور گردیده است.

شاید با در نظر گرفتن نکته‌ای که بدان اشارت رفت، راغب، مادّهٔ «غفر» را چنین معنا کرده است:

غفر، پوشاندن چیزی است که او را از آلودگی نگه دارد. و از همین معنا گفته می‌شود: «اغفر ثوبک في الوعاء (جامه‌ات را در ظرف بپوشان و پنهان کن)» و «اصبغ ثوبک؛ فإنّه أغفر للوسخ (جامه‌ات را رنگ کن؛ زیرا این کار، چرک آن را بهتر می‌پوشاند)». «المغفرة من الله»، به این معناست که خداوند، بنده را از این که عذاب به او رسد، نگه می‌دارد... گاه گفته می‌شود: «غفر له»، هر گاه در ظاهر، از او دوری کند، هر چند در باطن از او دوری ننماید. مانند: ﴿قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَغْفِرُواْ لِلَّذِينَ لَايَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ؛ به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگو از کسانی که به روزهای [پیروزی] خدا امید ندارند، دوری کنند﴾. استغفار، یعنی: طلب

---

۱. لسان العرب: ج ۵ ص ۲۵.

۲. جاثیه: آیهٔ ۱۴.

پوشاندن به گفتار و کردار.[۱]

با توجّه به آنچه گذشت، مادّهٔ «غفر» و «استغفار» از نظر لغوی، به باب معاصی اختصاص ندارند، هر چند در قرآن و حدیث، بیشترین کاربرد آنها در این باره است.

استغفار، در قرآن و حدیث

در قرآن کریم، مشتقّات مادّهٔ «غفر»، ۲۳۴ بار تکرار شده است. این کتاب آسمانی، هفت بار[۲] به صورت‌های مختلف، پیروان خود را به درخواست مغفرت تشویق کرده است. همچنین، از خداوند متعال ۹۱ بار با صفت «غفور»، پنج بار با صفت «غفّار»[۳] و یک بار با صفت «غافر»[۴] یاد کرده است، که این همه در برخورد با خطاکاران، حاکی از گستردگی رأفت و رحمت الهی است.

با عنایت به آنچه در تبیین واژهٔ «استغفار» آمد، این واژه در قرآن و حدیث به معنای درخواست پوشش و آمرزش گناهان از خداوند متعال است. در این باره، چند نکته قابل توجّه است:

۱. روح استغفار

روح و حقیقتِ «استغفار برای خود»، ندامت قلبی است؛ زیرا تا انسان نسبت به خطای خود نادم نباشد، نمی‌تواند حقیقتاً از خداوند متعال، طلب مغفرت نماید. امام رضاؑ می‌فرماید:

---

۱. مفردات ألفاظ القرآن: ص ۶۰۹.

۲. بقره: آیهٔ ۱۹۹، هود: آیهٔ ۳ و ۵۲ و ۹۲، نوح: آیهٔ ۱۰، مزّمّل: آیهٔ ۲۰، فصّلت: آیهٔ ۶.

۳. غافر: آیهٔ ۴۲، ص: آیهٔ ۶۶، زمر: آیهٔ ۵، نوح: آیهٔ ۱۰، طه: آیهٔ ۸۹.

۴. غافر: آیهٔ ۳.

مَنِ استَغفَرَ بِلِسانِهِ ولَم یَندَم فَقَدِ استَهزَأَ بِنَفسِهِ.[۱]

هر کس به زبانش استغفار کند در حالی که پشیمان نباشد، در حقیقت، خودش را ریشخند کرده است.

بر این پایه، امام علی﵇ «ندامت قلبی» را یکی از ستون‌های توبه می‌شمرد.[۲] نقش ندامت در تحقّق حقیقی استغفار و توبه، تا آن جاست که در حدیثی از پیامبر خدا آمده است:

النَّدَمُ تَوبَةٌ.[۳]

پشیمانی، یک نوع توبه است.

در حدیثی از امام علی﵇ نیز آمده است:

النَّدَمُ استِغفارٌ.[۴]

پشیمانی، نوعی آمرزش‌خواهی است.

این سخن، مبالغه نیست؛ زیرا ندامت حقیقی، تصمیم بر تکرار نکردن گناه و جبران نمودن گذشته را به دنبال خود دارد. بنا بر این، همهٔ حدود ششگانه‌ای که در حدیث امام علی﵇ برای استغفار بیان شده است،[۵] با ندامت حقیقی ـ که روح استغفار و توبه است ـ همراه است. البتّه این، در صورتی است که انسان برای خود، طلب مغفرت نماید؛ امّا طلب مغفرت برای دیگران[۶] تنها به معنای

---

۱. ر.ک: ص ۲۲ ح ۲۵۰۴.

۲. ر.ک: ص ۳۰ ح ۲۵۱۹.

۳. کنز العمّال: ج ۴ ص ۲۳۲ ح ۱۰۳۰۱. نیز، ر.ک: میزان الحکمة با ترجمهٔ فارسی: (توبه / پشیمانی، نوعی توبه است).

۴. ر.ک: ص ۳۰ ح ۲۵۲۱.

۵. ر.ک: ص ۱۹ ح ۲۴۹۶.

۶. ر.ک: ص ۱۸۱ (آمرزش خواهی برای دیگران).

آمرزش‌خواهی برای آنها از خداوند متعال است.

۲. معنای غفران الهی

پیش از این، روشن شد که مغفرت به معنای پوشاندن و پوشیده داشتن است؛ امّا باید توجّه داشت که پرده‌پوشی و پوشانندگی گناهان انسان توسّط خداوند، نه تنها با گذشت و پوشش بشری متفاوت است، بلکه قابل قیاس با آن هم نیست. پرده‌پوشی خداوند متعال نسبت به گناه، به معنای از بین بردن آثار و تبعات آن است و حتّی خداوند منّان، در شرایطی، برای گنهکار، با تبدیل کردن گناهان او به کارهای نیک، پرده‌پوشی می‌کند، چنان که خداوند متعال با اشاره به شماری از کسانی که مرتکب گناهانی بزرگ شده‌اند و مستحقّ عذاب مضاعف در دوزخ گردیده‌اند، می‌فرماید:

﴿إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلاً صَـٰلِحًا فَأُوْلَـٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمْ حَسَنَـٰتٍ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا.[۱]

مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند، بدی‌های اینان را به نیکی تبدیل می‌کند و خدا همواره آمرزندهٔ مهربان است﴾.

پرده‌پوشی و غفران، بدین سان، بالاترین نوع ستّاری و مغفرت است که فوق تصوّر ماست و تنها از آفریدگار جهان بر می‌آید و بس.

۳. نقش استغفار در زندگی مادّی و معنوی

از منظر قرآن و احادیث اسلامی، استغفار، افزون بر پاکسازی گناهان، شیطان را

---

۱. فرقان: آیهٔ ۷۰.

از انسان دور می‌کند، دل را جلا می‌دهد، نور علم را در دل جلوه‌گر می‌سازد، غم و اندوه را از دل می‌برد، به روزی وسعت می‌بخشد و در یک جمله، از انواع آفات مادّی و معنوی پیشگیری می‌نماید و انواع برکات دنیوی و اُخروی را برای انسان به ارمغان می‌آورد.[۱] از این رو، تکرار این ذکر با حضور قلب در هر فرصتی که پیش آید، خصوصاً لحظات حسّاس و پُربرکت (مانند: سحرها، قنوت نماز وتر، ثلث آخر شب، پنجشنبه و جمعه، پیش از غروب در صحرای عرفات، روز عید قربان، ماه‌های رجب، شعبان و رمضان) توصیه شده است.[۲]

ذکر استغفار، همچنین قبل از خواب، پس از بیدار شدن، در آغاز خطبهٔ نماز جمعه، در کنار مُلتَزَم، هنگام بالا رفتن از کوه صفا، و هنگام برخاستن از جا، هنگام تعریف کردن دیگری از انسان، هنگام احساس حسد در خود، هنگام دیدار و خداحافظی با برادران دینی، و هنگام حرکت برای سفر، مورد تأکید قرار گرفته است.[۳]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

نیز هنگام وضو گرفتن، هنگام حرکت به قصد نماز جماعت، هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن، در آغاز نماز، در اَثنای نماز، در سجده، بین دو سجده، در قنوت، در تعقیب نمازهای واجب، به دنبال تسبیح، در حج و عمره، در نماز استسقا، هنگام زیارت قبر پیامبرﷺ، هنگام طواف خانهٔ خدا، هنگام حرکت از عرفات به مَشعَر و از مَشعر به مِنا، تکرار ذکر استغفار، توصیه شده است.[۴]

---

۱. ر.ک: ص ۵۹ (برکت‌های آمرزش خواهی).

۲. ر.ک: ص ۱۰۱ (اوقات مناسب برای آمرزش خواهی).

۳. ر.ک: ص ۱۳۳ (مواقع مناسب برای آمرزش خواهی).

۴. ر.ک: ص ۱۵۳ (عبادت‌هایی که سزاوار است در آنها طلب آمرزش کرد).

تأمّل در استغفارهای رسیده از پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار ـ که در فصل هشتم آمده است ـ به روشنی، نشان دهندهٔ اهتمام فراوان آنان به این ذکر سازنده و پُربرکت است.[۱]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. ر.ک: ص ۲۴۱ (آمرزش خواهی‌های رسیده از پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ).

الفَصلُ الأوَّل

حَقيقَةُ الاِستِغفارِ

١ / ١

حَدُّ الاِستِغفارِ

٢٣٩٥ . تحف العقول عن كميل بن زياد: قُلتُ: يا أميرَ المُؤمِنينَ، العَبدُ يُصيبُ الذَّنبَ فَيَستَغفِرُ اللهَ مِنهُ، فَما حَدُّ الاِستِغفارِ؟

قالَ: يَابنَ زِيادٍ: التَّوبَةُ، قُلتُ: بَس[1]؟

قالَ: لا، قُلتُ: فَكَيفَ؟

قالَ: إنَّ العَبدَ إذا أصابَ ذَنباً يَقولُ: «أستَغفِرُ اللهَ» بِالتَّحريكِ، قُلتُ: ومَا التَّحريكُ؟

قالَ: الشَّفَتانِ وَاللِّسانُ، يُريدُ أن يَتبَعَ ذٰلِكَ بِالحَقيقَةِ، قُلتُ: ومَا الحَقيقَةُ؟

قالَ: تَصديقٌ فِي القَلبِ، وإضمارُ أن لا يَعودَ إلَى الذَّنبِ الَّذِي استَغفَرَ مِنهُ. قالَ كُمَيلٌ: فَإذا فَعَلتُ ذٰلِكَ فَأنَا مِنَ المُستَغفِرينَ؟

---

١. بَسْ بمعنىٰ حسبُ، ليس بعربي، وقد صحّحها بعضُ أئمّة اللّغة، فارسيّة تقولها العامّة (تاج العروس: ج ٨ ص ٢٠٤ «بسس»).

فصل یکم
حقیقت آمرزش خواهی

۱/۱
معنای آمرزش خواهی

۲۴۹۵ . **تحف العقول** ـ به نقل از کمیل بن زیاد ـ : گفتم : ای امیر مؤمنان! بنده، گناه می‌کند و برای آن از خدا آمرزش می‌طلبد. معنای آمرزش‌خواهی چیست؟

فرمود : «توبه، ای پسر زیاد!».

گفتم : همین و بس؟

فرمود : «نه».

گفتم : پس چه؟

فرمود : «بنده، هرگاه گناهی کند، بگوید : "از خدا آمرزش می‌خواهم" با جنبانیدن».

گفتم : جنبانیدن چه؟

فرمود : «لب‌ها و زبان، و قصدش این باشد که آن را به حقیقت بپیوندانند».

گفتم : حقیقت چیست؟

فرمود : «باور داشتن در دل و تصمیم گرفتن بر این که گناهی را که از آن آمرزش خواسته است، دیگر تکرار نکند».

کمیل [می‌گوید که] گفت [م] : اگر چنین کردم، آن گاه، من از آمرزش‌خواهان هستم؟

فرمود : «نه».

قالَ: لا. قالَ كُمَيلٌ: فَكَيفَ ذاكَ؟

قالَ: لِأَنَّكَ لَم تَبلُغ إلَى الأَصلِ بَعدُ، قالَ كُمَيلٌ: فَأَصلُ الاِستِغفارِ ما هُوَ؟

قالَ: الرُّجوعُ إلَى التَّوبَةِ مِنَ الذَّنبِ الَّذِي استَغفَرتَ مِنهُ، وهِيَ أَوَّلُ دَرَجَةِ العابِدينَ، وتَركُ الذَّنبِ، وَالاِستِغفارُ اسمٌ واقِعٌ لِمَعانٍ سِتٍّ: أَوَّلُها: النَّدَمُ عَلىٰ ما مَضىٰ، وَالثاني: العَزمُ عَلىٰ تَركِ العَودِ أَبَداً، وَالثّالِثُ: أن تُؤَدِّيَ حُقوقَ المَخلوقينَ الَّتي بَينَكَ وبَينَهُم، وَالرّابِعُ: أن تُؤَدِّيَ حَقَّ اللهِ في كُلِّ فَرضٍ، وَالخامِسُ: أن تُذيبَ اللَّحمَ الَّذي نَبَتَ عَلَى السُّحتِ وَالحَرامِ حَتّىٰ يَرجِعَ الجِلدُ إلىٰ عَظمِهِ، ثُمَّ تُنشِئَ فيما بَينَهُما لَحماً جَديداً، وَالسّادِسُ: أن تُذيقَ البَدَنَ أَلَمَ الطّاعاتِ، كَما أَذَقتَهُ لَذّاتِ المَعاصي.[1]

٢٣٩٦. الإمام عليٌّ عليه السلام ـ لِقائِلٍ قالَ بِحَضرَتِهِ: أَستَغفِرُ اللهَ ـ: ثَكِلَتكَ أُمُّكَ، أَتَدري مَا الاِستِغفارُ؟ الاِستِغفارُ دَرَجَةُ العِلِّيّينَ. وهُوَ اسمٌ واقِعٌ عَلىٰ سِتَّةِ مَعانٍ:

أَوَّلُها: النَّدَمُ عَلىٰ ما مَضىٰ.

وَالثّاني: العَزمُ عَلىٰ تَركِ العَودِ إلَيهِ أَبَداً.

وَالثّالِثُ: أن تُؤَدِّيَ إلَى المَخلوقينَ حُقوقَهُم حَتّىٰ تَلقَى اللهَ أَملَسَ لَيسَ عَلَيكَ تَبِعَةٌ.

وَالرّابِعُ: أن تَعمِدَ إلىٰ كُلِّ فَريضَةٍ عَلَيكَ ضَيَّعتَها فَتُؤَدِّيَ حَقَّها.

وَالخامِسُ: أن تَعمِدَ إلَى اللَّحمِ الَّذي نَبَتَ عَلَى السُّحتِ فَتُذيبَهُ بِالأَحزانِ حَتّىٰ تُلصِقَ الجِلدَ بِالعَظمِ، ويَنشَأَ بَينَهُما لَحمٌ جَديدٌ.

وَالسّادِسُ: أن تُذيقَ الجِسمَ أَلَمَ الطّاعَةِ، كَما أَذَقتَهُ حَلاوَةَ المَعصِيَةِ. فَعِندَ ذٰلِكَ

---

١. تحف العقول: ص ١٩٧، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٧ ح ٢٨.

کمیل [می‌گوید که] گفت[م]: چرا؟

فرمود: «چون هنوز به اصل [آمرزش‌خواهی] نرسیده‌ای.

کمیل [می‌گوید که] گفت[م]: اصل آمرزش‌خواهی چیست؟

فرمود: «روی آوردن به توبه از گناهی که از آن، آمرزش خواسته‌ای و این، نخستین درجهٔ عبادت‌پیشگان و ترک کردن گناه است. آمرزش‌خواهی، نامی است دارای شش معنا: اوّل، پشیمانی از گذشته؛ دوم، تصمیم بر این که دیگر، هرگز بدان گناه برنگردی؛ سوم، این که حقوق هر مخلوقی را که برگردن توست، اداکنی؛ چهارم، این که حقّ خدا را در هر واجبی به جا آوری؛ پنجم، این که گوشتی را که از ناروا و حرام بر تنت روییده است، آب کنی، چندان که پوست به استخوان بچسبد و سپس، گوشت تازه میان آنها بِروید؛ و ششم، این که رنج طاعات را به بدنت بچشانی، چنان که لذّت گناهان را به آن چشانده‌ای».

۲۴۹۶. امام علیﷺ ـ به گوینده‌ای که در حضور ایشان گفت: از خدا آمرزش می‌خواهم ـ: مادرت به عزایت بنشیند! آیا می‌دانی آمرزش‌خواهی چیست؟ آمرزش‌خواهی، درجهٔ بلندپایگان است، و آن، نامی است که متضمّن شش معناست:

اوّل، پشیمانی از گذشته؛

دوم، تصمیم بر این که دیگر، هرگز به گناه باز نگردی؛

سوم، این که حقوق مردمان را به آنان ادا کنی، به طوری که خداوند را در حالی دیدار کنی که کاملاً پاک باشی و هیچ حقّی از مردم برگردنت نباشد؛

چهارم، این که هر وظیفه [و واجبی] را که فرو گذارده‌ای، حقّ آن را به جا آوری.

پنجم، این که گوشتی را که از حرام [بر تنت] روییده است، با غم و اندوه‌ها آب کنی تا جایی که پوست به استخوان بچسبد و دوباره، گوشتی تازه میانشان بِروید.

و ششم، این که درد [و رنج] طاعت را به تن بچشانی، همچنان که شیرینی

تَقولُ: أستَغفِرُ اللهَ.[١]

٢ / ١
ذَمُّ الاِستِغفارِ بِلا حَقيقَةٍ

٢٤٩٧ . رسول الله ﷺ: المُستَغفِرُ بِاللِّسانِ دونَ القَلبِ كَالمُستَهزِئِ بِرَبِّهِ.[٢]

٢٤٩٨ . عنه ﷺ: التّائِبُ مِنَ الذَّنبِ كَمَن لا ذَنبَ لَهُ، وَالمُستَغفِرُ مِنَ الذَّنبِ وهُوَ مُقيمٌ عَلَيهِ كَالمُستَهزِئِ بِرَبِّهِ.[٣]

٢٤٩٩ . عنه ﷺ: ... المُستَغفِرُ مِنَ الذَّنبِ وهُوَ مُقيمٌ عَلَيهِ كَالمُستَهزِئِ بِرَبِّهِ، وإنَّ الرَّجُلَ إذا قالَ: أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ، ثُمَّ عادَ فَقالَها، ثُمَّ عادَ ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ كُتِبَ فِي الرّابِعَةِ مِنَ الكَذّابينَ.[٤]

٢٥٠٠ . عنه ﷺ ـ فيما أوصىٰ بِهِ عَلِيّاً ﷺ ـ: وأن لا تُصِرَّ عَلَى الذُّنوبِ مَعَ الاِستِغفارِ، فَتَكونَ كَالمُستَهزِئِ بِاللهِ وآياتِهِ ورُسُلِهِ.[٥]

٢٥٠١ . عنه ﷺ: يُؤتىٰ بِعِصابَةٍ مِن أُمَّتي يَومَ القِيامَةِ ـ وهُمُ القُرّاءُ ـ فَيُقالُ لَهُم: مَن كُنتُم

---

١ . نهج البلاغة: الحكمة ٤١٧، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩١ ح ٢٢٥٨، فلاح السائل: ص ٣٥٠ ح ٢٣٣ نحوه، روضة الواعظين: ص ٥٢٥، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٣٦ ح ٥٩.

٢ . ربيع الأبرار: ج ١ ص ٧٣٨.

٣ . شعب الإيمان: ج ٥ ص ٤٣٦ ح ٧١٧٨، تاريخ دمشق: ج ٥٤ ص ٧٢ ح ١١٣٦٠ كلاهما عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ٤ ص ٢٠٨ ح ١٠١٧٦؛ الكافي: ج ٢ ص ٤٣٥ ح ١٠ عن جابر عن الإمام الباقر ﷺ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٥٣ عن الإمام الصادق ﷺ وليس فيهما «بربّه»، عدّة الداعي: ص ٢٥٠ عن الإمام الرضا ﷺ وليس فيه صدره، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨١ ح ٢٢.

٤ . تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٢٣؛ الفردوس: ج ١ ص ٢٨٧ ح ١١٢٥ نحوه وليس فيه صدره، كنز العمّال: ج ٤ ص ٢٢٨ ح ١٠٢٩٠.

٥ . الخصال: ص ٥٤٣ ح ١٩ عن إسماعيل بن الفضل الهاشمي وإسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ عنه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٢ ص ١٥٥ ح ٧.

گناه را به آن چشانده‌ای. در این هنگام، بگو: "از خدا آمرزش می‌خواهم"».

۲ / ۱
نکوهش آمرزش خواهی غیر حقیقی

۲۴۹۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: کسی که [تنها] با زبان آمرزش خواهد، نه با دل، همانند کسی است که پروردگارش را ریشخند کرده باشد.

۲۴۹۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: توبه‌کنندهٔ از گناه، مانند کسی است که اصلاً گناه نکرده باشد، و کسی که از گناه، آمرزش خواهد، امّا همچنان بر آن گناه بمانَد، چونان کسی است که پروردگارش را ریشخند کند.

۲۴۹۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: ... کسی که از گناه، آمرزش خواهد، امّا همچنان بر آن گناه پای فشارد، همانند کسی است که پروردگارش را ریشخند کند. هرگاه شخص بگوید: "از خدا آمرزش می‌خواهم و به درگاه او توبه می‌کنم" و دوباره گناه کند و باز، تا سه بار همان جمله را بگوید، در بار چهارم از دروغگویان قلمداد می‌شود.

۲۵۰۰ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ از سفارش‌های ایشان به علیؑ ـ: دیگر این که با وجود آمرزش‌خواهی، بر گناهان پافشاری نکنی؛ زیرا در این صورت، همانند کسی خواهی بود که خدا و آیات او و پیامبرانش را ریشخند کند.

۲۵۰۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: در روز رستاخیز، گروهی از امّت من (یعنی قاریان) را می‌آورند و به آنان گفته می‌شود: "شما چه کسی را می‌پرستیدید؟". آنان گویند: تو را،

تَعبُدونَ؟ قالوا: إيّاكَ رَبَّنا، قالَ: فَمَن كُنتُم تَسألونَ؟ قالوا: إيّاكَ رَبَّنا، قالَ: فَمَن كُنتُم تَستَغفِرونَ؟ قالوا: إيّاكَ رَبَّنا، فَيَقولُ ﷺ: كَذَبتُم، عَبَدتُموني بِالكَلامِ، وَاستَغفَرتُموني بِالأَلسُنِ، وفَرَرتُم مِنّي بِالقُلوبِ؛ فَيُنظَمونَ في سِلسِلَةٍ ثُمَّ يُطافُ بِهِم عَلىٰ رُؤوسِ الخَلائِقِ فَيُقالُ: هٰؤُلاءِ كَذّابو أُمَّةِ مُحَمَّدٍ.[1]

٢٥٠٢ . **الإمام عليّ** ﷺ: الاِستِغفارُ مَعَ الإِصرارِ ذُنوبٌ مُجَدَّدَةٌ.[2]

٢٥٠٣ . **عنه** ﷺ: مِنَ الغِرَّةِ بِاللهِ أن يُصِرَّ العَبدُ[3] عَلَى المَعصِيَةِ، ويَتَمَنّىٰ عَلَى اللهِ المَغفِرَةَ.[4]

٢٥٠٤ . **الإمام الرضا** ﷺ: سَبعَةُ أشياءَ بِغَيرِ سَبعَةِ أشياءَ مِنَ الاِستِهزاءِ: مَنِ استَغفَرَ بِلِسانِهِ ولَم يَندَم فَقَدِ استَهزَأَ بِنَفسِهِ... .[5]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . كنز العمّال: ج ١٠ ص ٢٧١ ح ٢٩٤١٨ نقلاً عن أبي الشيخ في كتاب الثواب عن أبان.

٢ . تحف العقول: ص ٢٢٣، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٦٣ ح ١٥٠.

٣ . في المصدر: «إنّ من العزّة بالله أن يصبر ...»، والتصويب من بحار الأنوار والمصادر الأُخرى.

٤ . الأمالي للطوسي: ص ٥٨٠ ح ١٢٠٠ عن عبد الله بن محمّد بن عبيد عن الإمام الهادي عن آبائه عن الإمام الصادق ﷺ، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٥١ وص ٧٢، أعلام الدين: ص ٢١٠، غرر الحكم: ح ٩٤٠٤، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٨٨ ح ٥٢؛ دستور معالم الحكم: ص ٢٥.

٥ . كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٣٠ عن أيّوب بن نوح، معدن الجواهر: ص ٥٩ نحوه، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٠ وفيهما بزيادة «بقلبه» بعد «يندم»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٥٦ ح ١١.

ای پروردگار ما! خداوند به آنان می‌فرماید: "از چه کسی درخواست می‌کردید؟"؛ می‌گویند: از تو، ای پروردگار ما! خداوند می‌فرماید: "از چه کسی آمرزش می‌طلبیدید؟". می‌گویند: از تو، ای پروردگار ما! خداوندﷻ می‌فرماید: "دروغ می‌گویید. شما در حرف، مرا پرستیدید و به زبان، از من آمرزش طلبیدید؛ امّا با دل از من گریختید". در این هنگام، آنان را به زنجیر می‌کِشند و در برابر خلایق می‌چرخانند و گفته می‌شود: "اینان، دروغگویان امّت محمّدند"».

۲۵۰۲. **امام علی**ؑ: آمرزش خواستن با وجود ادامه دادن [برگناه]، گناهانی نو شونده‌اند.

۲۵۰۳. **امام علی**ؑ: از گستاخی [و بی‌توجّهی] به خداست که بنده، برگناه و نافرمانی او پای فشارد و [با این حال] توقّع آمرزش از خدا داشته باشد.

۲۵۰۴. **امام رضا**ؑ: هفت چیز، بدون هفت چیز، نشانهٔ ریشخند کردن است: کسی که به زبانش آمرزش بطلبد، ولی [از گناهش] پشیمان نباشد، در واقع، خود را ریشخند کرده است....

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصْلُ الثَّاني

الحَثُّ عَلَى الاِسْتِغْفارِ وَالتَّحْذيرِ مِنْ تَرْكِهِ

١ / ٢
الحَثُّ عَلَى الاِسْتِغْفارِ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الكتاب

﴿وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾.[١]

﴿وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.[٢]

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ﴾.[٣]

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾.[٤]

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾.[٥]

---

١. هود: ٩٠.

٢. المزّمّل: ٢٠.

٣. فصّلت: ٦.

٤. غافر: ٥٥.

٥. النصر: ١ـ٣.

فصل دوم

تشویق به آمرزش خواهی و برحذر داشتن از وانهادن آن

۱/۲
تشویق به آمرزش خواهی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

قرآن

﴿و از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگار من، مهربان و دوستدار است﴾.

﴿و از خدا آمرزش بخواهید، که خدا آمرزگار و مهربان است﴾.

﴿بگو: من هم بشری مانند شما هستم که به من، وحی می‌شود، که معبود شما در حقیقت، معبودی یکتاست. پس به سوی او بِایستید و از او آمرزش بخواهید؛ و وای بر مشرکان﴾.

﴿پس شکیبا باش که وعدهٔ خدا، راست است، و برای گناهت آمرزش بخواه و در شامگاهان و بامدادان، پروردگارت را به پاکی بستای﴾.

﴿هرگاه یاری خدا و پیروزی فرا رسد. و کسان را می‌بینی که گروه گروه، به دین خدا درمی‌آیند. پس پروردگارت را به پاکی بستای و از او آمرزش بخواه که او توبه‌پذیر است﴾.

الحديث

٢٥٠٥ . رسول اللهﷺ ـ مِن وَصِيَّتِهِ لِعَلِيٍّ ﷺ ـ: وعَلَيكَ بِالاِستِغفارِ.[١]

٢٥٠٦ . عنه ﷺ ـ أيضاً ـ: وعَلَيكَ بِالاِستِغفارِ فَإِنَّهَا المَنجاةُ.[٢]

٢٥٠٧ . عنه ﷺ: عَوِّدوا أَلسِنَتَكُمُ الاِستِغفارَ، فَإِنَّ اللهَ لَم يُعَلِّمكُمُ الاِستِغفارَ إلّا وهُوَ يُريدُ أن يَغفِرَ لَكُم.[٣]

٢٥٠٨ . عنه ﷺ: إنِ استَطَعتُم أن تُكثِروا مِنَ الاِستِغفارِ فَافعَلوا، فَإِنَّهُ لَيسَ شَيءٌ أنجَحَ عِندَ اللهِ ولا أَحَبَّ إلَيهِ مِنهُ.[٤]

٢٥٠٩ . عنه ﷺ: إذا ماتَ أَحَدُكُم فَقَد قامَت قِيامَتُهُ، فَاعبُدُوا اللهَ كَأَنَّكُم تَرَونَهُ، وَاستَغفِروهُ كُلَّ ساعَةٍ.[٥]

٢٥١٠ . عنه ﷺ: مَن أَحَبَّ أن تَسُرَّهُ صَحيفَتُهُ، فَليُكثِر فيها مِنَ الاِستِغفارِ.[٦]

٢٥١١ . عنه ﷺ: الاِستِغفارُ فِي الصَّحيفَةِ يَتَلأْلأُ نوراً.[٧]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦١ ح ٥٧٦٢ عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٢٦ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٥٨ ح ٣٩٦٦.

٢ . الجعفريات: ص ١٨٦، النوادر للراوندي: ص ٩٢ ح ٢٩ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه ﷺ، الدعوات: ص ٢٢٧ ح ٦٢٩، جامع الأحاديث للقمّي: ص ٨٦ وفيه «ممحاة» بدل «منجاة»، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٤٠٣ ح ١٠٥.

٣ . تاريخ بغداد: ج ١٤ ص ٢٠٦ عن سلمان؛ الدعوات: ص ٣١ ح ٦٤، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٣ ح ٣٠.

٤ . كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٧ ح ٢٠٨٠ نقلاً عن الحكيم عن أبي الدرداء.

٥ . الفردوس: ج ١ ص ٢٨٥ ح ١١١٧، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٦٨٦ ح ٤٢٧٤٨ نقلاً عن ابن لال في مكارم الأخلاق وكلاهما عن أنس.

٦ . المعجم الأوسط: ج ١ ص ٢٥٦ ح ٨٣٩، الدعاء للطبراني: ص ٥٠٦ ح ١٧٨٧، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٤١ ح ٦٤٨ كلّها عن الزبير بن العوّام، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٥ ح ٢٠٦٥.

٧ . الفردوس: ج ١ ص ١٢٤ ح ٤٢٩ عن معاوية بن حيدة، تاريخ دمشق: ج ٢٢ ص ١٧٧ ح ٤٩١١ عن بهز بن حكيم عن أبيه عن جدّه، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٥ ح ٢٠٦٤.

حدیث

۲۵۰۵ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در سفارش به علی‌ؑ ـ: بر تو باد آمرزش‌خواهی!

۲۵۰۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: بر تو باد آمرزش‌خواهی؛ زیرا آن، وسیلهٔ نجات است!

۲۵۰۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: زبان‌هایتان را به آمرزش‌خواهی عادت دهید؛ زیرا خداوند، آمرزش‌خواهی را به شما نیاموخت، مگر برای این که می‌خواهد شما را بیامرزد.

۲۵۰۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: اگر توانستید بسیار آمرزش‌خواهی کنید، چنین کنید؛ زیرا در نزد خداوند، چیزی مؤثّرتر و دوست داشتنی‌تر از آن نیست.

۲۵۰۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه یکی از شما بمیرد، [همان دم] قیامتش برپا می‌شود. پس خدا را چنان بپرستید که گویی او را می‌بینید و هر دَم، از او آمرزش بطلبید.

۲۵۱۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرکس دوست دارد که نامهٔ اعمالش او را خوش حال گرداند، پس بر آمرزش‌خواهی در آن بیفزاید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۵۱۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: آمرزش‌خواهی، در نامهٔ اعمال، چون نور می‌درخشد.

٢٥١٢ . عنه ﷺ: عَلَيكُم بِلا إلٰهَ إلَّا اللهُ وَالاِستِغفارِ، فَأَكثِروا مِنهُما؛ فَإِنَّ إبليسَ قالَ: أهلَكتُ النّاسَ بِالذُّنوبِ فَأَهلَكوني بِلا إلٰهَ إلَّا اللهُ وَالاِستِغفارِ، فَلَمّا رَأَيتُ ذٰلِكَ، أهلَكتُهُم بِالأَهواءِ، وهُم يَحسَبونَ أنَّهُم مُهتَدونَ.[١]

٢٥١٣ . مجمع الزوائد عن أنس: جاءَ رَجُلٌ إلىٰ رَسولِ اللهِ ﷺ فَقالَ: يا رَسولَ اللهِ، إنّي أذنَبتُ، فَقالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: إذا أذنَبتَ فَاستَغفِر رَبَّكَ، قالَ: فَإِنّي أستَغفِرُهُ ثُمَّ أعودُ فَأُذنِبُ، قالَ: فَإِذا أذنَبتَ فَعُد فَاستَغفِر رَبَّكَ، قالَ: فَإِنّي أستَغفِرُ ثُمَّ أعودُ فَأُذنِبُ، قالَ: إذا أذنَبتَ فَعُد فَاستَغفِر رَبَّكَ، فَقالَها فِي الرّابِعَةِ، فَقالَ: إذا أذنَبتَ فَاستَغفِر رَبَّكَ حَتّى يَكونَ الشَّيطانُ هُوَ المَخسورُ.[٢]

٢٥١٤ . الإمام عليّ ﷺ: عَجِبتُ لِمَن يَقنَطُ ومَعَهُ الاِستِغفارُ.[٣]

٢٥١٥ . الدعوات: قالَ أميرُ المُؤمِنينَ ﷺ: العَجَبُ لِمَن يَهلِكُ وَالنَّجاةُ مَعَهُ، قيلَ: وما هِيَ؟ قالَ: الاِستِغفارُ.[٤]

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

٢٥١٦ . الإمام عليّ ﷺ: الاِستِغفارُ أعظَمُ جَزاءً وأسرَعُ مَثوبَةً.[٥]

٢٥١٧ . عنه ﷺ ـ مِن مَواعِظِهِ ﷺ ـ: أطِعِ اللهَ سُبحانَهُ في كُلِّ حالٍ، ولا تُخلِ قَلبَكَ مِن

---

١ . مسند أبي يعلى: ج ١ ص ٩٩ ح ١٣١، السنّة لابن أبي عاصم: ج ١ ص ٩ ح ٧، الفردوس: ج ٣ ص ١٥ ح ٤٠١٩ كلاهما بزيادة «فلا يستغفرون» في آخره وكلّها عن أبي بكر، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٢٠ ح ١٧٩٢.

٢ . مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ٣٣٢ ح ١٧٥٣٢ نقلاً عن البزّار، الدعاء للطبراني: ص ٥٠٤ ح ١٧٨٢، تفسير ابن كثير: ج ٢ ص ١٠٥ كلاهما نحوه وفيهما «المحسور» بدل «المخسور».

٣ . نهج البلاغة: الحكمة ٨٧، غرر الحكم: ح ٦٢٥٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٤ ح ٣١.

٤ . الدعوات: ص ٣١ ح ٦٥، الأمالي للطوسي: ص ٨٨ ح ١٣٤ وفيه «الممحاة» بدل «النجاة»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٩ ح ٢٢٤٥ وفيهما «يقنط» بدل «يهلك»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٣ ح ٣٠؛ كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٥٨ ح ٣٩٦٥ نقلاً عن الدينوري.

٥ . غرر الحكم: ح ١٤٩٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨ ح ٣٦٨ وفيه «أجراً» بدل «جزاء».

۲۵۱۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: بر شما باد گفتن «لا إله إلّا الله» و طلبِ آمرزش. این دو را بسیار بگویید؛ زیرا ابلیس گفت: من، مردم را با گناهان نابود کردم و آنان با «لا إله إلّا الله» و طلب آمرزش، مرا نابود کردند. پس چون چنین دیدم، آنان را با هوا و هوس نابود کردم، در حالی که گمان می‌کنند در راه راست هستند.

۲۵۱۳ . **مجمع الزوائد** ـ به نقل از أنَس ـ: مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من مرتکب گناه شده‌ام.

پیامبر خدا فرمود: «هرگاه گناهی کردی، از پروردگارت طلب آمرزش کن».

مرد گفت: من از او طلب آمرزش می‌کنم، امّا دوباره مرتکب گناه می‌شوم.

فرمود: «چون دوباره گناه کردی، دوباره از پروردگارت طلب آمرزش کن».

مرد گفت: طلب آمرزش می‌کنم؛ ولی باز هم گناه می‌کنم.

فرمود: «چون گناه کردی، باز هم از پروردگارت طلب آمرزش کن».

مرد بار چهارم همان جمله را گفت. پیامبرﷺ فرمود: «چون گناه کردی، باز از پروردگارت طلب آمرزش کن، چندان که [سرانجام] شیطان، بازنده [و مأیوس] (/گم و گور) شود».

۲۵۱۴ . **امام علی**ؑ: در شگفتم از کسی که آمرزش‌خواهی را دارد و با این حال، نومید می‌شود!

۲۵۱۵ . **الدعوات**: امیر مؤمنانؑ فرمود: «تعجّب است از کسی که [وسیلهٔ] نجات را با خود دارد و با این حال، نابود می‌شود».

گفته شد: آن وسیلهٔ نجات چیست؟

فرمود: «آمرزش‌خواهی».

۲۵۱۶ . **امام علی**ؑ: آمرزش‌خواهی، بزرگ‌ترین و سریع‌ترین پاداش را در پی دارد.

۲۵۱۷ . **امام علی**ؑ: از اندرزهای ایشان ـ: خداوند سبحان را در همه حال، اطاعت کن

خَوفِهِ ورَجائِهِ طَرفَةَ عَينٍ، وَالزَمِ الاِستِغفارَ.[١]

٢٥١٨ . **عنه**ﷺ: ثَلاثٌ يُبلِغنَ بِالعَبدِ رِضوانَ اللهِ: كَثرَةُ الاِستِغفارِ، وخَفضُ الجانِبِ، وكَثرَةُ الصَّدَقَةِ.[٢]

٢٥١٩ . **عنه**ﷺ: التَّوبَةُ عَلىٰ أربَعِ دَعائِمَ: نَدَمٍ بِالقَلبِ، وَاستِغفارٍ بِاللِّسانِ وعَمَلٍ بِالجَوارِحِ، وعَزمٍ أن لا يَعودَ.[٣]

٢٥٢٠ . **تحف العقول**: قيلَ لَهُ [لِلإمامِ عَلِيٍّﷺ]: مَا التَّوبَةُ النَّصوحُ؟

فَقالَﷺ: نَدَمٌ بِالقَلبِ، وَاستِغفارٌ بِاللِّسانِ، وَالقَصدُ عَلىٰ أن لا يَعودَ.[٤]

٢٥٢١ . **الإمام عليّ**ﷺ: النَّدَمُ استِغفارٌ.[٥]

٢٥٢٢ . **الإمام زين العابدين**ﷺ ـ في ذِكرِ أحوالِ أبيهِ لَيلَةَ عاشوراءَ ـ: رَجَعَﷺ إلىٰ مَكانِهِ، فَقامَ اللَّيلَ كُلَّهُ يُصَلّي ويَستَغفِرُ ويَدعو ويَتَضَرَّعُ، وقامَ أصحابُهُ كَذٰلِكَ يُصَلّونَ ويَدعونَ ويَستَغفِرونَ.[٦]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٥٢٣ . **الإمام الباقر**ﷺ ـ في وَصِيَّتِهِﷺ لِجابِرِ بنِ يَزيدَ الجُعفِيِّ ـ: وَاستَرجِع سالِفَ الذُّنوبِ بِشِدَّةِ النَّدَمِ وكَثرَةِ الاِستِغفارِ، وتَعَرَّض لِلرَّحمَةِ وعَفوِ اللهِ بِحُسنِ المُراجَعَةِ، وَاستَعِن عَلىٰ حُسنِ المُراجَعَةِ بِخالِصِ الدُّعاءِ وَالمُناجاةِ فِي الظُّلَمِ.[٧]

٢٥٢٤ . **الإمام الصادق**ﷺ ـ في ذِكرِ جُنودِ العَقلِ وَالجَهلِ ـ:... وَالتَّوبَةُ وضِدُّهَا الإصرارُ،

---

١ . غرر الحكم: ح ٢٤٤٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٦ ح ٢٠٦٠.

٢ . كشف الغمّة: ج ٣ ص ١٣٩، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٨١ ح ٧٤.

٣ . كشف الغمّة: ج ٣ ص ١٣٩، غرر الحكم: ح ٢٠٧٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٨١ ح ٧٤.

٤ . تحف العقول: ص ٢١٠، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٤٨ ح ٦٦.

٥ . غرر الحكم: ح ١٧٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٠ ح ١٥٣٩.

٦ . الإرشاد: ج ٢ ص ٩٤، إعلام الورى: ج ١ ص ٤٥٧، بحار الأنوار: ج ٤٥ ص ٣.

٧ . تحف العقول: ص ٢٨٥، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٦٤ ح ١.

و یک چشم به هم زدن، دل خود را از بیم و امید او تهی مدار، و پیوسته آمرزش بخواه.

۲۵۱۸ . **امام علی**ﷺ: سه چیز است که بنده را به خشنودی خدا می‌رساند: بسیار آمرزش خواستن، فروتن بودن، و بسیار صدقه دادن.

۲۵۱۹ . **امام علی**ﷺ: توبه، بر چهار ستونْ استوار است: پشیمانی در دل، آمرزش‌خواهی به زبان، تحقّق بخشیدن [به آن] در عمل، و تصمیم گرفتن به تکرار نکردن [گناه].

۲۵۲۰ . **تحف العقول**: به امام علیﷺ گفته شد: توبهٔ خالص (نصوح) چیست؟

فرمود: «پشیمانی در دل، آمرزش‌خواهی به زبان، و تصمیم بر باز نگشتن [به گناه]».

۲۵۲۱ . **امام علی**ﷺ: پشیمانی [از گناه]، همان آمرزش‌خواهی است.

۲۵۲۲ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در بیان احوال پدرش امام حسینﷺ در شب عاشورا ـ: به جای خویش باز گشت و سراسر شب را به نماز و آمرزش‌خواهی و دعا و زاری پرداخت، و یارانش نیز نماز می‌خواندند و دعا می‌کردند و آمرزش می‌خواستند.

۲۵۲۳ . **امام باقر**ﷺ ـ در سفارش به جابربن یزید جُعْفی ـ: و از گناهان گذشته‌ات، در نهایتِ پشیمانی و با آمرزش‌خواهی بسیار، دست بردار و با بازگشت درست [از گناهان] خود را در معرض رحمت و بخشایش خداوند قرار ده و برای بازگشت درست، از دعای خالصانه و راز و نیاز در دلِ تاریکی‌ها[ی شب]، کمک بگیر.

۲۵۲۴ . **امام صادق**ﷺ ـ در بیان لشکریان خِرد و نادانی ـ: توبه و ضدّ آن، که پافشاری

وَالاِستِغفارُ وضِدُّهُ الاِغتِرارُ.[١]

٢٥٢٥ . عنه ﷺ: إذا أحسَنتُم فَاحمَدُوا اللهَ، وإذا أسَأتُم فَاستَغفِرُوا اللهَ.[٢]

٢٥٢٦ . عنه ﷺ ـ مِن وَصِيَّتِهِ لِعَبدِ اللهِ بنِ جُندَبٍ ـ: يَابنَ جُندَبٍ، حَقٌّ عَلىٰ كُلِّ مُسلِمٍ يَعرِفُنا أن يَعرِضَ عَمَلَهُ في كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ عَلىٰ نَفسِهِ، فَيَكونَ مُحاسِبَ نَفسِهِ، فَإن رَأىٰ حَسَنَةً استَزادَ مِنها، وإن رَأىٰ سَيِّئَةً استَغفَرَ مِنها؛ لِئَلّا يَخزىٰ يَومَ القِيامَةِ.[٣]

٢٥٢٧ . عنه ﷺ: ثَلاثٌ لا يَضُرُّ مَعَهُنَّ شَيءٌ: الدُّعاءُ عِندَ الكَربِ، وَالاِستِغفارُ عِندَ الذَّنبِ، وَالشُّكرُ عِندَ النِّعمَةِ.[٤]

٢٥٢٨ . الإمام العسكري ﷺ ـ مِن دُعائِهِ فِي الصَّباحِ ـ: وأعِنّي عَلَى استِغفارِكَ وَاستِقالَتِكَ، قَبلَ أن يَفنَى الأَجَلُ، ويَنقَطِعَ الأَمَلُ.[٥]

٢ / ٢
الحَثُّ عَلىٰ كَثرَةِ الاِستِغفارِ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

أ ـ كَثرَةُ استِغفارِ النَّبِيِّ ﷺ

٢٥٢٩ . السنن الكبرى للنسائي عن أبي هريرة: ما رَأَيتُ أحَداً أكثَرَ أن يَقولَ: «أستَغفِرُ اللهَ

---

١ . الكافي: ج ١ ص ٢٢ ح ١٤، الخصال: ص ٥٩١ ح ١٣، علل الشرايع: ص ١١٥ ح ١٠، المحاسن: ج ١ ص ٣١٤ ح ٦٢٠ كلّها عن سماعة بن مهران، بحار الأنوار: ج ١ ص ١١١ ح ٧.

٢ . مشكاة الأنوار: ص ٦٦ ح ٩٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٣ ح ١٧.

٣ . تحف العقول: ص ٣٠١، إرشاد القلوب: ص ١٨٢ عن أبي الحسن ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٧٩ ح ١.

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٩٥ ح ٧، الأمالي للطوسي: ص ٢٠٤ ح ٣٤٩ كلاهما عن عبيد الله بن الوليد، إرشاد القلوب: ص ٨٤، أعلام الدين: ص ١١٩ عن محمّد بن أبي زينب وليس فيه صدره وزاد في آخره «من أخلاق المؤمنين»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٩ ح ٦.

٥ . مُهَج الدعوات: ص ٣٣٣، المصباح للكفعمي: ص ١١٥، البلد الأمين: ص ٦١ وفيهما «العمل» بدل «الأمل»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٧٦ ح ٤٥.

[بر گناه] است، و آمرزش‌خواهی و ضدّ آن، که غفلت‌زدگی است.

۲۵۲۵ . **امام صادق**ﷺ: هرگاه کار نیکی کردید، خدا را ستایش گویید، و هرگاه کار بد [و گناهی] کردید، از خدا آمرزش بخواهید.

۲۵۲۶ . **امام صادق**ﷺ ـ ایشان به عبد الله بن جندب ـ: ای پسر جندب! بر هر مسلمانی که به ما اعتقاد دارد، لازم است که در روز و شب، کردار خود را بر خویشتن عرضه کند و حسابرسِ خود باشد. اگر نیکی دید، بر آن بیفزاید و اگر کردار بدی از خود مشاهده کرد، از آن آمرزش بخواهد تا در روز رستاخیز، سرافکنده نشود.

۲۵۲۷ . **امام صادق**ﷺ: سه چیز است که با وجود آنها، هیچ چیز گزندی نمی‌رساند: دعا کردن در هنگام رنج [و گرفتاری]، آمرزش خواستن در هنگام گناه، و سپاس گزاری در هنگام برخورداری از نعمت.

۲۵۲۸ . **امام عسکری**ﷺ ـ از دعای ایشان در صبحگاه ـ: کمکم فرما تا از تو آمرزش و پوزش بخواهم، پیش از آن که عمر به سر آید و امید، قطع شود.

۲ / ۲
تشویق به آمرزش خواهی بسیار

الف ـ بسیار آمرزش خواستن پیامبرﷺ

۲۵۲۹ . **السنن الکبری**، نسائی ـ به نقل از ابوهُرَیره ـ: هیچ کس را ندیدم که بیشتر از پیامبر

مِن رَسولِ اللهِ ﷺ.[١]

٢٥٣٠ . **صحيح البخاري عن عائشة:** كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ يُكثِرُ أن يَقولَ في رُكوعِهِ وسُجودِهِ: سُبحانَكَ اللّهُمَّ رَبَّنا وبِحَمدِكَ، اللّهُمَّ اغفِر لي.[٢]

٢٥٣١ . **صحيح مسلم عن عائشة:** كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ يُكثِرُ أن يَقولَ قَبلَ أن يَموتَ: سُبحانَكَ وبِحَمدِكَ، أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.[٣]

٢٥٣٢ . **رسول الله ﷺ:** إنّي لَأَستَغفِرُ اللهَ فِي اليَومِ سَبعينَ مَرَّةً.[٤]

٢٥٣٣ . **الكافي عن الحارث بن المغيرة عن الإمام الصادق ﷺ:** كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ يَستَغفِرُ اللهَ ﷻ في كُلِّ يَومٍ سَبعينَ مَرَّةً، ويَتوبُ إلَى اللهِ ﷻ سَبعينَ مَرَّةً.

قالَ: قُلتُ: كانَ يَقولُ: أستَغفِرُ اللهَ وأتوبُ إلَيهِ؟ قالَ: كانَ يَقولُ: «أستَغفِرُ اللهَ، أستَغفِرُ اللهَ» سَبعينَ مَرَّةً، ويَقولُ: «وأتوبُ إلَى اللهِ، وأتوبُ إلَى اللهِ» سَبعينَ مَرَّةً.[٥]

٢٥٣٤ . **رسول الله ﷺ:** وَاللهِ، إنّي لَأَستَغفِرُ اللهَ وأتوبُ إلَيهِ فِي اليَومِ أكثَرَ مِن سَبعينَ مَرَّةً.[٦]

---

١ . السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١١٨ ح ١٠٢٨٨، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٢٠٧ ح ٩٢٨، مسند الشاميّين: ج ١ ص ١٦٩ ح ٢٨٤، عمل اليوم والليلة لابن السنّي: ص ١٣٠ ح ٣٦٣، تاريخ دمشق: ج ١٦ ص ١٢٠ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٦١ ح ٣٩٧٠.

٢ . صحيح البخاري: ج ٤ ص ١٩٠١ ح ٤٦٨٤، صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥٠ ح ٢١٧، سنن أبي داود: ج ١ ص ٢٣٢ ح ٨٧٧، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٢٨٧ ح ٨٨٩، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٩٣ ح ٢٤٢١٨، كنز العمّال: ج ٨ ص ٢٢٦ ح ٢٢٦٧٠.

٣ . صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥١ ح ٢١٨، المعجم الصغير: ج ١ ص ٢٤١ عن أُمّ سلمة، تفسير الطبري: ج ١٥ الجزء ٣٠ ص ٣٣٤، مسند إسحاق بن راهويه: ج ٣ ص ٨٠٧ ح ١٤٤٢، كنز العمّال: ج ٢ ص ٥٦١ ح ٤٧٣١.

٤ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٣٨٣ ح ٣٢٥٩، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٣٨ ح ٦٣٨ كلاهما عن أبي هريرة، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٥٤ ح ٣٨١٦ عن أبي موسى وزاد فيه «وأتوب إليه» بعد «لأستغفر الله»، الدعاء للطبراني: ص ٥١٥ ح ١٨٣٦ عن أنس، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٧ ح ٢٠٧٧.

٥ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠٥ ح ٥، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٢ ح ٢٢٦٠، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٧٣ ح ١٩٥، عدّة الداعي: ص ٢٥٠ كلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٩٧ ح ٥٨.

٦ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٢٤ ح ٥٩٤٨، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٢٣ ح ٧٧٩٨، شعب الإيمان: ج ٥ ص ٣٨٠ ح ٧٠٢٣، حلية الأولياء: ج ٧ ص ٣٢٥، تاريخ دمشق: ج ٤٣ ص ٢٠٥ ح ٩١٥٤ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٧٠.

خدا بگوید: «از خدا آمرزش می‌طلبم و به درگاه او، توبه می‌کنم».

۲۵۳۰ . **صحیح البخاری** ـ به نقل از عایشه ـ: پیامبر خدا، در رکوع و سجودش بسیار می‌گفت: پاکا تو ـ خدایا، پروردگارا ـ و ستایش، تو را! بار خدایا! مرا بیامرز».

۲۵۳۱ . **صحیح مسلم** ـ به نقل از عایشه ـ: پیامبر خدا، پیش از آن که درگذرد، فراوان می‌گفت: «پاکا تو و ستایش، تو را! از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاه تو، توبه می‌کنم».

۲۵۳۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: من، در روز، هفتاد بار از خدا آمرزش می‌خواهم.

۲۵۳۳ . **الکافی** ـ به نقل از حارث بن مغیره ـ: امام صادق﵇ فرمود: «پیامبر خدا، روزی هفتاد بار از خداوند ﷻ آمرزش می‌طلبید و هفتاد بار به درگاه او، توبه می‌کرد».

گفتم: می‌فرمود: «از خدا آمرزش می‌خواهم و به درگاه او، توبه می‌کنم»؟[1]

فرمود: «[نه، بلکه] هفتاد بار می‌گفت: "از خدا، آمرزش می‌خواهم. از خدا، آمرزش می‌خواهم" و هفتاد بار می‌گفت: "و به درگاه خدا، توبه می‌برم. به درگاه خدا، توبه می‌برم"».

۲۵۳۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: به خدا سوگند، من در روز، بیش از هفتاد بار از خدا آمرزش می‌طلبم و به درگاهش، توبه می‌کنم.

---

۱ . یعنی: این دو جمله را، با هم، هفتاد بار می‌گفت؟

٢٥٣٥ . عنه ﷺ: إنّي لَأَستَغفِرُ اللهَ وأتوبُ إلَيهِ فِي اليَومِ مِئَةَ مَرَّةٍ.[١]

٢٥٣٦ . عنه ﷺ: إنَّهُ لَيُغانُ[٢] عَلىٰ قَلبي، وإنّي لَأَستَغفِرُ اللهَ فِي اليَومِ مِئَةَ مَرَّةٍ.[٣]

٢٥٣٧ . السنن الكبرى للنسائي عن حذيفة بن اليمان: قُلتُ: يا رَسولَ اللهِ، إنّي رَجُلٌ ذَرِبُ[٤] اللِّسانِ، وإنَّ عامَّةَ ذٰلِكَ عَلىٰ أهلي، قالَ: فَأَينَ أنتَ مِنَ الاِستِغفارِ؟ إنّي لَأَستَغفِرُ اللهَ فِي اليَومِ ـ أو قالَ فِي اليَومِ وَاللَّيلَةِ ـ مِئَةَ مَرَّةٍ.[٥]

٢٥٣٨ . الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ يَتوبُ إلَى اللهِ ويَستَغفِرُهُ في كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ مِئَةَ مَرَّةٍ مِن غَيرِ ذَنبٍ.[٦]

---

١ . سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٥٤ ح ٣٨١٥، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٣٨٣ ح ٣٢٥٩ وليس فيه «وأتوب إليه»، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١١٤ ح ١٠٢٦٨، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٧٠ ح ٤ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٣ ح ٢١١٤.

٢ . الغَين لغةٌ في الغَيم، وغانَ على قلبي كذا: أي غطّاه. وقال القاضي: لمّا كان قلب النبيّ ﷺ أتمّ القلوب صفاءً... وكان ﷺ مبيّناً مع ذلك لشرائع الملّة وتأسيس السنّة، ميسّراً غير معسّر، لم يكن له بُدٌّ من النزول إلى الرُّخَص والالتفات إلى حظوظ النفس، مع ما كان متمتّعاً به من أحكام البشريّة، فكأنّه إذا تعاطىٰ شيئاً من ذلك أسرَعَ كدورةٌ ما إلى القلب لكمال رقّته، وفرط نورانيّته... وكان ﷺ إذا أحسّ بشيء من ذلك عدّه على النفس ذنباً فاستغفر منه، انتهىٰ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٣٤٩ «غين»).

٣ . صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٥ ح ٤١، سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٨٥ ح ١٥١٥، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١١٦ ح ١٠٢٧٦، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٢٥٦ ح ٧٨٦٥ كلّها عن الأغرّ المُزَنيّ، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٧٥؛ المجازات النبويّة: ص ٣٩٠ ح ٣٠٦، جامع الأخبار: ص ١٤٧ ح ٣٣١، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٢ ح ٢٣.

٤ . الذَّرِب: الحادّ من كلّ شيء. ولسانٌ ذَرِبٌ وفيه ذَرابَة: أي حِدَّة (الصحاح: ج ١ ص ١٢٧ «ذرب»).

٥ . السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١١٧ ح ١٠٢٨٢، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٦٩١ ح ١٨٨١، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٥٤ ح ٣٨١٧، سنن الدارمي: ج ٢ ص ٧٥٨ ح ٢٦٢٣، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ١٠٢ ح ٢٣٤٣١ والثلاثة الأخيرة نحوه.

٦ . الكافي: ج ٢ ص ٤٥٠ ح ٢، معاني الأخبار: ص ٣٨٤، تفسير القمّي: ج ٢ ص ٢٧٧ كلّها عن عليّ بن رئاب، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٢٧٦ ح ٤.

۲۵۳۵ . پیامبر خداﷺ: من، روزی صد بار از خدا طلب آمرزش می‌کنم و به درگاهش، توبه می‌برم.

۲۵۳۶ . پیامبر خداﷺ: گاه دلم را تیرگی می‌گیرد و من، روزی صد بار، از خدا آمرزش می‌طلبم.[۱]

۲۵۳۷ . السنن الکبری، نسائی ـ به نقل از حُذَیفة بن یمان ـ: گفتم: ای پیامبر خدا! من، مردی تند زبانم و بیشتر هم با خانواده‌ام (/ همسرم) چنین‌ام.

فرمود: «پس آمرزش‌خواهی‌ات کجا رفته است؟ من، خود، در روز (یا فرمود: در شبانه روز) صد بار از خداوند، آمرزش می‌طلبم.

۲۵۳۸ . امام صادقؑ: پیامبر خدا، شبانه روزی صد مرتبه به درگاه خدا، توبه می‌کرد و از او آمرزش می‌طلبید، بدون آن که گناهی از ایشان، سر زده باشد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

۱ . قاضی گفته است: با وجود این که دل پیامبرﷺ ـ که پاک‌ترین دل‌هاست ـ ... و با همین، شرایع دین را تشریح می‌کند و سنّت و سیرهٔ آسان و بی درد سر، بنیاد می‌گذارد، چاره‌ای هم ندارد که رخصت‌گاه‌هایی را برای خود، در نظر بگیرد و به نصیب و بهرهٔ نفس هم توجّه نماید. از سوی دیگر، مشغول احکام بشری هم هست. گویی وقتی با چنین اموری، داد و ستد برقرار می‌کند، به دلیل رقّت قلب و نورانیت فراوان آن، تیرگی در جانش پدید می‌آید و هنگامی که احساس تیرگی می‌کند، آن را برای خود، گناه به شمار می‌آورد و از آن، طلب آمرزش می‌نماید.

ب ـ كَثرَةُ استِغفارِ أبي الحَسَنِ الكاظِمِ عليه السلام

٢٥٣٩ . الزهد للحسين بن سعيد عن إبراهيم بن أبي البلاد: قالَ أبُو الحَسَنِ عليه السلام : إنّي أستَغفِرُ اللهَ في كُلِّ يَومٍ خَمسَةَ آلافِ مَرَّةٍ. ثُمَّ قالَ لي: خَمسَةُ آلافٍ كَثيرٌ.[١]

٣ / ٢
فَضلُ المُستَغفِرِ

الكتاب

﴿وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّـٰهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ * فَغَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ﴾.[٢]

الحديث

٢٥٤٠ . رسول الله صلى الله عليه وآله: أفلَحَ مَن وَجَدَ في صَحيفَتِهِ استِغفاراً كَثيراً.[٣]

٢٥٤١ . عنه صلى الله عليه وآله: طوبىٰ لِمَن وَجَدَ في صَحيفَتِهِ استِغفاراً كَثيراً.[٤]

٢٥٤٢ . عنه صلى الله عليه وآله: طوبىٰ لِمَن وَجَدَ في صَحيفَةِ عَمَلِهِ يَومَ القِيامَةِ تَحتَ كُلِّ ذَنبٍ: أستَغفِرُ اللهَ.[٥]

٢٥٤٣ . عنه صلى الله عليه وآله: إنَّ المُؤمِنَ إذا أحسَنَ استَبشَرَ، وإذا أساءَ استَغفَرَ.[٦]

---

١ . الزهد للحسين بن سعيد: ص ٧٤ ح ١٩٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٢ ح ٢٦.

٢ . صٓ: ٢٤ و ٢٥.

٣ . الفردوس: ج ١ ص ٤٢١ ح ١٧١٠ عن أبي الدرداء، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٨٢٥ ح ٤٣٢٨٠.

٤ . سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٥٤ ح ٣٨١٨، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١١٨ ح ١٠٢٨٩، الدعاء للطبراني: ص ٥٠٦ ح ١٧٨٩، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٤٠ ح ٦٤٧ كلّها عن عبد الله بن بسر، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٩ ح ٢٠٨٨.

٥ . ثواب الأعمال: ص ١٩٧ ح ٥ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٥٠ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٠ ح ١٥.

٦ . عوالي اللآلي: ج ١ ص ٤٣٧ ح ١٥١، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٢٤ عن إبراهيم بن أبي محمود عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٥٩ ح ٢.

ب ـ بسیار آمرزش خواستن امام کاظم علیه‌السلام

۲۵۳۹ . **الزهد**، حسین بن سعید ـ به نقل از ابراهیم بن ابی البلاد ـ : امام کاظم علیه‌السلام فرمود: «من، در هر روز، پنجاه هزار مرتبه از خدا، طلب آمرزش می‌کنم».

سپس به من فرمود: «پنج هزار بار هم بسیار است».

۳ / ۲
فضیلت شخص آمرزش خواه

قرآن

﴿و داوود دانست که ما، وی را آزموده‌ایم. پس از پروردگار خود، آمرزش خواست و به خاک افتاد و به سوی ما بازگشت. و ما هم این را بر او بخشودیم، و او را در نزد ما منزلتی و بازگشتی نیکوست﴾.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

حدیث

۲۵۴۰ . **پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله**: رستگار، کسی است که در کارنامه‌اش، آمرزش‌خواهی بسیار یابد.

۲۵۴۱ . **پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله**: خوشا آن که در کارنامه‌اش، آمرزش‌خواهی بسیار یابد!

۲۵۴۲ . **پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله**: خوشا به حال کسی که روز رستاخیز، در نامهٔ عملش، زیر هر گناهی «استغفر اللّه» بیابد!

۲۵۴۳ . **پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله**: مؤمن، هرگاه کار نیک کند، شاد می‌شود و هر گاه بد کند، آمرزش می‌طلبد.

٢٥٤٤ . عنه ﷺ: خَيرُ أُمَّتِي الَّذينَ إذا أساؤُوا استَغفَروا، وإذا أحسَنُوا استَبشَروا.[١]

٢٥٤٥ . سنن ابن ماجة عن عائشة: إنَّ النَّبِيَّ ﷺ كانَ يَقولُ: اللّهُمَّ اجعَلني مِنَ الَّذينَ إذا أحسَنُوا استَبشَروا، وإذا أساؤُوا استَغفَروا.[٢]

٢٥٤٦ . رسول الله ﷺ: إنَّ المُسلِمَ في ذِمَّةِ اللهِ مِن يَومَ وَلَدَتهُ أُمُّهُ إلىٰ أن يَقومَ بَينَ يَدَي اللهِ تَبارَكَ وتَعالىٰ، فَإن وافَى اللهَ بِشَهادَةِ لا إلٰهَ إلّا اللهُ صادِقاً، أو بِاستِغفارٍ صادِقاً، كَتَبَ اللهُ لَهُ بَراءَةً مِنَ النّارِ.[٣]

٢٥٤٧ . عنه ﷺ: ما مِن أُمَّتي ـ أو هٰذِهِ الأُمَّةِ ـ عَبدٌ يَعمَلُ حَسَنَةً فَيَعلَمُ أنَّها حَسَنَةٌ، وأنَّ اللهَ ﷻ جازيهِ بِها خَيراً، ولا يَعمَلُ سَيِّئَةً فَيَعلَمُ أنَّها سَيِّئَةٌ، وَاستَغفَرَ اللهَ ﷻ مِنها، ويَعلَمُ أنَّهُ لا يَغفِرُ إلّا هُوَ، إلّا وهُوَ مُؤمِنٌ.[٤]

٢٥٤٨ . الإمام علي ﷺ: المُؤمِنُ مُنيبٌ مُستَغفِرٌ تَوّابٌ.[٥]

٢٥٤٩ . عنه ﷺ: إنَّمَا الكَيِّسُ[٦] مَن إذا أساءَ استَغفَرَ، وإذا أذنَبَ نَدِمَ.[٧]

٢٥٥٠ . عنه ﷺ: طوبىٰ لِنَفسٍ أدَّت إلىٰ رَبِّها فَرضَها، وعَرَكَت بِجَنبِها بُؤسَها[٨]، وهَجَرَت فِي

---

١ . المعجم الأوسط: ج ٦ ص ٣٣٤ ح ٦٥٥٨ عن جابر، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ٢ ص ٥٦٦ ح ٤٤٨١ نحوه، الزهد لهنّاد: ج ٢ ص ٣٦٣ ح ٦٩٢ كلاهما عن عروة بن رويم.

٢ . سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٥٥ ح ٣٨٢٠، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٤٥٠ ح ٢٥٠٣٤، مسند الطيالسي: ص ٢١٥ ح ١٥٣٣، مسند إسحاق بن راهويه: ج ٣ ص ٧٣١ ح ١٣٣٦.

٣ . مسند البزّار: ج ٣ ص ٢٥٢ ح ١٠٤٢ عن أبي سلمة بن عبد الرحمٰن عن أبيه، كنز العمّال: ج ١ ص ٧٦ ح ٣٠١.

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٤٧٠ ح ١٦١٩٤، مسند الشاميّين: ج ١ ص ١٨٥ ح ٣٢١، تاريخ دمشق: ج ٥٣ ص ٧٢ ح ١١١٦٧ كلاهما نحوه وكلّها عن أبي رزين العقيلي، كنز العمّال: ج ١ ص ١٦٠ ح ٨٠٠.

٥ . غرر الحكم: ح ١٢٨٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧ ح ١١٨٤.

٦ . الكَيِّس: العاقل (النهاية: ج ٤ ص ٢١٧ «كيس»).

٧ . غرر الحكم: ح ٣٨٩٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٧ ح ٣٦٤٠.

٨ . عَرَكَت بجنبها بُؤسَها: أي صَبرَت عليه (شرح نهج البلاغة: ج ١٦ ص ٢٩٥).

۲۵۴۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: بهترین‌های امّت من، کسانی هستند که هرگاه بد کنند، آمرزش بخواهند و هر گاه کار نیک کنند، شادمان شوند.

۲۵۴۵ . **سنن ابن ماجة** ـ به نقل از عایشه ـ: پیامبرﷺ می‌فرمود: «بار خدایا! مرا از کسانی قرار ده که هر گاه کار نیک کنند، شادمان می‌شوند و هر گاه بد کنند، آمرزش می‌طلبند».

۲۵۴۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: مسلمان، از آن روزی که مادرش او را می‌زاید تا روزی که در پیشگاه خداوند ـ تبارک و تعالی ـ می‌ایستد، در پناه [و زنهار] خداست. پس اگر با شهادت راستین به یگانگی خدا، یا آمرزش‌خواهی راستین بر خدا وارد شود، خداوند برایش، برات آزادی از آتش می‌نویسد.

۲۵۴۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر بنده‌ای از امّت من (یا: این امّت) کار نیکی کند و بداند آن کار، نیک است و خداوندﷻ برای آن به او پاداش نیک می‌دهد، یا کار بدی کند و بداند آن کار، بد است و برای آن از خداوندﷻ آمرزش بخواهد و بداند که آمرزگاری جز او نیست، بی‌گمان، او مؤمن است.

۲۵۴۸ . **امام علی**ؑ: مؤمن، بازگردنده [به درگاه خدا]، آمرزش‌خواه و توبه‌گر است.

۲۵۴۹ . **امام علی**ؑ: زیرک [و خردمند] کسی است که هرگاه بد کند، آمرزش بخواهد و هر گاه گناه کند، پشیمان گردد.

۲۵۵۰ . **امام علی**ؑ: خوشا آن که وظیفه‌اش را در قبال پروردگارش به جا می‌آورد

اللَّيلِ غُمضَها، حَتّىٰ إذا غَلَبَ الكَرىٰ[١] عَلَيهَا افتَرَشَت أرضَها، وتَوَسَّدَت كَفَّها، فـي مَعشَرٍ أسهَرَ عُيونَهُم خَوفُ مَعادِهِم، وتَجافَت عَن مَضاجِعِهِم جُـنوبُهُم، وهَـمهَمَت بِذِكرِ رَبِّهِم شِفاهُهُم، وتَقَشَّعَت بِطولِ استِغفارِهِم ذُنوبُهُم ﴿أُولَـٰئِكَ حِزْبُ ٱللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ﴾[٢].[٣]

٢٥٥١ . عنه ﷺ ـ في ذِكرِ أحوالِ أهلِ الدُّنيا فِي الآخِرَةِ ـ: ﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ رَبَّهُمْ إِلَى ٱلْجَنَّةِ زُمَرًا﴾[٤] قَد أُمِنَ العَذابُ، وَانقَطَعَ العِتابُ، وزُحزِحوا عَنِ النّارِ، وَاطمَأَنَّت بِهِمُ الدّارُ، ورَضُوا المَثوىٰ وَالقَرارَ. الَّذينَ كانَت أعمالُهُم فِي الدُّنيا زاكِيَةً، وأعيُنُهُم باكِيَةً. وكانَ لَيلُهُم في دُنياهُم نَهاراً تَخَشُّعاً وَاستِغفاراً، وكانَ نَـهارُهُم لَـيلاً تَـوَحُّشاً وَانـقِطاعاً، فَجَعَلَ اللهُ لَهُمُ الجَنَّةَ مَآباً، وَالجَزاءَ ثَواباً، وكانوا أحَقَّ بِها وأهلَها، في مُـلكٍ دائِـمٍ، ونَعيمٍ قائِمٍ.[٥]

٢٥٥٢ . رسول الله ﷺ: إنَّ اللهَ تَبارَكَ وتَعالىٰ إذا رَأىٰ أهلَ قَريَةٍ قَد أسرَفوا فِي المَعاصي، وفيها ثَلاثَةُ نَفَرٍ مِنَ المُؤمِنينَ، ناداهُم جَلَّ جَلالُهُ وتَقَدَّسَت أسماؤُهُ: يا أهلَ مَعصِيَتي، لَولا مَن فيكُم مِنَ المُؤمِنينَ المُتَحابّينَ بِجَلالي، العامِرينَ بِصَلاتِهِم أرضي ومَسـاجِدي، وَالمُستَغفِرينَ بِالأَسحارِ خَوفاً مِنّي، لَأَنزَلتُ بِكُم عَذابي ثُمَّ لا اُبالي.[٦]

---

١ . الكَرىٰ: النُّعاس (الصحاح: ج ٦ ص ٢٤٧٢ «كرى»).

٢ . المجادلة: ٢٢.

٣ . نهج البلاغة: الكتاب ٤٥، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٣٦ وليست فيه الآية الشريفة، بحار الأنوار: ج ٤٠ ص ٣٤٢ ح ٢٧.

٤ . الزمر: ٧٣.

٥ . نهج البلاغة: الخطبة ١٩٠، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٢٠٧ ح ٩٥.

٦ . الأمالي للصدوق: ص ٢٦٧ ح ٢٨٩، علل الشرايع: ص ٢٤٦ ح ١ كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصاق عن آبائه ﷺ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٧٣ ح ١٣٦٩ عن الإمام عليّ ﷺ، ثواب الأعمال: ص ٢١٢ ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، المحاسن: ج ١ ص ١٢٦ ح ١٤٣ عن موسى بن سابق عن الإمام الصادق عن أبيه ﷺ والثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٨١ ح ٣ وراجع شعب الإيمان: ج ٣ ص ٨٢ ح ٢٩٤٦.

و رنج [و سختی] را به جان می‌خرد و در شب، از خواب دوری می‌ورزد و چون چُرت بر او چیره گردد، زمین را بستر خود می‌سازد و سر بر کف خویش می‌نهد و در میان جماعتی است که از بیم رستاخیز، شب‌ها دیدگانشان نمی‌خوابد و پهلوهایشان از بسترهایشان کناره می‌گیرد و لبانشان به یاد پروردگارشان زمزمه‌کنان می‌شود و از آمرزش‌خواهی‌های بسیار، گناهانشان زدوده می‌شود. ﴿اینان‌اند گروه خدا؛ و آگاه باشید که گروه خدا، رستگارند﴾.

۲۵۵۱ . **امام علی**ﷺ ـ در بیان احوال مردم دنیا در آخرت ـ: ﴿آنان را که از پروردگارشان پروا کرده بودند، گروه گروه، به بهشت می‌بَرند﴾، در حالی که از عذاب، ایمن شده‌اند و سرزنش به پایان رسیده و از آتش، دور گشته‌اند و سرا [ی بهشت]، به ایشان آرام گرفته است و ایشان، از آن خانه و کاشانه خشنودند. اینان، کسانی هستند که کردارهایشان، در دنیا، پاک بوده و چشمانشان، گریان، و شب‌هایشان [چونان] روز بوده است زیرا شرم‌آن را به عبادت و آمرزش‌خواهی می‌گذرانده‌اند، و روزهایشان [چونان] شب بوده؛ چرا که در تنهایی و جدایی [از خلق] به سر می‌برده‌اند. از این رو، خداوند، بهشت را فرجام آنان و پاداششان قرار داده است و البته، اینان، سزاوارترین کس به بهشت‌اند و شایستگی آن را دارند تا در مُلکی پاینده و نعمتی جاویدان باشند.

۲۵۵۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند ـ تبارک و تعالی ـ هرگاه مردم آبادی‌ای را بیند که در گناه [و نافرمانی] از اندازه گذشته‌اند و سه نفر مؤمن در میان ایشان به سر می‌برد، آن پُرشکوهِ پاک‌نام، ندایشان می‌دهد که: «ای نافرمانان از من! اگر نبود وجود چند مؤمن در میان شما که به خاطر من، دوستدار یکدیگرند و با نمازِ خود، زمین و مسجدهایم را آباد دارند و سحرگاهان، از ترس من به آمرزش‌خواهی می‌پردازند، بی هیچ ملاحظه‌ای، عذابم را بر شما فرو می‌فرستادم.

٢٥٥٣ . **الإمام زين العابدين**عليه السلام: مَن قالَ: «أستَغفِرُ اللهَ وأتوبُ إلَيهِ» فَلَيسَ بِمُستَكبِرٍ ولا جَبّارٍ، إنَّ المُستَكبِرَ الَّذي يُصِرُّ عَلَى الذَّنبِ الَّذي قَد غَلَبَهُ هَواهُ فيهِ، وآثَرَ دُنياهُ عَلىٰ آخِرَتِهِ.[١]

٢٥٥٤ . **عنه** عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ فِي الاِعتِرافِ ـ: وأنَّ أحَبَّ عِبادِكَ إلَيكَ مَن تَرَكَ الاِستِكبارَ عَلَيكَ، وجانَبَ الإِصرارَ، ولَزِمَ الاِستِغفارَ. وأنَا أبرَأُ إلَيكَ مِن أن أستَكبِرَ، وأعوذُ بِكَ مِن أن أُصِرَّ، وأستَغفِرُكَ لِما قَصَّرتُ فيهِ.[٢]

٢٥٥٥ . **عنه** عليه السلام ـ أيضاً ـ: يا أرحَمَ مَنِ انتابَهُ المُسترحِمونَ، ويا أعطَفَ مَن أطافَ بِهِ المُستَغفِرونَ.[٣]

٢٥٥٦ . **عنه** عليه السلام ـ ومِن دُعائِهِ لِلعيدَينِ وَالجُمُعَةِ ـ: ولا يَشقىٰ بِنَقِمَتِكَ المُستَغفِرونَ، رِزقُكَ مَبسوطٌ لِمَن عَصاكَ، وحِلمُكَ مُعتَرِضٌ لِمَن ناواكَ[٤]، عادَتُكَ الإِحسانُ إلَى المُسيئينَ، وسُنَّتُكَ الإِبقاءُ عَلَى المُعتَدينَ.[٥]

٢٥٥٧ . **الإمام الصادق**عليه السلام: إذا أكثَرَ العَبدُ مِنَ الاِستِغفارِ رُفِعَت صَحيفَتُهُ وهِيَ تَتَلَألَأُ.[٦][٧]

٢٥٥٨ . **عنه** عليه السلام: يَدخُلُ رَجُلانِ المَسجِدَ، أحَدُهُما عابِدٌ وَالآخَرُ فاسِقٌ، فَيَخرُجانِ مِنَ

---

١ . الخصال: ص ٢٩٩ ح ٧٢ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٧ ح ٣.

٢ . الصحيفة السجّادية: ص ٥٥ الدعاء ١٢، المصباح للكفعمي: ص ٥٠٧.

٣ . الصحيفة السجّادية: ص ٥٤ الدعاء ١٢، المصباح للكفعمي: ص ٥٠٦.

٤ . ناواهُ: أي عاداه، وأصلُهُ الهمز؛ لأنّه من النُّوء وهو النهوض (النهاية: ج ٦ ص ٢٥١٧ «نوى»).

٥ . الصحيفة السجّادية: ص ١٨٢ الدعاء ٤٦، مصباح المتهجّد: ص ٣٦٩ ح ٥٠٠، المزار الكبير: ص ٤٥٨، جمال الأسبوع: ص ٢٦٢ عن المتوكّل بن هارون عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام؛ شرح نهج البلاغة: ج ٦ ص ١٧٩ عنه وعن الإمام عليّ عليه السلام.

٦ . في المصدر: «يتلألأ»، والتصويب من بحار الأنوار.

٧ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠٤ ح ٢ عن عبيد بن زرارة، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٥١، عدّة الداعي: ص ٢٥٠ عن زرارة، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٤ ح ٣٢.

۲۵۵۳ . **امام زین‌العابدین**ﷺ: کسی که بگوید: «از خدا، آمرزش می‌طلبم و به درگاهش، توبه می‌برم»، گردن فراز و متکبّر نیست. گردن فراز، کسی است که بر گناهی که در آن مغلوب هوس خویش گشته است، پای بفشارد و دنیای خود را بر آخرتش برگزیند.

۲۵۵۴ . **امام زین‌العابدین**ﷺ ـ از دعای ایشان در اعتراف به درگاه خدا ـ: محبوب‌ترینِ بندگانت در نزد تو، کسی است که گردن فرازی بر تو را فرو گذارد و از پافشاری [برگناه] دوری کند و به آمرزش‌خواهی در آویزد. من، درپیشگاه تو اعلام برائت می‌کنم از این که گردن فرازی کنم، و به تو پناه می‌برم از این‌که [برگناه] پای فِشُرم، و برای تقصیرات خود، از تو آمرزش می‌طلبم.

۲۵۵۵ . **امام زین‌العابدین**ﷺ ـ از دعای ایشان در اعتراف به درگاه خدا ـ: ای مهربان‌ترین کسی که مهرجویان، پیاپی، آهنگ او می‌کنند، و ای با محبّت‌ترین کسی که آمرزش‌خواهان، گِرد او می‌چرخند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۵۵۶ . **امام زین‌العابدین**ﷺ ـ از دعای ایشان در روز عید قربان و فطر و روز جمعه ـ: آمرزش‌خواهان، به خشم تو گرفتار نمی‌آیند. [خوان] روزی‌ات برای آن هم که تو را نافرمانی کند، گسترده است و بردباری‌ات، آن را که با تو دشمنی ورزد، در بر می‌گیرد. عادت تو، نیکی کردن به بدکاران است، و شیوه‌ات، شفقت بر متجاوزان [از فرمان و حدودت].

۲۵۵۷ . **امام صادق**ﷺ: هر گاه بنده، بسیار طلب آمرزش کند، نامهٔ اعمالش در حالی که می‌درخشد، بالا برده می‌شود.

۲۵۵۸ . **امام صادق**ﷺ: دو مرد به مسجد در می‌آیند: یکی عبادت پیشه و دیگری گنهکار، و از مسجد بیرون روند در حالی که آن گنهکار، مؤمنی راستین گشته است و آن دیگری، عبادت‌پیشهٔ گنهکار؛ از آن رو که عبادت‌پیشه، در حالی به مسجد در آمده است که به عبادت خویش، می‌نازیده و به آن می‌اندیشیده است؛ امّا

وفِكرَتُهُ في ذٰلِكَ، ويَكونُ فِكرَةُ الفاسِقِ فِي التَّندُّمِ عَلىٰ فِسقِهِ، فَيَستَغفِرُ اللهَ مِن ذُنوبِهِ.[١]

٤ / ٢
التَّحذيرُ مِن تَركِ الاِستِغفارِ

الكتاب

﴿قَالَ يَـٰقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾.[٢]

الحديث

٢٥٥٩ . **رسول الله ﷺ**: مَن لا يَستَغفِرُ اللهَ لا يَغفِرُ اللهُ لَهُ، ومَن لا يَتوبُ لا يَتوبُ[٣] اللهُ عَلَيهِ، ومَن لا يَرحَمُ لا يَرحَمُهُ اللهُ.[٤]

٢٥٦٠ . **الكافي عن سماعة بن مهران**: سَأَلتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ عزّ وجلّ: ﴿سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾[٥]؟ قالَ: هُوَ العَبدُ يُذنِبُ الذَّنبَ فَتُجَدَّدُ لَهُ النِّعمَةُ مَعَهُ، تُلهيهِ تِلكَ النِّعمَةُ عَنِ الاِستِغفارِ مِن ذٰلِكَ الذَّنبِ.[٦]

---

١ . علل الشرائع: ص ٣٥٤ ح ١، الكافي: ج ٢ ص ٣١٤ ح ٦ عن أحدهما عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٣١٦ ح ٢١.

٢ . النمل: ٤٦.

٣ . في المصدر: «لا يتب» في كلا الموضعين، والصواب ما أثبتناه كما في كنز العمّال.

٤ . الفردوس: ج ٣ ص ٦٢٩ ح ٥٩٦٧ عن عمر بن الخطّاب، كنز العمّال: ج ٤ ص ٢٢٧ ح ١٠٢٨٤ نقلاً عن أبي الشيخ عن جرير.

٥ . الأعراف: ١٨٢. ونستدرجهم معناه: نأخذهم درجةً فدرجةً، وذلك إدناؤهم من الشيء شيئاً فشيئاً، كالمراقي والمنازل في ارتقائها ونزولها، عبارة عن إغفالهم (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣١٠ «درج»).

٦ . الكافي: ج ٢ ص ٤٥٢ ح ٣ و ح ٢، مشكاة الأنوار: ص ٥٧٩ ح ١٩٢٧ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢١٨ ح ١١ وراجع مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٥٤ ومجمع البيان: ج ١٠ ص ٥١٠.

گنهکار، پیوسته در اندیشهٔ پشیمانی از گنهکاری خویش بوده است. لذا خداوند، گناهان او را می‌آمرزد.

۴ / ۲
برحذر داشتن از ترک آمرزش خواهی

قرآن

﴿گفت: «ای مردم! چرا پیش از نیکی به بدی می‌شتابید؟ چرا از خدا، آمرزش نمی‌خواهید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید؟»﴾.

حدیث

۲۵۵۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: کسی که از خدا آمرزش نخواهد، خدا او را نمی‌آمرزد، و کسی که به درگاه خدا بازنگردد، خدا هم به سوی او باز نمی‌گردد، و کسی که رحم نکند، خدا هم به او رحم نمی‌کند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۵۶۰ . **الکافی** ـ به نقل از سماعة بن مهران ـ: از حضرت صادقؑ در بارهٔ این سخن خداوندﷻ پرسیدم: ﴿به زودی، آنان را از جایی که نمی‌دانند، تدریجاً غافلگیر می‌کنیم﴾؟ فرمود: «بنده، گناه می‌کند و با آن گناه، نعمتی تازه به او داده می‌شود و آن نعمت، او را از طلب آمرزش برای آن گناه، غافل می‌سازد».

٢٥٦١ . **الإمام الصادق**ﷺ: إنَّ اللهَ إذا أرادَ بِعَبدٍ خَيراً فَأَذنَبَ ذَنباً أتبَعَهُ بِنَقِمَةٍ، ويُذَكِّرُهُ الاِستِغفارَ، وإذا أرادَ بِعَبدٍ شَرّاً فَأَذنَبَ ذَنباً أتبَعَهُ بِنِعمَةٍ لِيُنسِيَهُ الاِستِغفارَ، ويَستَمادىٰ بِها، وهُوَ قَولُ اللهِ ﷻ: ﴿سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَايَعْلَمُونَ﴾ بِالنِّعَمِ عِندَ المَعاصي.[1]

٢٥٦٢ . **عنه**ﷺ: لَمّا نَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ﴾[2] صَعِدَ إبليسُ جَبَلاً بِمَكَّةَ يُقالُ لَهُ: ثَورٌ، فَصَرَخَ بِأَعلىٰ صَوتِهِ بِعَفاريتِهِ، فَاجتَمَعوا إلَيهِ، فَقالوا: يا سَيِّدَنا لِمَ دَعَوتَنا؟ قالَ: نَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ، فَمَن لَها؟ فَقامَ عِفريتٌ مِنَ الشَّياطينِ فَقالَ: أنَا لَها بِكَذا وكَذا، قالَ: لَستَ لَها، فَقامَ آخَرُ فَقالَ: مِثلَ ذٰلِكَ، فَقالَ: لَستَ لَها، فَقالَ الوَسواسُ الخَنّاسُ: أنَا لَها، قالَ: بِماذا؟ قالَ: أعِدُهُم وأُمَنّيهِم حَتّىٰ يُواقِعُوا الخَطيئَةَ، فَإذا واقَعُوا الخَطيئَةَ أنسَيتُهُمُ الاِستِغفارَ، فَقالَ: أنتَ لَها، فَوَكَّلَهُ بِها إلىٰ يَومِ القِيامَةِ.[3]

٢٥٦٣ . **حياة الحيوان عن وهيب بن الورد**: بَلَغَنا أنَّ إبليسَ تَمَثَّلَ لِيَحيَى بنِ زَكَرِيّاﷺ فَقالَ لَهُ: أنصَحُكَ؟ فَقالَ لَهُ: لا اُريدُ ذٰلِكَ، ولٰكِن أخبِرني عَن بَني آدَمَ، فَقالَ: هُم عِندَنا ثَلاثَةُ أصنافٍ: صِنفٌ مِنهُم هُم أشَدُّ الأَصنافِ عِندَنا، نُقبِلُ عَلىٰ أحَدِهِم حَتّىٰ نَفتِنَهُ في دينِهِ ونَتَمَكَّنَ مِنهُ، فَيَفزَعُ إلَى الاِستِغفارِ وَالتَّوبَةِ فَيُفسِدُ عَلَينا كُلَّ شَيءٍ نُصيبُهُ مِنهُ، ثُمَّ

---

١ . الكافي: ج ٢ ص ٤٥٢ ح ١، علل الشرائع: ص ٥٦١ ح ١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٦٠ كلّها عن سفيان بن السمط، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٨٧ ح ١.

٢ . آل عمران: ١٣٥.

٣ . الأمالي للصدوق: ص ٥٥١ ح ٧٣٦ عن فطر بن خليفة، روضة الواعظين: ص ٥٢٦، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٥١ ح ٤٨.

۲۵۶۱ . **امام صادق**ﷺ: خداوند، هر گاه خیر بنده‌ای را بخواهد و او گناهی کند، در پی آن، کیفرش می‌دهد و آمرزش‌خواهی را به یادش می‌آورد، و هر گاه شرّ بنده‌ای را بخواهد و او گناهی کند، در پی آن، به او نعمتی می‌دهد تا آمرزش‌خواهی را از یادش ببرد و به آن حال، ادامه دهد. این است معنای این سخن خداوندﷻ: ﴿به زودی آنان را از جایی که نمی‌دانند، تدریجاً غافلگیر می‌کنیم﴾؛ یعنی با نعمت دادن در هنگام ارتکاب گناهان.

۲۵۶۲ . **امام صادق**ﷺ: چون این آیه: ﴿و کسانی که هرگاه کار زشت کنند یا به خود ستم ورزند، خدا را یاد می‌کنند و برای گناهانشان، آمرزش می‌طلبند﴾، فرود آمد، ابلیس بر فراز کوهی در مکّه به نام ثور رفت و با فریاد هر چه بلندتر، عفریت‌های خویش را صدا زد و آنان، همگی جمع شدند و گفتند: سَرورا! برای چه ما را فرا خوانده‌ای؟

ابلیس گفت: این آیه فرود آمده است. کیست که از پسِ آن برآید؟

عفریتی از شیاطین گفت: من، در برابر آن، چنین و چنان می‌کنم.

ابلیس گفت: تو از پسِ آن بر نمی‌آیی.

دیگری برخاست و همانند آن گفت. ابلیس گفت: تو هم از عهده‌اش برنمی‌آیی.

وسوسه‌گرِ خنّاس گفت: من، از پس آن بر می‌آیم.

ابلیس گفت: چگونه؟

گفت: به آنان وعده [ی توبه] می‌دهم و امیدوارشان می‌کنم تا آن که مرتکب گناه شوند و چون در گناه افتادند، آمرزش‌خواهی را از یادشان می‌برم.

ابلیس گفت: تو از عهدهٔ آن، بر می‌آیی. آن گاه، او را تا روز قیامت، بر این کار گماشت.

۲۵۶۳ . **حیاة الحیوان** ـ به نقل از وهیب بن ورد ـ: آورده‌اند که ابلیس، در برابر یحیی بن زکریاﷺ مجسّم شد و گفت: می‌خواهی به تو پندی دهم؟

یحییﷺ به او گفت: «نمی‌خواهم؛ امّا مرا از فرزندان آدم، خبر ده».

ابلیس گفت: آنان، از نظر ما سه دسته‌اند: دسته‌ای از آنان، در نظر ما سرسخت ترین‌اند. به سراغ یکی از آنان می‌رویم تا او را از دینش گم‌راه سازیم و بر او مسلّط شویم؛ ولی او به آمرزش‌خواهی و توبه، پناه می‌برد و هر چه در بارهٔ او

نَعودُ إلَيهِ فَيَعودُ، فَلا نَحنُ نَيأَسُ مِنهُ، ولا نَحنُ نُدرِكُ مِنهُ حاجَتَنا، فَنَحنُ مَعَهُ في عَناءٍ.

وصِنفٌ مِنهُم في أيدينا كَالكُرَةِ في أيدي صِبيانِكُم نَتَلَقَّفُهُم كَيفَ شِئنا، قَد كَفَونا مُؤنَةَ[1] أنفُسِهِم.

وصِنفٌ مِنهُم مِثلُكَ مَعصومونَ لا نَقدِرُ مِنهُم عَلىٰ شَيءٍ.[2]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١. اختلف في «المونة» تُهمز ولا تُهمز؛ من الأين وهو التعب والشدّة (تاج العروس: ج ١٨ ص ٥٢٢ «مأن»).
٢. حياة الحيوان الكبرى: ج ١ ص ٢٦٥؛ بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٦٥ ح ١٥٠.

رِشته‌ام، پنبه می‌کند. بار دیگر به سراغش می‌رویم و او، باز چنین می‌کند. نه از او نومید می‌شویم و نه در باره‌اش به هدف خود می‌رسیم. پس از او در زحمتیم.

دسته‌ای دیگر از آنان، چونان گویی که در دست کودکان است، در دستان ما هستند و هر گونه که بخواهیم، آنها را می‌چرخانیم. اینان، برای ما زحمتی ندارند.

و دسته‌ای دیگر از ایشان، معصوم‌اند و هیچ کاری با آنان نمی‌توانیم بکنیم.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ الثّالِثُ

خَصائِصُ الاِستِغفارِ

١ / ٣

خَيرُ العِبادَةِ

٢٥٦٤ . رسول الله ﷺ: خَيرُ العِبادَةِ الاِستِغفارُ، وذٰلِكَ قَولُ اللهِ ﷻ في كِتابِهِ: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ﴾[١].[٢]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢ / ٣

خَيرُ الدُّعاءِ

٢٥٦٥ . رسول الله ﷺ: خَيرُ الدُّعاءِ الاِستِغفارُ وخَيرُ العِبادَةِ قَولُ: «لا إلٰهَ إلَّا اللهُ».[٣]

---

١ . محمّد: ١٩.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥١٧ ح ٢، المحاسن: ج ١ ص ٩٨ ح ٦٧، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩١ ح ٢٢٥٧ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه ﷺ، عدّة الداعي: ص ٢٥٠ وفيهما بزيادة «وقول لا إله إلّا الله» بعد «الاستغفار»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠١ ح ٣٥.

٣ . الجعفريّات: ص ٢٢٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج ٢ ص ٥٠٤ ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عنه ﷺ وليس فيه ذيله؛ الفردوس: ج ٢ ص ١٧٩ ح ٢٨٩٧، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٨ ح ٢٠٨٥ نقلاً عن الحاكم في تاريخه وكلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام عنه ﷺ.

فصل سوم

ویژگی های آمرزش خواهی

۱/۳
بهترین پرستش

۲۵۶۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: بهترین پرستش، آمرزش خواهی است؛ زیرا این، سخن خداوندﷻ در کتابش است که فرموده: ﴿بدان که معبودی جز خدا نیست و برای گناهت، آمرزش بخواه﴾.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲/۳
بهترین نیایش

۲۵۶۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: بهترین نیایش، آمرزش خواهی است، و بهترین پرستش، گفتن: «لا إله إلّا الله؛ معبودی جز خدا نیست».

٢٥٦٦ . المحاسن عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: قالَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: أفضَلُ العِبادَةِ قَولُ: «لا إلٰهَ إلَّا اللهُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»، وخَيرُ الدُّعاءِ الاِستِغفارُ. ثُمَّ تَلَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَـٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ﴾.[1]

٢٥٦٧ . الدعوات: قالَ صلى الله عليه وآله: ما مِنَ الذِّكرِ شَيءٌ أفضَلُ مِن قَولِ: «لا إلٰهَ إلَّا اللهُ»، وما مِنَ الدُّعاءِ شَيءٌ أفضَلُ مِنَ الاِستِغفارِ. ثُمَّ تَلا: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَـٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ﴾.[2]

٣ / ٣
أجمَعُ الدُّعاءِ

٢٥٦٨ . الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ مِن أجمَعِ الدُّعاءِ الاِستغفارَ.[3]

٤ / ٣
أفضَلُ التَّوَسُّلِ

٢٥٦٩ . الإمام عليّ عليه السلام: أفضَلُ التَّوَسُّلِ الاِستِغفارُ.[4]

٢٥٧٠ . عنه عليه السلام: نِعمَ الوَسيلَةُ الاِستِغفارُ.[5]

---

١ . المحاسن: ج ١ ص ٤٥٣ ح ١٠٤٥، جامع الأخبار: ص ١٣٤ ح ٢٧٣ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٢ ح ٢٣؛ الفردوس: ج ١ ص ٣٥٢ ح ١٤١٢ عن ابن عمر وليس فيه ذيله، كنز العمّال: ج ١ ص ٤١٥ ح ١٧٦٠.

٢ . الدعوات: ص ٢٠ ح ١٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠٤ ح ٤٢؛ كنز العمّال: ج ١ ص ٤٢٣ ح ١٨١٦ نقلاً عن المعجم الكبير عن ابن عمرو وليس فيه ذيله.

٣ . بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٣ ح ٣٠ وج ٩٥ ص ١٦٣ ح ١٧ كلاهما نقلاً عن الدعوات: ص ٤٩ ح ١١٩ وفيهما «إنَّ من أجمع الدُّعاء أن يقول العبد الاستغفار».

٤ . غرر الحكم: ح ٢٨٨٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١١ ح ٢٤٠٦.

٥ . غرر الحكم: ح ٩٩٣٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٩٣ ح ٩٠٩٢.

۲۵۶۶ . **المحاسن** ـ به نقل از سکّونی، از امام صادق علیه السلام، از پدران بزرگوارش علیهم السلام ـ: پیامبر خدا فرمود: «برترینِ پرستش، گفتن «معبودی جز خدا نیست. نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» است، و بهترین نیایش، آمرزش‌خواهی است».

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿بدان که معبودی جز خدا نیست، و برای گناهت، آمرزش بخواه﴾».

۲۵۶۷ . **الدعوات**: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ ذکری، برتر از گفتن «معبودی جز خدا نیست» نباشد، و هیچ دعایی، برتر از آمرزش‌خواهی نیست».

سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿بدان که معبودی جز خدا نیست، و برای گناهت، آمرزش بخواه﴾».

۳/۳
جامع‌ترین نیایش

۲۵۶۸ . **امام صادق** علیه السلام: یکی از جامع‌ترین نیایش‌ها، آمرزش‌خواهی است.

۴/۳
برترین توسّل

۲۵۶۹ . **امام علی** علیه السلام: برترین توسّل، آمرزش‌خواهی است.

۲۵۷۰ . **امام علی** علیه السلام: خوبْ وسیله‌ای [برای شفاعت نزد خدا] است آمرزش‌خواهی!

٣ / ٥
سِلاحُ المُذنِبِ

٢٥٧١ . الإمام عليّ عليه السلام: سِلاحُ المُذنِبِ الاِستِغفارُ.[١]

٣ / ٦
شَفيعُ المُذنِبِ

٢٥٧٢ . الإمام عليّ عليه السلام: لا شَفيعَ أنجَحُ مِنَ الاِستِغفارِ.[٢]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . غرر الحكم: ح ٥٥٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٤ ح ٥١٢٦.

٢ . غرر الحكم: ح ١٠٦٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٣٧ ح ٩٩٠٤.

۵ / ۳
حربهٔ گنهکار

۲۵۷۱ . امام علیؑ: حربهٔ گنهکار، آمرزش‌خواهی است.

۶ / ۳
میانجی گنهکار

۲۵۷۲ . امام علیؑ: هیچ میانجی‌ای مؤثّرتر از آمرزش‌خواهی نیست.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفصل الرابع

بركات الاستغفار

١ / ٤

غفران الله

الكتاب

﴿وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾.[١]

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾.[٢]

﴿وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾.[٣]

﴿وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.[٤]

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾.[٥]

﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.[٦]

---

١. النساء: ١١٠.

٢. آل عمران: ١٣٥.

٣. النساء: ١٠٦.

٤. البقرة: ١٩٩، المزّمّل: ٢٠.

٥. نوح: ١٠.

٦. المائدة: ٧٤.

فصل چهارم

برکت های آمرزش خواهی

۱/۴
آمرزش خدا

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

قرآن

﴿و هر کس کار بدی کند یا بر خویشتن ستم ورزد، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدای را آمرزگاری مهربان می‌یابد﴾.

﴿و کسانی که هر گاه فحشایی کنند یا بر خویش ستم ورزند، خدای را به یاد می‌آورند و از گناهانشان آمرزش می‌طلبند ـ و جز خدا، کیست که گناهان را بیامرزد؟ ـ و بر آنچه کرده‌اند، آگاهانه اصرار نمی‌ورزند﴾.

﴿و از خدا آمرزش بخواه، که خدا، همواره آمرزگاری مهربان بوده است﴾.

﴿و از خدا آمرزش بخواهید، که خدا، آمرزگاری مهربان است﴾.

﴿پس گفتم: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید، که او آمرزندهٔ مهربان است»﴾.

﴿پس چرا به درگاه خدا توبه نمی‌بریم و از او آمرزش نمی‌خواهیم، در حالی که خدا، آمرزگاری مهربان است؟﴾.

الحديث

٢٥٧٣ . رسول الله ﷺ: مَنِ استَغفَرَ غَفَرَ اللهُ لَهُ.[١]

٢٥٧٤ . عنه ﷺ: قالَ اللهُ ﷻ: يَابنَ آدَمَ، إنَّكَ ما دَعَوتَني ورَجَوتَني غَفَرتُ لَكَ عَلىٰ ما كانَ فيكَ ولا أُبالي، يَابنَ آدَمَ، لَو بَلَغَت ذُنوبُكَ عَنانَ السَّماءِ ثُمَّ استَغفَرتَني غَفَرتُ لَكَ، ولا أُبالي.[٢]

٢٥٧٥ . عنه ﷺ: إنَّ الشَّيطانَ قالَ: وعِزَّتِكَ يا رَبِّ، لا أبرَحُ أغوي عِبادَكَ ما دامَت أرواحُهُم في أجسادِهِم.

قالَ الرَّبُّ: وعِزَّتي وجَلالي، لا أزالُ أغفِرُ لَهُم مَا استَغفَروني.[٣]

٢٥٧٦ . عنه ﷺ: يَقولُ اللهُ تعالىٰ: يا عِبادي، كُلُّكُم مُذنِبٌ إلّا مَن عافَيتُ، فَمَن عَلِمَ مِنكُم أنّي ذو قُدرَةٍ عَلَى المَغفِرَةِ فَاستَغفَرَني، غَفَرتُ لَهُ ولا أُبالي.[٤]

٢٥٧٧ . صحيح مسلم: عَن أبي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ فيما رَوىٰ عَنِ اللهِ تَبارَكَ وتَعالىٰ أنَّهُ قالَ: ... يا عِبادي! إنَّكُم تُخطِئونَ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ، وأنَا أغفِرُ الذُّنوبَ جَميعاً، فَاستَغفِروني

---

١ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥١٣ ح ٣٤٧٠، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٤٨ ح ٩٩٨٧ و ٩٩٨٨، السنن الكبرى: ج ٨ ص ٥٧٧ ح ١٧٦١٨ كلّها عن ابن عمر، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٦٣ ح ٢٠١٤؛ معاني الأخبار: ص ٤١١ ح ٩٨ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٨ ح ٧.

٢ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٤٨ ح ٣٥٤٠ عن أنس، المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١٦ ح ١٢٣٤٦، حلية الأولياء: ج ٤ ص ٣٠١ كلاهما عن ابن عبّاس نحوه، كنز العمّال: ج ٣ ص ١٤٦ ح ٥٩٠٢.

٣ . مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٥٨ ح ١١٢٣٧، المستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٩٠ ح ٧٦٧٢، تفسير ابن كثير: ج ٣ ص ٥٩٠، تفسير القرطبي: ج ١٠ ص ٢٧ نحوه وكلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٧٢.

٤ . سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٥٦ ح ٢٤٩٥، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٤٢٢ ح ٤٢٥٧، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٢٨ ح ٢١٥٩٦، تاريخ دمشق: ج ٣٦ ص ٤٨١ ح ٧٤١١ كلّها عن أبي ذرّ نحوه، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٩٢٥ ح ٤٣٥٩١.

حدیث

۲۵۷۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس آمرزش بخواهد، خدا او را می‌آمرزد.

۲۵۷۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوندﷻ فرمود: «ای پسر آدم! تا آن گاه که مرا بخوانی و به من، امیدوار باشی، با وجود همهٔ گناهانی که داشته‌ای، تو را می‌آمرزم و باکی ندارم. ای پسر آدم! اگر گناهانت سر به آسمان بزند، سپس از من آمرزش بخواهی، تو را می‌آمرزم و باکی ندارم.

۲۵۷۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: شیطان گفت: به عزّتت سوگند ـ ای پروردگار ـ که بندگانت را تا جان در بدن دارند، گم راه می‌کنم!

پروردگار فرمود: «به عزّت و جلالم سوگند که من هم تا هر زمان از من آمرزش خواهند، آنان را می‌آمرزم!».

۲۵۷۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند متعال می‌فرماید: «بندگان من!... همهٔ شما گناهکارید، مگر کسی که من از گناه به سلامتش دارم. پس هر یک از شما بداند که من، بر آمرزیدنْ توانایم و از من، آمرزش بخواهد، باک ندارم و او را می‌آمرزم».

۲۵۷۷ . **صحیح مسلم** ـ به نقل از ابوذر ـ: پیامبرﷺ از خداوند تبارک و تعالی ـ روایت کرده که فرمود: «... ای بندگان من! شما شب و روز، گناه می‌کنید، و من [کسی هستم که] همهٔ گناهان را می‌آمرزم. پس، از من آمرزش بخواهید تا

أغفِر لَكُم.[١]

٢٥٧٨ . رسول الله ﷺ: إنَّ العَبدَ لَيَقولُ: يا رَبِّ اغفِر لي ـ وقَد أذنَبَ ـ فَتَقولُ المَلائِكَةُ: يا رَبِّ، إنَّهُ لَيسَ لِذٰلِكَ بِأَهلٍ! قالَ اللهُ تَعالىٰ: لٰكِنّي أهلٌ أن أغفِرَ لَهُ.[٢]

٢٥٧٩ . عنه ﷺ ـ لِعَلِيٍّ عليه السلام ـ: يا عَلِيُّ، إنَّ اللهَ يَعجَبُ مِن عَبدِهِ إذا قالَ: «رَبِّ اغفِر لي فَإِنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ» يَقولُ: يا مَلائِكَتي، عَبدي هٰذا قَد عَلِمَ أنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ غَيري، اِشهَدوا أنّي قَد غَفَرتُ لَهُ.[٣]

٢٥٨٠ . عنه ﷺ: من أُعطِيَ الاِستِغفارَ أُعطِيَ المَغفِرَةَ؛ لِأَنَّ اللهَ يَقولُ: ﴿اَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾.[٤]

٢٥٨١ . الإمام علي عليه السلام: مَنِ استَغفَرَ اللهَ أصابَ المَغفِرَةَ.[٥]

٢/٢
عَدَمُ كِتابَةِ السَّيِّئاتِ

٢٥٨٢ . رسول الله ﷺ: إنَّ صاحِبَ الشِّمالِ لَيَرفَعُ القَلَمَ سِتَّ ساعاتٍ عَنِ العَبدِ المُسلِمِ المُخطِئِ أوِ المُسيءِ، فَإِن نَدِمَ وَاستَغفَرَ اللهَ مِنها ألقاها، وإلّا كُتِبَت واحِدَةً.[٦]

---

١ . صحيح مسلم: ج ٤ ص ١٩٩٤ ح ٥٥، تهذيب الكمال: ج ١٦ ص ٣٧٨، تفسير القرطبي: ج ٤ ص ٢٨٥ كلّها عن أبي ذرّ، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٩٢٤ ح ٤٣٥٩٠.

٢ . نوادر الأصول: ج ٢ ص ٢٠٠، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٠ ح ٢٠٩٧.

٣ . تحف العقول: ص ١٣، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٦٧ ح ٦.

٤ . المعجم الأوسط: ج ٧ ص ١١٨ ح ٧٠٢٣، المعجم الصغير: ج ٢ ص ٩٢، تاريخ بغداد: ج ١ ص ٢٤٨، شعب الإيمان: ج ٤ ص ١٢٦ ح ٤٥٢٩ كلّها عن ابن مسعود، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٨٧٤ ح ٤٣٤٧٣.

٥ . غرر الحكم: ح ٨٣٧٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٨ ح ٧٩٢٤.

٦ . المعجم الكبير: ج ٨ ص ١٨٥ ح ٧٧٦٥ عن أبي أُمامة، كنز العمّال: ج ٤ ص ٢١٠ ح ١٠١٩٢؛ مجمع البيان: ج ٩ ص ٢١٦ عن أبي أُمامة، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٣٢١.

شما را بیامرزم».

۲۵۷۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: بندهٔ گنهکار می‌گوید: پروردگارا! مرا بیامرز. فرشتگان می‌گویند: پروردگارا! او سزاوار این کار نیست. خدای متعال می‌فرماید: «امّا من، سزاوار آن هستم که او را بیامرزم».

۲۵۷۹ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ به علیؑ ـ: ای علی! خدا از بنده‌ای که بگوید: "پروردگارا! مرا بیامرز؛ زیرا گناهان را جز تو کسی نمی‌آمرزد"، خوشش می‌آید و می‌فرماید: "ای فرشتگان من! این بنده‌ام دانست که جز من، کسی گناهان را نمی‌آمرزد. گواه باشید که من هم او را آمرزیدم"».

۲۵۸۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: به هر کس آمرزش‌خواهی داده شود، آمرزش عطا شود؛ زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است﴾.

۲۵۸۱ . **امام علی**ؑ: هر کس از خدا آمرزش طلبد، به آمرزش می‌رسد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲ / ۴
نوشتن گناهان

۲۵۸۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: فرشتهٔ دست چپ، تا شش ساعت از نوشتن گناه بندهٔ مسلمان خطا کار یا بدکار، خودداری می‌کند. اگر [در این مدّت] پشیمان شد و از خدا آمرزش خواست، آن [گناه] را دور می‌افکند؛ و گرنه، یک گناه برایش نوشته می‌شود.

٢٥٨٣ . عنه ﷺ: المَلَكُ الَّذي عَلَى اليَمينِ أميرٌ عَلَى المَلَكِ الَّذي عَلَى الشِّمالِ، فَإذا عَمِلَ حَسَنَةً قالَ لِصاحِبِ الشِّمالِ: أكتُبها، وإذا عَمِلَ سَيِّئَةً، قالَ لَهُ: دَعها لا تَكتُبها سَبعَ ساعاتٍ، لَعَلَّهُ يَستَغفِرُ.[١]

٢٥٨٤ . عنه ﷺ ـ في تَفسيرِ قَولِهِ تَعالىٰ: ﴿مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾[٢] ـ: صاحِبُ اليَمينِ أميرٌ عَلىٰ صاحِبِ الشِّمالِ، فَإذا عَمِلَ حَسَنَةً كَتَبَها لَهُ صاحِبُ اليَمينِ بِعَشرِ أمثالِها، وإذا عَمِلَ سَيِّئَةً فَأرادَ صاحِبُ الشِّمالِ أن يَكتُبَها، قالَ لَهُ صاحِبُ اليَمينِ: أمسِك، فَيُمسِكُ عَنهُ سَبعَ ساعاتٍ؛ فَإنِ استَغفَرَ اللهَ مِنها، لَم يُكتَب عَلَيهِ شَيءٌ، وإن لَم يَستَغفِرِ اللهَ كُتِبَ لَهُ سَيِّئَةٌ واحِدَةٌ.[٣]

٢٥٨٥ . الإمام الصادق ﷺ: مَن عَمِلَ سَيِّئَةً أُجِّلَ فيها سَبعَ ساعاتٍ مِنَ النَّهارِ، فَإن قالَ: «أستَغفِرُ اللهَ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ الحَيُّ القَيّومُ وأتوبُ إلَيهِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ، لَم تُكتَب عَلَيهِ.[٤]

٢٥٨٦ . عنه ﷺ: إنَّ العَبدَ إذا أذنَبَ ذَنباً أُجِّلَ مِن غُدوَةٍ إلَى اللَّيلِ، فَإنِ استَغفَرَ اللهَ لَم يُكتَب عَلَيهِ.[٥]

٢٥٨٧ . عنه ﷺ: إذا هَمَّ العَبدُ بِحَسَنَةٍ كُتِبَت لَهُ حَسَنَةٌ، فَإذا عَمِلَها كُتِبَت لَهُ عَشرُ حَسَناتٍ،

---

١ . الزهد لهنّاد: ج ٢ ص ٤٦٢ ح ٩٢٠ عن أبي أُمامة، كنز العمّال: ج ٤ ص ٢٢٨ ح ١٠٢٩٢.

٢ . قَ: ١٨.

٣ . مجمع البيان: ج ٩ ص ٢١٦، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٣٢١؛ المعجم الكبير: ج ٨ ص ٢٤٧ ح ٧٩٧١ عن أبي أُمامة نحوه، كنز العمّال: ج ٤ ص ٢١٤ ح ١٠٢١٢.

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٤٣٨ ح ٥ و ص ٤٣٧ ح ٢، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٧١ ح ١٩٠ وليس فيهما «وأتوب إليه» وكلّها عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٣٨ ح ٦٥.

٥ . الكافي: ج ٢ ص ٤٣٧ ح ١ عن زرارة، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩١ ح ٢٢٥٥ نحوه، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٤١ ح ٧٦.

۲۵۸۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: فرشتهٔ دست راست، فرمانده فرشتهٔ دست چپ است. هر گاه شخص، کار نیکی انجام دهد، او به فرشتهٔ دست چپ می‌گوید: «آن را بنویس»، و هر گاه کار بدی انجام دهد، به او (فرشتهٔ دست چپ) می‌گوید: «دست نگه دار و آن را تا هفت ساعت ننویس. شاید آمرزش بخواهد».

۲۵۸۴ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در تفسیر سخن خداوند متعال: ﴿**هیچ سخنی بر زبان نمی‌آورد، جز آن که نزد او، نگاهبانی آماده است**﴾ ـ: فرشتهٔ دست راست، فرمانده فرشتهٔ دست چپ است. هر گاه شخص کار نیکی انجام دهد، فرشتهٔ دست راست، آن را ده برابر می‌نویسد، و هر گاه کار بدی کند و فرشتهٔ دست چپ بخواهد آن را بنویسد، فرشتهٔ دست راست به او می‌گوید: «دست نگه دار»، و او تا هفت ساعت، دست نگه می‌دارد. اگر در این مدّت از خدا آمرزش خواست، چیزی برای او نمی‌نویسد، و اگر از خدا آمرزش نخواست، تنها یک گناه برایش می‌نویسد.

۲۵۸۵ . **امام صادق**ﷺ: هر کس گناهی کند، هفت ساعت از روز به او مهلت داده شود. اگر [در این مدّت] سه بار گفت: «از خدایی که معبودی جز او زندهٔ جاویدان نیست، آمرزش می‌خواهم و به درگاهش توبه می‌برم»، آن گناه برایش نوشته نمی‌شود.

۲۵۸۶ . **امام صادق**ﷺ: هر گاه بنده، آهنگ کار نیکی کند، برایش یک کار نیک نوشته می‌شود، و هر گاه آن را انجام دهد، ده کار نیک برایش نوشته شود. و هر گاه [بنده] آهنگ گناه کند، برایش نوشته نمی‌شود و چون آن را انجام داد تا نُه[1] ساعت به او مهلت داده می‌شود. اگر از آن پشیمان شد و آمرزش خواست و توبه کرد، برایش نوشته نمی‌شود، و اگر پشیمان نشد و از آن توبه نکرد، فقط یک گناه برایش نوشته می‌شود.

۲۵۸۷ . **امام صادق**ﷺ: هرگاه بنده‌ای قصد انجام دادن کار نیکی (حَسَنه‌ای) را داشته باشد، آن کار نیک، برایش ثبت می‌شود، و اگر آن را انجام دهد، ده کار نیک برایش ثبت می‌شود؛ امّا اگر قصد انجام دادن گناهی را داشته باشد، هیچ چیزی برایش ثبت

---

۱ . «تسع» که در متن حدیث آمده، ظاهراً تصحیف «سبع (هفت)» است.

وَاستَغفَرَ وتابَ لَم تُكتَب[١] عَلَيهِ، وإن لَم يَندَم ولَم يَتُب مِنها كُتِبَت عَلَيهِ سَيِّئَةٌ واحِدَةٌ.[٢]

٢٥٨٨ . **الكافي عن حفص:** سَمِعتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام يَقولُ: ما مِن مُؤمِنٍ يُذنِبُ ذَنباً إلّا أجَّلَهُ اللهُ عزوجل سَبعَ ساعاتٍ مِنَ النَّهارِ، فَإن هُوَ تابَ لَم يُكتَب عَلَيهِ شَيءٌ، وإن هُوَ لَم يَفعَل كَتَبَ اللهُ عَلَيهِ سَيِّئَةً.

فَأتاهُ عَبّادٌ البَصرِيُّ فَقالَ لَهُ: بَلَغَنا أنَّكَ قُلتَ: ما مِن عَبدٍ يُذنِبُ ذَنباً إلّا أجَّلَهُ اللهُ عزوجل سَبعَ ساعاتٍ مِنَ النَّهارِ.

فَقالَ: لَيسَ هٰكَذا قُلتُ، ولٰكِنّي قُلتُ: ما مِن مُؤمِنٍ، وكَذٰلِكَ كانَ قَولي.[٣]

٣ / ٤
تَمحيصُ الذُّنوبِ

٢٥٨٩ . **رسول الله صلى الله عليه وآله:** الاِستِغفارُ مَمحاةٌ لِلذُّنوبِ.[٤]

٢٥٩٠ . **عنه صلى الله عليه وآله:** عَلَيكَ بِالاِستِغفارِ فَإنَّها مَمحاةٌ.[٥]

٢٥٩١ . **عنه صلى الله عليه وآله:** لِكُلِّ داءٍ دَواءٌ، ودَواءُ الذُّنوبِ الاِستِغفارُ.[٦]

---

١ . في المصدر: «يُكتب»، والتصويب من بحار الأنوار.

٢ . الخصال: ص ٤١٨ ح ١١ عن سليمان بن مهران، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٤٦ ح ٢.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٤٣٩ ح ٩، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٦٩ ح ١٨٥، قرب الإسناد: ص ٢ ح ٤ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٣٨ ح ٦٣.

٤ . تفسير القرطبي: ج ١٨ ص ٣٠١، الفردوس: ج ١ ص ١٢٤ ح ٤٢٨ كلاهما عن حذيفة بن اليمان، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٧١؛ المجازات النبوية: ص ٢٣٢ ح ١٨٨ وفيه «مهدمة» بدل «ممحاة».

٥ . جامع الأحاديث للقمّي: ص ٨٦، الجعفريات: ص ١٨٦، النوادر للراوندي: ص ٩٢ ح ٢٩ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الدعوات: ص ٢٢٧ ح ٦٢٩ وفيها «المنجاة» بدل «ممحاة»، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٤٠٣ ح ١٠٥.

٦ . ثواب الأعمال: ص ١٩٧ ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج ٢ ص ٤٣٩ ح ٨، الجعفريات: ص ٢٢٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٩ ح ١١؛ الفردوس: ج ٣ ص ٣٣٦ ح ٥٠١١ عن جابر، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٩ ح ٢٠٨٩.

نمی‌شود، و اگر آن را انجام دهد، نُه ساعت بـه او فـرصت داده مـی‌شود. اگـر پشیمان‌شد و درخواست آمرزش کرد و توبه نمود، برایش ثبت نمی‌شود، و اگر پشیمان نشد و توبه ننمود، برایش جز یک گناه، ثبت نمی‌شود.

۲۵۸۸ . **الکافی** ـ به نقل از حفص ـ: از امام صادق‌ﷺ شنیدم که می‌فرماید: «هیچ مؤمنی نیست که گناهی کند، مگر آن که خداوند ﷻ هفت ساعت از روز را به او مهلت می‌دهد. اگر توبه کرد، چیزی برایش نوشته نمی‌شود، و اگر نکرد، خداوندْ یک گناه برایش می‌نویسد».

عبّاد بصری، نزد امام‌ﷺ آمد و گفت: شنیده‌ایم که شما گفته‌ای: «هیچ بنده‌ای نیست که گناهی کند، مگر آن که خداوند ﷻ هفت ساعت از روز را به او مهلت می‌دهد؟».

فرمود: «من چنین نگفته‌ام؛ بلکه گفته‌ام: "هیچ مؤمنی نیست". سخن من، این گونه بود».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳ / ۴
پاک کردن گناهان

۲۵۸۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: آمرزش‌خواهی، پاک کنندهٔ گناهان است.

۲۵۹۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: بر تو باد آمرزش‌خواهی، که آن پاک کننده است!

۲۵۹۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر دردی درمانی دارد و درمان گناهان، آمرزش‌خواهی است.

٢٥٩٢ . عنه ﷺ: ألا أدُلُّكُم عَلىٰ دائِكُم ودَوائِكُم، ألا إنَّ داءَكُمُ الذُّنوبُ، ودَواءَكُمُ الاِستِغفارُ.[١]

٢٥٩٣ . عنه ﷺ: لا تَنسَيَنَّ الاِستِغفارَ في صَلاتِكَ؛ فَإِنَّها مَمحاةٌ لِلخَطايا بِرَحمَةِ اللهِ.[٢]

٢٥٩٤ . عنه ﷺ: مَن ظَلَمَ أحَداً فَفاتَهُ، فَليَستَغفِرِ اللهَ لَهُ فَإِنَّهُ كَفّارَةٌ لَهُ.[٣]

٢٥٩٥ . عنه ﷺ: ما كَبيرَةٌ بِكَبيرَةٍ مَعَ الاِستِغفارِ، ولا صَغيرَةٌ بِصَغيرَةٍ مَعَ الإِصرارِ.[٤]

٢٥٩٦ . الإمام الباقر ﷺ: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ وَالاِستِغفارُ لَكُم حِصنَينِ حَصينَينِ مِنَ العَذابِ، فَمَضىٰ أكبَرُ الحِصنَينِ وبَقِيَ الاِستِغفارُ، فَأَكثِروا مِنهُ؛ فَإِنَّهُ مَمحاةٌ لِلذُّنوبِ، قالَ اللهُ ﷻ: ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾[٥].[٦]

٢٥٩٧ . الإمام علي ﷺ: الاِستِغفارُ دَواءُ الذُّنوبِ.[٧]

---

١. شعب الإيمان: ج ٥ ص ٤٢٨ ح ٧١٤٧، الفردوس: ج ١ ص ١٣٦ ح ٤٧٨ كلاهما عن أنس، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٩ ح ٢٠٩٢، جامع الأخبار: ص ١٤٨ ح ٣٣٦ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٢ ح ٢٣.

٢. الأمالي للطوسي: ص ٣٤٦ ح ٧١٤ عن أبي المنذر الجهني، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٠٠ ح ١١ وج ٨٦ ص ٢٥٠ ح ١٤.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٣٣٤ ح ٢٠ عن السكوني عن الإمام الصادق ﷺ، ثواب الأعمال: ص ٣٢٣ ح ١٥ عن السكوني، الاختصاص: ص ٢٣٥ كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ عنه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٣١٣ ح ٢٧.

٤. تاريخ دمشق: ج ٦ ص ٣٩٤ ح ١٥٦٧ عن عائشة، مسند الشهاب: ج ٢ ص ٢٠٤ ح ٧٥٢ عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٤ ص ٢١٧ ح ١٠٢٣٢.

٥. الأنفال: ٣٣.

٦. بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٩ ح ١٣ نقلاً عن ثواب الأعمال: ص ١٩٧ ح ٣ وفيه: «كان رسول الله ﷺ يقول: مقامي فيكم والاستغفار لكم حصن حصين من العذاب...» وما اخترناه من نسخة بحار الأنوار هو الصواب، تفسير العيّاشي: ج ٢ ص ٥٤ ح ٤٤ وفيه «منجاة» بدل «ممحاة» وكلاهما عن عبد الله بن محمّد الجعفي.

٧. غرر الحكم: ح ٩١٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١ ح ٥٢١.

۲۵۹۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: آیا شما را به دردتان و درمانتان، راه نمایی نکنم؟ بدانید که درد شما، گناهان است و درمانتان، آمرزش‌خواهی.

۲۵۹۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: آمرزش‌خواهی در نمازت را هیچ گاه از یاد مبر؛ زیرا که آن، به لطف خداوند، خطاها را پاک می‌کند.

۲۵۹۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس به شخصی ستم کند و [برای جلب رضایت او] به او دسترس نداشته باشد، از خدا برایش طلب آمرزش کند؛ زیرا این، کفّارهٔ [ستم] اوست.

۲۵۹۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ گناه بزرگی با وجود آمرزش‌خواهی، بزرگ نیست، و هیچ گناه کوچکی، با وجود ادامه دادن به آن، کوچک نیست.

۲۵۹۶ . **امام باقر**ؑ: پیامبر خدا و آمرزش‌خواهی، دو سنگر مستحکم در برابر آتش برای شما بودند. سنگر بزرگ‌تر رفت و آمرزش‌خواهی مانْد. پس آن را فراوان بگویید؛ زیرا پاک کنندهٔ گناهان است. خداوندﷻ فرموده است: ﴿تا تو در میان آنانی، خدا عذابشان نمی‌کند، و تا زمانی که آمرزش بخواهند، خداوند عذاب کنندهٔ ایشان نباشد﴾.

۲۵۹۷ . **امام علی**ؑ: آمرزش‌خواهی، داروی گناهان است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٥٩٨ . عنه ﷺ: الذُّنوبُ الدّاءُ، وَالدَّواءُ الاِستِغفارُ، وَالشِّفاءُ أَلّا تَعودَ.[١]

٢٥٩٩ . عنه ﷺ: الاِستِغفارُ يَمحُو الأَوزارَ[٢].[٣]

٢٦٠٠ . عنه ﷺ: حُسنُ الاِستِغفارِ يُمَحِّصُ[٤] الذُّنوبَ.[٥]

٢٦٠١ . عنه ﷺ: يَسيرُ التَّوبَةِ وَالاِستِغفارِ، يُمَحِّصُ المَعاصِيَ وَالإِصرارَ.[٦]

٢٦٠٢ . عنه ﷺ: عَوِّد نَفسَكَ الاِستِهتارَ[٧] بِالذِّكرِ وَالاِستِغفارِ، فَإِنَّهُ يَمحو عَنكَ الحَوبَةَ[٨]، ويُعَظِّمُ لَكَ المَثوبَةَ.[٩]

٢٦٠٣ . عنه ﷺ: تَعَطَّروا بِالاِستِغفارِ، لا تَفضَحكُم رَوائِحُ الذُّنوبِ.[١٠]

٢٦٠٤ . الإمام الباقر ﷺ: أَلِحّوا فِي الاِستِغفارِ، فَإِنَّهُ مَمحاةٌ لِلذُّنوبِ.[١١]

---

١ . غرر الحكم: ح ١٨٩٠.

٢ . الوزرُ: الحملُ والثّقل، وأكثر ما يُطلَق في الحديث على الذنب والإثم، وجمعه أوزار (النهاية: ج ٥ ص ١٧٩ «وزر»).

٣ . غرر الحكم: ح ٣٤٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٣ ح ٥٩٦.

٤ . تمحيص الذّنوب أي: إزالتها (النهاية: ج ٤ ص ٣٠٢ «محص»).

٥ . غرر الحكم: ح ٤٨٦٣ و ٤٩٤١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢٨ ح ٤٣٩٩.

٦ . غرر الحكم: ح ١٠٩٩٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥٥ ح ١٠٢٣٩.

٧ . المستهترون بذكر الله: يعني الذين أُولعوا به. ومستهتر: أي مولع به لا يتحدّث بغيره، ولا يفعل غيره (النهاية: ج ٥ ص ٢٤٣ «هتر»).

٨ . حوبتي: إثمي، ومنه «اغفر لنا حوبنا» أي إثمنا (النهاية: ج ١ ص ٤٥٥ «حوب»).

٩ . غرر الحكم: ح ٦٢٣٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٤٠ ح ٥٧٩٢ وفيه «الاستكثار بالاستغفار» بدل «الاستهتار بالذكر والاستغفار».

١٠ . الأمالي للطوسي: ص ٣٧٢ ح ٨٠١ عن عليّ بن عليّ بن رزين عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام الحسين ﷺ عن النزّال بن سبرة، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٥٤، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٢ ح ١٨؛ شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٢٨١ ح ٢٢٥.

١١ . تحف العقول: ص ٢٩٨، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٧٨ ح ٥٣.

۲۵۹۸ . **امام علی**ﷺ: گناهان، بیماری‌اند و دارو [ی آنها] آمرزش‌خواهی است، و شفایش، [در] این است که [به آنها] باز نگردی.

۲۵۹۹ . **امام علی**ﷺ: آمرزش‌خواهی، بار سنگین گناهان را از بین می‌برَد.

۲۶۰۰ . **امام علی**ﷺ: آمرزش‌خواهیِ نیکو (راستین)، گناهان را می‌زُداید.

۲۶۰۱ . **امام علی**ﷺ: اندکی توبه و آمرزش‌خواهی، گناهان و پافشاری [بر آنها] را می‌زداید.

۲۶۰۲ . **امام علی**ﷺ: خویشتن را به آزمندی بر یاد خدا و آمرزش‌خواهی عادت دِه؛ زیرا این کار، گناه را از تو می‌زُداید و پاداشت را بزرگ می‌گردانَد.

۲۶۰۳ . **امام علی**ﷺ: به عطر آمرزش‌خواهی معطّر شوید تا بوی گناهان، شما را رسوا نسازد.

۲۶۰۴ . **امام باقر**ﷺ: در آمرزش‌خواهی پافشاری کنید؛ زیرا که آن، پاک‌کنندهٔ گناهان است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٤ / ٤
جِلاءُ القُلوبِ

٢٦٠٥ . رسول الله ﷺ: إنَّ لِلقُلوبِ صَدأً كَصَدإِ النُّحاسِ، فَاجلوها بِالاِستِغفارِ.[١]

٢٦٠٦ . عنه ﷺ: إنَّ العَبدَ إذا أخطَأَ خَطيئَةً نُكِتَت في قَلبِهِ نُكتَةٌ سَوداءُ، فَإذا هُوَ نَزَعَ وَاستَغفَرَ وتابَ سُقِلَ[٢] قَلبُهُ، وإن عادَ زيدَ فيها حَتّىٰ تَعلُوَ قَلبَهُ، وهُوَ الرّانُ الَّذي ذَكَرَ اللهُ ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾[٣].[٤]

٥ / ٤
تَباعُدُ الشَّيطانِ

٢٦٠٧ . فضائل الأشهر الثلاثة عن يونس بن ظبيان: قُلتُ لِلصّادِقِ ﷺ: مَا الَّذي يُباعِدُ عَنّا إبليسَ؟

قالَ: الصَّومُ يُسَوِّدُ وَجهَهُ... وَالاِستِغفارُ يَقطَعُ وَتينَهُ[٥].[٦]

---

١ . عدّة الداعي: ص ٢٤٩، نزهة الناظر: ص ٢٨ ح ٨٢، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٤ ح ٣٢؛ المعجم الصغير: ج ١ ص ١٨٤ وفيه «الحديد» بدل «النحاس»، تاريخ دمشق: ج ٦٢ ص ٨٠ ح ١٢٧١٤ كلاهما عن أنس، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٧٤.

٢ . السَّقْلُ هو مثل الصقل للسّيف والثوب ونحوهما، بالسين والصّاد جميعاً (تاج العروس: ج ١٤ ص ٣٤٩ «سقل»).

٣ . المطفّفين: ١٤.

٤ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٣٤ ح ٣٣٣٤، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٥٠٩ ح ١١٦٥٨، صحيح ابن حبّان: ج ٧ ص ٢٧ ح ٢٧٨٧ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٤ ص ٢١٠ ح ١٠١٨٩.

٥ . الوَتين: عرق في القلب إذا انقطع مات صاحبه (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢٧٤ «وتن»).

۴/۴
صیقل دادن دل‌ها

۲۶۰۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: دل‌ها همانند مس،[۱] زنگار می‌بندند. پس آنها را با آمرزش‌خواهی، صیقل دهید.

۲۶۰۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: بنده، هرگاه گناهی کند، نقطه‌ای سیاه در دلش پدید می‌آید. اگر دست برداشت و آمرزش طلبید و توبه کرد، دلش صیقل می‌یابد؛ ولی اگر دوباره آن را انجام داد، بر آن نقطه افزوده می‌شود تا جایی که تمام دلش را می‌پوشانَد. این، همان زنگاری است که خداوند فرموده است: ﴿نه؛ بلکه آنچه کرده‌اند، زنگار بر دل‌هاشان بسته است﴾.

۵/۴
دور کردن شیطان

۲۶۰۷ . **فضائل الأشهر الثلاثة** ـ به نقل از یونس بن ظبیان ـ : به امام صادق علیه السلام گفتم: چه چیز، شیطان را از ما دور می‌گرداند؟

فرمود: «روزه، روی او را سیاه می‌کند... و آمرزش‌خواهی، شاه رگش را قطع می‌کند».

---

۱ . در المعجم الصغیر، به جای «مس»، «آهن» آمده است.

٦ / ٤
الأمن من العذاب والبلايا

الكتاب

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾.[١]

﴿وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا﴾.[٢]

الحديث

٢٦٠٨ . رسول الله ﷺ: لا يَزالُ العَبدُ آمِناً مِن عَذابِ اللهِ مَا استَغفَرَ اللهَ.[٣]

٢٦٠٩ . عنه ﷺ ـ في دُعاءٍ لَهُ وقَدِ انكَسَفَتِ الشَّمسُ ـ: رَبِّ! أَلَم تَعِدني أن لا تُعَذِّبَهُم وأنَا فِيهِم؟ أَلَم تَعِدني أن لا تُعَذِّبَهُم وهُم يَستَغفِرونَ؟[٤]

٢٦١٠ . عنه ﷺ: أكثِروا مِن قَولِ: لا إلهَ إلَّا اللهُ وَالاِستِغفارِ؛ فَإِنَّهُما أمانٌ فِي الدُّنيا مِنَ الذُّلِّ، وفِي الآخِرَةِ جُنَّةٌ مِنَ النّارِ.[٥]

٢٦١١ . عنه ﷺ: فِي الأَرضِ أمانانِ: أنَا أمانٌ، وَالاِستِغفارُ أمانٌ، وأنَا مَذهوبٌ بي، ويَبقىٰ أمانُ الاِستِغفارِ عِندَ كُلِّ حَدَثٍ وذَنبٍ.[٦]

---

١ . الأنفال: ٣٣.

٢ . الكهف: ٥٥.

٣ . تاريخ دمشق: ج ٥٥ ص ٨٦ عن فضالة بن عبيد، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٩ ح ٢٠٩٤.

٤ . سنن أبي داوود: ج ١ ص ٣١٠ ح ١١٩٤، السنن الكبرى للنسائي: ج ١ ص ١٩٦ ح ٥٤٧، صحيح ابن خزيمة: ج ٢ ص ٣٢٢ ح ١٣٩٢ وفيه «ونحن نستغفرك» بدل «وهم يستغفرون»، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٣٥٨ ح ٣٣٦٢ كلّها عن عبد الله بن عمرو، كنز العمّال: ج ١١ ص ٤٥٦ ح ٣٢١٤١.

٥ . كنز العمّال: ج ١٠ ص ١٧ ح ٢٨١٥٢ نقلاً عن الديلمي عن أنس.

٦ . الفردوس: ج ٣ ص ١٣٦ ح ٤٣٦٦ عن عثمان بن أبي العاص، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٩ ح ٢٠٩٣.

۶/۴
ایمنی از عذاب و بلاها

قرآن

﴿تا تو در میان آنانی، خداوند، عذابشان نمی‌کند، و تا زمانی که آمرزش بطلبند، خداوند عذاب کنندهٔ ایشان نباشد﴾.

﴿و چیزی مانع مردم نشد از این که وقتی هدایت به سویشان آمد، ایمان بیاورند و از پروردگارشان آمرزش بخواهند، جز این که [مستحق شوند] تا سنّت [خدا در مورد عذاب] پیشینیان، در بارهٔ آنان [نیز] به کار رود یا عذاب، رویارویشان بیاید﴾.

حدیث

۲۶۰۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: بنده، تا زمانی که از خدا آمرزش بطلبد، از عذاب خدا در امان خواهد بود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۶۰۹ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در دعایی از ایشان در هنگام خورشیدگرفتگی ـ: پروردگارا! مگر به من، وعده ندادی که تا من در میان آنان هستم، عذابشان نکنی؟ مگر به من وعده ندادی که تا وقتی آمرزش می‌طلبند، عذابشان نکنی؟

۲۶۱۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: جملهٔ «معبودی جز خدا نیست» را بسیار بگویید و فراوان آمرزش بطلبید؛ زیرا این دو در دنیا، امان از خواری‌اند و در آخرت، سپر در برابر آتش‌اند.

۲۶۱۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: در زمین، دو امان وجود دارد: من، یک امان هستم و آمرزش‌خواهی، امان دیگر. من، بُرده می‌شوم و امان آمرزش‌خواهی، در هنگام هر رُخداد و گناهی بر جای می‌مانَد.

٢٦١٢ . عنه ﷺ: أنزَلَ اللهُ عَلَيَّ أمانَينِ لِأُمَّتي: ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾، فَإِذا[1] مَضَيتُ تَرَكتُ فيهِمُ الاِستِغفارَ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ.[2]

٢٦١٣ . الإمام عليّ عليه السلام: لَو أنَّ النّاسَ حينَ عَصَوا أنابوا وَاستَغفَروا، لَم يُعَذَّبوا ولَم يُهلَكوا.[3]

٢٦١٤ . عنه عليه السلام: كانَ فِي الأَرضِ أمانانِ مِن عَذابِ اللهِ، وقَد رُفِعَ أحَدُهُما فَدونَكُمُ الآخَرَ فَتَمَسَّكوا بِهِ. أمَّا الأَمانُ الَّذي رُفِعَ فَهُوَ رَسولُ اللهِ ﷺ، وأمَّا الأَمانُ الباقي فَالاِستِغفارُ، قالَ اللهُ تَعالىٰ: ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾.[4]

٢٦١٥ . عنه عليه السلام: أربَعٌ لِلمَرءِ لا عَلَيهِ: الإيمانُ، وَالشُّكرُ؛ فَإِنَّ اللهَ تَعالىٰ يَقولُ: ﴿مَا يَفْعَلُ ٱللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَءَامَنتُمْ﴾[5]، وَالاِستِغفارُ؛ فَإِنَّهُ قالَ: ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾، وَالدُّعاءُ؛ فَإِنَّهُ قالَ: ﴿قُلْ مَا يَعْبَؤُا۟ بِكُمْ رَبِّى لَوْلَا دُعَآؤُكُمْ﴾[6].[7]

٢٦١٦ . الإمام الصادق عليه السلام: ما ضاعَ مالٌ في بَرٍّ ولا بَحرٍ إلّا بِتَضييعِ الزَّكاةِ، فَحَصِّنوا أموالَكُم بِالزَّكاةِ، وداووا مَرضاكُم بِالصَّدَقَةِ، وَادفَعوا نَوائِبَ البَلايا بِالاِستِغفارِ.[8]

---

١ . في المصدر: «إذا»، وما أثبتناه هو الصحيح كما في كنز العمّال.

٢ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٢٧٠ ح ٣٠٨٢، تفسير ابن كثير: ج ٣ ص ٥٩٠ كلاهما عن أبي موسى، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٧ ح ٢٠٨١.

٣ . غرر الحكم: ح ٧٥٨٣.

٤ . نهج البلاغة: الحكمة ٨٨، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٢ ح ٢٢٥٩، مجمع البيان: ج ٤ ص ٨٢٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٤ ح ٣١.

٥ . النساء: ١٤٧.

٦ . الفرقان: ٧٧.

٧ . الأمالي للطوسي: ص ٤٩٣ ح ١٠٨١ عن عمر بن صبح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٤٩ ح ٦٥.

٨ . المحاسن: ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٠٦٢، الأصول الستّة عشر: ص ٧٧ وفيه «أبواب» بدل «نوائب»، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٩٣ ح ٧٣.

۲۶۱۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند دو امان برای امّتم بر من نازل کرد: ﴿تا تو در میان ایشان هستی، خداوندْ عذابشان نمی‌کند، و تا زمانی که آمرزش می‌طلبند، خداوند عذاب کنندهٔ ایشان نخواهد بود﴾. پس، هر گاه من رفتم، آمرزش‌خواهی را تا روز قیامت، در میانشان بر جای می‌گذارم.

۲۶۱۳ . **امام علی**ؑ: اگر مردم، زمانی که نافرمانی [خدا] کردند، توبه می‌نمودند و آمرزش می‌طلبیدند، عذاب نمی‌شدند و هلاک نمی‌گشتند.

۲۶۱۴ . **امام علی**ؑ: در زمین، دو مایهٔ ایمنی از عذاب خدا وجود داشت که یکی از آن دو بُرده شد. پس آن دیگری را دریابید و بدان، چنگ زنید. آن مایهٔ ایمنی که بُرده شد، پیامبر خدا بود، و آن مایهٔ ایمنیِ باقی مانده، آمرزش‌خواهی است. خداوند متعال فرموده است: ﴿تا تو در میان ایشان هستی، خداوندْ عذابشان نمی‌کند، و تا زمانی که آمرزش می‌طلبند، خداوندْ عذاب کنندهٔ ایشان نخواهد بود﴾.

۲۶۱۵ . **امام علی**ؑ: چهار چیز است که به سود آدمی است، نه به زیان او: ایمان، و سپاس‌گزاری؛ زیرا خداوند متعال فرموده است: ﴿اگر سپاس بگزارید و ایمان آورید، خدا می‌خواهد با عذاب شما چه کند؟﴾؛ [سوم،] آمرزش‌خواهی؛ زیرا فرموده است: ﴿و تا تو در میان ایشان هستی، خداوندْ عذابشان نمی‌کند، و تا زمانی که آمرزش بخواهند، خداوندْ عذاب کنندهٔ ایشان نخواهد بود﴾؛ و [چهارم] دعا؛ زیرا فرموده: ﴿بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند﴾.

۲۶۱۶ . **امام صادق**ؑ: هیچ مالی در خشکی و دریا از بین نرفت، مگر به سبب نپرداختن زکات. پس، اموال خود را با پرداخت زکات، نگه دارید، و بیمارانتان را با دادن صدقه، درمان کنید، و بلاهای سخت را با آمرزش‌خواهی، از خود دور نمایید.

٧ / ٤
دَفعُ الهُمُومِ

٢٦١٧ . رسول الله ﷺ: مَنِ استَبطَأَ الرِّزقَ فَليُكثِر مِنَ التَّكبيرِ، ومَن كَثُرَ هَمُّهُ وغَمُّهُ فَليُكثِر مِنَ الاِستِغفارِ.[١]

٢٦١٨ . عنه ﷺ: مَن ظَهَرَت عَلَيهِ النِّعمَةُ فَليُكثِر ذِكرَ «الحَمدُ لِلّهِ»، ومَن كَثُرَت هُمومُهُ فَعَلَيهِ بِالاِستِغفارِ، ومَن أَلَحَّ عَلَيهِ الفَقرُ فَليُكثِر مِن قَولِ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» يَنفي عَنهُ الفَقرَ.[٢]

٢٦١٩ . عنه ﷺ: مَن أَلبَسَهُ اللهُ نِعمَةً فَليُكثِر مِن: «الحَمدُ لِلّهِ»، ومَن كَثُرَت هُمومُهُ فَليَستَغفِرِ اللهَ، ومَن أبطَأَ عَنهُ رِزقُهُ فَليُكثِر مِن قَولِ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»، ومَن نَزَلَ مَعَ قَومٍ فَلا يَصومَنَّ إلّا بِإِذنِهِم.[٣]

٢٦٢٠ . عنه ﷺ: مَن أكثَرَ مِنَ الاِستِغفارِ جَعَلَ اللهُ لَهُ مِن كُلِّ هَمٍّ فَرَجاً، ومِن كُلِّ ضيقٍ مَخرَجاً، ويَرزُقُهُ مِن حَيثُ لا يَحتَسِبُ.[٤]

٢٦٢١ . **الدعوات عن محمّد بن الريّان:** كَتَبتُ إلىٰ أَبِي الحَسَنِ الثّالِثِ عليه السلام أسأَلُهُ أن يُعَلِّمَني دُعاءً

---

١ . كنز العمّال: ج ٤ ص ٢٧ ح ٩٣٢٥ نقلاً عن الديلمي عن أنس.

٢ . الكافي: ج ٨ ص ٩٣ ح ٦٥ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج ١ ص ١١٤ ح ١١٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه ﷺ، النوادر للراوندي: ص ١٢٤ ح ١٤٠، معدن الجواهر: ص ٥٠ عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٩٦ ح ١٠؛ تاريخ بغداد: ج ٢ ص ٥٢ نحوه عن أنس، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٨٤٧ ح ٤٣٣٦٨.

٣ . المعجم الأوسط: ج ٦ ص ٣٣٣ ح ٦٥٥٥، تاريخ دمشق: ج ٤٧ ص ٥٨ ح ١٠١٤٩ كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٩٣٨ ح ٤٣٦١٢.

٤ . السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١١٨ ح ١٠٢٩٠، سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٨٥ ح ١٥١٨، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٥٥ ح ٣٨١٩ وفيهما «لزم» بدل «أكثر من»، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٣٥ ح ٢٢٣٤، المستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٩١ ح ٧٦٧٧ كلّها عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٦٩.

۷ / ۴
زدودن غم و اندوه

۲۶۱۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در رسیدن روزی کُندی دید، بسیار تکبیر بگوید، و هر کس غم و اندوهش بسیار شد، طلب آمرزش کند.

۲۶۱۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس نعمت، او را فرا گرفت، ذکر «الحمدلله؛ ستایش، برای خداست» را بسیار بگوید، و هر کس غم هایش بسیار شد، به آمرزش‌خواهی رو آورد، و هر کس فقر دامنگیرش شد، جملهٔ «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگوید، فقر را از او می‌زُداید.

۲۶۱۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس که خداوند بر او نعمتی بپوشانَد، باید [جملهٔ] «ستایش، برای خداست» را بسیار بگوید، و هر کس که [غم و] اندوه‌هایش فزونی گیرد، باید از خدا آمرزش بطلبد، و هر کس روزی‌اش دیر به او برسد، باید جملهٔ «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را فراوان بگوید، و هر کس میهمان قومی شود، نباید جز با اجازهٔ آنها روزه[ی مستحبّی] بگیرد.

۲۶۲۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس بسیار آمرزش‌خواهی کند، خداوندْ برای هر غم، او گشایشی، و برای هر تنگنای او، برون رفتی قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان نمی‌برَد، روزی می‌دهد.

۲۶۲۱ . **الدعوات** ـ به نقل از محمّد بن ریّان ـ: به امام هادیؑ نوشتم و درخواست کردم که دعایی برای سختی‌ها و بلایا و گرفتاری‌ها و برآورده شدن حوایج دنیا و

لِلشَّدائِدِ وَالنَّوازِلِ[١] وَالمُهِمّاتِ وقَضاءِ حَوائِجِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ، وأن يَخُصَّني كَما خَصَّ آباؤُهُ مَوالِيَهُم.

فَكَتَبَ إلَيَّ: إلزَمِ الاِستِغفارَ.[٢]

٨ / ٤
دَفعُ الشَّدائِدِ

٢٦٢٢ . **الفرج بعد الشدّة:** حَدَّثَني أيّوبُ بنُ العَبّاسِ بنِ الحَسَنِ بِإسنادٍ كَثيرٍ، أنَّ أعرابِيّاً شَكىٰ إلىٰ أميرِ المُؤمِنينَ عَلِيٍّ عليه السلام شَكوىٰ لَحِقَتهُ، وضيقاً فِي الحالِ وكَثرَةً مِنَ العِيالِ، فَقالَ لَهُ: عَلَيكَ بِالاِستِغفارِ، فَإنَّ اللهَ عزّ وجلّ يَقولُ: ﴿اَسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾[٣] الآياتِ.

فَمَضَى الرَّجُلُ وعادَ إلَيهِ، فَقالَ: يا أميرَ المُؤمِنينَ، إنّي قَدِ استَغفَرتُ اللهَ كَثيراً ولَم أرَ فَرَجاً مِمّا أنَا فيهِ!

فَقالَ لَهُ: لَعَلَّكَ لا تُحسِنُ الاِستِغفارَ. قالَ: عَلِّمني.

فَقالَ: أخلِص نِيَّتَكَ، وأطِع رَبَّكَ، وقُل: اللّٰهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ ذَنبٍ قَوِيَ عَلَيهِ بَدَني بِعافِيَتِكَ، أو نالَتهُ قُدرَتي بِفَضلِ نِعمَتِكَ، أو بَسَطتُ إلَيهِ يَدي بِسابِغِ رِزقِكَ، وَاتَّكَلتُ فيهِ عِندَ خَوفي مِنهُ عَلىٰ أمانِكَ، ووَثِقتُ فيهِ بِحِلمِكَ، وعَوَّلتُ فيهِ عَلىٰ كَريمِ عَفوِكَ، اللّٰهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ ذَنبٍ خُنتُ[٤] فيهِ أمانَتي، أو بَخَستُ فيهِ نَفسي، أو قَدَّمتُ فيهِ لَذَّتي، أو آثَرتُ فيهِ شَهوَتي، أو سَعَيتُ فيهِ لِغَيري، أوِ استَغوَيتُ إلَيهِ مَن تَبِعَني، أو غَلَبتُ فيهِ بِفَضلِ حيلَتي، أو أحَلتُ فيهِ عَلىٰ مَولايَ

---

١. النّازلة: الشديدة من شدائد الدهر تنزل بالناس، الجمع نوازل (الصحاح: ج ٥ ص ١٨٢٨ «نزل»).

٢. الدعوات: ص ٢٩ ح ١٢٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٣ ح ٣٠.

٣. نوح: ١٠.

٤. في المصدر: «خفتُ»، والتصويب من دستور معالم الحكم وكنز العمّال.

آخرت، به من بیاموزد و به من، عنایت خاصّ ورزَد، چنان که پدرانش به دوستانشان عنایت ویژه داشتند.

امام﵇ به من نوشت: «آمرزش‌خواهی را وامگذار».

۸/۴
برطرف ساختن سختی‌ها

۲۶۲۲ . **الفرج بعد الشدّة**: ایّوب بن عبّاس بن حسن، با اِسناد بسیار، برایم نقل کرد که بادیه‌نشینی به امیر مؤمنان علی﵇ از رنجوری و تنگ دستی و عیالواری‌اش شکایت کرد. ایشان به او فرمود: «بر تو باد آمرزش‌خواهی؛ زیرا خداوندﷻ می‌فرماید: ﴿از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است﴾ (تا آخر آیات)». مرد رفت و [پس از چندی] باز آمد و گفت: ای امیر مؤمنان، من از خداوند، بسیار آمرزش طلبیدم؛ امّا گشایشی در وضع خود ندیدم!

فرمود: «شاید آمرزش‌خواهی را نیکو (درست) انجام نمی‌دهی».

گفت: به من بیاموز.

فرمود: «نیّتت را خالص گردان» و از پروردگارت، فرمان ببر و بگو: «بار خدایا! از تو آمرزش می‌طلبم از هر گناهی که تنم، به لطف عافیت‌بخشی تو، بر آن توانا گشت، یا نیرویم ـ که با نعمت تو آن را به دست آورده‌ام ـ به آن رسید، یا دستم، بر اثر برخورداری از نعمت فراوان تو، به سوی آن کشیده شد، و آن گاه که خواستم از آن گناه بترسم، به امان‌دهیِ تو تکیه کردم و به بردباری تو پشت گرم شدم و به عفو کریمانهٔ تو اعتماد کردم.

بار خدایا! از تو آمرزش می‌طلبم از هر گناهی که در آن، در امانتم خیانت کردم، یا خویشتن را حقیر گردانیدم، یا در آن، لذّت خود را مقدّم داشتم، یا خواسته‌ام را ترجیح دادم، یا در آن، برای غیر خودم کوشیدم، یا پیروانم را گم راه کرده، به سوی آن کشانیدم، یا به لطف چاره‌گری‌ام بر آن چیره آمدم، یا در آن، با سَروَرم [خداوند] از در فریب در آمدم، ولی او مرا بی‌درنگ، به کیفر این

فَلَم يُعاجِلني عَلىٰ فِعلي، إذ كُنتَ سُبحانَكَ كارِهاً لِمَعصِيَتي غَيرَ مُرِيدِها مِنّي، لٰكِن سَبَقَ عِلمُكَ فِيَّ بِاختِياري وَاستِعمالِ مُرادي، وإيثاري، فَحَلُمتَ عَنّي، ولَم تُدخِلني فيهِ جَبراً ولَم تَحمِلني عَلَيهِ قَهراً، ولَم تَظلِمني عَلَيهِ شَيئاً، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.

يا صاحِبي في شِدَّتي، يا مُؤنِسي في وَحدَتي، يا حافِظي في غُربَتي، يا وَلِيّي في نِعمَتي، يا كاشِفَ كُربَتي، يا مُستَمِعَ دَعوَتي، يا راحِمَ عَبرَتي، يا مُقيلَ عَثرَتي، يا إلٰهي بِالتَّحقيقِ، يا رُكنِيَ الوَثيقَ، يا رَجائي لِلضّيقِ[1]، يا مَولايَ الشَّفيقَ، يا رَبَّ البَيتِ العَتيقِ، أخرِجني مِن حَلَقِ المَضيقِ إلىٰ سَعَةِ الطَّريقِ، بِفَرَجٍ مِن عِندِكَ قَريبٍ وَثيقٍ، وَاكشِف عَنّي كُلَّ شِدَّةٍ وضيقٍ، وَاكفِني ما أُطيقُ وما لا أُطيقُ.

اللّٰهُمَّ فَرِّج عَنّي كُلَّ هَمٍّ وغَمٍّ، وأخرِجني مِن كُلِّ حُزنٍ وكَربٍ، يا فارِجَ الهَمِّ ويا كاشِفَ الغَمِّ، ويا مُنزِلَ القَطرِ، ويا مُجيبَ دَعوَةِ المُضطَرِّ، يا رَحمٰنَ الدُّنيا وَالآخِرَةِ ورَحيمَهُما، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ، وعَلىٰ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ، وفَرِّج عَنّي ما ضاقَ بِهِ صَدري، وعَيِيَ مَعَهُ صَبري، وقَلَّت فيهِ حيلَتي، وضَعُفَت لَهُ قُوَّتي، يا كاشِفَ كُلِّ ضُرٍّ وبَلِيَّةٍ، يا عالِمَ كُلِّ سِرٍّ وخَفِيَّةٍ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ﴿وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾[2]، وما تَوفيقي إلّا بِاللهِ، عَلَيهِ تَوَكَّلتُ وهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ.

قالَ الأَعرابِيُّ: فَاستَغفَرتُ بِذٰلِكَ مِراراً فَكَشَفَ اللهُ عَنّي الغَمَّ وَالضّيقَ، ووَسَّعَ عَلَيَّ فِي الرِّزقِ، وأزالَ المِحنَةَ.[3]

---

١. في كنز العمّال: «يا جارِيَ اللُّصيقَ».

٢. غافر: ٤٤.

٣. الفرج بعد الشدّة للتنوخي: ج ١ ص ٤٢، دستور معالم الحكم: ص ٩٠ نحوه وليس فيه ذيله من «يا أرحم الراحمين، يا صاحبي في شدّتي...»، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٥٨ ح ٣٩٦٦ نقلاً عن ابن النجّار.

کردارم نرساند؛ زیرا که تو ـ ای پروردگار پاک ـ، نافرمانی مرا خوش نمی‌داشتی و آن را از من نمی‌خواستی؛ بلکه علم اَزَلی تو، به اختیار من و به کار گرفتن اراده‌ام و انتخابگری‌ام تعلّق گرفت. پس نسبت به من، بردباری ورزیدی و به جبر، در آن [گناه] واردم نکردی، و به زور، بر آنم وا نداشتی و در بارهٔ آن، بر من ستمی نکردی [، بلکه خود بر خویشتن ستم کردم]، ای مهربان‌ترینِ مهربانان، ای یارِ سختی‌های من، ای مونس تنهایی من، ای نگهدار من در غربت، ای ولی‌نعمت من، ای زُدایندهٔ اندوه من، ای شنوندهٔ دعای من، ای رحم آوردنده بر گریهٔ من، ای گذشت کننده از لغزش من، ای معبود راستین من، ای تکیه‌گاه استوار من، ای امید من در تنگناها، ای سَرور دلسوز من، ای پروردگار خانهٔ کهن (کعبه)! با گشایشی نزدیک و استوار از جانب خودت، مرا از تنگه تو در تو، به راه فراخ، بیرون بَر، و هر گونه سختی و تنگنایی را از من بزُدای و گرفتاری‌هایم را، چه آن گرفتاری‌ای که آن را برمی‌تابم یا بر نمی‌تابم، برطرف فرما.

بار خدایا! هر نگرانی و غمی را از من، دور گردان، و مرا از هر اندوه و رنجی بِرَهان، ای زدایندهٔ نگرانی و ای برطرف کنندهٔ اندوه، و ای فرو فرستندهٔ باران، و ای اجابت کنندهٔ دعای درمانده، و ای مهرگستر در دنیا و آخرت! بر محمّد، این برگزیدهٔ تو از میان آفریدگانت، و بر خاندان پاک و پاکیزهٔ او درود فرست، و آنچه را که مرا به تنگ آورده و شکیبایی را از کفم رُبوده و از چاره‌گری در آن، فرو مانده‌ام و در رفع آن، ناتوان گشته‌ام، از من برطرف فرما، ای برطرف کنندهٔ هر گزند و بلایی، ای دانایِ هر راز و نهانی، ای مهربان‌ترینِ مهربانان! «من، کار خویش را به خدا وا می‌گذارم، که خدا برکار بندگانْ بیناست»، و موفّقیّتم، جز به توفیق‌دهیِ خدا نیست. بر او توکّل کردم، و او پروردگارِ عرش بزرگ است"».

بادیه‌نشین گفت: من، با این دعا بارها آمرزش خواستم و سرانجام، خداوند، اندوه و تنگنا از من بُرد و درِ روزی را بر من گشود، و رنج و محنت را زُدود.

٩ / ٤
سَعَةُ الرِّزقِ

الكتاب

﴿وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ﴾.[١]

﴿وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ﴾.[٢]

﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ﴾.[٣]

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَارًا﴾.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الحديث

٢٦٢٣ . رسول الله ﷺ: أكثِرُوا الاِستِغفارَ ؛ فَإِنَّهُ يَجلِبُ الرِّزقَ.[٥]

٢٦٢٤ . عنه ﷺ: مَن أنعَمَ اللهُ تَعالىٰ عَلَيهِ نِعمَةً فَلْيَحمَدِ اللهَ تَعالىٰ، ومَنِ استَبطَأَ[٦] الرِّزقَ

---

١ . هود: ٣.

٢ . هود: ٥٢.

٣ . هود: ٦١.

٤ . نوح: ١٠ـ١٢.

٥ . كنز الفوائد: ج ٢ ص ١٩٧، الخصال: ص ٦١٥ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وفيه «تجلبوا» بدل «فإنّه يجلب»، تحف العقول: ص ١٠٦ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه ﷺ، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢١ ح ١٤.

٦ . في المصدر: «استبطأ عليه»، والتصويب من بحار الأنوار.

۹/۴
گشایش روزی

قرآن

﴿و این که از پروردگارتان آمرزش‌خواهید، سپس به سوی او باز آیید تا شما را تا سر رسیدی تعیین شده، از بهره‌ای نیکو برخوردار کند و فزونِ هر فزونمندی (/پاداش هر بخشنده‌ای) را بدو دهد. و اگر پشت کنند، من از کیفر روزی بزرگ، بر شما بیم دارم﴾.

﴿ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید. سپس به سوی او باز آیید تا باران پیاپی، بر شما فرو ریزد و نیرویی بر نیروتان بیفزاید؛ و بزهکارانه، پشت مکنید﴾.

﴿و به سوی ثمود، برادرشان صالح [را فرستادیم]. گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او، شما را معبودی نیست. او، شما را از زمین پدید آورد و شما را در آن، به آبادانی وا داشت. پس از او آمرزش بخواهید. سپس به سوی او باز آیید که پروردگار من، نزدیک و اجابت کننده است»﴾.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

﴿پس گفتم: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا باران را بر شما پیاپی، فرو فرستد. و شما را با مال و فرزندان، یاری دهد و برایتان باغ‌ها پدید آورد و نهرها جاری سازد»﴾.

حدیث

۲۶۲۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: بسیار آمرزش بخواهید؛ زیرا این کار، روزی می‌آورد.

۲۶۲۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس که خدای متعال به او نعمتی داد، خدای متعال را سپاس

فَلْيَستَغفِرِ اللهَ.[١]

٢٦٢٥ . **الإمام عليّ**عليه السلام: اِستَغفِر تُرزَق.[٢]

٢٦٢٦ . **عنه**عليه السلام: الاِستِغفارُ يَزيدُ فِي الرِّزقِ.[٣]

٢٦٢٧ . **عنه**عليه السلام ـ لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ ـ: إذا أبطَأَتِ الأَرزاقُ عَلَيكَ فَاستَغفِرِ اللهَ، يُوَسِّع عَلَيكَ فيها.[٤]

٢٦٢٨ . **عنه**عليه السلام: قَد جَعَلَ اللهُ سُبحانَهُ الاِستِغفارَ سَبَباً لِدُرورِ الرِّزقِ، ورَحمَةِ الخَلقِ، فَقالَ سُبحانَهُ: ﴿اَسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ اَلسَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَٰرًا﴾[٥] فَرَحِمَ اللهُ امرَأً استَقبَلَ تَوبَتَهُ، وَاستَقالَ خَطيئَتَهُ، وبادَرَ مَنِيَّتَهُ.[٦]

٢٦٢٩ . **الإمام الباقر**عليه السلام: إذا أبطَأَ عَلَيكَ رِزقٌ فَقُل: أستَغفِرُ اللهَ.[٧]

٢٦٣٠ . **الإمام الصادق**عليه السلام ـ لِسُفيانَ الثَّورِيِّ ـ: يا سُفيانُ، إذا أنعَمَ اللهُ عَلَيكَ بِنِعمَةٍ فَأَحبَبتَ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١. عيون أخبار الرضاعليه السلام: ج ٢ ص ٤٦ ح ١٧١ عن داوود بن سليمان الفرّا عن الإمام الرضا عن آبائهعليهم السلام، الأمالي للطوسي: ص ٤٨٠ ح ١٠٤٨ عن عبد العزيز بن محمّد بن الدراوردي عن الإمام الصادقعليه السلام، كشف الغمّة: ج ٢ ص ٣٦٩ عن ابن أبي حازم عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّهعليهم السلام عنهصلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٤٥ ح ٤٩؛ شعب الإيمان: ج ٤ ص ١٠٨ ح ٤٤٤٦ عن عبد العزيز بن محمّد الدراوردي عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّهعليهم السلام عنهصلى الله عليه وآله، كنز العمّال: ج ٣ ص ٢٥٩ ح ٦٤٤٢.

٢. غرر الحكم: ح ٢٢٢٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٨ ح ١٨٩١.

٣. الخصال: ص ٥٠٥ ح ٢ عن سعيد بن علاقة، مشكاة الأنوار: ص ٢٣٠ ح ٦٤٥، روضة الواعظين: ص ٤٩٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٧ ح ٤.

٤. تحف العقول: ص ١٧٤، بشارة المصطفى: ص ٢٧ عن كميل بن زياد، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٧٠ ح ١ و ص ٤١٥ ح ٣٨.

٥. نوح: ١٠ ـ ١٢.

٦. نهج البلاغة: الخطبة ١٤٣، أعلام الدين: ص ٢٨٥ عن الإمام الصادق عنهعليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣١٣ ح ٣.

٧. نثر الدرّ: ج ١ ص ٣٤٥، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٨٧ ح ٣٠.

گوید، و هر کس در رسیدن روزی کُندی دید، از خدا آمرزش طلبد.

۲۶۲۵ . **امام علی**ﷺ: آمرزش بخواه تا روزی داده شوی.

۲۶۲۶ . **امام علی**ﷺ: آمرزش‌خواهی، روزی را بسیار می‌کند.

۲۶۲۷ . **امام علی**ﷺ ـ به کمیل بن زیاد ـ: هر گاه روزی‌ات دیر به تو رسید، آمرزش بخواه تا در آن، به تو گشایش داده شود.

۲۶۲۸ . **امام علی**ﷺ: خداوندِ پاک، آمرزش‌خواهی را سبب سرازیر شدن روزی، و مهر آوردن بر آفریدگان قرار داد و فرمود: ﴿**از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا باران را پیاپی بر شما فرو فرستد و با مال و فرزندان، شما را یاری رساند و برایتان، باغ‌ها پدید آورد و برایتان، جویبارها روان می‌سازد**﴾. پس رحمت خدا بر آن کسی که به توبه رو آورَد و از خطایش دست بکِشد و پیش از مرگش کاری بکند!

۲۶۲۹ . **امام باقر**ﷺ: هر گاه روزی‌ای به تو دیر رسید، بگو: «از خدا آمرزش می‌طلبم».

۲۶۳۰ . **امام صادق**ﷺ ـ به سفیان ثوری ـ: ای سفیان! هر گاه خداوند به تو نعمتی بخشید و دوست داشتی برایت بمانَد، [خدا را] بر آن، بسیار ستایش و سپاس گو؛ زیرا

بَقاءَها، فَأَكثِر مِنَ الحَمدِ وَالشُّكرِ عَلَيها؛ فَإِنَّ اللهَ ﷻ قالَ في كِتابِهِ العَزيزِ: ﴿لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾[1]. وإذَا استَبطَأتَ الرِّزقَ فَأَكثِر مِنَ الاِستِغفارِ؛ فَإِنَّ اللهَ ﷻ يَقولُ في كِتابِهِ: ﴿اَسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ اَلسَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ﴾ يَعني فِي الدُّنيا ﴿وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ﴾ فِي الآخِرَةِ.

يا سُفيانُ، إذا حَزَنَكَ أمرٌ مِن سُلطانٍ أو غَيرِهِ، فَأَكثِر مِن قَولِ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»؛ فَإِنَّها مِفتاحُ الفَرَجِ، وكَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ.[2]

٢٦٣١. **الكافي عن إبراهيم بن صالح، عن رجل من الجعفريّين:** كانَ بِالمَدينَةِ عِندَنا رَجُلٌ يُكَنّىٰ أبَا القَمقامِ، وكانَ مُحارَفاً[3]، فَأَتىٰ أبَا الحَسَنِ ﷺ فَشَكا إلَيهِ حِرفَتَهُ، وأخبَرَهُ أنَّهُ لا يَتَوَجَّهُ في حاجَةٍ فَتُقضىٰ[4] لَهُ!

فَقالَ لَهُ أبُو الحَسَنِ ﷺ: قُل في آخِرِ دُعائِكَ مِن صَلاةِ الفَجرِ: «سُبحانَ اللهِ العَظيمِ، أستَغفِرُ اللهَ وأسأَلُهُ مِن فَضلِهِ» عَشرَ مَرّاتٍ.

قالَ أبُو القَمقامِ: فَلَزِمتُ ذٰلِكَ، فَوَاللهِ ما لَبِثتُ إلّا قَليلاً حَتّىٰ وَرَدَ عَلَيَّ قَومٌ مِنَ البادِيَةِ، فَأَخبَروني أنَّ رَجُلاً مِن قَومي ماتَ ولَم يُعرَف لَهُ وارِثٌ غَيري، فَانطَلَقتُ فَقَبَضتُ ميراثَهُ وأنَا مُستَغنٍ.[5]

٢٦٣٢. **رسول الله ﷺ** ـ في صَلاةِ الاِستِغفارِ ـ: إذا رَأَيتَ في مَعاشِكَ ضيقاً، وفي أمرِكَ التِياثاً[6]، فَأَنزِل حاجَتَكَ بِاللهِ ﷻ، ولا تَدَع صَلاةَ الاِستِغفارِ.

---

١. إبراهيم: ٧.

٢. كشف الغمّة: ج ٢ ص ٣٦٨ عن مالك بن أنس، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٠١ ح ٢٩.

٣. رجل مُحارَف ـ بفتح الرّاء ـ: أي محدود محروم، وهو خلاف قولك مبارك. وقد حُورف كسب فلان: إذا شدّد عليه في معاشه، كأنّه ميلَ برزقه عنه (الصحاح: ج ٤ ص ١٣٤٢ «حرف»).

٤. في المصدر: «فيقضي»، والتصويب من بحار الأنوار.

٥. الكافي: ج ٥ ص ٣١٥ ح ٤٦، عدّة الداعي: ص ٢٥١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٤٨ ص ١٧٣ ح ١٤.

٦. الالتياث: الاختلاط والالتفاف والإبطاء (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٧٤ «لوث»).

خداوندﷻ در کتاب ارجمندش فرموده است: ﴿اگر سپاس بگزارید، به شما بیشتر می‌دهم﴾، و هر گاه در رسیدن روزی، کُندی یافتی، بسیار آمرزش‌خواهی کن؛ چرا که خداوندﷻ در کتابش می‌فرماید: ﴿از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا باران پیاپی بر شما فرو فرستد و با مال و فرزندان، شما را یاری رساند﴾، یعنی در دنیا. ﴿و برایتان باغ‌ها قرار دهد﴾، [یعنی] در آخرت.

ای سفیان! هر گاه از جانب سلطان یا غیر او، تو را پیشامدی ناراحت کننده رسید، جملهٔ «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» را بسیار بگو؛ زیرا که آن، کلید گشایش و گنجی از گنج‌های بهشت است.

۲۶۳۱. **الکافی**ـ به نقل از ابراهیم بن صالح، از مردی از جعفریان ـ: در مدینه، مردی داشتیم که به او «ابوقَمْقام» می‌گفتند و آدم محروم و بدبختی بود. خدمت ابوالحسنؑ[1] آمد و از محرومیّت و بدبختی خود به ایشان، شکایت کرد و گفت که دست به هر کاری می‌زند، گرفتاری‌اش برطرف نمی‌شود. ابوالحسنؑ به او فرمود: «در پایان دعای نماز صبحت، ده مرتبه بگو: «پاکا خدای بزرگ! از خدا آمرزش می‌طلبم و از فضل او درخواست می‌کنم».

ابوقمقام گفت: من بر این امر، مداومت ورزیدم و به خدا سوگند، طولی نکشید که عدّه‌ای از بادیه نزدم آمدند و به من خبر دادند که مردی از قومم مُرده و جز من، وارثی برای او شناخته نشده است و من رفتم و میراث او را گرفتم و بی‌نیاز شدم.

۲۶۳۲. **پیامبر خداﷺ** ـ در نماز آمرزش‌خواهی ـ: هر گاه در زندگی خود، مضیقه و در کارهایت، کُندی [و گِرِهی] دیدی، حاجتت را به نزد خداوندﷻ ببر و نماز آمرزش‌خواهی را وا مگذار. و آن، دو رکعت است: نماز را آغاز می‌کنی و سورهٔ

---

۱. منظور از ابو الحسن، در اینجا امام کاظم یا امام رضاؑ است.

وهِيَ رَكعَتانِ: تَفتَتِحُ الصَّلاةَ وتَقرَأُ الحَمدَ و«إنّا أنزَلناهُ» مَرَّةً واحِدَةً في كُلِّ رَكعَةٍ، ثُمَّ تَقولُ بَعدَ القِراءَةِ: «أستَغفِرُ اللهَ» خَمسَ عَشرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَركَعُ فَتَقولُها عَشراً، عَلىٰ هَيئَةِ صَلاةِ جَعفَرٍ عليه السلام؛ يُصلِحُ اللهُ لَكَ شَأنَكَ كُلَّهُ إن شاءَ اللهُ تَعالىٰ.[1]

راجع: ص ٨٠ (الفصل الرابع: بركات الاستغفار / دفع الشدائد).

١٠ / ٤
كَثرَةُ العِلمِ أو المالِ

٢٦٣٣ . **الإمام الصادق** عليه السلام: مَن قالَ كُلَّ يَومٍ أربَعمِئَةِ مَرَّةٍ مُدَّةَ شَهرَينِ مُتَتابِعَينِ، رُزِقَ كَنزاً مِن عِلمٍ أو كَنزاً مِن مالٍ، وهُوَ: أستَغفِرُ اللهَ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ الرَّحمٰنُ الرَّحيمُ، الحَيُّ القَيّومُ، بَديعُ السَّماواتِ وَالأَرضِ، مِن جَميعِ جُرمي وظُلمي وإسرافي عَلىٰ نَفسي، وأتوبُ إلَيهِ.[2]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١١ / ٤
قَضاءُ الدَّينِ

٢٦٣٤ . **الكافي عن إسماعيل بن سهل**: كَتَبتُ إلىٰ أبي جَعفَرٍ (صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِ): إنّي قَد لَزِمَني دَينٌ فادِحٌ، فَكَتَبَ: أكثِر مِنَ الاِستِغفارِ، ورَطِّب لِسانَكَ بِقِراءَةِ «إنّا أنزَلناهُ».[3]

---

١. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١١٥ ح ٢٣٢٠، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٥٤ ح ١٨.

٢. المصباح للكفعمي: ص ٩٣، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٠ ح ٢١.

٣. الكافي: ج ٥ ص ٣١٦ ح ٥١، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٩٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٢٩ ح ٨.

حمد و ﴿انّا انزلناه﴾ را یک بار در هر رکعت می‌خوانی. سپس، بعد از قرائت، پانزده مرتبه «استغفر الله» می‌گویی. آن گاه به رکوع می‌روی و باز، پانزده مرتبه آن را می‌گویی، به شیوهٔ نماز جعفر ـ که خداوند از او خشنود باد ـ خداوند ـ إن شاءالله تعالی ـ تمام گرفتاری‌های تو را برطرف می‌کند.

ر.ک: ص ۸۱ (برکت‌های آمرزش‌خواهی / برطرف ساختن سختی‌ها).

۱۰ / ۴
بسیاری دانش و دارایی

۲۶۳۳ . **امام صادق**ﷺ: هر کس دو ماه پیاپی، روزی چهارصد مرتبه بگوید: «از خدایی که معبودی نیست، جز او که مهرگستر مهربان، زندهٔ پاینده و پدید آوردندهٔ آسمان‌ها و زمین است، آمرزش می‌طلبم از همهٔ جرم‌ها و ستم‌هایم و زیاده روی‌هایم در حقّ خودم، و به درگاه او توبه می‌کنم»، گنجی از دانش یا گنجی از دارایی، روزی‌اش می‌شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۱ / ۴
پرداخته شدن بدهی‌ها

۲۶۳۴ . **الکافی** ـ به نقل از اسماعیل بن سهل ـ: به امام باقر ـ که درودهای خدا بر او باد ـ نوشتم: بدهی سنگینی دامنگیرم شده است.

ایشان [، در پاسخ من] نوشت: «بسیار آمرزش بخواه و زبانت را به تلاوت ﴿انا انزلناه﴾ تَر و تازه بدار.

١٢ / ٤
إفادَةُ الوَلَدِ

الكتاب

﴿فَقُلْتُ ٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ ٱلسَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَٰرًا﴾.[1]

الحديث

٢٦٣٥ . **الإمام عليّ**عليه السلام: إذا أرَدتَ الوَلَدَ فتَوَضَّأْ وُضوءاً سابِغاً، وصَلِّ رَكعَتَينِ، وحَسِّنهُما، وَاسجُد بَعدَهُما سَجدَةً، وقُل: «أستَغفِرُ اللهَ» إحدىٰ وسَبعينَ مَرَّةً، ثُمَّ تَغَشَّ امرَأَتَكَ وقُل: «اللّٰهُمَّ إن تَرزُقني وَلَداً لَأُسَمِّيَنَّهُ بِاسمِ نَبِيِّكَ» فَإِنَّ اللهَ يَفعَلُ ذٰلِكَ؛ فَإِنّي أمَرتُكَ بِالطَّهورِ، وقَد قالَ اللهُ تَعالىٰ: ﴿وَيُحِبُّ ٱلْمُتَطَهِّرِينَ﴾[2]، وأمَرتُكَ بِالصَّلاةِ، وقَد سَمِعتُ رَسولَ اللهِصلى الله عليه وآله يَقولُ: «أقرَبُ ما يَكونُ العَبدُ مِن رَبِّهِ إذا رَآهُ ساجِداً وراكِعاً»، وأمَرتُكَ بِالاِستِغفارِ، وقَد قالَ اللهُ تَعالىٰ: ﴿ٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ ٱلسَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ﴾، وقالَ تَعالىٰ لِنَبِيِّهِصلى الله عليه وآله: ﴿إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ﴾[3] فَأَمرَتُكَ أن تَزيدَ عَلَى السَّبعينَ.[4]

٢٦٣٦ . **مكارم الأخلاق عن الإمام الحسن**عليه السلام: أنَّهُ وَفَدَ عَلىٰ مُعاوِيَةَ، فَلَمّا خَرَجَ تَبِعَهُ بَعضُ حُجّابِهِ وقالَ: إنّي رَجُلٌ ذو مالٍ ولا يولَدُ لي، فَعَلِّمني شَيئاً لَعَلَّ اللهَ يَرزُقُني وَلَداً.

فَقالَ: عَلَيكَ بِالاِستِغفارِ. فَكانَ يُكثِرُ الاِستِغفارَ، حَتّىٰ رُبَّمَا استَغفَرَ فِي اليَومِ

---

١. نوح: ١٠ـ١٢.

٢. البقرة: ٢٢٢.

٣. التوبة: ٨٠.

٤. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٣٣ ح ٢٣٤٤، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٦٣ ح ٢٣.

۱۲/۴
روزی شدن فرزند

قرآن

﴿و گفتم: «از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا برای شما از آسمان، باران پیاپی فرو فرستد و شما را به اموال و فرزندان، یاری کند و برایتان، باغ‌ها قرار دهد و برای شما نهرها جاری سازد﴾.

حدیث

۲۶۳۵ . امام علیﷺ: هر گاه فرزند خواستی، وضویی شاداب بساز و دو رکعت نماز نیکو بگزار و در پایان، به سجده برو و هفتاد و یک بار بگو: «از خدا آمرزش می‌خواهم». سپس با همسرت هم‌بستر شو و بگو: «بار خدایا! اگر مرا فرزندی روزی کردی، او را به نام پیامبرت می‌نامم». پس خدا به تو فرزندی خواهد داد.

این که گفتم: «وضو بساز»، چون خداوند متعال فرموده است: ﴿و [خدا] پاکیزگان را دوست می‌دارد﴾. و این که گفتم: «نماز بخوان»؛ چون از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرماید: «نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگارش، هنگامی است که او را در حال سجده و رکوع ببینند». و این که تو را به آمرزش‌خواهی فرمان دادم، چون خداوند متعال فرموده است: ﴿از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا بر شما از آسمان، بارانِ پیاپی فرو فرستد و شما را به اموال و فرزندان، یاری کند و برایتان باغ‌ها قرار دهد و برای شما نهرها پدید آورد﴾. و خداوند متعال به پیامبرشﷺ فرموده است: ﴿اگر هفتاد مرتبه هم برایشان آمرزش بخواهی، هرگز خداوند، آنان را نخواهد آمرزید﴾. لذا گفتم از هفتاد بار بیشتر آمرزش بخواهی.

۲۶۳۶ . مکارم الأخلاق: امام حسنﷺ بر معاویه وارد شد و چون از نزد او بیرون آمد، یکی از پرده‌داران معاویه، دنبال ایشان آمد و گفت: من، مردی ثروتمندم؛ امّا بچّه‌دار نمی‌شوم. به من چیزی بیاموز؛ بلکه خداوند، مرا فرزندی روزی کند.

فرمود: «بر تو باد آمرزش‌خواهی!».

سَبعَمِئَةِ مَرَّةٍ، فَوُلِدَ لَهُ عَشَرَةُ بَنينَ.

فَبَلَغَ ذٰلِكَ مُعاوِيَةَ فَقالَ: هَلّا سَأَلتَهُ مِمَّ قالَ ذٰلِكَ؟

فَوَفَدَهُ وَفدَةً أُخرىٰ، فَسَأَلَهُ الرَّجُلُ فَقالَ: أَلَم تَسمَع قَولَ اللهِ عَزَّ اسمُهُ في قِصَّةِ هودٍ عليه السلام: ﴿وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ﴾[1]، وفي قِصَّةِ نوحٍ عليه السلام: ﴿وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ﴾[2].[3]

٢٦٣٧. **الإمام زين العابدين عليه السلام** ـ لِبَعضِ أصحابِهِ ـ: قُل في طَلَبِ الوَلَدِ: «﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ الْوَٰرِثِينَ﴾، وَاجعَل لي مِن لَدُنكَ وَلِيّاً يَرِثُني في حَياتي، ويَستَغفِرُ لي بَعدَ مَوتي، وَاجعَلهُ لي خَلقاً سَوِيّاً، ولا تَجعَل لِلشَّيطانِ فيهِ نَصيباً، اللّٰهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ، إنَّكَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ» سَبعينَ مَرَّةً.

فَإِنَّهُ مَن أكثَرَ مِن هٰذَا القَولِ، رَزَقَهُ اللهُ تَعالىٰ ما تَمَنّىٰ مِن مالٍ وولَدٍ، ومِن خَيرِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ، فَإِنَّهُ يَقولُ: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَٰرًا﴾[4].[5]

٢٦٣٨. **الكافي عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه**: شَكَا الأَبرَشُ الكَلبِيُّ إلىٰ أبي جَعفَرٍ عليه السلام أنَّهُ لا يولَدُ لَهُ، فَقالَ لَهُ: عَلِّمني شَيئاً.

قالَ: اِستَغفِرِ اللهَ في كُلِّ يَومٍ و[6]في كُلِّ لَيلَةٍ مِئَةَ مَرَّةٍ، فَإِنَّ اللهَ يَقولُ: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ إلىٰ قَولِهِ: ﴿وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ﴾.[7]

---

١. هود: ٥٢.

٢. نوح: ١٢.

٣. مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٨٣ ح ١٦٧٢، تفسير جوامع الجامع: ج ٢ ص ١٥١، المصباح للكفعمي: ص ٢١٨، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٨٦ ح ٥١.

٤. نوح: ١٠ـ١٢.

٥. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٧٤ ح ٤٦٦٠، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٨١ ح ١٦٦٦ وفيه «يبرّ بي» بدل «يرثني»، المصباح للكفعمي: ص ٢١٧، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٨٤ ح ٤٥.

٦. في نسخة: «أو» بدل «و».

٧. الكافي: ج ٦ ص ٨ ح ٤.

آن شخص، آمرزش‌خواهی می‌کرد تا جایی که گاه روزی هفتصد مرتبه، آمرزش می‌طلبید و ده پسر، روزی‌اش شد.

این خبر به معاویه رسید. به آن مرد گفت: چرا دلیل سخنش را از او (امام حسن علیه السلام) نپرسیدی؟

بار دیگر که امام علیه السلام به نزد معاویه آمد، آن مرد، [دلیلش را] از ایشان پرسید. فرمود: «آیا سخن خداوند در داستان هود علیه السلام را نشنیده‌ای که: ﴿و نیرویی بر نیرویتان می‌افزاید﴾؟ و در داستان نوح علیه السلام [این سخن را] که: ﴿و شما را با اموال و فرزندان، یاری می‌رساند﴾؟».

۲۶۳۷. **امام زین العابدین علیه السلام** ـ به یکی از یارانش ـ: برای درخواست فرزند، بگو: ﴿پروردگارا! مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث‌بَرَندگانی﴾. و از جانب خودت برایم جانشینی قرار ده که در زمان حیاتم، وارث من شود و پس از مرگم، برایم آمرزش طلبد، و او را مخلوقی سالم قرار ده، و برای شیطان، در او بهره‌ای قرار مده. بار خدایا! از تو آمرزش می‌طلبم و به سوی تو باز می‌گردم، که تو آمرزگاری مهربانی».

این را هفتاد مرتبه بگو؛ زیرا هر کس این گفتار را بسیار بگوید، خداوند متعال، آنچه از دارایی و فرزند و خیر دنیا و آخرت، آرزو کند، روزی او می‌گرداند؛ زیرا می‌فرماید: ﴿از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا از آسمان، بر شما باران فراوان فرو فرستد و با اموال و فرزندان، یاریتان رساند و برایتان، باغ‌ها قرار دهد و نهرها جاری سازد﴾.

۲۶۳۸. **الکافی** ـ به نقل از ابن ابی عمیر، از یکی از یارانش ـ: اَبْرَش کلبی به امام باقر علیه السلام شِکوه کرد که بچّه‌دار نمی‌شود، و گفت: به من، دعایی بیاموز.

فرمود: «در هر روز و هر شب، صد مرتبه از خدا آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است﴾ تا: ﴿و شما را با اموال و فرزندان، یاری رساند﴾.

٢٦٣٩ . **مجمع البيان عن محمّد بن يوسف عن أبيه:** سَأَلَ رَجُلٌ أبا جَعفَرٍ عليه السلام ـ وأنَا عِندَهُ ـ فَقالَ لَهُ: جُعِلتُ فِداكَ، إنّي كَثيرُ المالِ ولَيسَ يولَدُ لي وَلَدٌ، فَهَل مِن حيلَةٍ؟

قالَ: نَعَم، اِستَغفِر رَبَّكَ سَنَةً في آخِرِ اللَّيلِ مِئَةَ مَرَّةٍ، فَإن ضَيَّعتَ ذٰلِكَ بِاللَّيلِ فَاقضِهِ بِالنَّهارِ، فَإنَّ اللهَ يَقولُ: ﴿اَسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ﴾ إلىٰ آخِرِهِ.[1]

٢٦٤٠ . **طبّ الأئمّة لابني بسطام عن سليمان بن جعفر الجعفري عن الإمام الباقر عليه السلام:** إنَّ رَجُلاً شَكا إلَيهِ قِلَّةَ الوَلَدِ، وأنَّهُ يَطلُبُ الوَلَدَ مِنَ الإماءِ وَالحَرايِرِ فَلا يُرزَقُ لَهُ، وهُوَ ابنُ سِتّينَ سَنَةً، فَقالَ عليه السلام: قُل ثَلاثَةَ أيّامٍ في دُبُرِ صَلاتِكَ المَكتوبَةِ، صَلاةِ العِشاءِ الآخِرَةِ، وفي دُبُرِ صَلاةِ الفَجرِ: «سُبحانَ اللهِ» سَبعينَ مَرَّةً، و«أستَغفِرُ اللهَ» سَبعينَ مَرَّةً، وتَختِمُهُ بِقَولِ اللهِ عزّ وجلّ: ﴿اَسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ اَلسَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَٰرًا﴾[2].[3]

٢٦٤١ . **الكافي عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام:** أنَّهُ وَفَدَ إلىٰ هِشامِ بنِ عَبدِ المَلِكِ فَأبطَأَ عَلَيهِ الإذنُ حَتّى اغتَمَّ، وكانَ لَهُ حاجِبٌ كَثيرُ الدُّنيا ولا يولَدُ لَهُ، فَدَنا مِنهُ أبو جَعفَرٍ عليه السلام فَقالَ لَهُ: هَل لَكَ أن توصِلَني إلىٰ هِشامٍ وأُعَلِّمُكَ دُعاءً يولَدُ لَكَ؟ قالَ: نَعَم. فَأوصَلَهُ إلىٰ هِشامٍ وقَضىٰ لَهُ جَميعَ حَوائِجِهِ، قالَ: فَلَمّا فَرَغَ قالَ لَهُ الحاجِبُ: جُعِلتُ فِداكَ الدُّعاءَ الَّذي قُلتَ لي.

قالَ لَهُ [الباقِرُ عليه السلام]: نَعَم، قُل في كُلِّ يَومٍ إذا أصبَحتَ وأمسَيتَ: «سُبحانَ اللهِ» سَبعينَ مَرَّةً، وتَستَغفِرُ عَشرَ مَرّاتٍ، وتُسَبِّحُ تِسعَ مَرّاتٍ، وتَختِمُ العاشِرَةَ بِالاِستِغفارِ، ثُمَّ تَقولُ قَولَ اللهِ عزّ وجلّ: ﴿اَسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ اَلسَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا *

---

١. مجمع البيان: ج ١٠ ص ٥٤٣، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٢١ ح ٣٠.

٢. نوح: ١٠ ـ ١٢.

٣. طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١٢٩، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٣٠ ح ٤.

۲۶۳۹ . **مجمع البیان** ـ به نقل از محمّد بن یوسف، از پدرش ـ: من در محضر امام باقر﵇ بودم که مردی به ایشان گفت: قربانت گردم! من، ثروت بسیار دارم؛ امّا بچّه‌دار نمی‌شوم. آیا راه چاره‌ای وجود دارد؟

فرمود: «آری. به مدّت یک سال، در آخر شب، صد مرتبه از پروردگارت آمرزش بخواه، و اگر شبْ آن را از دست دادی، روز، قضایش را به جای آور؛ زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿از پروردگارتان، آمرزش بخواهید﴾ تا آخر آیه».

۲۶۴۰ . **طبّ الائمه﵇**، ابنا بسطام ـ به نقل از سلیمان بن جعفر جعفری ـ: مردی از کمی فرزند به امام باقر﵇ شکایت نمود و گفت که شصت سال دارد و از کنیزان و زنان آزاد خود، در جستجوی فرزند است؛ امّا فرزندی روزی‌اش نمی‌شود. امام﵇ به او فرمود: «به مدّت سه روز، بعد از نماز واجبت، نماز عشا و نیز بعد از نماز صبح، هفتاد مرتبه "سبحان الله" و هفتاد مرتبه "استغفر الله" بگو و در پایان آن، این فرمودهٔ خداوند ﷻ را بخوان: ﴿از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا از آسمان، بر شما باران فراوان فرو فرستد و شما را با اموال و فرزندان، یاری رساند و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها جاری سازد﴾.

۲۶۴۱ . **الکافی** ـ به نقل از زُراره ـ: امام باقر﵇ به دیدار هشام بن عبد الملک رفت و او دیر به ایشان، اجازه [ی وارد شدن بر او] داد، به طوری که امام﵇ غمگین شد. هشام، دربانی داشت که ثروت بسیار داشت؛ امّا بچّه‌دار نمی‌شد. امام باقر﵇ نزدیک او رفت و فرمود: «حاضری مرا نزد هشام ببری و [در عوض] من، دعایی به تو بیاموزم که بچّه دار شوی؟».

گفت: آری.

امام﵇ را نزد هشام بُرد و همهٔ حوایجش را برآورده ساخت. کار که تمام شد، دربان به امام﵇ گفت: قربانت گردم! دعایی که به من وعده دادی، امام باقر﵇ به او فرمود: «بله. هر روز، چون صبح و شام خود را آغاز کردی، هفتاد بار "سبحان الله" بگو، ده بار آمرزش بخواه، نُه بار تسبیح بگو و بارِ دهم، آمرزش بخواه. سپس این فرمودهٔ خداوند﵎ را بگو: ﴿از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا از آسمان، بر شما باران فراوان فرو فرستد و با اموال و

وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَٰرًا﴾[١].

فَقالَهَا الحاجِبُ، فَرُزِقَ ذُرِّيَّةً كَثيرَةً، وكانَ بَعدَ ذٰلِكَ يَصِلُ أبا جَعفَرٍ وأبا عَبدِ اللهِ عليهما السلام.

فَقالَ سُلَيمانُ: فَقُلتُها ـ وقَد تَزَوَّجتُ ابنَةَ عَمٍّ لي فَأَبطَأَ عَلَيَّ الوَلَدُ مِنها ـ وعَلَّمتُها أهلي، فَرُزِقتُ وَلَداً. وزَعَمَتِ المَرأَةُ أنَّها مَتىٰ تَشاءُ أن تَحمِلَ حَمَلَت إذا قالَتها، وعَلَّمتُها غَيرَ واحِدٍ مِنَ الهاشِمِيّينَ مِمَّن لَم يَكُن يولَدُ لَهُم، فَوُلِدَ لَهُم وَلَدٌ كَثيرٌ، وَالحَمدُ لِلّٰهِ.[٢]

٢٦٤٢ . **الكافي عن سعيد بن يسار:** قالَ رَجُلٌ لِأَبي عَبدِ اللهِ عليه السلام: لا يولَدُ لي، فَقالَ: اِستَغفِر رَبَّكَ فِي السَّحَرِ مِئَةَ مَرَّةٍ، فَإِن نَسيتَهُ فَاقضِهِ.[٣]

٢٦٤٣ . **الكافي عن عمر بن أبي حسنة الجمّال:** شَكَوتُ إلىٰ أبِي الحَسَنِ عليه السلام قِلَّةَ الوَلَدِ، فَقالَ لي: اِستَغفِرِ اللهَ، وكُلِ البَيضَ بِالبَصَلِ.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٣ / ٤
مُرافَقَةُ أهلِ البَيتِ عليهم السلام

٢٦٤٤ . **ثواب الأعمال عن إسماعيل بن سهل:** كَتَبتُ إلىٰ أبي جَعفَرٍ الثّاني عليه السلام: عَلِّمني شَيئاً إذا أنَا قُلتُهُ كُنتُ مَعَكُم فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ، قالَ: فَكَتَبَ بِخَطِّهِ أعرِفُهُ: أكثِر مِن تِلاوَةِ «إنّا أنزَلناهُ»، ورَطِّب شَفَتَيكَ بِالاِستِغفارِ.[٥]

---

١. نوح: ١٠ـ١٢.

٢. الكافي: ج ٦ ص ٨ ح ٥، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٨١ ح ١٦٦٧، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٨٥ ح ٤٦.

٣. الكافي: ج ٦ ص ٩ ح ٦.

٤. الكافي: ج ٦ ص ٣٢٤ ح ٢، المحاسن: ج ٢ ص ٢٧٦ ح ١٨٨٥، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٤٦ ح ١١.

٥. ثواب الأعمال: ص ١٩٧ ح ٤، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٤٩، الدعوات: ص ٤٩ ح ١٢١ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٢٨ ح ٥.

فرزندان، یاریتان رساند و برایتان باغ‌ها پدید آورد و نهرها جاری سازد﴾».

دربان، اینها را گفت و فرزندان بسیاری، روزی او شد. از آن پس، او به امام باقر و امام صادق﵇ ابراز محبّت می‌کرد.

من (سلیمان بن جعفر) هم که با دختر عمویم ازدواج کرده و هنوز از او بچّه‌دار نشده بودم، اینها را گفتم و به همسرم نیز آموختم، و فرزندی روزی‌ام شد. همسرم گفت: هر گاه بخواهد حامله شود، اینها را می‌گوید و حامله می‌شود. این دعا را به چند نفر از هاشمیان که فرزند دار نمی‌شدند، نیز آموختم و فرزندان بسیاری برایشان متولّد شد. خدا را سپاس!

۲۶۴۲ . **الکافی** ـ به نقل از سعید بن یسار ـ: مردی به امام صادق﵇ گفت: فرزندی برایم متولّد نمی‌شود.

فرمود: «در هنگام سحر، صد بار از پروردگارت آمرزش بخواه و اگر [در آن هنگام] فراموش کردی، قضایش را به جا آور».

۲۶۴۳ . **الکافی** ـ به نقل از عمر بن ابی حسنهٔ جمّال ـ: به ابوالحسن﵇[1] از کمیِ فرزند، شکایت کردم. فرمود: «از خدا آمرزش بخواه و تخم مرغ همراه با پیاز بخور».

۱۳ / ۴
همراه بودن با اهل بیت﵈

۲۶۴۴ . **ثواب الأعمال** ـ به نقل از اسماعیل بن سهل ـ: به امام جواد﵇ نوشتم: چیزی به من بیاموز که چون آن را بگویم، در دنیا و آخرت، با شما باشم.

امام﵇ با خطّ خودش که آن را می‌شناختم، [برای من] نوشت: ﴿انّا انزلناه﴾ را بسیار تلاوت کن و لبانت را به آمرزش‌خواهی، تَر و تازه بدار.

---

۱ . منظور از ابوالحسن، در این‌جا امام کاظم یا امام رضا﵈ است.

الفصل الخامس

ما ينبغي فيه الاستغفار من الأوقات

١/٥
الأسحار

الكتاب

﴿اَلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ اَلنَّارِ * اَلصَّـٰبِرِينَ وَاَلصَّـٰدِقِينَ وَاَلْقَـٰنِتِينَ وَاَلْمُنفِقِينَ وَاَلْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾.[١]

﴿كَانُوا قَلِيلاً مِّنَ اَلَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾.[٢]

﴿... أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّى أَعْلَمُ مِنَ اَللَّهِ مَا لَاتَعْلَمُونَ * قَالُوا يَـٰأَبَانَا اَسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَـٰطِـِٔينَ[٣] * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّى إِنَّهُ هُوَ اَلْغَفُورُ اَلرَّحِيمُ﴾.

الحديث

٢٦٣٥ . الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ أفضَلَ ما دَعَوتُمُ اللهَ بِالأَسحارِ، قالَ اللهُ تَعالىٰ: ﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾.[٤]

---

١ . آل عمران: ١٦ـ١٧.

٢ . الذاريات: ١٧ـ١٨.

٣ . يوسف: ٩٦ـ٩٨.

٤ . قصص الأنبياء: ص ١٨٩ ح ٢٣٥ عن الفضل بن أبي قرّة السمندي، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٦٥ ح ٧.

فصل پنجم

اوقات مناسب برای آمرزش خواهی

۱/۵
سحرگاهان

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

قرآن

﴿آنان که می‌گویند: «ای پروردگار ما! ما به تو ایمان آوردیم. پس گناهانمان را بیامرز و ما را از عذاب آتش، نگه‌دار»؛ [آنان،] شکیبایان و راستگویان و فرمان بُرداران و انفاق کنندگان و آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان [هستند]﴾.

﴿اندکی از شب را می‌خوابند و در سحرگاهان، آمرزش می‌خواهند﴾.

﴿... آیا به شما نگفتم که من، از کار خدا چیزی دانم که شما نمی‌دانید؟ گفتند: «ای پدر ما! از گناهانمان، آمرزش خواه که ما گنهکار بودیم». گفت: «به زودی، از پروردگارم برایتان آمرزش می‌خواهم که او آمرزگاری مهربان است»﴾.

حدیث

۲۶۴۵ . **امام صادق**ﷺ: بهترین زمان برای دعا کردن شما به درگاه خدا، سحرگاهان است. خداوند متعال، فرموده است: ﴿... و آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان﴾.

٢٦٤٦ . تفسير العيّاشي عن مفضّل بن عمر: قُلتُ لِأَبي عَبدِ اللهِ عليه السلام : جُعِلتُ فِداكَ، تَفوتُني صَلاةُ اللَّيلِ فَأُصَلِّي الفَجرَ، فَلي أن أُصَلِّيَ بَعدَ صَلاةِ الفَجرِ ما فاتَني مِنَ الصَّلاةِ، وأنَا في صَلاةٍ[1] قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِ؟ فَقالَ: نَعَم، ولٰكِن لا تُعلِم بِهِ أهلَكَ فَيَتَّخِذونَهُ[2] سُنَّةً، فَيَبطُلَ قَولُ اللهِ جَلَّ وعَزَّ ﴿وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾.[3]

٢٦٤٧ . أعلام الدين: سُئِلَ أبو جَعفَرٍ الباقِرُ عليه السلام عَن وَقتِ صَلاةِ اللَّيلِ، فَقالَ: الوَقتُ الَّذي جاءَ عَن جَدّي رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله أنَّهُ قالَ: فيهِ يُنادي مُنادِي اللهِ عز وجل: هَل مِن داعٍ فَأُجيبَهُ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ فَأَغفِرَ لَهُ؟ قالَ السّائِلُ: وما هُوَ؟

قالَ: الوَقتُ الَّذي وَعَدَ يَعقوبُ فيهِ بَنيهِ بِقَولِهِ: ﴿أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي﴾[4]. قالَ: ما هُوَ؟

قالَ: الوَقتُ الَّذي قالَ اللهُ فيهِ: ﴿وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾.

إنَّ صَلاةَ اللَّيلِ في آخِرِهِ أفضَلُ مِنها قَبلَ ذٰلِكَ، وهُوَ وَقتُ الإِجابَةِ، وهِيَ هَدِيَّةُ المُؤمِنِ إلىٰ رَبِّهِ، فَأَحسِنوا هَداياكُم إلىٰ رَبِّكُم، يُحسِنِ اللهُ جَوائِزَكُم؛ فَإِنَّهُ لا يُواظِبُ عَلَيها إلّا مُؤمِنٌ أو صِدّيقٌ.[5]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٦٤٨ . الإمام الصادق عليه السلام: قالَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: خَيرُ وَقتٍ دَعَوتُمُ اللهَ عز وجل فيهِ الأَسحارُ، وتَلا هٰذِهِ الآيَةَ في قَولِ يَعقوبَ عليه السلام : ﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي﴾ وقالَ: أخَّرَهُم إلَى السَّحَرِ.[6]

٢٦٤٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلاثَةٌ مَعصومونَ مِن شَرِّ إبليسَ وجُنودِهِ: الذّاكِرونَ اللهَ كَثيراً بِاللَّيلِ

---

١ . في مستدرك الوسائل ج ٣ ص ١٥٨ ح ٣٢٥٩ نقلاً عن المصدر: «مُصلّاي»، وهو الأنسب.

٢ . في المصدر: «فتتخذونه»، والتصويب من بحار الأنوار.

٣ . تفسير العيّاشي: ج ١ ص ١٦٥ ح ١٧، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٧٢ ح ١٠٨٥ وليس فيه ذيله من «فيبطل قول الله...»، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٢٦ ح ٣٧.

٤ . يوسف: ٩٨.

٥ . أعلام الدين: ص ٢٦٢، إرشاد القلوب: ص ٩٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٢٢ ح ٣٢.

٦ . الكافي: ج ٢ ص ٤٧٧ ح ٦ عن الفضل بن أبي قرّة، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٢٦٦ ح ٣٤.

۲۶۴۶ . **تفسیر العیّاشی** ـ به نقل از مفضّل بن عمر ـ: به امام صادق﵇ گفتم: فدایت شوم! نماز شب را از دست می‌دهم و نماز صبحم را می‌خوانم. آیا می‌توانم بعد از نماز صبح تا پیش از طلوع آفتاب که همچنان بر سجّاده هستم، نماز از دست رفتهٔ شب را بخوانم؟

فرمود: «آری؛ امّا این را به خانواده‌ات نگو که آن را سنّت نکنند، و این فرمودهٔ خداوندﷻ از بین برود که: ﴿... و آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان﴾».

۲۶۴۷ . **أعلام الدین**: از امام باقر﵇ در بارهٔ وقت نماز شب، سؤال شد. فرمود: «آن، وقتی است که از جدّم پیامبر خدا، در باره‌اش وارد شده است که فرمود: «در این وقت، منادی خداوندﷻ بانگ می‌زند: آیا دعا کننده‌ای هست تا اجابتش کنم؟ آیا آمرزش‌خواهی هست تا او را بیامرزم؟».

[پرسنده] گفت: آن، چه وقتی است؟

فرمود: «همان وقتی است که یعقوب﵇ در آن به فرزندانش وعده داد و گفت: ﴿به زودی، از پروردگارم برایتان آمرزش می‌طلبم﴾».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

گفت: چه وقتی بود؟

فرمود: «وقتی که خداوند، در باره‌اش فرموده است: ﴿و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان﴾». نماز شب در آخر شب، با فضیلت‌تر از قبلِ آن است. این زمان، زمان اجابت [دعا] است و نماز شب، هدیهٔ مؤمن است به پروردگارش. پس به پروردگارتان، هدیه‌های نیکو دهید تا خداوند، جایزه‌های نیکو به شما دهد. بر نماز شب، مواظبت نمی‌کند، مگر مؤمن یا صدّیق».

۲۶۴۸ . **امام صادق﵇**: پیامبر خدا فرمود: «بهترین زمانی که در آن، خداوندﷻ را می‌خوانید، سحرگاهان است».

این آیه را که گفتهٔ یعقوب﵇ است، تلاوت کرد: ﴿به زودی، از پروردگارم برایتان آمرزش می‌طلبم﴾. و فرمود: «[یعقوب﵇] آمرزش‌خواهیِ برای آنان را تا سحرگاه، به تأخیر انداخت».

۲۶۴۹ . **پیامبر خداﷺ**: سه گروه‌اند که از گزند ابلیس و سربازانش مصون‌اند: کسانی که

وَالنَّهارِ، وَالمُستَغفِرونَ بِالأَسحارِ، وَالباكونَ مِن خَشيَةِ اللهِ.[١]

٢٦٥٠ . عنه ﷺ: ثَلاثَةُ أصواتٍ يُحِبُّهَا اللهُ ﷻ: صَوتُ الدِّيكِ، وصَوتُ الَّذي يَقرَأُ القُرآنَ، وصَوتُ المُستَغفِرينَ بِالأَسحارِ.[٢]

٢٦٥١ . عنه ﷺ ـ لِعَلِيٍّ ﷺ ـ : يا عَلِيُّ، صَلِّ مِنَ اللَّيلِ ولَو قَدرَ حَلبِ شاةٍ، وبِالأَسحارِ فَادعُ؛ لا تُرَدَّ لَكَ دَعوَةٌ، فَإِنَّ اللهَ تَبارَكَ وتَعالىٰ يَقولُ: ﴿وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾.[٣]

٢٦٥٢ . عنه ﷺ ـ مِن وَصِيَّتِهِ لِأَبي ذَرٍّ ـ يا أبا ذَرٍّ، يَقولُ اللهُ تَبارَكَ وتَعالىٰ: إنَّ أَحَبَّ العِبادِ إلَيَّ المُتَحابّونَ مِن أجلي، المُتَعَلِّقَةُ قُلوبُهُم بِالمَساجِدِ، وَالمُستَغفِرونَ بِالأَسحارِ، أُولٰئِكَ إذا أَرَدتُ بِأَهلِ الأَرضِ عُقوبَةً ذَكَرتُهُم فَصَرَفتُ العُقوبَةَ عَنهُم.[٤]

٢٦٥٣ . عنه ﷺ: إنَّ اللهَ تَبارَكَ وتَعالىٰ ومَلائِكَتَهُ يُصَلّونَ عَلَى المُستَغفِرينَ وَالمُتَسَحِّرينَ بِالأَسحارِ؛ فَليَتَسَحَّر أَحَدُكُم ولَو بِشَربَةٍ مِن ماءٍ.[٥]

٢٦٥٤ . عنه ﷺ: السَّحورُ بَرَكَةٌ، ولِلهِ مَلائِكَةٌ يُصَلّونَ عَلَى المُستَغفِرينَ بِالأَسحارِ، وعَلَى المُتَسَحِّرينَ.[٦]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٦٥٥ . عدّة الداعي عنهم ﷺ: ألا صَلَواتُ اللهِ عَلَى المُتَسَحِّرينَ وَالمُستَغفِرينَ بِالأَسحارِ.[٧]

---

١ . كنز العمّال: ج ١٥ ص ٨٤١ ح ٤٣٣٤٣ نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب عن ابن عبّاس.

٢ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٩ ح ٢٢٤٦، بحار الأنوار: ج ٦٥ ص ٨ ح ١٣؛ الفردوس: ج ٢ ص ١٠١ ح ٢٥٣٨ عن أمّ سعد، كنز العمّال: ج ١٢ ص ٣٣٥ ح ٣٥٢٨٥.

٣ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٥٤ ح ٢١٣٤، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٦٧ ح ١١.

٤ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٥ ح ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٦٢ وفيه «بحلال» بدل «من أجلي» وكلاهما عن أبي ذرّ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٨٦.

٥ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٣٦ ح ١٩٦١، المقنع: ص ٢٠٤ كلاهما عن الإمام عليّ ﷺ، المقنعة: ص ٣١٦، الأمالي للطوسي: ص ٤٩٧ ح ١٠٩٠ عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ عنه ﷺ، الإقبال: ج ١ ص ١٨٥ عن الإمام عليّ ﷺ عنه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣١٣ ح ١١.

٦ . دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٧١ عن الإمام عليّ ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣١١ ح ٤.

٧ . عدّة الداعي: ص ٢٥١، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٢١ ح ٣١.

شب و روزْ خداوند را بسیار یاد می‌کنند، آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان، و گریه کنندگان از ترس خدا.

۲۶۵۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: سه آوازند که خداوندﷻ آنها را دوست می‌دارد: آواز خروس، آواز کسی که قرآن می‌خواند، و آواز آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان.

۲۶۵۱ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ به علیؑ ـ: ای علی! پاسی از شب را نماز بخوان، حتّی اگر به اندازهٔ زمان دوشیدن گوسفندی باشد. در سحرگاهان، دعا کن که دعایت رد نمی‌شود؛ زیرا خداوند ـ تبارک و تعالی ـ می‌فرماید: ﴿و آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان﴾.

۲۶۵۲ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ از سفارش ایشان به ابو ذر ـ: ای ابوذر! خداوند تبارک و تعالی ـ می‌فرماید: «محبوب‌ترین بندگان در نزد من، آنان‌اند که به خاطر من، یکدیگر را دوست می‌دارند، دل‌بستهٔ مسجدهایند، و آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان‌اند. اینان‌اند که هرگاه بخواهم اهل زمین را کیفر دهم، به یاد ایشان می‌افتم و از کیفر دادنشان، منصرف می‌شوم».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۶۵۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند ـ تبارک و تعالی ـ و فرشتگانش، بر کسانی که در سحرگاهان آمرزش می‌طلبند و سَحَری می‌خورند، درود (رحمت) می‌فرستند. پس، هر یک از شما، حتّی اگر شده با جرعه‌ای آب، سَحَری بخورد.

۲۶۵۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: سَحَری، برکت است. خداوند، فرشتگانی دارد که به آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان و بر سَحَری‌خوران، درود می‌فرستند.

۲۶۵۵ . **عدّة الداعی ـ از معصومان**ؑ ـ: هان! درودهای خدا بر کسانی که سَحَری می‌خورند و در سحرگاهان، آمرزش می‌طلبند!

٢٦٥٦ . **المعجم الأوسط عن أنس:** أمَرَنا رَسولُ اللهِ ﷺ أن نَستَغفِرَ بِالأَسحارِ سَبعينَ مَرَّةً.[١]

٢٦٥٧ . **الكافي عن أحمد بن عبد العزيز:** حَدَّثَني بَعضُ أصحابِنا قالَ: كانَ أبُو الحَسَنِ الأَوَّلُ عليه السلام إذا رَفَعَ رَأسَهُ مِن آخِرِ رَكعَةِ الوَترِ قالَ: «هٰذا مَقامُ مَن حَسَناتُهُ نِعمَةٌ مِنكَ، وشُكرُهُ ضَعيفٌ، وذَنبُهُ عَظيمٌ، ولَيسَ لَهُ إلّا دَفعُكَ ورَحمَتُكَ، فَإِنَّكَ قُلتَ في كِتابِكَ المُنزَلِ عَلىٰ نَبِيِّكَ المُرسَلِ صلى الله عليه وآله: ﴿كَانُوا قَلِيلاً مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾[٢]، طالَ هُجوعي، وقَلَّ قِيامي، وهٰذَا السَّحَرُ، وأنَا أستَغفِرُكَ لِذَنبِي استِغفارَ مَن لَم يَجِد لِنَفسِهِ ضَرّاً ولا نَفعاً، ولا مَوتاً ولا حَياةً ولا نُشوراً»، ثُمَّ يَخِرُّ ساجِداً صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِ.[٣]

٢/٥ قُنُوتُ الوِترِ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٦٥٨ . **كتاب من لا يحضره الفقيه:**[٤] كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ يَستَغفِرُ اللهَ فِي الوَترِ سَبعينَ مَرَّةً ويَقولُ: «هٰذا مَقامُ العائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ» سَبعَ مَرّاتٍ.[٥]

٢٦٥٩ . **الإمام الباقر عليه السلام:** مَن داوَمَ عَلىٰ صَلاةِ اللَّيلِ وَالوَترِ، وَاستَغفَرَ اللهَ في كُلِّ وَترٍ سَبعينَ

---

١ . المعجم الأوسط: ج ٩ ص ١٨٣ ح ٩٤٨٤، تفسير الطبري: ج ٣ الجزء ٣ ص ٢٠٨، تفسير القرطبي: ج ٤ ص ٣٩ وفيهما «أُمرنا أن نستغفر».

٢ . الذاريات: ١٧ و ١٨.

٣ . الكافي: ج ٣ ص ٣٢٥ ح ١٦، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٣٢ ح ٥٠٨، علل الشرايع: ص ٣٦٥ ح ٣ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٨١ ح ٧٣.

٤ . أورد المصنّف هذا الحديث في ذيل ح ١٤٠٦ المروي عن عبد الله بن أبي يعفور عن أبي عبد الله عليه السلام. وقال محقّق الكتاب في هامشه: «الظاهر أنّه من تتمّة خبر ابن أبي يعفور، ويمكن أن يكون خبراً آخر».

٥ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٨٩ ح ١٤٠٦، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٨٧ ح ٧٩.

۲۶۵۶ . **المعجم الاوسط** ـ به نقل از اَنَس ـ : پیامبر خدا به ما فرمود که در سحرگاهان، هفتاد مرتبه آمرزش بطلبیم.

۲۶۵۷ . **الکافی** ـ به نقل از احمد بن عبد العزیز ـ : یکی از شیعیان برایم نقل کرد که امام کاظم‌ﷺ هرگاه سرش را از رکوع نماز وَتْر بر می‌داشت، می‌گفت: «این جا، کسی ایستاده است که نیکی‌هایش، نعمتی از جانب توست، و سپاس‌گزاری‌اش، اندک است، و گناهش بزرگ است و جز حمایت و رحمت تو، کسی را ندارد؛ زیرا تو در کتابت که بر پیامبر مُرسل خود فرو فرستاده‌ای، فرموده‌ای: ﴿و اندکی از شب را می‌خوابند و در سحرگاهان، آمرزش می‌خواهند﴾، و من، بیشتر [شب را] می‌خوابم و اندکی از آن را به عبادت می‌گذرانم، و در این سحرگاه، از تو برای گناهم آمرزش می‌طلبم، همچون آمرزش‌خواهیِ کسی که اختیار هیچ گزند و سودی، و مرگ و زندگی و رستاخیزی را برای خود ندارد».

سپس به سجده می‌رفت ـ درودهای خدا بر او باد ـ .

۲ / ۵
دعای قنوت نماز وتر

۲۶۵۸ . **کتاب من لایحضره الفقیه**: پیامبر خدا، در [دعای قنوت] نماز وَتْر، هفتاد مرتبه از خدا آمرزش می‌طلبید و هفت مرتبه می‌گفت: «این جا، کسی ایستاده که از آتش به تو پناه آورده است».

۲۶۵۹ . **امام باقر**ﷺ: هر کس بر نماز شب و [نماز] وَتْر مداومت ورزد و در هر وَتْری، هفتاد بار از خدا آمرزش بخواهد و یک سال به این کار ادامه دهد، از

ثُمَّ واظَبَ عَلىٰ ذٰلِكَ سَنَةً، كُتِبَ مِنَ المُستَغفِرينَ بِالأَسحارِ.[١]

٢٦٦٠ . **الإمام الصادق**ﷺ: مَن قالَ في وَترِهِ إذا أوتَرَ: «أستَغفِرُ اللهَ رَبّي وأتوبُ إلَيهِ» سَبعينَ مَرَّةً، وواظَبَ عَلىٰ ذٰلِكَ حَتّىٰ تَمضِيَ سَنَةٌ، كَتَبَهُ اللهُ عِندَهُ مِنَ المُستَغفِرينَ بِالأَسحارِ، ووَجَبَت لَهُ الجَنَّةُ وَالمَغفِرَةُ مِنَ اللهِ.[٢]

٢٦٦١ . **عنه**ﷺ: القُنوتُ فِي الوَترِ الاِستِغفارُ، وفِي الفَريضَةِ الدُّعاءُ.[٣]

٢٦٦٢ . **تهذيب الأحكام عن أبي بصير، قال**: قُلتُ لَهُﷺ: ﴿وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾.

فَقالَ: اِستَغفَرَ رَسولُ اللهِﷺ في وَترِهِ سَبعينَ مَرَّةً.[٤]

٢٦٦٣ . **تهذيب الأحكام عن معاوية بن عمّار**: سَمِعتُ أبا عَبدِ اللهِﷺ يَقولُ في قَولِ اللهِ: ﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾: فِي الوَترِ فِي آخِرِ اللَّيلِ سَبعينَ مَرَّةً.[٥]

٢٦٦٤ . **تهذيب الأحكام عن أبي بكر بن أبي سمّاك عن الإمام الصادق**ﷺ، **قال**: قالَ لي: في قُنوتِ الوَترِ: اللّٰهُمَّ اغفِر لَنا وَارحَمنا، وعافِنا وَاعفُ عَنّا، فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ.[٦]

---

١ . تفسير العيّاشي: ج ١ ص ١٦٥ ح ١٢ عن زرارة، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٢٥ ح ٣٧.

٢ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٨٩ ح ١٤٠٥، الخصال: ص ٥٨١ ح ٣، ثواب الأعمال: ص ٢٠٤ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ١٢٦ ح ١٤٢، تفسير العيّاشي: ج ١ ص ١٦٥ ح ١٤ و ١٥ كلّها عن عمر بن يزيد نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٠٥ ح ١٤.

٣ . الكافي: ج ٣ ص ٤٥٠ ح ٣٢ و ص ٣٤٠ ح ٩، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٣١ ح ٥٠٣، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٩١ ح ١٤١١ كلّها عن عبد الرحمٰن بن أبي عبد الله، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٦٩ ح ٦٧.

٤ . تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٣٠ ح ٥٠١، تفسير العيّاشي: ج ١ ص ١٦٥ ح ١٣، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٢١ و ص ٢٢٥ ح ٣٧.

٥ . تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٣٠ ح ٤٩٨، علل الشرايع: ص ٣٦٤ ح ١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٠٧ ح ١٩ و ص ١٢١.

٦ . تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٩٢ ح ٣٤٢.

آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان، نوشته می‌شود.

۲۶۶۰ . **امام صادق**ﷺ: هر کس در رکعت آخر از سه رکعت نماز وَتْر، هفتاد بار بگوید: «از خداوند ـ پروردگارم ـ، آمرزش می‌طلبم و به درگاه او توبه می‌برم» و به این کار ادامه دهد تا یک سال بگذرد، خداوند، او را جزو آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان می‌نویسد و بهشت و آمرزش الهی بر او واجب می‌گردد.

۲۶۶۱ . **امام صادق**ﷺ: قنوت در [نماز] وَتْر [برای] آمرزش‌خواهی است و در نماز واجب، [برای] دعا کردن.

۲۶۶۲ . **تهذیب الاحکام** ـ به نقل از ابو بصیر ـ: از امامﷺ[1] در بارهٔ ﴿و آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان﴾ پرسیدم. فرمود: «پیامبر خدا، در [نماز] وَتْرش هفتاد بار استغفار می‌کرد».

۲۶۶۳ . **تهذیب الاحکام** ـ به نقل از معاویة بن عمّار ـ: از امام صادقﷺ شنیدم که در بارهٔ این فرمودهٔ خداوندﷻ ﴿و آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان﴾ می‌فرماید: یعنی در [نماز] وَتْر آخر شب، هفتاد مرتبه استغفار می‌کنند.

۲۶۶۴ . **تهذیب الاحکام** ـ به نقل از ابو بکر بن ابی سمّاک ـ: امام صادقﷺ به من فرمود: «در قنوت [نماز] وَتْر، چنین گفته شود: "بار خدایا! ما را بیامرز، و بر ما رحمت آور، و ما را عافیت بخش، و از ما در گذر، در دنیا و آخرت"».

---

۱ . منظور امام صادق یا امام کاظمﷺ است.

٣ / ٥
حِينَ يَمضِي ثُلُثُ اللَّيلِ

٢٦٦٥ . **الإمام الباقر**عليه السلام: يُنادي مُنادٍ حينَ يَمضي ثُلُثُ اللَّيلِ: «يا باغِيَ الخَيرِ أقبِل، يا طالِبَ الشَّرِّ أقصِر، هَل مِن تائِبٍ يُتابُ عَلَيهِ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ يُغفَرُ لَهُ؟ هَل مِن سائِلٍ فَيُعطىٰ؟» حَتّىٰ تَطلُعَ الشَّمسُ.[١]

٤ / ٥
الثُّلُثُ الأخيرُ مِن كُلِّ لَيلَةٍ

٢٦٦٦ . **رسول الله**صلى الله عليه وآله: إنَّ اللهَ تَبارَكَ وتَعالىٰ يُنزِلُ مَلَكاً إلَى السَّماءِ الدُّنيا كُلَّ لَيلَةٍ فِي الثُّلُثِ الأَخيرِ، ولَيلَةَ الجُمُعَةِ في أوَّلِ اللَّيلِ، فَيَأمُرُهُ فَيُنادي: «هَل مِن سائِلٍ فَأُعطِيَهُ؟ هَل مِن تائِبٍ فَأَتوبَ عَلَيهِ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ فَأَغفِرَ لَهُ؟ يا طالِبَ الخَيرِ أقبِل، ويا طالِبَ الشَّرِّ أقصِر[٢]»، فَلا يَزالُ يُنادي بِهٰذا حَتّىٰ يَطلُعَ الفَجرُ.[٣]

٢٦٦٧ . **عيون أخبار الرضا**عليه السلام **عن رجاء بن أبي الضحّاك** ـ في ذِكرِ سيرَةِ الإمامِ الرِّضاعليه السلام وهُوَ في طَريقِهِ إلىٰ خُراسانَ ـ: فَإذا كانَ الثُّلُثُ الأَخيرُ مِنَ اللَّيلِ، قامَ مِن فِراشِهِ بِالتَّسبيحِ وَالتَّحميدِ وَالتَّكبيرِ وَالتَّهليلِ وَالاِستِغفارِ، فَاستاكَ، ثُمَّ تَوَضَّأَ، ثُمَّ قامَ إلىٰ صَلاةِ اللَّيلِ... ثُمَّ يَقولُ: «أستَغفِرُ اللهَ وأسأَلُهُ التَّوبَةَ» سَبعينَ مَرَّةً، فَإذا سَلَّمَ جَلَسَ فِي التَّعقيبِ ما شاءَ اللهُ....

---

١. دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢١٠، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٦٧ ح ١٠.

٢. أقصر فلانٌ عن الشيء يقصر إقصاراً إذا كفّ عنه وانتهى (لسان العرب: ج ٥ ص ٩٧ «قصر»).

٣. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٢١ ح ١٢٤٠ عن إبراهيم بن أبي محمود عن الإمام الرضاعليه السلام، عيون أخبار الرضاعليه السلام: ج ١ ص ١٢٦ ح ٢١، الاحتجاج: ج ٢ ص ٣٨٦ ح ٢٩٣ كلاهما عن إبراهيم بن أبي محمود عن الإمام الرضا عن آبائهعليهم السلام، التوحيد: ص ١٧٦ ح ٧ عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّهعليهم السلام عنهصلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٣ ص ٣١٤ ح ٧.

۳/۵
هنگام سپری شدن یک سوم شب

۲۶۶۵ . **امام باقر**ﷺ: چون یک‌سومِ شب بگذرد، آواز دهنده‌ای [غیبی] آواز می‌دهد که: «ای جویندهٔ خوبی، بشتاب! ای خواهانِ بدی، دست بدارا آیا توبه‌گری هست تا توبهٔ او پذیرفته شود؟ آیا آمرزش‌خواهی هست تا آمرزیده شود؟ آیا خواهنده‌ای هست تا به او عطا شود؟ ﴿و تا طلوع خورشید، ادامه می‌دهد﴾.

۴/۵
یک سوم آخر هر شب

۲۶۶۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند ـ تبارک و تعالی ـ هر شب، در ثلث آخر آن، و شب جمعه، در آغاز شب، فرشته‌ای به آسمانِ پایین، فرو می‌فرستد و به او دستور دهد که بانگ زند: «آیا درخواست کننده‌ای هست تا عطایش کنم؟ آیا توبه کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش‌خواهی هست تا او را بیامرزم؟ ای جویندهٔ خوبی، بشتاب! ای جویندهٔ بدی، دست بردار!» و پیوسته این را ندا می‌دهد تا آن گاه که سپیده بردَمَد».

۲۶۶۷ . **عیون أخبار الرضا**ﷺ ـ به نقل از رجاء بن ابی ضحّاک، در یادکردِ رفتار امام رضاﷺ در راه سفر به خراسان ـ: چون ثلثِ آخر شب می‌شد، با ذکر «سبحان الله» و «الحمد لله» و «الله أکبر» و «لا إله إلّا الله» و آمرزش‌خواهی، از بسترش بر می‌خاست و مسواک می‌زد و وضو می‌گرفت. سپس به نماز شب می‌ایستاد.... آن گاه، هفتاد مرتبه می‌گفت: «از خدا، آمرزش می‌خواهم و از او، توبه می‌طلبم».

و چون سلام می‌داد، می‌نشست و ساعت‌ها تعقیبات می‌گفت....

وكانَ قُنوتُهُ في جَميعِ صَلَواتِهِ: رَبِّ اغفِر وَارحَم، وتَجاوَز عَمّا تَعلَمُ، إنَّكَ أنتَ الأَعَزُّ الأَجَلُّ الأَكرَمُ.[١]

٥ / ٥

يَومُ الخَميسِ

٢٦٦٨ . رسول اللهﷺ: مَن صَلّىٰ يَومَ الخَميسِ ما بَينَ الظُّهرِ وَالعَصرِ رَكعَتَينِ، يَقرَأُ في أوَّلِ رَكعَةٍ بِفاتِحَةِ الكِتابِ وآيَةِ الكُرسِيِّ مِئَةَ مَرَّةٍ، وفِي الرَّكعَةِ الثّانِيَةِ فاتِحَةَ الكِتابِ و«قُل هُوَ اللهُ أحَدٌ» مِئَةَ مَرَّةٍ، فَإذا فَرَغَ مِن صَلاتِهِ استَغفَرَ اللهَ مِئَةَ مَرَّةٍ، وصَلّىٰ عَلَى النَّبِيِّﷺ مِئَةَ مَرَّةٍ؛ لا يَقومُ مِن مَقامِهِ حَتّىٰ يَغفِرَ اللهُ لَهُ البَتَّةَ.[٢]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٦ / ٥

لَيلَةُ الجُمُعَةِ

٢٦٦٩ . الإمام الباقر والإمام الصادقعليهما السلام: إذا كانَت لَيلَةُ الجُمُعَةِ أمَرَ اللهُ عزوجل مَلَكاً فَنادىٰ مِن أوَّلِ اللَّيلِ إلىٰ آخِرِهِ، ويُنادي في كُلِّ لَيلَةٍ ـ غَيرَ لَيلَةِ الجُمُعَةِ ـ مِن ثُلُثِ اللَّيلِ الآخِرِ: هَل مِن سائِلٍ فَأُعطِيَهُ؟ هَل مِن تائِبٍ فَأَتوبَ عَلَيهِ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ فَأَغفِرَ لَهُ؟ يا طالِبَ الخَيرِ أقبِل، يا طالِبَ الشَّرِّ أقصِر.[٣]

---

١ . عيون أخبار الرضاعليه السلام: ج ٢ ص ١٨١ ح ٥، بحار الأنوار: ج ٢٩ ص ٩١ ح ٧.

٢ . مصباح المتهجّد: ص ٢٥٦، جمال الأسبوع: ص ٧٩ كلاهما عن ابن مسعود، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٣١٣ ح ٤٣.

٣ . دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٨٠، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٧٩ ح ٢٥.

دعای قنوت ایشان در همهٔ نمازهایش این بود: «پروردگارا! بیامرز و رحم کن، و از آنچه [از گناهانم] می‌دانی، در گذر که تو عزیزترین و بزرگ‌ترین و کریم‌ترینی».

۵/۵
روز پنج شنبه

۲۶۶۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس روز پنج شنبه، در فاصلهٔ میان نماز ظهر و عصر، دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اوّل، «فاتحة الکتاب» را با صد مرتبه «آیة الکرسی»، و در رکعت دوم «فاتحة الکتاب» را با صد مرتبه ﴿قل هو الله أحد﴾ بخواند و پس از نمازش، صد مرتبه از خدا طلبِ آمرزش کند و صد مرتبه بر پیامبرﷺ درود بفرستد، پیش از آن که از جایش بلند شود، خداوند، حتماً او را می‌آمرزد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۶/۵
شب جمعه

۲۶۶۹ . **امام باقر و امام صادق**ﷺ: چون شب جمعه شود، خداوند ﷻ به فرشته‌ای فرمان دهد که از اوّل شب تا آخر آن، و در شب‌های دیگر، غیر از شب جمعه، از ثلثِ آخر شب، ندا دهد که: «آیا درخواست‌کننده‌ای هست تا به او عطا کنم؟ آیا توبه‌کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش‌خواهی هست تا او را بیامرزم؟ ای طالب خوبی، بیا! ای طالب بدی، دست بردار!».

٧ / ٥
يَومُ الجُمُعَةِ

٢٦٧٠ . رسول الله ﷺ: إنَّ فِي الجُمُعَةِ ساعَةً لا يُوافِقُها عَبدٌ يَستَغفِرُ اللهَ فيها إلّا غَفَرَ اللهُ لَهُ.[١]

٢٦٧١ . المعجم الكبير عن سمرة بن جندب: كانَ النَّبِيُّ ﷺ يَستَغفِرُ لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ، وَلِلمُسلِمينَ وَلِلمُسلِماتِ، كُلَّ يَومِ جُمُعَةٍ.[٢]

٢٦٧٢ . الإمام الصادق عليه السلام: مَن قالَ بَينَ رَكعَتَيِ الفَجرِ إلَى الغَداةِ يَومَ الجُمُعَةِ: «سُبحانَ رَبِّيَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ، أستَغفِرُ اللهَ رَبّي وأتوبُ إلَيهِ» مِئَةَ مَرَّةٍ، بَنَى اللهُ لَهُ مَسكَناً فِي الجَنَّةِ.[٣]

٢٦٧٣ . عنه عليه السلام: مَن يَستَغفِرِ اللهَ تَعالىٰ يَومَ الجُمُعَةِ بَعدَ العَصرِ سَبعينَ مَرَّةً، يَقولُ: «أستَغفِرُ اللهَ وأتوبُ إلَيهِ» غَفَرَ اللهُ عز وجل لَهُ ذَنبَهُ فيما سَلَفَ، وعَصَمَهُ فيما بَقِيَ، فَإن لَم يَكُن لَهُ ذَنبٌ، غَفَرَ لَهُ ذُنوبَ والِدَيهِ.[٤]

٢٦٧٤ . عنه عليه السلام: مِنَ السُّنَّةِ الصَّلاةُ عَلَيٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله يَومَ الجُمُعَةِ ألفَ مَرَّةٍ، وفي غَيرِ يَومِ الجُمُعَةِ مِئَةَ مَرَّةٍ، ومَن صَلّىٰ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله في يَومِ جُمُعَةٍ مِئَةَ صَلاةٍ وَاستَغفَرَ مِئَةَ مَرَّةٍ، وقَرَأَ «قُل هُوَ اللهُ أحَدٌ» مِئَةَ مَرَّةٍ، غُفِرَ لَهُ البَتَّةَ.[٥]

٢٦٧٥ . جمال الأسبوع: رُوِيَ عَن أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام أنَّهُ أمَرَ رَجُلاً أن يُصَلِّيَ الضُّحىٰ يَومَ الجُمُعَةِ أربَعَ رَكَعاتٍ: يَقرَأُ في كُلِّ رَكعَةٍ فاتِحَةَ الكِتابِ عَشرَ مَرّاتٍ، و«قُل هُوَ اللهُ

---

١ . السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٢٢ ح ١٠٣٠٥، الدعاء للطبراني: ص ٧٠ ح ١٧٥، عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ١٣٣ ح ٣٧٣ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٧ ص ٧٦٤ ح ٢١٣٠٥.

٢ . المعجم الكبير: ج ٧ ص ٢٦٤ ح ٧٠٧٩.

٣ . جامع الأحاديث للقمّي: ص ١٥٤، جمال الأسبوع: ص ٢٤٨ عن أبي حمزة نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣١٣ ح ١٨.

٤ . جمال الأسبوع: ص ٢٧٨ عن موسى بن أكيل النُّميري، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٩١ ح ٤.

٥ . جامع الأحاديث للقمّي: ص ١٥٨، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٥٥ ح ٣٣.

۷/۵
روز جمعه

۲۶۷۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: در جمعه، ساعتی است که هر بنده‌ای در آن ساعت از خدا آمرزش بطلبد، خداوند، حتماً او را می‌آمرزد.

۲۶۷۱ . **المعجم الکبیر** ـ به نقل از سَمَرة بن جُندب ـ: پیامبرﷺ در هر روز جمعه، برای مردان و زنان مؤمن و مسلمان، طلب آمرزش می‌کرد.

۲۶۷۲ . **امام صادق**ؑ: هر کس در روز جمعه، پس از دو رکعت نماز صبح تا آغاز روز [در مابین الطلوعین]، صد مرتبه بگوید: «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش، او را! از پروردگارم آمرزش می‌خواهم و به درگاه او توبه می‌کنم»، خداوند، برای او در بهشتْ خانه‌ای بنا می‌کند.

۲۶۷۳ . **امام صادق**ؑ: هر کس در روز جمعه، بعد از نماز عصر، هفتاد مرتبه از خداوند متعال، آمرزش بخواهد، بگوید: «از خدا، آمرزش می‌خواهم و به درگاه او توبه می‌کنم»، خداوندﷻ گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد، و در آینده، او را [از گناه] مصون می‌دارد، و اگر گناهی نداشته باشد، گناهانِ پدر و مادر او را می‌آمرزد.

۲۶۷۴ . **امام صادق**ؑ: از سنّت است (/مستحب است) که در روز جمعه، هزار مرتبه و در غیر روز جمعه، صد مرتبه بر محمّد، درود فرستاده شود. هر کس در روز جمعه، صد مرتبه بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستد و صد مرتبه طلب آمرزش کند و صد مرتبه ﴿قل هو الله احد﴾ را بخواند، قطعاً آمرزیده شود.

۲۶۷۵ . **جمال الأسبوع**: روایت شده است که امیر مؤمنان، به مردی دستور داد در روز جمعه هنگام چاشت، چهار رکعت نماز بخواند: در هر رکعت، ده مرتبه «فاتحة

عَشرَ مَرّاتٍ.

ثُمَّ قالَ: فَإذا سَلَّمتَ، استَغفِرِ اللهَ سَبعينَ مَرَّةً، وقُل: سُبحانَ اللهِ، وَالحَمدُ للهِ، ولا إلٰهَ إلَّا اللهُ، وَاللهُ أكبَرُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ.[١]

٨/٥
قَبلَ الغُروبِ في عَرَفاتٍ

٢٦٧٦ . **الإقبال عن حمّاد بن عبد الله:** كُنتُ قَريباً مِن أبِي الحَسَنِ موسىٰ عليه السلام بِالمَوقِفِ، فَلَمّا هَمَّتِ الشَّمسُ لِلغُروبِ أخَذَ بِيَدِهِ اليُسرىٰ بِمَجامِعِ ثَوبِهِ ثُمَّ قالَ: «اللّٰهُمَّ إنّي عَبدُكَ وَابنُ عَبدِكَ، إن تُعَذِّبني فَبِأُمورٍ قَد سَلَفَت مِنّي، وأنَا بَينَ يَدَيكَ بِرُمَّتي، وإن تَعفُ عَنّي فَأَهلُ العَفوِ أنتَ يا أهلَ العَفوِ، يا أحَقَّ مَن عَفَا، اغفِر لي ولِأَصحابي»، وحَرَّكَ دابَّتَهُ فَمَرَّ.[٢]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٩/٥
يَومُ النَّحرِ

٢٦٧٧ . **الإمام عليّ** عليه السلام ـ في خُطبَتِهِ يَومَ النَّحرِ[٣] ـ: إنَّ هٰذا يَومٌ حُرمَتُهُ عَظيمَةٌ، وبَرَكَتُهُ مَأمولَةٌ، وَالمَغفِرَةُ فيهِ مَرجُوَّةٌ، فَأَكثِروا ذِكرَ اللهِ تَعالىٰ وَاستَغفِروهُ، وتوبوا إلَيهِ، إنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.[٤]

---

١ . جمال الأسبوع: ص ٩٢، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٦٧ ح ٦٢.

٢ . الإقبال: ج ٢ ص ٧٣، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢١٥ ح ٣.

٣ . يوم النحر: هو يوم العاشر من ذي الحجّة (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٧٥٩ «نحر»).

٤ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٢٠ ح ١٤٨٤، مصباح المتهجّد: ص ٦٦٤ ح ٧٣٠ عن عبد الرحمٰن بن جندب عن أبيه نحوه، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ١٠٠ ح ٤.

الکتاب» و ده مرتبه ﴿قل هو الله احد﴾ را. سپس فرمود: «چون سلام دادی، هفتاد مرتبه از خداوند ﷻ طلب آمرزش کن و بگو: "پاکا خدا و ستایش، خدا را! معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ‌تر است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای بلندمرتبه و بزرگ"».

۸/۵
پیش از غروب در عرفات

۲۶۷۶ . **الإقبال** ـ به نقل از حمّاد بن عبد الله ـ: در موقف، نزدیک امام کاظم ﷺ بودم. نزدیک غروب خورشید که شد، امام ﷺ با دست چپ خود، گوشه‌های جامه‌اش را گرفت و گفت: «بار خدایا! من، بندهٔ تو و فرزند بندهٔ تو هستم. اگر عذابم کنی، به سبب اموری است که پیش‌تر، از من سرزده است، و اینک، من با تمام وجودم در اختیار توام. اگر مرا ببخشی، تو اهل بخشایشی. ای اهل بخشایش، ای سزاوارترین کس به گذشت کردن! مرا و یاران مرا بیامرز» و مَرکبش را هِی زد و رفت.

۹/۵
روز قربان

۲۶۷۷ . **امام علی** ﷺ ـ در خطبه‌اش در روز [عید] قربان ـ: این، روزی است که حرمتش بسیار است و برکتش انتظار می‌رود و به آمرزش در آن، امید است. بنا بر این، خداوند متعال را فراوان یاد کنید و از او آمرزش بخواهید و به درگاهش توبه کنید، که او توبه‌پذیری مهربان است.

١٠ / ٥
الصَّباحُ والمَساءُ

٢٦٧٨ . رسول الله ﷺ: ما مِن صَباحٍ إلّا ومَلَكانِ يُنادِيانِ يَقولانِ: «يا باغِيَ الخَيرِ هَلُمَّ، ويا باغِيَ الشَّرِّ انتَهِ، هَل مِن داعٍ فَيُستَجابَ لَهُ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ فَيُغفَرَ لَهُ؟ هَل مِن تائِبٍ فَيُتابَ عَلَيهِ؟ هَل مِن مَغمومٍ فَيُنَفَّسَ عَنهُ غَمُّهُ؟ اللّهُمَّ عَجِّل لِلمُنفِقِ مالَهُ خَلَفاً، ولِلمُمسِكِ تَلَفاً»، فَهٰذا دُعاؤُهُما حَتّىٰ تَغرُبَ الشَّمسُ.[١]

٢٦٧٩ . عنه ﷺ: ما أصبَحتُ غَداةً قَطُّ، إلّا استَغفَرتُ اللهَ فيها مِئَةَ مَرَّةٍ.[٢]

٢٦٨٠ . عنه ﷺ: مَنِ استَغفَرَ إذا وَجَبَتِ[٣] الشَّمسُ سَبعينَ مَرَّةً غَفَرَ اللهُ لَهُ سَبعَمِئَةِ ذَنبٍ، ولا يُذنِبُ مُؤمِنٌ إن شاءَ اللهُ في يَومِهِ ولَيلَتِهِ سَبعَمِئَةِ ذَنبٍ.[٤]

٢٦٨١ . عنه ﷺ: ما مِن عَبدٍ خَتَمَ صَحيفَتَهُ عِندَ مَغيبِ الشَّمسِ بِالاِستِغفارِ، إلّا مَحا ما دونَها.[٥]

٢٦٨٢ . الإمام الصادق ﷺ: مَهما تَرَكتَ مِن شَيءٍ فَلا تَترُكَ أن تَقولَ في كُلِّ صَباحٍ ومَساءٍ: اللّهُمَّ إنّي أصبَحتُ أستَغفِرُكَ في هٰذَا الصَّباحِ وفي هٰذَا اليَومِ لِأَهلِ رَحمَتِكَ، وأبرَأُ إلَيكَ مِن أهلِ لَعنَتِكَ....

---

١ . الأمالي للصدوق: ص ٧٠١ ح ٩٥٨ عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، روضة الواعظين: ص ٣٦٠ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٨٠ ح ٣.

٢ . السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١١٥ ح ١٠٢٧٥، المعجم الأوسط: ج ٤ ص ١١٠ ح ٣٧٣٧، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ٢٣٩ ح ٥، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ١٩٦ ح ٥٥٨ كلّها عن أبي بردة عن أبيه، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٧ ح ٢٠٧٩.

٣ . وجبت الشّمسُ: أي غابت (الصحاح: ج ١ ص ٢٣٢ «وجب»).

٤ . كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨١ ح ٢٠٩٩ نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة وراجع الفردوس: ج ٣ ص ٦٠٤ ح ٥٨٩١.

٥ . الفردوس: ج ٤ ص ١٦ ح ٦٠٤٦ عن أبي الدرداء، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٠ ح ٢٠٩٨.

۱۰/۵
بامدادان و شامگاهان

۲۶۷۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ بامدادی نیست، مگر آن‌که دو فرشته، بانگ برآورده، می‌گویند: «ای جویای خوبی، بیا! ای در پیِ بدی، دست [از بدی] بدار! آیا دعا کننده‌ای هست تا دعایش مستجاب شود؟ آیا آمرزش‌خواهی هست تا آمرزیده شود؟ آیا توبه‌گری هست تا توبه‌اش پذیرفته شود؟ آیا غم‌زده‌ای هست تا غم او زُدوده شود؟ بار خدایا! به آن که مال خویش را انفاق می‌کند، هر چه زودتر، عوض عطا کن، و به آن که از انفاق، خودداری می‌ورزد، در تلف کردن مال او تعجیل فرما»، و تا غروب آفتاب، دعای آن دو این باشد.

۲۶۷۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ گاه صبحی را آغاز نکردم، مگر این که در آن، صد مرتبه از خدا آمرزش طلبیدم.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۶۸۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس، چون خورشید غروب کرد، هفتاد بار آمرزش بخواهد، خداوند، هفتصد گناه از او می‌آمرزد، و هیچ مؤمنی ـ اگر خدا خواهد ـ در شبانه روز، هفتصد گناه نمی‌کند.

۲۶۸۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که در هنگام غروب آفتاب، کارنامه‌اش را به آمرزش‌خواهی ختم کند، مگر آن که گناهان پیش از آن را پاک می‌کند.

۲۶۸۲ . **امام صادق**ؑ: هر چه را ترک کردی، این را ترک مکن که در هر بامداد و شامگاه بگویی: «بار خدایا! روز خود را آغاز می‌کنم و در این بامدادان و در این روز، برای آنان که سزاوار رحمت تو هستند، از تو آمرزش می‌طلبم و از آنان که سزاوار و مشمول نفرین تو هستند، در پیشگاه تو اعلام بیزاری می‌کنم....

اللّٰهُمَّ اغفِر لي ولِوالِدَيَّ وَارحَمهُما كَما رَبَّياني صَغيراً، اللّٰهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ، الأَحياءِ مِنهُم وَالأَمواتِ، اللّٰهُمَّ إنَّكَ تَعلَمُ مُنقَلَبَهُم ومَثواهُم.[١]

١١ / ٥
شَهرُ رَجَبٍ وَلاسِيَّما لَيلَةُ النِّصفِ مِنهُ

٢٦٨٣ . رسول الله ﷺ: أكثِروا مِنَ الاِستِغفارِ في شَهرِ رَجَبٍ، فَإِنَّ لِلّٰهِ في كُلِّ ساعَةٍ مِنهُ عُتَقاءَ[٢] مِنَ النّارِ، وإنَّ لِلّٰهِ مَدائِنَ لا يَدخُلُها إلّا مَن صامَ [شَهرَ][٣] رَجَبٍ.[٤]

٢٦٨٤ . عنه ﷺ: رَجَبٌ شَهرُ الاِستِغفارِ لِأُمَّتي، أكثِروا فيهِ الاِستِغفارَ، فَإِنَّهُ غَفورٌ رَحيمٌ، وشَعبانُ شَهرِي، استَكثِروا في رَجَبٍ مِن قَولِ: «أستَغفِرُ اللهَ»، وَاسأَلُوا اللهَ الإِقالَةَ وَالتَّوبَةَ فيما مَضىٰ، وَالعِصمَةَ فيما بَقِيَ مِن آجالِكُم.[٥]

٢٦٨٥ . عنه ﷺ: مَن صامَ أيّامَ البيضِ مِن رَجَبٍ أو قامَ[٦] لَيالِيَها، ويُصَلّي لَيلَةَ النِّصفِ مِئَةَ رَكعَةٍ، يَقرَأُ في كُلِّ رَكعَةٍ «قُل هُوَ اللهُ أحَدٌ» عَشرَ مَرّاتٍ، فَإِذا فَرَغَ مِن هٰذِهِ الصَّلاةِ استَغفَرَ سَبعينَ مَرَّةً، رُفِعَ عَنهُ شَرُّ أهلِ السَّماءِ، وشَرُّ أهلِ الأَرضِ، وشَرُّ إبليسَ وجُنودِهِ، وإن ماتَ في هٰذَا الشَّهرِ ماتَ [شَهيداً][٧]، ويَقضِي اللهُ لَهُ ألفَ حاجَةٍ.[٨]

---

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٢٩ ح ٢٣ عن فرات بن الأحنف، مصباح المتهجّد: ص ٢١٣ ح ٣١٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٥٠ ح ٣٤.

٢ . في المصدر: «منها عتقاً»، والتصويب من كنز العمّال.

٣ . ما بين المعقوفين أثبتناه من كنز العمّال.

٤ . الفردوس: ج ١ ص ٨١ ح ٢٤٧ عن الإمام عليّ عليه السلام، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨١ ح ٢١٠١.

٥ . النوادر للأشعري: ص ١٧ ح ٢ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٨ ح ٢٤.

٦ . في مستدرك الوسائل: «وقام».

٧ . ما بين المعقوفين أثبتناه من مستدرك الوسائل.

٨ . بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٥٠ ح ٣٨، مستدرك الوسائل: ج ٧ ص ٥٣٣ ح ٨٨٢٩ كلاهما نقلاً عن كتاب النوادر للراوندي عن ابن عبّاس.

بار خدایا! مرا و پدر و مادرم را بیامرز و آن دو را رحمت کن که مرا در کودکی پروردند. بار خدایا! مردان و زنان مؤمن، و مردان و زنان مسلمان را، زنده و مُرده‌شان را بیامرز. بار خدایا! تو از جایگاه و مکان بازگشت آنان، آگاهی.

۱۱/۵
ماه رجب، بویژه شب نیمهٔ آن

۲۶۸۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: در ماه رجب، بسیار طلب آمرزش کنید؛ زیرا در هر ساعتی از این ماه، خداوند، عده‌ای را از آتش می‌رهانَد. برای خدا شهرهایی است که تنها کسانی وارد آنها می‌شوند که [ماه] رجب را روزه بگیرند.

۲۶۸۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: رجب، ماه آمرزش‌خواهی امّت من است. پس در این ماه، بسیار آمرزش بخواهید که خدا، آمرزگاری مهربان است. شعبان، ماه من است. در رجب، جملهٔ «استغفر الله» را فراوان بگویید و از خداوند، در بارهٔ [گناهان] گذشته، پوزش و توبه بخواهید، و برای باقی ماندهٔ عمرتان، مصونیت [از گناه].

۲۶۸۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در ایّام البیض ماه رجب، روزه بگیرد یا شب‌های آن را به عبادت بگذراند و شب نیمه [ی این ماه] صد رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت، ده مرتبه ﴿**قل هو الله احد**﴾ بخواند و پس از این نماز، هفتاد مرتبه آمرزش بطلبد، گزند آسمانیان و گزند زمینیان و گزند ابلیس و سربازانش، از او دور داشته می‌شود، و اگر در این ماه بمیرد، شهید مُرده است، و خداوند، هزار حاجت او را بر آورده می‌سازد.

٢٦٨٦ . عنه ﷺ: مَن صَلّىٰ لَيلَةَ النِّصفِ مِن رَجَبٍ عَشرَ رَكَعاتٍ، يَقرَأُ في كُلِّ رَكعَةٍ فاتِحَةَ الكِتابِ مَرَّةً، و«قُل هُوَ اللهُ أحَدٌ» ثَلاثينَ مَرَّةً، فَإِذَا استَغفَرَ اللهَ وسَجَدَ وسَبَّحَهُ ومَجَّدَهُ وكَبَّرَهُ مِئَةَ مَرَّةٍ، لَم يُكتَب عَلَيهِ خَطيئَةٌ إلىٰ مِثلِها مِنَ القابِلِ.[١]

٢٦٨٧ . عنه ﷺ: إنَّ اللهَ تَعالىٰ نَصَبَ فِي السَّماءِ السّابِعَةِ مَلَكاً يُقالُ لَهُ: الدّاعي، فَإِذا دَخَلَ شَهرُ رَجَبٍ يُنادي ذٰلِكَ المَلَكُ كُلَّ لَيلَةٍ مِنهُ إلَى الصَّباحِ: طوبىٰ لِلذّاكِرينَ، طوبىٰ لِلطائِعينَ.

ويَقولُ اللهُ تَعالىٰ: أنَا جَليسُ مَن جالَسَني، ومُطيعُ مَن أطاعَني، وغافِرُ مَنِ استَغفَرَني.[٢]

٢٦٨٨ . عنه ﷺ: ألا إنَّ في شَهرِ رَجَبٍ لَيلَةً، مَن حَرَّمَ النَّومَ عَلىٰ نَفسِهِ وقامَ فيها حَرَّمَ اللهُ جَسَدَهُ عَلَى النّارِ، وصافَحَهُ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ، ويَستَغفِرونَ لَهُ إلىٰ يَومٍ مِثلِهِ، فَإِن عادَ عادَتِ المَلائِكَةُ.[٣]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٢ / ٥
شَهرُ شَعبانَ ولاسِيَّما لَيلَةُ النِّصفِ مِنهُ

٢٦٨٩ . رسول الله ﷺ: إذا كانَ لَيلَةُ النِّصفِ مِن شَعبانَ نادىٰ مُنادٍ[٤]: هَل مِن مُستَغفِرٍ فَأُغفِرَ لَهُ؟ هَل مِن سائِلٍ فَأُعطِيَهُ؟ فَلا يَسأَلُ أحَدٌ إلّا أُعطِيَ، إلّا زانِيَةً بِفَرجِها أو مُشرِكٌ.[٥]

---

١ . بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٥٠ ح ٣٩ نقلاً عن كتاب النوادر للراوندي عن أنس.

٢ . الإقبال: ج ٣ ص ١٧٤، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٧٧ ح ١.

٣ . بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٤٧ ح ٣٣ نقلاً عن النوادر للراوندي عن ابن عبّاس.

٤ . في المصدر: «فإذا منادٍ»، والتصويب من كنز العمّال وبعض نسخ المصدر الخطيّة.

٥ . شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣٨٣ ح ٣٨٣٦ عن عثمان بن أبي العاص، كنز العمّال: ج ١٢ ص ٣١٤ ح ٣٥١٧٨.

۲۶۸۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس شب نیمهٔ ماه رجب، ده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعتی یک مرتبه «فاتحة الکتاب» و سی مرتبه ﴿قل هو الله احد﴾ را بخوانَد و چون [نمازش را تمام کرد و] از خدا، آمرزش بخواهد و سجده کند و او را تسبیح و تمجید گفته، صد مرتبه «الله أکبر» بگوید، تا رجب آینده، گناهی برایش نوشته نمی‌شود.

۲۶۸۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند متعال، در آسمان هفتم، فرشته‌ای منصوب کرده است که به آن، «دعوتگر» گفته شود. چون ماه رجب در آید، آن فرشته، هر شب تا صبح بانگ می‌زند: «خوشا به حال ذکرگویان [خدا]! خوشا به حال فرمان بُرداران!».

و خداوند متعال می‌فرماید: «من همنشین کسی هستم که با من، همنشینی کند، و فرمان بُردار کسی هستم که از من، فرمان برَد، و آمرزندهٔ کسی هستم که از من، آمرزش بخواهد».

۲۶۸۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هان! در ماه رجب، شبی است که هر کس در آن شب، خواب را بر خود حرام کند و به عبادت بپردازد خداوند، بدن او را بر آتش، حرام می‌گرداند و هفتاد هزار فرشته با او دست می‌دهند و تا روزی چنان (یعنی ماه رجب سال آینده) برایش طلبِ آمرزش می‌کنند، و اگر دوباره گناه کرد، فرشتگان، دوباره برایش آمرزش می‌خواهند.

۱۲/۵
ماه شعبان، بویژه شب نیمهٔ آن

۲۶۸۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه شب نیمهٔ شعبان شود، منادی‌ای ندا می‌دهد: آیا آمرزش‌خواهی هست تا او را بیامرزم؟ آیا درخواست کننده‌ای هست تا به او عطا کنم؟ پس هر کسی درخواست کند، به او عطا می‌شود، بجز زن زناکار یا شخص مشرک.

٢٦٩٠ . عنه ﷺ: إذا كانَ لَيلَةُ النِّصفِ مِن شَعبانَ فَقوموا لَيلَتَها، وصوموا يَومَها، فَإِنَّ اللهَ تَعالىٰ يَقولُ: ألا مِن مُستَغفِرٍ فَأَغفِرَ لَهُ؟ ألا مِن مُسترزِقٍ فَأَرزُقَهُ؛ ألا مِن سائِلٍ فَأُعطِيَهُ؟ ألا كَذا؟ حَتّىٰ يَطلُعَ الفَجرُ.[١]

٢٦٩١ . مصباح المتهجّد عن زيد بن عليّ: كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ ﷺ يَجمَعُنا جَميعاً لَيلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ، ثُمَّ يُجَزِّئُ اللَّيلَ أجزاءً ثَلاثَةً، فَيُصَلّي بِنا جُزءاً، ثُمَّ يَدعو ونُؤَمِّنُ عَلىٰ دُعائِهِ، ثُمَّ يَستَغفِرُ اللهَ ونَستَغفِرُهُ ونَسأَلُهُ الجَنَّةَ حَتّىٰ يَنفَجِرَ الصُّبحُ.[٢]

٢٦٩٢ . مصباح المتهجّد عن محمّد بن أبي حمزة عن الإمام الصادق ﷺ: مَن قالَ في كُلِّ يَومٍ مِن شَعبانَ سَبعينَ مَرَّةً: أستَغفِرُ اللهَ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ الرَّحمٰنُ الرَّحيمُ الحَيُّ القَيّومُ وأتوبُ إلَيهِ، كَتَبَهُ اللهُ تَعالىٰ فِي الأُفُقِ المُبينِ.

قُلتُ: ومَا الأُفُقُ المُبينُ؟

قالَ: قاعٌ بَينَ يَدَيِ العَرشِ، فيهِ أنهارٌ تَطَّرِدُ فيهِ مِنَ القِدحانِ عَدَدَ النُّجومِ.[٣]

٢٦٩٣ . الإمام الرضا ﷺ: مَنِ استَغفَرَ اللهَ في كُلِّ يَومٍ مِن شَعبانَ سَبعينَ مَرَّةً، حُشِرَ يَومَ القِيامَةِ في زُمرَةِ رَسولِ اللهِ ﷺ، ووَجَبَت لَهُ مِنَ اللهِ الكَرامَةُ.[٤]

---

١ . شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣٧٩ ح ٣٨٢٢ عن عبد الله بن جعفر عن الإمام عليّ ﷺ وراجع سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٤٤٤ ح ١٣٨٨ والفردوس: ج ١ ص ٢٥٩ ح ١٠٠٧ وكنز العمّال: ج ١٢ ص ٣١٤ ح ٣٥١٧٧ والإقبال: ج ٣ ص ٣٢٣ وبحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٤١٥ ح ١.

٢ . مصباح المتهجّد: ص ٨٥٣، بحار الأنوار: ج ٨٣ ص ١١٥ ح ٣٢.

٣ . مصباح المتهجّد: ص ٨٢٩ ح ٨٨٩، الخصال: ص ٥٨٢ ح ٥، معاني الأخبار: ص ٢٢٩ ح ١، فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٥٦ ح ٣٥، الإقبال: ج ٣ ص ٢٩٥، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٩١ ح ٤.

٤ . الخصال: ص ٥٨٢ ح ٦، عيون أخبار الرضا ﷺ: ج ١ ص ٢٥٥ ح ٦ كلاهما عن العبّاس بن هلال، فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٤٤ ح ٢١، الأمالي للصدوق: ص ٦٨ ح ٣٤، الإقبال: ج ٣ ص ٢٩٤ والثلاثة الأخيرة عن الحسن بن عليّ بن فضّال نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٧٢ ح ١٦.

۲۶۹۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه شب نیمهٔ شعبان رسید، آن شب را به عبادت بگذارنید و روزش را روزه بگیرید؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «آیا آمرزش‌خواهی هست تا او را بیامرزم؟ آیا روزی‌خواهی هست تا او را روزی دهم؟ آیا درخواست کننده‌ای هست تا به او عطا کنم؟ آیا چنین، آیا چنان؟»، تا آن گاه که سپیده بزند.

۲۶۹۱ . **مصباح المتهجّد** ـ به نقل از زید بن علی ـ: امام زین العابدین‌ؑ در شب نیمهٔ شعبان، همهٔ ما را جمع می‌کرد. آن گاه، شب را به سه بخش تقسیم می‌کرد، در یک بخش، برایمان نماز می‌خواند، آن گاه، دعا می‌کرد و ما «آمین» می‌گفتیم. سپس از خدا آمرزش می‌طلبید و ما هم آمرزش می‌طلبیدیم و بهشت را از او درخواست می‌کردیم، تا آن گاه که سپیدهٔ صبح می‌دمید.

۲۶۹۲ . **مصباح المتهجّد** ـ به نقل از محمّد بن ابی حمزه ـ: امام صادقؑ فرمود: «هر کس در هر روز از [ماه] شعبان، هفتاد مرتبه بگوید: "آمرزش می‌طلبم از خدایی که معبودی نیست، جز او مهرگستر مهربان، زندهٔ پاینده، و به درگاهش توبه می‌کنم»، خداوند متعال، نامش را در افق مبین می‌نویسد».

گفتم: افق مبین چیست؟

فرمود: «دشتی است در برابر عرش که در آن، جویبارها روان است و جاهایی به شمارِ ستارگان».

۲۶۹۳ . **امام رضا**ؑ: هر کس در هر روز از ماه شعبان، هفتاد بار از خدا آمرزش بخواهد، روز قیامت، در گروه پیامبر خدا محشور شود و کرامت خدا بر او واجب می‌گردد.

٢٦٩٤ . عنه ﷺ: مَن قالَ في كُلِّ يَومٍ مِن شَعبانَ سَبعينَ مَرَّةً: «أستَغفِرُ اللهَ وأسأَلُهُ التَّوبَةَ» كَتَبَ اللهُ تَعالىٰ لَهُ بَراءَةً مِنَ النّارِ، وجَوازاً عَلَى الصِّراطِ، وأحَلَّهُ دارَ القَرارِ.[١]

٢٦٩٥ . فضائل الأشهر الثلاثة عن إبراهيم بن ميمون: قُلتُ [لَهُ ﷺ]: فَما أفضَلُ الدُّعاءِ فِي هٰذَا الشَّهرِ؟

فَقالَ: الاِستِغفارُ، إنَّ مَنِ استَغفَرَ في شَعبانَ كُلَّ يَومٍ سَبعينَ مَرَّةً، كانَ كَمَنِ استَغفَرَ في غَيرِهِ مِنَ الشُّهورِ سَبعينَ ألفَ مَرَّةٍ.

قُلتُ: فَكَيفَ أقولُ؟ قالَ: قُل: أستَغفِرُ اللهَ وأسأَلُهُ التَّوبَةَ.[٢]

٢٦٩٦ . عيون أخبار الرضا ﷺ عن عبد السلام بن صالح الهروي: دَخَلتُ عَلىٰ أبِي الحَسَنِ عَلِيِّ بنِ موسَى الرِّضا ﷺ في آخِرِ جُمُعَةٍ مِن شَعبانَ، فَقالَ لي:

يا أبَا الصَّلتِ، إنَّ شَعبانَ قَد مَضىٰ أكثَرُهُ، وهٰذا آخِرُ جُمُعَةٍ مِنهُ، فَتَدارَكَ فيما بَقِيَ مِنهُ تَقصيرَكَ فيما مَضىٰ مِنهُ، وعَلَيكَ بِالإِقبالِ عَلىٰ ما يَعنيكَ وتَركِ ما لا يَعنيكَ، وأكثِر مِنَ الدُّعاءِ وَالاِستِغفارِ وتِلاوَةِ القُرآنِ، وتُب إلَى اللهِ مِن ذُنوبِكَ لِيُقبِلَ شَهرُ اللهِ إلَيكَ وأنتَ مُخلِصٌ لِلّهِ ﷻ.[٣]

١٣ / ٥
شَهرُ رَمَضانَ

٢٦٩٧ . رسول الله ﷺ: تُفتَحُ أبوابُ الجَنَّةِ في أوَّلِ لَيلَةٍ مِن رَمَضانَ إلىٰ آخِرِ لَيلَةٍ، وتُغَلُّ فيهِ

---

١ . عيون أخبار الرضا ﷺ: ج ٢ ص ٥٧ ح ٢١٢، الأمالي للصدوق: ص ٧٢٧ ح ٩٩٤ كلاهما عن الريّان بن الصلت، روضة الواعظين: ص ٤٤١، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٩٠ ح ٢.

٢ . فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٥٦ ح ٣٤، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٩١ ح ٥.

٣ . عيون أخبار الرضا ﷺ: ج ٢ ص ٥١ ح ١٩٨، الإقبال: ج ١ ص ٤٢، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٧٣ ح ١٧.

۲۶۹۴ . **امام رضا**ﷺ: هر کس در هر روز ماه شعبان، هفتاد بار بگوید: «از خدا، آمرزش می‌طلبم و از او توبه می‌خواهم»، خداوند متعال، برایش بَرات آزادی از آتش و عبور از صراط را می‌نویسد و او را در سرای جاویدان، جای می‌دهد.

۲۶۹۵ . **فضائل الأشهر الثلاثة** ـ به نقل از ابراهیم بن میمون ـ: به امامﷺ[1] گفتم: بهترین دعا در این ماه (شعبان) چیست؟

فرمود: «آمرزش خواستن. هر کس در ماه شعبان، روزی هفتاد بار آمرزش بطلبد، همانند کسی که در دیگر ماه‌ها هفتاد هزار بار طلب آمرزش نماید».

گفتم: چگونه بگویم؟

فرمود: «بگو: "از خدا، آمرزش می‌طلبم و از او توبه می‌خواهم"».

۲۶۹۶ . **عیون أخبار الرضا**ﷺ ـ به نقل از عبد السلام بن صالح هروی ـ: در آخرین جمعهٔ ماه شعبان، بر امام رضاﷺ در آمدم. به من فرمود: «ای ابا صلت! شعبان، بیشترش گذشت و این، آخرین جمعهٔ آن است. پس در باقی مانده این ماه، کوتاهی‌های خویش در ایّام سپری شده آن را جبران کن. بر تو باد انجام دادن آنچه به حال تو سودمند است و فرو نهادن آنچه برایت سودی ندارد! بسیار دعا کن و آمرزش بخواه و قرآن بخوان و از گناهانت به درگاه خدا، توبه کن تا ماه خدا (رمضان) در حالی بر تو در آید که خود را برای خداوندﷻ خالص گردانیده باشی.

۱۳/۵
ماه رمضان

۲۶۹۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: درهای بهشت، در نخستین شب ماه رمضان، باز می‌شود و تا آخرین شب آن، همچنان باز می‌مانَد. در این ماه، شیطان‌های یاغی، به زنجیر کشیده

---

۱ . منظور از امام در اینجا امام صادقﷺ می‌باشد چون ابراهیم بن میمون فقط از امام صادقﷺ روایت می‌کند.

مَرَدَةُ الشَّياطينِ، ويَبعَثُ اللهُ مُنادِياً يُنادي: يا باغِيَ الخَيرِ هَلُمَّ، هَل مِن داعٍ يُستَجابُ لَهُ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ يُغفَرُ لَهُ؟ هَل مِن تائِبٍ يُتابُ عَلَيهِ؟[١]

٢٦٩٨ . عنه ﷺ: يَقولُ اللهُ تَبارَكَ وتَعالىٰ في كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ثَلاثَ مَرّاتٍ: هَل مِن سائِلٍ فَأُعطِيَهُ سُؤلَهُ؟ هَل مِن تائِبٍ فَأَتوبَ عَلَيهِ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ فَأَغفِرَ لَهُ؟[٢]

٢٦٩٩ . عنه ﷺ: شَهرُ رَمَضانَ لَيسَ كَالشُّهورِ؛ لِما تُضاعَفُ فيهِ مِن الأُجورِ، هُوَ شَهرُ الصِّيامِ، وشَهرُ القِيامِ، وشَهرُ التَّوبَةِ وَالاِستِغفارِ....[٣]

٢٧٠٠ . عنه ﷺ: أَيُّهَا النّاسُ! إنَّهُ قَد أقبَلَ إلَيكُم شَهرُ اللهِ بِالبَرَكَةِ وَالرَّحمَةِ وَالمَغفِرَةِ....

يا أيُّهَا النّاسُ! إنَّ أنفُسَكُم مَرهونَةٌ بِأعمالِكُم فَفُكّوها بِاستِغفارِكُم، وظُهورَكُم ثَقيلَةٌ مِن أوزارِكُم[٤] فَخَفِّفوا عَنها بِطولِ سُجودِكُم.[٥]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٧٠١ . الإمام عليّ ﷺ: عَلَيكُم في شَهرِ رَمَضانَ بِكَثرَةِ الاِستِغفارِ وَالدُّعاءِ؛ فَأَمَّا الدُّعاءُ فَيُدفَعُ

---

١ . كنز العمّال: ج ٨ ص ٤٦٨ ح ٢٣٧٠٠ نقلاً عن ابن صصري في أماليه وابن النجّار عن ابن عمر و ح ٢٣٧٠٤، تاريخ بغداد: ج ١ ص ٢٨٤ عن ابن عبّاس، شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣٠٤ ح ٣٦٠٦ عن ابن مسعود وكلّها نحوه.

٢ . الأمالي للمفيد: ص ٢٣٠ ح ٣، فضائل الأشهر الثلاثة: ص ١٢٦ ح ١٣٣ نحوه، الإقبال: ج ١ ص ٢٤، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣٣٨ ح ١، فضائل الأوقات للبيهقي: ص ٦٤ ح ١٢٩، تاريخ دمشق: ج ٥٢ ص ٢٩٢ ح ١١٠٢٠ كلّها عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ٨ ص ٥٨٦ ح ٢٤٢٨١.

٣ . فضائل الأشهر الثلاثة: ص ١٠٠ ح ٨٦ عن ابن عبّاس.

٤ . الوِزر: الذنب والإثم (النهاية: ج ٥ ص ١٧٩ «وزر»).

٥ . فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٧٧ ح ٦١، عيون أخبار الرضا ﷺ: ج ١ ص ٢٩٥ ح ٥٣، الأمالي للصدوق: ص ١٥٤ ح ١٤٩، الإقبال: ج ١ ص ٢٦ كلّها عن الحسن بن عليّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣٥٦ ح ٢٥.

می‌شوند و خداوند، منادی‌ای را می‌فرستد تا ندا سر دهد که: «ای جویای خوبی، بیا! آیا دعاکننده‌ای هست تا دعایش مستجاب شود؟ آیا آمرزش‌خواهی هست تا آمرزیده شود؟ آیا توبه کننده‌ای هست تا توبه‌اش پذیرفته گردد؟».

۲۶۹۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند ـ تبارک و تعالی ـ در هر شب ماه رمضان، سه بار می‌فرماید: «آیا درخواست کننده‌ای هست تا خواسته‌اش را به او بدهم؟ آیا توبه کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش‌خواهی هست تا او را بیامرزم؟».

۲۶۹۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: ماه رمضان، همچون دیگر ماه‌ها نیست. در این ماه، مزدها دو چندان می‌شود. این ماه، ماه روزه است، ماه شب زنده‌داری است، ماه توبه و آمرزش‌خواهی است....

۲۷۰۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: ای مردم! ماه خدا، با برکت و رحمت وآمرزش، به شما رو آورده است... .

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ای مردم! جان‌های شما، در گرو کردارهای شماست. پس با آمرزش‌خواهی خود، آنها را آزاد کنید. پشت‌های شما از بار گناهانتان، گران‌بار گشته است. با سجده‌های طولانی خویش، آنها را سبُک کنید.

۲۷۰۱ . **امام علی**ؑ: در ماه رمضان، بسیار آمرزش‌خواهی و دعاکنید؛ زیرا به واسطهٔ دعا،

عَنكُمُ البَلاءُ، وأمَّا الاِستِغفارُ فَيَمحىٰ[١] ذُنوبَكُم.[٢]

٢٧٠٢ . رسول اللهﷺ: قالَ موسىٰ عليه السلام: ... إلٰهي أُريدُ النَّجاةَ مِنَ النّارِ. قالَ: ذٰلِكَ لِمَنِ استَغفَرَ في لَيلَةِ القَدرِ.[٣]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . مَحا الشيءَ يَمحوهُ ويَمحاه: أذهبَ أثَرَه (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٧١ «محا»). وفي المصادر الأُخرىٰ: «فتُمحىٰ به ذنوبُكم».

٢ . الكافي: ج ٤ ص ٨٨ ح ٧ عن حصين عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٠٨ ح ١٨٥٨، فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٧٦ ح ٥٩، الأمالي للصدوق: ص ١١٨ ح ١٠٣ كلاهما عن حصين عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، الإقبال: ج ١ ص ٦٩ عن الإمام الصادق عنه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣٧٨ ح ٢.

٣ . الإقبال: ج ١ ص ٣٤٥، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٤٥ ح ٣.

بلا از شما دور می‌شود، و آمرزش‌خواهی، گناهانتان را پاک می‌کند.

۲۷۰۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: موسیؑ گفت: معبود من! رهایی از آتش را می‌خواهم.

خدا فرمود: «این، برای کسی است که در شب قدر، طلب آمرزش کند».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ السّادِسُ

ما يَنبَغي فيهِ الاِستِغفارُ مِنَ الأحوالِ

١/٦
قَبلَ النَّومِ

٢٧٠٣ . **الإمام عليّ عليه السلام**: دَعاني رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فَقالَ: يا عَلِيُّ، إذا أخَذتَ مَضجَعَكَ فَعَلَيكَ بِالاِستِغفارِ، وَالصَّلاةِ عَلَيَّ.[١]

٢٧٠٤ . **رسول الله صلى الله عليه وآله**: إذا أوَيتَ إلىٰ فِراشِكَ قُل: بِاسمِكَ اللّٰهُمَّ وَضَعتُ جَنبي، طَهِّر[٢] لي قَلبي، وطَيِّب كَسبي، وَاغفِر ذَنبي.[٣]

٢٧٠٥ . **عنه صلى الله عليه وآله**: مَن قالَ حينَ يَأوي إلىٰ فِراشِهِ: «أستَغفِرُ اللهَ العَظيمَ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ الحَيُّ القَيّومُ وأتوبُ إلَيهِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ، غَفَرَ اللهُ ذُنوبَهُ وإن كانَت مِثلَ زَبَدِ البَحرِ.[٤]

٢٧٠٦ . **السنن الكبرى للنسائي عن عبد الله بن عمرو عن رسول الله صلى الله عليه وآله**: أنَّهُ كانَ إذَا اضطَجَعَ لِلنَّومِ

---

١ . الدعوات: ص ٨٤ ح ٢١٤، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٢٠ ح ٣١.

٢ . في المصدر: «وطهِّر»، وما أثبتناه هو الصواب كما في كنز العمّال.

٣ . عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٢٤٨ ح ٧٠٩ عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٣٠ ح ٤١٢٦١.

٤ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٧٠ ح ٣٣٩٧، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٣ ح ١١٠٧٤، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ١١٤ ح ١٣٣٤ كلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٣٣ ح ٤١٢٧٥؛ جامع الأخبار: ص ٥١٧ ح ١٤٦٢، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٠٤ ح ٢٢.

فصل ششم

مواقع مناسب برای آمرزش خواهی

۱/۶
پیش از خواب

۲۷۰۳ . **امام علی**ﷺ: پیامبر خدا، مرا فرا خواند و فرمود: «ای علی! هرگاه به بستر خویش رفتی، به آمرزش‌خواهی و درود فرستادن بر من بپرداز».

۲۷۰۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه به بسترت رفتی، بگو: بار خدایا! به نام تو، پهلویم را نهادم. دلم را پاک و درآمدم را پاکیزه [و حلال] گردان و گناهانم را بیامرز.

۲۷۰۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرکس هنگامی که به بسترش می‌رود، سه مرتبه بگوید: «از خدای بزرگی که معبودی جز او، زندهٔ پاینده نیست، آمرزش می‌طلبم و به درگاهش توبه می‌کنم»، خداوند، گناهان او را می‌آمرزد، اگرچه به اندازهٔ کف دریا باشد.

۲۷۰۶ . **السنن الکبری**، نسائی ـ به نقل از عبد الله بن عمرو ـ : پیامبر خدا، هرگاه برای خواب به بستر می‌رفت، می‌گفت: بار خدایا، پروردگارا! به نام تو، پهلویم را نهادم.

اللّهُمَّ بِاسمِكَ رَبِّ وَضَعتُ جَنبي، فَاغفِر لي ذَنبي.[١]

٢٧٠٧ . رسول الله ﷺ: اللّهُمَّ خَلَقتَ نَفسي وأنتَ تَوَفّاها، لَكَ مَماتُها ومَحياها، إن أحيَيتَها فَاحفَظها، وإن أمَتَّها فَاغفِر لَها، اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ العافِيَةَ.[٢]

٢٧٠٨ . الإمام الصادق ﷺ: مَنِ استَغفَرَ اللهَ مِئَةَ مَرَّةٍ حينَ يَنامُ، باتَ وقَد تَحاتَّتِ[٣] الذُّنوبُ كُلُّها عَنهُ، كَما يَتَحاتُّ الوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ، ويُصبِحُ ولَيسَ عَلَيهِ ذَنبٌ.[٤]

٢٧٠٩ . عنه ﷺ: مَن قالَ حينَ يَأوي إلىٰ فِراشِهِ: «لا إلٰهَ إلّا اللهُ» مِئَةَ مَرَّةٍ، بَنَى اللهُ لَهُ بَيتاً فِي الجَنَّةِ. ومَنِ استَغفَرَ اللهَ حينَ يَأوي إلىٰ فِراشِهِ مِئَةَ مَرَّةٍ، تَحاتَّت ذُنوبُهُ كَما يَسقُطُ وَرَقُ الشَّجَرَةِ.[٥]

٢ / ٦
بَعدَ الاِستِيقاظِ

٢٧١٠ . رسول الله ﷺ: إذا رَدَّ اللهُ ﷻ إلَى العَبدِ المُسلِمِ نَفسَهُ مِنَ اللَّيلِ، فَسَبَّحَهُ واستَغفَرَهُ ودَعاهُ، تَقَبَّلَ مِنهُ.[٦]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٩٢ ح ١٠٦٠٦، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٨٤ ح ٦٦٣١، الدعاء للطبراني: ص ١٠٤ ح ٢٥٨، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٤٩٨ ح ٤١٩٧٠.

٢ . صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٣ ح ٦٠، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٩٩ ح ١٠٦٣٢، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٣٧٤ ح ٥٥٠٣ كلّها عن عبد الله بن عمر، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٣٧ ح ٤١٢٩٢.

٣ . في المصدر: «تحات»، والتصويب من بحار الأنوار. [يقال]: حَتَّ الرجلُ الوَرقَ وغيرَه حَتّاً: أزاله. وتَحاتَّتِ الشجَرةُ: تَساقطَ ورقُها (المصباح المنير: ص ١٢٠ «حتت»).

٤ . ثواب الأعمال: ص ١٩٧ ح ٢ عن سلام الحنّاط، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٩ ح ٢٢٤٧، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٠١ ح ١٧.

٥ . الخصال: ص ٥٩٤ ح ٦، ثواب الأعمال: ص ١٨ ح ٢، الأمالي للصدوق: ص ٢٦٥ ح ٢٨٥ كلّها عن سلام بن غانم، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٩٢ ح ٣.

٦ . عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٢٦٣ ح ٧٥٣ عن أبي هريرة، الأذكار للنووي: ص ٩٣، كنز العمّال: ج ٧ ص ٧٨١ ح ٢١٣٨٤.

پس گناهانم را بیامرز.

۲۷۰۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: بارخدایا! تو جان مرا آفریدی، و تو آن را می‌ستانی. مرگ و زندگی آن، برای (/در دست) توست. تا هرگاه زنده‌اش داشتی، نگهدارش باش، و هرگاه میراندی، آن را بیامرز. بارخدایا! من از تو عافیت درخواست می‌کنم.

۲۷۰۸ . **امام صادق**ؑ: هرکس هنگامی که می‌خوابد، صد مرتبه از خدا آمرزش بخواهد، آن شب را در حالی به سر برد که همهٔ گناهانش، همچنان که برگ از درخت می‌ریزد، از او فرو ریزند، و چون صبح کند، هیچ گناهی در او نباشد.

۲۷۰۹ . **امام صادق**ؑ: هر کس هنگامی که به بسترش می‌رود، صد بار بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، خداوند برای او در بهشت، خانه‌ای بنا می‌کند، و هر کس هنگامی که به بسترش می‌رود، صد بار از خدا آمرزش بخواهد گناهانش، همانند فرو ریختن برگ‌های درخت، فرو می‌ریزند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲/۶
بعد از بیدار شدن

۲۷۱۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه خداوندﷻ جان بندهٔ مسلمان را که در شب از او گرفته است، [صبحگاهان] به او بازگرداند و او خدای را تسبیح گوید و از او آمرزش بخواهد و به درگاهش دعا کند، [آنها را] از او می‌پذیرد.

٢٧١١ . عنه ﷺ: ما مِن مُسلِمٍ يَتَعارُّ[١] مِنَ اللَّيلِ فَيَقولُ: «لا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَاللهُ أكبَرُ، وَالحَمدُ لِلّهِ، وسُبحانَ اللهِ رَبِّ العالَمينَ، اللّٰهُمَّ اغفِر لي» إلّا غَفَرَ لَهُ، فَإن هُوَ عَزَمَ فَقامَ فَتَوَضَّأَ فَدَعَا اللهَ استَجابَ لَهُ.[٢]

٢٧١٢ . عنه ﷺ: ما مِن مُسلِمٍ يَتَعارُّ مِن جَوفِ اللَّيلِ فَيَقولُ: «اللهُ أكبَرُ وسُبحانَ اللهِ ولا إلٰهَ إلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ، يُحيي ويُميتُ، وهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أستَغفِرُ اللهَ الغَفورَ الرَّحيمَ» إلّا سَلَخَهُ اللهُ مِن ذُنوبِهِ كَيَومَ وَلَدَتهُ أُمُّهُ.[٣]

٢٧١٣ . مسند ابن حنبل عن ربيعة الجرشي: سَأَلتُ عائِشَةَ فَقُلتُ: ما كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ يَقولُ إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ؟ وبِمَ كانَ يَستَفتِحُ؟ قالَت: كانَ يُكَبِّرُ عَشراً، ويُسَبِّحُ عَشراً، ويُهَلِّلُ عَشراً، ويَستَغفِرُ عَشراً، ويَقولُ: «اللّٰهُمَّ اغفِر لي وَاهدِني وَارزُقني» عَشراً، ويَقولُ: «اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الضّيقِ يَومَ الحِسابِ» عَشراً.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٣/٦ بَدءُ الخُطبَةِ

٢٧١٤ . رسول الله ﷺ ـ في خُطبَةِ صَلاةِ الجُمُعَةِ ـ: الحَمدُ لِلّهِ، أحمَدُهُ وأستَعينُهُ، وأستَغفِرُهُ وأستَهديهِ، وأُؤمِنُ بِهِ ولا أكفُرُهُ.[٥]

---

١. تَعارَّ من الليل: أي هَبَّ من نَومِه واستيقظَ. ولا يكون إلّا يقظةً مع كلام (النهاية: ج ١ ص ١٩٠ «تعر» و ج ٣ ص ٢٠٤ «عرر»).

٢. المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٢٨٣ ح ٤٢١٠ عن أبي هريرة.

٣. كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٥٤ ح ٤١٣٤٩ نقلاً عن الخرائطي في مكارم الأخلاق؛ مستدرك الوسائل: ج ٥ ص ٢٠٢ ح ٥٦٩٣ نقلاً عن درر اللالئي وكلاهما عن عبادة بن الصامت.

٤. مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٤٧٥ ح ٢٥١٥٦، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٤٣١ ح ١٣٥٦، سنن النسائي: ج ٣ ص ٢٠٩، صحيح ابن حبّان: ج ٦ ص ٣٣٧ ح ٢٦٠٢ والثلاثة الأخيرة عن عاصم بن حميد نحوه.

٥. مجمع البيان: ج ١٠ ص ٤٣٢، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٢ ح ٦٦؛ تفسير القرطبي: ج ١٨ ص ٩٨.

۲۷۱۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ مسلمانی نیست که چون شب از خواب بیدار شود و بگوید: «معبودی جز خدا نیست. خدا بزرگ‌تر است. ستایش، خدای را. پاکا خدای، پروردگار جهانیان! بار خدایا! مرا بیامرز»، مگر آن که خدا او را می‌آمرزد، و اگر تصمیم گرفت و برخاست و وضو ساخت و به درگاه خدا دعا کرد، دعایش را مستجاب می‌کند.

۲۷۱۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ مسلمانی نیست که در دلِ شب از خواب بیدار شود و بگوید: «خدا، بزرگ‌تر است. پاکا خدا! معبودی جز خدای یگانهٔ بی‌انباز نیست. او راست پادشاهی و او راست ستایش. زنده می‌کند و می‌میرانَد، و او بر هر چیزی تواناست. هیچ نیرو و توان نیست، مگر به یاری خدا. از خدای آمرزگار مهربان، آمرزش می‌طلبم»، مگر آن که خداوند، او را از گناهانش پاک می‌کند، همانند روزی که از مادرش زاده شده است.

۲۷۱۳ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از ربیعه جرشی ـ: از عایشه پرسیدم: پیامبر خدا، هر گاه شب برمی‌خاست، چه می‌گفت؟ و نخستین سخنش چه بود؟

عایشه گفت: ده بار، تکبیر می‌گفت و ده بار «سبحان اللّه»، ده بار «لا إله إلّا اللّه». و ده بار آمرزش می‌خواست و ده بار می‌فرمود: «بار خدایا! مرا بیامرز و هدایتم کن و روزی‌ام ده» و ده بار می‌فرمود: «بار خدایا! از سختی روز حسابرسی به تو پناه می‌برم».

۳/۶
آغاز سخنرانی

۲۷۱۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: ـ در خطبهٔ نماز جمعه ـ: ستایش، خدای راست او را می‌ستایم و از او یاری می‌جویم. از او آمرزش و هدایت می‌طلبم. به او ایمان دارم و منکرش نیستم.

٢٧١٥ . عنه ﷺ ـ مِن خُطبَتِهِ في حَجَّةِ الوَداعِ ـ: الحَمدُ لِلّهِ، نَحمَدُهُ ونَستَعينُهُ، ونَستَغفِرُهُ ونَتوبُ إلَيهِ، ونَعوذُ بِاللهِ مِن شُرورِ أنفُسِنا، ومِن سَيِّئاتِ أعمالِنا.[١]

٢٧١٦ . الإمام الباقر عليه السلام: خَطَبَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام بِهٰذِهِ الخُطبَةِ فَقالَ: الحَمدُ لِلّهِ، أحمَدُهُ وأستَعينُهُ، وأستَغفِرُهُ وأستَهديهِ، وأُؤمِنُ بِهِ، وأتَوَكَّلُ عَلَيهِ.[٢]

٢٧١٧ . الإمام عليّ عليه السلام: الحَمدُ لِلّهِ الواصِلِ الحَمدَ بِالنِّعَمِ، وَالنِّعَمَ بِالشُّكرِ ... ونَستَغفِرُهُ مِمّا أحاطَ بِهِ عِلمُهُ، وأحصاهُ كِتابُهُ، عِلمٌ غَيرُ قاصِرٍ، وكِتابٌ غَيرُ مُغادِرٍ.[٣]

٤ / ٦
عِندَ المُلتَزَمِ

٢٧١٨ . الإمام عليّ عليه السلام: أقِرّوا عِندَ المُلتَزَمِ[٤] بِما حَفِظتُم مِن ذُنوبِكُم، وما لَم تَحفَظوا فَقولوا: «وما حَفِظتَهُ عَلَينا حَفَظتَكَ ونَسيناهُ فَاغفِرهُ لَنا»؛ فَإِنَّهُ مَن أقَرَّ بِذَنبِهِ في ذٰلِكَ المَوضِعِ وعَدَّهُ وذَكَرَهُ وَاستَغفَرَ اللهَ مِنهُ، كانَ حَقّاً عَلَى اللهِ عزّ وجلّ أن يَغفِرَهُ لَهُ.[٥]

٢٧١٩ . الكافي عن معاوية بن عمّار عن أبي عبد الله عليه السلام ـ أنَّهُ كانَ إذَا انتَهىٰ إلَى المُلتَزَمِ قالَ لِمَواليهِ ـ: أميطوا عَنّي حَتّىٰ أُقِرَّ لِرَبّي بِذُنوبي في هٰذَا المَكانِ، فَإِنَّ هٰذا مَكانٌ لَم يُقِرَّ عَبدٌ

---

١ . تحف العقول: ص ٣٠، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٣٤٨ ح ١٣؛ شرح نهج البلاغة: ج ١ ص ١٢٦.

٢ . الكافي: ج ٥ ص ٣٧١ ح ٣ عن جابر، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥١٤ ح ١٤٨٢ و ص ٤٢٨ ح ١٢٦٣ و ص ٥١٨ ح ١٤٨٤ كلّها عن الإمام عليّ عليه السلام، مصباح المتهجّد: ص ٦٦٣ ح ٧٣٠ عن جندب وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٩٩ ح ٤.

٣ . نهج البلاغة: الخطبة ١١٤.

٤ . المُلتزَم: دَبْرُ الكعبة، سُمّي به لأنّ الناس يعتنقونه؛ أي يضمّونه إلى صدورهم (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٣٠ «لزم»).

٥ . الخصال: ص ٦١٧ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ١٩٤ ح ٣.

۲۷۱۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: ـ از خطبهٔ ایشان در حَجة الوداع ـ: ستایش، خدای راست. او را می‌ستاییم و از او یاری می‌جوییم. از او آمرزش می‌طلبیم و به درگاهش توبه می‌بریم. از بدی‌های نفس خویش، و از کردارهای بد خود، به او پناه می‌بریم.

۲۷۱۶ . **امام باقر**ؑ: امیر مؤمنان، این خطبه را ایراد کرد و گفت: «ستایش، خدای راست. او را می‌ستایم و از او یاری می‌جویم. از وی آمرزش و راه‌نمایی می‌خواهم. به او ایمان دارم و بر او توکّل می‌کنم.

۲۷۱۷ . **امام علی**ؑ: ستایش، خدای را که ستایش را به نعمت‌ها، و نعمت‌ها را به سپاس‌گزاری پیوسته است[1]... و از هر آن گناهی که علم او بدان احاطه دارد و در کتابش ثبت کرده است، علمی که قاصر نیست و کتابی که [هیچ گناه ریز و درشتی را] فروگذار نمی‌کند، آمرزش می‌طلبم.

۴/۶ در محل ملتزم

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۷۱۸ . **امام علی**ؑ: در جایگاه مُلتزم[2] به آنچه از گناهانتان که در یاد دارید و ندارید، اعتراف کنید و بگویید: «آنچه را یادداشت کنندگان تو، یادداشت کرده‌اند و ما آن را فراموش کرده‌ایم، بر ما بیامرز»؛ زیرا هر کس در این مکان به گناهانش اعتراف کند و آنها را برشمارد و نام ببرد و برای آنها از خدا آمرزش بطلبد، بر خداوندﷻ است که او را بیامرزد.

۲۷۱۹ . **الکافی** ـ به نقل از معاویة بن عمّار ـ: امام صادقؑ هر گاه به ملتزم می‌رسید، به همراهانش می‌فرمود: «از من دور شوید تا در این مکان، در برابر پروردگارم به گناهان خود اعتراف کنم؛ زیرا این جا، مکانی است که هر بنده‌ای اگر به گناهان

---

۱ . برای نعمت‌ها، ستایش واجب ساخته و سپاس‌گزاری را سبب افزونی نعمت‌ها قرار داده است.

۲ . مُلتزم: جایی است در پشت کعبه. آن را مُلتزم گفته‌اند، چون مردم، آن را در آغوش می‌گیرند و سینهٔ خود را به آن می‌چسبانند.

بِذُنوبِهِ، ثُمَّ استَغفَرَ اللهَ، إلّا غَفَرَ اللهُ لَهُ.[١]

٢٧٢٠ . **الإمام الصادق**ﷺ: لَمّا طافَ آدَمُ بِالبَيتِ، وَانتَهىٰ إلَى المُلتَزَمِ، قالَ لَهُ جَبرَئيلُﷺ: يا آدَمُ، أقِرَّ لِرَبِّكَ بِذُنوبِكَ في هٰذَا المَكانِ، قالَ: فَوَقَفَ آدَمُﷺ فَقالَ: يا رَبِّ، إنَّ لِكُلِّ عامِلٍ أجراً، وقَد عَمِلتُ فَما أجري؟

فَأَوحَى اللهُﷻ إلَيهِ: يا آدَمُ قَد غَفَرتُ ذَنبَكَ.

قالَ: يا رَبِّ، ولِوُلدي أو لِذُرِّيَّتي؟

فَأَوحَى اللهُﷻ إلَيهِ: يا آدَمُ، مَن جاءَ مِن ذُرِّيَّتِكَ إلىٰ هٰذَا المَكانِ، وأقَرَّ بِذُنوبِهِ، وتابَ كَما تُبتَ، ثُمَّ استَغفَرَ، غَفَرتُ لَهُ.[٢]

٥ / ٦
عِندَ صُعودِ الصَّفا

٢٧٢١ . **الكافي عن عليّ بن النعمان يرفعه**: كانَ أميرُ المُؤمِنينَﷺ إذا صَعِدَ الصَّفَا استَقبَلَ الكَعبَةَ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيهِ، ثُمَّ يَقولُ: اللّٰهُمَّ اغفِر لي كُلَّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ قَطُّ، فَإن عُدتُ فَعُد عَلَيَّ بِالمَغفِرَةِ، فَإنَّكَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ.[٣]

٦ / ٦
خِتامُ المَجالِسِ

٢٧٢٢ . **رسول الله**ﷺ: ما جَلَسَ قَومٌ في مَجلِسٍ، فَخاضوا[٤] في حَديثٍ، وَاستَغفَرُوا اللهَﷻ

---

١ . الكافي: ج ٤ ص ٤١٠ ح ٤.

٢ . الكافي: ج ٤ ص ١٩٤ ح ٣ عن معاوية بن عمّار وجميل بن صالح، قصص الأنبياء: ص ٤٧ ح ١٣ عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقرﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٢٠٣ ح ١٣.

٣ . الكافي: ج ٤ ص ٤٣٢ ح ٥، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٤٧ ح ٤٨٢.

٤ . الخوضُ: اللَّبسُ في الأمر. والخوضُ من الكلام: ما فيه الكذب والباطل (لسان العرب: ج ٧ ص ١٤٧ «خوض»).

خود در برابر پروردگارش اعتراف کند و از خدا آمرزش بطلبد، حتماً خداوند او را می‌آمرزد».

۲۷۲۰ . **امام صادق**ﷺ: چون آدمﷺ خانهٔ خدا را طواف کرد، به مُلتزم که رسید، جبرئیلﷺ به او فرمود: «ای آدم! در این جایگاه، به گناهان خود در برابر پروردگارت اعتراف کن».

آدمﷺ ایستاد و گفت: پروردگارا! هر کارگری را مزدی است. من هم کار کرده‌ام. مزد من چیست؟

خداوندﷻ به او وحی فرمود که: «ای آدم! گناهت را آمرزیدم».

آدمﷺ گفت: پروردگارا! فرزندانم یا ذریّه من، چه؟

خداوندﷻ به او وحی فرمود که: «ای آدم! هر یک از ذریّه تو که به این مکان بیاید و به گناهانش اعتراف کند و همچون تو توبه نماید، سپس آمرزش بخواهد، او را هم می‌آمرزم».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۵/۶
هنگام بالا رفتن از صفا

۲۷۲۱ . **الکافی** ـ به نقل از علی بن نعمان، که سند حدیث را به امام باقرﷺ می‌رساند ـ: امیر مؤمنان، هر گاه بالای صفا می‌رفت، رو به کعبه می‌کرد، سپس دستانش را بالا می‌برد و می‌گفت: «بار خدایا! هر گناهی را که مرتکب شده‌ام، بر من ببخشای، و اگر دوباره مرتکب شدم، دوباره مرا بیامرز؛ زیرا تو آمرزگاری مهربانی».

۶/۶
در پایان مجلس

۲۷۲۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه گروهی گِرد هم بنشینند و به سخنان آمیخته به دروغ و باطل

قَبلَ أن يَتَفَرَّقوا، إلّا غَفَرَ اللهُ لَهُم ماخاضوا فيهِ.[١]

٢٧٢٣ . عنه ﷺ: كَفّارَةُ المَجلِسِ أن يَقولَ العَبدُ بَعدَ أن يَقومَ: سُبحانَكَ اللّٰهُمَّ وبِحَمدِكَ، لا إلٰهَ إلّا أنتَ، أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.[٢]

٢٧٢٤ . عنه ﷺ: مَن جَلَسَ في مَجلِسٍ كَثُرَ فيه لَغطُهُ[٣] فَقالَ قَبلَ أن يَقومَ: «سُبحانَكَ رَبَّنا وبِحَمدِكَ، لا إلٰهَ إلّا أنتَ، أستَغفِرُكَ ثُمَّ أتوبُ إلَيكَ» إلّا غَفَرَ اللهُ لَهُ ما كانَ في مَجلِسِهِ ذٰلِكَ.[٤]

٢٧٢٥ . **عمل اليوم والليلة لابن السني عن أبي أُمامة:** كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ إذا جَلَسَ فَأَرادَ أن يَقومَ استَغفَرَ اللهَ عَشراً إلىٰ خَمسَ عَشرَةَ.[٥]

٢٧٢٦ . **عمل اليوم والليلة لابن السني عن عبدالله الحضرمي:** كانَ النَّبِيُّ ﷺ إذا قامَ مِنَ المَجلِسِ استَغفَرَ عِشرينَ مَرَّةً فَأَعلىٰ.[٦]

٢٧٢٧ . **الإمام الصادق ﷺ:** إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ لا يَقومُ مِن مَجلِسٍ ـ وإن خَفَّ ـ حَتّىٰ يَستَغفِرَ اللهَ ﷻ خَمساً وعِشرينَ مَرَّةً.[٧]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ١٦٠ ح ٤٥١ عن أبي أُمامة، كنز العمّال: ج ٩ ص ١٥٠ ح ٢٥٤٦٦.

٢ . المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٥٤ ح ١٢٢٧، المعجم الكبير: ج ١٠ ص ١٦٤ ح ١٠٣٣٣ نحوه وكلاهما عن ابن مسعود، كنز العمّال: ج ٩ ص ١٤١ ح ٢٥٤١٧.

٣ . اللَّغطُ ـ ويحرّك ـ: الصوت والجَلَبَةُ، وأصواتٌ مبهمة لا تُفهم، وفيه: «لهم لغط في أسواقهم»، ما لا طائل تحته من الكلام (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٣٥ «لغط»).

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٥٥٤ ح ١٠٤٢٠، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٢٠ ح ١٩٦٩، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ٣٤٦ ح ٦٥٨٤، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٣٥ ح ٦٢٨ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٩ ص ١٤٢ ح ٢٥٤١٨.

٥ . عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ١٦٠ ح ٤٥٢، كنز العمّال: ج ٧ ص ١٥٢ ح ١٨٤٧٧.

٦ . عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ١٦١ ح ٤٥٣، كنز العمّال: ج ٧ ص ١٥٣ ح ١٨٤٧٨.

٧ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠٤ ح ٤ عن طلحة بن زيد، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٩٠ ح ٢٢٥٢، عدّة الداعي: ص ٢٥٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨١ ح ٢٢.

پردازند و پیش از آن که پراکنده شوند، از خداوندﷻ آمرزش بطلبند، خداوند، آنها را بر ایشان می‌آمرزد.

۲۷۲۳ . **پیامبر خداﷺ**: کفّارهٔ هر مجلسی این است که بنده، بعد از بلند شدن از آن بگوید: «پاکا تو ـ ای خدا ـ و ستایش، تو را! معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاهت، توبه می‌کنم».

۲۷۲۴ . **پیامبر خداﷺ**: هر کس در مجلسی بنشیند که در آن، بیهوده گویی بسیار شود، و پیش از آن که برخیزد و بگوید: «پاکا تو ـ ای پروردگار ما ـ و ستایش، تو را! معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاهت، توبه می‌کنم»، مگر آن‌که خداوند، آنچه را در آن مجلس از او سرزده است، بر وی می‌آمرزد.

۲۷۲۵ . **عمل الیوم و اللیلة**، ابن السنی ـ به نقل از ابوأمامه ـ: پیامبر خدا، هرگاه جلوس می‌کرد، چون می‌خواست برخیزد، ده تا پانزده بار، از خدا آمرزش می‌طلبید.

۲۷۲۶ . **عمل الیوم واللیلة**، ابن السنی ـ به نقل از عبد الله حَضْرَمی ـ: پیامبرﷺ هرگاه از مجلس برمی خاست، بیست بار و بیشتر، طلب آمرزش می‌کرد.

۲۷۲۷ . **امام صادقؑ**: پیامبر خدا، از هیچ مجلسی، هر چند کوتاه، بر نمی‌خاست تا آن که بیست و پنج مرتبه از خداوندﷻ آمرزش می‌طلبید.

٢٧٢٨ . **المعجم الأوسط عن رافع بن خديج:** كانَ النَّبِيُّ ﷺ لا يَقومُ مِن مَجلِسٍ حَتّىٰ يَقولَ: «سُبحانَكَ اللّٰهُمَّ وبِحَمدِكَ، أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ» ثُمَّ يَقولُ: إنَّها كَفّارَةٌ لِما يَكونُ فِي المَجلِسِ.[١]

٢٧٢٩ . **سنن الترمذي عن ابن عمر:** كانَ يُعَدُّ لِرَسولِ اللهِ ﷺ فِي المَجلِسِ الواحِدِ مِئَةَ مَرَّةٍ مِن قَبلِ أن يَقومَ: رَبِّ اغفِر لي وتُب عَلَيَّ، إنَّكَ أنتَ التَّوّابُ الغَفورُ.[٢]

٢٧٣٠ . **منية المريد:** [رُوِيَ] أنَّهُ ﷺ كانَ إذا فَرَغَ مِن حَديثِهِ وأرادَ أن يَقومَ مِن مَجلِسِهِ، يَقولُ: اللّٰهُمَّ اغفِر لَنا ما أخطَأنا وما تَعَمَّدنا، وما أسرَرنا وما أعلَنّا، وما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّا، أنتَ المُقَدِّمُ وأنتَ المُؤَخِّرُ، لا إلٰهَ إلّا أنتَ.[٣]

راجع: ج ١ ص ٢٠٠ (أهمّ مواطن الذكر / عند القيام).

٧/٦
تَزكِيَةُ النّاسِ

٢٧٣١ . **رسول الله ﷺ ـ لِعَلِيٍّ ﷺ ـ:** يا عَلِيُّ، إذا أُثنِيَ عَلَيكَ في وَجهِكَ فَقُل: اللّٰهُمَّ اجعَلني خَيراً مِمّا يَظُنّونَ، وَاغفِر لي ما لا يَعلَمونَ، ولا تُؤاخِذني بِما يَقولونَ.[٤]

٢٧٣٢ . **عنه ﷺ:** قالَ عيسَى بنُ مَريَمَ ﷺ لِيَحيَى بنِ زَكَرِيّا ﷺ: إذا قيلَ فيكَ ما فيكَ، فَاعلَم

---

١ . المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٣٧٢ ح ٤٢٦٧، المعجم الكبير: ج ٤ ص ٢٨٧ ح ٤٤٤٥، الدعاء للطبراني: ص ٥٣٧ ح ١٩١٨.

٢ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٩٤ ح ٣٤٣٤، سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٨٥ ح ١٥١٦، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٥٣ ح ٣٨١٤، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٤٧٢٦ وص ٣٨٥ ح ٥٥٦٨ كلّها نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٨٩ ح ٥٠٩١ وص ٦٩٩ ح ٥١٢٢.

٣ . منية المريد: ص ٢٢٠، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٦٣ ح ١٣؛ المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٠٩ ح ١٩٣٤ عن ابن عمر نحوه.

٤ . تحف العقول: ص ١٢، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٦٥ ح ٥.

۲۷۲۸ . **المعجم الأوسط** ـ به نقل از رافع بن خدیج ـ: پیامبرﷺ از هیچ مجلسی برنمی‌خاست، مگر آن که می‌گفت: «پاکا تو ـ ای خدا ـ و ستایش، تو را! از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم».

سپس می‌فرمود: «این، کفّاره چیزی (گناه و خطاهایی) است که در مجلس می‌گذرد».

۲۷۲۹ . **سنن الترمذی** ـ به نقل از ابن عمر ـ: برای پیامبر خدا در یک مجلس، صد بار شمرده می‌شد که پیش از آن که برخیزد، می‌گفت: «خدایا! مرا بیامرز و توبه‌ام را بپذیر که تو، توبه‌پذیرِ آمرزگاری».

۲۷۳۰ . **منیة المرید**: [روایت شده است که] پیامبرﷺ هر گاه از سخن گفتن، فارغ می‌شد و می‌خواست از جای خود برخیزد، می‌گفت: «بار خدایا! هر آن گناهی را که به خطا یا عمداً مرتکب شدیم، و هر آنچه را در نهان یا آشکار از ما سر زده است و تو از ما بِدان داناتری، بیامرز، که پس و پیش کردن امور، در دست توست. معبودی جز تو نیست.

ر.ک: ج ۱ ص ۲۰۱ (مهم‌ترین اوقات یاد خدا/هنگام برخاستن).

۷/۶
هنگام ستایش مردم

۲۷۳۱ . **پیامبر خداﷺ** ـ به علیؑ ـ: ای علی! هر گاه در پیشِ رویت از تو ستایش شد، بگو: «بار خدایا! مرا از آنچه [مردم] می‌پندارند، بهتر قرار ده، و آنچه را نمی‌دانند، بر من بیامرز، و بدانچه می‌گویند، مرا مؤاخذه مفرما».

۲۷۳۲ . **پیامبر خداﷺ** ـ به علیؑ ـ: عیسی بن مریمؑ به یحیی بن زکریاؑ گفت: «اگر

أَنَّهُ ذَنبٌ ذُكِّرتَهُ فَاستَغفِرِ اللهَ مِنهُ، وإن قيلَ فيكَ ما لَيسَ فيكَ، فَاعلَم أَنَّهُ حَسَنَةٌ كُتِبَت لَكَ لَم تَتعَب فيها.[١]

٢٧٣٣ . **الإمام عليّ**عليه السلام ـ مِن خُطبَتِهِ في وَصفِ المُتَّقينَ ـ: إن زُكِّيَ أحَدُهُم خافَ مِمّا يَقولونَ، ويَستَغفِرُ اللهَ مِمّا لا يَعلَمونَ، وقالَ: أنَا أعلَمُ بِنَفسي مِن غَيري، ورَبّي أعلَمُ مِنّي بِنَفسي، اللّهُمَّ لا تُؤاخِذني بِما يَقولونَ، وَاجعَلني خَيراً مِمّا يَظُنّونَ، وَاغفِر لي ما لا يَعلَمونَ، فَإِنَّكَ عَلّامُ الغُيوبِ، وساتِرُ العُيوبِ.[٢]

٢٧٣٤ . **الإمام زين العابدين**عليه السلام ـ في وَصفِ المُؤمِنِ ـ: إن زُكِّيَ خافَ مِمّا يَقولونَ، ويَستَغفِرُ اللهَ لِما لا يَعلَمونَ، لا يَغُرُّهُ قَولُ مَن جَهِلَهُ، ويَخافُ إحصاءَ ما عَمِلَهُ.[٣]

٢٧٣٥ . **الإمام الصادق**عليه السلام: كانَ أبي عليه السلام يَقولُ في سُجودِهِ: اللّهُمَّ إنَّ ظَنَّ النّاسِ بي حَسَنٌ فَاغفِر لي ما لا يَعلَمونَ، ولا تُؤاخِذني بِما يَقولونَ، وأنتَ عَلّامُ الغُيوبِ.[٤]

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

٨/٦

الحَسَدُ

٢٧٣٦ . **رسول الله**صلى الله عليه وآله: إذا حَسَدتَ فَاستَغفِرِ اللهَ.[٥]

---

١ . الأمالي للصدوق: ص ٦٠٣ ح ٨٣٧ عن إبراهيم بن محمّد عن الإمام الصادق عن آبائهعليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٨٧ ح ١١.

٢ . الأمالي للصدوق: ص ٦٦٨ ح ٨٩٧، صفات الشيعة: ص ٩٨ ح ٣٥ كلاهما عن عبد الرحمٰن بن كثير الهاشمي عن الإمام الصادق عن أبيهعليهم السلام، نهج البلاغة: الخطبة ١٩٣، تحف العقول: ص ١٦٠، كنز الفوائد: ج ١ ص ٩١ كلّها نحوه وليس فيها «ويستغفر الله ممّا لا يعلمون»، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣٤٣ ح ٥١.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٢٣١ ح ٣، الأمالي للصدوق: ص ٥٨٢ ح ٨٠٢ كلاهما أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٩١ ح ١٤.

٤ . قرب الإسناد: ص ٨ ح ٢٣ عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٢٨ ح ٤٨.

٥ . المعجم الكبير: ج ٣ ص ٢٢٨ ح ٣٢٢٧، تفسير ابن كثير: ج ٧ ص ٣٥٧ كلاهما عن حارثة بن النعمان.

در بارهٔ تو چیزی گفته شد که در تو هست، بدان که گناهی به تو یادآوری شده است. پس برای آن، از خدا آمرزش بخواه، و اگر در بارهٔ تو چیزی گفته شد که در تو نیست، بدان که ثوابی بی‌رنج [و زحمت] برایت نوشته شده است.

۲۷۳۳ . **امام علی**ﷺ ـ از خطبهٔ ایشان در وصف پرهیزگاران ـ: اگر یکی از آنان، ستوده شود، از آنچه [در ستایش او] می‌گویند، می‌ترسد و برای آنچه [از عیب و گناه او] نمی‌دانند، از خدا آمرزش می‌طلبد و می‌گوید: «من، خویشتن را بهتر از دیگران می‌شناسم و پروردگارم، مرا بهتر از خودم می‌شناسد. بار خدایا! به آنچه می‌گویند، مرا مؤاخذه مفرما، و مرا بهتر از آن بدار که آنان می‌پندارند، و آنچه را از من نمی‌دانند، بر من بیامرز، که تو دانای نهان‌ها و پوشانندهٔ عیب‌هایی».

۲۷۳۴ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در وصف مؤمن ـ: اگر ستوده شود، از آنچه می‌گویند، می‌ترسد و از آنچه نمی‌دانند، به پیشگاه خدا آمرزش می‌طلبد. سخن کسی که او را نشناخته [می‌ستاید]، فریبش نمی‌دهد و از ثبت کردارهای خود، بیمناک است.

۲۷۳۵ . **امام صادق**ﷺ: پدرم [امام کاظمﷺ] در سجودش می‌گفت: «بار خدایا! مردم به من، گمان نیک می‌برند. پس آنچه را [از گناهان من] نمی‌دانند، بر من بیامرز، و مرا به آنچه [از خوبی در بارهٔ من] می‌گویند، مؤاخذه مفرما، که تو دانای نهان‌هایی».

۸ / ۶
حسادت

۲۷۳۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه حسادت ورزیدی، از خدا آمرزش بخواه.

٩ / ٦
الإلتِقاءُ

٢٧٣٧ . رسول الله ﷺ: إذَا التَقَى المُسلِمانِ فَتَصافَحا، وحَمِدَا اللهَ ﷻ وَاستَغفَراهُ، غَفَرَ لَهُما.[١]

١٠ / ٦
الوَداعُ

٢٧٣٨ . رسول الله ﷺ: إذَا التَقَيتُم فَتَلاقَوا بِالتَّسليمِ وَالتَّصافُحِ، وإذا تَفَرَّقتُم فَتَفَرَّقوا بِالاِستِغفارِ.[٢]

١١ / ٦
الخُروجُ إلَى السَّفَرِ

٢٧٣٩ . رسول الله ﷺ: يا عَلِيُّ، إنَّهُ لَيسَ مِن أحَدٍ يَركَبُ ما أنعَمَ اللهُ عَلَيهِ، ثُمَّ يَقرَأُ آيَةَ السُّخرَةِ[٣]، ثُمَّ يَقولُ: «أستَغفِرُ اللهَ الَّذي لا إلهَ إلّا هُوَ الحَيُّ القَيّومُ وأتوبُ إلَيهِ، اللّهُمَّ اغفِر لي ذُنوبي، فَإنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ» إلّا قالَ السَّيِّدُ الكَريمُ: يا مَلائِكَتي، عَبدي يَعلَمُ أنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ غَيري، اِشهَدوا أنّي قَد غَفَرتُ لَهُ ذُنوبَهُ.[٤]

---

١ . سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٣٥٤ ح ٥٢١١، السنن الكبرى: ج ٧ ص ١٦٠ ح ١٣٥٦٩، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ٢٨٥ ح ١٦٦٩ كلّها عن البراء بن عازب، كنز العمّال: ج ٩ ص ١٣٠ ح ٢٥٣٤٣.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ١٨١ ح ١١، الأمالي للطوسي: ص ٢١٥ ح ٣٧٤ كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر ﷺ، مشكاة الأنوار: ص ٣٤٥ ح ١١٠٤، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٠ ح ٤.

٣ . آية السُّخرَة هي: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ...﴾ (الأعراف: ٥٤ ـ ٥٦). ولكنّ المراد هنا من آية السُّخرَة هي: ﴿سُبْحَـٰنَ ٱلَّذِى سَخَّرَ لَنَا هَـٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقْرِنِينَ...﴾ (الزخرف: ١٣ و ١٤).

٤ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٧٣ ح ٢٤١٩، المحاسن: ج ٢ ص ٩٢ ح ١٢٤٢، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٢٨ ح ١٨٣٧، الأمالي للصدوق: ص ٥٩٧ ح ٨٢٤ وفيه «آية الكرسي» بدل «آية السخرة» وكلّها عن الأصبغ بن نباتة، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٤ ح ٢١.

۹/۶
به هم رسیدن

۲۷۳۷ . پیامبر خداﷺ: هر گاه دو مسلمان به هم می‌رسند، با هم دست بدهند و خداوند ﷻ را ستایش گویند و از او آمرزش بطلبند، خدا آن دو را می‌آمرزد.

۱۰/۶
خداحافظی

۲۷۳۸ . پیامبر خداﷺ: هر گاه به یکدیگر بر خوردید، با سلام کردن و دست دادن برخورد کنید، و چون از هم جدا شدید، با آمرزش‌خواهی کردن، جدا شوید.

۱۱/۶
بیرون رفتن برای سفر

۲۷۳۹ . پیامبر خداﷺ: ای علی! هیچ کس نیست که بر مَرکبی که خدا به او بخشیده است، سوار شود، سپس آیهٔ تسخیر[1] را بخواند، آن گاه بگوید: «از خدایی که معبودی جز او زندهٔ پاینده نیست، آمرزش می‌طلبم و به درگاهش توبه می‌برم. بار خدایا! گناهان مرا بیامرز، که گناهان را کسی جز تو نمی‌آمرزد»، جز این که آن آقای بزرگوار می‌فرماید: «ای فرشتگان من! بنده‌ام می‌داند که گناهان را کسی جز من نمی‌آمرزد. گواه باشید که گناهان او را آمرزیدم».

---

۱ . آیهٔ تسخیر، این آیه است: ﴿پروردگار شما، اللّه است که آسمان‌ها و زمین را آفرید...﴾ (اعراف: آیهٔ ۵۴ ـ ۵۶). امّا در این جا مراد از آیهٔ تسخیر، این آیه است: ﴿منزّه است آن که این [مرکوب] را رام ما ساخت، در حالی که ما بر آن توانا نبودیم...﴾ (زخرف: آیهٔ ۱۳ و ۱۴).

٢٧٤٠ . السنن الكبرى عن أنس: لَم يُرِد رَسولُ اللهِ ﷺ سَفَراً إلّا قالَ حينَ يَنهَضُ مِن جُلوسِهِ: «اللّٰهُمَّ، بِكَ انتَشَرتُ، وإلَيكَ تَوَجَّهتُ... اللّٰهُمَّ زَوِّدنِي التَّقوىٰ، وَاغفِر لي ذَنبي، ووَجِّهني إلَى الخَيرِ حَيثُ ما تَوَجَّهتُ» ثُمَّ يَخرُجُ.[١]

٢٧٤١ . الأمالي للطوسي عن عليّ بن ربيعة الأسدي: رَكِبَ عَلِيُّ بنُ أبي طالِبٍ ﷺ، فَلَمّا وَضَعَ رِجلَهُ فِي الرِّكابِ قالَ: «بِاسمِ اللهِ»،... ثُمَّ سَبَّحَ اللهَ ثَلاثاً، وحَمَّدَ اللهَ ثَلاثاً، وكَبَّرَ اللهَ ثَلاثاً.

ثُمَّ قالَ: «رَبِّ اغفِر لي فَإنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ»، ثُمَّ قالَ: فَعَلَ رَسولُ اللهِ ﷺ هٰذا وأنَا رَديفُهُ.[٢]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . السنن الكبرى: ج ٥ ص ٢١٠ ح ١٠٣٠٦، مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ١٨٢ ح ٢٧٦٢، كنز العمّال: ج ٦ ص ٧٣٧ ح ١٧٦٣٦؛ مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٢٦ ح ١٨٣٢، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٥٠ ح ٤٦.

٢ . الأمالي للطوسي: ص ٥١٥ ح ١١٢٦، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٥ ح ٢٣، السنن الكبرى للنسائي: ج ٥ ص ٢٤٧ ح ٨٧٩٩، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٠٨ ح ٧٥٣، صحيح ابن حبّان: ج ٦ ص ٤١٥ ح ٢٦٩٨ كلّها نحوه، كنز العمّال: ج ٩ ص ١٩٤ ح ٢٥٦٤٠.

۲۷۴۰ . **السنن الکبری** ـ به نقل از اَنَس ـ: پیامبر خدا، هیچ گاه آهنگ سفری نکرد، مگر این که چون از جایش بلند می‌شد، می‌گفت: «بار خدایا! به نام و یاری تو سفر می‌کنم، و به سوی تو روی می‌آوردم... بار خدایا! ره توشه‌ام را پرهیزگاری قرار ده، و گناهانم را بیامرز، و به هر سوی که رفتم، مرا در جهت خیر قرار ده...». سپس بیرون می‌رفت.

۲۷۴۱ . **الأمالی**، طوسی ـ به نقل از علی بن ربیعهٔ اسدی ـ: علی بن ابی طالب﵇ بر مَرکب نشست. چون پایش را در رکاب نهاد، گفت: «به نام خدا»... سپس، سه بار خدا را تسبیح گفت و سه بار حمد گفت و سه بار تکبیر.

آن گاه گفت: «پروردگارا! مرا بیامرز، که گناهان را کسی جز تو نمی‌آمرزد».

سپس فرمود: «من در ترک پیامبر خدا نشسته بودم که ایشان، این گونه عمل کرد».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ السّابِعُ

ما يَنبَغي فيهِ الاِستِغفارُ مِنَ العِبادات

١ / ٧
الوُضوءُ

٢٧٣٢ . رسول الله ﷺ: ما مِن مُسلِمٍ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَقولُ عِندَ فَراغِهِ مِن وُضوئِهِ: «سُبحانَكَ اللّٰهُمَّ وبِحَمدِكَ، أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا أنتَ، أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ، اللّٰهُمَّ اجعَلني مِنَ التَّوّابينَ وَاجعَلني مِنَ المُتَطَهِّرينَ، وَاغفِر لي إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ» إلّا كُتِبَت في رِقٍّ ثُمَّ خُتِمَ عَلَيها، ثُمَّ وُضِعَت تَحتَ العَرشِ، حَتّىٰ تُدفَعَ إلَيهِ بِخاتَمِها يَومَ القِيامَةِ.[1]

٢ / ٧
الخُروجُ إلَى الصَّلاةِ

٢٧٣٣ . رسول الله ﷺ: مَن خَرَجَ مِن بَيتِهِ إلَى الصَّلاةِ فَقالَ: «اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ بِحَقِّ السّائِلينَ عَلَيكَ، وأسأَلُكَ بِحَقِّ مَمشايَ هٰذا، فَإنّي لَم أخرُج أشَراً ولا بَطَراً، ولا رِياءً

---

١ . مسند زيد: ص ٧٨ عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٠٥ عن الإمام عليّ عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ٣٢٧ ح ١٣؛ السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢٥ ح ٩٩٠٩، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٥٣ ح ٢٠٧٢ كلاهما عن أبي سعيد الخدري نحوه، كنز العمّال: ج ١ ص ٥٧٧ ح ٢٦١٢.

فصل هفتم
عبادت‌هایی که سزاوار است در آنها طلب آمرزش کرد

۱/۷
وضو

۲۷۴۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ مسلمانی نیست که وضو بگیرد و چون وضویش را تمام کرد، بگوید: «پاکا تو ـ ای خدا ـ و ستایش، تو را! گواهی می‌دهم که معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌آورم. بار خدایا! مرا از توبه‌گران و از پاکیزگان، قرار ده، و مرا بیامرز. به راستی که تو بر هر چیزی توانایی»، جز آن که این دعا، در نازک پوستی نوشته می‌شود، سپس بر آن مُهر زده شده، در زیر عرش نهاده می‌شود تا آن که در روز قیامت، آن را همچنان مُهر شده به او می‌دهند.

۲/۷
بیرون رفتن برای نماز

۲۷۴۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس از خانه‌اش برای نماز گزاردن [در مسجد] خارج شود و بگوید: «بار خدایا! به حقّ درخواست کنندگان از تو، از تو می‌خواهم، و به حقّ این رفتنم، از تو درخواست می‌کنم؛ زیرا که من، از سرِ غرور و سرمستی یا

ولا سُمعَةً، وخَرَجتُ اتِّقاءَ سَخَطِكَ، وَابتِغاءَ مَرضاتِكَ، فَأَسأَلُكَ أن تُعيذَني مِنَ النّارِ، وأن تَغفِرَ لي ذُنوبي، إنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ» أقبَلَ اللهُ عَلَيهِ بِوَجهِهِ، وَاستَغفَرَ لَهُ سَبعونَ أَلفَ مَلَكٍ.[١]

٣ / ٧
دُخولُ المَسجِدِ وَالخُروجُ مِنهُ

٢٧٤٤ . **المعجم الأوسط عن ابن عمر:** عَلَّمَ رَسولُ اللهِ ﷺ الحَسَنَ بنَ عَلِيٍّ إذا دَخَلَ المَسجِدَ، أن يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ويَقولَ:

اللّهُمَّ اغفِر لَنا ذُنوبَنا، وَافتَح لَنا أبوابَ رَحمَتِكَ.[٢]

٢٧٤٥ . **فاطمة** عليها السلام: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ إذا دَخَلَ المَسجِدَ يَقولُ: «بِاسمِ اللهِ، وَالسَّلامُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ، اللّهُمَّ اغفِر لي ذُنوبي، وَافتَح لي أبوابَ رَحمَتِكَ. وإذا خَرَجَ قالَ: «بِاسمِ اللهِ، وَالسَّلامُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ، اللّهُمَّ اغفِر لي ذُنوبي، وَافتَح لي أبوابَ فَضلِكَ».[٣]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٤ / ٧
اِفتِتاحُ الصَّلاةِ

٢٧٤٦ . **رسول الله** ﷺ ـ لِأُمِّ رافِعٍ لَمّا قالَت لَهُ: دُلَّني عَلىٰ عَمَلٍ يَأجُرُنِيَ اللهُ عَلَيهِ ـ: يا أُمَّ

---

١ . سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٢٥٦ ح ٧٧٨، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٤٢ ح ١١١٥٦، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٢٩ ح ٣، مسند ابن الجعد: ص ٢٩٩ ح ٢٠٣١ والثلاثة الأخيرة من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٩٦ ح ٤١٥٣٥.

٢ . المعجم الأوسط: ج ٦ ص ٣٥٨ ح ٦٦١٢، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ١ ص ٣٧٣ ح ٣ و ج ٧ ص ١٢٤ ح ٣ كلاهما عن النعمان بن سعد عن الإمام عليّ عليه السلام نحوه، كنز العمّال: ج ٧ ص ٦٦٠ ح ٢٠٧٨٩.

٣ . سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٢٥٣ ح ٧٧١، سنن الترمذي: ج ٢ ص ١٢٨ ح ٣١٤ نحوه، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ١٥٩ ح ٢٦٤٧٩، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ١ ص ٣٧٣ ح ١، كنز العمّال: ج ٧ ص ٦١ ح ١٧٩٦٢؛ الأمالي للطوسي: ص ٤٠١ ح ٨٩٤ نحوه وكلّها عن عبد الله بن الحسن عن أُمّه فاطمة بنت الحسين عليها السلام، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٢ ح ١١.

خودنمایی و شهرت‌طلبی بیرون نیامده‌ام؛ بلکه برای حفظ خود از خشم و ناخشنودی تو و طلب خشنودی‌ات بیرون آمده‌ام. پس از تو درخواست می‌کنم که مرا از آتش [دوزخ] در پناه خود بداری و گناهانم را بیامرزی، که گناهان را کسی جز تو نمی‌آمرزد»، خداوند به او رو می‌کند و هفتاد هزار فرشته، برایش آمرزش می‌طلبند.

۳ / ۷
وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن

۲۷۴۴ . **المعجم الأوسط** ـ به نقل از ابن عمر ـ: پیامبر خدا، به حسن بن علی علیه‌السلام آموخت که هر گاه وارد مسجد شد، بر پیامبر درود بفرستد و بگوید: «بار خدایا! گناهان ما را بیامرز و درهای رحمتت را بر ما بگشای».

۲۷۴۵ . **فاطمه** علیهاالسلام: پیامبر خدا، هر گاه وارد مسجد می‌شد، می‌گفت: «به نام خدا. درود بر پیامبر خدا! بار خدایا! گناهان مرا بیامرز و درهای رحمتت را برایم بگشا...»، و هرگاه خارج می‌شد، می‌گفت: «به نام خدا. درود بر پیامبر خدا! بار خدایا! گناهان مرا بیامرز و درهای فضل خود را برایم بگشای».

۴ / ۷
آغاز کردن نماز

۲۷۴۶ . **پیامبر خدا** صلی‌الله‌علیه‌وآله ـ به امّ رافع که به ایشان گفت: مرا به عملی راه نمایی فرما که خداوند عزوجل برای آن به من مزد دهد ـ: ای امّ رافع! هرگاه برای نماز ایستادی، ده

رافِعٍ، إذا قُمتِ إلَى الصَّلاةِ فَسَبِّحِي اللهَ عَشراً، وهَلِّليهِ عَشراً، وَاحمَديهِ عَشراً، وكَبِّريهِ عَشراً، وَاستَغفِريهِ عَشراً.

فَإِنَّكِ إذا سَبَّحتِ عَشراً، قالَ: هٰذا لي. وإذا هَلَّلتِ، قالَ: هٰذا لي، وإذا حَمِدتِ، قالَ: هٰذا لي. وإذا كَبَّرتِ، قالَ: هٰذا لي. وإذَا استَغفَرتِ، قالَ: قَد غَفَرتُ لَكِ.[١]

٢٧٤٧ . عنه ﷺ ـ لِبُرَيدَةَ ـ : يا بُرَيدَةُ، إذا كانَ حينَ تَفتَتِحُ الصَّلاةَ فَقُل: سُبحانَكَ اللّٰهُمَّ وبِحَمدِكَ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، لا إلٰهَ إلّا أنتَ، ظَلَمتُ نَفسي فَاغفِر لي، إنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ.[٢]

٢٧٤٨ . **الإمام عليّ** عليه السلام: كانَ النَّبِيُّ ﷺ إذَا استَفتَحَ الصَّلاةَ قالَ: لا إلٰهَ إلّا أنتَ سُبحانَكَ، ظَلَمتُ نَفسي وعَمِلتُ سوءً، فَاغفِر لي، إنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ.[٣]

٥/٧
أثناءُ الصَّلاةِ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٧٤٩ . **رسول الله** ﷺ: لا يُنسِيَنَّكَ[٤] الاِستِغفارَ في صَلاةٍ فَإِنَّها مَمحاةٌ لِلخَطايا بِرَحمَةِ اللهِ تَعالىٰ.[٥]

٢٧٥٠ . **مسند ابن حنبل عن زاذان عن رجل من أصحاب النبيّ ﷺ من الأنصار**: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ

---

١ . عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٤٢ ح ١٠٧ عن أُمّ رافع، المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ٣٠٢ ح ٧٦٦، الدعاء للطبراني: ص ٤٩٢ ح ١٧٣١ كلاهما عن سلمى أُمّ بني أبي رافع نحوه، كنز العمّال: ج ٧ ص ٥٣١ ح ٢٠١١٣.

٢ . مجمع الزوائد: ج ٢ ص ٣٢١ ح ٢٨٠١ نقلاً عن البزّار عن بريدة.

٣ . السنن الكبرى: ج ٢ ص ٥٠ ح ٢٣٤٦ عن الحارث، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ١ ص ٢٦٣ ح ١٩ من دون إسنادٍ إلى النبيّ ﷺ نحوه، كنز العمّال: ج ٨ ص ٩٩ ح ٢٢٠٧٩.

٤ . في المصدر: «لا تنسينّك»، وما أثبتناه من كنز العمّال. أي لا ينسينّك الشيطان الاستغفار.

٥ . الفردوس: ج ٥ ص ٣٧٨ ح ٨٤٨٦، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٨٦ ح ٥٠٧٩ نقلاً عن أبي نعيم وكليهما عن أبي المنذر الجهني.

بار "سبحان الله" بگو، ده بار "لا إله إلّا الله"، ده بار "الحمد لله"، ده بار "الله أكبر"، و ده بار "استغفر الله" زیرا چون ده بار تسبیح بگویی، خداوند می‌فرماید: «این، از آنِ من است. چون "لا إله إلّا الله" بگویی، می‌فرماید: "این، از آنِ من است". چون ستایش بگویی، می‌فرماید: "این، از آنِ من است". چون تکبیر بگویی، می‌فرماید: "این، از آنِ من است"، و چون آمرزش بطلبی، می‌فرماید: "تو را آمرزیدم"».

۲۷۴۷ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ به بُرَیده ـ: ای بُرَیده! هرگاه نماز را آغاز کردی، بگو: «پاکا تو ـ ای خدا ـ و ستایش توراست! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. معبودی جز تو نیست. من بر خویشتن، ستم کردم. پس مرا بیامرز، که گناهان را جز تو کسی نمی‌آمرزد.

۲۷۴۸ . **امام علی**ؑ: پیامبرﷺ هرگاه نماز را آغاز می‌کرد، می‌گفت: معبودی جز تو نیست. منزّهی تو! من بر خود، ستم نمودم و بد کردم. پس مرا بیامرز، که گناهان را کسی جز تو نمی‌آمرزد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۵ / ۷
در میان نماز

۲۷۴۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: زنهار [شیطان] آمرزش‌خواهی در نماز را از یادت نبرد؛ زیرا که آمرزش‌خواهی در نماز، به لطف خداوند متعال، گناهان را پاک می‌کند.

۲۷۵۰ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از زاذان، از مردی انصاری که از یاران پیامبرﷺ بوده است ـ: [وی] از پیامبرﷺ شنیده که در نمازی صد بار می‌گفته است: «ای خداوند من! مرا بیامرز. (شعبه می‌گوید: یا گفت: بار خدایا! مرا بیامرز) و توبه‌ام

عَلَيَّ، إنَّكَ أنتَ التَّوّابُ الغَفورُ» مِئَةَ مَرَّةٍ.[١]

٢٧٥١ . **تهذيب الأحكام عن عبيد بن زرارة:** سَأَلتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّكعَتَينِ الأَخيرَتَينِ مِنَ الظُّهرِ. قالَ: تُسَبِّحُ وتُحَمِّدُ اللهَ وتَستَغفِرُ لِذَنبِكَ، وإن شِئتَ فاتِحَةَ الكِتابِ، فَإنَّها تَحميدٌ ودُعاءٌ.[٢]

٦ / ٧
فِي السَّجْدَةِ

٢٧٥٢ . **رسول الله صلى الله عليه وآله:** مَن قالَ وهُوَ ساجِدٌ ثَلاثَ مَرّاتٍ: «رَبِّ اغفِر لي» لَم يَرفَع رَأسَهُ حَتّىٰ يَغفِرَ لَهُ.[٣]

٢٧٥٣ . **الإمام الصادق عليه السلام:** إنَّ رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كانَ يَقولُ إذا وَضَعَ وَجهَهُ لِلسُّجودِ: اللّٰهُمَّ مَغفِرَتُكَ أوسَعُ مِن ذُنوبي، ورَحمَتُكَ أرجىٰ عِندي مِن عَمَلي، فَاغفِر لي ذُنوبي يا حَيُّ لا يَموتُ.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٧٥٤ . **الأمالي للصدوق عن الأصبغ بن نباتة:** كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام يَقولُ في سُجودِهِ: أُناجيكَ يا سَيِّدي كَما يُناجِي العَبدُ الذَّليلُ مَولاهُ، وأطلُبُ إلَيكَ طَلَبَ مَن يَعلَمُ أنَّكَ تُعطي ولا يَنقُصُ مِمّا عِندَكَ شَيءٌ، وأستَغفِرُكَ استِغفارَ مَن يَعلَمُ أنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ، وأتَوَكَّلُ عَلَيكَ تَوَكُّلَ مَن يَعلَمُ أنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.[٥]

---

١ . مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٥٢ ح ٢٣٢١٠، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٣١ ح ٩٩٣٢ نحوه.

٢ . تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٩٨ ح ٣٦٨، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٩٠.

٣ . كنز العمّال: ج ٧ ص ٤٦٥ ح ١٩٨٠٨ نقلاً عن أبي عبد الله بن مخلد الدوري العطّار في جزئه، والدّيلمي عن أبي سعيد.

٤ . بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢١٨ ح ٣٣ نقلاً عن خطّ الشهيد عن الجعفريات عن عبد الله بن سنان.

٥ . الأمالي للصدوق: ص ٣٢٧ ح ٣٨٥، المزار الكبير: ص ٢٦٠، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٢٧ ح ٤٧.

را بپذیر که تو، توبه‌پذیرِ مهربانی».

۲۷۵۱ . **تهذیب الأحکام** ـ به نقل از عبید بن زُراره ـ : از امام صادق﵇ در بارهٔ دو رکعت آخر نماز ظهر پرسیدم. فرمود: «خدا را تسبیح و ستایش می‌گویی و از گناهانت، آمرزش می‌خواهی، و اگر هم خواستی، "فاتحة‌الکتاب" را می‌خوانی؛ زیرا آن نیز ستایش و دعاست».

۶/۷
در سجده

۲۷۵۲ . **پیامبرخدا**ﷺ: هر کس در سجده، سه بار بگوید: «پروردگارا! مرا بیامرز»، سرش را [از سجده] برنداشته، خدا او را می‌آمرزد.

۲۷۵۳ . **امام صادق**﵇: پیامبر خدا، هرگاه صورتش را برای سجده می‌نهاد، می‌گفت: «بار خدایا! آمرزش تو، از گناهان من گسترده‌تر است، و به رحمت تو امیدوارترم تا به عمل خویش. پس گناهان مرا بیامرز، ای زندهٔ نامیرا!».

۲۷۵۴ . **الأمالی**، صدوق ـ به نقل از اصبغ بن نُباته ـ : امیر مؤمنان، در سجده‌اش می‌گفت: «آقای من! با تو آهسته سخن می‌گویم، آن گونه که بندهٔ خوار با خواجه‌اش می‌گوید. از تو تقاضا می‌کنم، همچون تقاضای کسی که می‌داند تو عطا می‌کنی و از آنچه نزد توست، هیچ کاسته نمی‌شود. از تو آمرزش می‌خواهم، همچون آمرزش‌خواهیِ کسی که می‌داند گناهان را فقط تو می‌آمرزی و بس. بر تو توکّل می‌کنم، همچون توکّل کردن کسی که می‌داند تو بر هر چیزی توانایی».

٢٧٥٥ . **الإمام الكاظم**عليه السلام ـ في سُجودِهِ ـ: يا مَن عَلا فَلا شَيءَ فَوقَهُ، يا مَن دَنا فَلا شَيءَ دونَهُ، اغفِر لي ولِأَصحابي.[١]

٧ / ٧
بَينَ السَّجدَتَينِ

٢٧٥٦ . **الإمام الصادق**عليه السلام ـ عِندَ القُعودِ مِنَ السُّجودِ ـ: أستَغفِرُ اللهَ رَبّي وأتوبُ إلَيهِ.[٢]

٢٧٥٧ . **سنن أبي داوود عن ابن عبّاس**: أنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كانَ يَقولُ بَينَ السَّجدَتَينِ: اللّهُمَّ اغفِر لي وَارحَمني، وعافِني وَاهدِني وَارزُقني.[٣]

٢٧٥٨ . **الإمام الصادق**عليه السلام: إذا رَفَعتَ رَأسَكَ فَقُل بَينَ السَّجدَتَينِ: اللّهُمَّ اغفِر لي، وَارحَمني، وأجِرني وَادفَع عَنّي، إنّي لِما أنزَلتَ إلَيَّ مِن خَيرٍ فَقيرٌ، تَبارَكَ اللهُ رَبُّ العالَمينَ.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٨ / ٧
القُنوتُ

٢٧٥٩ . **كتاب من لا يحضره الفقيه**: سَأَلَ الحَلَبِيُّ أبا عَبدِ اللهِعليه السلام عَنِ القُنوتِ، فيهِ قَولٌ مَعلومٌ؟

---

١ . التوحيد: ص ٦٧ ح ٢١ عن إبراهيم بن عبد الحميد، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٢٩ ح ٥٠.

٢ . الكافي: ج ٣ ص ٣١٢ ح ٨، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٨٢ ح ٣٠١، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٠٢ ح ٩١٥، الأمالي للصدوق: ص ٤٩٩ ح ٦٨٤ كلّها عن حمّاد بن عيسى، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٨٦ ح ١.

٣ . سنن أبي داوود: ج ١ ص ٢٢٤ ح ٨٥٠، سنن الترمذي: ج ٢ ص ٧٦ ح ٢٨٤، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٢٩٠ ح ٨٩٨، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٦٧٦ ح ٢٨٩٧، السنن الكبرى: ج ٢ ص ١٧٦ ح ٢٧٥١ عن سليمان التميمي عن الإمام عليّعليه السلام وكلّها نحوه، كنز العمّال: ج ٨ ص ١٢٨ ح ٢٢٢٢٨.

٤ . الكافي: ج ٣ ص ٣٢١ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٧٩ ح ٢٩٥ كلاهما عن الحلبي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣١٣ ح ٩٢٩ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن أبيهعليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ١٣٧.

۲۷۵۵ . امام کاظمﷺ ـ در سجده‌اش ـ: ای آن که بالا است و بالاتر از او، هیچ نیست، ای آن که نزدیک است و نزدیکتر از او، چیزی نیست! مرا و یارانم را بیامرز.

۷ / ۷
میان دو سجده

۲۷۵۶ . امام صادقﷺ ـ هنگام نشستن بعد از سجده ـ: از پروردگارم ـ خدا ـ آمرزش می‌طلبم و به درگاهش، توبه می‌برم.

۲۷۵۷ . سنن أبی داوود ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: پیامبر خدا، مابین دو سجده می‌گفت: «بار خدایا! مرا بیامرز و به من، رحم کن و عافیتم بخش و هدایتم فرما و روزی‌ام ده».

۲۷۵۸ . امام صادقﷺ: هرگاه سرت را [از سجده] برداشتی، میان دو سجده بگو: «بار خدایا! مرا بیامرز، و بر من، رحم آور و پناهم ده و از من، حمایت کن که من به هر خیری بر من بفرستی، نیازمندم. بزرگ و خجسته است خدایی که پروردگارِ جهانیان است».

۸ / ۷
هنگام قنوت

۲۷۵۹ . کتاب من لا یحضره الفقیه: حلبی از امام صادقﷺ در بارهٔ قنوت پرسید و گفت: آیا ذکرِ معیّنی دارد؟

فَقالَ: أثنِ عَلىٰ رَبِّكَ، وصَلِّ عَلىٰ نَبِيِّكَ، وَاستَغفِر لِذَنبِكَ.[١]

٢٧٦٠ . **السنن الكبرى عن عبد الرحمٰن بن سويد الكاهلي:** كَأَنِّي أسمَعُ عَلِيّاً عليه السلام فِي الفَجرِ حينَ قَنَتَ، وهُوَ يَقولُ: اللّٰهُمَّ إنّا نَستَعينُكَ ونَستَغفِرُكَ.[٢]

٢٧٦١ . **الإمام الصادق عليه السلام:** يُجزِئُكَ فِي القُنوتِ: اللّٰهُمَّ اغفِر لَنا وَارحَمنا، وعافِنا وَاعفُ عَنّا فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.[٣]

٩ / ٧
عَقيبَ الصَّلَواتِ

٢٧٦٢ . **السنن الكبرى للنسائي عن زاذان:** حَدَّثَني رَجُلٌ مِنَ الأَنصارِ قالَ: سَمِعتُ رَسولَ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله يَقولُ في دُبُرِ الصَّلاةِ: «اللّٰهُمَّ اغفِر لي، وتُب عَلَيَّ، إنَّكَ أنتَ التَّوّابُ الغَفورُ» حَتّىٰ بَلَغَ مِئَةَ مَرَّةٍ.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٧٦٣ . **صحيح مسلم عن ثوبان:** كانَ رَسولُ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله إذَا انصَرَفَ مِن صَلاتِهِ استَغفَرَ ثَلاثاً، وقالَ: اللّٰهُمَّ أنتَ السَّلامُ، ومِنكَ السَّلامُ، تَبارَكتَ ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ.[٥]

---

١ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣١٦ ح ٩٣٣، وسائل الشيعة: ج ٤ ص ٩٠٨ ح ٤.

٢ . السنن الكبرى: ج ٢ ص ٢٩١ ح ٣١١٦، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٢١٣ ح ٣ و ج ٧ ص ١١٥ ح ٤ كلاهما نحوه، كنز العمّال: ج ٨ ص ٧٩ ح ٢١٩٧٣؛ المزار للشهيد الأوّل: ص ٢٧٦، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٤٥٢ ح ٢٧.

٣ . الكافي: ج ٣ ص ٣٤٠ ح ١٢، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٨٧ ح ٣٢٢ كلاهما عن سعد بن أبي خلف، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٠٠ ح ١١٨٩ عن أبي بكر بن أبي سمال، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٠٧.

٤ . السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٣١ ح ٩٩٣١ و ح ٩٩٣٤ نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٣٩ ح ١٥، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٤٥ ح ٤٩٨٠.

٥ . صحيح مسلم: ج ١ ص ٤١٤ ح ١٣٥، سنن الترمذي: ج ٢ ص ٩٨ ح ٣٠٠، سنن النسائي: ج ٣ ص ٦٨، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٣٠٠ ح ٩٢٨، كنز العمّال: ج ٧ ص ٤٨ ح ١٧٨٨٩.

فرمود: «پروردگارت را ثنا گو و بر پیامبرت درود فرست و از گناهانت، آمرزش بخواه».

۲۷۶۰ . **السنن الکبری** ـ به نقل از عبد الرحمان بن سوید کاهلی ـ: گویا هم اکنون صدای علی﵇ را می‌شنوم که در دعای قنوت نماز صبح می‌گوید: «بار خدایا! از تو یاری می‌جوییم و از تو آمرزش می‌خواهیم».

۲۷۶۱ . **امام صادق**﵇: در دعای قنوت، این دعا تو راکفایت می‌کند: «بار خدایا! مرا بیامرز و بر ما رحم آور و ما را عافیت بخش و در دنیا و آخرت، از ما درگذر، که به راستی تو بر هر چیزی توانایی».

۹۱۷ دربی نمازها

۲۷۶۲ . **السنن الکبری**، نسائی ـ به نقل از زاذان ـ: مردی از انصار برایم گفت: از پیامبر خدا شنیدم که در پیِ نماز می‌گوید: «بار خدایا! مرا بیامرز و توبه‌ام را بپذیر، که تو توبه‌پذیر و آمرزگاری» تا به صد مرتبه رسید.

۲۷۶۳ . **صحیح مسلم** ـ به نقل از ثوبان ـ: پیامبر خدا، هرگاه نمازش را به پایان می‌رساند، سه بار آمرزش می‌طلبید و می‌گفت: «تویی سلام، و از توست سلام. بزرگی تو، ای خداوند شکوه و ارج!

٢٧٦٤ . رسول الله ﷺ: مَنِ استَغفَرَ اللهَ بَعدَ العَصرِ سَبعينَ مَرَّةً، غَفَرَ اللهُ لَهُ ذُنوبَهُ سَبعينَ سَنَةً.[١]

٢٧٦٥ . عنه ﷺ: مَن قالَ بَعدَ صَلاةِ العَصرِ في كُلِّ يَومٍ مَرَّةً واحِدَةً: «أستَغفِرُ اللهَ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ الحَيُّ القَيّومُ، الرَّحمٰنُ الرَّحيمُ، ذُوالجَلالِ وَالإكرامِ، وأسأَلُهُ أن يَتوبَ عَلَيَّ تَوبَةَ عَبدٍ ذَليلٍ، خاضِعٍ فَقيرٍ بائِسٍ مِسكينٍ مُستَكينٍ مُستَجيرٍ، لا يَملِكُ لِنَفسِهِ نَفعاً ولا ضَرّاً، ولا مَوتاً ولا حَياةً ولا نُشوراً». أمَرَ اللهُ تَعالَى المَلَكَينِ بِتَخريقِ صَحيفَتِهِ كائِنَةً ما كانَت.[٢]

٢٧٦٦ . الإمام عليّ ﷺ: قالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ ﷺ: يا رَسولَ اللهِ، عَلِّمني عَمَلاً لا يُحالُ بَينَهُ وبَينَ الجَنَّةِ؟ قالَ: لا تَغضَب، ولا تَسأَلِ النّاسَ شَيئاً، وَارضَ لِلنّاسِ ما تَرضىٰ لِنَفسِكَ.

فَقالَ: يا رَسولَ اللهِ، زِدني.

قالَ: إذا صَلَّيتَ العَصرَ فَاستَغفِرِ اللهَ سَبعاً وسَبعينَ مَرَّةً؛ تَحُطُّ عَنكَ عَمَلَ سَبعٍ وسَبعينَ سَنَةً.[٣]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٧٦٧ . الإمام الصادق ﷺ: مَنِ استَغفَرَ اللهَ ﷻ بَعدَ العَصرِ سَبعينَ مَرَّةً، غَفَرَ اللهُ لَهُ ذٰلِكَ اليَومَ سَبعَمِئَةِ ذَنبٍ، فَإن لَم يَكُن لَهُ فَلِأَبيهِ، فَإن لَم يَكُن لِأَبيهِ فَلِأُمِّهِ، فَإن لَم يَكُن لِأُمِّهِ فَلِأَخيهِ، فَإن لَم يَكُن لِأَخيهِ فَلِأُختِهِ، فَإن لَم يَكُن لِأُختِهِ فَلِلأَقرَبِ فَالأَقرَبِ.[٤]

---

١ . جامع الأخبار: ص ١٤٧ ح ٣٢٧ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٧٩ ح ٥.

٢ . فلاح السائل: ص ٣٥٥ ح ٢٣٩ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه ﷺ، مصباح المتهجّد: ص ٧٥ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٣٩ ح ٢٥.

٣ . الأمالي للطوسي: ص ٥٠٨ ح ١١١٠ عن محمّد بن فضيل الصيرفي عن الإمام الرضا عن آبائه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٢٣ ح ٢٦.

٤ . الأمالي للصدوق: ص ٣٢٧ ح ٣٨٦ عن سفيان بن خالد، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٩ ح ٢٢٤٨، فلاح السائل: ص ٣٥١ ح ٢٣٥ وليس فيه ذيله من «فإن لم يكن له ...»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٧٨ ح ٢.

۲۷۶۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس بعد از نماز عصر، هفتاد بار آمرزش بخواهد، خداوند، گناهان هفتاد سال او را می‌آمرزد.

۲۷۶۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس هر روز بعد از نماز عصر، یک بار بگوید: «آمرزش می‌طلبم از خدایی که معبودی نیست، جز او زندهٔ جاویدان، مهرگسترِ مهربان، خداوند شکوه و ارج. از او می‌خواهم که توبهٔ مرا بپذیرد؛ توبهٔ بندهٔ خوارِ خاکسارِ نادار بینوای مستمند بیچارهٔ پناه‌خواهی را که اختیار هیچ سود و زیانی، و مرگ و زندگی و رستاخیزی را برای خود ندارد»، خداوند متعال، به دو فرشته [ی متوکّل او] دستور دهد که کارنامهٔ او را، هر چه می‌خواهد باشد [و هر اندازه آکَنده از گناه باشد]، پاره کنند.

۲۷۶۶ . **امام علی**ؑ: مردی به پیامبر خدا گفت: ای پیامبر! به من عملی را بیاموز که هیچ چیز میان آن و بهشت، نتواند مانع شود.

فرمود: «خشمگین مشو، از مردم چیزی مخواه، و برای مردم آن بپسند که برای خویش می‌پسندی».

گفت: باز هم بگو، ای پیامبر خدا!

فرمود: «نماز عصر را که خواندی، هفتاد و هفت بار از خدا آمرزش بخواه، گناه هفتاد و هفت سال از تو می‌ریزد».

۲۷۶۷ . **امام صادق**ؑ: هر کس بعد از نماز عصر، هفتاد بار از خداوندﷻ آمرزش بخواهد، خداوندْ در آن روز، هفتصد گناه او را می‌آمرزد، و اگر خودش این اندازه گناه نداشته باشد، از گناهان پدرش می‌آمرزد، و اگر پدرش گناهی نداشت، از [گناه] مادرش می‌آمرزد، و اگر مادرش نداشت، از [گناه] برادرش می‌آمرزد، و اگر برادرش نداشت، از [گناه] خواهرش می‌آمرزد و اگر خواهرش گناهی نداشت، از خویشانش، به ترتیب نزدیک‌تری به او می‌آمرزد.

١٠ / ٧
عَقيبَ التَّسبيح

الكتاب

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾[١].[٢]

راجع: الأعراف: ١٤٣ والأنبياء: ٨٧.

الحديث

٢٧٦٨ . رسول الله ﷺ: مَن قالَ: «سُبحانَ اللهِ وبِحَمدِهِ، أستَغفِرُ اللهَ وأتوبُ إلَيهِ» إلّا كُتِبَت كَما قالَها، ثُمَّ عُلِّقَت بِالعَرشِ، لا يَمحوها ذَنبٌ عَمِلَهُ صاحِبُها حَتّىٰ يَلقَى اللهَ، وهِيَ مَختومَةٌ كَما قالَها.[٣]

٢٧٦٩ . مسند ابن حنبل عن عبد الله بن مسعود: إنَّ النَّبِيَّ ﷺ كانَ مِمّا يُكثِرُ أن يَقولَ: «سُبحانَكَ رَبَّنا وبِحَمدِكَ، اللّٰهُمَّ اغفِر لي»

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . النصر: ٣.

٢ . قال العلّامة الطباطبائي ﷺ في الميزان في تفسير القرآن: قوله تعالى: ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ لمّا كان هذا النصر والفتح إذلالاً منه تعالى للشرك، وإعزازاً للتوحيد، وبعبارة أُخرى: إبطالاً للباطل وإحقاقاً للحقّ، ناسب من الجهة الأُولى تنزيهه تعالى وتسبيحه، وناسب من الجهة الثانية ـ التي هي نعمة ـ الثناء عليه تعالى وحمده، فلذلك أمره ﷺ بقوله: ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾.

وهاهنا وجه آخر يوجّه به الأمر بالتسبيح والتحميد والاستغفار جميعاً، وهو أنّ للربّ تعالى على عبده أن يذكره بصفات كماله، ويذكر نفسه بما له من النقص والحاجة، ولمّا كان في هذا الفتح فراغه ﷺ من جلّ ما كان عليه من السعي في إماطة الباطل، وقطع دابر الفساد، أمر أن يذكره عند ذلك بجلاله وهو التسبيح، وجماله وهو التحميد، وأن يذكره بنقص نفسه وحاجته إلى ربّه وهو طلب المغفرة، ومعناه فيه ﷺ ـ وهو مغفور ـ سؤال إدامة المغفرة، فإنّ الحاجة إلى المغفرة بقاءً كالحاجة إليها حدوثاً، فافهم ذلك، وبذلك يتمّ شكرهُ لِربّه تعالى (الميزان في تفسير القرآن: ج ٢٠ ص ٣٧٧).

٣ . المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١٣٥ ح ١٢٧٩٩ عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٢ ح ٢١٠٨.

۱۰/۷
در پی تسبیح گفتن

قرآن

﴿پس پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی، و از او آمرزش بخواه، که او توبه‌پذیر است﴾.[1]

ر.ک: اعراف: آیهٔ ۱۴۳ و انبیا: آیهٔ ۸۷

حدیث

۲۷۶۸ . **پیامبرخدا**ﷺ: هر کس بگوید: «پاکا خدا و ستایش، او را! از خدا آمرزش می‌خواهم و به سوی او، توبه می‌برم»، این جمله‌اش عیناً نوشته و بر عرش، آویخته می‌شود. هیچ گناهی که گوینده‌اش مرتکب شود، آن را از بین نمی‌برد تا آن که خدا را دیدار کند، و آن نوشته، همچنان سر به مُهر باشد.

۲۷۶۹ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از عبد الله بن مسعود ـ: از جمله اذکاری که پیامبرﷺ بسیار می‌گفت، این بود: «پاکا تو ـ ای پروردگار ما ـ و ستاش، تو را. بار خدایا! مرا بیامرز».

---

۱ . علّامهٔ طباطبایی، در المیزان في تفسیر القرآن می‌گوید: فرمودهٔ خداوند متعال: ﴿پس پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی و از او آمرزش بخواه که او توبه‌پذیر است﴾، از آن جا که خداوند متعال با این پیروزی‌وفتح، از یک‌جهت، شرک را خوار کرده و درهم شکسته است‌و از جهت‌دیگر، توحید را عزّت و قدرت بخشیده و به عبارت دیگر: باطل را از میان برداشته و حقّ را تحقق بخشیده است، لذا از جهت اوّل مناسب است که خداوند متعال را تسبیح و تنزیه کرد، و از جهت دوم ـ که یک نعمت است ـ با ثنا و ستایش‌او مناسبت‌دارد. از این‌رو، به آن بزرگوار دستور داد که: ﴿پروردگارت‌را تسبیح و ستایش‌گوی﴾. در این جا وجه دیگری هم برای توجیه دستور به تسبیح و ستایش و آمرزش‌خواهی وجود دارد، و آن این است که پروردگار بزرگ، این حق را بر بنده‌اش دارد که او را با صفات کمالش یاد کند و در مورد خود نیز، همواره به یاد کاستی و نیازمندی‌اش باشد، و چون فتح مکّه باعث شد که پیامبر خدا از گرفتاری‌هایی که برای از بین بردن باطل و قطع ریشهٔ فساد داشت، فراغتی به دست آورد، به او دستور داد که از این پس، خدا را به صفات جلالش یاد کند ـ که همان تسبیح است ـ، و به جمالش یاد کند ـ که همان ستایش است ـ، و از کاستی خود و نیازمندی‌اش به خداوند یاد کند ـ که همان طلب آمرزش است ـ. معنای آمرزش‌خواهی هم در مورد پیامبر خدا ـ که آمرزیده است ـ درخواست ادامهٔ آمرزش است؛ چرا که نیاز به ادامهٔ آمرزش، عیناً همانند نیاز به حدوثِ آمرزش است. دقّت شود. این آمرزش‌خواهی از ناحیهٔ پیامبرﷺ تکمیل کنندهٔ سپاس‌گزاری او از پروردگارش است.

قالَ: فَلَمّا نَزَلَت: ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾[١] قالَ: «سُبحانَكَ رَبَّنا وبِحَمدِكَ، اللّٰهُمَّ اغفِر لي، إنَّكَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ».[٢]

٢٧٧٠ . **صحيح البخاري عن عائشة:** كانَ النَّبِيُّ ﷺ يُكثِرُ أن يَقولَ في رُكوعِهِ وسُجودِهِ: «سُبحانَكَ اللّٰهُمَّ رَبَّنا وبِحَمدِكَ، اللّٰهُمَّ اغفِر لي»، يَتَأَوَّلُ القُرآنَ.[٣]

٢٧٧١ . **صحيح مسلم عن عائشة:** كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ يُكثِرُ مِن قَولِ «سُبحانَ اللهِ وبِحَمدِهِ، أستَغفِرُ اللهَ وأتوبُ إلَيهِ». قالَت: فَقُلتُ: يا رَسولَ اللهِ، أراكَ تُكثِرُ مِن قَولِ «سُبحانَ اللهِ وبِحَمدِهِ، أستَغفِرُ اللهَ وأتوبُ إلَيهِ؟».

فَقالَ: خَبَّرَني رَبّي أنّي سَأَرىٰ عَلامَةً في أُمَّتي، فَإِذا رَأَيتُها أكثَرتُ مِن قَولِ: سُبحانَ اللهِ وبِحَمدِهِ، أستَغفِرُ اللهَ وأتوبُ إلَيهِ، فَقَد رَأَيتُها: ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ فَتحُ مَكَّةَ، ﴿وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾[٤].[٥]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٧٧٢ . **الإمام الصادق** ﷺ: مَن قالَ ثَلاثاً: «سُبحانَ رَبِّيَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ، أستَغفِرُ اللهَ رَبّي

---

١ . النصر: ١.

٢ . مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٤٣ ح ٣٧١٩، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٦٨١ ح ١٨٤٩، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ١٠٩ ح ٥٢٠٨ كلاهما نحوه، مسند الطيالسي: ص ٤٥ ح ٣٣٩، كنز العمّال: ج ٢ ص ٥٦٠ ح ٤٧٢٨.

٣ . صحيح البخاري: ج ١ ص ٢٨٢ ح ٧٨٤، صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥٠ ح ٢١٧، سنن أبي داوود: ج ١ ص ٢٣٢ ح ٨٧٧، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٢٨٧ ح ٨٨٩، سنن النسائي: ج ٢ ص ١٩٠، كنز العمّال: ج ٨ ص ٢٢٦ ح ٢٢٦٧٠.

٤ . النصر: ١ ـ ٣.

٥ . صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥١ ح ٢٢٠، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٧٧ ح ٢٤١٢٠، مسند إسحاق بن راهويه: ج ٣ ص ٨٠٧ ح ١٤٤٢، تفسير الطبري: ج ١٥ الجزء ٣٠ ص ٣٣٤ والثلاثة الأخيرة نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٥٦١ ح ٤٧٣١ وراجع مجمع البيان: ج ١٠ ص ٨٤٤.

و چون ﴿اذا جاء نصرالله و الفتح﴾ نازل شد، می‌گفت: «پاکا تو ـ ای پروردگار ما و ستایش، تو را. بار خدایا! مرا بیامرز، که تو توبه‌پذیرِ مهربانی».

۲۷۷۰ . **صحیح البخاری** ـ به نقل از عایشه ـ: پیامبرﷺ در رکوع و سجودش بسیار می‌گفت: «پاکا تو ـ ای خدا، ای پروردگار ما ـ و ستایش، تو را! بار خدایا! مرا بیامرز»، قرآن را تفسیر و تأویل می‌کرد.[1]

۲۷۷۱ . **صحیح مسلم** ـ به نقل از عایشه ـ: پیامبر خدا، جملهٔ «پاکا خدا و ستایش، او را! از خدا آمرزش می‌خواهم و به درگاهش، توبه می‌کنم» را بسیار می‌گفت. من گفتم: ای پیامبر خدا! می‌بینم که جملهٔ «پاکا خدا و ستایش، او را! از خدا آمرزش می‌خواهم و به درگاه او توبه می‌کنم» را بسیار می‌گویی.

فرمود: «پروردگارم به من خبر داد که به زودی، علامتی را در امّتم خواهم دید و هرگاه آن را دیدم، جملهٔ «پاکا خدا و ستایش، او را! از خدا آمرزش می‌خواهم و به درگاهش توبه می‌برم» را بسیار گویم، و من، آن را دیدم: ﴿هرگاه یاری خدا و فتح، فرا رسد﴾، یعنی فتح مکّه. ﴿و مردم را دیدی که گروه گروه، به دین خدا درمی‌آیند. پس پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی و از او آمرزش بخواه، که او توبه‌پذیر است﴾.

۲۷۷۲ . **امام صادق**ؒ: هر کس سه مرتبه بگوید: «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش، او را! از پروردگارم ـ الله ـ آمرزش می‌طلبم و به درگاهش توبه می‌کنم»، این جمله،

---

۱ . یعنی پیامبرﷺ با این ذکر، در واقع، به این فرمان خدا عمل می‌کرد که به او فرمود: ﴿فسبّح بحمد ربّك و استغفره...﴾ و مضمون آن را به نمایش گذارد.

وأتوبُ إلَيهِ» قَرَعَتِ العَرشَ كَما تَقرَعُ السِّلسِلَةُ الطَّشتَ[١].[٢]

٢٧٧٣ . الكافي عن هلقام بن أبي هلقام: أتَيتُ أبا إبراهيمَ عليه السلام فَقُلتُ لَهُ: جُعِلتُ فِداكَ، عَلِّمني دُعاءً جامِعاً لِلدُّنيا وَالآخِرَةِ وأوجِز.

فَقالَ: قُل في دُبُرِ الفَجرِ إلىٰ أن تَطلُعَ الشَّمسُ: سُبحانَ اللهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ، أستَغفِرُ اللهَ وأسأَلُهُ مِن فَضلِهِ.[٣]

٢٧٧٤ . الإمام الباقر عليه السلام: الكَلِماتُ الَّتي تَلَقّاهُنَّ آدَمُ مِن رَبِّهِ فَتابَ عَلَيهِ[٤] وهَدىٰ، قالَ:

سُبحانَكَ اللّٰهُمَّ وبِحَمدِكَ إنّي عَمِلتُ سوءاً وظَلَمتُ نَفسي فَاغفِر لي إنَّكَ خَيرُ الغافِرينَ، اللّٰهُمَّ إنَّهُ لا إلٰهَ إلّا أنتَ سُبحانَكَ وبِحَمدِكَ، إنّي عَمِلتُ سوءاً وظَلَمتُ نَفسي، فَاغفِر لي إنَّكَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ.[٥]

٢٧٧٥ . عنه عليه السلام: مَن سَبَّحَ تَسبيحَ الزَّهراءِ عليها السلام ثُمَّ استَغفَرَ غُفِرَ لَهُ، وهِيَ مِئَةٌ بِاللِّسانِ، وألفٌ فِي الميزانِ، وتَطرُدُ الشَّيطانَ، وتُرضِي الرَّحمٰنَ.[٦]

---

١. الطَّست: من آنية الصُّفر، وحكي بالشين المعجمة وهي الطشت، وهي الأصل (تاج العروس: ج ٣ ص ٩٠ «طست»).

٢. الزهد للحسين بن سعيد: ص ٧٥ ح ٢٠٢ عن إبراهيم بن عمر، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٨٢ ح ٢٧.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٥٥٠ ح ١٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٢٨ ح ٩٦٢، المقنعة: ص ١٣٧، عدّة الداعي: ص ٢٥١ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٣١ ح ٧.

٤. إشارة للآية ٣٧ من سورة البقرة: ﴿فَتَلَقَّىٰ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَٰتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ﴾.

٥. تفسير العياشي: ج ١ ص ٤١ ح ٢٥ عن محمّد بن مسلم، الكافي: ج ٨ ص ٣٠٤ ح ٤٧٢ عن كثير بن كلثمة عن أحدهما عليهما السلام، مجمع البيان: ج ١ ص ٢٠٠، تفسير القمّي: ج ١ ص ٤٤ عن أبان بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٩٢ ح ٢١.

٦. ثواب الأعمال: ص ١٩٦ ح ٢ عن محمّد بن مسلم، جامع الأخبار: ص ١٤٣ ح ٣٠٧، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٣٢ ح ١٠.

عرش را به صدا در می‌آورد، همچنان که با کوبیدن زنجیر بر تَشت، از آن صدا بر می‌خیزد.

۲۷۷۳ . **الکافی** ـ به نقل از هَلقام بن ابی هَلقام ـ: خدمت امام کاظم﵇ رسیدم و گفتم: فدایت شوم! به من دعایی کوتاه بیاموز که در برگیرندهٔ [خیر] دنیا و آخرت باشد.

فرمود: «پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب بگو: "پاکا خدای بزرگ و ستایش، او را! از خدا آمرزش می‌خواهم و از فضل او می‌طلبم"».

۲۷۷۴ . **امام باقر﵇**: آن سخنانی که آدم﵇ از پروردگارش دریافت کرد و [به سبب آنها] خدا، توبه‌اش را پذیرفت و هدایتش کرد، اینهاست: «پاکا تو ـ ای خدا ـ و ستایش، تو راست! من، بد کردم و بر خویش، ستم نمودم. پس مرا بیامرز، که تو بهترینِ آمرزندگانی. بار خدایا! معبودی جز تو نیست. پاکی تو و ستایش، تو راست. من، بد کردم و بر خویش، ستم نمودم. پس مرا بیامرز که تو آمرزگاری مهربانی».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۷۷۵ . **امام باقر﵇**: هر کس تسبیحات زهرا﵄ را بگوید، سپس طلبِ آمرزش کند، آمرزیده می‌شود. این تسبیحات، صد بار گفته می‌شود؛ امّا در میزان [اعمال]، هزار به شمار می‌آید و شیطان را می‌راند و خدای مهربان را خشنود می‌سازد.

١١ / ٧
الحَجُّ والعُمرَةُ

٢٧٧٦ . رسول الله ﷺ: الحُجّاجُ وَالعُمّارُ وَفدُ اللهِ، إن دَعَوهُ أجابَهُم، وإنِ استَغفَروهُ غَفَرَ لَهُم.[١]

١٢ / ٧
صَلاةُ الاِستِسقاءِ

٢٧٧٧ . المعجم الكبير عن الشفاء بنت خلف: أنَّ النَّبِيَّ ﷺ استَسقىٰ يَومَ الجُمُعَةِ فِي المَسجِدِ، ورَفَعَ يَدَيهِ وقالَ: «اِستَغفِروا رَبَّكُم إنَّهُ كانَ غَفّاراً» وحَوَّلَ رِداءَهُ.[٢]

٢٧٧٨ . رسول الله ﷺ: اللّٰهُمَّ صاحَت[٣] بِلادُنا، وَاغبَرَّت أرضُنا، وهامَت دَوابُّنا، اللّٰهُمَّ مُنزِلَ البَرَكاتِ مِن أماكِنِها، وناشِرَ الرَّحمَةِ مِن مَعادِنِها بِالغَيثِ المُغيثِ، أنتَ المُستَغفَرُ لِلآثامِ، فَنَستَغفِرُكَ لِلجَمّاتِ[٤] مِن ذُنوبِنا، ونَتوبُ إلَيكَ مِن عَظيمِ خَطايانا، اللّٰهُمَّ أرسِلِ السَّماءَ عَلَينا مِدراراً....[٥]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٧٧٩ . الإمام عليّ عليه السلام ـ في خُطبَةِ صَلاةِ الاِستِسقاءِ ـ: يا مُعطِيَ الخَيراتِ مِن أماثِلِها، ومُرسِلَ البَرَكاتِ مِن مَعادِنِها، مِنكَ الغَيثُ المُغيثُ، وأنتَ الغِياثُ المُستَغاثُ، ونَحنُ الخاطِئونَ وأهلُ الذُّنوبِ، وأنتَ المُستَغفَرُ الغَفّارُ، نَستَغفِرُكَ لِلجَهالاتِ مِن ذُنوبِنا،

---

١ . سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ٩٦٦ ح ٢٨٩٢، السنن الكبرى: ج ٥ ص ٢٣٠ ح ١٠٣٨٨، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ٢٤٧ ح ٦٣١١ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٥ ص ١٥ ح ١١٨٤٣.

٢ . المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ٣١٢ ح ٧٨٧.

٣ . لعلّ الصواب: «انصاحت»، قال الجرزي: وفي حديث الاستسقاء: «اللّهمّ انصاحت جبالنا» أي تشقّقت وجفّت لعدم المطر. يقال: صاحَهُ يصرحُهُ فهو مُنصاح؛ إذا شقّهُ، وصَوَّحَ النباتُ؛ إذا يبس وانشقّ (النهاية: ج ٣ ص ٥٨ «صوح»).

٤ . الجمُّ: الكثيرُ، والجمّات جمع جَمَّة (مجمع البحرين: ج ١ ص ٣١٨ «جمم»).

٥ . كنز العمّال: ج ٧ ص ٨٣٤ ح ٢١٦٠٠ نقلاً عن الخطّابي في غريب الحديث وابن عساكر عن ابن عبّاس.

۱۱/۷
حجّ و عمره

۲۷۷۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: حاجیان و عمره‌گزاران، میهمان خدا هستند. اگر او را بخوانند، پاسخشان می‌دهد، و اگر از او آمرزش بخواهند، آنان را می‌آمرزد.

۱۲/۷
نماز باران

۲۷۷۷ . **المعجم الکبیر** ـ به نقل از شفاء دختر خلف ـ: پیامبرﷺ روز جمعه، در مسجد، نماز باران خواند و دستانش را [به آسمان] بلند کرد و گفت: «از پروردگارتان، آمرزش بطلبید که او بسی آمرزنده است»، و عبایش را وارونه ساخت.

۲۷۷۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! آبادی‌های ما خشک شدند، و زمین‌های ما از گیاه و علف، تهی شدند، و چارپایانمان، تلف شدند. بار خدایا! ای فرو فرستندهٔ برکت‌ها از جایگاه‌هایشان، و ای پخش کنندهٔ رحمت از معادن آنها با بارانِ یاری دهنده! تویی آن که برای گناهان، از او آمرزش می‌خواهند. پس ما برای انبوه گناهانمان، از تو آمرزش می‌خواهیم و از خطاهای بزرگمان، به درگاهت توبه می‌آوریم. بار خدایا! آسمان را بر ما پیاپی فرو باران....

۲۷۷۹ . **امام علی**ﷺ ـ در خطبهٔ نماز باران ـ: ای دهندهٔ خیرات از بهترین راه‌های آن، و ای فرستندهٔ برکت‌ها از معادن آن! باران کمک کننده، از جانب توست، و تویی آن کمک رسانی که از او کمک می‌خواهند، و ما خطاکار و اهل گناهانیم. تویی آمرزنده‌ای که از او آمرزش می‌خواهند. برای گناهانی که از روی نادانی مرتکب گشته‌ایم، از تو آمرزش می‌طلبیم، و از عموم خطاهایمان

مِن عَوامِّ خَطايانا....[1]

راجع: المصباح للكفعمي: ص ٥٤٨ والبلد الأمين: ص ١٦٦.

١٣ / ٧
زِيارَةُ قَبرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله

الكتاب

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا﴾.[2]

الحديث

٢٧٨٠ . الإمام عليّ عليه السلام: قَدِمَ عَلَينا أعرابِيٌّ بَعدَما دَفَنّا رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله بِثَلاثَةِ أيّامٍ، فَرَمىٰ بِنَفسِهِ عَلىٰ قَبرِ رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله، وحَثا عَلىٰ رَأسِهِ مِن تُرابِهِ؛ فَقالَ: قُلتَ يا رَسولَ اللهِ فَسَمِعنا قَولَكَ، وَوَعَيتَ عَنِ اللهِ فَوَعَينا عَنكَ، وكانَ فيما أنزَلَ اللهُ عَلَيكَ: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوا أَنفُسَهُمْ﴾ الآيَةَ، وقَد ظَلَمتُ نَفسي، وجِئتُكَ تَستَغفِرُ لي. فَنودِيَ مِنَ القَبرِ: إنَّهُ قَد غُفِرَ لَكَ.[3]

٢٧٨١ . الإمام الصادق عليه السلام ـ مِمّا أمَرَ بِهِ أن يُقالَ عِندَ قَبرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ـ: اللّهُمَّ إنَّكَ قُلتَ: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ

---

١. تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٥٣ ح ٣٢٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٣٢ ح ١٥٠١ و ص ٥٣٧ ح ١٥٠٤ عن الإمام الحسين عليه السلام، قرب الإسناد: ص ١٥٧ ح ٥٧٦ عن أبي البختري وهب بن وهب القرشي عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام الحسين عليه السلام وكلّها نحوه، مصباح المتهجّد: ص ٥٢٨ ح ٦١١، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٩٤ ح ٢.

٢. النساء: ٦٤.

٣. تفسير القرطبي: ج ٥ ص ٢٦٥ عن أبي صادق، كنز العمّال: ج ٢ ص ٣٨٦ ح ٤٣٢٢؛ المزار للشهيد الأوّل: ص ٣ عن السمعاني.

به درگاه تو، توبه می‌آوریم....

ر.ک: المصباح، کفعمی: ص ۵۴۸، البلد الأمین: ص ۱۶۶.

۱۳/۷
زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

قرآن

﴿ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر برای آن که به فرمان خدا فرمانش برَند. اگر آنان، آن گاه که بر خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر، برایشان آمرزش می‌خواست، خداوند را توبه‌پذیری مهربان می‌یافتند﴾.

حدیث

۲۷۸۰ . امام علی علیه السلام: سه روز پس از آن که پیامبر خدا را به خاک سپردیم، بادیه‌نشینی نزد ما [در مدینه] آمد و خودش را روی قبر پیامبر خدا انداخت و از خاک آن، بر سر خود ریخت و گفت: ای پیامبر خدا! تو گفتی و ما گفتهٔ تو را شنیدیم. تو از خدا گرفتی و ما از تو گرفتیم. از چیزهایی که خدا بر تو فرو فرستاد، این است: ﴿و اگر آن گاه که به خود، ستم کردند...﴾، و من به خود، ستم کرده‌ام و نزد تو آمده‌ام تا که برایم طلبِ آمرزش کنی.

در این هنگام از قبر صدایی آمد که: «آمرزیده شدی».

۲۷۸۱ . امام صادق علیه السلام ـ از چیزهایی که فرمود در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله خوانده شود ـ: بار خدایا! تو فرموده‌ای: ﴿اگر آنها آن گاه که به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا

إذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ ٱللَّهَ وَٱسْتَغْفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُواْ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا﴾، وإنّي أتيتُ نَبِيَّكَ مُستَغفِراً تائِباً مِن ذُنوبي، وإنّي أتَوَجَّهُ بِكَ إلَى اللهِ رَبّـي ورَبِّكَ لِيَغفِرَ لي ذُنوبي.[١]

١٤ / ٧
طَوافُ البَيتِ

٢٧٨٢ . كنز العمّال عن عبد الأعلى التميمي: قالَت خَديجَةُ بِنتُ خُوَيلِدٍ: يا رَسولَ اللهِ، ما أقولُ وأنَا أطوفُ بِالبَيتِ؟

قالَ: قولي: اللّهُمَّ اغفِر لي ذُنوبي وخَطاياىَ، وعَمدي وإسرافي في أمري، إنَّكَ إن لا تَغفِر لي تُهلِكني.[٢]

١٥ / ٧
الإفاضَةُ مِن عَرَفاتٍ إلَى المَشعَرِ

الكتاب

﴿ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسْتَغْفِرُواْ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.[٣]

الحديث

٢٧٨٣ . الإمام الصادق عليه السلام: إذا غَرَبَتِ الشَّمسُ فَأَفِض مَعَ النّاسِ وعَلَيكَ السَّكينَةُ وَالوَقارُ،

---

١ . الكافي: ج ٤ ص ٥٥١ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٦ ح ٨، كامل الزيارات: ص ٥٠ ح ٢٧ نحوه وكلّها عن معاوية بن عمّار، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٦٧، مصباح المتهجّد: ص ٧١٠ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٥٠ ح ١٧.

٢ . كنز العمّال: ج ٥ ص ٥٧ ح ١٢٠٣٣ نقلاً عن شعب الإيمان عن عبد الأعلى التميمي.

٣ . البقرة: ١٩٩.

آمرزش می‌خواستند و پیامبرﷺ برایشان آمرزش می‌طلبید، بی گمان، خدا را توبه‌پذیری مهربان می‌یافتند﴾، و من، نزد پیامبرت آمده‌ام و از گناهان خویش، آمرزش می‌خواهم و توبه می‌کنم. من به واسطهٔ تو، به خدا ـ که پروردگار من و توست ـ، رو می‌آورم تا گناهان مرا بیامرزد».

۱۴ / ۷
طواف خانهٔ خدا

۲۷۸۲ . **کنز العمّال** ـ به نقل از عبد الأعلی تمیمی ـ: خدیجه دختر خُوَیلِد گفت: ای پیامبر خدا! هنگامی که طواف خانهٔ خدا می‌کنم، چه بگویم؟

فرمود: «بگو: "بار خدایا! گناهان و خطاهای مرا و بدی‌هایی را که به عمد از من، سر زده است، و زیاده روی‌ام در کارم را بیامرز، که اگر تو مرا نیامرزی، مرا هلاک کرده‌ای (/گناهان و... مرا به هلاکت می‌افکنند)"».

۱۵ / ۷
کوچیدن از عرفات به مشعر

قرآن

﴿پس از همان جا که مردم روانه می‌شوند، شما نیز روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید، که خدا آمرزگاری مهربان است﴾.

حدیث

۲۷۸۳ . **امام صادق**ﷺ: چون خورشید، غروب کرد، با مردم روانه شو و آرامش و وقار داشته باش، و با آمرزش‌خواهی روانه شو؛ زیرا خداوندﷻ می‌فرماید: ﴿سپس، از همان

وأفِض بِالاِستِغفارِ، فَإنَّ اللهﷻ يَقولُ: ﴿ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسْتَغْفِرُواْ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.[١]

١٦ / ٧
الإفاضَةُ مِنَ المَشعَرِ إلى مِنىً

٢٧٨٣ . **الإمام الصادق**ﷺ ـ في ذِكرِ الإفاضَةِ مِنَ المَشعَرِ ـ: كانَ أهلُ الجاهِلِيَّةِ يَقولونَ: أشرِق ثَبيرُ ـ يَعنونَ الشَّمسَ ـ كَيما نُغيرَ.[٢]

وإنَّما أفاضَ رَسولُ اللهﷺ خِلافَ أهلِ الجاهِلِيَّةِ، كانوا يُفيضونَ بِإيجافِ الخَيلِ وإيضاعِ الإبِلِ، فَأفاضَ رَسولُ اللهﷺ خِلافَ ذٰلِكَ؛ بِالسَّكينَةِ وَالوَقارِ وَالدَّعَةِ، فَأفِض بِذِكرِ اللهِ وَالاِستِغفارِ، وحَرِّك بِهِ لِسانَكَ.[٣]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١. الكافي: ج ٤ ص ٤٦٧ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٨٧ ح ٦٢٣ كلاهما عن معاوية بن عمّار، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٤٣ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيتﷺ، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٣٢١ كلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٢٦٩ ح ١٥.

٢. في المصدر: «تغير»، والصواب ما أثبتناه كما في علل الشرائع.

٣. تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٩٢ ح ٦٣٧، علل الشرائع: ص ٤٤٤ ح ١ نحوه وكلاهما عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٢٦٧ ح ٥.

جا که مردمان روانه می‌شوند، روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید، که خدا آمرزگاری مهربان است﴾.

۱۶ / ۷
کوچیدن از مشعر به منا

۲۷۸۴ . **امام صادق**ﷺ ـ در بیان کوچیدن از مشعر ـ: مردم جاهلیت می‌گفتند: «طلوع کن، ای ثَبیر (یعنی خورشید) تا [به سوی مِنا و قربانگاه] بشتابیم»؛ امّا پیامبر خدا، بر خلاف [شیوه] مردم جاهلیت، ره سپار می‌شد. آنها با دوانیدن اسب‌ها و شتاباندن شترها [به سرعت] حرکت می‌کردند، و پیامبر خدا، بر خلاف این شیوه، با آرامش و وقار و طمأنینه، ره سپار می‌شد. پس تو نیز با یاد کردن از خدا و آمرزش‌خواهی، روانه شو و پیوسته، این اذکار را بر زبان جاری کن.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ الثّامِنُ

الاِستِغفارُ لِلآخَرينَ

١ / ٨

مَن يَنبَغي الاِستِغفارُ لَهُ

أ ـ الوالِدانِ

الكتاب

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾.[١]

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾.[٢]

الحديث

٢٧٨٥ . رسول الله ﷺ: اِستِغفارُ الوَلَدِ لِأَبيهِ مِن بَعدِ المَوتِ مِنَ البِرِّ.[٣]

٢٧٨٦ . عنه ﷺ: إنَّ الرَّجُلَ لَتُرفَعُ دَرَجَتُهُ فِي الجَنَّةِ فَيَقولُ: أنّىٰ هٰذا؟ فَيُقالُ: بِاستِغفارِ وَلَدِكَ لَكَ.[٤]

---

١. إبراهيم: ٤١.

٢. نوح: ٢٨.

٣. كنز العمّال: ج ١٦ ص ٤٦٣ ح ٤٥٤٤٩ نقلاً عن ابن النجّار عن أبي أسيد مالك بن زرارة.

٤. سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٠٧ ح ٣٦٦٠، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٥٨٤ ح ١٠٦١٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٣ ص ٢٦١ ح ٥ كلاهما نحوه وج ٧ ص ١٢٠ ح ٣ كلّها عن أبي هريرة.

فصل هشتم

آمرزش خواهی برای دیگران

۱/۸

کسانی که باید برایشان آمرزش خواست

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الف ـ پدر و مادر

قرآن

﴿ای پروردگار ما! مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را در آن روز که حساب برپا می‌شود، بیامرز﴾.

﴿ای پروردگار من! مرا، و پدر و مادرم را، و هر مؤمنی را که به سرایم درآید، و مردان و زنان باایمان را بیامرز﴾.

حدیث

۲۷۸۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: آمرزش‌خواهی فرزند برای پدرش پس از مرگ او، از [مصادیق] نیکی [به والدین] است.

۲۷۸۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: بر درجهٔ شخص در بهشت افزوده می‌شود و او می‌گوید: این، از کجا آمد؟

به او گفته می‌شود: «از آمرزش‌خواهی فرزندت برای تو».

٢٧٨٧ . عنه ﷺ: إنَّ الرَّجُلَ يَموتُ والِداهُ أو أحَدُهُما، وإنَّهُ لَعاقٌّ لَهُما، فَلا يَزالُ يَدعو لَهُما، ويَستَغفِرُ لَهُما، حَتّىٰ يَكتُبَهُ اللهُ بَرّاً.[١]

٢٧٨٨ . المعجم الكبير عن أبي كاهل: قالَ لي رَسولُ اللهِ ﷺ: ... اِعلَمَنَّ يا أبا كاهِلٍ؛ أنَّهُ مَن بَرَّ والِدَيهِ حَيّاً ومَيِّتاً كانَ حَقّاً عَلَى اللهِ أن يُرضِيَهُ يَومَ القِيامَةِ.

قالَ: قُلتُ: كَيفَ يَبَرُّ والِدَيهِ إذا كانا مَيِّتَينِ؟ قالَ: بِرُّهُما أن يَستَغفِرَ لِوالِدَيهِ، ولا يَسُبَّ والِدَي أحَدٍ فَيَسُبَّ والِدَيهِ.[٢]

٢٧٨٩ . الإمام الباقر ﷺ: إنَّ العَبدَ لَيَكونُ بارّاً بِوالِدَيهِ في حَياتِهِما، ثُمَّ يَموتانِ فَلا يَقضي عَنهُما دُيونَهُما، ولا يَستَغفِرُ لَهُما، فَيَكتُبُهُ اللهُ عاقّاً.

وإنَّهُ لَيَكونُ عاقّاً لَهُما في حَياتِهِما، غَيرَ بارٍّ بِهِما، فَإذا ماتا قَضىٰ دَينَهُما وَاستَغفَرَ لَهُما، فَيَكتُبُهُ اللهُ ﷻ بارّاً.[٣]

٢٧٩٠ . الإمام الصادق ﷺ: ميراثُ اللهِ مِن عَبدِهِ المُؤمِنِ، الوَلَدُ الصّالِحُ يَستَغفِرُ لَهُ.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ب ـ المُؤمِنونَ وَالمُؤمِناتُ

الكتاب

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَـٰهَ إِلَّا اللَّـهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّـهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ﴾.[٥]

---

١ . كنز العمّال: ج ١٦ ص ٤٧٧ ح ٤٥٥٣٤ نقلاً عن ابن عساكر عن أنس.

٢ . المعجم الكبير: ج ١٨ ص ٣٦٢ ح ٩٢٨.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ١٦٣ ح ٢١، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٣٣ ح ٨٧ كلاهما عن محمّد بن مسلم، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٨١ ح ٨٤.

٤ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٨١ ح ٤٦٨٩، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٧١ ح ١٦١٠، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٩٠ ح ٢.

٥ . محمّد: ١٩.

۲۷۸۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: انسان، پدر و مادرش یا یکی از آن دو می‌میرد و او نسبت به آنان، نافرمان و بدرفتار بوده است؛ ولی پیوسته، برایشان دعا می‌کند و آمرزش می‌طلبد تا آن که خداوند، او را نیکوکار می‌نویسد.

۲۷۸۸ . **المعجم الکبیر** ـ به نقل از ابو کاهل ـ: پیامبر خدا به من فرمود: «... بدان ـ ای ابو کاهل ـ که هر کس به پدر و مادرش، زنده باشند یا مُرده، نیکی کند، بر خداست که در روز قیامت، او را خشنود سازد.

من گفتم: چگونه به پدر و مادرش که مُرده‌اند، نیکی کند؟

فرمود: «نیکی کردن به آنها به این است که برای پدر و مادرش، طلبِ آمرزش کند، و [نیز] به پدر و مادر کسی ناسزا نگوید تا او به پدر و مادرش ناسزا گوید».

۲۷۸۹ . **امام باقر**ؑ: بنده، در زمان حیات پدر و مادرش، با آنان خوش رفتار است؛ امّا چون می‌میرند، نه دیون آن دو را می‌پردازد و نه برایشان آمرزش می‌طلبد. پس خداوند، او را بدرفتار و نافرمان می‌نویسد، و [برعکس] در زمان حیاتشان، نسبت به آن دو نافرمان و بدرفتار است و به آنان، نیکی نمی‌کند؛ ولی چون از دنیا رفتند، دَین آنها را ادا می‌کند و برایشان، آمرزش می‌طلبد. پس خداوندﷻ او را نیکوکار [به والدین] می‌نویسد.

۲۷۹۰ . **امام صادق**ؑ: میراث خدا از بندهٔ مؤمنش، فرزند شایسته‌ای است که برای او آمرزش می‌طلبد.

ب ـ مردان و زنان مؤمن

قرآن

﴿پس بدان که معبودی جز خدا نیست، و برای گناهت و برای مردان و زنان باایمان، طلب آمرزش کن، و خدا، فرجام و مآل شما را می‌داند﴾.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾.[١]

الحديث

٢٧٩١ . رسول الله ﷺ: مَنِ استَغفَرَ لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ، كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ مُؤمِنٍ ومُؤمِنَةٍ حَسَنَةً.[٢]

٢٧٩٢ . عنه ﷺ: ما مِن مُؤمِنٍ أو مُؤمِنَةٍ مَضىٰ مِن أوَّلِ الدَّهرِ، أو هُوَ آتٍ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ، إلّا وهُم شُفَعاءُ لِمَن يَقولُ في دُعائِهِ: اللّٰهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ.

وإنَّ العَبدَ لَيُؤمَرُ بِهِ إلَى النّارِ يَومَ القِيامَةِ فَيُسحَبُ، فَيَقولُ المُؤمِنونَ وَالمُؤمِناتُ: يا رَبَّنا هٰذَا الَّذي كانَ يَدعو لَنا فَشَفِّعنا فيهِ، فَيُشَفِّعُهُمُ اللهُ فيهِ فَيَنجو.[٣]

٢٧٩٣ . عنه ﷺ: مَن لَم يَكُن عِندَهُ مالٌ يَتَصَدَّقُ بِهِ، فَليَستَغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ، فَإِنَّها صَدَقَةٌ.[٤]

٢٧٩٤ . عنه ﷺ: مَنِ استَغفَرَ لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ كُلَّ يَومٍ سَبعاً وعِشرينَ مَرَّةً، كانَ مِنَ الَّذينَ يُستَجابُ لَهُم، ويُرزَقُ بِهِم أهلُ الأَرضِ.[٥]

٢٧٩٥ . الإمام الصادق ﷺ: مَن قالَ كُلَّ يَومٍ خَمساً وعِشرينَ مَرَّةً: «اللّٰهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ» كَتَبَ اللهُ لَهُ بِعَدَدِ كُلِّ مُؤمِنٍ مَضىٰ، وكُلِّ مُؤمِنٍ ومُؤمِنَةٍ بَقِيَ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ حَسَنَةً، ومَحا عَنهُ سَيِّئَةً، ورَفَعَ لَهُ دَرَجَةً.[٦]

---

١ . الحشر: ١٠.

٢ . مسند الشاميّين: ج ٣ ص ٢٣٤ ح ٢١٥٥ عن عبادة بن الصامت، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٥ ح ٢٠٦٧.

٣ . الأمالي للصدوق: ص ٥٤١ ح ٧٢٤ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، ثواب الأعمال: ص ١٩٤ ح ٤ عن محمّد بن حمّاد الحارثي عن الإمام الصادق عن أبيه ﷺ عنه ﷺ نحوه، روضة الواعظين: ص ٣٥٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٨٥ ح ١٠.

٤ . المعجم الأوسط: ج ٣ ص ١٢٨ ح ٢٦٩٣، الدعاء للطبراني: ص ٥١٩ ح ١٨٤٩ كلاهما عن أبي هريرة.

٥ . كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٦ ح ٢٠٦٨ نقلاً عن المعجم الكبير عن أبي الدرداء.

٦ . ثواب الأعمال: ص ١٩٤ ح ٣، الأمالي للطوسي: ص ٤٢٤ ح ٩٤٩، الأمالي للصدوق: ص ٤٦٢ ح ٦١٧ كلّها

﴿ای پروردگار ما! ما را و برادران ما را که پیش از ما ایمان آوردند، بیامرز﴾.

حدیث

۲۷۹۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس برای مردان و زنان مؤمن، آمرزش بخواهد، خداوندْ به ازای هر مرد و زن مؤمنی، یک کار نیک برایش می‌نویسد.

۲۷۹۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر مرد یا زن مؤمنی که از اوّل روزگار بوده یا تا روز قیامت خواهد آمد، برای کسی که در دعایش بگوید: «بار خدایا! مردان و زنان مؤمن را بیامرز»، شفاعت خواهند کرد.

در روز قیامت، فرمان داده می‌شود که فلان بنده را به سوی آتش ببرند و او را کِشانْ کِشان می‌برند. در این هنگام، مردان و زنان مؤمن می‌گویند: «پروردگارا! این، کسی است که برای ما دعا می‌کرد. پس شفاعت مارا در بارهٔ او بپذیر»، و خداوند، شفاعت آنان را در حقّ او می‌پذیرد و او نجات می‌یابد.

۲۷۹۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس مالی ندارد که صدقه بدهد، برای مردان و زنان، آمرزش بخواهد؛ زیرا این کار، خود، صدقه است.

۲۷۹۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس روزی بیست و هفت بار برای مؤمنین و مؤمنان، طلب آمرزش کند، از کسانی است که دعایشان مستجاب می‌گردد و به سبب آنان، زمینیان، روزی داده می‌شوند.

۲۷۹۵ . **امام صادق**ؑ: هر کس روزی بیست و پنج مرتبه بگوید: «بار خدایا! مردان و زنان باایمان و مردان و زنان مسلمان را بیامرز»، خداوند، به عدد هر مرد مؤمنی که درگذشته است، و به شمارِ هر مرد و زن مؤمنی که تا روز قیامت می‌آید، یک کار نیک برایش می‌نویسد و یک گناه، از او پاک کند و یک درجه او را بالا می‌برد».

٢٧٩٦ . عنه ﷺ: إذا قالَ الرَّجُلُ: «اللّٰهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ، الأَحياءِ مِنهُم وجَميعِ الأَمواتِ» رَدَّ اللهُ عَلَيهِ بِعَدَدِ مَن مَضىٰ ومَن بَقِيَ مِن كُلِّ إنسانٍ دَعوَةً.[١]

٢٧٩٧ . رسول الله ﷺ: ما مِن مُسلِمٍ يَدعو لِأَخيهِ بِظَهرِ الغَيبِ فَيَقولُ: «اللّٰهُمَّ، أخي فُلانٌ فَاغفِر لَهُ» إلّا قالَتِ المَلائِكَةُ: آمينَ، ولَكَ بِمِثلٍ.[٢]

٢٧٩٨ . الإمام الصادق ﷺ: يَنبَغي لِلإمامِ الَّذي يَخطُبُ النّاسَ يَومَ الجُمُعَةِ أن... يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ ﷺ، وعَلىٰ أئِمَّةِ المُسلِمينَ، ويَستَغفِرَ لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ.

ج ـ المُذنِبُ

٢٧٩٩ . رسول الله ﷺ: يَلزَمُ الحَقُّ لِأُمَّتي في أربَعٍ: يُحِبّونَ التّائِبَ، ويَرحَمونَ الضَّعيفَ، ويُعينونَ المُحسِنَ، ويَستَغفِرونَ لِلمُذنِبِ.[٣]

٢٨٠٠ . المعجم الأوسط عن ابن عمر: كُنّا نُمسِكُ عَنِ الاستِغفارِ لِأَهلِ الكَبائِرِ، حَتّىٰ سَمِعنا نَبِيَّنا ﷺ يَقولُ: إنّي ادَّخَرتُ شَفاعَتي لِأَهلِ الكَبائِرِ مِن أُمَّتي يَومَ القِيامَةِ، فَأَمسَكنا عَن كَثيرٍ مِمّا كانَ في أنفُسِنا، ورَجَونا لَهُم.[٤]

٢٨٠١ . الإمام الصادق ﷺ: مَنِ اطَّلَعَ مِن مُؤمِنٍ عَلىٰ ذَنبٍ أو سَيِّئَةٍ، فَأَفشىٰ ذٰلِكَ عَلَيهِ ولَم

---

١ . فلاح السائل: ص ١١٠ ح ٥٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٩١ ح ٢٤.

٢ . تاريخ دمشق: ج ٢٥ ص ١٢٦ عن أبي الدرداء، كنز العمّال: ج ٢ ص ١١٠ ح ٣٣٨٦ نقلاً عن المعجم الكبير عن أبي الدرداء.

٣ . الكافي: ج ٣ ص ٤٢١ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٤٣ ح ٦٥٥ كلاهما عن سماعة، وسائل الشيعة: ج ٥ ص ٣٨ ح ٩٥٣٢.

٣ . الخصال: ص ٢٣٩ ح ٨٨ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق ﷺ، مشكاة الأنوار: ص ٢٦٣ ح ٧٨٠ عن الإمام الصادق ﷺ عنه ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٨٤ ح ٧.

٤ . المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٠٦ ح ٥٩٤٢، تفسير ابن كثير: ج ٢ ص ٢٩٠ نحوه.

۲۷۹۶ . **امام صادق**ﷺ: هرگاه شخصی بگوید: «بار خدایا! مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان، زندگانشان و همهٔ مُردگانشان را بیامرز»، خداوندْ به شمارِ هر انسانی که درگذشته و هر انسانی که باقی است، یک دعا به او برمی‌گردانَد.

۲۷۹۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ مسلمانی نیست که پشتِ سر برادرش برای او دعا کند و بگوید: «بار خدایا! برادرم فلانی را بیامرز»، مگر آن که فرشتگان می‌گویند: «آمین! و تو را نیز چنان باد!».

۲۷۹۸ . **امام صادق**ﷺ: شایسته است امامی که در روز جمعه برای مردم، خطبه [ی نماز] می‌خواند... بر محمّد و بر پیشوایان مسلمانان، درود بفرستد و برای مردان و زنان مؤمن، طلب آمرزش کند.

ج ـ گنهکار

۲۷۹۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: در بارهٔ چهار گروه، وظایفی بر عهدهٔ امّت من است: توبه کننده را دوست بدارند، به ناتوان [و فقیر] رحم کنند، به نیکوکارْ کمک رسانند، و برای گنهکارْ آمرزش بخواهند.

۲۸۰۰ . **المعجم الأوسط** ـ به نقل از ابن عمر ـ: ما از آمرزش‌خواهی برای مرتکبان گناهانِ کبیره، خودداری می‌کردیم تا آن که شنیدیم پیامبرمانﷺ می‌فرماید: «من شفاعتم را برای مرتکبانِ گناهانِ کبیره از امّتم در روز قیامت، اندوخته‌ام. لذا بسیاری از چیزهایی را که در دل‌های ما بود، کنار نهادیم، و به [آمرزش] آنان، امیدوار شدیم».

۲۸۰۱ . **امام صادق**ﷺ: هر کس بر گناهی یا بدی‌ای از مؤمنی مطّلع شود و آن را فاش سازد و پوشیده‌اش ندارد و برای او از خدا طلب آمرزش نکند، در نزد خدا، چون

يَكتُمها، ولَم يَستَغفِرِ اللهَ لَهُ، كانَ عِندَ اللهِ كَعامِلِها، وعَلَيهِ وِزرُ ذٰلِكَ الَّذي أفشاهُ عَلَيهِ، وكانَ مَغفوراً لِعامِلِها، وكانَ عِقابُهُ ما أفشىٰ عَلَيهِ فِي الدُّنيا، مَستورٌ عَلَيهِ فِي الآخِرَةِ، ثُمَّ يَجِدُ اللهَ أكرَمَ مِن أن يُثَنِّيَ عَلَيهِ عِقاباً فِي الآخِرَةِ.[١]

د ـ المُغتابُ

٢٨٠٢ . **الإمام الصادق**عليه السلام: سُئِلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: ما كَفّارَةُ الاِغتِيابِ؟ قالَ: تَستَغفِرُ اللهَ لِمَنِ اغتَبتَهُ كُلَّما ذَكَرتَهُ.[٢]

٢٨٠٣ . **رسول الله**صلى الله عليه وآله: كَفّارَةُ الاِغتِيابِ أن تَستَغفِرَ لِمَنِ اغتَبتَهُ.[٣]

هـ ـ المُحتَضَرُ وَالمَيِّتُ

٢٨٠٤ . **مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري**: لَمّا قَدِمَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله كُنّا نُؤذِنُهُ[٤] لِمَن حَضَرَ مِن مَوتانا، فَيَأتيهِ قَبلَ أن يَموتَ، فَيَحضُرُهُ ويَستَغفِرُ لَهُ ويَنتَظِرُ مَوتَهُ.

قالَ: فَكانَ ذٰلِكَ رُبَّما حَبَسَهُ الحَبسَ الطَّويلَ، فَشَقَّ عَلَيهِ، قالَ: فَقُلنا: إنَّهُ أرفَقُ بِرَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله ألّا نُؤذِنَهُ بِالمَيِّتِ حَتّىٰ يَموتَ، قالَ: فَكُنّا إذا ماتَ مِنّا المَيِّتُ آذَنّاهُ بِهِ، فَجاءَ في أهلِهِ فَاستَغفَرَ لَهُ، وصَلّىٰ عَلَيهِ، ثُمَّ إن بَدا لَهُ أن يَشهَدَهُ انتَظَرَ شُهودَهُ، وإن بَدا لَهُ أن يَنصَرِفَ انصَرَفَ.

قالَ: فَكُنّا عَلىٰ ذٰلِكَ طَبَقَةً أُخرىٰ، قالَ فَقُلنا: إنَّهُ أرفَقُ بِرَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله أن نَحمِلَ

---

١ . الاختصاص: ص ٣٢، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢١٦ ح ١٦.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٣٥٧ ح ٤، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٣٧٧ ح ٤٣٢٧ كلاهما عن حفص بن عمر، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٤١ ح ٤.

٣ . الأمالي للمفيد: ص ١٧٢ ح ٧، الأمالي للطوسي: ص ١٩٢ ح ٣٢٥ كلاهما عن أنس، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٥٣ ح ٢٩؛ تاريخ بغداد: ج ٧ ص ٣٠٣ عن أنس، كنز العمّال: ج ٣ ص ٥٩٣ ح ٨٠٦٣.

٤ . آذنتهُ إيذاناً: أعلمته (المصباح المنير: ص ١٠ «أذن»).

کنندهٔ آن گناه یا بدی است، و گناه چیزی که فاش ساخته است، بر گردن اوست و آن مؤمن، آمرزیده می‌شود، و کیفرش، همان فاش شدن [و بی آبرو شدن او] در دنیاست، و در آخرت، بر او پوشیده می‌شود، و خداوند را بزرگوارتر از آن می‌یابد که دوباره، در آخرت هم او را کیفر دهد.

د ـ غیبت شونده:

۲۸۰۲ . **امام صادق**ﷺ: از پیامبرﷺ پرسیده شد: کفّارهٔ غیبت کردن چیست؟

فرمود: «این که هر زمان به یاد شخصی که از او غیبت کرده‌ای، افتادی، از خداوند برایش طلب آمرزش کنی».

۲۸۰۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: کفّاره غیبت، این است که برای شخصی که از او غیبت کرده‌ای، طلب آمرزش کنی.

هـ شخصِ در حال مرگ و مُرده

۲۸۰۴ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از ابوسعید خُدری ـ: زمانی که پیامبر خدا [به مدینه] آمد، هرگاه کسی از ما مرگش فرا می‌رسید، به اطّلاع ایشان می‌رساندیم و ایشان، پیش از این که آن شخص از دنیا برود، می‌آمد و بر بالین او حاضر می‌شد و برایش طلب آمرزش می‌کرد و منتظر می‌ماند تا از دنیا برود.

امّا این کار، گاه پیامبرﷺ را مدّتی طولانی نگه می‌داشت و ایشان، به زحمت می‌افتاد. لذا به خاطر رعایت حال پیامبرﷺ گفتیم که بهتر است به ایشان اطّلاع ندهیم تا زمانی که محتضر از دنیا برود. بنا بر این، طرف که از دنیا می‌رفت، آن را به اطّلاع ایشان می‌رساندیم و پیامبرﷺ به نزد خانوادهٔ او می‌آمد و برای درگذشته، طلب آمرزش می‌کرد و بر او نماز می‌خواند. سپس اگر صلاح می‌دید که در تشییع او شرکت کند، منتظر تشییعش می‌ماند؛ و گرنه می‌رفت.

مدّتی هم بر این روال گذشت. سپس گفتیم که بهتر است برای رعایت حال پیامبر خدا، ما مُرده‌هایمان را به خانهٔ پیامبر ببریم و ایشان را به

مَوتانا إلىٰ بَيتِهِ، ولا نُشخِصَهُ ولا نُعَنِّيهِ. قالَ: فَفَعَلنا ذٰلِكَ فَكانَ الأَمرُ.[١]

٢٨٠٥ . رسول اللهﷺ: مَا المَيِّتُ في قَبرِهِ إلّا يُشبِهُ الغَريقَ المُتَهَوِّبَ[٢]، يَنتَظِرُ دَعوَةً مِن أبٍ أو أُمٍّ أو وَلَدٍ أو صَديقٍ ثِقَةٍ، فَإذا لَحِقَتهُ كانَت أحَبَّ إلَيهِ مِنَ الدُّنيا وما فيها.

وإنَّ اللهﷻ لَيُدخِلُ عَلىٰ أهلِ القُبورِ مِن دُعاءِ أهلِ الوُدِّ أمثالَ الجِبالِ، وإنَّ هَدِيَّةَ الأَحياءِ لِلأَمواتِ الاِستِغفارُ لَهُم، وَالصَّدَقَةُ عَنهُم.[٣]

٢٨٠٦ . عنهﷺ: إنَّ أوَّلَ ما يُبَشَّرُ بِهِ المُؤمِنُ أن يُقالَ لَهُ: قَدِمتَ خَيرَ مَقدَمٍ، قَد غَفَرَ اللهُ لِمَن شَيَّعَكَ، وَاستَجابَ لِمَنِ استَغفَرَ لَكَ، وقَبِلَ مِمَّن شَهِدَ لَكَ.[٤]

٢٨٠٧ . سنن أبي داوود عن عثمان بن عفّان: كانَ النَّبِيُّﷺ إذا فَرَغَ مِن دَفنِ المَيِّتِ، وَقَفَ عَلَيهِ فَقالَ: اِستَغفِروا لِأَخيكُم وسَلوا لَهُ بِالتَّثبيتِ؛ فَإنَّهُ الآنَ يُسأَلُ.[٥]

٢٨٠٨ . رسول اللهﷺ: ما صَلّىٰ ثَلاثَةُ صُفوفٍ مِنَ المُسلِمينَ عَلىٰ رَجُلٍ مُسلِمٍ، يَستَغفِرونَ لَهُ، إلّا أوجَبَ[٦].[٧]

٢٨٠٩ . عنهﷺ ـ إنَّهُ كانَ يَخرُجُ إلَى البَقيعِ لَيلاً، فَيَقولُ ـ: السَّلامُ عَلَيكُم دارَ قَومٍ مُؤمِنينَ! وآتاكُم ما توعَدونَ غَداً مُؤَجَّلونَ، وإنّا إن شاءَ اللهُ بِكُم لاحِقونَ، اللّٰهُمَّ اغفِر لِأَهلِ

---

١. مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٣٢ ح ١١٦٢٨، صحيح ابن حبّان: ج ٧ ص ٢٧٥ ح ٣٠٠٦ نحوه.

٢. الهوبُ: البُعد. ويُقال: تركته في هوبٍ دابرٍ، أي: بحيث لا يُدرىٰ أين هو (تاج العروس: ج ٢ ص ٤٩٨ «هوب»).

٣. الفردوس: ج ٤ ص ١٠٣ ح ٦٣٢٣ عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٦٩٤ ح ٤٢٧٨٣.

٤. فلاح السائل: ص ١٦٩ ح ٨١، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٥١ ح ٤١؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ٣٦١ ح ٣١٣ عن الطيّب المبارك نحوه، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٥٩٦ ح ٤٢٣٥٥.

٥. سنن أبي داوود: ج ٣ ص ٢١٥ ح ٣٢٢١، السنن الكبرى: ج ٤ ص ٩٣ ح ٧٠٦٤، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ١٣٥، كنز العمّال: ج ٧ ص ١٥٨ ح ١٨٥١٤.

٦. يقال: أوجَبَ الرَّجُلُ إذا فَعَلَ فعلاً وجبت له به الجنّة أو النار (النهاية: ج ٥ ص ١٥٣ «وجب»).

٧. السنن الكبرى: ج ٤ ص ٤٨ ح ٦٩٠٥، تاريخ دمشق: ج ٥٦ ص ٥١١ ح ١١٨٩٦ كلاهما عن مالك بن هبيرة، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٥٨٨ ح ٤٢٣٠٨ وراجع مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ٢٠٦ ح ٦٧٩٦.

خانهٔ شخص مُرده نکشانیم و باعث زحمت پیامبر خدا نشویم. این کار را کردیم و از آن پس، چنین مرسوم شد.

۲۸۰۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: مُرده در گور خود، به سانِ شخص غرق شده و دور افتاده است. چشم به راه دعایی از جانب پدر یا مادر یا فرزند یا یک دوست صمیمی است. هرگاه چنین دعایی به او برسد، برایش از دنیا و آنچه در دنیاست، دوست داشتنی‌تر است.

خداوندﷻ بر اثر دعای عزیزان و دوستان، [بخشش‌ها و ثواب‌هایی] به اندازهٔ کوه‌ها بر اهل قبور وارد می‌کند، و هدیهٔ زندگان به مُردگان، آمرزش‌خواهی برای آنان و صدقه دادن از جانب ایشان است.

۲۸۰۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: نخستین بشارتی که به مؤمن داده می‌شود، این است که به او گفته می‌شود: «خوش آمدی! خداوند، تشییع کنندگان تو را آمرزید و دعای کسانی را که برایت طلب آمرزش کردند، مستجاب فرمود و شهادت کسانی را که برایت شهادت دادند، پذیرفت».

۲۸۰۷ . **سنن أبی داوود** ـ به نقل از عثمان بن عفّان ـ: پیامبرﷺ هرگاه از خاک‌سپاری میّت آسوده می‌شد، بر قبر او می‌ایستاد و می‌فرمود: «برای برادرتان، طلب آمرزش کنید و [از خدا] برایش پایداری بخواهید؛ زیرا هم‌اکنون، از او سؤال می‌شود».

۲۸۰۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: بر هیچ مرد مسلمانی، سه ردیف از مسلمانان نماز نخواندند و برایش آمرزش نطلبیدند، مگر آن که مستوجب آمرزش شد.

۲۸۰۹ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ شبانه به [قبرستان] بقیع می‌رفت و می‌فرمود ـ: درود بر شما، ای خانهٔ مردمانی مؤمن! آنچه به شما وعده داده شده است، فردای قیامت به شما داده خواهد شد، و ما نیز، به خواست خدا، به شما خواهیم پیوست. بار خدایا!

بَقيعِ الغَرقَدِ.[١]

٢٨١٠ . الإمام عليّ عليه السلام ـ وقَد مَرَّ بِبَعضِ القُبورِ عِندَ مُنصَرَفِهِ مِن صِفّينَ ـ: السَّلامُ عَلَيكُم يا أهلَ الدِّيارِ مِنَ المُؤمِنينَ وَالمُسلِمينَ، أنتُم لَنا سَلَفٌ فارِطٌ[٢]، ونَحنُ لَكُم تَبَعٌ عَمّا قَليلٍ لاحِقٌ. اللّهُمَّ اغفِر لَنا ولَهُم، وتَجاوَز بِعَفوِكَ عَنّا وعَنهُم.[٣]

٢٨١١ . الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ المَيِّتَ لَيَفرَحُ بِالتَّرَحُّمِ عَلَيهِ، وَالاِستِغفارِ لَهُ، كَما يَفرَحُ الحَيُّ بِالهَدِيَّةِ تُهدىٰ إلَيهِ.[٤]

٢ / ٨
مَن لا يَنبَغي الاِستِغفارُ لَهُ

أ ـ المُشرِكُ وَالكافِرُ

الكتاب

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسْتَغْفِرُواْ لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوٓاْ أُوْلِى قُرْبَىٰ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ * وَمَا كَانَ ٱسْتِغْفَارُ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَأَوَّٰهٌ حَلِيمٌ﴾.[٥]

---

١ . صحيح مسلم: ج ٢ ص ٦٦٩ ح ١٠٢، سنن النسائي: ج ٤ ص ٩٤، صحيح ابن حبّان: ج ٧ ص ٤٤٤ ح ٣١٧٢ كلاهما نحوه، السنن الكبرى: ج ٤ ص ١٣٢ ح ٧٢١٠ كلّها عن عائشة، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٦٤٨ ح ٤٢٥٦٢.

٢ . يُقال: فَرَطَ يفرُط فهو فارِطٌ، إذا تقدّم وسبق القوم (النهاية: ج ٣ ص ٤٣٤ «فرط»).

٣ . المعجم الكبير: ج ٤ ص ٥٦ ح ٣٦١٨، أُسد الغابة: ج ٢ ص ١٤٩ كلاهما عن زيد بن وهب، شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٢٥٦ ح ١٤؛ وقعة صفّين: ص ٥٣١ عن عبد الرحمن بن جندب، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٧٩ ح ٢٤.

٤ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ١٨٣ ح ٥٤٤ عن عمر بن يزيد، عوالي اللآلي: ج ٢ ص ٥٣ ح ١٤٢، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٦٢ ح ١.

٥ . التوبة: ١١٣ و ١١٤.

اهل بقیع غَرقد را بیامرز.

۲۸۱۰ . امام علیﷺ ـ در گذر از گورستانی به هنگام بازگشت از حنین فرمود ـ: درود بر شما، ای مؤمنان و ای مسلمانانی که در این خانه‌ها خفته‌اید! شما پیش گام و پیشرو ما هستید و ما نیز به زودی، در پی شما به شما خواهیم پیوست. بار خدایا! ما و ایشان را بیامرز و با بخشایش خود، از ما و ایشان درگذر.

۲۸۱۱ . امام صادقﷺ: میّت، از طلب رحمت و آمرزش برای او خوش حال می‌شود، همچنان که زنده، از دریافت هدیه خوش حال می‌گردد.

۲ / ۸

کسانی که نباید برایشان آمرزش خواست

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الف - مشرک و کافر

قرآن

﴿بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، سزاوار نیست برای مشرکان ـ پس از آن که برایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخ‌اند ـ طلب آمرزش کنند، هر چند خویشاوند [آنان] باشند. و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش، جز برای وعده‌ای که به او داده بود، نبود؛ ولی هنگامی که برای او روشن شد که وی، دشمن خداست، از او بیزاری جست. راستی که ابراهیم، دلسوزی بردبار بود﴾.

الحديث

٢٨١٢ . رسول الله ﷺ: أُوحِيَ إلَيَّ كَلِماتٌ فَدَخَلنَ في أُذُني، ووَقَرنَ في قَلبي: أُمِرتُ ألّا أستَغفِرَ لِمَن ماتَ مُشرِكاً، ومَن أعطىٰ فَضلَ مالِهِ فَهُوَ خَيرٌ لَهُ، ومَن أمسَكَ فَهُوَ شَرٌّ لَهُ، ولا يَلومُ اللهُ عَلىٰ كَفافٍ.[١]

٢٨١٣ . الإمام علي عليه السلام: سَمِعتُ رَجُلاً يَستَغفِرُ لِأَبَوَيهِ وهُما مُشرِكانِ، فَقُلتُ لَهُ: أتَستَغفِرُ لِأَبَوَيكَ وهُما مُشرِكانِ؟

فَقالَ: أوَ لَيسَ استَغفَرَ إبراهيمُ لِأَبيهِ؟ وهُوَ مُشرِكٌ، فَذَكَرتُ ذٰلِكَ لِلنَّبِيِّ ﷺ، فَنَزَلَت: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسْتَغْفِرُواْ لِلْمُشْرِكِينَ﴾[٢].[٣]

٢٨١٤ . تفسير العيّاشي عن أبي إسحاق الهمداني، عن رجل: صَلّىٰ رَجُلٌ إلىٰ جَنبي فَاستَغفَرَ لِأَبَوَيهِ ـ وكانا ماتا فِي الجاهِلِيَّةِ، فَقُلتُ: تَستَغفِرُ لِأَبَوَيكَ وقَد ماتا فِي الجاهِلِيَّةِ؟ فَقالَ: قَدِ استَغفَرَ إبراهيمُ لِأَبيهِ! فَلَم أدرِ ما أرُدُّ عَلَيهِ.

فَذَكَرتُ ذٰلِكَ لِلنَّبِيِّ ﷺ، فَأَنزَلَ اللهُ ﴿وَمَا كَانَ ٱسْتِغْفَارُ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ﴾[٤]، قالَ: لَمّا ماتَ تَبَيَّنَ أنَّهُ عَدُوٌّ لِلّٰهِ، فَلَم يَستَغفِر لَهُ.[٥]

٢٨١٥ . تفسير العيّاشي عن إبراهيم بن أبي البلاد، عن بعض أصحابه: قالَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام: ما

---

١ . تفسير الطبري: ج ٧ الجزء ١١ ص ٤٣، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ١٦١ كلاهما عن قتادة، كنز العمّال: ج ٦ ص ٣٨٣ ح ١٦١٦٥.

٢ . التوبة: ١١٣.

٣ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٢٨١ ح ٣١٠١، سنن النسائي: ج ٤ ص ٩١ وفيه «ما كان استغفار إبراهيم...» بدل «ما كان للنبيّ والذين ...»، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٧٦ ح ١٠٨٥ و ص ٢١٢ ح ٧٧١ نحوه، المستدرك على الصحيحين: ج ٢ ص ٣٦٥ ح ٣٢٨٩ كلّها عن أبي الخليل، كنز العمّال: ج ٢ ص ٤٢١ ح ٤٣٩٩.

٤ . التوبة: ١١٤.

٥ . تفسير العيّاشي: ج ٢ ص ١١٤ ح ١٤٨، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٣٩٠ ح ٩.

حدیث

۲۸۱۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: چند سخن به من وحی شد که از گوشم گذشتند و در دلم نشستند: فرمان یافتم تا برای آن که مشرک می‌میرد، آمرزش نخواهم، و [دیگر آن که:] هر کس فزونیِ دارایی خویش را ببخشد، این به سود اوست، و هر کس نگه دارد، این به زیان اوست، و خدا برای اندازهٔ کفایت، سرزنش نمی‌کند.

۲۸۱۳ . **امام علی**ؑ: شنیدم که مردی برای پدر و مادر مشرکش آمرزش می‌طلبد. به او گفتم: برای پدر و مادرِ مشرک خود، آمرزش می‌خواهی؟

گفت: مگر نه این است که ابراهیمؑ برای پدرش آمرزش طلبید، در حالی که او مشرک بود؟

من، این موضوع را به پیامبرﷺ گفتم. پس این آیه نازل شد: ﴿بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، سزاوار نیست که برای مشرکان، آمرزش بخواهند﴾.

۲۸۱۴ . **تفسیر العیّاشی** ـ به نقل از ابو اسحاق هَمْدانی، از مردی ـ: مردی در کنار من نماز می‌خواند. او برای پدر و مادرش ـ که در جاهلیت مُرده بودند ـ طلب آمرزش کرد. گفتم: برای پدر و مادرت که در جاهلیت مُرده‌اند، آمرزش می‌خواهی؟

گفت: ابراهیمؑ [هم] برای پدرش آمرزش خواست.

من ندانستم چه جوابی به او دهم. این را برای پیامبرﷺ گفتم. پس خداوند، این آیه را فرو فرستاد: ﴿و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش، جز برای وعده‌ای که به او داده بود، نبود؛ ولی وقتی برایش روشن شد او دشمن خداست، از وی بیزاری جست﴾. [امامؑ] فرمود: «یعنی وقتی مُرد، روشن شد که او دشمن خداست و دیگر، برایش آمرزش نخواست».

۲۸۱۵ . **تفسیر العیّاشی** ـ به نقل از ابراهیم بن ابی البلاد، از یکی از یارانش ـ: امام

النّاسُ في قَولِ اللهِ: ﴿وَمَا كَانَ ٱسْتِغْفَارُ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ﴾ ؟ قُلتُ: يَقولونَ: إنَّ إبراهيمَ وَعَدَ أباهُ لِيَستَغفِرَ لَهُ.

قالَ: لَيسَ هُوَ هٰكَذا، إنَّ إبراهيمَ وَعَدَهُ أن يُسلِمَ فَاستَغفَرَ لَهُ، ﴿فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ﴾.[١]

٢٨١٦ . قرب الإسناد عن عليّ بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عليه السلام، قال: سَأَلتُهُ عَن رَجُلٍ مُسلِمٍ وأبَواهُ كافِرانِ، هَل يَصلُحُ أن يَستَغفِرَ لَهُما فِي الصَّلاةِ؟

قالَ: إن كانَ فارَقَهُما وهُوَ صَغيرٌ لا يَدري أسلَما أم لا؟ فَلا بَأسَ، وإن عَرَفَ كُفرَهُما فَلا يَستَغفِر لَهُما، وإن لَم يَعرِف فَليَدعُ لَهُما.[٢]

ب ـ المُنافِقُ

الكتاب

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا۟ يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوْا۟ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ ۝ سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ﴾.[٣]

﴿ٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ﴾.[٤]

الحديث

٢٨١٧ . الإمام الرضا عليه السلام: إنَّ اللهَ تَعالىٰ قالَ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله: ﴿إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ

---

١ . تفسير العياشي: ج ٢ ص ١١٤ ح ١٤٦، بحار الأنوار: ج ١١ ص ٨٨ ح ١٤.

٢ . قرب الإسناد: ص ٢٨٦ ح ١١٣١، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٦٧ ح ٣٨.

٣ . المنافقون: ٥ و ٦.

٤ . التوبة: ٨٠.

صادق﵇ فرمود: «مردم، در بارهٔ این سخن خداوند: ﴿و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش، جز برای وعده‌ای که به او داده بود، نبود﴾، چه می‌گویند؟».

گفت: می‌گویند که ابراهیم﵇ به پدرش وعده داده بود که برایش طلب آمرزش کند.

امام﵇ فرمود: «چنین نیست؛ بلکه ابراهیم﵇ به او وعده داد که [اگر] مسلمان (موحّد) شود، برایش طلب آمرزش کند؛ ﴿ولی چون برایش معلوم شد او دشمن خداست، از وی بیزاری جست...﴾».

۲۸۱۶ . **قرب الإسناد** ـ به نقل از علی بن جعفر، برادر امام کاظم﵇ ـ: از امام کاظم﵇ در بارهٔ مرد مسلمانی که پدر و مادرش کافرند، پرسیدم و گفتم: آیا درست است که او در نماز، برای آنها طلب آمرزش کند؟

فرمود: «اگر در کودکی آنها را از دست داده است و نمی‌داند که اسلام آورده بودند یا نه، عیبی ندارد، و اگر می‌داند کافر بوده‌اند، برایشان طلب آمرزش نکند، ولی اگر نمی‌داند، برایشان دعا کند».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ب ـ منافق

قرآن

﴿و هرگاه به ایشان گفته شود که بیایید تا پیامبر خدا، برای شما آمرزش‌خواهی کند، سرهای خود را بر می‌گردانند و آنان را می‌بینی که تکبّرکنان، روی بر می‌تابند. برای آنان، یکسان است: چه برایشان، آمرزش بخواهی و چه برایشان آمرزش نخواهی. خدا، هرگز بر ایشان نخواهد بخشود. خدا، گروه فاسقان را راه نمایی نمی‌کند﴾.

﴿برایشان آمرزش بخواهی یا برایشان آمرزش نخواهی [فرقی نمی‌کند]. اگر هفتاد بار هم برایشان آمرزش بخواهی، خداوند، هرگز آنان را نمی‌آمرزد. این، بدان سبب است که به خدا و پیامبر او کافر شدند، و خدا، گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند﴾.

حدیث

۲۸۱۷ . **امام رضا﵇**: خداوند متعال به محمّدﷺ فرمود: ﴿اگر هفتاد بار هم برایشان

لَهُمْ﴾ فَاستَغفَرَ لَهُم مِئَةَ مَرَّةٍ لِيَغفِرَ لَهُم، فَأَنزَلَ اللهُ: ﴿سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾، وقال: ﴿وَلَاتُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَاتَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ﴾[1]، فَلَم يَستَغفِر لَهُم بَعدَ ذٰلِكَ، ولَم يَقُم عَلىٰ قَبرِ أَحَدٍ مِنهُم.[2]

٣/٨
مَن يَنبَغي طَلَبُ الاِستِغفارِ مِنهُ

أ ـ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله

الكتاب

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا﴾.[3]

الحديث

٢٨١٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله ـ لِحَرمَلَةَ بنِ زَيدٍ وقَد عَرَضَ عَلَى النَّبِيِّ أن يَدُلَّهُ عَلَى المُنافِقينَ مِن قَومِهِ ـ: لا، مَن جاءَنا كَما جِئتَنَا استَغفَرنا لَهُ كَمَا استَغفَرنا لَكَ، ومَن أصَرَّ عَلىٰ ذَنبِهِ فَاللهُ أولىٰ بِهِ، ولا تَخرِق عَلىٰ أحَدٍ سِتراً.[4]

٢٨١٩ . كنز العمّال عن يزيد بن الأسود: إنَّ أحَدَ الرَّجُلَينِ اللَّذَينِ صَلَّيا في رِحالِهِما قالَ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: يا رَسولَ اللهِ، استَغفِرِ اللهَ لي.

---

١ . التوبة: ٨٤.

٢ . تفسير العياشي: ج ٢ ص ١٠٠ ح ٩٢ عن العبّاس بن هلال، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٣٩٠ ح ٨.

٣ . النساء: ٦٤.

٤ . المعجم الكبير: ج ٤ ص ٦ ح ٣٤٧٥، أسد الغابة: ج ١ ص ٧١٥ كلاهما عن ابن عمر، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ١٤٣، تاريخ دمشق: ج ٦٧ ص ٢٣ ح ١٣٤٨١ و ص ٩٧ ح ١٣٥١١ والثلاثة الأخيرة عن أبي الدرداء نحوه، كنز العمّال: ج ٤ ص ٢٤٦ ح ١٠٣٧٢.

آمرزش بخواهی، خداوند، هرگز آنان را نخواهد آمرزید». پس پیامبرﷺ صد مرتبه برایشان طلب آمرزش کرد تا [خداوند] ایشان را بیامرزد؛ ولی خدا این آیه را فرو فرستاد: «برای آنان، یکسان است. چه برایشان، آمرزش بخواهی و چه برایشان آمرزش نخواهی، خداوند، هرگز آنان را نمی‌آمرزد» و فرمود: «و بر هر یک از آنان که بمیرد، هرگز نماز مخوان، و بر سرِ قبرش نَایست». از آن پس، پیامبرﷺ برایشان طلب آمرزش نکرد و بر سرِ قبر هیچ یک از آنان هم نایستاد.

۳ / ۸
کسانی که باید از آنان درخواست آمرزش خواهی کرد

الف ـ پیامبرﷺ

قرآن

«و اگر زمانی که به خویشتن ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا، طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برایشان طلب آمرزش می‌کرد، بی‌گمان، خدا را توبه‌پذیری مهربان می‌یافتند».

حدیث

۲۸۱۸ . **پیامبر خداﷺ** ـ به حرملة بن یزید که به پیامبرﷺ پیشنهاد کرد منافقانِ قومش را به ایشان معرّفی کند ـ: نه. هر کس، همچنان که تو نزد ما آمدی، نزد ما بیاید، همان گونه که برای تو طلب آمرزش کردم، برای او نیز طلب آمرزش می‌کنیم، و هر کس بر گناه خویش، پای فشارد، خدا خود، بهتر می‌داند با او چه کند، و تو نسبت به هیچ کس، پرده‌دری مکن.

۲۸۱۹ . **کنز العمّال** ـ به نقل از یزید بن اَسوَد ـ: یکی از آن دو مردی که در خانه‌اش نماز خوانده بود،[1] به پیامبرﷺ گفت: ای پیامبر خدا! برایم از خداوند، آمرزش بخواه. پیامبرﷺ فرمود: «خدا تو را بیامرزد!».

---

۱ . در نماز جماعت حاضر نشده بود.

قالَ عليه السلام: غَفَرَ اللهُ لَكَ! قالَ: وأخَذَ بِيَدِهِ فَوَضَعَها في صَدري، فَوَجَدتُ بَردَها في ظَهري، قالَ: ما شَمَمتُ ريحاً قَطُّ أطيَبَ مِن يَدِهِ، ولَقَد كانَت أبرَدَ مِنَ الثَّلجِ.[1]

راجع: نهج الدعاء: (الفصل الرابع / الباب الرابع: من دعا له النبيّ صلى الله عليه وآله).

ب ـ الأَبُ

الكتاب

﴿قَالُواْ يَـٰٓأَبَانَا ٱسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَـٰطِـِٔينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّىٓ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾.[2]

الحديث

٢٨٢٠ . علل الشرائع عن إسماعيل بن الفضل الهاشمي: قُلتُ لِجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: أخبِرني عَن يَعقوبَ عليه السلام لَمّا قالَ لَهُ بَنوهُ: ﴿يَـٰٓأَبَانَا ٱسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَـٰطِـِٔينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّىٓ﴾ فَأَخَّرَ الاِستِغفارَ لَهُم! ويوسُفُ عليه السلام لَمّا قالوا لَهُ: ﴿تَٱللَّهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ ٱللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَـٰطِـِٔينَ[3] * قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ ٱلْيَوْمَ يَغْفِرُ ٱللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ﴾ !

قالَ: لِأَنَّ قَلبَ الشّابِّ أرَقُّ مِن قَلبِ الشَّيخِ، وكانَت جِنايَةُ وُلدِ يَعقوبَ عَلىٰ يوسُفَ، وجِنايَتُهُم عَلىٰ يَعقوبَ إنَّما كانَت بِجِنايَتِهِم عَلىٰ يوسُفَ، فَبادَرَ يوسُفُ إلَى العَفوِ عَن حَقِّهِ، وأخَّرَ يَعقوبُ العَفوَ لِأَنَّ عَفوَهُ إنَّما كانَ عَن حَقِّ غَيرِهِ، فَأَخَّرَهُم إلَى السَّحَرِ لَيلَةَ الجُمُعَةِ.[4]

---

١ . كنز العمّال: ج ١٢ ص ٣٨١ ح ٣٥٤٠٣ نقلاً عن بقي بن مخلد.

٢ . يوسف: ٩٧ و ٩٨.

٣ . يوسف: ٩١ و ٩٢.

٤ . علل الشرائع: ص ٥٤ ح ١، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٢٨٠ ح ٥٧.

سپس، دستش را بر سینه‌ام نهاد و خُنکی آن را در پشتم احساس کردم. هرگز بویی خوش‌تر از بوی دست ایشان، استشمام نکرده بودم، و دستش خُنک‌تر از یخ بود.

ر.ک: نهج الدعاء: (فصل چهارم / باب چهارم: کسانی که پیامبرﷺ برایشان دعا کرد).

ب ـ پدر

قرآن

﴿[برادران یوسف] گفتند: «ای پدر! برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما خطاکار بودیم». [یعقوب] گفت: «به زودی، از پروردگارم برای شما آمرزش می‌خواهم، که او آمرزگار و مهربان است﴾.

حدیث

۲۸۲۰ . **علل الشرائع** ـ به نقل از اسماعیل بن فضل هاشمی ـ : به امام صادقؑ گفتم: بفرما که چرا وقتی پسران یعقوبؑ به او گفتند: ﴿ای پدر! برای گناهان ما آمرزش بخواه، که ما خطاکار بودیم، [یعقوب] گفت: به زودی، از پروردگارم برای شما آمرزش خواهم خواست﴾ و آمرزش‌خواهی برای آنان را به تأخیر افکند؛ ولی یوسفؑ وقتی برادرانش به او گفتند: ﴿به خدا سوگند که خدا، تو را بر ما برتری داده است و ما خطاکار بودیم، گفت: امروز، بر شما سرزنشی نیست. خدا، شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترینِ مهربانان است﴾؟

فرمود: «چون دل جوان، نازک‌تر از دل پیران است، و [ثانیاً] جنایت فرزندان یعقوبؑ [در اصل] بر یوسفؑ بود و جنایتشان به یعقوبؑ از آن رو بود که به یوسفؑ جنایت کردند. بنا بر این، یوسفؑ بی‌درنگ، از حقّ خود گذشت کرد؛ ولی یعقوبؑ بخشودن را به تأخیر افکند، چون بخشودن او، در حقیقت، گذشت کردن از حقّ غیر خود بود. لذا [آمرزش‌خواهی برای] آنان را تا سحر گاه شب جمعه به تأخیر افکند.

ج ـ المُؤمِنُ التَّقِيُّ الخَفِيُّ

٢٨٢١ . الإمام عليّ عليه السلام ـ في وَصفِ المُؤمِنينَ ـ : المُؤمِنونَ هُمُ الَّذينَ عَرَفوا ما أمامَهُم ، فَذَبَلَت شِفاهُم ، وغَشِيَت عُيونُهُم ، وشَحَبَت ألوانُهُم ، حَتّىٰ عُرِفَت في وُجوهِهِم غَبرَةُ الخاشِعينَ .

فَهُم عِبادُ اللهِ الَّذينَ مَشَوا عَلَى الأَرضِ هَوناً ، وَاتَّخَذوها بِساطاً ، وتُرابَها فِراشاً ، فَرَفَضُوا الدُّنيا ، وأقبَلوا عَلَى الآخِرَةِ ، عَلىٰ مِنهاجِ المَسيحِ بنِ مَريَمَ ، إن شَهِدوا لَم يُعرَفوا ، وإن غابوا لَم يُفتَقَدوا ، وإن مَرِضوا لَم يُعادوا ، صُوّامُ الهَواجِرِ[1] ، قُوّامُ الدَّياجِرِ[2] يَضمَحِلُّ عِندَهم كُلُّ فِتنَةٍ ، ويَنجَلي عَنهُم كُلُّ شُبهَةٍ . أُولٰئِكَ أصحابي ، فَاطلُبوهُم في أطرافِ الأَرَضينَ ، فَإِن لَقيتُم مِنهُم أحَداً فَاسأَلوهُ أن يَستَغفِرَ لَكُم .[3]

د ـ الحاجُّ

٢٨٢٢ . رسول الله صلى الله عليه وآله : إذا لَقيتَ الحاجَّ فَسَلِّم عَلَيهِ ، وصافِحهُ ، ومُرهُ أن يَستَغفِرَ لَكَ قَبلَ أن يَدخُلَ بَيتَهُ ؛ فَإِنَّهُ مَغفورٌ لَهُ .[4]

٢٨٢٣ . الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ اللهَ عزّ وجلّ لَيَغفِرُ لِلحاجِّ ولِأَهلِ بَيتِ الحاجِّ ، ولِعَشيرَةِ الحاجِّ ، ولِمَن يَستَغفِرُ لَهُ الحاجُّ ، بَقِيَّةَ ذِي الحِجَّةِ ، وَالمُحَرَّمِ ، وصَفَرٍ ، وشَهرِ رَبيعِ الأَوَّلِ ،

---

١ . الهاجرة : هي نصف النهار ، وإنّما تكون في القيظ ، وهي قبل الظهر بقليل أو بعدها بقليل (لسان العرب : ج ٥ ص ٢٥٥ «هجر») .

٢ . الديجور : الظلام ، ووصفوا به الليل فقالوا : ليل ديجور ، ويقال : أقبل الليل بدياجره (تاج العروس : ج ٦ ص ٣٩٤ «دجر») .

٣ . بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٥ ح ٩٠ نقلاً عن مطالب السؤول : ص ٥٣ .

٤ . مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٣٥١ ح ٥٣٧١ و ص ٤٨٢ ح ٦١٢٠ كلاهما عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج ٥ ص ١٠ ح ١١٨٢٣ .

ج ـ مؤمن پرهیزگار گم نام

۲۸۲۱ . **امام علی**ﷺ ـ در توصیف مؤمنان ـ: مؤمنان، آنان اند که آنچه را، [از زندگی اُخروی] فرا پیش آنهاست، شناختند و در نتیجه، لبانشان [از کثرت روزه‌داری] خشکید و چشمانشان [از شدّت گریه] سفید شد و رنگ رخسارشان پرید، آن سان که گرد و غبار خاکساران، بر چهره‌هایشان پیداست.

آنان، همان بندگان خدایند که در زمین، آرام [و بی تکبّر] راه می‌روند، آن را فرش خود ساخته‌اند و خاکش را بستر خویش. دنیا را فرو نهاده‌اند و به آخرت، رو آورده‌اند، به شیوهٔ مسیح پسر مریمﷺ. اگر [در جمع] حاضر باشند، شناخته نمی‌شوند، و اگر غایب باشند، کسی جویای آنان نمی‌شود، و اگر بیمار شوند، کسی به عیادتشان نمی‌رود. روزهای داغ را به روزه‌داری می‌گذرانند و شب‌های تار را به عبادت. فتنه‌ها در برابر آنان، از هم فرو می‌پاشد، و شُبهات، از آنان برکنار می‌مانَد. اینان اند یاران من! آنان را در گوشه و کنار جهان بجویید، و اگر یکی از ایشان را دیدار کردید، از او بخواهید که برایتان، طلب آمرزش کند.

د ـ حاجی

۲۸۲۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه به حاجی [هنگام آمدن از حج] برخوردی، بر او سلام کن و با او دست بده و از وی بخواه تا پیش از آن که به خانه‌اش وارد شود، برایت طلب آمرزش کند؛ زیرا او آمرزیده است.

۲۸۲۳ . **امام صادق**ﷺ: خداوندﷻ حاجی و خانوادهٔ حاجی و عشیرهٔ حاجی و کسی را که حاجی برایش طلب آمرزش کند، در بقیهٔ ماه ذی حجّه و محرّم و صفر و ربیع اوّل

وعَشرٍ مِن رَبيعِ الآخَرِ.[١]

٤/٨
مَن يَستَغفِرُ لَهُ النَّبيُّ وأهلُ بَيتِهِ عليهم السلام

أ ـ المُسلِمونَ

الكتاب

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾.[٢]

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.[٣]

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.[٤]

الحديث

٢٨٢٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله ـ مِن خُطبَةٍ لَهُ ـ: أستَغفِرُ اللهَ تَعالىٰ لي ولَكُم.[٥]

---

١ . ثواب الأعمال: ص ٧٠ ح ١ عن السكوني، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٢١ ح ٨١.

٢ . آل عمران: ١٥٩.

٣ . النور: ٦٢.

٤ . الممتحنة: ١٢.

٥ . الأمالي للمفيد: ص ٣٤٧ ح ٢، بشارة المصطفى: ص ٦٥ و ص ١١١، الفضائل: ص ٧ كلّها عن جابر الجُعفي عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري، بحار الأنوار: ج ٣٨ ص ١١٤ ح ٥١.

و ده روز از ربیع ثانی، مورد آمرزش قرار می‌دهد.

۴/۸

کسانی که پیامبر و اهل بیت او علیهم‌السلام برایشان طلب آمرزش کرده‌اند

الف ـ مسلمانان

قرآن

﴿پس به [برکت] رحمتی که از جانب خدا بود، تو با آنان نرم خو شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان، آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان، رایزنی کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکّل کن که خدا، توکّل‌کنندگان را دوست می‌دارد﴾.

﴿مؤمنان، در حقیقت، کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند و زمانی که با او بر سر کاری اجتماع می‌کنند، تا از وی کسب اجازه نکنند، نمی‌روند. در حقیقت، کسانی که از تو کسب اجازه می‌کنند، آنان اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند. پس چون برای برخی کارهایشان از تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان که خواستی، اجازه ده و برایشان، آمرزش بخواه، که خدا آمرزندهٔ مهربان است﴾.

﴿ای پیامبر! چون زنان باایمان، نزد تو بیایند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زِنا نکنند و فرزندان خود را نکُشند، و بچّه‌های حرام‌زاده‌ای را که پس انداخته‌اند، با بهتان [و حیله] به شوهر نبندند و در [کار] نیک، از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا، برایشان آمرزش بخواه، که خداوند، آمرزنده و مهربان است﴾.

حدیث

۲۸۲۴ . پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ـ از سخنرانی ایشان ـ: از خداوند متعال، برای خودم و برای شما آمرزش می‌طلبم.

٢٨٢٥ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ اغفِر لي ولِأُمَّتي، اللّٰهُمَّ اغفِر لي ولِأُمَّتي، أستَغفِرُ اللهَ لي ولَكُم.[١]

٢٨٢٦ . عنه ﷺ ـ لِأَصحابِهِ ـ: حَياتي خَيرٌ لَكُم، تُحَدِّثونَ ونُحَدَّثُ لَكُم، ومَماتي خَيرٌ لَكُم، تُعرَضُ عَلَيَّ أعمالُكُم، فَإِن رَأَيتُ حَسَناً جَميلاً حَمِدتُ اللهَ عَلىٰ ذٰلِكَ، وإن رَأَيتُ غَيرَ ذٰلِكَ استَغفَرتُ اللهَ لَكُم.[٢]

٢٨٢٧ . الإمام عليّ ﷺ ـ في نِهايَةِ خُطبَةٍ ـ: أستَغفِرُ اللهَ لي ولَكُم.[٣]

٢٨٢٨ . الإمام الهادي ﷺ ـ في آخِرِ خُطبَةٍ لَهُ ـ: أستَغفِرُ اللهَ لي ولَكُم، ولِجَميعِ المُسلِمينَ.[٤]

ب ـ شيعَةُ الإمامِ عَلِيٍّ ﷺ

٢٨٢٩ . رسول الله ﷺ: إنَّ اللهَ مَثَّلَ لي أُمَّتي فِي الطِّينِ، وعَلَّمَني أسماءَهُم كَما عَلَّمَ آدَمَ الأَسماءَ كُلَّها، فَمَرَّ بي أصحابُ الرّاياتِ، فَاستَغفَرتُ لِعَلِيٍّ وشيعَتِهِ.[٥]

ج ـ المُؤَذِّنُ

٢٨٣٠ . رسول الله ﷺ: الإمامُ ضامِنٌ، وَالمُؤَذِّنُ مُؤتَمَنٌ، اللّٰهُمَّ أرشِدِ الأَئِمَّةَ، وَاغفِر لِلمُؤَذِّنينَ.[٦]

---

١ . تفسير القمّي: ج ١ ص ٢٩١، الاختصاص: ص ٣٤٣، بحار الأنوار: ج ٢١ ص ٢١٢ ح ٢؛ تاريخ دمشق: ج ٥١ ص ٢٤١ ح ١٠٨٧٤ عن عقبة بن عامر الجهني، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٩٣٠ ح ٤٣٥٩٥.

٢ . بصائر الدرجات: ص ٤٤٤ ح ٤ عن أبي بصير عن الإمام الباقر ﷺ و ص ٤٤٤ ح ٣ عن الإمام الصادق ﷺ عنه ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٥٥١ ح ٧؛ الطبقات الكبرى: ج ٢ ص ١٩٤ عن بكر بن عبد الله نحوه، كنز العمّال: ج ١١ ص ٤٠٧ ح ٣١٩٠٣.

٣ . نهج البلاغة: الخطبة ١٩٧، الخصال: ص ١٨٧ ح ٢٥٧، كمال الدين: ص ٢٩١ كلاهما عن كميل بن زياد، التوحيد: ص ٣٤ ح ١ عن الحارث الأعور، بحار الأنوار: ج ٣٨ ص ٩٤ ح ١٠.

٤ . الكافي: ج ٥ ص ٣٧٣ ح ٦ عن عبد العظيم بن عبد الله.

٥ . الكافي: ج ١ ص ٤٤٣ ح ١٥ عن محمّد الحلبي عن الإمام الصادق ﷺ، الأمالي للطوسي: ص ٦٤٩ ح ١٣٤٧، الأمالي للمفيد: ص ١٢٦ ح ٤ كلاهما عن جابر بن عبد الله الأنصاري و ص ٨٩ ح ٥ عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه ﷺ عنه ﷺ، فضائل الشيعة: ص ٦٨ ح ٢٧ عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه ﷺ عنه ﷺ وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ١٣٥ ح ١٣٢.

٦ . سنن أبي داود: ج ١ ص ١٤٣ ح ٥١٧، سنن الترمذي: ج ١ ص ٤٠٢ ح ٢٠٧، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٢ ح ٧١٧٢ و ص ١٢٧ ح ٧٨٢٣، السنن الكبرى: ج ١ ص ٦٣٢ ح ٢٠٢٢ و ٢٠٢١ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٧ ص ٥٨٩ ح ٢٠٣٩١.

۲۸۲۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! مرا و امّتم را بیامرز. بار خدایا! مرا و امّتم و را بیامرز. از خداوند، برای خودم و شما آمرزش می‌طلبم.

۲۸۲۶ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ به یارانش ـ: [هم] زندگی من برای شما خیر [و برکت] است، [چون] با یکدیگر، گفتگو می‌کنیم [و از سخنان من، بهره‌مند می‌شوید] و [هم] مرگ من برای شما خیر و [برکت] است؛ [زیرا] اعمال شما بر من عرضه می‌شود. اگر کردار نیکو و زیبایی دیدم، خداوند را بر آن، ستایش می‌گویم، و اگر جز آن دیدم، برایتان از خدا آمرزش می‌طلبم.

۲۸۲۷ . **امام علی**ؑ ـ در پایان سخنرانی‌ای ـ: از خداوند برای خودم و شما، آمرزش می‌طلبم.

۲۸۲۸ . **امام هادی**ؑ ـ در پایان یکی از سخنرانی‌هایش ـ: از خداوند، برای خودم و شما و برای همهٔ مسلمانان، طلب آمرزش می‌کنم.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ب ـ پیروان امام علی ؑ

۲۸۲۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند، امّت مرا در گِل (عالم طینت) برایم مجسّم ساخت و نام‌های ایشان را به من آموخت، همچنان که به آدمؑ همهٔ نام‌ها را آموخت. آن گاه، پرچمداران از برابرم گذشتند و من، برای علی و پیروانش آمرزش خواستم.

ج ـ مؤذّن

۲۸۳۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: پیش نماز، ضامن [قرائت] است و مؤذّن، مورد اعتماد است. بار خدایا! امامان [جماعت] را راه نمایی فرما و مؤذّنان را بیامرز.

د ـ الحاجُّ

٢٨٣١ . رسول الله ﷺ: اللّٰهُمَّ اغفِر لِلحاجِّ، ولِمَنِ استَغفَرَ لَهُ الحاجُّ.[١]

٢٨٣٢ . الإمام الصادق ﷺ: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ يَومَ الحُدَيبِيَةِ: «اللّٰهُمَّ اغفِر لِلمُحَلِّقينَ» مَرَّتَينِ. قيلَ: ولِلمُقَصِّرينَ يا رَسولَ اللهِ؟ قالَ: «ولِلمُقَصِّرينَ».[٢]

هـ ـ زُوّارُ قَبرِ الحُسَينِ ﷺ

٢٨٣٣ . الإمام الصادق ﷺ: إنَّ فاطِمَةَ بِنتَ مُحَمَّدٍ ﷺ تَحضُرُ لِزُوّارِ قَبرِ ابنِهَا الحُسَينِ ﷺ، فَتَستَغفِرُ لَهُم ذُنوبَهُم.[٣]

٥ / ٨
مَن يَستَغفِرُ لَهُ المَلائِكَةُ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

أ ـ مَن فِي الأَرضِ مِنَ المُؤمِنينَ

الكتاب

﴿تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى ٱلْأَرْضِ أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾.[٤]

﴿ٱلَّذِينَ يَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِۦ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ

---

١ . كنز العمّال: ج ٥ ص ١٣٩ ح ١٢٣٨٣ نقلاً عن ابن زنجويه عن مجاهد.

٢ . تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٤٣ ح ٨٢٢ عن حريز؛ مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٢٧٣ ح ٤٨٩٧ عن ابن عمر و ج ٤ ص ٤١ ح ١١١٤٩ عن أبي سعيد الخدري، الطبقات الكبرى: ج ٢ ص ١٠٤ عن مالك بن ربيعة والثلاثة الأخيرة نحوه، كنز العمّال: ج ٥ ص ٢٣٧ ح ١٢٧٣٩.

٣ . كامل الزيارات: ص ٢٣١ ح ٣٤٣ عن داوود بن كثير، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٥٥ ح ١٤.

٤ . الشورى: ٥.

د ـ حاجی

۲۸۳۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! حاجی و آن کس را که حاجی برایش طلب آمرزش کند، بیامرز.

۲۸۳۲ . **امام صادق**ؑ: پیامبر خدا، در روز حدیبیه، دوبار گفت: «بار خدایا! سرْ تراشیدگان را بیامرز».

گفته شد: کوتاه کنندگان مو چه، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «و کوتاه کنندگان مو را [نیز بیامرز]».

هـ ـ زائران قبر حسینؑ

۲۸۳۳ . **امام صادق**ؑ: فاطمه دختر محمّدﷺ نزد زائران قبر فرزندش حسینؑ حاضر می‌شود و برای گناهانشان، طلب آمرزش می‌کند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۵/۸

کسانی که فرشتگان، برایشان آمرزش می‌خواهند

الف ـ مؤمنان در زمین

قرآن

﴿چیزی نمانده که آسمان‌ها از فرازشان بشکافند، در حالی که فرشتگان خداوند، کارشان را به پاکی می‌ستایند و برای کسانی که در زمین هستند، آمرزش می‌طلبند. آگاه باش که خدا، آمرزگار و مهربان است﴾.

﴿کسانی که عرش [خدا] را حمل می‌کنند و آنها که پیرامون آن اند، پروردگارشان را به پاکی

ءَامَنُواْ رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَىْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُواْ وَاتَّبَعُواْ سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ﴾.[١]

الحديث

٢٨٣٤ . رسول الله ﷺ: أخبَرَني جَبرَئيلُ عليه السلام عَن رَبّي أنَّهُ قالَ: ما أمَرتُ أحَداً مِن مَلائِكَتي أن يَستَغفِروا لِأَحَدٍ مِن خَلقي، إلّا استَجَبتُ لَهُم فيهِ.[٢]

٢٨٣٥ . عنه ﷺ: لَقَد صَلَّتِ المَلائِكَةُ عَلَيَّ وعَلىٰ عَلِيِّ بنِ أبي طالِبٍ سَبعَ سِنينَ، وذٰلِكَ أنَّهُ لَم يُؤمِن بي ذَكَرٌ قَبلَهُ، وذٰلِكَ قَولُ اللهِ: ﴿ٱلَّذِينَ يَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ﴾[٣] ﴿وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى ٱلْأَرْضِ﴾[٤].[٥]

٢٨٣٦ . الإمام علي عليه السلام: لَقَد مَكَثَتِ المَلائِكَةُ سِنينَ لا تَستَغفِرُ إلّا لِرَسولِ اللهِ ﷺ ولي. وفينا نَزَلَت: ﴿وَٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ﴾ ﴿وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَا ـ إلىٰ قَولِهِ ـ: ٱلْحَكِيمُ﴾[٦].[٧]

---

١ . غافر: ٧.

٢ . المحاسن: ج ١ ص ١٤٩ ح ٢١٤ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٢٥٣ ح ٢٦ وراجع الكافي: ج ٤ ص ٦٤ ح ١١ وكتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٧٦ ح ١٧٧٨ وفضائل الأشهر الثلاثة: ص ١٢١ ح ١٢٣.

٣ . غافر: ٧. ونصّ الآية: ﴿ٱلَّذِينَ يَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ...﴾.

٤ . الشورى: ٥. ونصّ الآية: ﴿...وَٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى ٱلْأَرْضِ...﴾. تعليق: يحتمل أنّ رسول الله ﷺ ذكر الآيتين ودمج بينهما لبيان المناسبة، ويحتمل أيضاً أنّه وقع خلط من النساخ، وهو الأقرب.

٥ . المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٦، شرح الأخبار: ج ٢ ص ٤٠٩ ح ٧٥٥ نحوه وكلاهما عن أبي أيّوب الأنصاري، وراجع الفصول المختارة: ص ٢٦٢ وكنز الفوائد: ج ١ ص ٢٧٢ وبحار الأنوار: ج ٣٨ ص ٢٠٤ ح ١.

٦ . غافر: ٧ و ٨ وانظر التعليق المذكور في هامش الحديث السابق.

٧ . المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٦ عن زياد بن المنذر عن الإمام الباقر عليه السلام، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٥٢٧ ح ٢ عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٣٨ ص ٢٠٤ ح ١.

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

می‌ستایند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، طلب آمرزش می‌کنند. پروردگارا! دست و دانش تو، بر هر چیزی احاطه دارد. کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند، ببخش و آنها را از عذاب آتش، نگه دار﴾.

حدیث

۲۸۳۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: جبرئیلؑ از جانب پروردگارم به من خبر داد که فرمود: «هیچ یک از فرشتگانم را فرمان ندادم که برای کسی از آفریدگانم آمرزش بخواهد، مگر این که آمرزش‌خواهی آنان را در بارهٔ او پذیرفتم».

۲۸۳۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: فرشتگان، مدّت هفت سال بر من و بر علی بن ابی طالب، درود فرستادند؛ زیرا او نخستین مردی بود که به من، ایمان آورد، و این است گفتهٔ خداوند: ﴿کسانی که عرش [خدا] را حمل می‌کنند و آنها که پیرامون آن اند، پروردگارشان را به پاکی می‌ستایند﴾ ﴿و برای کسانی که در زمین‌اند، طلب آمرزش می‌کنند﴾.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۸۳۶ . **امام علی**ؑ: فرشتگان، چند سالی فقط برای پیامبر خدا و من، طلب آمرزش می‌کردند، و این آیات، در بارهٔ ما نازل شد: ﴿و فرشتگان، پروردگارشان را به پاکی می‌ستایند﴾ ﴿و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند [و می‌گویند]: ای پروردگارما!﴾ تا فرمودهٔ او ﴿فرزانه﴾.

٢٨٣٧ . تفسير القمّي عن حمّاد عن الإمام الصادق عليه السلام: أنَّهُ سُئِلَ: هَلِ المَلائِكَةُ أكثَرُ، أم بَنو آدَمَ؟ فَقالَ: وَالَّذي نَفسي بِيَدِهِ، لَعَدَدُ مَلائِكَةِ اللهِ فِي السَّماواتِ أكثَرُ مِن عَدَدِ التُّرابِ فِي الأَرضِ، وما فِي السَّماءِ مَوضِعُ قَدَمٍ إلّا وفيها مَلَكٌ يُسَبِّحُهُ ويُقَدِّسُهُ، ولا فِي الأَرضِ شَجَرَةٌ ولا مَدَرٌ إلّا وفيها مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِها، يَأتِي اللهَ كُلَّ يَومٍ بِعَمَلِها، وَاللهُ أعلَمُ بِها. وما مِنهُم أحَدٌ إلّا ويَتَقَرَّبُ كُلَّ يَومٍ إلَى اللهِ بِوِلايَتِنا أهلَ البَيتِ، ويَستَغفِرُ لِمُحِبّينا، ويَلعَنُ أعداءَنا، ويَسأَلُ اللهَ أن يُرسِلَ عَلَيهِمُ العَذابَ إرسالاً.[1]

ب ـ طالِبُ العِلمِ

٢٨٣٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ طالِبَ العِلمِ تَبسُطُ لَهُ المَلائِكَةُ أجنِحَتَها، وتَستَغفِرُ لَهُ.[2]

٢٨٣٩ . عنه صلى الله عليه وآله: مَن خَرَجَ مِن بَيتِهِ يَطلُبُ عِلماً، شَيَّعَهُ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ يَستَغفِرونَ لَهُ.[3]

٢٨٤٠ . الإمام عليّ عليه السلام: طالِبُ العِلمِ تَستَغفِرُ لَهُ المَلائِكَةُ، وتَدعو لَهُ[4] فِي السَّماءِ وَالأَرضِ.[5]

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

ج ـ المُؤَذِّنُ

٢٨٤١ . رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا وإنَّ المُؤَذِّنَ إذا قالَ: «أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ» صَلّىٰ عَلَيهِ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ، ويَستَغفِرونَ لَهُ، وكانَ يَومَ القِيامَةِ في ظِلِّ العَرشِ، حَتّىٰ يَفرُغَ اللهُ مِن حِسابِ الخَلائِقِ.[6]

---

١ . تفسير القمّي: ج ٢ ص ٢٥٥، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٥٢٨ ح ٦، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ٢١٠ ح ٧.

٢ . كنز العمّال: ج ١٠ ص ١٤٦ ح ٢٨٧٤٥ نقلاً عن البزّار عن عائشة.

٣ . الأمالي للطوسي: ص ١٨٢ ح ٣٠٦ نقلاً عن أبي قلابة.

٤ . في بحار الأنوار: «يدعو له مَن ...».

٥ . الإرشاد: ج ١ ص ٢٣١ عن الحارث الأعور، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٤٤ ح ١٢.

٦ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ١٧ ح ٤٩٦٨، الأمالي للصدوق: ص ٥١٨ ح ٧٠٧ وفيه «تسعون ألف» وكلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣١٨ ح ٢٦٥٥ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، روضة الواعظين: ص ٣٤٣، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٣٠ ح ٢٢.

۲۸۳۷ . **تفسیر القمّی** ـ به نقل از حمّاد ـ: از امام صادق﵇ پرسیده شد: آیا فرشتگان بیشترند یا آدمیان؟

فرمود: «سوگند به آن که جانم دردست اوست، شمارِ فرشتگان خدا در آسمان‌ها، بیشتر از شمارِ خاک‌ها در زمین است. در آسمان، هیچ جای پایی نیست، مگر این که در آن، فرشته‌ای مشغول تسبیح و تقدیس خداست، و در زمین، هیچ بوته‌ای و کلوخی نیست، مگر این که فرشته‌ای بر آن گماشته شده است و هر روز، کار آن را نزد خدا می‌برد، و البته خدا، خود، به [کارِ] آن داناتر است. هیچ یک از فرشتگان نیست، مگر این که هر روز، با توسّل به ولایت ما خاندان، خود را به خدا نزدیک می‌سازد و برای دوستداران ما، آمرزش می‌خواهد و بر دشمنانمان، لعنت می‌فرستد و از خدا درخواست می‌کند که بر آنان، دمادم، عذاب بفرستد.

ب ـ دانشجو

۲۸۳۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: فرشتگان، بال‌های خود را برای طالب علم، می‌گسترانند و برای او آمرزش می‌طلبند.

۲۸۳۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در جستجوی دانشی از خانهٔ خویش بیرون رود، هفتاد هزار فرشته، او را مشایعت می‌کنند و برایش آمرزش می‌طلبند.

۲۸۴۰ . **امام علی**﵇: برای طالب علم، فرشتگانْ آمرزش می‌طلبند و در آسمان و زمین، برایش دعا می‌کنند.

ج ـ مؤذّن

۲۸۴۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: آگاه باشید که مؤذّن، هرگاه بگوید: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست»، هفتاد هزار فرشته بر او درود می‌فرستند و برایش آمرزش می‌خواهند و روز قیامت، در سایهٔ عرش باشد تا آن که خداوند، حسابرسی مردمان را به پایان بَرَد.

٢٨٤٢ . عنه ﷺ ـ في فَضلِ مُؤَذِّنِ المَسجِدِ ـ : إذا أذَّنَ المُؤَذِّنُ فَقالَ : «أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ» اكتَنَفَهُ أربَعونَ ألفَ ألفِ مَلَكٍ، كُلُّهُم يُصَلّونَ عَلَيهِ، ويَستَغفِرونَ لَهُ، وكانَ في ظِلِّ اللهِ حَتّىٰ يَفرُغَ.[١]

٢٨٤٣ . عنه ﷺ: إنَّ المَلائِكَةَ إذا سَمِعُوا الأَذانَ مِن أهلِ الأَرضِ قالوا: هٰذِهِ أصواتُ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ بِتَوحيدِ اللهِ ﷻ، ويَستَغفِرونَ لِأُمَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ حَتّىٰ يَفرُغوا مِن تِلكَ الصَّلاةِ.[٢]

د ـ خادِمُ المَسجِدِ

٢٨٤٤ . رسول الله ﷺ: مَن أسرَجَ في مَسجِدٍ مِن مَساجِدِ اللهِ سِراجاً، لَم تَزَلِ المَلائِكَةُ وحَمَلَةُ العَرشِ يَستَغفِرونَ لَهُ، مادامَ فِي المَسجِدِ ضَوءٌ مِن ذٰلِكَ السِّراجِ.[٣]

هـ ـ مَن شَهِدَ شَهرَ رَمَضانَ مِنَ المُسلِمينَ

٢٨٤٥ . رسول الله ﷺ: إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ، أمَرَ اللهُ حَمَلَةَ العَرشِ أن يَكُفّوا عَنِ التَّسبيحِ، ويَستَغفِروا لِأُمَّةِ مُحَمَّدٍ وَالمُؤمِنينَ.[٤]

٢٨٤٦ . عنه ﷺ ـ مِن خُطبَةٍ لَهُ في بَيانِ فَضلِ اللَّيلَةِ الأُولىٰ مِن شَهرِ رَمَضانَ ـ : مَن شَهِدَ رَمَضانَ استَغفَرَ لَهُ كُلَّ يَومٍ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ، مِن صَلاةِ الغَداةِ إلىٰ أن تَوارىٰ بِالحِجابِ[٥].[٦]

---

١ . ثواب الأعمال: ص ٣٤٣ ح ١ عن أبي هريرة وابن عبّاس، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٢٣ ح ١٠.

٢ . الكافي: ج ٣ ص ٣٠٧ ح ٣١، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٥٨ ح ٢٠٦ كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق ﷺ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٨٦ ح ٨٨٤ عن الإمام الباقر ﷺ.

٣ . تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٦١ ح ٧٣٣، ثواب الأعمال: ص ٤٩ ح ١ كلاهما عن أنس، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٣٧ ح ٧١٦، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٥ ح ٩٤.

٤ . كنز العمّال: ج ٨ ص ٤٧٩ ح ٢٣٧١٦ نقلاً عن الديلمي عن الإمام عليّ ﷺ.

٥ . قوله تعالى: ﴿حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾ (سورة صٓ: ٣٢) أي استترت بالليل، يعني الشمس (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٩٢٨ «وري»).

٦ . فضائل الأوقات للبيهقي: ص ٤٠ ح ٦٠، شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣١٤ ح ٣٦٣٥ وفيه «مِن شهر رمضان» بدل «من شهد رمضان» وكلاهما عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ٨ ص ٤٧٠ ح ٢٣٧٠٦؛ فضائل الأشهر الثلاثة: ص ١٣٣ ح ١٤١ عن أبي سعيد الخدري نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣٤٥ ح ٨.

۲۸۴۲ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در بیان فضیلت مؤذّن مسجد ـ: هرگاه مؤذّن، اذان دهد و بگوید: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست»، چهل هزار هزار فرشته، او را در میان می‌گیرند، و بر او درود می‌فرستند و برایش طلب آمرزش می‌کنند و [روز قیامت] در سایهٔ خدا باشد تا [آن که از حسابرسی] فارغ شود.

۲۸۴۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: فرشتگان، هرگاه بانک اذان را از مردم زمین بشنوند، می‌گویند: «اینها بانگ‌های امّت محمّدﷺ در توحید خداوندﷻ است. و برای امّت محمّدﷺ آمرزش می‌طلبند تا آن گاه که از آن نماز، فراغت یابند.

د ـ خادم مسجد

۲۸۴۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در مسجدی از مسجدهای خدا چراغی بیفروزد، تا زمانی که پرتوی از آن چراغ در مسجد است، فرشتگان و حاملان عرش، پیوسته برایش طلب آمرزش می‌کنند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

هـ ـ هر مسلمانی که ماه رمضان را درک کند

۲۸۴۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: چون ماه رمضان فرا رسد، خداوند به حاملان عرش دستور می‌دهد که از تسبیح گویی، باز ایستند و به آمرزش‌خواهی برای امّت محمّد و مؤمنان بپردازند.

۲۸۴۶ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ از سخنرانی ایشان در بیان فضیلت شب اوّل ماه رمضان ـ: هر کس به ماه رمضان وارد شود، هر روز، هفتاد هزار فرشته، از نماز صبح تا غروب آفتاب، برایش آمرزش می‌خواهند.

و ـ الصّائِمُ

٢٨٤٧ . رسول الله ﷺ: ما مِن صائِمٍ يَحضُرُ قَوماً يَطعَمونَ إلّا سَبَّحَت لَهُ أعضاؤُهُ، وكانَت صَلاةُ المَلائِكَةِ عَلَيهِ، وكانَت صَلاتُهُمُ استِغفاراً.[١]

٢٨٤٨ . عنه ﷺ: مَن أصبَحَ صائِماً سَبَّحَت لَهُ أعضاؤُهُ، وأضاءَت لَهُ السَّماواتُ نوراً، وَاستَغفَرَ لَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّماءِ، فَإن سَبَّحَ أو هَلَّلَ تَلَقّاها سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ، يَكتُبونَها إلىٰ أن تَوارَت بِالحِجابِ.[٢]

ز ـ المُصَلّي

٢٨٤٩ . رسول الله ﷺ: مَن أجابَ داعِيَ اللهِ استَغفَرَت لَهُ المَلائِكَةُ، ويَدخُلُ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ.[٣]

٢٨٥٠ . عنه ﷺ: لا يَزالُ العَبدُ في صَلاةٍ ما كانَ في مُصَلّاهُ يَنتَظِرُ الصَّلاةَ، وتَقولُ المَلائِكَةُ: «اللّٰهُمَّ اغفِر لَهُ، اللّٰهُمَّ ارحَمهُ»، حَتّىٰ يَنصَرِفَ أو يُحدِثَ.[٤]

٢٨٥١ . عنه ﷺ: إنَّ العَبدَ إذا جَلَسَ في مُصَلّاهُ بَعدَ الصَّلاةِ، صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَةُ، وصَلاتُهُم عَلَيهِ: اللّٰهُمَّ اغفِر لَهُ، اللّٰهُمَّ ارحَمهُ

وإن جَلَسَ يَنتَظِرُ الصَّلاةَ صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَةُ، وصَلاتُهُم عَلَيهِ: اللّٰهُمَّ اغفِر لَهُ، اللّٰهُمَّ ارحَمهُ.[٥]

---

١ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٨٧ ح ١٨٠٥، ثواب الأعمال: ص ٧٧ ح ١، الأمالي للصدوق: ص ٦٨٣ ح ٩٣٦ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عنه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٢٤٧ ح ٤.

٢ . كنز العمّال: ج ١٥ ص ٩١١ ح ٤٣٥٧٤ نقلاً عن وهب بن وهب أبي البختري عن جعفر بن محمّد عن أبيه عن جدّه، المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٣٦٨ ح ٧٧٤٩، المعجم الصغير: ج ٢ ص ٢٦ كلاهما عن عائشة نحوه.

٣ . جامع الأخبار: ص ١٧٣ ح ٤١٤، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٥٥ ح ٤٩.

٤ . صحيح مسلم: ج ١ ص ٤٥٩ ح ٢٧٤، سنن أبي داود: ج ١ ص ١٢٨ ح ٤٧١، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٩٢ ح ٩٣٨٥ كلّها عن أبي هريرة و ج ٤ ص ١٩٠ ح ١١٩٠٧ عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ٧ ص ٣٢٤ ح ١٩٠٨٤.

٥ . مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٠٣ ح ١٢١٨، شعب الإيمان: ج ٣ ص ٨٦ ح ٢٩٦١ كلاهما عن أبي عبد الرحمن عن الإمام عليّ عليه السلام، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ١ ص ٤٤٠ ح ٩ نحوه، كنز العمّال: ج ٧ ص ٣٢٢ ح ١٩٠٧٢.

و ـ روزه‌دار

۲۸۴۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ روزه‌داری نیست که در جمع گروهی در حال خوردن غذا حاضر شود، مگر این که اعضایش برای او تسبیح [خدا] می‌گویند و درود [و دعای] فرشتگان، نثار او می‌شود، و درود آنها هم طلبِ آمرزش است.

۲۸۴۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس روز خود را با روزه آغاز کند، اعضایش برای او تسبیح می‌گویند و آسمان‌ها برایش نورافشان می‌شوند و همهٔ فرشتگان آسمان، برایش طلب آمرزش می‌کنند. اگر «سبحان الله» یا «لا إله إلّا الله» بگوید، هفتاد هزار فرشته، آنها را می‌گیرند و [طلب آمرزش] می‌نویسند، تا آن گاه که غروب شود.

ز ـ نمازگزار

۲۸۴۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس به ندای دعوت کنندهٔ خدا (مؤذّن) پاسخ دهد [و نماز بگزارد]، فرشتگانْ برایش آمرزش می‌طلبند و بدون حسابرسی وارد بهشت می‌شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۸۵۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: بنده، تا زمانی که در نمازگاهش منتظر نماز باشد، در حال نماز است و فرشتگان می‌گویند: «بار خدایا! او را بیامرز، بار خدایا! بر او رحمت آور» تا آن که نمازگاهش را ترک کند یا حَدَثی از او سر بزند.

۲۸۵۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: بنده، هرگاه بعد از نماز در جانمازش بنشیند، فرشتگان بر او درود می‌فرستند و درودشان بر او: «بار خدایا! او را بیامرز. بار خدایا! بر او رحمت آور» است. اگر هم منتظر نماز بنشیند، باز فرشتگان بر او درود می‌فرستند، و درودشان بر او «بار خدایا! او را بیامرز؛ بار خدایا! بر او رحمت آور» است.

٢٨٥٢ . عنه ﷺ: مَن صَلَّى الفَجرَ ثُمَّ جَلَسَ في مُصَلّاهُ، صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَةُ. وصَلاتُهُم عَلَيهِ: اللّٰهُمَّ اغفِر لَهُ، اللّٰهُمَّ ارحَمهُ.[١]

٢٨٥٣ . عنه ﷺ: مَن صَلَّى الفَجرَ في جَماعَةٍ، وقَعَدَ في مُصَلّاهُ، وقَرَأَ ثَلاثَ آياتٍ مِن أوَّلِ سورَةِ الأَنعامِ، وَكَّلَ اللهُ بِهِ سَبعينَ مَلَكاً، يُسَبِّحونَ اللهَ، ويَستَغفِرونَ لَهُ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ.[٢]

٢٨٥٤ . عنه ﷺ: ألا ومَن مَشىٰ إلىٰ مَسجِدٍ يَطلُبُ فيهِ الجَماعَةَ، كانَ لَهُ بِكُلِّ خُطوَةٍ سَبعونَ ألفَ حَسَنَةٍ، ويُرفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجاتِ مِثلُ ذٰلِكَ.

فَإن ماتَ وهُوَ عَلىٰ ذٰلِكَ، وَكَّلَ اللهُ ﷻ بِهِ سَبعينَ ألفَ مَلَكٍ، يَعودونَهُ في قَبرِهِ، ويُبَشِّرونَهُ ويُؤنِسونَهُ في وَحدَتِهِ، ويَستَغفِرونَ لَهُ حَتّىٰ يُبعَثَ.[٣]

٢٨٥٥ . عنه ﷺ: إنَّ أحَدَكُم إذا دَخَلَ المَسجِدَ كانَ في صَلاةٍ ما كانَتِ الصَّلاةُ تَحبِسُهُ، وَالمَلائِكَةُ يُصَلّونَ عَلىٰ أحَدِكُم ما دامَ في مَجلِسِهِ الَّذي صَلّىٰ فيهِ، يَقولونَ: «اللّٰهُمَّ اغفِرلَهُ، اللّٰهُمَّ ارحَمهُ، اللّٰهُمَّ تُب عَلَيهِ»، ما لَم يُحدِث فيهِ، ما لَم يُؤذِ فيهِ.[٤]

٢٨٥٦ . عنه ﷺ: ألا أدُلُّكُم عَلىٰ ما يُكَفِّرُ اللهُ بِهِ الخَطايا، ويَزيدُ بِهِ فِي الحَسَناتِ ؟!... إسباغُ الوُضوءِ عَلَى المَكارِهِ، وكَثرَةُ الخُطىٰ إلىٰ هٰذِهِ المَساجِدِ، وَانتِظارُ الصَّلاةِ بَعدَ

---

١ . مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٠٩ ح ١٢٥٠ عن أبي عبد الرحمٰن السلمي عن الإمام عليّ ﷺ، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٥٣ ح ٣٥٥٠.

٢ . كنز العمّال: ج ٢ ص ١٤٤ ح ٣٥١٦ نقلاً عن الديلمي عن ابن مسعود.

٣ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ١٧ ح ٤٩٦٨، الأمالي للصدوق: ص ٥١٧ ح ٧٠٧ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣١٧ ح ٢٦٥٥ عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ عنه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٨٨ ص ٨ ح ١١.

٤ . سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٢٦٢ ح ٧٩٩، سنن أبي داوود: ج ١ ص ١٥٣ ح ٥٥٩، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٥٧ ح ٧٤٣٤، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ١ ص ٤٤٠ ح ٨ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٧ ص ٥٥٣ ح ٢٠٢١٧.

۲۸۵۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس بعد از خواندن نماز صبح، در جانمازش بنشیند، فرشتگان بر او درود می‌فرستند، و درودشان بر او: «بار خدایا! او را بیامرز؛ بار خدایا! بر او رحمت آور» است.

۲۸۵۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس نماز صبح را با جماعت بگزارد و [سپس] در جانمازش بنشیند و سه آیهٔ آغازین سورهٔ انعام را بخواند، خداوند، هفتاد فرشته بر او می‌گمارد که خدا را تسبیح گویند و تا روز قیامت، برای او طلب آمرزش کنند.

۲۸۵۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: آگاه باشید که هر کس برای شرکت در نماز جماعت، ره سپار مسجدی شود، برای هر قدمی، او را هفتاد هزار ثواب باشد، و همین اندازه، درجه‌اش بالا می‌رود.

و اگر در این حال بمیرد، خداوندﷻ هفتاد هزار فرشته بر او می‌گمارد که در قبرش به دیدار او بروند و پیوسته بشارتش بدهند و همدم تنهایی او باشند و برایش، آمرزش می‌طلبند تا آن گاه که برانگیخته شود.

۲۸۵۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر یک از شما هر گاه وارد مسجد شود تا زمانی که نمازْ او را نگه داشته باشد[1]، در حال نماز است، و هر یک از شما تا زمانی که در مکانی که در آن نماز خوانده، نشسته باشد، فرشتگان بر او درود می‌فرستند، می‌گویند: «بار خدایا! او را بیامرز. بار خدایا! او را رحمت کن. بار خدایا! توبه‌اش را بپذیر» تا زمانی که در آن [مسجد]، حَدَثی از او سر نزند، تا زمانی که در آن [مسجد]، آزاری نرساند.

۲۸۵۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: آیا شما را به چیزی راه نمایی نکنم که خداوند به سبب آن، گناهان را می‌پوشاند و بر نیکی‌ها می‌افزاید؟!... گرفتن وضوی کامل در شرایط سخت، آمد و شد بسیار به این مسجدها، و نشستن به انتظار نماز، پس از نماز. هیچ مردی از

---

۱ . یعنی نماز او را در مسجد، نگه داشته است و به خاطر نماز، مسجد را ترک نکرده و منتظر فرا رسیدن وقت نماز است.

الصَّلاةِ. ما مِنكُم مِن رَجُلٍ يَخرُجُ مِن بَيتِهِ مُتَطَهِّراً، فَيُصَلّي مَعَ المُسلِمينَ الصَّلاةَ، ثُمَّ يَجلِسُ فِي المَسجِدِ[1] يَنتَظِرُ الصَّلاةَ الأُخرىٰ، [إلّا][2] أنَّ المَلائِكَةَ تَقولُ: اللّٰهُمَّ اغفِر لَهُ، اللّٰهُمَّ ارحَمهُ.[3]

٢٨٥٧ . عنه ﷺ ـ في وَصِيَّتِهِ لِأَبي ذَرٍّ ـ: يا أبا ذَرٍّ، إنَّ رَبَّكَ ﷻ يُباهِي المَلائِكَةَ بِثَلاثَةِ نَفَرٍ: رَجُلٍ يُصبِحُ فِي الأَرضِ فَرداً، فَيُؤَذِّنُ ثُمَّ يُصَلّي، فَيَقولُ رَبُّكَ لِلمَلائِكَةِ: أنظُروا إلىٰ عَبدي، يُصَلّي ولا يَراهُ أحَدٌ غَيري، فَيَنزِلُ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ يُصَلّونَ وَراءَهُ، ويَستَغفِرونَ لَهُ إلَى الغَدِ مِن ذٰلِكَ اليَومِ....[4]

ح ـ المُصَلّي عَلَى النَّبِيِّ وآلِهِ ﷺ

٢٨٥٨ . رسول الله ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ في كِتابٍ، لَم تَزَلِ المَلائِكَةُ تَستَغفِرُ لَهُ مادامَ اسمي في ذٰلِكَ الكِتابِ.[5]

٢٨٥٩ . الإمام الصادق ﷺ: الصَّدَقَةُ لَيلَةَ الجُمُعَةِ ويَومَها بِأَلفٍ، وَالصَّلاةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ لَيلَةَ الجُمُعَةِ بِأَلفٍ مِنَ الحَسَناتِ، ويَحُطُّ اللّٰهُ فيها ألفاً مِنَ السَّيِّئاتِ، ويَرفَعُ فيها

---

١ . في المصدر: «المجلس»، والتصويب من كنز العمّال.

٢ . ما بين المعقوفين لم يرد في المصدر، وأثبتناه من كنز العمّال.

٣ . مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٧ ح ١٠٩٩٤، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٣٠٥ ح ٦٨٩ نحوه، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٢٥ ح ٢٢٦٥ كلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٨٣٦ ح ٤٣٣٢٥؛ الأمالي للصدوق: ص ٤٠٠ ح ٥١٦ عن أبي سعيد الخدري، روضة الواعظين: ص ٣٦٦، بحار الأنوار: ج ٨٨ ص ٧ ح ٩.

٤ . الأمالي للطوسي: ص ٥٣٤ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٢ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذرّ، عدّة الداعي: ص ١٤٤ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١١٦ ح ١٣.

٥ . المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٢٣٢ ح ١٨٣٥، تاريخ دمشق: ج ٦ ص ٨١ ح ١٤٢٣ كلاهما عن أبي هريرة و ص ٣٥ ح ٣٨٥ عن محمّد بن جبير عن الإمام الصادق ﷺ وفيه «من صلّى على رسول الله ﷺ ...»، تفسير القرطبي: ج ١٤ ص ٢٣٥، كنز العمّال: ج ١ ص ٥٠٧ ح ٢٢٤٣؛ منية المريد: ص ٣٤٧، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٧١ ح ٦٥.

شما نیست که با وضو از خانه‌اش بیرون رود و با مسلمانان، نماز بگزارد، سپس در مسجد به انتظار نماز بعد بنشیند، مگر آن که فرشتگان می‌گویند: «بار خدایا! او را بیامرز. خدایا! بر او رحم آور».

۲۸۵۷ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در سفارشش به ابو ذر ـ: ای ابو ذر! پروردگارﷻ تو به سه نفر، بر فرشتگان می‌نازد: مردی که در جایی تنها باشد و خود، اذان گوید سپس نماز بخواند. پروردگارت به فرشتگان می‌فرماید: «ببینید بنده‌ام را. با آن که کسی او را نمی‌بیند، نماز می‌خواند».

سپس هفتاد هزار فرشته فرود می‌آیند و پشتِ سرش نماز می‌خوانند و تا فردای آن روز، برایش آمرزش خواهند....

ح ـ درود فرستندهٔ بر پیامبر و خاندان او ﷺ

۲۸۵۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در نوشته‌ای بر من درود گوید، تا زمانی که نام من در آن نوشته است، فرشتگان، پیوسته برایش آمرزش می‌طلبند.

۲۸۵۹ . **امام صادق**ؑ: صدقه دادن در شب و روز جمعه، برابر با هزار کار نیک است، و درود فرستادن بر محمّد و خاندان او در شب جمعه، برابر با هزار کار نیک است و در آن شب، خداوند، هزار گناه [از درود فرستنده] می‌زُداید و هزار

ألفاً مِنَ الدَّرَجاتِ.

وإنَّ المُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ وآلِهِ في لَيلَةِ الجُمُعَةِ يَزهَرُ نورُهُ فِي السَّماواتِ إلىٰ يَومِ السّاعَةِ، وإنَّ مَلائِكَةَ اللهِ فِي السَّماواتِ لَيَستَغفِرونَ لَهُ، ويَستَغفِرُ لَهُ المَلَكُ المُوَكَّلُ بِقَبرِ رَسولِ اللهِ إلىٰ أن تَقومَ السّاعَةُ.[١]

ط ـ زائِرُ أميرِ المُؤمِنينَ

٢٨٦٠ . **الإمام الصادق**: مَن زارَ أميرَ المُؤمِنينَ عارِفاً بِحَقِّهِ، غَيرَ مُتَجَبِّرٍ ولا مُتَكَبِّرٍ، كَتَبَ اللهُ لَهُ أجرَ مِئَةِ ألفِ شَهيدٍ... وَاستَقبَلَتهُ المَلائِكَةُ، فَإذَا انصَرَفَ شَيَّعَتهُ إلىٰ مَنزِلِهِ، فَإن مَرِضَ عادوهُ، وإن ماتَ تَبِعوهُ بِالاِستِغفارِ إلىٰ قَبرِهِ.[٢]

ي ـ زائِرُ الإمامِ الحُسَينِ

٢٨٦١ . **الإمام الصادق**: إنَّ اللهَ وَكَّلَ بِالحُسَينِ مَلَكاً في أربَعَةِ آلافِ مَلَكٍ يَبكونَهُ، ويَستَغفِرونَ لِزُوّارِهِ، ويَدعونَ اللهَ لَهُم.[٣]

٢٨٦٢ . **عنه**: وَكَّلَ اللهُ بِقَبرِ الحُسَينِ أربَعَةَ آلافِ مَلَكٍ، شُعثٍ غُبرٍ يَبكونَهُ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ، فَمَن زارَهُ عارِفاً بِحَقِّهِ شَيَّعوهُ حَتّىٰ يُبلِغوهُ مَأمَنَهُ، وإن مَرِضَ عادوهُ، غُدوَةً وعَشِيَّةً، وإن ماتَ شَهِدوا جِنازَتَهُ، وَاستَغفَروا لَهُ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ.[٤]

---

١ . المقنعة: ص ١٥٦، جامع الأحاديث للقمّي: ص ١٥١ وفيه ذيله من «إنّ المصلّي»، روضة الواعظين: ص ٣٦٥، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٤٦٤ ح ٣٥، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣١٤ ح ٢١.

٢ . الأمالي للطوسي: ص ٢١٤ ح ٣٧٢، بشارة المصطفى: ص ١٠٩ كلاهما عن محمّد بن مسلم، كشف الغمّة: ج ٢ ص ٢١، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ١٧٦ ح ٩.

٣ . كامل الزيارات: ص ١٧٦ ح ٢٣٨ عن مالك الجهني، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٥٧ ح ٢٤.

٤ . الكافي: ج ٤ ص ٥٨١ ح ٦، ثواب الأعمال: ص ١١٣ ح ١٧، الأمالي للصدوق: ص ٢٠٦ ح ٢٢٤ كلّها عن هارون بن خارجة و ص ٦٤ ح ٢٨ عن هارون بن حمزة الغنوي، كامل الزيارات: ص ١٧٦ ح ١٥ عن محمّد بن مروان نحوه، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٦٣ ح ٤٤.

درجه [او را] بالا می‌برد.

نور درود فرستندهٔ بر پیامبر و خاندان او در شب جمعه، تا روز قیامت در آسمان‌ها می‌درخشد و فرشتگان خدای‌ﷻ برایش طلب آمرزش می‌کنند، و فرشتهٔ گماشته شده بر قبر پیامبر خدا، تا قیامِ قیامت، برایش آمرزش می‌طلبد.

ط ـ زائر امیر مؤمنان‌ؑ

۲۸۶۰ . **امام صادق‌ؑ**: هر کس، با شناخت حقّ امیر مؤمنان و به دور از غرور و تکبّر، او را زیارت کند، خداوند، برایش مزد صد هزار شهید می‌نویسد... و فرشتگان، به استقبال او می‌روند، و چون بازگردد، او را تا خانه‌اش بدرقه کنند، و اگر بیمار شود به عیادتش می‌روند، و چون بمیرد، آمرزش‌خواهان، او را تا گورش تشییع می‌کنند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ی ـ زایر امام حسین‌ؑ

۲۸۶۱ . **امام صادق‌ؑ**: خداوند، فرشته‌ای را با چهار هزار فرشته بر [آرامگاه] حسین‌ؑ گماشته است که بر او می‌گِریند و برای زائرانش آمرزش می‌طلبند و برایشان، دعا می‌کنند.

۲۸۶۲ . **امام صادق‌ؑ**: خداوند، چهار هزار فرشتهٔ ژولیده و غبار گرفته بر قبر حسین‌ؑ گماشته است که تا روز قیامت، بر او می‌گِریند. پس هر که با معرفت حقّ او به زیارتش برود، [در مراجعتْ] آن فرشتگان، او را تا سرپناهش بدرقه می‌کنند، و اگر بیمار شود، صبح و شب به عیادتش می‌روند، و چون از دنیا برود، در تشییع جنازه‌اش حاضر می‌شوند و تا روز قیامت، برایش آمرزش می‌طلبند.

ك ـ ذاكِرُ أمرِ الإمامَةِ

٢٨٦٣ . **الأمالي للطوسي عن معتب مولى الإمام الصادق عليه السلام، قال:** سَمِعتُهُ يَقولُ لِداوود بنِ سِرحانَ: يا داوودُ، أبلِغ مَوالِيَّ عَنِّي السَّلامَ وأنّي أقولُ: رَحِمَ اللهُ عَبداً اجتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَتَذاكَرا أمرَنا، فَإِنَّ ثالِثَهُما مَلَكٌ يَستَغفِرُ لَهُما ومَا اجتَمَعَ اثنانِ عَلىٰ ذِكرِنا، إلّا باهَى اللهُ تَعالىٰ بِهِمَا المَلائِكَةَ.

فَإِذَا اجتَمَعتُم فَاشتَغِلوا بِالذِّكرِ، فَإِنَّ فِي اجتِماعِكُم ومُذاكَرَتِكُم إحياءَنا، وخَيرُ النّاسِ مِن بَعدِنا مَن ذاكَرَ بِأَمرِنا، ودَعا إلىٰ ذِكرِنا.[1]

ل ـ شيعَةُ عَلِيٍّ عليه السلام ومُحِبّيهِ

٢٨٦٤ . **رسول الله صلى الله عليه وآله:** يا عَلِيُّ، إنَّ الجَنَّةَ مُشتاقَةٌ إلَيكَ وإلىٰ شيعَتِكَ، وإنَّ مَلائِكَةَ العَرشِ المُقَرَّبينَ يَفرَحونَ بِقُدومِهِم، وَالمَلائِكَةُ تَستَغفِرُ لَهُم.

يا عَلِيُّ، شيعَتُكَ الَّذينَ يَخافونَ اللهَ فِي السِّرِّ وَالعَلانِيَةِ.[2]

٢٨٦٥ . **عنه صلى الله عليه وآله:** ألا ومَن أحَبَّ عَلِيّاً استَغفَرَت لَهُ المَلائِكَةُ، وفُتِحَت لَهُ أبوابُ الجَنَّةِ الثَّمانِيَةُ، يَدخُلُها مِن أيِّ بابٍ شاءَ بِغَيرِ حِسابٍ.[3]

٢٨٦٦ . **الإمام الصادق عليه السلام ـ لِقَومٍ مِن شيعَتِهِ ـ:** إنَّ لِلّهِ عزوجل مَلائِكَةً يَستَغفِرونَ لَكُم، حَتّىٰ تَتَساقَطَ ذُنوبُكُم؛ كَما يَتَساقَطُ وَرَقُ الشَّجَرِ في يَومِ ريحٍ، وذٰلِكَ قَولُ اللهِ تَعالىٰ: ﴿اَلَّذِينَ يَحْمِلُونَ اَلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ

---

١ . الأمالي للطوسي: ص ٢٢٤ ح ٣٩٠، بشارة المصطفى: ص ١١٠، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٠٠ ح ٨.

٢ . بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٤١ ح ٨٥ نقلاً عن رياض الجنان لفضل الله بن محمود الفارسي عن الإمام الصادق عليه السلام وراجع بشارة المصطفى: ص ١٨١ وبحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٤٦ ح ٩١.

٣ . فضائل الشيعة: ص ٤٦ ح ١، مائة منقبة: ص ٨٨، بشارة المصطفى: ص ٣٧، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٨٦٣ ح ١ كلّها عن ابن عمر، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٢٤ ح ٥٣.

ک ـ یاد کنندگان از موضوع امامت

۲۸۶۳ . **الأمالی**، طوسی ـ به نقل از معتّب غلام امام صادق ﷺ ـ: شنیدم که امام [صادق ﷺ] به داوود بن سِرحان می‌فرماید: «ای داوود! از جانب من به پیروانم سلام برسان و [بگو که] من می‌گویم: رحمت خدا بر آن بنده‌ای که با دیگری گِرد آید و از موضوع ما (امامت) یاد کنند؛ زیرا سومین آنها فرشته‌ای است که برایشان آمرزش می‌طلبد، و هیچ گاه دو نفر برای یاد کردن از ما گِرد هم نیامدند، مگر آن که خداوند متعال به آن دو، بر فرشتگان مباهات کرد.

پس هرگاه گِرد هم آمدید، به یاد کردن [از ما] بپردازید؛ زیرا در گردهمایی شما و گفتگویتان، زنده داشتن ماست، و بهترین مردم پس از ما، کسی است که از موضوع ما یاد کند و دیگران را به یاد و نام ما بخواند.

ل ـ پیروان و دوستداران علی ﷺ

۲۸۶۴ . **پیامبر خدا** ﷺ: ای علی! بهشت، مشتاق تو و پیروان توست، و عرشیان مقرّب [درگاه الهی]، از آمدن آنها شادمان می‌شوند، و فرشتگان، برایشان آمرزش می‌طلبند.

ای علی! پیروان تو آنان‌اند که در نهان و آشکار، از خدا می‌ترسند.

۲۸۶۵ . **پیامبر خدا** ﷺ: هان! هر که علی را دوست داشته باشد، فرشتگان، برایش آمرزش می‌طلبند و هفت درِ بهشت، به روی او باز می‌شود، و از هر دری که خواهد، بدون حسابرسی، به آن وارد می‌شود.

۲۸۶۶ . **امام صادق** ﷺ ـ به گروهی از پیروانش ـ: خداوند ﷻ فرشتگانی دارد که برای شما آمرزش می‌طلبند تا جایی که گناهانتان، همچون ریزش برگ درختان در روز توفانی، فرو می‌ریزد. این سخن خداوند متعال است: ﴿کسانی که عرش را حمل می‌کنند و آنان که پیرامون آن‌اند، پروردگارشان را به پاکی می‌ستایند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند﴾. اینان، پیروان

هُم شيعَتُنا، وهِيَ وَاللهِ لَهُم.[١]

م ـ قاضي حاجَةِ المُؤمِنِ

٢٨٦٧ . **الإمام الصادق**عليه السلام: تَنافَسوا فِي المَعروفِ لِإِخوانِكُم، وكونوا مِن أهلِهِ، فَإِنَّ لِلجَنَّةِ باباً يُقالُ لَهُ: «المَعروفُ»، لا يَدخُلُهُ إلّا مَنِ اصطَنَعَ المَعروفَ فِي الحَياةِ الدُّنيا.

فَإِنَّ العَبدَ لَيَمشي في حاجَةِ أخيهِ المُؤمِنِ، فَيُوَكِّلُ اللهُ عزوجل بِهِ مَلَكَينِ: واحِداً عَن يَمينِهِ، وآخَرَ عَن شِمالِهِ، يَستَغفِرانِ لَهُ رَبَّهُ، ويَدعُوانِ بِقَضاءِ حاجَتِهِ.[٢]

٢٨٦٨ . **رسول الله**صلى الله عليه وآله: مَن كَسا أحَداً مِن فُقَراءِ المُسلِمينَ ثَوباً مِن عُريٍ، أو أعانَهُ بِشَيءٍ مِمّا يَقوتُهُ مِن مَعيشَتِهِ، وَكَّلَ اللهُ عزوجل بِهِ سَبعينَ ألفَ مَلَكٍ مِنَ المَلائِكَةِ، يَستَغفِرونَ[٣] لِكُلِّ ذَنبٍ عَمِلَهُ، إلىٰ أن يُنفَخَ فِي الصُّورِ.[٤]

٢٨٦٩ . **كنز العمّال عن أنس**: لَقِيَ أُبَيُّ بنُ كَعبٍ البَراءَ بنَ مالِكٍ، فَقالَ: يا أخي ما تَشتَهي؟ قالَ: سَويقاً وتَمراً، فَجاءَ فَأكَلَ حَتّىٰ شَبِعَ، فَذَكَرَ البَراءُ بنُ مالِكٍ ذٰلِكَ لِرَسولِ اللهِصلى الله عليه وآله، فَقالَ: اِعلَم يا بَراءُ، أنَّ المَرءَ إذا فَعَلَ ذٰلِكَ بِأخيهِ لِوَجهِ اللهِ، لا يُريدُ بِذٰلِكَ جَزاءً ولا شُكوراً، بَعَثَ اللهُ إلىٰ مَنزِلِهِ عَشَرَةً مِنَ المَلائِكَةِ يُقَدِّسونَ اللهَ ويُهَلِّلونَهُ ويُكَبِّرونَهُ ويَستَغفِرونَ لَهُ حَولاً، فَإذا كانَ الحَولُ، كُتِبَ لَهُ مِثلُ عِبادَةِ أُولٰئِكَ المَلائِكَةِ، وحَقَّ عَلَى اللهِ أن يُطعِمَهُم مِن طَيِّباتِ الجَنَّةِ، في جَنَّةِ الخُلدِ ومُلكٍ لا يَبيدُ.[٥]

---

١ . تفسير فرات: ص ٣٧٧ ح ٥٠٦ عن سليمان الأعمش، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٩٧ ح ٤.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ١٩٥ ح ١٠ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٣٢٨ ح ٩٩.

٣ . في المصدر: «تستغفرون»، والتصويب من بحار الأنوار.

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٢٠٥ ح ٣ عن أبي حمزة عن الإمام الباقرعليه السلام و ص ٢٠٤ ح ٢ عن عبد الله بن جعفر بن إبراهيم عن الإمام الصادقعليه السلام وفيه «سبعة آلاف» بدل «سبعين ألف»، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٣٨٠ ح ٨٤.

٥ . كنز العمّال: ج ٩ ص ٢٦٩ ح ٢٥٩٧٧ نقلاً عن أبي نعيم و ص ٢٤٩ ح ٢٥٨٨٣ نقلاً عن حلية الأولياء وليس فيه صدره إلى «ذلك لرسول اللهصلى الله عليه وآله».

ما هستند. به خدا سوگند، این، در بارهٔ آنهاست!

م ـ برآورندهٔ نیاز مؤمن

۲۸۶۷ . امام صادقﷺ: در نیکی کردن به برادرانتان، با یکدیگر رقابت کنید و اهل نیکوکاری باشید؛ زیرا بهشت را دری است که به آن «نیکی (معروف)» می‌گویند و تنها کسی از آن وارد شود که در زندگی دنیا، نیکی کرده باشد.

بنده‌ای که در راه برآوردن نیاز برادر مؤمنش گام بر می‌دارد، خداوندﷻ دو فرشته بر او می‌گمارد: یکی را در سمت راست او و دیگری را در سمت چپ او، که از پروردگارش برای او آمرزش می‌طلبند و برای برآورده شدن حاجتش دعا می‌کنند.

۲۸۶۸ . پیامبر خداﷺ: هر کس مسلمان نیازمندی را از برهنگی بپوشاند، یا به معیشت او کمکی کند، خداوندﷻ هفتاد هزار فرشته از فرشتگان بر او می‌گمارد که تا زمانی که در صور دمیده شود، برای هر گناهی که می‌کند، [از خداوند] آمرزش بخواهند.

۲۸۶۹ . کنز العمّال ـ به نقل از اَنَس ـ: اُبیّ بن کعب به بَراء بن مالک برخورد. گفت: چه میل داری، برادر؟

گفت: سَویق و خرما. آمد و خورد تا سیر شد.

بَراء بن مالک، این ماجرا را به پیامبر خدا گفت. ایشان فرمود: «بدان ـ ای براء ـ که انسان، هرگاه این کار را برای برادرش به خاطر خدا انجام دهد و پاداش و سپاسی از او انتظار نداشته باشد، خداوند، ده فرشته به خانهٔ او می‌فرستد تا به مدّت یک سال، خدا را به پاکی و یگانگی و بزرگی بستایند و برایش طلب آمرزش کنند، و پس از یک سال، به اندازهٔ عبادت آن فرشتگان، برای او نوشته می‌شود، و بر خداست که از خوردنی‌های پاک بهشت، در بهشت جاویدان و مُلکی ابدی، به آنان بخورانَد.

ن ـ مُدخِلُ السُّرورِ عَلىٰ أهلِ بَيتِهِ

٢٨٧٠ . رسول الله ﷺ: مَن أدخَلَ عَلىٰ أهلِ بَيتِهِ سُروراً، خَلَقَ اللهُ مِن ذٰلِكَ السُّرورِ خَلقاً يَستَغفِرُ لَهُ إلىٰ يومِ القِيامَةِ.[١]

س ـ عائِدُ المَريضِ

٢٨٧١ . رسول الله ﷺ: مَن عادَ مَريضاً مَشىٰ في خِرافِ[٢] الجَنَّةِ، فَإذا جَلَسَ عِندَهُ استَنقَعَ فِي الرَّحمَةِ، فَإذا خَرَجَ مِن عِندِهِ وُكِّلَ بِهِ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ يَستَغفِرونَ لَهُ ذٰلِكَ اليَومَ.[٣]

٢٨٧٢ . مسند ابن حنبل عن عبد الله بن نافع: عادَ أبو موسَى الأَشعَرِيُّ الحَسَنَ بنَ عَلِيٍّ عليه السلام فَقالَ لَهُ عَلِيٌّ عليه السلام: أعائِداً جِئتَ أم زائِراً؟ فَقالَ أبو موسىٰ: بَل جِئتُ عائِداً.

فَقالَ عَلِيٌّ عليه السلام: سَمِعتُ رَسولَ اللهِ ﷺ يَقولُ: مَن عادَ مَريضاً بَكَراً[٤]؛ شَيَّعَهُ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ كُلُّهُم يَستَغفِرُ لَهُ حَتّىٰ يُمسِيَ، وكانَ لَهُ خَريفٌ[٥] فِي الجَنَّةِ. وإن عادَهُ مَساءً؛ شَيَّعَهُ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ، كُلُّهُم يَستَغفِرُ لَهُ حَتّىٰ يُصبِحَ، وكانَ لَهُ خَريفٌ فِي الجَنَّةِ.[٦]

٢٨٧٣ . الإمام الباقر عليه السلام: أيُّما مُؤمِنٍ عادَ مُؤمِناً خاضَ فِي الرَّحمَةِ خَوضاً، فَإذا جَلَسَ غَمَرَتهُ الرَّحمَةُ، فَإذَا انصَرَفَ وَكَّلَ اللهُ بِهِ سَبعينَ ألفَ مَلَكٍ يَستَغفِرونَ لَهُ، ويَسترَحِمونَ

---

١ . كنز العمّال: ج ١٦ ص ٣٧٩ ح ٤٤٩٩٥ نقلاً عن أبي الشيخ عن جابر.

٢ . في خِرافِ الجنّة وخِرافتها: أي في اجتناء ثمرها؛ أي إنّ العائد فيما يجوز من الثواب، كأنّه على نخل الجنّة يخترف ثمارها (النهاية: ج ٢ ص ٢٤ «خرف»).

٣ . مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٩٢ ح ١١٦٦، شعب الإيمان: ج ٦ ص ٥٣٢ ح ٩١٧٥ نحوه وكلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام، كنز العمّال: ج ٩ ص ١٠١ ح ٢٥١٧٧.

٤ . كلُّ من أسرع إلى شيء فقد بكّر إليه، وأوّل كلّ شيء باكورته (النهاية: ج ١ ص ١٤٨ «بكر»).

٥ . خريف: أي مسافة تقطع ما بين الخريف إلى الخريف (النهاية: ج ٢ ص ٢٤ «خرف»).

٦ . مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٥٦ ح ٩٧٥، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٥٠١ ح س ١٢٩٤، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٥٣٤ ح ٦٥٨٥؛ الأمالي للطوسي: ص ٤٠٣ ح ٩٠١ من دون إسنادٍ إلى رسول الله ﷺ وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢١٥ ح ٨.

ن ـ کسی که خانواده‌اش را شاد کند

۲۸۷۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس به خانواده‌اش شادی برساند، خداوند، از آن شادی مخلوقی می‌آفریند که تا روز قیامت، برایش آمرزش بخواهد.

س ـ عیادت کننده از بیمار

۲۸۷۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس به عیادت بیماری برود، در نخلستان پُربار بهشت، گام برداشته است، و اگر نزد او بنشیند، در رحمت نشسته است، و چون از نزد او برود، هفتاد هزار فرشته بر او گماشته می‌شوند که آن روز را برایش آمرزش بطلبند.

۲۸۷۲ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از عبد الله بن نافع ـ: ابوموسی اشعری، به عیادت حسن بن علی‌ؑ رفت. علی‌ؑ به او فرمود: «برای عیادت آمده‌ای یا برای دیدن؟».

ابوموسی گفت: برای عیادت آمده‌ام.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

علی‌ؑ فرمود: «از پیامبرﷺ شنیدم که می‌فرمود: «هر کس صبحگاه، به عیادت بیماری برود، هفتاد هزار فرشته، او را مشایعت می‌کنند و همگی تا شب برایش آمرزش می‌طلبند و برایش بُستانی (/نخلستانی) در بهشت باشد، و اگر شب‌هنگام به عیادتش برود، باز هم هفتاد هزار فرشته، بدرقه‌اش می‌کنند و همگی تا صبح، برایش آمرزش می‌طلبند و او را بستانی در بهشت باشد"».

۲۸۷۳ . **امام باقر**ؑ: هر مؤمنی به عیادت مؤمنی برود، وارد رحمت می‌شود، و چون [در کنار او] بنشیند، رحمت، او را فرو می‌پوشاند، و چون برود، خداوند،

عَلَيهِ.[١]

٢٨٧٤ . الإمام الصادق عليه السلام: أيُّما مُؤمِنٍ عادَ مُؤمِناً فِي اللهِ عزوجل في مَرَضِهِ، وَكَّلَ اللهُ بِهِ مَلَكاً مِنَ العُوّادِ يَعودُهُ في قَبرِهِ، ويَستَغفِرُ لَهُ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ.[٢]

ع ـ مُشَيِّعُ جِنازَةِ المُؤمِنِ

٢٨٧٥ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَن شَيَّعَ جِنازَةً فَلَهُ بِكُلِّ خُطوَةٍ ـ حَتّىٰ يَرجِعَ إلىٰ مَنزِلِهِ ـ مِئَةُ ألفِ ألفِ حَسَنَةٍ، ويُمحىٰ عَنهُ مِئَةُ ألفِ ألفِ سَيِّئَةٍ، ويُرفَعُ لَهُ مِئَةُ ألفِ ألفِ دَرَجَةٍ، فَإن صَلّىٰ عَلَيها شَيَّعَهُ في جِنازَتِهِ مِئَةُ ألفٍ كُلُّهُم يَستَغفِرونَ لَهُ حَتّىٰ يَرجِعَ، فَإن شَهِدَ دَفنَها وَكَّلَ اللهُ بِهِ ألفَ مَلَكٍ كُلُّهُم يَستَغفِرونَ لَهُ، حَتّىٰ يُبعَثَ مِن قَبرِهِ.[٣]

٢٨٧٦ . الإمام الصادق عليه السلام: مَن شَيَّعَ جِنازَةَ مُؤمِنٍ حَتّىٰ يُدفَنَ في قَبرِهِ، وَكَّلَ اللهُ عزوجل بِهِ سَبعينَ مَلَكاً مِنَ المُشَيِّعينَ، يُشَيِّعونَهُ ويَستَغفِرونَ لَهُ إذا خَرَجَ مِن قَبرِهِ إلَى المَوقِفِ.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ف ـ قارِئُ القُرآنِ

٢٨٧٧ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَن قَرَأَ هٰذِهِ الآيَةَ عِندَ مَنامِهِ: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾[٥] سَطَعَ لَهُ نورٌ إلَى المَسجِدِ الحَرامِ، حَشوُ ذٰلِكَ النّورِ مَلائِكَةٌ يَستَغفِرونَ لَهُ حَتّىٰ يُصبِحَ.[٦]

---

١. الكافي: ج ٣ ص ١٢٠ ح ٣ عن أبي حمزة.

٢. الكافي: ج ٣ ص ١٢٠ ح ٤.

٣. ثواب الأعمال: ص ٣٤٥ ح ١ عن أبي هريرة وابن عبّاس، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٣٨٤ ح ٤٤.

٤. الكافي: ج ٣ ص ١٧٣ ح ٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ١٦٢ ح ٤٥٥، الأمالي للصدوق: ص ٢٨٦ ح ٣١٧ عن داوود بن كثير الرقّي، روضة الواعظين: ص ٥٣٥، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٥٧ ح ١.

٥. الكهف: ١١٠.

٦. تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٧٥ ح ٦٩٩، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٧٠ ح ١٣٥٥، فلاح السائل: ص ٤٨٩ ح ٣٣٨، عدّة الداعي: ص ٢٨٢، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٨٢ ح ٣.

هفتاد هزار فرشته بر او می‌گمارد که برایش آمرزش و رحمت می‌طلبند.

۲۸۷۴ . **امام صادق**ﷺ: هر مؤمنی به خاطر خداوندﷻ از مؤمنِ بیماری عیادت کند، خداوند، فرشته‌ای از فرشتگانِ عیادت کننده، بر او می‌گمارد که در قبرش به عیادت او برود و تا روز قیامت، برایش آمرزش بطلبد.

ع ـ تشییع کنندهٔ جنازهٔ مؤمن

۲۸۷۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس جنازه‌ای را تشییع کند، برای هر گامش ـ تا زمانی که به خانه‌اش برگردد ـ صد هزار هزار ثواب باشد، و صد هزار هزار گناه، از او زُدوده می‌شود، و صد هزار هزار درجه او را بالا می‌برند، و اگر بر آن [مُرده] نماز بخواند، صد هزار [فرشته] در تشییع جنازهٔ او شرکت می‌کنند و همگی، تا زمانی که برگردد، برایش طلب آمرزش می‌کنند، و اگر شاهد دفن او باشد، خداوند، هزار فرشته بر او می‌گمارد که همگی تا آن گاه که از قبرش برانگیخته شود، برایش آمرزش بطلبند.

۲۸۷۶ . **امام صادق**ﷺ: هر کس جنازهٔ مؤمنی را تشییع کند تا آن گاه که او را به خاک سپارند، خداوندﷻ هفتاد فرشته از فرشتگانی که کارشان تشییع است، بر او می‌گمارد که تا هنگامی که از قبرش به سوی موقف خارج می‌شود، او را مشایعت کنند و برایش آمرزش بطلبند.

ف ـ قرائت کنندهٔ قرآن

۲۸۷۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در هنگام خوابیدن، این آیه را بخواند: ﴿بگو: من، در حقیقت، بشری مانند شما هستم که به من، وحی می‌شود. معبود شما، معبودی یگانه است. پس هر که به دیدار پروردگارش امید دارد، باید که کار شایسته کند و در پرستش پروردگارش، اَحَدی را شریک نگرداند﴾، برایش نوری تا مسجد الحرام تابیدن می‌گیرد که درون آن نور، فرشتگانی هستند که تا صبح، برایش طلب آمرزش می‌کنند.

٢٨٧٨ . عنه ﷺ: مَن قَرَأَ ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَـٰئِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾[١] عِندَ مَنامِهِ، خَلَقَ اللهُ لَهُ سَبعينَ أَلفَ مَلَكٍ يَستَغفِرونَ لَهُ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ.[٢]

ص ـ ذاكِرُ اللهِ عِندَ النَّومِ

٢٨٧٩ . الإمام عليّ ﷺ: إذا أرادَ أحَدُكُمُ النَّومَ فَليَضَع يَدَهُ اليُمنىٰ تَحتَ خَدِّهِ الأَيمَنِ، وَليَقُل: بِاسمِ اللهِ، وَضَعتُ جَنبي لِلّهِ[٣]، عَلىٰ مِلَّةِ إبراهيمَ، ودينِ مُحَمَّدٍ ﷺ، ووِلايَةِ مَنِ افتَرَضَ اللهُ طاعَتَهُ، ما شاءَ اللهُ كانَ، وما لَم يَشَأ لَم يَكُن. فَمَن قالَ ذٰلِكَ عِندَ مَنامِهِ، حُفِظَ مِنَ اللِّصِّ، وَالمُغيرِ[٤]، وَالهَدمِ، وَاستَغفَرَت لَهُ المَلائِكَةُ.[٥]

ق ـ مَن باتَ مُتَطَهِّراً

٢٨٨٠ . رسول الله ﷺ: طَهِّروا هٰذِهِ الأَجسادَ طَهَّرَكُمُ اللهُ، فَإِنَّهُ لَيسَ عَبدٌ يَبيتُ طاهِراً إلّا باتَ مَعَهُ مَلَكٌ في شِعارِهِ[٦]، لا يَنقَلِبُ ساعَةً مِنَ اللَّيلِ إلّا قالَ: اللّٰهُمَّ اغفِر لِعَبدِكَ، فَإِنَّهُ باتَ طاهِراً.[٧]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . آل عمران: ١٨.

٢ . تفسير القرطبي: ج ٤ ص ٤٢؛ مجمع البيان: ج ٢ ص ٧١٧ وفيه «ألف خلق» بدل «ألف ملك» وكلاهما عن أنس، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٧٩ ح ٨ نقلاً عن البلد الأمين.

٣ . في المصدر: «الله»، والتصويب من بحار الأنوار.

٤ . المغير: اسمُ فاعل من أغار إذا نهبَ، وفيه «من دَخَلَ إلى طعام لم يُدعَ إليه، دخلَ سارقاً وخرج مُغيراً» شبّه دخوله عليهم بدخول السّارق، وخروجه بمن أغار علىٰ قوم ونهبهم (النهاية: ج ٣ ص ٣٩٤ «غور»).

٥ . الخصال: ص ٦٣١ ح ١٠ عن محمّد بن مسلم وأبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، تحف العقول: ص ١٢٠، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٤٥ ح ٢١٠٥، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٩١ ح ١.

٦ . الشعار: الثّوب الذي يلي الجسد، لأنّه يلي شعره (النهاية: ج ٢ ص ٤٨٠ «شعر»).

٧ . المعجم الكبير: ج ١٢ ص ٣٤١ ح ١٣٦٢٠ و ص ٣٤٢ ح ١٣٦٢١، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٣٢٨ ح ١٠٥١ نحوه، مسند الشاميّين: ج ٣ ص ٤٠٢ ح ٢٥٥٢ كلّها عن ابن عمر، المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٢٠٤ ح ٥٠٨٧ عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ٩ ص ٢٧٧ ح ٢٦٠٠٣.

۲۸۷۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در هنگام خوابش آیهٔ ﴿خدا که همواره به عدلْ قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او معبودی نیست، و فرشتگان و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند که:] جز او که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست﴾ را بخواند، خداوند، هفتاد هزار فرشته برایش خلق می‌کند که تا روز قیامت، برای او آمرزش بطلبند.

ص ـ یاد کنندهٔ از خدا در هنگام خوابیدن

۲۸۷۹ . **امام علی**ؑ: هرگاه یکی از شما خواست بخوابد، دست راست خود را زیر گونهٔ راستش بگذارد و بگوید: «به نام خدا. پهلویم را [بر زمین] گذاشتم برای خدا، در حالی که بر آیین ابراهیم و دین محمّدﷺ و پیروی از کسی هستم که خداوند، اطاعت از او را واجب فرموده است. آنچه خدا خواهد، همان می‌شود، و آنچه او نخواهد، نمی‌شود». هر کس این را در هنگام خوابیدن بگوید، از دزد و غارتگر و رفتنِ زیر آوار، محفوظ می‌ماند و فرشتگان، برایش آمرزش می‌طلبند.

ق ـ کسی که شب را پاک و با وضو به سر برد

۲۸۸۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: این بدن‌ها را پاک گردانید، خدا، شما را پاک می‌گرداند؛ زیرا هیچ بنده‌ای نیست که شب را پاک به سر ببرد، مگر آن که فرشته‌ای در زیر پوشش با او باشد و هر ساعتی از شب، غلتی بخورد، آن فرشته می‌گوید: «بار خدایا! بنده‌ات را بیامرز؛ زیرا او امشب، در پاکی به سر می‌برد».

ر ـ مَن أكَلَ الحَلالَ

٢٨٨١ . رسول الله ﷺ: مَن أكَلَ الحَلالَ، قامَ عَلىٰ رَأسِهِ مَلَكٌ يَستَغفِرُ لَهُ حَتّىٰ يَفرُغَ مِن أكلِهِ.[١]

ش ـ مَن قَلَّمَ أظافيرَهُ يَومَ الجُمُعَةِ و...

٢٨٨٢ . رسول الله ﷺ: مَن قَلَّمَ أظافيرَهُ يَومَ الجُمُعَةِ، وأخَذَ مِن شارِبِهِ، وَاستاكَ، وأفرَغَ عَلىٰ رَأسِهِ مِنَ الماءِ حينَ يَروحُ إلَى[٢] الجُمُعَةِ، شَيَّعَهُ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ، كُلُّهُم يَستَغفِرونَ لَهُ، ويَشفَعونَ لَهُ.[٣]

٦/٨
مَن يَستَغفِرُ لَهُ كُلُّ شَيءٍ

أ ـ طالِبُ العِلمِ

٢٨٨٣ . رسول الله ﷺ: إنَّ طالِبَ العِلمِ لَيَستَغفِرُ لَهُ كُلُّ شَيءٍ، حَتّىٰ حيتانُ البَحرِ، وهَوامُّ الأَرضِ، وسِباعُ البَرِّ وأنعامُهُ؛ فَاطلُبُوا العِلمَ فَإنَّهُ السَّبَبُ بَينَكُم وبَينَ اللهِ عزّ وجلّ.[٤]

٢٨٨٤ . عنه ﷺ: مَن سَلَكَ طَريقاً يَطلُبُ فيهِ عِلماً، سَلَكَ اللهُ بِهِ طَريقاً إلَى الجَنَّةِ، وإنَّ المَلائِكَةَ لَتَضَعُ أجنِحَتَها لِطالِبِ العِلمِ رِضاً بِهِ، وإنَّهُ يَستَغفِرُ لِطالِبِ العِلمِ مَن فِي السَّماءِ ومَن فِي الأَرضِ حَتَّى الحوتُ فِي البَحرِ.[٥]

---

١ . مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣٢٠ ح ١٠٢٨ و ص ٤١٣ ح ١٣٩٦ عن أنس وفيه «الخلّ» بدل «الحلال»، الدعوات: ص ٢٤ ح ٣٥، روضة الواعظين: ص ٥٠١، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣١٤ ح ٦.

٢ . في المصدر: «يروح الجمعة»، والتصويب من بحار الأنوار.

٣ . جامع الأخبار: ص ٣٣٤ ح ٩٣٩ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٢٤ ح ١٣.

٤ . الأمالي للمفيد: ص ٢٩ ح ١، الأمالي للطوسي: ص ٥٢١ ح ١١٤٨ كلاهما عن محمّد بن جعفر عن أبيه الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٧٢ ح ٢٥.

٥ . الكافي: ج ١ ص ٣٤ ح ١ عن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام، ثواب الأعمال: ص ١٥٩ ح ١ عن عبد الله بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه ﷺ؛ سنن أبي داود: ج ٣ ص ٣١٧ ح ٣٦٤١، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٨ ح ٢٦٨٢ كلاهما عن أبي الدرداء، كنز العمّال: ج ١٠ ص ١٤٦ ح ٢٨٧٤٦.

ر ـ کسی که حلال بخورد

۲۸۸۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس از حلال بخورد، فرشته‌ای بالای سر او می‌ایستد و برایش آمرزش می‌خواهد تا آن گاه که از خوردن، دست کشد.

ش ـ کسی که در روز جمعه، ناخن‌هایش را بگیرد و...

۲۸۸۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: کسی که در روز جمعه ناخن‌هایش را بگیرد، سبیلش را کوتاه کند، مسواک بزند، و زمانی که به نماز جمعه می‌رود، آب بر سرش بریزد، هفتاد هزار فرشته، او را بدرقه می‌کنند و همگی برایش آمرزش می‌طلبند و شفاعت می‌کنند.

۶ / ۸
کسانی که همهٔ موجودات برایشان آمرزش می‌طلبند

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الف ـ جویندهٔ دانش

۲۸۸۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: همهٔ موجودات، حتّی ماهیان دریا و خزندگان زمین و دَدان و دام‌ها، برای جویندهٔ دانش، آمرزش می‌طلبند. پس دانش بجویید، زیرا دانش، رشتهٔ پیوند میان شما و خدایﷻ است.

۲۸۸۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس راهی را در جستجوی دانشی بپیماید، خداوند، او را در راهی به سوی بهشت می‌برَد. فرشتگان، بال‌های خود را با خشنودی برای جویندهٔ دانش، می‌گسترند، و اهل آسمان و زمین، حتّی ماهیان دریا، برای جویندهٔ دانش، آمرزش می‌طلبند.

٢٨٨٥ . عنه ﷺ: مَن أحَبَّ أن يَنظُرَ إلىٰ عُتَقاءِ اللهِ مِنَ النّارِ، فَلْيَنظُر إلَى المُتَعَلِّمينَ، فَوَالَّذي نَفسي بِيَدِهِ، ما مِن مُتَعَلِّمٍ يَختَلِفُ إلىٰ بابِ العالِمِ، إلّا كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ عِبادَةَ سَنَةٍ، وبَنَى اللهُ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ مَدينَةً فِي الجَنَّةِ، ويَمشي عَلَى الأَرضِ وهِيَ تَستَغفِرُ لَهُ، ويُمسي ويُصبحُ مَغفوراً لَهُ، وشَهِدَتِ المَلائِكَةُ أنَّهُم عُتَقاءُ اللهِ مِنَ النّارِ.[١]

٢٨٨٦ . الإمام عليّ ﷺ ـ مِن وَصِيَّتِهِ لِوَلَدِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِيَّةِ ـ: وَاعلَم أنَّ طالِبَ العِلمِ يَستَغفِرُ لَهُ مَن فِي السَّماواتِ وَالأَرضِ، حَتَّى الطَّيرُ في جَوِّ السَّماءِ، وَالحوتُ فِي البَحرِ.[٢]

ب ـ العالِمُ العامِلُ

٢٨٨٧ . رسول الله ﷺ: صاحِبُ العِلمِ يَستَغفِرُ لَهُ كُلُّ شَيءٍ، حَتَّى الحوتُ فِي البَحرِ.[٣]

٢٨٨٨ . عنه ﷺ: العُلَماءُ وَرَثَةُ الأَنبياءِ، يُحِبُّهُم أهلُ السَّماءِ، ويَستَغفِرُ لَهُمُ الحيتانُ فِي البَحرِ إذا ماتوا، إلىٰ يَومِ القِيامَةِ.[٤]

٢٨٨٩ . عنه ﷺ: عُلَماءُ هٰذِهِ الأُمَّةِ رَجُلانِ: رَجُلٌ آتاهُ اللهُ عِلماً، فَبَذَلَهُ لِلنّاسِ ولَم يَأخُذ عَلَيهِ طَمَعاً[٥]، ولَم يَشتَرِ بِهِ ثَمَناً، فَذٰلِكَ تَستَغفِرُ لَهُ حيتانُ البَحرِ، ودَوابُّ البَرِّ، وَالطَّيرُ في جَوِّ السَّماءِ، ويَقدَمُ عَلَى اللهِ سَيِّداً شَريفاً، حَتّىٰ يُرافِقَ المُرسَلينَ.

ورَجُلٌ آتاهُ اللهُ عِلماً فَبَخِلَ بِهِ عَن عِبادِ اللهِ، وأخَذَ عَلَيهِ طَمَعاً، وَاشتَرىٰ بِهِ

---

١ . منية المريد: ص ١٠٠، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٨٤ ح ٩٥.

٢ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٨٧ ح ٥٨٣٤، بصائر الدرجات: ص ٤ ح ٣ عن عبد الرحمٰن بن الحجّاج عن الإمام الصادق ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٧٣ ح ٣٠، كنز العمّال: ج ١٠ ص ١٣١ ح ٢٨٦٥٣ عن ابن عبد البرّ عن أنس.

٣ . كنز العمّال: ج ١٠ ص ١٤٥ ح ٢٨٧٣٧ نقلاً عن وكيع عن أنس.

٤ . تفسير القرطبي: ج ٤ ص ٤١ عن البراء، كنز العمّال: ج ١٠ ص ١٣٥ ح ٢٨٦٧٩ نقلاً عن ابن النجّار عن أنس.

٥ . الطَّمَعُ: رزق الجُند، جمع: أطماع. يقال: أخذ الجند أطماعَهم أي أرزاقَهم (تاج العروس: ج ١١ ص ٣٢٧ «طمع»).

۲۸۸۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس دوست دارد آزاد کرده شدگانِ خدا از آتش را ببیند، به علم‌آموزان بنگرد. سوگند به آن که جانم در دست اوست، هیچ علم آموزی نیست که به خانهٔ عالم آمد و شد کند، مگر آن که خداوند برای هر قدمش عبادت یک سال را می‌نویسد و برای هر قدمش، شهری در بهشت برای او می‌سازد و زمینی که بر آن راه می‌رود، برایش آمرزش می‌طلبد، و روز را در حالی به شب می‌رساند و شب را به روز که آمرزیده است، و فرشتگان، گواهی می‌دهند که اینان، آزاد شدگان خدا از آتش‌اند.

۲۸۸۶ . **امام علی**ؑ ـ از سفارش‌های ایشان به فرزندش محمّد بن حنفیه ـ: بدان که برای جویندهٔ دانش، هر موجودی که در آسمان‌ها و زمین است، حتّی پرندگان آسمان و ماهیان دریا، طلبِ آمرزش می‌کنند.

ب ـ عالمی که به علم خویش، عمل کند

۲۸۸۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر موجودی، حتّی ماهی دریا، برای دانشمند،[1] آمرزش می‌طلبد.

۲۸۸۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: دانشمندان [دینی] وارثان پیامبران‌اند. آسمانیان، آنان را دوست دارند و هرگاه بمیرند، ماهیان دریا تا روز قیامت، برایشان آمرزش می‌طلبند.

۲۸۸۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: دانشمندان این امّت، دو دسته‌اند: یکی مردی که خداوند، به او دانشی داده است و او، آن را به مردم می‌بخشد و برای آن، مزدی نمی‌ستانَد و آن را به بهایی نمی‌فروشد. برای چنین عالمی، ماهیان دریا و چارپایانِ خشکی و مرغان آسمان، آمرزش می‌طلبند، و با آقایی و بزرگواری، بر خداوند وارد می‌شود تا آن که با پیامبران مُرسَل، همنشین می‌گردد.

و دوم، مردی است که خداوند، به او دانشی داده است و او، آن را از بندگان

---

۱ . با عنایت به روایات دیگر، مقصود از این روایت پس از آن، عالِم عامل است، نه مطلقِ عالم.

ثَمَناً، فَذاكَ يُلجَمُ يَومَ القِيامَةِ بِلِجامٍ مِن نارٍ، ويُنادي مُنادٍ: هٰذَا الَّذي آتاهُ اللهُ عِلماً فَبَخِلَ بِهِ عَن عِبادِ اللهِ، وأخَذَ عَلَيهِ طَمَعاً، وَاشتَرىٰ بِهِ ثَمَناً، وكَذٰلِكَ حَتّىٰ يُفرَغَ مِنَ الحِسابِ.[١]

ج ـ مُعَلِّمُ الخَيرِ

٢٨٩٠ . رسول اللهﷺ: إنَّ مُعَلِّمَ الخَيرِ يَستَغفِرُ لَهُ دَوابُّ الأَرضِ، وحيتانُ البَحرِ، وكُلُّ ذي روحٍ فِي الهَواءِ، وجَميعُ أهلِ السَّماءِ وَالأَرضِ.[٢]

د ـ المُؤَذِّنُ

٢٨٩١ . رسول اللهﷺ: يَغفِرُ اللهُ لِلمُؤَذِّنِ مُنتَهىٰ أذانِهِ، ويَستَغفِرُ لَهُ كُلُّ رَطبٍ ويابِسٍ سَمِعَ صَوتَهُ.[٣]

هـ ـ مَن صامَ ثَلاثَةَ عَشَرَ يَوماً مِن شَعبانَ

٢٨٩٢ . رسول اللهﷺ: مَن صامَ ثَلاثَةَ عَشَرَ يَوماً مِن شَعبانَ، استَغفَرَت لَهُ مَلائِكَةُ سَبعِ سَماواتٍ، ومَن صامَ أربَعَةَ عَشَرَ يَوماً مِن شَعبانَ، أُلهِمَتِ الدَّوابُّ وَالسِّباعُ ـ حَتَّى الحيتانُ فِي البُحورِ ـ أن يَستَغفِروا لَهُ.[٤]

---

١ . المعجم الأوسط: ج ٧ ص ١٧١ ح ٧١٨٧ عن ابن عبّاس، إحياء علوم الدين: ج ١ ص ٩٢، كنز العمّال: ج ١٠ ص ٢٠٦ ح ٢٩٠٩٠؛ روضة الواعظين: ص ١٥، منية المريد: ص ١٣٦ وفيه «طعماً» بدل «طمعاً» في المواضع الثلاثة، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٥٤ ح ٢٥ وراجع جامع بيان العلم وفضله: ج ١ ص ٣٨.

٢ . بصائر الدرجات: ص ٣ ح ١ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام و ص ٤ ح ٥ عن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام، ثواب الأعمال: ص ١٥٩ ح ١ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ٢١٤ ح ٦٢١٩ عن جابر نحوه، كنز العمّال: ج ١٠ ص ١٤٥ ح ٢٨٧٣٩.

٣ . مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٦٢١٠ عن ابن عمر، كنز العمّال: ج ٧ ص ٦٨٧ ح ٢٠٩٢٦.

٤ . ثواب الأعمال: ص ٨٧ ح ١٦، فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٤٧ ح ٢٤، الأمالي للصدوق: ص ٧٦ ح ٤٣، روضة الواعظين: ص ٤٤٣ كلّها عن ابن عبّاس، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٦٩ ح ٧.

خدا دریغ می‌کند و برای آن، مزد می‌گیرد و آن را به بها می‌فروشد. بر چنین کسی در روز قیامت، لگامی از آتش زده می‌شود و آواز دهنده‌ای، آواز می‌دهد که: این، کسی است که خدا به او دانشی بخشید و او، آن را از بندگان خدا، دریغ ورزید و برای [آموختن] آن، مزد ستاند و آن را به پول فروخت، و پیوسته چنین می‌گوید تا آن گاه که حسابرسی او به پایان برسد.

ج ـ آموزگار خوبی‌ها

۲۸۹۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: برای آموزگار خوبی‌ها، جانوران زمین و ماهیان دریا و هر جانداری در هوا، و همهٔ اهل آسمان و زمین، آمرزش می‌طلبند.

د ـ مؤذّن

۲۸۹۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند، مؤذّن را به مقدارِ بلندی صدای اذانش می‌آمرزد[1] و هر تَر و خشکی که صدای او را بشنود، برایش آمرزش می‌طلبد.

هـ کسی که سیزده روز از ماه شعبان را روزه بگیرد

۲۸۹۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس سیزده روز از شعبان را روزه بگیرد، فرشتگان هفت آسمان، برایش آمرزش می‌طلبند، و هر کس چهارده روز از شعبان را روزه بگیرد، به چارپایان و درندگان و حتّی ماهیان دریاها، الهام می‌شود که برای او آمرزش بطلبند.

---

۱ . احتمال دارد به این معنا باشد که هر مقدار صدای اذان مؤذّن بلندتر باشد، آمرزش بیشتری شامل حال او می‌شود.

الفَصلُ التّاسِعُ

الاِستِغفاراتُ المأثورَةُ

١/٩

الاِستِغفاراتُ المأثورَةُ عَنِ النَّبيِّ صلى الله عليه وآله

٢٨٩٣ . **رسول الله صلى الله عليه وآله:** اللّهُمَّ اغفِر لي ذَنبي كُلَّهُ، دِقَّهُ وجِلَّهُ[١]، وأوَّلَهُ وآخِرَهُ، وعَلانِيَتَهُ وسِرَّهُ.[٢]

٢٨٩٤ . **سنن النسائي عن عائشة:** فَقَدتُ رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله فَظَنَنتُ أنَّهُ أتىٰ بَعضَ جَوارِيهِ، فَطَلَبتُهُ، فَإذا هُوَ ساجِدٌ يَقولُ: رَبِّ اغفِر لي ما أسرَرتُ وما أعلَنتُ.[٣]

٢٨٩٥ . **مسند ابن حنبل عن عمران بن حصين:** كانَ عامَّةُ دُعاءِ نَبِيِّ اللهِ صلى الله عليه وآله: اللّهُمَّ اغفِر لي ما أخطَأتُ وما تَعَمَّدتُ، وما أسرَرتُ وما أعلَنتُ، وما جَهِلتُ وما عَلِمتُ[٤].[٥]

---

١ . دِقَّهُ وَجِلَّهُ: قليله وكثيره (الصحاح: ج ٤ ص ١٤٧٥ «دقق»).

٢ . صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥٠ ح ٢١٦، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٣٩٥ ح ٩٦٩، صحيح ابن حبّان: ج ٥ ص ٢٥٨ ح ١٩٣١، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٣٣٥ ح ٦٧٢ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢١٠ ح ٣٨٠٥.

٣ . سنن النسائي: ج ٢ ص ٢٢٠، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٤٨٢ ح ٢٥١٩٤، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٣٤٣ ح ٨٠٧، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٣٤ ح ٧ كلاهما نحوه، كنز العمّال: ج ٨ ص ٢٢٦ ح ٢٢٦٦٩.

٤ . في المصدر: «وما تعمّدت»، والتصويب من كنز العمّال.

٥ . مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٢١٤ ح ١٩٩٤٥، المعجم الكبير: ج ١٨ ص ١٢١ ح ٢٤٢، مسند الشهاب: ج ٢ ص ٣٣٧ ح ١٤٧٩، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٨٧ ح ٥٠٨٣.

فصل نهم

آمرزش خواهی های رسیده از پیامبر و اهل بیت ﷺ

۱/۹
آمرزش خواهی های پیامبر ﷺ

۲۸۹۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: بار خدایا! همهٔ گناهان مرا، از ریز و درشت، و اوّل و آخر، و آشکار و پنهانش، بیامرز.

۲۸۹۴ . **سنن النسائی** ـ به نقل از عایشه ـ: یک بار متوجه شدم پیامبر خدا نیست. گمان بردم نزد یکی از کنیزانش رفته است. در جستجوی ایشان برآمدم. دیدم به سجده افتاده است و می‌گوید: «خداوندا! هر خطایی را که در نهان یا آشکار، از من سر زده است، بر من ببخشای».

۲۸۹۵ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از عمران بن حصین ـ: دعای پیامبر خدا، معمولاً این بود: «بار خدایا! هر آن گناهی را که به خطا یا به عمد، در نهان یا آشکار، و ندانسته یا دانسته از من سر زده است، بیامرز».

٢٨٩٦ . **الإمام الجواد**عليه السلام: كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَقولُ إذا فَرَغَ مِن صَلاتِهِ: اللّهُمَّ اغفِر لي ما قَدَّمتُ وما أخَّرتُ، وما أسرَرتُ وما أعلَنتُ، وإسرافي عَلىٰ نَفسي، وما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّي....

وأسأَلُكَ يا رَبِّ قَلباً سَليماً، ولِساناً صادِقاً، وأستَغفِرُكَ لِما تَعلَمُ، وأسأَلُكَ خَيرَ ما تَعلَمُ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما تَعلَمُ، فَإِنَّكَ تَعلَمُ ولا نَعلَمُ، وأنتَ عَلّامُ الغُيوبِ.[1]

٢٨٩٧ . **صحيح البخاري عن أبي موسى الأشعريّ عن النبيّ** صلى الله عليه وآله ـ مِمّا كانَ يَدعو بِهِ صلى الله عليه وآله ـ: رَبِّ اغفِر لي خَطيئَتي وجَهلي، وإسرافي في أمري كُلِّهِ، وما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّي.

اللّهُمَّ اغفِر لي خَطاياىَ وعَمدي وجَهلي، وهَزلي[2]، وكُلُّ ذٰلِكَ عِندي.

اللّهُمَّ اغفِر لي ما قَدَّمتُ وما أخَّرتُ، وما أسرَرتُ وما أعلَنتُ، أنتَ المُقَدِّمُ وأنتَ المُؤَخِّرُ، وأنتَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.[3]

٢٨٩٨ . **مسند ابن حنبل عن أبي أُمامة الباهلي**: خَرَجَ عَلَينا رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله ... فَكَأَنَّا اشتَهَينا أن يَدعُوَ اللهَ لَنا، فَقالَ: «اللّهُمَّ اغفِر لَنا وَارحَمنا، وَارضَ عَنّا وتَقَبَّل مِنّا، وأدخِلنَا الجَنَّةَ ونَجِّنا مِنَ النّارِ، وأصلِح لَنا شَأنَنا كُلَّهُ»، فَكَأَنَّا اشتَهَينا أن يَزيدَنا، فَقالَ: قَد جَمَعتُ لَكُمُ الأَمرَ.[4]

٢٨٩٩ . **الإمام الحسن**عليه السلام: كانَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَدعو بِهٰذَا الدُّعاءِ بَينَ كُلِّ رَكعَتَينِ مِن صَلاةِ

---

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٤٨ ح ٦، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٢٧ ح ٩٦٠ كلاهما عن محمّد بن الفرج، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣١ ح ٢٠٦٩ من دون إسنادٍ إلى الإمام الجواد عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢ ح ٢؛ مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٧٦ ح ١٧١١٣، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٦٨٨ ح ١٨٧٢ كلاهما عن شدّاد بن أوس عنه صلى الله عليه وآله وفيهما ذيله من «وأسألك يا ربّ ...» نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٣٧ ح ٢٩١٣.

٢ . في مُهَج الدعوات: «... وهزلي وجدّي»، وهو الأنسب.

٣ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٥٠ ح ٦٠٣٥، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٧ ح ٧٠، الأدب المفرد: ص ٢٠٥ ح ٦٨٨، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٧٧ ح ٣٦٢٠؛ مُهَج الدعوات: ص ١٦٩ عن الإمام عليّ عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٩٤ ح ٣٢.

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٧٨ ح ٢٢٢٤٣، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦١ ح ٣٨٣٦ نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٥٥ ح ٢، الدعاء للطبراني: ص ٤٢٥ ح ١٤٤٢، تاريخ دمشق: ج ٢٤ ص ٦٦ ح ٥١٦٢، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٢١ ح ٤٩١١.

۲۸۹۶ . امام جوادﷺ: پیامبرﷺ هرگاه نمازش را تمام می‌کرد، می‌گفت: «بار خدایا! هر گناهی را که از پیش تاکنون، و در نهان و آشکار مرتکب شده‌ام، و هر ستمی را که بر خویشتن کرده‌ام، و هر خطایی را که تو بدان از من داناتری... بیامرز.

خداوندا! دلی سالم و زبانی راستگو از تو درخواست دارم، و برای آنچه تو خود می‌دانی، از تو آمرزش می‌خواهم، و خوبی آنچه را می‌دانی، از تو درخواست می‌کنم، و از شرّ آنچه می‌دانی، به تو پناه می‌برم؛ زیرا تو می‌دانی و ما نمی‌دانیم، و تو دانای نهان‌هایی».

۲۸۹۷ . صحیح البخاری ـ به نقل از ابو موسی اشعری ـ: از دعاهای همیشگی پیامبر خداﷺ این بود: ای پروردگار من! خطا و نادانی مرا و زیاده روی‌ام در همه کارهایم را، و آنچه را که تو از من، بدان داناتری، بر من بیامرز.

بار خدایا! هر گناهی را که به خطا یا به عمد، یا از سر نادانی یا شوخی از من سر زده است و همگی نزد توست، بر من بیامرز.

بار خدایا! هر گناهی را که از پیش تاکنون، یا در نهان و آشکار، انجام داده‌ام، بر من بیامرز، که پس و پیش کردن امور، در دست توست و تو بر هر چیزی توانایی».

۲۸۹۸ . مسند ابن حنبل ـ به نقل از ابو اُمامه باهِلی ـ: پیامبر خدا به سوی ما بیرون آمد... گویا دلمان خواست که برایمان دعایی کند. ایشان گفت: «بار خدایا! ما را بیامرز و بر ما رحم آور و از ما خشنود باش و از ما بپذیر و ما را به بهشت، در آور و از آتش، نجاتمان ده و همهٔ کارهای ما را اصلاح فرما...».

دلمان خواست که بیشتر دعا کند. ایشان فرمود: «دعایی جامع، برایتان کردم».

۲۸۹۹ . امام حسنﷺ: پیامبر خدا، بین هر دو رکعت از نماز ظهر، دو رکعت اوّل، این دعا

الزَّوالِ، الرَّكعَتانِ الأُولَيانِ[١]:

اللّٰهُمَّ... لَكَ عِندي طَلِباتٌ مِن ذُنوبٍ أنَا بها مُرتَهَنٌ، وقَد أوقَرَت[٢] ظَهري وأوبَقَتني[٣]، وإلّا تَرحَمني وتَغفِر لي أكُن مِنَ الخاسِرينَ.

اللّٰهُمَّ اعتَمَدتُكَ فيها تائِباً إلَيكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَاغفِر لي ذُنوبي كُلَّها، قَديمَها وحَديثَها، سِرَّها وعَلانِيَتَها، خَطَأَها وعَمدَها، صَغيرَها وكَبيرَها، وكُلَّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ وأنَا مُذنِبُهُ، مَغفِرَةً عَزماً جَزماً لا تُغادِرُ ذَنباً واحِداً، ولا أكتَسِبُ بَعدَها مُحَرَّماً أبَداً، وَاقبَل مِنّي اليَسيرَ مِن طاعَتِكَ، وتَجاوَز لي عَنِ الكَثيرِ مِن مَعصِيَتِكَ، يا عَظيمُ، إنَّهُ لا يَغفِرُ الذَّنبَ العَظيمَ إلّا العَظيمُ....[٤]

٢٩٠٠ . رسول الله صلى الله عليه وآله: اللّٰهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ لِما قَدَّمتُ وما أخَّرتُ، وما أسرَرتُ وما أعلَنتُ، إنَّكَ أنتَ المُقَدِّمُ وأنتَ المُؤَخِّرُ، وأنتَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.[٥]

٢/٩

الاِستِغفاراتُ المأثورةُ عَنِ الإمامِ عَلِيِّ بنِ أبي طالِبٍ عليه السلام

أ ـ مِن كَلِماتٍ كانَ يَدعو بِها

٢٩٠١ . الإمام علي عليه السلام: اللّٰهُمَّ اغفِر لي ما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّي، فَإن عُدتُ فَعُد عَلَيَّ بِالمَغفِرَةِ.

---

١ . في المصدر: «الأولتان»، والصواب ما أثبتناه.

٢ . الوِقرُ: الحِملُ الثقيل، وقيل: هو الثقل يحمل على ظهر أو رأس (تاج العروس: ج ٧ ص ٥٩٦ «وقر»).

٣ . أوبَقَهُ: حبسه، أو أوبقه: أهلكه (تاج العروس: ج ١٣ ص ٤٧٢ «وبق»).

٤ . فلاح السائل: ص ٢٥٣ ح ١٥٤ عن فاطمة بنت الإمام الحسن عليه السلام، المقنعة: ص ٤٢٩ نحوه، مصباح المتهجّد: ص ٤٠ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٦٤ ح ١٩.

٥ . مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١٢٤ ح ١٩٥٠٦، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٦٩٢ ح ١٨٨٣ كلاهما عن أبي موسى الأشعري، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٨ ح ٣٧٩١؛ العدد القوية: ص ١٠١، الإقبال: ج ٢ ص ٣٢١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه.

را می‌خواند: «بار خدایا!... تو را از من، مطالبات [و بازخواست‌هایی] است، به سبب گناهانی که مرتکب گشته‌ام و اکنون، در بند آنها هستم؛ گناهانی که کمرم را خم نموده‌اند و مرا به خواری و نابودی کشانده‌اند. و اگر تو بر من رحم نکنی و مرا نیامرزی، از زیانکاران خواهم بود.

بار خدایا! در این گناهان، تکیه و امیدم به توست و به درگاه تو، باز آمده‌ام. پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و همهٔ گناهان مرا، از قدیم و جدیدش، و پنهان و آشکارش، و خطا و عمدش، و کوچک و بزرگش، و هر گناهی را که مرتکب شده‌ام و مقصّرش من هستم، بیامرز. آمرزش قطعی و حتمی، به طوری که حتّی یک گناه هم بر جای نگذاری و از آن پس، من نیز هرگز حرامی را به جای نیاورم. طاعتِ اندکم را از من، بپذیر و از نافرمانی‌های بسیارم درگذر ـ ای بزرگ ـ که گناه بزرگ را جز شخص بزرگ نمی‌بخشد...».

۲۹۰۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! برای هر گناهی که از پیش تاکنون، و هر آنچه در نهان یا آشکار انجام داده‌ام، از تو آمرزش می‌خواهم، که پس و پیش کردن امور، در دست توست و تو بر هر چیزی توانایی.

۲ / ۹
آمرزش خواهی‌های امام علی علیه‌السلام

الف ـ پاره‌ای از دعاهای ایشان

۲۹۰۱ . **امام علی**علیه‌السلام: بار خدایا! آنچه را [از گناهان و خطاهایم] که تو بدانها از من داناتری،

اغفِر لي ما وَأَيتُ[١] مِن نَفسي ولَم تَجِد لَهُ وَفاءً عِندي. اللّهُمَّ اغفِر لي ما تَقَرَّبتُ بِهِ إلَيكَ بِلِساني ثُمَّ خالَفَهُ قَلبي. اللّهُمَّ اغفِر لي رَمَزاتِ[٢] الأَلحاظِ، وسَقَطاتِ الأَلفاظِ، وشَهَواتِ الجَنانِ، وهَفَواتِ اللِّسانِ.[٣]

٢٩٠٢ . عنه عليه السلام: اللّهُمَّ أنتَ رَبّي وأنَا عَبدُكَ، آمَنتُ بِكَ مُخلِصاً لَكَ عَلىٰ عَهدِكَ ووَعدِكَ مَا استَطَعتُ، أتوبُ إلَيكَ مِن سوءِ عَمَلي، وأستَغفِرُكَ لِذُنوبِي الَّتي لا يَغفِرُها غَيرُكَ....[٤]

ب ـ مِنِ استِغفارِهِ فِي السَّحَرِ

٢٩٠٣ . الإمام عليّ عليه السلام ـ مِمّا كانَ يَدعو بِهِ في سَحَرِ كُلِّ لَيلَةٍ بِعَقِبِ رَكعَتَي الفَجرِ ـ: اللّهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ جَرىٰ بِهِ عِلمُكَ فِيَّ وعَلَيَّ إلىٰ آخِرِ عُمُري، بِجَميعِ ذُنوبي لِأَوَّلِها وآخِرِها، وعَمدِها وخَطَئِها، وقَليلِها وكَثيرِها، ودَقيقِها وجَليلِها، وقَديمِها وحَديثِها، وسِرِّها وعَلانِيَتِها، وجَميعِ ما أنَا مُذنِبُهُ، وأتوبُ إلَيكَ.

وأسأَلُكَ أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأن تَغفِرَ لي جَميعَ ما أحصَيتَ مِن مَظالِمِ العِبادِ قِبَلي، فَإِنَّ لِعِبادِكَ عَلَيَّ حُقوقاً أنَا مُرتَهَنٌ بِها، تَغفِرُها لي كَيفَ شِئتَ، وأنّىٰ شِئتَ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[٥]

---

١ . الوَأيُ: الوَعدُ الذي يوثِّقُه الرجُل على نفسه، ويعزم الوفاء به (النهاية: ج ٥ ص ١٤٤ «وأى»).

٢ . الرَّمزُ: الإشارة والإيماء بالشفتين والحاجب (الصحاح: ج ٣ ص ٨٨٠ «رمز»).

٣ . نهج البلاغة: الخطبة ٧٨، المصباح للكفعمي: ص ٤٠٢ وفيه «سهوات» بدل «شهوات»، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٢٩ ح ٣؛ المناقب للخوارزمي: ص ٣٧٦ وفيه ذيله من «اللّهمّ اغفر لي رمزات».

٤ . مُهَج الدعوات: ص ١٥٣ وفي أوّله «الدعاء المفضّل على كلّ دعاء لأمير المؤمنين عليه السلام، وكان يدعو به أمير المؤمنين والباقر والصادق عليهم السلام»، الإقبال: ج ١ ص ٢٧١ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٠٢ ح ٣٤.

٥ . المصباح للكفعمي: ص ٩١، البلد الأمين: ص ٤٦، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٣٢٥ ح ١٤.

بر من بیامرز، و اگر تکرارشان کردم، تو هم آمرزشت را بر من، تکرار کن.

بار خدایا! آنچه را با خود عهد کردم، امّا نسبت به آن، وفایی از من ندیدی، بر من بیامرز.

بار خدایا! هر آنچه را که به زبان برای تقرّب به تو انجام دادم، ولی در دلم خلاف آن می‌گذشت، بر من بیامرز.

بار خدایا! اشاره‌های چشم و ابرو [برای تمسخر و آزار دیگران]، و گفتارهای بیهوده و خواهش‌ها و آرزوهای دل و لغزش‌های زبان را بر من، بیامرز.

۲۹۰۲ . **امام علی**ﷺ: خدایا! تو پروردگار منی و من، بندهٔ تو هستم. به تو ایمان دارم و تا توان دارم، بر پیمان و وعدهٔ تو، صمیمانه وفادار می‌مانم. از کردار بدم، به درگاهت توبه می‌آورم و به خاطر گناهانم، از تو آمرزش می‌طلبم؛ گناهانی که آنها را جز تو، کسی نمی‌آمرزد....

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ب ـ برخی از آمرزش‌خواهی‌های ایشان در سحرگاهان

۲۹۰۳ . **امام علی**ﷺ ـ از دعاهای همیشگی ایشان در سحرگاه هر شب، پس از دو رکعت نماز صبح ـ: بار خدایا! برای هر گناهی که علم تو، آن را در من و بر من تا پایان عمرم جاری ساخت، از تو آمرزش می‌خواهم، برای همهٔ گناهانم، از آغاز و انجام آن، و عمد و خطایش، و اندک و بسیارش، و ریز و درشتش، و قدیم و جدیدش، و پنهان و پیدایش، و هر آن گناهی که من، مقصّرش بوده‌ام، و به درگاه تو، توبه می‌کنم. و از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی و تمام مظالم بندگان را ـ که بر گردن من است و تو آنها را شماره کرده‌ای ـ، بر من بیامرزی؛ زیرا بندگانت را بر من، حقوقی است که من، ضامن آنها هستم. اینها را بیامرزی، آن گونه که خواهی و هر زمان که خواهی، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

٢٩٠٤ . عنه عليه السلام ـ مِمّا كانَ يَقولُهُ في سَحَرِ كُلِّ لَيلَةٍ وبَعدَ رَكعَتَيِ الفَجرِ ـ : اللّهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ مِمّا تُبتُ إلَيكَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فيهِ، وأستَغفِرُكَ لِما أرَدتُ بِهِ وَجهَكَ فَخالَطَني فيهِ ما لَيسَ لَكَ، وأستَغفِرُكَ لِلنِّعَمِ الَّتي مَنَنتَ بِها عَلَيَّ فَقَوِيتُ بِها عَلىٰ معاصيكَ، أستَغفِرُ اللهَ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ الحَيُّ القَيّومُ، عالِمُ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحمٰنُ الرَّحيمُ، لِكُلِّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ، ولِكُلِّ مَعصِيَةٍ ارتَكَبتُها.

اللّهُمَّ ارزُقني عَقلاً كامِلاً، وعَزماً ثاقِباً[١]، ولُبّاً[٢] راجِحاً، وقَلباً زَكِيّاً[٣]، وعِلماً كَثيراً، وأدَباً بارِعاً، وَاجعَل ذٰلِكَ كُلَّهُ لي، ولا تَجعَلهُ عَلَيَّ، بِرَحمَتِكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[٤]

٢٩٠٥ . **البلد الأمين:** كانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَستَغفِرُ سَبعينَ مَرَّةً في سَحَرِ كُلِّ لَيلَةٍ بِعَقِبِ رَكعَتَيِ الفَجرِ:

[١.] اللّهُمَّ إنّي أُثني عَلَيكَ بِمَعونَتِكَ عَلىٰ ما نِلتُ بِهِ الثَّناءَ عَلَيكَ، وأُقِرُّ لَكَ عَلىٰ نَفسي بِما أنتَ أهلُهُ، وَالمُستَوجِبُ لَهُ في قَدرِ فَسادِ نِيَّتي وضَعفِ يَقيني.

اللّهُمَّ نِعمَ الإلٰهُ أنتَ، ونِعمَ الرَّبُّ أنتَ، وبِئسَ المَربوبُ أنَا، ونِعمَ المَولىٰ أنتَ، وبِئسَ العَبدُ أنَا، ونِعمَ المالِكُ أنتَ، وبِئسَ المَملوكُ أنَا، فَكَم قَد أذنَبتُ فَعَفَوتَ عَن ذَنبي، وكَم قَد أجرَمتُ فَصَفَحتَ عَن جُرمي، وكَم قَد أخطَأتُ فَلَم تُؤاخِذني، وكَم قَد تَعَمَّدتُ فَتَجاوَزتَ عَنّي، وكَم قَد عَثَرتُ فَأَقَلتَني عَثرَتي ولَم تَأخُذني عَلىٰ غِرَّتي، فَأنَا الظّالِمُ لِنَفسي، المُقِرُّ بِذَنبي، المُعتَرِفُ بِخَطيئَتي، فَيا غافِرَ الذُّنوبِ أستَغفِرُكَ

---

١ . الثّاقِبُ: المُضيء (تاج العروس: ج ١ ص ٣٣٩ «ثقب»).

٢ . اللُّبُّ: العقل (الصحاح: ج ١ ص ٢١٦ «لبب»).

٣ . في المصدر: «ذكياً»، والتصويب من بحار الأنوار.

٤ . المصباح للكفعمي: ص ٩٢، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٣٢٥ ح ١٤؛ شرح نهج البلاغة: ج ٦ ص ١٩٧ نحوه وليس فيه ذيله من «أستغفر الله الذي».

۲۹۰۴ . امام علیﷺ ـ از دعای ایشان در سحرگاه هر شب، پس از نماز صبح ـ: بار خدایا! برای آنچه از آن توبه کردم، امّا دگر باره انجامش دادم، از تو آمرزش می‌خواهم. برای آنچه قصدم از آن، رضایت تو بود؛ امّا غیر تو با آن آمیخته شد، از تو آمرزش می‌خواهم. برای نعمت‌هایی که به من ارزانی داشتی؛ امّا از آن، در معاصی تو کمک گرفتم. از تو آمرزش می‌خواهم، از خدایی که معبودی نیست، جز او زندهٔ جاویدان و دانای نهان و آشکار و مهرگسترِ مهربان، برای هر گناهی که انجام دادم و برای هر نافرمانی‌ای که مرتکب شدم، آمرزش می‌خواهم.

بار خدایا! مرا خِردی کامل و تصمیمی روشن و اندیشه‌ای وزین و دلی پاک و دانشی بسیار و ادبی سرآمد، روزی فرما، و این همه را به سود من قرار ده و بر زیانم مدار، به رحمتت، ای مهربان‌ترینِ مهربانان.

۲۹۰۵ . البلد الأمین ـ امام علیﷺ در سحرگاهان هر شب، پس از نماز صبح، هفتاد بار، آمرزش می‌طلبید ـ:

[۱.] بار خدایا! تو را ثنا می‌گویم، با آن ثنایی که به کمک خود تو، بدان دست یافته‌ام و در پیشگاه تو، علیه خود اعتراف می‌کنم به چیزی که تو، سزاوار آن هستی و مستوجب آنی، به اندازهٔ نیّت تباه و یقین ضعیفم.

بار خدایا! چه نیکو معبودی هستی تو! چه نیکو سَروَری هستی تو، و چه بدْ غلامی هستم من! چه نیکو سروری هستی تو، و چه بد بنده‌ای هستم من! چه نیکو مالکی هستی تو. و چه بدْ مملوکی هستم من؛ زیرا، چه بسیار گناهانی که کردم و تو، گناهانم را بخشیدی، و چه بسیار جرم‌ها که کردم و تو از جرمم در گذشتی، و چه بسیار اشتباهاتی که از من، سرزد و تو، مؤاخذه‌ام نکردی، و چه بسیار نافرمانی‌ها که به عمد، مرتکب شدم و تو، از من گذشت کردی، و چه بسیار لغزش‌ها که داشتم و تو، از لغزش‌هایم چشم پوشیدی و غافلگیرم نساختی! پس، این منم که بر خویشتن، ستم کردم. به گناه خویش، اقرار دارم و به خطاهای خود، معترفم. اینک ـ ای آمرزندهٔ گناهان ـ، برای گناهانم از تو آمرزش می‌طلبم و برای لغزش‌هایم، از تو پوزش می‌خواهم. پس، نیکو اجابتم

لِذَنبي، وأستَقيلُكَ لِعَثرَتي، فَأَحسِن إجابَتي، فَإِنَّكَ أهلُ الإِجـابَةِ، وأهـلُ التَّـقوىٰ، وأهلُ المَغفِرَةِ.

[٢.] اللّٰهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ قَوِيَ بَدَني عَلَيهِ بِعافِيَتِكَ، أو نـالَتهُ قُـدرَتي بِفَضلِ نِعمَتِكَ، أو بَسَطتُ إلَيهِ يَدي بِتَوسِعَةِ رِزقِكَ، أوِ احـتَجَبتُ فـيهِ مِـنَ النّـاسِ بِسِترِكَ، أوِ اتَّكَلتُ فيهِ عِندَ خَوفي مِنهُ عَلىٰ أناتِكَ، ووَثِقتُ مِن سَطوَتِكَ عَلَيَّ فـيهِ بِحِلمِكَ، وعَوَّلتُ فيهِ عَلىٰ كَرَمِ عَفوِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٣.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يَدعو إلىٰ غَضَبِكَ، أو يُدني مِـن سَـخَطِكَ، أو يَميلُ بي إلىٰ ما نَهَيتَني عَنهُ، أو يَنأىٰ بي[١] عَمّا دَعَوتَني إلَيهِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٤.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ استَمَلتُ إلَيهِ أحَداً مِـن خَـلقِكَ بِـغَوايَـتي، أو خَدَعتُهُ بِحيلَتي، فَعَلَّمتُهُ مِنهُ ما جَهِلَ، وعَمَّيتُ عَلَيهِ مِـنهُ مـا عَـلِمَ، ولَـقيتُكَ غَـداً بِأَوزاري وأوزارٍ مَعَ أوزاري، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٥.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يَدعو إلَى الغَيِّ[٢]، ويُـضِلُّ عَـنِ الرُّشـدِ، ويُـقِلُّ الرِّزقَ، ويَمحَقُ التَّلدَ[٣]، ويُخمِلُ الذِّكرَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٦.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ أتعَبتُ فيهِ جَوارِحي في لَيلي ونَـهاري، وقَـدِ

---

١. ينآني: يُبعِدني (أنظر: لسان العرب: ج ١٥ ص ٣٠٠ «نأى»). وفي بحار الأنوار: «ينأىٰ بي».

٢. الغَيُّ: الضلال والانهماك في الباطل (النهاية: ج ٣ ص ٣٩٧ «غوا»).

٣. التَّلَدُ والتِّلدُ: ما وُلد عندك من مالك أو نُتج (لسان العرب: ج ٣ ص ٩٩ «تلد»). وفي بحار الأنوار: «يمحو البركة» بدل «يمحق التلد».

فرما که تو، اهل اجابت کردن و شایستهٔ پرهیزگاری و اهل آمرزشی.

[۲.] بار خدایا! من، از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که بدنم، در سایهٔ عافیت‌بخشی تو، بر آن توانا گشت، یا توانایی‌ام به لطف نعمت تو، به آن رسید، یا دستم را به سبب گشایش روزی تو، به سوی آن دراز کردم، یا بر اثر پرده‌پوشی تو، مردم، از آن گناه من، آگاه نشدند، یا آن گاه که از آن ترسیدم، بر شکیبایی تو تکیه کردم، و بردباری تو، به من اطمینان داد که برای آن گناه، بر من یورش نمی‌آوری و به عفو کریمانهٔ تو، پشت‌گرم بودم. پس، بر محمّد و خاندان او درود فرست و این گناهانم را بر من، بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۳.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که باعث خشم تو شود، یا به ناخشنودی تو نزدیک سازد، یا مرا به آنچه از آن نهی‌ام کردی، متمایل گرداند، یا مرا از آنچه بدان فرایم خوانده‌ای، دور کند. پس، بر محمّد و خاندان او درود فرست و چنین گناهی را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۴.] بار خدایا! و از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که با اغواگری خود، فردی از آفریدگانت را به آن کشاندم، یا با حیله‌گری خود، او را فریفتم و از آن گناه، چیزهایی را هم که او نمی‌دانست، به او یاد دادم، یا چیزهایی را که در بارهٔ آن می‌دانست، چشمانش را بر آنها بستم، و فردا[ی قیامت] با بار گناهان خودم و دیگران، به دیدار تو بیایم. پس، بر محمّد و خاندان او درود فرست و چنین گناهی را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان!

[۵.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که به گم‌راهی کشانَد و از راه راست، به در بَرَد و روزی را بکاهد و برکت از مال و دام ببرد و گم نامی آورد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و چنین گناهی را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۶.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که شب و روز، اعضای بدنم را در آن، خسته کردم و خود را با پوشش خویش، از بندگان تو پوشاندم، و در حقیقت، این پوشش [و ستّاریت] تو بود که مرا پوشانْد [و در میان

استَتَرتُ مِن عِبادِكَ بِستري، ولا سِترَ إلّا ما سَتَرتَني، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٧.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ رَصَدَني فيهِ أعدائي لِهَتكي، فَصَرَفتَ كَيدَهُم عَنّي، ولَم تُعِنهُم عَلىٰ فَضيحَتي، كَأَنّي لَكَ وَلِيٌّ، فَنَصَرتَني، وإلىٰ مَتىٰ يا رَبِّ أعصي فَتُمهِلُني، وطالَما عَصَيتُكَ فَلَم تُؤاخِذني، وسَأَلتُكَ عَلىٰ سوءِ فِعلي فَأَعطَيتَني، فَأَيُّ شُكرٍ يَقومُ عِندَكَ بِنِعمَةٍ مِن نِعَمِكَ عَلَيَّ! فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٨.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ قَدَّمتُ إلَيكَ فيهِ تَوبَتي، ثُمَّ واجَهتُ بِتَكَرُّمِ قَسَمي بِكَ[١]، وأشهَدتُ عَلىٰ نَفسي بِذٰلِكَ أولِياءَكَ مِن عِبادِكَ أنّي غَيرُ عائِدٍ إلىٰ مَعصِيَتِكَ، فَلَمّا قَصَدَني بِكَيدِهِ الشَّيطانُ، ومالَ بي إلَيهِ[٢] الخِذلانُ، ودَعَتني نَفسي إلَى العِصيانِ، استَتَرتُ حَياءً مِن عِبادِكَ، جُرأَةً مِنّي عَلَيكَ، وأنَا أعلَمُ أنَّهُ لا يَكُنُّني مِنكَ سِترٌ ولا بابٌ، ولا يَحجُبُ نَظَرَكَ إلَيَّ حِجابٌ، فَخالَفتُكَ فِي المَعصِيَةِ إلىٰ ما نَهَيتَني عَنهُ، ثُمَّ كَشَفتَ السِّترَ عَنّي، وساوَيتُ أولِياءَكَ كَأَنّي لَم أزَل لَكَ طائِعاً، وإلىٰ أمرِكَ مُسارِعاً، ومِن وَعيدِكَ فازِعاً، فَلَبَستُ عَلىٰ عِبادِكَ، ولا يَعرِفُ بِسيرَتي غَيرُكَ، فَلَم تَسِمني بِغَيرِ سِمَتِهِم، بَل أسبَغتَ عَلَيَّ مِثلَ نِعَمِهِم، ثُمَّ فَضَّلتَني في ذٰلِكَ عَلَيهِم، كَأَنّي عِندَكَ في دَرَجَتِهِم، وما ذٰلِكَ إلّا بِحِلمِكَ وفَضلِ نِعمَتِكَ، فَلَكَ الحَمدُ مَولايَ، فَأَسأَلُكَ يا اللهُ

---

١. «بتكرّم قسمي بك» أي بتنزّهي عن الذنب مقروناً بقسمي وحلفي بك، يقال: تكرّم عنه أي تنزّه أو بإظهار الكرم والجود من الناس وتكلّفهما بترك الذنب مقروناً بالقسم، يقال: تكرّم أي تكلّف الكرم أو بتكلّف إظهار كرامة الاسم عنده حيث حلف به، ولا يبعد أن يكون: «بتكرّر» بالراءين (بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٣٣٦).

٢. «مال إليه» أي إلى الشيطان أو العصيان، والأوّل أظهر. والخذلان أي خذلانك وسلبك التوفيق مني (بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٣٣٦).

مردم، رسوایم نساخت]. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و چنین گناهی را بر من بیامرز، ای بهترینِ آفرینندگان!

[۷.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که دشمنانم در آن، به کمین من نشستند تا رسوایم کنند؛ ولی تو نیرنگ آنان را از من، دور ساختی و بر رسوا نمودنم، کمکشان نکردی، [چنان که] گویی من، دوست تو هستم و یاری‌ام کردی. تا کی ـ ای پروردگار ـ، من تو را نافرمانی کنم و تو مهلتم دهی. بارها تو را نافرمانی کردم و تو، مرا مؤاخذه نکردی و با همهٔ بدکرداری‌ام از تو خواستم و تو، عطایم کردی. پس، کدام شکر است که از عهدهٔ نعمتی از نعمت‌های تو به من بر آید؟! پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و چنین گناهانی را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان!

[۸.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که از آن، به درگاه تو توبه آوردم و سوگند خوردم که از آن، دوری کنم و دوستان از بندگان تو را هم در این باره، گواه گرفتم که دیگر، از تو نافرمانی نخواهم کرد؛ امّا چون شیطان، با نیرنگ خویش به سراغ من آمد و بی توفیقی هم مرا به سوی او متمایل ساخت و نفسم به نافرمانی فرایم خواند، در پسِ پرده به گناه پرداختم که از بندگانت شرم کردم؛ لیکن بر تو گستاخی نمودم، در حالی که می‌دانم هیچ پرده‌ای و هیچ دری، مرا از تو نمی‌پوشانَد، و هیچ حجابی نمی‌تواند مانع دیدن من به وسیلهٔ تو شود؛ لیکن من از تو نافرمانی کردم و به آنچه مرا از آن نهی کرده بودی، روی آوردم، و با این حال، آن گاه که پرده را از من کنار زدی، خودم را با دوستانت برابر دیدم، چنان که گویی همواره فرمان‌بُردار تو بوده‌ام و پیوسته، در انجام دادن فرمان تو می‌شتافته‌ام و از تهدیدات تو، بیمناک بوده‌ام. از این رو، بر بندگانت پوشیده ماندم و غیر از تو، کسی سیرت مرا نمی‌شناسد؛ زیرا مرا با نشانی غیر از نشان آنان، نشاندار نساختی [و نشان نافرمانی و گنهکاری بر من ننهادی که در نتیجه، از بقیه متمایز شوم]؛ بلکه مرا نیز همچون آنان، غرق در نعمت‌ها ساختی، و حتّی در این باره، بر آنان برتری‌ام دادی. گویی من در نزد تو، هم‌درجهٔ ایشانم. و این نیست، جز بر اثر بردباری تو و به لطف بنده نوازی‌ات. پس، تو را ستایش، ای سرور من! از تو درخواست می‌کنم ـ ای خدا ـ تا همچنان که در دنیا بر من

كَما سَتَرتَهُ عَلَيَّ فِي الدُّنيا، أَلّا تَفضَحَني بِهِ فِي القِيامَةِ، يا أَرحَمَ الرّاحِمينَ.

[٩.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ سَهِرتُ لَهُ لَيلي فِي التَّأَنّي لِإِتيانِهِ، وَالتَّخَلُّصِ إلىٰ وُجودِهِ، حَتّىٰ إذا أصبَحتُ تَخَطَّأتُ إلَيكَ بِحِليَةِ الصّالِحينَ، وأنَا مُضمِرٌ خِلافَ رِضاكَ يا رَبَّ العالَمينَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[١٠.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ ظَلَمتُ بِسَبَبِهِ وَلِيّاً مِن أولِيائِكَ، أو نَصَرتُ بِهِ عَدُوّاً مِن أعدائِكَ، أو تَكَلَّمتُ فيهِ بِغَيرِ مَحَبَّتِكَ، أو نَهَضتُ فيهِ إلىٰ غَيرِ طاعَتِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[١١.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ نَهَيتَني عَنهُ فَخالَفتُكَ إلَيهِ، أو حَذَّرتَني إيّاهُ فَأَقَمتُ عَلَيهِ، أو قَبَّحتَهُ لي فَزَيَّنتُهُ لِنَفسي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[١٢.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ نَسيتُهُ فَأَحصَيتَهُ، وتَهاوَنتُ بِهِ فَأَثبَتَّهُ، وجاهَرتُكَ[1] فيهِ فَستَرتَهُ عَلَيَّ، ولَو تُبتُ إلَيكَ مِنهُ لَغَفَرتَهُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[١٣.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ تَوَقَّعتُ فيهِ قَبلَ انقِضائِهِ تَعجيلَ العُقوبَةِ، فَأَمهَلتَني وأدلَيتَ عَلَيَّ سِتراً، فَلَم آلُ[2] في هَتكِهِ عَنّي جَهداً، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[١٤.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يَصرِفُ عَنّي رَحمَتَكَ، أو يُحِلُّ بي نَقِمَتَكَ، أو يَحرِمُني كَرامَتَكَ، أو يُزيلُ عَنّي نِعمَتَكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي

---

١. في بحار الأنوار: «جاهرت به» بدل «جاهرتك فيه».

٢. ما ألوتُ جهداً، أي لم أدع جهداً، وما ألوتُ الشيء: ما تركتهُ (تاج العروس: ج ١٩ ص ١٦٤ «ألو»).

پرده‌پوشی کردی، در قیامت نیز رسوایم نگردانی، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

[۹.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که شبِ خویش را با حوصله بیدار ماندم تا آن گناه را انجام دهم و بدان، دست زنم، و چون صبح کردم، در جامهٔ خوبان، به سوی تو آمدم، در حالی که خلاف رضایت تو را در دل می‌پروراندم، ای پروردگار جهانیان! پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و چنین گناه مرا بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۱۰.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که به سبب آن، بر دوستی از دوستانت ستم کردم، یا به دشمنی از دشمنانت یاری رساندم، یا در آن به غیرِ دوستی تو سخن گفتم، یا به غیر طاعت تو پرداختم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و این گناه مرا بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۱۱.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که مرا از آن، نهی کردی و من در آن، از تو سرپیچی کردم، یا مرا از آن بر حذر داشتی و من به آن پرداختم، یا آن را در نظرم زشت داشتی؛ لیکن من، آن را برای خود، زیبا جلوه دادم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و این گناه را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

[۱۲.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که من، آن را فراموش کرده‌ام و تو، شماره‌اش کرده‌ای و من، آن را کوچک شمردم و تو، یادداشتش کردی و من، در آن با تو پرده‌دری کردم و تو، پرده‌پوشی کردی و اگر از آن به درگاه تو توبه آورده بودم، بی‌گمان، آن را می‌آمرزیدی. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۱۳.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که انتظار داشتم [حتّی] پیش از به پایان رسیدنش، کیفردهی، امّا تو مهلتم دادی و بر من، پرده‌پوشی کردی و من، در پرده‌دری، از هیچ کوششی مضایقه نکردم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۱۴.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که رحمت تو را از من، باز می‌دارد، یا خشم تو را بر من، فرود می‌آورد، یا مرا از کرامت تو، محروم می‌سازد، یا نعمتت را از من، زایل می‌گرداند. پس، بر محمّد و خاندان محمّد،

يا خَيرَ الغافِرينَ.

[١٥.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يورِثُ الفَناءَ، أو يُحِلُّ البَلاءَ، أو يُشمِتُ الأَعداءَ، أو يَكشِفُ الغِطاءَ، أو يَحبِسُ قَطرَ السَّماءِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[١٦.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ عَيَّرتُ بِهِ أحَداً مِن خَلقِكَ، أو قَبَّحتُهُ مِن فِعلِ أحَدٍ مِن بَرِيَّتِكَ، ثُمَّ تَقَحَّمتُ عَلَيهِ وَانتَهَكتُهُ، جُرأَةً مِنّي عَلىٰ مَعصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[١٧.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ تُبتُ إلَيكَ مِنهُ، وأقدَمتُ عَلىٰ فِعلِهِ، فَاستَحيَيتُ مِنكَ وأنَا عَلَيهِ، ورَهِبتُكَ وأنَا فيهِ، ثُمَّ استَقَلتُكَ مِنهُ وعُدتُ إلَيهِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[١٨.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ ثَوَّرَكَ عَلَيَّ[١]، ووَجَبَ في فِعلي بِسَبَبِ عَهدٍ عاهَدتُكَ عَلَيهِ، أو عَقدٍ عَقَدتُهُ لَكَ، أو ذِمَّةٍ آلَيتُ بِها مِن أجلِكَ لِأَحَدٍ مِن خَلقِكَ، ثُمَّ نَقَضتُ ذٰلِكَ مِن غَيرِ ضَرورَةٍ لِرَغبَتي فيهِ، بَلِ استَزَلَّني عَنِ الوَفاءِ بِهِ البَطَرُ[٢]، وَاستَحَطَّني عَن رِعايَتِهِ الأَشَرُ[٣]، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[١٩.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ لَحِقَني بِسَبَبِ نِعمَةٍ أنعَمتَ بِها عَلَيَّ، فَقَوِيتُ بِها عَلىٰ مَعصِيَتِكَ، وخالَفتُ بِها أمرَكَ، وقَدِمتُ بِها عَلىٰ وَعيدِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ

---

١. «ثوّرك عليّ» أي هيّجك وأغضبك، ولعلّ الأظهر: تورّك. قال الفيروزآبادي: «تورّك بالمكان: أقام، وعلى الأمر: قدر، وورّكه توريكاً: أوجبه، والذنب عليه: حمله» (بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٣٣٦).

٢. البَطَرُ: الطغيان عند النعمة وطول الغِنى (النهاية: ج ١ ص ١٣٥ «بطر»).

٣. الأَشَرُ: البَطَرُ، وقيل: أشدّ البطر (النهاية: ج ١ ص ٥١ «أشر»).

درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۱۵.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که نیستی بر جای نهد، یا بلا فرود آورد، یا دشمنان را شاد سازد، یا پرده را کنار زند، یا بارشِ آسمان را بند آورد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۱۶.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که مخلوقی از مخلوقاتت را برای آن، سرزنش کرده‌ام، یا سر زدن آن را از یکی از آفریدگانت، زشت شمرده‌ام، و با این حال من، از روی دلیری بر نافرمانی تو، گستاخانه، بر آن اقدام کردم و مرتکبش شدم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۱۷.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که از آن به درگاه تو، توبه آوردم؛ گناهی که بر انجام دادن آن، دلیر شده بودم و با این که از تو شرم داشتم، به آن کار پرداختم و در عین آن که از تو بیم داشتم، مشغول آن گناه شدم. سپس در بارهٔ آن از تو پوزش خواستم؛ لیکن دوباره به آن روی آوردم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۱۸.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که تو را بر من برانگیخت، و برای هر وظیفه‌ای که به سبب پیمانی که با تو بستم، یا قراری که با تو نهادم، یا پیمانی که به خاطر تو با یکی از مخلوقاتت بر عهده گرفتم، بر من واجب آمد؛ امّا بی هیچ ضرورتی، بلکه به دلخواه، آن را نقض کردم و سرمستی، مرا از پایبندی به آن، لغزاند و سرخوشی [از نعمت]، مرا از ایستادن بر سرِ آن، به زیر کشاند. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۱۹.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که به سبب نعمتی که به من ارزانی داشتی، دچارش شدم و به برکت آن نعمت، بر نافرمانی تو، توانا گشتم و بر اثر آن، از فرمان تو سر پیچیدم و به واسطهٔ آن، گرفتار تهدید تو (کیفر و عذاب) شدم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من

مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٢٠.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ قَدَّمتُ فيهِ شَهوَتي عَلىٰ طاعَتِكَ، وآثَرتُ فيهِ مَحَبَّتي عَلىٰ أمرِكَ، وأرضَيتُ نَفسي فيهِ بِسَخَطِكَ، إذ رَهَّبتَني مِنهُ بِنَهيِكَ، وقَدَّمتَ إلَيَّ فيهِ بِإعذارِكَ، وَاحتَجَجتَ عَلَيَّ فيهِ بِوَعيدِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٢١.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ عَلِمتُهُ مِن نَفسي، أو نَسيتُهُ أو ذَكَرتُهُ، أو تَعَمَّدتُهُ أو أخطَأتُ، فيما لا أشُكُّ أنَّكَ سائِلي عَنهُ، وأنَّ نَفسي بِهِ مُرتَهَنَةٌ لَدَيكَ، وإن كُنتُ قَد نَسيتُهُ وغَفَلتُ عَنهُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٢٢.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ واجَهتُكَ بِهِ، وقَد أيقَنتُ أنَّكَ تَراني عَلَيهِ، وأغفِلتُ أن أتوبَ إلَيكَ مِنهُ، وأنسيتُ أن أستَغفِرَكَ لَهُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

[٢٣.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ دَخَلتُ فيهِ بِحُسنِ ظَنّي بِكَ ألّا تُعَذِّبَني عَلَيهِ، ورَجَوتُكَ لِمَغفِرَتِهِ فَأَقدَمتُ عَلَيهِ، وقَد عَوَّلَت نَفسي عَلىٰ مَعرِفَتي بِكَرَمِكَ، ألّا تَفضَحَني بَعدَ أن سَتَرتَهُ عَلَيَّ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٢٤.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ استَوجَبتُ مِنكَ بِهِ رَدَّ الدُّعاءِ، وحِرمانَ الإجابَةِ، وخَيبَةَ الطَّمَعِ، وَانفِساخَ الرَّجاءِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٢٥.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يُعقِبُ الحَسرَةَ، ويورِثُ النَّدامَةَ، ويَحبِسُ الرِّزقَ، ويَرُدُّ الدُّعاءَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۲۰.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که در آن، هوس خویش را بر طاعت تو، مقدّم داشتم و دلخواه خود را بر فرمان تو، برگزیدم و با به خشم آوردن تو، خویشتن را خشنود ساختم؛ زیرا تو با نهی خود، مرا از آن [گناه] ترساندی و پیشاپیش، برای من عذر آوردی و با تهدید [به عذاب و مجازات] خود، حجّتت را بر من تمام کردی. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۲۱.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که از خویش می‌دانم، فراموشش کرده باشم یا به یادش داشته باشم، به عمد انجامش داده باشم یا به خطا، و شک ندارم که تو، در بارهٔ آن، از من بازخواست خواهی کرد و به سبب آن، جانم گروگان توست، اگر چه من، آن را از یاد برده و از آن، غافل شده باشم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۲۲.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که در برابر تو انجامش دادم و یقین داشتم که تو، مرا با آن می‌بینی، امّا غفلت کردم که از آن، به درگاه تو توبه کنم و فراموش کردم که برایش، از تو آمرزش بخواهم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۲۳.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که وارد آن شدم، زیرا به تو گمان نیک داشتم که برای آن، عذابم نمی‌کنی و به آمرزش آن، به تو امیدوار بودم. از این رو، به آن اقدام کردم و به شناختم از بزرگواری تو، تکیه کردم که چون آن را بر من پوشانده‌ای، دیگر رسوایم نمی‌کنی. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۲۴.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که به سبب آن، از جانب تو مستوجب ردّ دعا و محرومیت از اجابت و قطع آرزو و گسیختن رشتهٔ امید گشتم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۲۵.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که افسوس در پی دارد و پشیمانی می‌آورد و روزی را بند می‌آورد و دعا را رد می‌کند. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[٢٦.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يورِثُ الأَسقامَ وَالفَناءَ، ويوجِبُ النِّقَمَ وَالبَلاءَ، ويَكونُ فِي القِيامَةِ حَسرَةً ونَدامَةً، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٢٧.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ مَدَحتُهُ بِلِساني، أو أضمَرَهُ جَناني، أو هَشَّت[1] إلَيهِ نَفسي، أو أتَيتُهُ بِفَعالي، أو كَتَبتُهُ بِيَدي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٢٨.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ خَلَوتُ بِهِ في لَيلٍ أو نَهارٍ، وأرخَيتَ عَلَيَّ فيهِ الأَستارَ، حَيثُ لا يَراني إلّا أنتَ يا جَبّارُ، فَارتابَت فيهِ نَفسي، ومَيَّزتُ بَينَ تَركِهِ لِخَوفِكَ وَانتِهاكِهِ لِحُسنِ الظَّنِّ بِكَ، فَسَوَّلَت لي نَفسِيَ الإِقدامَ عَلَيهِ، فَواقَعتُهُ وأنَا عارِفٌ بِمَعصِيَتي فيهِ لَكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٢٩.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ استَقلَلتُهُ أوِ استَكثَرتُهُ، أوِ استَعظَمتُهُ أوِ استَصغَرتُهُ، أو وَرَّطَني جَهلي فيهِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٣٠.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ مالَأتُ[2] فيهِ عَلىٰ أحَدٍ مِن خَلقِكَ، أو أسَأتُ بِسَبَبِهِ إلىٰ أحَدٍ مِن بَرِيَّتِكَ، أو زَيَّنَتهُ لي نَفسي، أو أشَرتُ بِهِ إلىٰ غَيري، أو دَلَلتُ عَلَيهِ سِوايَ، أو أصرَرتُ عَلَيهِ بِعَمدي، أو أقَمتُ عَلَيهِ بِجَهلي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٣١.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ خُنتُ فيهِ أمانَتي، أو بَخَستُ بِفِعلِهِ نَفسي، أو

---

١. هَشَّ لهذا الأمر: إذا فرح به واستبشر (النهاية: ج ٥ ص ٢٦٤ «هشش»).

٢. مالأت: ساعدت أو عاونت (أنظر تاج العروس: ج ١ ص ٢٥٣ «ملأ»).

[۲۶.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که بیماری‌ها و مرگ را بر جای می‌گذارد و موجب کیفرها و بلا می‌شود و در قیامت، مایهٔ افسوس و پشیمانی است. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۲۷.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که با زبانم آن را ستوده‌ام یا آن را در دل، پرورده‌ام یا جانم به آن، شادمان گشته است یا آن را در کردارم آورده‌ام، یا با دستم نوشته‌ام. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۲۸.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که در شب یا روز، با آن تنها شدم و در زمانی که تو پرده‌ها را بر روی من، فرو افکندی، آن سان که مرا، جز تو کسی نمی‌دید، ای جبّار! پس، نفسم در انجام دادن آن، دچار دودلی شد و ماندم که از بیم تو، آن را وانگذارم یا بر اثر خوش‌گمانی‌ام به تو، انجامش دهم. نفسم مرا به انجام دادن آن، وسوسه کرد و من هم انجامش دادم، در حالی که می‌دانستم با آن کار، تو را نافرمانی کرده‌ام. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۲۹.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم، برای هر آن گناهی که آن را اندک شمردم یا بسیار، بزرگ دانستم یا کوچک، یا نادانی‌ام مرا گرفتار آن کرد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۳۰.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که در آن، ضدّ فردی از مخلوقاتت، کمک کردم یا به سبب آن، به یکی از آفریدگانت بدی نمودم یا نفسم آن را در نظرم زیبا نمود، یا آن را به دیگری توصیه کردم یا دیگری را به آن، راه نمایی کردم، یا آگاهانه بر آن، پای فشردم، یا ندانسته بر آن، اصرار ورزیدم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۳۱.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که در آن، به امانتم خیانت ورزیدم یا با انجام دادن آن، خودم را حقیر ساختم یا با آن، بر

أخطَأتُ بِهِ عَلىٰ بَدَني، أو آثَرتُ فيهِ شَهَواتي، أو قَدَّمتُ فيهِ لَذّاتي، أو سَعَيتُ فيهِ لِغَيري، أوِ استَغوَيتُ إلَيهِ مَن تابَعَني، أو كاثَرتُ فيهِ مَن مَنَعَني، أو قَهَرتُ عَلَيهِ مَن غالَبَني، أو غَلَبتُ عَلَيهِ بِحيلَتي، أوِ استَزَلَّني إلَيهِ مَيلي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٣٢.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ استَعَنتُ عَلَيهِ بِحيلَةٍ تُدني مِن غَضَبِكَ، أوِ استَظهَرتُ بِنَيلِهِ عَلىٰ أهلِ طاعَتِكَ، أوِ استَمَلتُ بِهِ أحَداً إلىٰ مَعصِيَتِكَ، أو راءَيتُ فيهِ عِبادَكَ، أو لَبَستُ عَلَيهِم بِفِعالي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٣٣.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ كَتَبتَهُ عَلَيَّ بِسَبَبِ عُجبٍ كانَ مِنّي بِنَفسي، أو رِياءٍ، أو سُمعَةٍ، أو خُيَلاءَ، أو فَرَحٍ، أو حِقدٍ، أو مَرَحٍ، أو أشَرٍ، أو بَطَرٍ، أو حَمِيَّةٍ، أو عَصَبِيَّةٍ، أو رِضاً، أو سَخَطٍ، أو سَخاءٍ، أو شُحٍّ، أو ظُلمٍ، أو خِيانَةٍ، أو سَرِقَةٍ، أو كَذِبٍ، أو نَميمَةٍ، أو لَهوٍ، أو لَعِبٍ، أو نَوعٍ مِمّا يُكتَسَبُ بِمِثلِهِ الذُّنوبُ، ويَكونُ فِي اجتِراحِهِ العَطَبُ[1]، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٣٤.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ سَبَقَ في عِلمِكَ أنّي فاعِلُهُ، بِقُدرَتِكَ الَّتي قَدَرتَ بِها عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٣٥.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ رَهِبتُ فيهِ سِواكَ، أو عادَيتُ فيهِ أولِياءَكَ، أو والَيتُ فيهِ أعداءَكَ، أو خَذَلتُ فيهِ أحِبّاءَكَ، أو تَعَرَّضتُ فيهِ لِشَيءٍ مِن غَضَبِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

---

١. العَطَبُ: الهلاك (النهاية: ج ٣ ص ٢٥٦ «عطب»).

بدنم تعدّی کردم یا در آن، هوس‌هایم را برگزیدم یا لذّت‌هایم را مقدّم داشتم یا در آن، برای غیر خودم کوشیدم یا پیروانم را به آن، اغوا کردم، یا علی رغم کسی که مرا منع کرد، بیشتر آن را انجام دادم، یا کسی را که با من ستیزه کرد، بر آن مجبور ساختم یا با حیله‌ام، بر آن چیره آمدم یا گرایشم، مرا به جانب آن لغزاند. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۳۲.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که با حیله‌ای که به خشم تو نزدیک می‌گرداند، بر انجام دادن آن کمک گرفتم، یا با رسیدن به آن، بر اهل طاعت تو چیرگی یافتم یا به سبب آن، کسی را به نافرمانی تو متمایل ساختم یا در آن، با بندگان تو دورویی نمودم یا با کردار خود، آنان را اغفال کردم. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و آن را بر من بیامرز ای بهترین آمرزندگان.

[۳۵.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که به سبب خودپسندی من، یا ریاکاری یا شهرت‌طلبی یا تکبّر یا سرخوشی یا کینه‌توزی یا شنگولی یا سرمستی یا گستاخی یا ننگ داشتن [بی‌جا] تعصّب [بی‌جا] یا خوش حالی یا ناراحتی یا گشاده‌دستی [بی‌جا] یا بخل یا ستم یا خیانت یا دزدی یا دروغ یا سخن‌چینی یا سرگرمی یا بازی یا هر نوع دیگری که باعث کسب گناه می‌شود و در ارتکاب آن، هلاکت است، برایم نوشتی. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۳۴.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که پیش‌تر در علم تو گذشته بود که من، با قدرت تو که به سبب آن بر هر چیزی توانایی، آن را انجام خواهم داد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۳۵.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که در آن، از غیر تو ترسیدم یا با دوستان تو دشمنی ورزیدم یا با دشمنان تو دوستی نمودم یا در آن، دوستانت را تنها گذاشتم، یا خود را در معرض چیزی از خشم تو قرار دادم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[٣٦.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ تُبتُ إلَيكَ مِنهُ، ثُمَّ عُدتُ فيهِ، ونَقَضتُ العَهدَ فيما بَيني وبَينَكَ جُرأَةً مِنّي عَلَيكَ، لِمَعرِفَتي بِكَرَمِكَ وعَفوِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٣٧.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ أدناني مِن عَذابِكَ، أو نَآني[1] عَن ثَوابِكَ، أو حَجَبَ عَنّي رَحمَتَكَ، أو كَدَّرَ عَلَيَّ نِعمَتَكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٣٨.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ حَلَلتُ بِهِ عَقداً شَدَدتَهُ، أو حَرَمتُ بِهِ نَفسي خَيراً وَعَدتَني بِهِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٣٩.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ ارتَكَبتُهُ بِشُمولِ عافِيَتِكَ، أو تَمَكَّنتُ مِنهُ بِفَضلِ نِعمَتِكَ، أو قَويتُ عَلَيهِ بِسابِغِ رِزقِكَ، أو خَيرٍ أرَدتُ بِهِ وَجهَكَ، فَخالَطَني فيهِ وشارَكَ فِعلي ما لا يَخلُصُ لَكَ، أو وَجَبَ عَلَيَّ ما أرَدتُ بِهِ سِواكَ، فَكَثيرٌ ما يَكونُ كَذٰلِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٤٠.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ دَعَتني الرُّخصَةُ فَحَلَّلتُهُ لِنَفسي، وهُوَ فيما عِندَكَ مُحَرَّمٌ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٤١.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ خَفِيَ عَن خَلقِكَ، ولَم يَعزُب عَنكَ، فَاستَقَلتُكَ مِنهُ فَأَقَلتَني، ثُمَّ عُدتُ فيهِ فَستَرتَهُ عَلَيَّ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٤٢.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ خَطَوتُ إلَيهِ بِرِجلي، أو مَدَدتُ إلَيهِ يَدي، أو

---

١. نآني: أبعدني (أنظر: لسان العرب: ج ١٥ ص ٣٠٠ «نأى»).

[۳۶.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم، برای هر آن گناهی که از آن، به درگاهت توبه کردم. سپس به آن، باز گشتم و پیمانی را که میان من و تو بود، گستاخانه شکستم، چون کَرَم و عفو تو را می‌شناختم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۳۷.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که مرا به عذاب تو، نزدیک کرد یا از پاداش تو، دور ساخت یا رحمتت را از من، باز داشت یا نعمتت را بر من، مکدّر ساخت. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۳۸.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که با آن، گِرِهی [و قراری] را که بسته بودم، باز کردم، یا خودم را از خیری که وعده‌اش را به من داده بودی، محروم ساختم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۳۹.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که به سبب برخورداری از عافیت تو، آن را مرتکب شدم، یا به لطف نعمت تو، بر آن توانا گشتم یا در سایهٔ روزی فراوان تو، از پس آن برآمدم، و [آمرزش می‌خواهم] برای هر کار نیکی که قصدم از آن، رضای تو بود، امّا ناخالصی به نیّت و کردارم راه یافت یا ناچار شدم به نیّت غیر تو، کاری کنم که بسیاری اوقات، چنین می‌شود. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۴۰.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که رخصت، مرا بدان فرا خواند و آن را برای خودم، روا شمردم، در حالی که [در واقع] نزد تو حرام بوده است. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۴۱.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که از خلق تو پنهان است، ولی از نظر تو دور نمانده و من، برایش از تو پوزش خواستم و تو، مرا بخشیدی. پس بدان بازگشتم و تو، باز آن را بر من پوشاندی. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۴۲.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که گامم را به

تَأَمَّلَهُ بَصري، أو أصغَيتُ إلَيهِ بِسَمعي، أو نَطَقَ بِهِ لِساني، أو أنفَقتُ فيهِ ما رَزَقتَني، ثُمَّ استَرزَقتُكَ عَلىٰ عِصياني فَرَزَقتَني، ثُمَّ استَعَنتُ بِرِزقِكَ عَلىٰ مَعصِيَتِكَ فَستَرتَ عَلَيَّ، ثُمَّ سَأَلتُكَ الزِّيادَةَ فَلَم تُخَيِّبني، وجاهَرتُكَ فيهِ فَلَم تَفضَحني، فَلا أزالُ مُصِرّاً عَلىٰ مَعصِيَتِكَ، ولا تَزالُ عائِداً عَلَيَّ بِحِلمِكَ ومَغفِرَتِكَ، يا أكرَمَ الأَكرَمينَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٤٣.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يوجِبُ عَلَيَّ صَغيرُهُ أليمَ عَذابِكَ، ويُحِلُّ بي كَبيرُهُ شَديدَ عِقابِكَ، وفي إتيانِهِ تَعجيلُ نَقِمَتِكَ، وفِي الإِصرارِ عَلَيهِ زَوالُ نِعمَتِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٤٤.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ لَم يَطَّلِع عَلَيهِ أحَدٌ سِواكَ، ولا عَلِمَهُ أحَدٌ غَيرُكَ، ولا يُنجيني مِنهُ إلّا حِلمُكَ، ولا يَسَعُهُ إلّا عَفوُكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

[٤٥.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يُزيلُ النِّعَمَ، أو يُحِلُّ النِّقَمَ، أو يُعَجِّلُ العَدَمَ، أو يُكثِرُ النَّدَمَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٤٦.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يَمحَقُ الحَسَناتِ، ويُضاعِفُ السَّيِّئاتِ، ويُعَجِّلُ النَّقِماتِ، ويُغضِبُكَ يا رَبَّ السَّماواتِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٤٧.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ أنتَ أحَقُّ بِمَعرِفَتِهِ إذ كُنتَ أولىٰ بِستَرَتِهِ، فَإِنَّكَ أهلُ التَّقوىٰ وأهلُ المَغفِرَةِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

سوی آن برداشتم یا دستم را به سوی آن، دراز کردم یا چشمم به آن نگریست یا با گوشم به آن، گوش دادم یا زبانم به آن، گویا شد یا آنچه را تو روزی من کرده بودی، در راه آن، خرج کردم. سپس از تو، روزی خواستم و تو، با وجود نافرمانی‌ام، روزی‌ام دادی و من، باز از روزی تو در نافرمانی تو، کمک گرفتم و تو بر من، پرده‌پوشی کردی. سپس از تو [روزیِ] بیشتر خواستم و تو، محرومم نکردی و آن گناه را در برابر تو، انجام دادم و تو، رسوایم نساختی و من، پیوسته بر نافرمانی تو، پای می‌فشارم و تو، پیوسته، بردباری و آمرزشت را شامل حال من می‌کنی، ای کریم‌ترینِ کریمان! پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۴۳.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که کوچک آن، مرا مستوجب عذاب دردناک تو می‌کند و بزرگش، عذاب سخت تو را بر من، روا می‌سازد و به جا آوردنش، کیفر تو را شتاب می‌بخشد و ادامه دادن به آن، نعمت‌ها را به زوال می‌آورد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۴۴.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که تنها، تو شاهد آن بوده‌ای و تنها تو، آن را می‌دانی و تنها بردباری تو، مرا از آن می‌رهانَد و فقط عفو تو، آن را در بر می‌گیرد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۴۵.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که نعمت‌ها را می‌برّد، یا کیفرها [ی الهی] را می‌آورد، یا به نابودی و مرگ، شتاب می‌بخشد، یا پشیمانی می‌افزاید. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۴۶.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که کارهای نیک را از بین می‌برد و کارهای بد را دو چندان می‌کند و به کیفرها شتاب می‌بخشد و تو را ـ ای صاحب آسمان‌ها ـ در خشم می‌کند. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان.

[۴۷.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که تو به دانستن آن، سزاوارتری، چون به پوشاندن آن، سزاوارتر بوده‌ای، که تو اهل پروا و اهل آمرزشی. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[٤٨.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ تَجَهَّمتُ[١] فيهِ وَلِيّاً مِن أولِيائِكَ، مُساعَدَةً فيهِ لِأَعدائِكَ، أو مَيلاً مَعَ أهلِ مَعصِيَتِكَ عَلىٰ أهلِ طاعَتِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٤٩.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ ألبَسَني كِبرَةً[٢]، وَانهماكي فيهِ ذِلَّةً، أو آيَسَني مِن وُجودِ رَحمَتِكَ، أو قَصَّرَ بِيَ اليَأسُ عَنِ الرُّجوعِ إلىٰ طاعَتِكَ، لِمَعرِفَتي بِعَظيمِ جُرمي وسوءِ ظَنّي بِنَفسي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٥٠.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ أوردَني الهَلَكَةَ لَولا رَحمَتُكَ، وأحَلَّني دارَ البَوارِ لَولا تَغَمُّدُكَ، وسَلَكَ بي سَبيلَ الغَيِّ لَولا رُشدُكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٥١.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ ألهاني عَمّا هَدَيتَني إلَيهِ، أو أمَرتَني بِهِ أو نَهَيتَني عَنهُ، أو دَلَلتَني عَلَيهِ فيما فيهِ الحَظُّ لي لِبُلوغِ رِضاكَ، وإيثارِ مَحَبَّتِكَ، وَالقُربِ مِنكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٥٢.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يَرُدُّ عَنكَ دُعائي، أو يَقطَعُ مِنكَ رَجائي، أو يُطيلُ في سَخَطِكَ عَنائي، أو يُقَصِّرُ عِندَكَ أمَلي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٥٣.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يُميتُ القَلبَ، ويُشعِلُ الكَربَ[٣]، ويُرضِي الشَّيطانَ، ويُسخِطُ الرَّحمٰنَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ

---

١. يتجهَّمُني: أي يلقاني بالغلظة والوجه الكريه (النهاية: ج ١ ص ٣٢٣ «جهم»).

٢. الكِبْرَةُ: كَالكِبْرِ، التأنيث للمبالغة (لسان العرب: ج ٥ ص ١٢٩ «كبر»).

٣. الكَرْبُ: الحُزنُ والغمّ الذي يأخذ بالنفس (تاج العروس: ج ٢ ص ٣٦٦ «كرب»).

[۴۸.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که در آن، با دوستی از دوستانت، چهره درهم کشیدم، تا به دشمنان تو، کمک کرده باشم، یا با اهل نافرمانی تو، در برابر فرمان‌بُرداران از تو، همراهی کرده باشم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۴۹.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که جامهٔ تکبّر بر من پوشاند و غرق شدنم در آن، مرا به خواری کشاند یا از وجود رحمت تو، نومیدم ساخت یا چنان نومید شدم که از بازگشت به فرمان تو، دست شستم، که می‌دانستم جرمم بسی بزرگ است و به خود، گمان بد داشتم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۵۰.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که اگر نبود رحمت تو، مرا به هلاکت در افکنده بود و اگر لطف تو نبود، مرا به سرای نابودی درآورده بود و اگر راهنمایی تو نبود، مرا به کج راهه و گم راهی برده بود. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

[۵۱.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که مرا به خود، وا داشت از آنچه بدان، راه نمایی‌ام کردی یا به آن، فرمانم دادی یا از آن، نهی فرمودی یا به آن، دلالتم کردی و موجب می‌شد به خشنودی تو دست یابم و محبّت تو را برگزینم و به تو نزدیک شوم، باز داشت. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۵۲.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که دعای مرا از درگاه تو، پس می‌زند و امیدم را از تو، قطع می‌کند یا رنج و عذاب ناشی از خشم تو را در من، به درازا می‌کشاند یا آرزوی مرا به تو، کوتاه می‌سازد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان.

[۵۳.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم، برای هر آن گناهی که دل را می‌میرانَد و اندوه را بر می‌افروزد و شیطان را خشنود می‌سازد و خدای مهربان را ناخشنود می‌گرداند. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من

الغافِرينَ.

[٥٤.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يُعقِبُ اليَأسَ مِن رَحمَتِكَ، وَالقُنوطَ مِن مَغفِرَتِكَ، وَالحِرمانَ مِن سَعَةِ ما عِندَكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٥٥.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ مَقَتَّ نَفسي عَلَيهِ إجلالاً لَكَ، فَأَظهَرتُ لَكَ التَّوبَةَ فَقَبِلتَ، وسَأَلتُكَ العَفوَ فَعَفَوتَ، ثُمَّ مالَ بِيَ الهَوىٰ إلىٰ مُعاوَدَتِهِ طَمَعاً في سَعَةِ رَحمَتِكَ وكَريمِ عَفوِكَ، ناسِياً لِوَعيدِكَ، راجِياً لِجَميلِ وَعدِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٥٦.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يورِثُ سَوادَ الوُجوهِ، يَومَ تَبيَضُّ وُجوهُ أولِيائِكَ وتَسوَدُّ وُجوهُ أعدائِكَ، إذ أقبَلَ ﴿بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ﴾[1]، فَقيلَ لَهُم: ﴿لَاتَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ﴾[2] فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٥٧.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يَدعو إلَى الكُفرِ، ويُطيلُ الفِكرَ، ويورِثَ الفَقرَ، ويَجلِبُ العُسرَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٥٨.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يُدنِي الآجالَ، ويَقطَعُ الآمالَ، ويَبتُرُ الأَعمارَ، فُهتُ بِهِ أو صَمَتُّ عَنهُ، حَياءً مِنكَ عِندَ ذِكرِهِ، أو أكنَنتُهُ في صَدري، أو عَلِمتَهُ مِنّي، فَإِنَّكَ تَعلَمُ السِّرَّ وأخفىٰ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

---

١. القلم: ٣٠.

٢. قَ: ٢٨.

بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۵۴.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که یأس از رحمت تو و نومیدی از آمرزشت و محرومیت از پاداش‌ها و نعمت‌های بی‌کرانی را که نزد توست، در پی دارد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۵۵.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که به احترام تو، نفسم را از آن متنفّر ساختم و در پیشگاهت، اظهار توبه کردم و تو پذیرفتی، و از تو بخشش خواستم و تو هم بخشیدی، امّا سپس، هوسم مرا به سوی تکرار آن کشانْد، از آن رو که به رحمتِ عالمگیر و عفو کریمانهٔ تو، طمع بستم و تهدیدات تو را فراموش کردم و به وعده‌های خوش تو، امیدوار بودم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترین آمرزندگان!

[۵۶.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که روسیاهی می‌آورد در آن روزی که دوستانت، روسفید می‌شوند و دشمنانت، سیه‌روی، آن گاه که: ﴿بعضی شان، رو به بعضی دیگر آورند و یکدیگر را به نکوهش می‌گیرند﴾ و به آنها گفته شود که: ﴿در پیشگاه من، با یکدیگر ستیزه‌گری مکنید، که از پیش، به شما هشدار داده بودم﴾. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۵۷.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که به کفر می‌خواند و فکر [و خیالات] را به درازا می‌کشاند و فقر بر جای می‌گذارد و سختی می‌آورد. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۵۸.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که اَجَل را نزدیک، امید را قطع و عمر را کوتاه می‌کند، خواه آن را به زبان آورده باشم یا به خاطر شرم از تو، از ذکر آن، خودداری ورزیده باشم، یا در سینه‌ام نهفته‌اش داشته باشم و یا تو، آن را می‌دانی؛ چرا که تو، هر چیز نهان و نهان‌تر را می‌دانی. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[٥٩.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يَكونُ فِي اجتِراحِهِ قَطعُ الرِّزقِ، ورَدُّ الدُّعاءِ، وتَواتُرُ البَلاءِ، ووُرودُ الهُمومِ، وتَضاعُفُ الغُمومِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٦٠.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يُبَغِّضُني إلىٰ عِبادِكَ، ويُنَفِّرُ عَنّي أولِياءَكَ، أو يوحِشُ مِنّي أهلَ طاعَتِكَ، لِوَحشَةِ المَعاصي، ورُكوبِ الحَوبِ[1]، وكَآبَةِ الذُّنوبِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٦١.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ دَلَّستُ بِهِ مِنّي ما أظهَرتَهُ، أو كَشَفتُ عَنّي بِهِ ما سَتَرتَهُ، أو قَبَّحتُ بِهِ مِنّي ما زَيَّنتَهُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٦٢.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ لا يُنالُ بِهِ عَهدُكَ، ولا يُؤمَنُ مَعَهُ غَضَبُكَ، ولا تَنزِلُ مَعَهُ رَحمَتُكَ، ولا تَدومُ مَعَهُ نِعمَتُكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٦٣.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ استَخفَيتُ لَهُ ضَوءَ النَّهارِ مِن عِبادِكَ، وبارَزتُ بِهِ في ظُلمَةِ اللَّيلِ جُرأَةً مِنّي عَلَيكَ، عَلىٰ أنّي أعلَمُ أنَّ السِّرَّ عِندَكَ عَلانِيَةٌ، وأنَّ الخَفِيَّةَ عِندَكَ بارِزَةٌ، وأنَّهُ لَن يَمنَعَني مِنكَ مانِعٌ، ولا يَنفَعُني[2] عِندَكَ نافِعٌ، مِن مالٍ وبَنينَ، إلّا أن أتَيتُكَ بِقَلبٍ سَليمٍ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

---

١. الحَوبُ: الإثم وتُفتح الحاء وتُضمّ (النهاية: ج ١ ص ٤٥٥ «حوب»).

٢. في المصدر: «يسعني»، وما في المتن أثبتناه من بحار الأنوار.

[۵۹.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که در ارتکاب آن، قطع شدن روزی و رد شدن دعا و پیاپی آمدن بلا و هجوم آوردن اندوه‌ها و چند برابر شدن غم‌هاست. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۶۰.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که مرا نزد بندگانت، منفور می‌سازد و دوستانت را از من، می‌رمانَد یا اهل طاعتت را از من، می‌گریزاند؛ زیرا از نافرمانی‌ها و بدکرداری، و افسردگی [ناشی از] گناهان گریزان‌اند. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۶۱.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که به سبب آن، آنچه را تو از من آشکار ساخته بودی، پوشاندم، یا آنچه را تو از من پوشانده بودی، به سبب آن، آشکار ساختم، یا آنچه را تو در من زیبا ساخته بودی، من با [ارتکاب] آن گناه، زشتش ساختم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۶۲.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که با وجود آن، به عهد [با] تو وفا نمی‌شود و از خشم تو، ایمنی نیست و رحمت تو، فرود نمی‌آید و نعمتت، پایدار نمی‌ماند. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۶۳.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که در روشنایی روز، انجامش ندادم تا از بندگانت بپوشانم و در تاریکی شب، به جایش آوردم و این، گستاخی‌ای بود از جانب من به تو، با آن که می‌دانم نهان، در نزد تو آشکار است و پنهان، در نزد تو پیداست و هیچ چیزی نمی‌تواند مانع من از تو شود و هیچ چیز، از مال و فرزند، در پیشگاه تو به کار من نمی‌آید، جز دل پاک و سالمی که به نزد تو آورم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[٦٤.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ يورِثُ النِّسيانَ لِذِكرِكَ، ويُعقِبُ الغَفلَةَ عَن تَحذيرِكَ، أو يُمادي فِي الأَمنِ مِن مَكرِكَ، أو يُطمِعُ في طَلَبِ الرِّزقِ مِن عِندِ غَيرِكَ، أو يُؤيِسُ مِن خَيرِ ما عِندَكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٦٥.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ لَحِقَني بِسَبَبِ عَتبي عَلَيكَ فِي احتِباسِ الرِّزقِ عَنّي، وإعراضي عَنكَ ومَيلي إلىٰ عِبادِكَ بِالاِستِكانَةِ[1] لَهُم وَالتَّضَرُّعِ إلَيهِم، وقَد أسمَعتَني قَولَكَ في مُحكَمِ كِتابِكَ ﴿فَمَا ٱسْتَكَانُواْ لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾[2]، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٦٦.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ أَزمَني بِسَبَبِ كُربَةٍ استَعَنتُ عِندَها بِغَيرِكَ، أوِ استَبدَدتُ بِأَحَدٍ فيها دونَكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

[٦٧.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ حَمَلَني عَلَى الخَوفِ مِن غَيرِكَ، أو دَعاني إلَى التَّواضُعِ لِأَحَدٍ مِن خَلقِكَ، أوِ استَمالَني إلَيهِ الطَّمَعُ فيما عِندَهُ، أو زَيَّنَ لي طاعَتَهُ في مَعصِيَتِكَ استِجراراً لِما في يَدِهِ، وأنَا أعلَمُ بِحاجَتي إلَيكَ، لا غِنىٰ لي عَنكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٦٨.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ مَدَحتُهُ بِلِساني، أو هَشَّت إلَيهِ نَفسي، أو حَسَّنتُهُ بِفَعالي، أو حَثَثتُ عَلَيهِ بِمَقالي، وهُوَ عِندَكَ قَبيحٌ تُعَذِّبُني عَلَيهِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

---

١. استكانَ: خَضَعَ وذلّ (تاج العروس: ج ١٨ ص ٢٨٩ «سكن»).

٢. المؤمنون: ٧٦.

[۶۴.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که فراموشیِ یاد تو را به بار می‌آورد و غفلت از هشدار تو را در پی دارد یا [شخص را] دچار احساس ایمنی از عذاب تو می‌گردانَد، یا امید به طلب روزی از نزد غیر تو را ایجاد می‌کند یا از خیری که نزد توست، نومید می‌سازد. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۶۵.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که به سبب اعتراضم به تو، در بازداشتن روزی از من و روی گردانی‌ام از تو و روی آوردن به بندگانت و خواری و زاری نمودن در برابر آنها [برای به دست آوردن روزی بیشتر]، گریبانگیرم شد، در حالی که تو، گفته‌ات را در کتاب استواری به گوش من رساندی که: ﴿نسبت به پروردگارشان، خواری نکردند و به زاری در نیامدند﴾. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۶۶.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که به سبب کمک گرفتن از غیر تو، در گرفتاری‌ها یا مدد جُستن از جز تو در آنها، مرتکب شدم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۶۷.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که مرا به ترس از غیر تو، وا داشت یا به فروتنی در برابر مخلوقی از مخلوقاتت خواند یا طمع به داشته‌های او، مرا به جانب او کشاند یا برای بیرون کشیدن آنچه در دست اوست، فرمانبَری از او را، با آن که نافرمانی تو بود، در نظرم نیکو نمود، در حالی که می‌دانم من، به تو محتاجم و هرگز از تو، بی نیاز نیستم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۶۸.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که به زبانم، آن را ستودم یا جانم به آن، شاد شد یا با کردارم، آن را تحسین کردم یا با گفتارم، به آن ترغیب نمودم، در حالی که آن گناه، نزد تو زشت است و مرا بر آن، عذاب می‌کنی. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای

وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٦٩.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ مَثَّلَتهُ فِيَّ نَفسِي استِقلالاً لَـهُ، وصَـوَّرَت لِـي استِصغارَهُ، وهَوَّنَت عَلَيَّ الاِستِخفافَ بِهِ حَتّىٰ أورَطَتني[1] فيهِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِرهُ لي يا خَيرَ الغافِرينَ.

[٧٠.] اللّٰهُمَّ وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ ذَنبٍ جَرىٰ بِهِ عِلمُكَ، فِيَّ وعَلَيَّ إلىٰ آخِرِ عُـمُري بِجَميعِ ذُنوبي لِأَوَّلِها وآخِرِها، وعَمدِها وخَطَئِها، وقَليلِها وكَثيرِها، ودَقيقِها وجَليلِها، وقَديمِها وحَديثِها، وسِرِّها وعَلانِيَتِها، وجَميعِ ما أنَا مُذنِبُهُ، وأتوبُ إلَيكَ. وأسأَلُكَ أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأن تَغفِرَ لي جَميعَ ما أحصَيتَ مِن مَظالِمِ العِبادِ قِبَلي، فَإِنَّ لِعِبادِكَ عَلَيَّ حُقوقاً أنَا مُرتَهَنٌ بِها، تَغفِرُها لي كَيفَ شِئتَ وأنّىٰ شِئتَ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[2]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ج ـ مِن استِغفارِهِ في قُنوتِ الوَترِ

٢٩٠٦ . بحار الأنوار عن مصباح الكفعمي والبلد الأمين والاختيار لابن باقي: يُستَحَبُّ أن يَقولَ في قُنوتِ الوَترِ ما كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام يَقولُ فِي الاِستِغفارِ: اللّٰهُمَّ إنَّكَ قُلتَ في كِتابِكَ المُحكَمِ المُنزَلِ عَلىٰ نَبِيِّكَ المُرسَلِ، وقَولُكَ الحَقُّ: ﴿كَانُواْ قَلِيلاً مِّنَ ٱلَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾[3]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسْتَغْفِرُواْ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ

---

١. وَرَطَ: إذا وقع في بليّة يعسر المخرج منها (النهاية: ج ٥ ص ١٧٤ «ورط»).

٢. البلد الأمين: ص ٣٨، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٣٢٦ ح ١٦.

٣. الذاريات: ١٧ و ١٨.

بهترینِ آمرزندگان!

[۶۹.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که نفسم، آن را در نظرم اندک آورد و برایم کوچک جلوه داد و سبُک شمردن آن را بر من، آسان نمود تا آن که مرا در ورطهٔ آن افکند. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان!

[۷۰.] بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که علم تو، آن را در من و بر من تا آخر عمرم جاری ساخت، برای همهٔ گناهانم، از اوّل تا به آخرِ آنها، عمد و غیر عمدش، اندک و بسیارش، ریز و درشتش، قدیم و جدیدش، پنهان و آشکارش، و برای همهٔ گناهانی که من، مرتکب آنها شدم [از تو آمرزش می‌خواهم] و به درگاهت توبه می‌کنم، و از تو مسئلت دارم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی و همهٔ حقّ و حقوقی را که بندگان بر گردن من دارند و تو آنها را بر شمردی، بر من بیامرزی؛ زیرا بندگانت را بر من، حقوقی است که [به جا نیاوردم و ادا ننمودم و] گروگان آنها هستم. همهٔ اینها را بر من بیامرز، هر گونه که خود می‌خواهی و هر زمان که می‌خواهی، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

ج ـ از آمرزش‌خواهی‌های ایشان در قنوت نماز وَتْر

۲۹۰۶. **بحار الأنوار** ـ به نقل از المصباح کفعمی و بلد الأمین و الإختیار ابن باقی ـ: مستحبّ است در قنوت نماز وَتْر، آن چیزی گفته شود که امیر مؤمنان، در طلب آمرزش می‌گفت: «بار خدایا! تو در کتاب استوار خود که بر پیامبر مُرسلت فرو فرستاده شده است، گفته‌ای، و گفتهٔ تو درست است که: ﴿اندکی از شب را می‌خوابند و در سحرگاهان، آمرزش می‌خواهند﴾، و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌آورم.

و گفته‌ای ـ ای بلند مرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿سپس از آن جا که مردم می‌کوچند، بکوچید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا آمرزگاری مهربان است﴾ و من از تو

غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾[١]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿ٱلصَّـٰبِرِينَ وَٱلصَّـٰدِقِينَ وَٱلْقَـٰنِتِينَ وَٱلْمُنفِقِينَ وَٱلْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾[٢]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا۟ فَـٰحِشَةً أَوْ ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا۟ ٱللَّهَ فَٱسْتَغْفَرُوا۟ لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا۟ عَلَىٰ مَا فَعَلُوا۟ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾[٣]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِى ٱلْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَوَكِّلِينَ﴾[٤]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَٱسْتَغْفَرُوا۟ ٱللَّهَ وَٱسْتَغْفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُوا۟ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا﴾[٥]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَمَن يَعْمَلْ سُوٓءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُۥ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ ٱللَّهَ يَجِدِ ٱللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾[٦]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُۥ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾[٧]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

---

١. البقرة: ١٩٩.

٢. آل عمران: ١٧.

٣. آل عمران: ١٣٥.

٤. آل عمران: ١٥٩.

٥. النساء: ٦٤.

٦. النساء: ١١٠.

٧. المائدة: ٧٤.

آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلند مرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿شکیبایان و راستگویان و فرمان‌بُرداران و انفاق کنندگان و آمرزش‌خواهانِ در سحرگاهان﴾ و من از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلند مرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿و آنان که هرگاه کار زشتی (فحشا) کنند یا به خویشتن ستم ورزند، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان، آمرزش بخواهند و جز خدا، کیست که گناهان را بیامرزد. و بر آنچه انجام دادند، دانسته پای نفشردند﴾، و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای، ای بلندمرتبهٔ متعالی، که: ﴿از آنان، درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها، با ایشان، رایزنی کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکّل نما که خداوند، توکّل کنندگان را دوست می‌دارد﴾ و من از تو، آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿اگر آن گاه که به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا، آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برایشان آمرزش می‌طلبید، بی‌گمان، خدا را توبه‌پذیری مهربان می‌یافتند﴾ و من از تو، آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلند مرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿و هر کس بدی کند یا به خود ستم نماید، سپس از خدا آمرزش خواهد، خدا را آمرزگاری مهربان می‌یابد﴾ و من از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلند مرتبه متعالی ـ که: ﴿چرا به درگاه خدا، توبه نمی‌کنند و از وی، آمرزش نمی‌خواهند، در حالی که خدا، آمرزندهٔ مهربان است؟...﴾ و من از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾[١]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿ٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَاتَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ﴾[٢]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَمَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسْتَغْفِرُواْ لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوٓاْ أُوْلِى قُرْبَىٰ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ﴾[٣]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَمَا كَانَ ٱسْتِغْفَارُ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ﴾[٤]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَأَنِ ٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَٰعًا حَسَنًا إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِى فَضْلٍ فَضْلَهُۥ﴾[٥]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ وَٱسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَٱسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّى قَرِيبٌ مُّجِيبٌ﴾[٦]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّى رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾[٧] وأنَا

---

١. الأنفال: ٣٣.

٢. التوبة: ٨٠.

٣. التوبة: ١١٣.

٤. التوبة: ١١٤.

٥. هود: ٣.

٦. هود: ٦١.

٧. هود: ٩٠.

و گفته‌ای ـ ای بلند مرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿و تا آنان، آمرزش می‌طلبند، خدا، عذاب کنندهٔ ایشان، نخواهد بود﴾ و من از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿برای آنان، آمرزش خواهی یا برایشان آمرزش نخواهی [فرقی نمی‌کند]. اگر هفتاد بار هم آمرزش بخواهی، خدا، هرگز ایشان را نمی‌آمرزد﴾، و من از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، سزاوار نیست برای مشرکان ـ پس از آن که برایشان آشکار گردید که آنان، اهل دوزخ‌اند ـ آمرزش خواهند، هر چند خویشاوند [آنان] باشند﴾ و من از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلند مرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿و آمرزش‌خواهی ابراهیم برای پدرش، جز برای وعده‌ای که به او داده بود، نبود﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿از پروردگارتان، آمرزش بخواهید. سپس به سوی او توبه برید تا این که شما را با بهره‌مندی نیکویی تا سر رسیدی معیّن، بهره‌مند سازد و به هر شایستهٔ نعمتی، از کَرَم خود، عطا کند﴾، و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلند مرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿او شما را از زمین، پدید آورد و شما را در آن، استقرار داد. پس، از او آمرزش خواهید. سپس به سوی او توبه برید که پروردگار من، نزدیک و اجابت کننده است﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿از پروردگارتان، آمرزش خواهید. سپس به سوی او توبه برید که پروردگار من، مهربان و صمیمی است﴾ و من،

أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿ٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ يُرْسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْاْ مُجْرِمِينَ﴾[1]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَٱسْتَغْفِرِى لِذَنۢبِكِ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ ٱلْخَاطِـِٔينَ﴾[2]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿يَـٰٓأَبَانَا ٱسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَآ إِنَّا كُنَّا خَـٰطِـِٔينَ﴾[3]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّى إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾[4] وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓاْ إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُواْ رَبَّهُمْ﴾[5]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿سَلَـٰمٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّى إِنَّهُۥ كَانَ بِى حَفِيًّا﴾[6]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمُ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾[7]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

---

١. هود: ٥٢.
٢. يوسف: ٢٩.
٣. يوسف: ٩٧.
٤. يوسف: ٩٨.
٥. الكهف: ٥٥.
٦. مريم: ٤٧.
٧. النور: ٦٢.

از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿از پروردگارتان، آمرزش بخواهید. سپس به سوی او توبه برید تا از آسمان، بر شما بارانِ فراوان فرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید، و تبهکارانه، روی بر مگردانید﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿برای گناهت آمرزش بخواه که تو از خطاکاران بودی﴾، و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و [از زبان فرزندان یعقوب] گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿پدرجان! برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما خطاکار بودیم...﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿به زودی، برای شما از پروردگارم آمرزش می‌خواهم که او آمرزگاری مهربان است﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿و چیزی مانع مردم نشد از این که وقتی هدایت به سویشان آمد، ایمان بیاورند و از پروردگارشان، آمرزش بخواهند﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای، ای ـ بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿درود بر تو باد! به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش خواهم که او همواره با من، پُرمهر بوده است﴾ و من از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿پس، به هر که از ایشان خواهی، اجازه بده و برایش از خدا، آمرزش بخواه که خدا، آمرزگاری مهربان است﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿يَـٰقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾[1]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّـٰهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ﴾[2]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا﴾[3]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَـٰرِ﴾[4]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ﴾[5]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَالْمَلَـٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى الْأَرْضِ أَلَآ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾[6]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَـٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَـٰتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَىٰكُمْ﴾[7]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

---

۱. النمل: ۴۶.
۲. صٓ: ۲۴.
۳. غافر: ۷.
۴. غافر: ۵۵.
۵. فصّلت: ۶.
۶. الشورى: ۵.
۷. محمّد: ۱۹.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿ای مردم من! چرا پیش از [جُستن] نیکی، شتابزده، خواهان بدی هستید؟ چرا از خدا آمرزش نمی‌خواهید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿و داوود دانست که ما، در حقیقت، او را آزمایش کرده‌ایم. پس، از پروردگارش آمرزش خواست و به رو درافتاد و توبه کرد﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿کسانی که عرش را حمل می‌کنند و آنها که پیرامون آن‌اند، پروردگارشان را تسبیح و ستایش می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی هم که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿پس، شکیبا باش که وعدهٔ خدا، راست است و برای گناهت، آمرزش بخواه. پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی در شامگاهان و بامدادان﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿پس مستقیماً به سوی او بشتابید و از او آمرزش بخواهید﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿و فرشتگان، پروردگارشان را تسبیح و ستایش می‌گویند و برای کسانی که در زمین‌اند، آمرزش می‌خواهند. بدانید که خداوند، آمرزگار و مهربان است﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿بدان که معبودی جز خدا نیست و برای گناهت، آمرزش بخواه و [نیز] برای مردان و زنان مؤمن. و خدا، فرجام و مآل شما را می‌داند﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿سَيَقُولُ لَكَ ٱلْمُخَلَّفُونَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَٰلُنَا وَأَهْلُونَا فَٱسْتَغْفِرْ لَنَا﴾[١]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿حَتَّىٰ تُؤْمِنُواْ بِاللَّهِ وَحْدَهُۥٓ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمْلِكُ لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ﴾[٢]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَلَا يَعْصِينَكَ فِى مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُنَّ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾[٣]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوْاْ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ﴾[٤]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ﴾[٥]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿ٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارًا﴾[٦]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَٱسْتَغْفِرُواْ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾[٧]، وأنَا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.

---

١. الفتح: ١١.
٢. الممتحنة: ٤.
٣. الممتحنة: ١٢.
٤. المنافقون: ٥.
٥. المنافقون: ٦.
٦. نوح: ١٠.
٧. المزّمّل: ٢٠.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿بر جای ماندگانِ بادیه‌نشین، به زودی به تو خواهند گفت: اموال ما و کسانمان، ما را گرفتار کردند. پس برایمان آمرزش بخواه﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید، جز در سخن ابراهیم [که] به [نا]پدر[ی] خود [گفت:] حتماً برای تو، آمرزش خواهم خواست با آن که در برابر خدا، اختیار چیزی را برای تو ندارم. ای پروردگار ما! بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو باز گشتیم و فرجام، به سوی توست﴾ و من از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿و در کار نیک، از تو نافرمانی نکنند، با آنان (زنان) بیعت کن و برایشان آمرزش بخواه که خدا، آمرزگاری مهربان است﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿هرگاه به ایشان گفته شود: «بیایید تا پیامبر خدا، برایتان آمرزش بخواهد»، سرهای خود را بر می‌گردانند و آنان را می‌بینی که تکبّرکنان، روی بر می‌گردانند﴾، و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿برایشان یکسان است که برای آنان، آمرزش بخواهی یا برایشان آمرزش نخواهی. هرگز، خدا آنها را نمی‌بخشد﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسی آمرزنده است﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿هر آن خوبی که برای خود پیش فرستید، آن را نزد خدا، بهتر و با پاداشی بیشتر، خواهید یافت. و از خدا آمرزش بخواهید که خدا، آمرزگاری مهربان است﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.

وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ: ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾[١]، وأنا أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.[٢]

د ـ مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاةِ المَغرِبِ

٢٩٠٧ . الإمام عليّ عليه السلام: اللّهُمَّ تَقَبَّل مِنّي ما كانَ صالِحاً، وأصلِح مِنّي ما كانَ فاسِداً. اللّهُمَّ لا تُسَلِّطني عَلىٰ فَسادِ ما أصلَحتَ مِنّي، وأصلِح لي ما أفسَدتُهُ مِن نَفسي.

اللّهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ ذَنبٍ قَوِيَ عَلَيهِ بَدَني بِعافِيَتِكَ، ونالَتهُ يَدي بِفَضلِ نِعمَتِكَ، وبَسَطتُ إلَيهِ يَدي بِسَعَةِ رِزقِكَ، وَاحتَجَبتُ فيهِ عَنِ النّاسِ بِسِترِكَ، وَاتَّكَلتُ فيهِ عَلىٰ كَريمِ عَفوِكَ.

اللّهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ ذَنبٍ تُبتُ إلَيكَ مِنهُ، ونَدِمتُ عَلىٰ فِعلِهِ، وَاستَحيَيتُ مِنكَ وأنَا عَلَيهِ، ورَهِبتُكَ وأنَا فيهِ، راجَعتُهُ وعُدتُ إلَيهِ.

اللّهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ ذَنبٍ عَلِمتُهُ أو جَهِلتُهُ، ذَكَرتُهُ أو نَسيتُهُ، أخطَأتُهُ أو تَعَمَّدتُهُ، هُوَ مِمّا لا أشُكُّ أنَّ نَفسي مُرتَهَنَةٌ بِهِ، وإن كُنتُ نَسيتُهُ وغَفَلتُ عَنهُ.

اللّهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ ذَنبٍ جَنَيتُهُ عَلَيَّ بِيَدي، وآثَرتُ فيهِ شَهوَتي، أو سَعَيتُ فيهِ لِغَيري، أوِ استَغوَيتُ فيهِ مَن تابَعَني، أو كابَرتُ فيهِ مَن مَنَعَني، أو قَهَرتُهُ بِجَهلي، أو لَطُفتُ فيهِ بِحيلَةٍ غَيري، أوِ استَزَلَّني إلَيهِ مَيلي وهَوايَ.

اللّهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ شَيءٍ أرَدتُ بِهِ وَجهَكَ فَخالَطَني فيهِ ما لَيسَ

---

١ . النصر: ٣.

٢ . بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٨٢ ح ٧٥، البلد الأمين: ص ٣٦، المصباح للكفعمي: ص ٨٧ وفيهما «يستحبّ أن يستغفر الله تعالى في سحر كلّ ليلة، ثمّ قل ما كان أمير المؤمنين عليّ عليه السلام يقوله في الاستغفار».

و گفته‌ای ـ ای بلندمرتبهٔ متعالی ـ که: ﴿پس پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی و از او آمرزش بخواه که او توبه‌پذیر است﴾ و من، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت، توبه می‌کنم.[۱]

د ـ از دعای ایشان بعد از نماز مغرب

۲۹۰۷ . **امام علی**ؑ: بار خدایا! آنچه از [اعمال] من، نیک بوده است، بپذیر و آنچه را تباه بوده است، اصلاح فرما. بار خدایا! مرا بر تباه کردن آنچه تو از من اصلاح کرده‌ای، توانایی مده و آنچه را من خود، تباهش کرده‌ام، تو برایم اصلاح فرما.

بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که بدن من، به لطف عافیت‌بخشی تو، بر آن توانا گشت و دستانم، به فضل نعمت تو، به آن رسید و در سایهٔ گشایش روزی تو، به آن دست یازیدم و با پرده‌پوشی تو، مردم از آن گناه من، آگاه نشدند و در [ارتکاب] آن، به گذشت بزرگوارانهٔ تو تکیه کردم.

بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که از آن، به پیشگاه تو توبه کردم و از انجام دادن آن، پشیمان گشتم و در حالی که آن را انجام می‌دادم، از تو شرم می‌کردم و با آن که آن را به جا می‌آوردم، از تو می‌ترسیدم، به آن باز گشتم و دوباره انجامش دادم.

بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که به آن، آگاهی داشتم یا نداشتم، به یادش داشتم یا فراموشش کرده بودم، به خطا انجام دادم یا به عمد، مرتکبش شدم. شک ندارم که جانم، اسیر و گروگان چنین گناهی است، اگر چه آن را فراموش کرده یا از آن، غافل شده بودم.

بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن گناهی که با آن به دست خودم، بر خویش ستم کردم و در آن، هوسم را برگزیدم، یا در آن، برای غیر خودم کوشیدم یا با آن، کسانی را که از من دنباله‌روی کردند، به گم‌راهی کشاندم یا با کسی که مرا از آن بازداشت، خیره‌سری کردم یا با نادانی خود، او را شکست دادم یا با حیله‌گری، دیگری را به آن وا داشتم یا گرایش و هوای نفسم، مرا به سوی آن، لغزاند.

بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آن چیزی که قصدم از آن، تو بودی؛

---

۱ . در المصباح للکفعمی (ص ۸۷) آمده است: مستحب است که در سحر هر شب، از خدای بزرگ آمرزش بخواهی و سپس آنچه را امیر مؤمنان علیؑ در استغفار می‌گفت، بگویی.

لَكَ[١]، وشارَكَني فيهِ ما لَم يَخلُص لَكَ، وأستَغفِرُكَ بِما عَقَدتُهُ عَلىٰ نَفسي، ثُمَّ خالَفَهُ هَوايَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأعتِقني مِنَ النّارِ، وجُد عَلَيَّ بِفَضلِكَ.

اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ بِوَجهِكَ الكَريمِ الباقِي الدّائِمِ الَّذي أشرَقَت بِنورِهِ السَّماواتُ وَالأَرضُ، وكُشِفَت بِهِ ظُلُماتُ البَرِّ وَالبَحرِ، ودُبِّرَت بِهِ أُمورُ الجِنِّ وَالإِنسِ، أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأن تُصلِحَ شَأني بِرَحمَتِكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[٢]

هـ ـ مِن دُعائِهِ إذا حَزَبَهُ أمرٌ

٢٩٠٨ . **الإمام عليّ**ﷺ ـ كانَ إذا حَزَبَهُ[٣] أمرٌ خَلا في بَيتٍ ويَقولُ ـ: يا كهيعص، يا نورُ يا قُدّوسُ، يا حَيُّ يا اللهُ يا رَحمٰنُ ـ ورَدَّدَها ثَلاثاً ـ اغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُحِلُّ النِّقَمَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تورِثُ النَّدَمَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَحبِسُ القِسَمَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَهتِكُ العِصَمَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُنزِلُ البَلاءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُعَجِّلُ الفَناءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُديلُ الأَعداءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَقطَعُ الرَّجاءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَرُدُّ الدُّعاءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُمسِكُ غَيثَ السَّماءِ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُظلِمُ الهَواءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَكشِفُ الغِطاءَ.[٤]

---

١. بيان: «فخالطني فيه ما ليس لك» أي نيّة لا ترضاها، أو لا ترجع إليك كما إذا كان الغرض الجنّة أو الخلاص من النار، فإنّهما يرجعان إليه تعالى أو بدعة لا توافق أمرك ورضاك، وكذا الفقرة التي تليها (بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٢).

٢. فلاح السائل: ص ٤١٩ ح ٢٨٩، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠١ ح ٧؛ كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٥٨ ح ٣٩٦٦ نقلاً عن كتاب الفرج بعد الشدّة للتنوخي نحوه.

٣. حَزَبَهُ أمر: أي إذا نزل به مُهِمّ أو أصابه غمٌّ (النهاية: ج ١ ص ٣٧٧ «حزب»).

٤. الفرج بعد الشدّة لابن أبي الدنيا: ص ٤٧ ح ٦٨ عن الحارث العكلي، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٥٦ ح ٤٩٩٩؛ المجتنى: ص ٦١ عن الإمام الحسن ﷺ نحوه.

امّا آنچه برای تو نیست، با آن آمیخته شد[۱] و آنچه خالص برای تو نبود، در آن [عمل] شریک من شد. و از تو آمرزش می‌خواهم برای هر آنچه بر عهده گرفتم، سپس هوای نفسم، مرا به خلاف آن، وا داشت.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و مرا از آتش، آزاد گردان و فضل خود را بر من، ارزانی دار.

بار خدایا! به روی [ذات] گرامی مانای پاینده‌ات که با نور آن، آسمان‌ها و زمین، روشن شد و تاریکی‌های خشکی و دریا، برطرف شد و کارهای جنّ و انس، اداره شد، از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی و کار مرا به سامان آوری، به حقّ رحمتت ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

هـ ـ از دعای ایشان در هنگام گرفتار سختی و اندوهی شدن

۲۹۰۸ . **امام علی**ؑ ـ هرگاه دشواری و گرفتاری‌ای برایش پیش می‌آمد، در اتاقی خلوت می‌کرد و می‌گفت ـ: ای کاف هاء یاء عین صاد، ای روشنایی، ای پاک، ای زنده، ای خدا، ای مهرگستر! (و این کلمات را سه بار می‌گفت) بر من، بیامرز گناهانی را که خشم و کیفرها[ی تو] را فرود می‌آورند. بر من بیامرز گناهانی را که نعمت‌ها را می‌برند. بر من بیامرز گناهانی را که پشیمانی بر جای می‌گذارند. بر من بیامرز گناهانی را که بهره‌ها[ی تو] را [از من] باز می‌دارند. بر من بیامرز گناهانی را که پرده‌ها را می‌دَرَند. بر من بیامرز گناهانی را که بلا، نازل می‌کنند. بر من بیامرز گناهانی را که مرگ و نابودی را شتاب می‌بخشند. بر من بیامرز گناهانی را که دشمنان را چیره می‌گردانند. بر من بیامرز گناهانی را که امید را قطع می‌کنند. بر من بیامرز گناهانی را که دعا را بر می‌گردانند. بر من بیامرز گناهانی را که باران، آسمان را بند می‌آورند. بر من بیامرز گناهانی را که هوا را تیره و تار می‌کنند. بر من بیامرز گناهانی را که پرده را کنار می‌زنند [و رسوایی به بار می‌آورند].

---

۱ . «آنچه برای تو نیست با آن، آمیخته شد»، یعنی نیّتی که تو آن را نمی‌پسندی یا به تو باز نمی‌گردد یا چنان که هرگاه غرض رسیدن به بهشت یا رهایی از آتش باشد؛ زیرا این دو، در نهایت، به خدا بر می‌گردند، یا به معنای بدعتی است که با فرمان و رضایت تو، سازگاری نداشته باشد. جمله بعد هم به همین معناست.

٣ / ٩
الاستغفارات المأثورة عن فاطمة الزهراء عليها السلام

٢٩٠٩ . **فاطمة عليها السلام** ـ في الدُّعاءِ عَقيبَ العَصرِ ـ : أنتَ الرَّبُّ الجَوادُ بِالمَغفِرَةِ، تَجِدُ مَن تُعَذِّبُ غَيري ولا أجِدُ مَن يَغفِرُ لي غَيرَكَ، وأنتَ غَنِيٌّ عَن عَذابي وأنَا فَقيرٌ إلىٰ رَحمَتِكَ.... اللّٰهُمَّ إنّي أستَهديكَ لِإِرشادِ أمري، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسي.

اللّٰهُمَّ عَمِلتُ سوءاً وظَلَمتُ نَفسي، فَاغفِر لي إنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ.... اللّٰهُمَّ إلىٰ رَحمَتِكَ رَفَعتُ بَصَري، وإلىٰ جودِكَ بَسَطتُ كَفّي، فَلا تَحرِمني وأنَا أسأَلُكَ، فَلا تُعَذِّبني وأنَا أستَغفِرُكَ، اللّٰهُمَّ فَاغفِر لي فَإِنَّكَ بي عالِمٌ، ولا تُعَذِّبني فَإِنَّكَ عَلَيَّ قادِرٌ، بِرَحمَتِكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[1]

٢٩١٠ . **عنها عليها السلام** ـ في دُعائِها عَقيبَ صَلاةِ المَغرِبِ ـ : رَبِّ أستَجيرُكَ مِنَ النّارِ فَأَجِرني، رَبِّ أعوذُ بِكَ مِنَ النّارِ فَأَعِذني، رَبِّ أفزَعُ إلَيكَ مِنَ النّارِ فَأَبعِدني، رَبِّ أسترَحِمُكَ مَكروباً فَارحَمني، رَبِّ أستَغفِرُكَ لِما جَهِلتُ فَاغفِر لي.[2]

٤ / ٩
الاستغفارات المأثورة عن الإمام زين العابدين عليه السلام

٢٩١١ . **الإمام زين العابدين عليه السلام** ـ في المُناجاةِ المَعروفَةِ بِمُناجاةِ الذّاكِرينَ ـ : إلٰهي... أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ لَذَّةٍ بِغَيرِ ذِكرِكَ، ومِن كُلِّ راحَةٍ بِغَيرِ اُنسِكَ، ومِن كُلِّ سُرورٍ بِغَيرِ قُربِكَ، ومِن كُلِّ شُغلٍ بِغَيرِ طاعَتِكَ.[3]

---

١ . فلاح السائل : ص ٣٥٨ ح ٢٤١، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٨٦ ح ١١.

٢ . فلاح السائل : ص ٤٢٢ ح ٢٩٠، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٠٤ ح ٨.

٣ . بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٥١ نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

۳/۹
آمرزش خواهی های فاطمهٔ زهرا علیها السلام

۲۹۰۹ . **فاطمه** علیها السلام ـ در دعای پس از نماز عصر ـ: تو پروردگاری هستی که آمرزش می‌بخشی، تو جز من، کسی را می‌یابی که عذاب کنی؛ لیکن من، غیر از تو کسی را نمی‌یابم که مرا بیامرزد. تو را به عذاب کردن من، نیازی نیست، در حالی که من به رحمت تو نیازمندم.... بار خدایا! از تو می‌خواهم که مرا در کارهایم ارشاد و راه‌نمایی کنی و از شرّ نفسم به تو پناه می‌برم.

بار خدایا! بد کردم و بر خویشتن، ستم ورزیدم. پس مرا بیامرز که گناهان را کسی جز تو نمی‌آمرزد.... بار خدایا! به رحمت تو، چشم دوخته‌ام و به سوی بخشش تو، دست گشوده‌ام. پس مرا که از تو گدایی می‌کنم، محروم مگردان، و مرا که از تو آمرزش می‌طلبم، عذاب مکن.

بار خدایا! مرا بیامرز که تو به حال من، دانایی و مرا عذاب مکن که تو بر من، توانایی، به حقّ مهرت، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

۲۹۱۰ . **فاطمه** علیها السلام ـ از دعای ایشان پس از نماز مغرب ـ: پروردگارا! در برابر آتش دوزخ، از تو حمایت می‌جویم. پس حمایتم فرما. پروردگارا! از آتش به تو پناه می‌برم. پس پناهم ده. پروردگارا! از آتش به سوی تو می‌گریزم. پس مرا [از آن]، دور نگه دار. پروردگارا! من، غم‌زدهٔ رنجور، از تو رحم می‌خواهم. پس، به من رحم کن. پروردگارا! برای نادانی‌هایی که از من سر زده است، از تو آمرزش می‌خواهم. پس مرا بیامرز.

۴/۹
آمرزش خواهی های امام زین العابدین علیه السلام

۲۹۱۱ . **امام زین العابدین** علیه السلام ـ در مناجات معروف به «مناجات ذاکران» ـ: معبود من!... از هر لذّتی که از غیر یاد تو باشد و از هر آرامشی که از غیر انس با تو باشد و از هر شادمانی‌ای که از غیر نزدیک شدن به تو باشد و از هر سرگرمی‌ای به غیر طاعت تو، از تو آمرزش می‌طلبم.

٢٩١٢ . عنه عليه السلام ـ في دُعائِهِ ـ: اللّهُمَّ إنَّ الاِستِغفارَ لَكَ مَعَ الإصرارِ عَلَى الذَّنبِ لُؤمٌ، وإنَّ تَركِيَ الاِستِغفارَ مَعَ عِلمي بِسَعَةِ رَحمَتِكَ عَجزٌ، فَكَم تَتَحَبَّبُ إلَيَّ وأنتَ الغَنِيُّ عَنّي، وكَم أتَبَغَّضُ إلَيكَ وأنَا الفَقيرُ إلَيكَ، فَيا مَن إذا تَوَعَّدَ عَفا، وإذا وَعَدَ وَفىٰ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَافعَل بي أولَى الأَمرَينِ بِكَ.[1]

٢٩١٣ . عنه عليه السلام: اللّهُمَّ إنَّ استِغفاري إيّاكَ وأنَا مُصِرٌّ عَلىٰ ما نَهَيتَ قِلَّةُ حَياءٍ، وتَركِيَ الاِستِغفارَ مَعَ عِلمي بِسَعَةِ حِلمِكَ[2] تَضييعٌ لِحَقِّ الرَّجاءِ. اللّهُمَّ إنَّ ذُنوبي تُؤيِسُني أن أرجُوَكَ، وإنَّ عِلمي بِسَعَةِ رَحمَتِكَ يُؤمِنُني أن أخشاكَ.

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وحَقِّق رَجائي لَكَ، وكَذِّب خَوفي مِنكَ، وكُن لي عِندَ أحسَنِ ظَنّي بِكَ، يا أكرَمَ الأَكرَمينَ، وأيِّدني بِالعِصمَةِ، وأنطِق لِساني بِالحِكمَةِ، وَاجعَلني مِمَّن يَندَمُ عَلىٰ ما ضَيَّعَهُ في أمسِهِ....[3]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٥ / ٩

الاِستِغفاراتُ المأثورَةُ عَنِ الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام

٢٩١٤ . الإمام الصادق عليه السلام: يا نورُ يا قُدّوسُ، يا أوَّلَ الأَوَّلينَ ويا آخِرَ الآخِرينَ، يا رَحمٰنُ يا رَحيمُ، اغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُحِلُّ النِّقَمَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَهتِكُ العِصَمَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُنزِلُ البَلاءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي

---

١ . نزهة الناظر: ص ٩٤ ح ٣٠، كشف الغمّة: ج ١ ص ٤٤، مصباح المتهجّد: ص ٥٦٦ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٢٥ ص ٢٣٨ ح ٢١.

٢ . في المصباح للكفعمي: «بسعة رحمتك».

٣ . البلد الأمين: ص ٤٦، المصباح للكفعمي: ص ٩١، مصباح الزائر: ص ٢٢٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٨٥ ح ٧٧.

۲۹۱۲ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعای ایشان ـ: بار خدایا! آمرزش خواستن از تو و ادامه دادن به گناه، از فرومایگی است و وا نهادن آمرزش‌خواهی توسّط من، با آن که می‌دانم رحمت تو گسترده است، کاهلی است؛ چه دوستی‌ها و ابراز محبّت‌ها که تو با من می‌کنی، در حالی که از من، بی نیازی! و چه دشمنی‌ها که من با تو می‌کنم، در حالی که من به تو نیازمندم! پس، ای کسی که هرگاه تهدید کند، در می‌گذرد و هرگاه وعده دهد، به جا می‌آورد، بر محمّد، درود فرست و آن کاری را که زیبندهٔ توست، با من بکن.

۲۹۱۳ . **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! آمرزش‌خواهی من از تو، در عین حال، ادامه دادنم به آنچه از آن نهی کرده‌ای، بی حیایی است و وا نهادن آمرزش‌خواهیِ من با آن که می‌دانم بردباری تو گسترده است، پایمان کردن حقّ امید است. بار خدایا! [از یک سو] گناهانم مرا از امیدوارشدن به تو، نومید می‌گرداند و [از سوی دیگر] علم من به گستردگی رحمتت، ترسیدن از تو را از دلم می‌برَد.

پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و مرا به خودت امیدوار گردان و ترس مرا از خودت، بیجا بدار و برایم چنان باش که بهترین گمانم به توست، ای کریم‌ترینِ کریمان! مرا در پناه صیانت خود، قرار ده و زبانم را به حکمت، گویا ساز و از آنان قرارم ده که از آنچه در دیروزشان تضییع کرده‌اند، پشیمان‌اند.

۵/۹
آمرزش خواهی‌های امام صادقﷺ

۲۹۱۴ . **امام صادق**ﷺ: ای روشنایی، ای پاک، ای نخستین نخستینیان، و ای واپسینِ واپسینیان، ای مهرگستر، ای مهربان! بر من بیامرز گناهانی را که نعمت‌ها را می‌برَند، بر من بیامرز گناهانی را که عذاب‌ها را فرود می‌آورند! بر من بیامرز گناهانی را که پرده‌ها را می‌دَرَند! بر من بیامرز گناهانی را که بلا نازل می‌کنند! بر

تُديلُ[١] الأَعداءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُعَجِّلُ الفَناءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَقطَعُ الرَّجاءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُظلِمُ الهَواءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَكشِفُ الغِطاءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَرُدُّ الدُّعاءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَرُدُّ غَيثَ السَّماءِ.[٢]

٢٩١٥ . عنه عليه السلام: اللّٰهُمَّ إنَّ مَغفِرَتَكَ أوسَعُ مِن ذُنوبي، ورَحمَتَكَ أرجىٰ عِندي مِن عَمَلي، فَاغفِر لي، يا حَيُّ ومَن لا تَموتُ.[٣]

٢٩١٦ . عنه عليه السلام ـ مِمّا كانَ يَقولُ في سُجودِهِ ـ: سَجَدَ وَجهِيَ البالي لِوَجهِكَ الباقِي الدّائِمِ العَظيمِ، سَجَدَ وَجهِيَ الذَّليلُ لِوَجهِكَ العَزيزِ، سَجَدَ وَجهِيَ الفَقيرُ لِوَجهِ رَبِّيَ الغَنِيِّ الكَريمِ العَلِيِّ العَظيمِ، رَبِّ أستَغفِرُكَ مِمّا كانَ، وأستَغفِرُكَ مِمّا يَكونُ.[٤]

٢٩١٧ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاةِ الفَجرِ ـ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِر لي مَغفِرَةً عَزماً جَزماً لا تُغادِرُ لي ذَنباً ولا خَطيئَةً ولا إثماً. اللّٰهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ ذَنبٍ تُبتُ إلَيكَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فيهِ، وأستَغفِرُكَ لِما أعطَيتُكَ مِن نَفسي ولَم أفِ لَكَ بِهِ، وأستَغفِرُكَ لِما أرَدتُ بِهِ وَجهَكَ فَخالَطَهُ ما لَيسَ لَكَ.

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَاغفِر لي يا رَبِّ ولِوالِدَيَّ وما وَلَدا وما وَلَدتُ وما تَوالَدوا مِنَ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ، الأَحياءِ مِنهُم وَالأَمواتِ، ولِإِخوانِنَا الَّذينَ سَبَقونا

---

١ . الإدالة: الغَلَبَةُ (النهاية: ج ٢ ص ١٤١ «دول»).

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٨٩ ح ٢٩ عن يعقوب بن شعيب، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٩٥ ح ٢٥٧ نحوه ومن دون إسنادٍ إلى الإمام الصادق عليه السلام.

٣ . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١٤١، مصباح المتهجّد: ص ١٧٣ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٢٩ ح ٥١.

٤ . الكافي: ج ٣ ص ٣٢٧ ح ٢١، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٩٩ ح ٢٥٩ عن إدريس بن عبد الله، مصباح المتهجّد: ص ٥٧٧ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٣٤ ح ٥٨.

من بیامرز گناهانی را که دشمنان را چیره و پیروز می‌گردانند! بر من بیامرز گناهانی را که مرگ [و نیستی] را شتاب می‌بخشند! بر من بیامرز گناهانی را که امید را قطع می‌کنند! بر من بیامرز گناهانی را که هوا را تیره و تار می‌کنند! بر من بیامرز گناهانی را که پرده را کنار می‌زنند! بر من بیامرز گناهانی را که دعا را [از درگاه تو] بر می‌گردانند! و بر من بیامرز گناهانی را که باران آسمان را بند می‌آورند!

۲۹۱۵ . امام صادقﷺ: بار خدایا! آمرزش تو، گسترده‌تر از گناهان من است و امید من به رحمت تو، بیشتر از امیدم به کردار خویش است. پس مرا بیامرز، ای زنده، ای کسی که هرگز نمی‌میرد!

۲۹۱۶ . امام صادقﷺ ـ از دعاهایی که در سجودش می‌گفت ـ: روی پوسنده [و نابود شوندهٔ] من، برای روی [ذات] جاویدان و پاینده و بزرگ تو به خاک افتاده است. روی خوار من، برای روی ارجمند تو به خاک افتاده است. روی نیازمند من، برای روی پروردگار بی‌نیاز و بزرگوار و والا و بزرگ من، به خاک افتاده است. پروردگارا! از آنچه (خطا و گناهی) که از من سر زده است و از آنچه از من سر خواهد زد، از تو آمرزش می‌خواهم.

۲۹۱۷ . امام صادقﷺ ـ از دعاهای ایشان بعد از نماز صبح ـ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و مرا بیامرز؛ آمرزشی قاطع و حتمی که هیچ گناه و خطا و جرمی را بر جای نگذارد (/نگذاری).

بار خدایا! برای هر گناهی که از آن توبه کرده‌ام و دگر باره انجامش داده‌ام، از تو آمرزش می‌خواهم. برای هر پیمانی که با تو بستم و بدان وفا نکردم، از تو آمرزش می‌خواهم و برای هر آن کاری که خواستم برای تو انجامش دهم، امّا آنچه برای تو نیست (نیّت غیر خدایی) با آن آمیخت، از تو آمرزش می‌خواهم.

پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و مرا ـ ای پروردگار من ـ و پدر و مادرم را و فرزندان آنها و فرزندان مرا، و مردان و زنان مؤمنی را که فرزندان آنها و من به دنیا آورده‌اند، از زنده و مُرده‌شان، بیامرز و [نیز بیامرز] برادران مؤمن پیشین ما را، و در دل‌های ما نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند، کینه‌ای

بِالإِيمانِ، ولا تَجعَل في قُلوبِنا غِلّاً لِلَّذينَ آمَنوا، رَبَّنا إِنَّكَ رَؤوفٌ رَحيمٌ.[١]

٢٩١٨ . عنه ﷺ ـ في دُعاءِ يَومِ عَرَفَةَ ـ:... صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَاغفِر لي ذُنوبِيَ الَّتي نَظَرَت إِلَيها عَيناياَ. اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَاغفِر لي ذُنوبِيَ الَّتي نَطَقَ بِها لِساني. اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَاغفِر لي ذُنوبِيَ الَّتِي اكتَسَبَتها يَدي، وَاغفِر لي ذُنوبِيَ الَّتي باشَرَها جِلدي، وَاغفِرِ اللّٰهُمَّ ذُنوبِيَ الَّتِي احتَطَبتُ بِها عَلىٰ بَدَني، وَاغفِرِ اللّٰهُمَّ ذُنوبِيَ الَّتي قَدَّمَتها يَداياَ، وَاغفِرِ اللّٰهُمَّ ذُنوبِيَ الَّتي أحصاها كِتابُكَ، وَاغفِرِ اللّٰهُمَّ ذُنوبِيَ الَّتي سَتَرتُها مِنَ المَخلوقينَ ولَم أستُرها مِنكَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِر لي ذُنوبي أوَّلَها وآخِرَها، صَغيرَها وكَبيرَها، دَقيقَها وجَليلَها، ما أعرِفُ مِنها وما لا أعرِفُ.

مَولايَ عَظُمَت ذُنوبي وجَلَّت، وهِيَ صَغيرَةٌ في جَنبِ عَفوِكَ، فَاعفُ عَنّي فَقَد قَيَّدَتني، وَاشتَهَرَت عُيوبي، وغَرَّقتني خَطاياياَ، وأسلَمَتني نَفسي إِلَيكَ، بَعدَما لَم أجِد مَلجَأً ولا مَنجا مِنكَ إِلّا إِلَيكَ. مَولايَ استَوجَبتُ أن أكونَ لِعُقوبَتِكَ غَرَضاً، ولِنَقِمَتِكَ مُستَحِقّاً. إِلٰهي قَد غُيِّرَ عَقلي فيما وَجِلتُ مِن مُباشَرَةِ عِصيانِكَ، وبَقيتُ حَيراناً مُتَعَلِّقاً بِعَمودِ عَفوِكَ، فَأَقِلني يا مَولايَ وإِلٰهي بِالاِعتِرافِ، فَها أنَا ذا بَينَ يَدَيكَ عَبدٌ ذَليلٌ خاضِعٌ صاغِرٌ داخِرٌ[٢] راغِمٌ، إن تَرحَمني فَقَديماً شَمِلَني عَفوُكَ، وأَلبَستَني عافِيَتَكَ، وإن تُعَذِّبني فَإِنّي لِذٰلِكَ أهلٌ، وهُوَ مِنكَ يا رَبِّ عَدلٌ....

اللّٰهُمَّ إِنّي أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ ذَنبٍ قَوِيَ عَلَيهِ بَدَني بِعافِيَتِكَ، أو نالَتهُ قُدرَتي بِفَضلِ

---

١ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٠ ح ٢١٧٢، مصباح المتهجّد: ص ٢١٩، البلد الأمين: ص ٥٤ كلّها عن معاوية بن عمّار وفي الأخيرين من دون إسنادٍ إلى الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٦٤ ح ٤٣.

٢ . الداخِرُ: الذليل المُهان (النهاية: ج ٢ ص ١٠٧ «دخر»).

مگذار، ای پروردگار ما! به راستی که تو رئوف و مهربانی.

۲۹۱۸ . **امام صادق** ﷺ ـ در دعای روز عرفه ـ: ... بر محمّد و خاندان او درود فرست و آن گناهان مرا که با چشمانم مرتکب آنها شده‌ام، بیامرز. بر محمّد و خاندان او درود فرست و آن گناهان را که زبانم مرتکب آنها شده است، بیامرز! بر محمّد و خاندان او درود فرست و آن گناهان مرا که با دستانم مرتکب آنها شده‌ام، بیامرز، و گناهانی را که پوستم آنها را لمس کرده است، بر من بیامرز!

بار خدایا! آن گناهان مرا که آنها را [هیمه‌وار] بر پشت خود بار کرده‌ام، بیامرز.

بار خدایا! آن گناهان مرا که دستانم پیش فرستاده‌اند، بر من بیامرز.

بار خدایا! آن گناهان مرا که نوشتهٔ تو، آنها را آمار کرده است، بر من بیامرز.

بار خدایا! آن گناهان مرا که تو از مردمان پوشاندی و من آنها را از تو نپوشاندم، بر من بیامرز.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و گناهان مرا، از اوّل تا به آخر، و کوچک و بزرگ، و ریز و درشت، چه آنهایی را که می‌دانم و چه آنهایی را که نمی‌دانم، بر من بیامرز.

سَروَر من! گناهان من، بزرگ و ستبر گشاند؛ لیکن در کنار گذشت و بخشایش تو خُردند. پس مرا ببخش که گناهان، مرا در بند کشیده‌اند و عیب‌هایم، برملا گشته‌اند و خطاهایم، مرا غرق در خود ساخته‌اند و نفسم، مرا تسلیم تو کرده است، پس از آن که پناهی و نجاتی از [خشم و عذاب] تو، جز به خود تو نیافتم.

سَروَر من! من، مستوجب آنم که هدف کیفر تو و مستحقّ خشم تو باشم. معبود من! ترس از پرداختن به نافرمانی تو، خِرد مرا دگرگون ساخته است و سرگشته، به ستون عفو تو چنگ زده‌ام. پس ـ ای سَروَر و ای معبود من ـ با این اعترافم، از من درگذر. اینک من، در پیشگاه تو، بنده‌ای خوار و خاکسار و زبون و ناچیز و بی اختیارم. اگر بر من رحم آوری [تازگی ندارد؛ زیرا] از دیرباز، عفو تو شامل حال من بوده است و جامهٔ عافیتت را بر من پوشانده‌ای، و اگر عذابم کنی، من، سزاوار آنم و این عذاب ـ ای پروردگار من ـ از جانب تو، عین عدالت است....

بارخدایا! از تو آمرزش می‌خواهم از هر گناهی که بدنم، به لطف عافیت‌بخشی تو، بر آن توانا شد، یا توانم، به برکت نعمت تو، به آن رسید، یا

نِعمَتِكَ، أو بَسَطتُ إلَيهِ يَدي بِسابِغِ رِزقِكَ، أوِ اتَّكَلتُ عِندَ خَوفي مِنهُ عَلىٰ أناتِكَ، أو وَثِقتُ فيهِ بِحَولِكَ، أو عَوَّلتُ فيهِ عَلىٰ كَريمِ عَفوِكَ. اللّٰهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ ذَنبٍ خُنتُ فيهِ أمانَتي، أو نَحَّستُ بِفِعلِهِ نَفسي، أوِ احتَطَبتُ بِهِ عَلىٰ بَدَني، أو قَدَّمتُ فيهِ لَذَّتي، أو آثَرتُ فيهِ شَهَواتي، أو سَعَيتُ فيهِ لِغَيري، أوِ استَغوَيتُ فيهِ مَن تَبِعَني، أو غَلَبتُ عَلَيهِ بِفَضلِ حيلَتي، أوِ احتَلتُ عَلَيكَ فيهِ مَولايَ، فَلَم تَغلِبني عَلىٰ فِعلي، إذ كُنتَ كارِهاً لِمَعصِيَتي، لٰكِن سَبَقَ عِلمُكَ في فِعلي، فَحَلُمتَ عَنّي، لَم تُدخِلني يا رَبِّ فيهِ جَبراً، ولَم تَحمِلني عَلَيهِ قَهراً، ولَم تَظلِمني فيهِ شَيئاً.

أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن غَمَرَتهُ مَساغِبُ الإساءَةِ، فَأَيقَنَ مِن إلٰهِهِ بِالمُجازاةِ. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن تَهَوَّرَ تَهَوُّراً فِي الغَياهِبِ[١]، وتَداحَضَ[٢] لِلشِّقوَةِ فِي أوداءِ[٣] المَذاهِبِ. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن أورَطَهُ الإفراطُ في مَآثِمِهِ، وأوثَقَهُ الارتِباكُ في لُجَجِ جَرائِمِهِ. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن أنافَ[٤] عَلَى المَهالِكِ بِمَا اجتَرَمَ. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن أوحَدَتهُ المَنِيَّةُ في حُفرَتِهِ، فَأَوحَشَ بِمَا اقتَرَفَ مِن ذَنبٍ استَكفَفَ، فَاستَرحَمَ هُنالِكَ رَبَّهُ وَاستَعطَفَ. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن لَم يَتَزَوَّد لِبُعدِ سَفَرِهِ زاداً، ولَم يُعِدَّ لِمَظاعِنِ تَرحالِهِ إعداداً. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن شَسَعَت[٥] شُقَّتُهُ، وقَلَّت عُدَّتُهُ، فَغَشِيَتهُ هُنالِكَ كُربَتُهُ.

---

١. الغَيهَبُ: الظلام (النهاية: ج ٣ ص ٣٩٨ «غهب»).

٢. الدَّحض: الزَّلَقُ (لسان العرب: ج ٧ ص ١٤٨ «دحض»).

٣. الوَدَأ: الهلاك (لسان العرب: ج ١ ص ١٩٢ «ودأ»).

٤. أناف على الشيء: أشرف (لسان العرب: ج ٩ ص ٣٤٢ «نوف»).

٥. شاسعُ الدار: أي بعيدها (النهاية: ج ٢ ص ٤٧٢ «شسع»).

دستانم، در سایهٔ روزی سرشار تو، به آن دراز شد، یا آن گاه که از آن ترسیدم به بردباری تو تکیه کردم [و مرتکب آن گناه شدم]، یا به نیروی تو (دگرگون سازی تو) اعتماد کردم، یا به عفو کریمانهٔ تو تکیه نمودم.

بار خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم از هر گناهی که در آن به امانت خود، خیانت کردم، یا با انجام دادن آن، بر خویشتن ستم نمودم یا آن را بر پشت خود جمع کردم، یا در آن، لذّت خود را مقدّم داشتم، یا هوس خویش را ترجیح دادم، یا در آن برای غیر خود کوشیدم، یا با آن، کسی را که پیرو من بود، به گم راهی کشاندم، یا با چاره گری‌ام، بر آن چیره آمدم، یا در آن، با تو از درِ حیله گری درآمدم ـ ای آقای من ـ در حالی که تو، مرا بر کردارم مجبور نساختی؛ زیرا نافرمانیِ مرا ناخوش می‌داشتی، امّا پیش‌تر، تو از کردهٔ من آگاه بودی و با این حال، در بارهٔ من، بردباری ورزیدی، و مرا ـ ای پروردگار من ـ به اجبار، در آن [گناه] درنیاوردی، و به زور، بر آن وادارم نکردی، و از این بابت، کمترین ستمی در حقّ من روا نداشتی [بلکه با اختیار خودم به خویشتن ستم کردم].

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که حرص و وَلَع به بدی کردن، او را فراگرفته و یقین یافته که معبودش، او را مجازات خواهد کرد.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که در تاریکی‌ها فرو رفته و در بیراهه‌های هلاکتبار، فرو لغزیده است.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که زیاده‌روی در گناهانش، او را در ورطهٔ نابودی افکنده و فرو رفتن در اعماق جرم‌هایش، او را در بند کشیده است.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که به سبب بزهکاری‌هایش در آستانه هلاکتگاه‌ها قرار گرفته است.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که مرگ، او را در گورش به دستِ تنهایی سپرده و بر اثر گناهانی که مرتکب شده است، وحشتزده است و در آن هنگام، از پروردگارش طلب رحم و عطوفت می‌کند.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که برای سفر دور و دراز خود، توشه‌ای برنداشته و برای مسیرهای سفرش، ساز و برگی فراهم نیاورده است.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که راهش دور، و ساز و برگش، اندک است و غم و اندوه، او را فراگرفته است.

أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن خالَطَ كَسبَهُ التَّدالُسَ[١]، وقَرَنَ بِأعمالِهِ التَّباخُسَ.[٢] أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن لا يَعلَمُ عَلىٰ أيِّ مَنزِلَتِهِ هاجِمٌ، أفِي النّارِ يُصلىٰ، أم فِي الجَنَّةِ ناعِمٌ يَحيا. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن غَرِقَ في لُجَجِ المَآثِمِ، وتَقَلَّبَ في أظاليلِ مَقتِ المَحارِمِ. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن عَنَدَ عَن لَوائِحِ حَقِّ المَنهَجِ، وسَلَكَ سَوادِفَ[٣] سُبُلِ المُرتَتَجِ. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن لَم يُهمِل شُكري، ولَم يَضرِب عَنهُ صَفحاً. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن لَم يُنجِهِ المَفَرُّ مِن مُعاناةِ ضَنكِ المُنقَلَبِ، ولَم يُجِرهُ المَهرَبُ مِن أهاويلِ عِبءِ المَكسَبِ.

أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن تَمَرَّدَ في طُغيانِهِ عُدُوّاً، وبارَزَهُ بِالخَطيئَةِ عُتُوّاً. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن أحصىٰ عَلَيهِ كُرورَ لَواقِطِ ألسِنَتِهِ، وزِنَةَ مَخانِقِ[٤] الجَنَّةِ. أستَغفِرُ اللهَ استِغفارَ مَن لا يَرجو سِواهُ. أستَغفِرُ اللهَ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ الحَيُّ القَيّومُ مِمّا أحصاهُ العُقولُ، وَالقَلبُ الجَهولُ، وَاقتَرَفَتهُ الجَوارِحُ الخاطِئَةُ، وَاكتَسَبَتهُ اليَدُ الباغِيَةُ. أستَغفِرُ اللهَ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ بِمِقدارِ ومِقياسِ ومِكيالِ ومَبلَغِ ما أحصىٰ وعَدَدِ ما خَلَقَ وما فَلَقَ، وذَرَأَ وبَرَأَ وأنشَأَ وصَوَّرَ ودَوَّنَ.

وأستَغفِرُ اللهَ أضعافَ ذٰلِكَ، وأضعافاً مُضاعَفَةً، وأمثالاً مُمَثَّلَةً، حَتّىٰ أبلُغَ رِضَا اللهِ وأفوزَ بِعَفوِهِ. وَالحَمدُ لِلّهِ الَّذي هَدانِي لِدينِهِ الَّذي لا يَقبَلُ عَمَلاً إلّا بِهِ، ولا يَغفِرُ ذَنباً إلّا لِأَهلِهِ. وَالحَمدُ لِلّهِ الَّذي جَعَلَني مُسلِماً لَهُ ولِرَسولِهِ ﷺ فيما أمَرَ بِهِ

---

١. التدليس: إخفاء العيب (النهاية: ج ٢ ص ١٣٠ «دلس»).

٢. البَخس: النقص والظلم. وتباخَسوا: تَغابَنوا (القاموس المحيط: ج ٢ ص ١٩٩ «بخس»).

٣. السَّدفةُ: الظلمة (النهاية: ج ٢ ص ٣٥٥ «سدف»).

٤. المَخْنَقَة: القِلادة، يقال: في جيدها مخنقة (تاج العروس: ج ١٣ ص ١٢٩ «خنق»).

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که فریبکاری و تقلّب را در کسب و کارش آمیخته و زیانکاری را با اعمالش، همراه ساخته است.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که نمی‌داند در کدام منزلگاهش وارد می‌شود: آیا در آتش، فرو می‌افتد یا در بهشت، آسوده زندگی خواهد کرد؟

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که در گرداب‌های گناهان، فرو رفته و در میان امواج نفرت‌انگیز حرام‌ها، دست و پا می‌زند.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که از جادهٔ روشن حق، بیرون رفته و راه‌های تنگ و تاریک را پیموده است.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که سپاس گزاری از مرا، فرو نگذاشت و از آن، روی برنتافت.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که گریختن، او را از رنج سختی [و تنگی] بازگشتگاه، نجات نداد و فرار کردن، او را از بارهای وحشتناک دستاوردها [ی اعمالش] پناه نداد.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که دشمنانه، در برابر او عَلَم شورش افراشت و سرکشانه، با گناه به مبارزهٔ با او برخاست.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که [خدا] سخنانی را که پیاپی از زبان‌های او بیرون آمده، شماره کرده و وزن گلوبندهای بهشت را در حساب دارد.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چونان آمرزش‌خواهیِ کسی که به غیر او امید ندارد؛ از خدایی که جز او زندهٔ جاویدان نیست، آمرزش می‌خواهم از آنچه خِردها و دل نادان، آن را ضبط کرده‌اند و اندام‌های خطاکار، مرتکبشان شده‌اند و دست تجاوزگر، کسب کرده است.

از خدایی که معبودی جز او نیست، آمرزش می‌خواهم، به اندازه و میزان و پیمانه و قدرِ آنچه شمارش کرده است، و به شمارِ آنچه آفریده و شکافته و پدید آورده و ایجاد کرده و صورت بخشیده و تدوین کرده است.

از خدا آمرزش می‌خواهم، چند برابر اینها، و چندین و چند برابر اینها، و هزاران بار بیشتر از اینها، تا آن که به رضایت خدا دست یابم و عفو او را به دست آورم. ستایش، خدایی را که مرا به دین خود، راه نمایی کرد، همان دینی که هیچ عملی را جز با آن نمی‌پذیرد، و هیچ گناهی را جز از کسی که پیرو آن است، نمی‌آمرزد.

ونَهىٰ عَنهُ.[١]

٦ / ٩

الإستغفارات المأثورة عن الإمام الكاظم عليه السلام

٢٩١٩ . **الإمام الكاظم عليه السلام** ـ مِن دُعائِهِ في عَمَلِ أوَّلِ لَيلَةٍ مِن رَجَبٍ وهُوَ ساجِدٌ بَعدَ فَراغِهِ مِن صَلاةِ اللَّيلِ ـ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الأَئِمَّةِ يَنابيعِ الحِكمَةِ، وأُولِي النِّعمَةِ، ومَعادِنِ العِصمَةِ، وَاعصِمني بِهِم مِن كُلِّ سوءٍ، ولا تَأخُذني عَلىٰ غِرَّةٍ ولا غَفلَةٍ، ولا تَجعَل عَواقِبَ أعمالي حَسرَةً، وَارضَ عَنّي فَإِنَّ مَغفِرَتَكَ لِلظّالِمينَ وأنَا مِنَ الظّالِمينَ، اللّٰهُمَّ اغفِر لي ما لا يَضُرُّكَ، وأعطِني ما لا يَنقُصُكَ، فَإِنَّكَ الوَسيعُ رَحمَتُهُ، البَديعُ حِكمَتُهُ.[٢]

٢٩٢٠ . **عنه عليه السلام**: اللّٰهُمَّ اغفِر لي كُلَّ ذَنبٍ يَحبِسُ رِزقي، ويَحجُبُ مَسأَلَتي، أو يَقصُرُ بي عَن بُلوغِ مَسأَلَتي، أو يَصُدُّ بِوَجهِكَ الكَريمِ عَنّي.

اللّٰهُمَّ اغفِر لي وَارزُقني وَارحَمني وَاجبُرني وعافِني وَاعفُ عَنّي، وَارفَعني وَاهدِني وَانصُرني، وألقِ في قَلبِي الصَّبرَ وَالنَّصرَ، يا مالِكَ المُلكِ، فَإِنَّهُ لا يَملِكُ ذٰلِكَ غَيرُكَ....[٣]

---

١ . الإقبال: ج ٢ ص ١٤١، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٥٦.

٢ . مصباح المتهجّد: ص ٧٩٩ ح ٨٥٩، الإقبال: ج ٣ ص ١٨٧ كلاهما عن عليّ بن حديد، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٨١ ح ٢.

٣ . مصباح المتهجّد: ص ٥٠٢ ح ٥٨٣، البلد الأمين: ص ٨٨، المصباح للكفعمي: ص ١٣٩، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٣٥ ح ٣.

ستایش، خدایی را که مرا تسلیم اوامر و نواهی خودش و پیامبرش قرار داد.

۶/۹
آمرزش خواهی های امام کاظم علیه‌السلام

۲۹۱۹ . امام کاظم علیه‌السلام ـ از دعای ایشان در اعمال نخستین شب ماه رجب و در سجدهٔ پس از اقامهٔ نماز شب ـ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او، [یعنی] امامان، چشمه‌های حکمت و صاحبان نعمت و معدن‌های عصمت، درود فرست و به حقّ خاندان آنان، مرا از هر بدی و گزندی نگه‌دار، و بی خبر و غافلگیر، بر من متاز، و عاقبت کارهایم را مایهٔ دریغ و افسوس من، قرار مده و از من خشنود باش، که آمرزش تو برای ستمکاران [بر خویش] است و من هم از ستمکارانم.

بار خدایا! مرا بیامرز، که آمرزیدن من، به تو زیانی نمی‌رساند، و به من عطا کن، که عطا کردن، از تو چیزی نمی‌کاهد؛ زیرا تو کسی هستی که رحمتش بی انتهاست و حکمتش نو [و بی مانند] است.

۲۹۲۰ . امام کاظم علیه‌السلام: بار خدایا! بر من بیامرز هر گناهی را که روزی مرا باز می‌دارد، و مانعِ [اجابت] درخواست من می‌شود، یا مرا از رسیدن به درخواستم باز می‌دارد، یا روی بزرگوار تو را از من، بر می‌گرداند.

بار خدایا! مرا بیامرز و به من روزی ده. بر من رحم آور و احوال مرا اصلاح گردان و به من، عافیت بخش و از من، درگذر و مرا رفعت بخش و هدایتم کن و یاری‌ام ده و شکیبایی و پیروزی را در دلم بیفکن، ای مالک مُلک هستی که این همه، در اختیار کسی جز تو نیست!...

٧ / ٩
اِستِغفارُ الخِضرِ عليه السلام

٢٩٢١ . **كنز العمّال عن ابن عمر:** كانَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله كَثيراً ما يَقولُ لَنا: مَعاشِرَ أصحابي، ما يَمنَعُكُم أن تُكَفِّروا ذُنوبَكُم بِكَلِماتٍ يَسيرَةٍ؟ قالوا: يا رَسولَ اللهِ، وما هِيَ؟ قالَ: تَقولونَ مَقالَةَ أخِي الخِضرِ. قُلنا: يا رَسولَ اللهِ: ما كانَ يَقولُ؟ قالَ: كانَ يَقولُ:

اللّٰهُمَّ إنّي أستَغفِرُكَ لِما تُبتُ إلَيكَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فيهِ، وأستَغفِرُكَ لِما أعطَيتُكَ مِن نَفسي ثُمَّ لَم أُوفِ لَكَ بِهِ، وأستَغفِرُكَ لِلنِّعَمِ الَّتي أنعَمتَ بِها عَلَيَّ فَتَقَوَّيتُ بِها عَلىٰ مَعاصيكَ، وأستَغفِرُكَ لِكُلِّ خَيرٍ أرَدتُ بِهِ وَجهَكَ فَخالَطَني فيهِ ما لَيسَ لَكَ، اللّٰهُمَّ لا تُخزِني فَإنَّكَ بي عالِمٌ، ولا تُعَذِّبني فَإنَّكَ عَلَيَّ قادِرٌ.[1]

٨ / ٩
سَيِّدُ الاستِغفارِ

٢٩٢٢ . **صحيح البخاري عن شدّاد بن أوس عن النبيّ صلى الله عليه وآله:** سَيِّدُ الاِستِغفارِ أن تَقولَ: اللّٰهُمَّ أنتَ رَبّي لا إلٰهَ إلّا أنتَ، خَلَقتَني وأنَا عَبدُكَ وأنَا عَلىٰ عَهدِكَ ووَعدِكَ مَا استَطَعتُ، أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما صَنَعتُ، أبوءُ لَكَ بِنِعمَتِكَ عَلَيَّ، وأبوءُ لَكَ بِذَنبي، فَاغفِر لي فَإنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ.

قالَ: ومَن قالَها مِنَ النَّهارِ موقِناً بِها فَماتَ مِن يَومِهِ قَبلَ أن يُمسِيَ فَهُوَ مِن أهلِ الجَنَّةِ، ومَن قالَها مِنَ اللَّيلِ وهُوَ موقِنٌ بِها فَماتَ قَبلَ أن يُصبِحَ فَهُوَ مِن أهلِ الجَنَّةِ.[2]

---

١ . كنز العمّال: ج ٢ ص ٧٠٠ ح ٥١٢٦ نقلاً عن الديلمي.

٢ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٢٤ ح ٥٩٤٧، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٦٧ ح ٣٣٩٣، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٧٩، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٧٥ ح ١٧١١٠، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٢١٣ ح ٩٣٣ كلّها نحوه، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٧٨ ح ٢٠٨٧.

۷/۹
آمرزش‌خواهی خضر علیه‌السلام

۲۹۲۱ . **کنز العمّال** ـ به نقل از ابن عمر ـ : پیامبر خدا، بارها به ما می‌فرمود: «ای یاران من! چرا گناهانتان را با کلماتی اندک، از بین نمی‌برید؟»

می‌گفتند: آن کلمات چیست، ای پیامبر خدا؟

می‌فرمود: «گفتهٔ برادرم خضر علیه‌السلام را بگویید».

می‌گفتیم: او چه می‌گفت، ای پیامبر خدا؟

می‌فرمود: «می‌گفت: "بار خدایا! برای هر آن بدی [و گناهی] که از آن توبه کردم، سپس بدان بازگشتم، از تو آمرزش می‌خواهم. برای هر وعده‌ای که به تو دادم و به آن عمل نکردم، از تو آمرزش می‌خواهم. برای نعمت‌هایی که به من ارزانی داشتی و من از آنها در نافرمانی تو کمک گرفتم، از تو آمرزش می‌خواهم. برای هر کار نیکی که قصدم از آن تو بودی، سپس به آنچه برای تو نبود، آمیخته شد، از تو آمرزش می‌خواهم.

بار خدایا! مرا خوار و سر شکسته مکن؛ زیرا تو به [منویّات و اعمال] من دانایی، و مرا عذاب مکن؛ زیرا تو بر من، توانایی".

۸/۹
سرور آمرزش‌خواهی‌ها

۲۹۲۲ . **صحیح البخاری** ـ به نقل از شداد بن اوس ـ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «سَرور آمرزش‌خواهی، این است که بگویی: "بار خدایا! تو پروردگار منی. معبودی جز تو نیست. تو مرا آفریده‌ای و من، تا بتوانم بر پیمان و وعده‌ام با تو وفادار می‌مانم. از شرّ آنچه به جا آورده‌ام، به تو پناه می‌برم. به لطف نعمت‌های تو بر من، به پیشگاهت اعتراف می‌کنم و به گناهانم معترفم. پس مرا بیامرز، که گناهان را جز تو کسی نمی‌آمرزد".

[سپس] فرمود: «هر کس در هنگام روز، این جملات را با یقین به آنها بگوید و آن روز، پیش از آن که شب فرا رسد، بمیرد، اهل بهشت است و هر کس در هنگام شب و با یقین به این جملات، آنها را بگوید و آن شب، پیش از آن که صبح شود، از دنیا برود اهل بهشت است».

٢٩٢٣ . رسول الله ﷺ: أكثِر مِن قَولِ: «سُبحانَ اللهِ، وَالحَمدُ للهِ، ولا إلٰهَ إلّا اللهُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»، فَإنَّها سَيِّدُ الاِستِغفارِ، وإنَّها مَمحاةٌ لِلخَطايا ـ أحسَبُهُ قالَ: ـ مـوجِبَةٌ لِلجَنَّةِ.[١]

٩ / ٩
النَّوادِرُ

٢٩٢٤ . رسول الله ﷺ ـ في دُعاءِ اللَّيلَةِ العِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ـ: أستَغفِرُ اللهَ مِمّا مَضىٰ مِن ذُنوبي فَأُنسيتُها وهِيَ مُثبَتَةٌ عَلَيَّ يُحصيها عَلَيَّ الكِرامُ الكاتِبونَ يَعلَمونَ مـا أفـعَلُ، وأستَغفِرُ اللهَ مِن موبِقاتِ الذُّنوبِ، وأستَغفِرُهُ مِن مُفظِعاتِ[٢] الذُّنوبِ، وأستَغفِرُهُ مِمّا فَرَضَ عَلَيَّ فَتوانَيتُ، وأستَغفِرُهُ مِن نِسيانِ الشَّيءِ الَّذي باعَدَني مِن رَبّي.

وأستَغفِرُهُ مِنَ الزَّلّاتِ[٣] وَالضَّلالاتِ ومِمّا كَسَبَت يَدايَ، وأُؤمِنُ بِهِ وأتَوَكَّلُ عَلَيهِ كَثيراً، وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأن تَعفُوَ عَنّي وتَغفِرَ لي ما سَلَفَ مِن ذُنوبي، وَاستَجِب يا سَيِّدي دُعائي، فَإنَّكَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.[٤]

٢٩٢٥ . صحيح البخاري عن أبي بكر: أنَّهُ قالَ لِرَسولِ اللهِ ﷺ: عَلِّمني دُعاءً أدعو بِهِ في صَلاتي. قالَ [ﷺ]: قُل:

اللّٰهُمَّ إنّي ظَلَمتُ نَفسي ظُلماً كَثيراً ولا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ، فَاغفِر لي مَـغفِرَةً

---

١ . مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ١٠٠ ح ١٦٨٤٢ نقلاً عن البزّار عن أبي المنذر الجهني.

٢ . فُظِعَ الأمر فهو فَظيع: أي شديد شنيع جاوز المقدار (الصحاح: ج ٣ ص ١٢٥٩ «فظع»).

٣ . الزَّلَلُ: الخطأ والذنب (النهاية: ج ٢ ص ٣١٠ «زلل»).

٤ . الإقبال: ج ١ ص ٣٥٣، البلد الأمين: ص ١٩٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٥١ و ص ٧٨ ح ٢.

۲۹۲۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: این گفتار را بسیار بگو که: «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلّا الله و لا حول و لا قوّة إلّا بالله؛ پاکا خدا، و ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا"؛ زیرا این گفتار، سَرور آمرزش‌خواهی و از بین بَرَندهٔ گناهان است».

و گمانم فرمود: «و بهشت را [بر شخص،] واجب می‌گردانَد».

۹ / ۹
گوناگون

۲۹۲۴ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در دعای شب بیستم ماه رمضان ـ: برای گناهان گذشته‌ام که از یادشان برده‌ام، ولی برایم ثبت شده‌اند و آن نویسندگان گرامی، هر چه انجام دهم، می‌دانند و آنها را به حساب من نوشته‌اند، از خدا آمرزش می‌خواهم. برای گناهان نابود کننده، از خدا آمرزش می‌خواهم. برای گناهان بس نفرت‌انگیز و زشت، از او آمرزش می‌خواهم. برای آنچه بر من واجب ساخت و در به جا آوردن آن، سستی کردم، از او آمرزش می‌خواهم. برای فراموش کردن چیزهایی که مرا از پروردگارم دور کرده‌اند، از او آمرزش می‌خواهم.

از لغزش‌ها و گم‌راهی‌ها و گناهانی که انجام داده‌ام، از او آمرزش می‌خواهم، و به او ایمان دارم و بسیار بر او توکّل می‌کنم و از او آمرزش می‌خواهم، آمرزش می‌خواهم، آمرزش می‌خواهم، آمرزش می‌خواهم، آمرزش می‌خواهم، آمرزش می‌خواهم، آمرزش می‌خواهم، آمرزش می‌خواهم. بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و مرا ببخش، و گناهان گذشته‌ام را بیامرز، و دعایم را ـ ای سَرور من ـ مستجاب فرما، که تو بی‌گمان، توبه‌پذیر و مهربانی.

۲۹۲۵ . **صحیح البخاری** ـ در بارهٔ ابو بکر ـ: او (ابوبکر) به پیامبر خدا گفت: مرا دعایی بیاموز تا با آن در نمازم دعا کنم.

فرمود: «بگو: "بار خدایا! من به خود بسی ستم کردم، و تنها تویی که آمرزندهٔ گناهانی. پس با آمرزشی از نزد خود، مرا بیامرز و به من رحم کن،

مِن عِندِكَ، وَارحَمني إنَّكَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ.[١]

٢٩٢٦ . رسول الله ﷺ: اللّهُمَّ اغفِر لي ذَنبي وخَطَئي وعَمدي.[٢]

٢٩٢٧ . عنه ﷺ: مَن قالَ بَعدَ صَلاةِ العَصرِ في كُلِّ يَومٍ مَرَّةً واحِدَةً: «أستَغفِرُ اللهَ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ الحَيُّ القَيّومُ، الرَّحمٰنُ الرَّحيمُ، ذُو الجَلالِ وَالإكرامِ، وأسأَلُهُ أن يَتوبَ عَلَيَّ تَوبَةَ عَبدٍ ذَليلٍ خاضِعٍ فَقيرٍ، بائِسٍ مِسكينٍ مُستَكينٍ مُستَجيرٍ، لا يَملِكُ لِنَفسِهِ نَفعاً ولا ضَرّاً ولا مَوتاً ولا حَياةً ولا نُشوراً» أمَرَ اللهُ تَعالَى المَلَكَينِ بِتَخريقِ صَحيفَتِهِ كائِنَةً ما كانَت.[٣]

٢٩٢٨ . الإمام عليّ ﷺ: مِن أحَبِّ الكَلامِ إلَى اللهِ ﷻ أن يَقولَ العَبدُ وهُوَ ساجِدٌ: رَبِّ ظَلَمتُ نَفسي فَاغفِر لي.[٤]

٢٩٢٩ . عنه ﷺ: مِن كَلِماتٍ أحَبُّ إلَى اللهِ أن يَقولَهُنَّ العَبدُ[٥]: اللّهُمَّ لا إلٰهَ إلّا أنتَ، اللّهُمَّ لا أعبُدُ إلّا إيّاكَ، اللّهُمَّ لا أُشرِكُ بِكَ شَيئاً، اللّهُمَّ إنّي قَد ظَلَمتُ نَفسي فَاغفِر لي ذُنوبي،

---

١ . صحيح البخاري: ج ١ ص ٢٨٧ ح ٧٩٩، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٨ ح ٤٨، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٤٣ ح ٣٥٣١، سنن النسائي: ج ٣ ص ٥٣، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦١ ح ٣٨٣٥، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٩٩ ح ٣٧٣٩.

٢ . مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٤٨٩ ح ١٦٢٦٩، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ١٨٣ ح ٩٠١، المعجم الكبير: ج ٩ ص ٥٣ ح ٨٣٦٩، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٦٢ ح ٥، الدعاء للطبراني: ص ٤١٢ ح ١٣٩٢ كلّها عن عثمان بن أبي العاص، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٥ ح ٣٧٧٢.

٣ . فلاح السائل: ص ٣٥٥ ح ٢٣٩ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه ﷺ، عدّة الداعي: ص ٢٥١ عن الإمام الصادق ﷺ عنه ﷺ، مصباح المتهجّد: ص ٧٥، البلد الأمين: ص ٢٠ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت ﷺ فيهما صدره وذيله، المصباح للكفعمي: ص ٥٤٨ وفيه «أفضل القنوت ما روي عن النبيّ ﷺ وهو ...»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٨٢ ح ٩.

٤ . الدعاء للطبراني: ص ١٩٥ ح ٦٠٨، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ٢ ص ١٥٥ ح ٢٨٧٧ كلاهما عن زرّ بن حبيش، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٧٦ ح ٥٠٤٨؛ بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢١٧ ح ٣٣ نقلاً من خطّ الشهيد.

٥ . في الزهد وكنز العمّال: «ما مِن كلماتٍ أحبّ إلى الله من أن يقول: ...».

که به راستی تو آمرزگار و مهربانی"».

۲۹۲۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! گناه مرا و هر آن بدی‌ای که به خطا یا به عمد از من سر زده است، بر من بیامرز.

۲۹۲۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس هر روز بعد از نماز عصر، صد مرتبه بگوید: «از خدایی که معبودی نیست، جز او زندهٔ جاویدان، مهرگسترِ مهربان، خداوندگار شُکوه و ارج، آمرزش می‌خواهم و از او درخواست می‌کنم که توبهٔ مرا بپذیرد؛ توبهٔ بندهٔ خوار و خاکسارِ نادار بینوای مستمندِ بیچاره و پناه‌خواهی که برای خود، اختیار هیچ سود و زیان، و مرگ و زندگی و رستاخیزی را ندارد»، خداوند متعال به دو فرشته[ی گماشته شده بر او] می‌فرماید که نامهٔ [اعمال] او را پاره کنند، هر چه باشد.

۲۹۲۸ . **امام علی**ؑ: از محبوب‌ترین سخنان نزد خداوندﷻ این است که بنده، در حال سجده بگوید: «پروردگارا! به خودم ستم کردم، مرا بیامرز».

۲۹۲۹ . **امام علی**ؑ: از جملاتی که در نزد خدا محبوب‌ترند، این است که بنده بگوید: «بار خدایا! معبودی جز تو نیست. بار خدایا! جز تو را نمی‌پرستم. بار خدایا! چیزی را شریک تو قرار نداده‌ام. بار خدایا! به خود ستم کرده‌ام. پس گناهانم

لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ.[١]

٢٩٣٠ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعاءِ الأَمانِ ـ: ... اللّهُمَّ إنَّكَ قُلتَ في مُحكَمِ كِتابِكَ النّاطِقِ، عَلىٰ لِسانِ نَبِيِّكَ الصّادِقِ، صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ: ﴿فَمَا ٱسْتَكَانُواْ لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾[٢]، فَها أنَا يا رَبِّ مُستَكينٌ مُتَضَرِّعٌ إلَيكَ، عائِذٌ بِكَ، مُتَوَكِّلٌ عَلَيكَ.

وقُلتَ يا سَيِّدي ومَولايَ: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ ٱللَّهَ وَٱسْتَغْفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُواْ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا﴾[٣]، وأنَا يا سَيِّدي أستَغفِرُكَ وأتوبُ وأبوءُ بِذَنبي، وأعتَرِفُ بِخَطيئَتي، وأستَقيلُكَ عَثرَتي، فَهَب لي ما أنتَ بِهِ خَبيرٌ.

وقُلتَ جَلَّ ثَناؤُكَ وتَقَدَّسَت أسماؤُكَ: ﴿يَـٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾[٤]، فَلَبَّيكَ اللّهُمَّ لَبَّيكَ وسَعدَيكَ، وَالخَيرُ في يَدَيكَ.

أنَا يا سَيِّدِي المُسرِفُ عَلىٰ نَفسي، قَد وَقَفتُ مَوقِفَ الأَذِلّاءِ المُذنِبينَ العاصينَ المُتَجَرِّئينَ عَلَيكَ، المُستَخِفّينَ بِوَعدِكَ ووَعيدِكَ، اللّاهينَ عَن طاعَتِكَ وطاعَةِ رَسولِكَ، فَأَيَّ جُرأَةٍ اجتَرَأتُ عَلَيكَ! وأيَّ تَغَرُّرٍ غَرَرتُ بِنَفسي! فَأَنَا المُقِرُّ بِذَنبي، المُرتَهَنُ بِعَمَلي، المُتَحَيِّرُ عَن قَصدي، المُتَهَوِّرُ في خَطيئَتي، الغَريقُ في بُحورِ ذُنوبي، المُنقَطِعُ بي، لا أجِدُ لِذُنوبي غافِراً، ولا لِتَوبَتي قابِلاً، ولا لِنِدائي سامِعاً، ولا لِعَثرَتي

---

١ . المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٨٤ ح ٥، الزهد لهنّاد: ج ٢ ص ٤٦٣ ح ٩٢٥ كلاهما عن ربعي بن خِراش، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٧٨ ح ٥٠٥٣؛ الإقبال: ج ١ ص ٣٢٦ عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه وليس فيه صدره، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٣١.

٢ . المؤمنون: ٧٦.

٣ . النساء: ٦٤.

٤ . الزمر: ٥٣.

را بیامرز، که گناهان را جز تو کسی نمی‌آمرزد».

۲۹۳۰ . **امام علی**ﷺ ـ از دعای امان ـ: ... بار خدایا! تو در کتاب استوارِ گویایت، از زبان پیامبر راستگویت ـ که درودهای تو بر او و خاندانش باد ـ، فرموده‌ای: ﴿نسبت بـه پروردگارشان، فروتنی نکردند و بـه زاری در نیامدند﴾. اینک من ـ ای پروردگارم ـ، فروتنانه به تو زاری می‌کنم، به تو پناه آورده‌ام، بر تو توکّل کرده‌ام.

و فرموده‌ای ـ ای آقا و سَرور من ـ: ﴿اگر آن گاه که به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر، برایش آمرزش می‌طلبید، بی‌گمان، خدا را توبه پذیری مهربان می‌یافتند﴾، و من ـ ای آقای من ـ، از تو آمرزش می‌خواهم و از گناهانم، توبه و بازگشت می‌کنم، و به خطاهایم اعتراف دارم، و از لغزشم پوزش می‌طلبم. پس بر من ببخش آنچه را که تو خود، از آن آگاهی.

و فرموده‌ای ـ ای آن که ستایشت بزرگ و نام‌هایت مقدّس است ـ: ﴿ای بندگان من که بر خویشتن، زیاده‌روی روا داشته‌اید! از رحمت خداوند، نومید نشوید. خداوند، همهٔ گناهان را می‌آمرزد، که او آمرزگار و مهربان است﴾. به چشم ـ ای خداوند ـ به چشم! اطاعت می‌شود [نومید نمی‌شوم]. خوبی، همه در دست توست.

سَرورا! من بر خویشتن، زیاده‌روی روا داشتم. اینک، چونان زبونانِ گنهکار نافرمان گستاخ بر تو ـ همانان که به نویدها و تهدیدهای تو اعتنا نکردند و به اطاعت از تو و اطاعت از پیامبرت بی‌توجّهی نمودند ـ، ایستاده‌ام. چه گستاخی‌ها که بر تو نمودم، و چه فریب‌ها که خود را دادم! اینک به گناه خویش معترفم، در گرو کردار خویشم، از راه درست خود، منحرف گشته‌ام، در خطاهای خویش، فرو رفته‌ام، در دریاهای گناهانم، غرقه گشته‌ام، از پا فتاده‌ام (/تکیه گاهی جز تو ندارم).

آقای من! جز تو کسی را نمی‌یابم که گناهانم را بیامرزد، توبه‌ام را بپذیرد، آوازم را بشنود، از لغزشم در گُذرد (/ دست من افتاده را بگیرد)، عیب‌هایم را

مُقيلاً، ولا لِعَورَتي ساتِراً، ولا لِدُعائي مُجيباً غَيرَكَ يا سَيِّدي، فَلا تَحرِمني ما جُدتَ بِهِ عَلىٰ مَن أسرَفَ عَلىٰ نَفسِهِ وعَصاكَ ثُمَّ تَرَضّاكَ، ولا تُهلِكني إن عُذتُ بِكَ ولُذتُ وأنَختُ بِفِنائِكَ وَاستَجَرتُ بِكَ.

إن دَعَوتُكَ يا مَولايَ فَبِذٰلِكَ أمَرتَني وأنتَ ضَمِنتَ لي، وإن سَأَلتُكَ فَأَعطِني، وإن طَلَبتُ مِنكَ فَلا تَحرِمني، إلٰهي، اغفِر لي وتُب عَلَيَّ وَارضَ عَنّي، وإن لَم تَرضَ عَنّي فَاعفُ عَنّي، فَقَد لا يَرضَى المَولىٰ عَن عَبدِهِ ثُمَّ يَعفو عَنهُ، لَيسَ تُشبِهُ مَسأَلَتي مَسأَلَةَ السُّؤّالِ؛ لِأَنَّ السّائِلَ إذا سَأَلَ ورُدَّ ومُنِعَ امتَنَعَ ورَجَعَ، وأنا أسأَلُكَ وأُلِحُّ عَلَيكَ بِكَرَمِكَ وجودِكَ وجَنابِكَ مِن رَدِّ سائِلٍ مُستَعطٍ، يَتَعَرَّضُ لِمَعروفِكَ، ويَلتَمِسُ صَدَقَتَكَ، ويُنيخُ بِفِنائِكَ، ويَطرُقُ بابَكَ.

وعِزَّتِكَ وجَلالِكَ يا سَيِّدي، لَو طَبَّقَت ذُنوبي بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ وخَرَقَتِ النُّجومَ، وبَلَغَت أسفَلَ الثَّرىٰ، وجاوَزَتِ الأَرَضينَ السّابِعَةَ السُّفلىٰ، وأوفَت عَلَى الرَّملِ وَالحَصىٰ، ما رَدَّني اليَأسُ عَن تَوَقُّعِ غُفرانِكَ، ولا صَرَفَني القُنوطُ عَنِ انتِظارِ رِضوانِكَ.

إلٰهي وسَيِّدي دَلَلتَني عَلىٰ سُؤالِ الجَنَّةِ، وعَرَّفتَني فيهَا الوَسيلَةَ إلَيكَ، وأنَا أتَوَسَّلُ إلَيكَ بِتِلكَ الوَسيلَةِ مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِم أجمَعينَ. أفَتَدُلُّ عَلىٰ خَيرِكَ ونَوالِكَ السُّؤّالَ ثُمَّ تَمنَعُهُم، وأنتَ الكَريمُ المَحمودُ في كُلِّ الأَفعالِ! كَلّا وعِزَّتِكَ يا مَولايَ، إنَّكَ أكرَمُ مِن ذٰلِكَ وأوسَعُ فَضلاً.

اللّٰهُمَّ اغفِر لي وَارحَمني، وَارضَ عَنّي وتُب عَلَيَّ، وَاعصِمني وَاعفُ عَنّي، وسَدِّدني ووَفِّق لي وخِر لي، وَاجعَل لي ذِمَّتَكَ ولا تُعَذِّبني....[1]

---

١. مصباح الزائر: ص ٩٤، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٤٢٢.

بپوشانَد و دعایم را اجابت کند. پس مرا از آنچه به کسی که بر خویشتنْ زیاده‌روی روا داشت و تو را نافرمانی کرد و سپس خشنودی تو را به دست آورد، جود و بخشش کرده‌ای، محروم مگردان و مرا که به تو پناه آورده‌ام و به تو متوسّل گشته‌ام و به آستان تو بار افکنده‌ام و از تو حمایت خواسته‌ام، به هلاکت میفکن.

سَرورا! تو را می‌خوانم که تو خود، مرا بدان فرمان داده‌ای و [اجابتم را] برای من، ضمانت کرده‌ای. از تو می‌خواهم، پس عطایم فرما. از تو تقاضا می‌کنم، پس محرومم مگردان. مرا بیامرز و توبه‌ام را بپذیرد و از من، خشنود شو، و اگر خشنود هم نمی‌شوی، [لااقل] مرا عفو فرما؛ چه گاه سَرور از بنده‌اش خشنود نمی‌شود؛ لیکن او را عفو می‌کند. خواهش من، به خواهش گدایان نمی‌مانَد؛ زیرا گدا، هرگاه درخواستی کند و دست رد به سینهٔ او زده شود و از دَهِش به او خودداری گردد، دست بر می‌دارد و در پیِ کار خویش می‌رود، امّا من از تو درخواست می‌کنم و پای می‌فِشُرم ـ که تو کریم و بخشنده‌ای ـ، و از ساحت تو به دور است که گدای حاجتمندی را که دست به سوی احسان تو دراز کرده و صدقهٔ تو را می‌طلبد و به درگاه تو بار افکنده و درِ خانهٔ تو را می‌کوبد، رد کنی.

به عزّت و جلالت سوگند ـ سَرورم ـ که اگر گناهان من، میان آسمان و زمین را پُر کنند و از ستارگان درگذرند و [یا] به زیر زمین برسند و از زمین‌های هفتگانهٔ زیرین بگذرند و از شن‌ها و ریگ‌ها افزون شوند، از چشمداشتِ آمرزش تو، مأیوس نمی‌شوم و از انتظارِ خشنودی تو، نومید نمی‌گردم.

معبودا و سرورا! تو خود، مرا به بهشت‌خواهی ره نمون شدی و وسیلهٔ رسیدن به آن را به من معرّفی کردی، و اینک، من با آن وسیله، یعنی محمّد و خاندان او ـ که درود خدا بر همهٔ آنان باد ـ، به تو متوسّل می‌شوم. مگر می‌شود تو درخواست کنندگان را به احسان و دَهِش خود، راهنمایی کنی و آن گاه، آنها را از ایشان، دریغ داری، در حالی که کریمی و در همهٔ کارها [یت] ستوده‌ای؟! نه. به عزّتت سوگند ـ ای سَرور من ـ، تو کریم‌تری و فضل و بخشش تو گسترده‌تر از این است.

بار خدایا! مرا بیامرز و بر من، رحم آور، و از من، خشنود شو و توبه‌ام را بپذیر، و مرا مصون بدار و از من، درگذر، و به راه راستم ببر و توفیقم ده و برای من، انتخاب کن، و مرا در زنهار خود بدار و عذابم مکن....

٢٩٣١ . **الإمام الباقر**عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ كانَ عليه السلام يُسَمّيهِ الجامِعَ ـ: اللّهُمَّ ما قَدَّمتُ وما أخَّرتُ، وما أغفَلتُ وما تَعَمَّدتُ، وما تَوانَيتُ وما أعلَنتُ وما أسرَرتُ، فَاغفِرهُ لي يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[١]

٢٩٣٢ . **الإمام الباقر أو الإمام الصادق**عليه السلام: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الحَمدَ لا إلٰهَ إلّا أنتَ، المَنّانُ بَديعُ السَّماواتِ وَالأَرضِ ذُو الجَلالِ وَالإكرامِ، إنّي سائِلٌ فَقيرٌ، وخائِفٌ مُستَجيرٌ، وتائِبٌ مُستَغفِرٌ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاغفِر لي ذُنوبي كُلَّها، قَديمَها وحَديثَها، وكُلَّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ، اللّهُمَّ لا تُجهِد بَلائي، ولا تُشمِت بي أعدائي، فَإنَّهُ لا دافِعَ ولا مانِعَ إلّا أنتَ.[٢]

٢٩٣٣ . **الكافي عن عليّ بن رئاب عن الإمام الكاظم**عليه السلام: أُدعُ بِهٰذَا الدُّعاءِ في شَهرِ رَمَضانَ مُستَقبِلَ[٣] دُخولِ السَّنَةِ ـ وذَكَرَ أنَّهُ مَن دَعا بِهِ مُحتَسِباً لَم تُصِبهُ في تِلكَ السَّنَةِ فِتنَةٌ ولا آفَةٌ يُضَرُّ بِها دينُهُ وبَدَنُهُ، ووَقاهُ اللهُ عَزَّ ذِكرُهُ شَرَّ ما يَأتي بِهِ تِلكَ السَّنَةَ ـ: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ بِاسمِكَ الَّذي دانَ[٤] لَهُ كُلُّ شَيءٍ، وبِرَحمَتِكَ الَّتي وَسِعَت كُلَّ شَيءٍ، وبِعِزَّتِكَ الَّتي قَهَرتَ بِها كُلَّ شَيءٍ، وبِعَظَمَتِكَ الَّتي تَواضَعَ لَها كُلُّ شَيءٍ، وبِقُوَّتِكَ الَّتي خَضَعَ لَها

---

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٨٩ ح ٢٦، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٧ ح ٢٣٤، مُهَج الدعوات: ص ٢١٨ كلّها عن أبي حمزة الثمالي، الإقبال: ج ١ ص ١٠٨ عن الإمام الصادقعليه السلام، مصباح المتهجّد: ص ٥٥٠ من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيتعليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٧٠ ح ٣.

٢ . تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٨٩ ح ٢٤٨ عن بريد بن معاوية العجلي، مصباح المتهجّد: ص ٥٦٥ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيتعليهم السلام، الإقبال: ج ١ ص ٣٢٧ عن أحدهماعليهما السلام، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٣٢.

٣ . مستقبل: هو إمّا بكسر الباء أو بالفتح، وعلى التقديرين فهو مبني على أنّ السنة الشرعيّة أوّلها شهر رمضان (مرآة العقول: ج ١٦ ص ٢١٩). وراجع: شهر الله في الكتاب والسنّة: (المدخل / خصائص شهر رمضان وبركاته / أوّل السنة).

٤ . دان: ذلّ وأطاع (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢٢٥ «دان»).

۲۹۳۱ . امام باقرﷺ ـ از دعایی که آن را «دعای جامع» می‌نامید ـ: بار خدایا! هر آن گناهی را که از پیش تاکنون مرتکب گشته‌ام، و هر آنچه را از سرِ غفلت یا به عمد، از من سر زده است، و هر آن سستی‌ای که کرده‌ام، و هر آن گناهی را که در آشکار یا نهان به جا آورده‌ام، بر من بیامرز، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

۲۹۳۲ . امام باقر یا امام صادقﷺ: بار خدایا! از تو می‌خواهم. تویی که ستایش، از آنِ توست. معبودی جز تو نیست. نعمت‌بخشی و پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمین، و خداوندگار شُکوه و ارج. من، گدایی درویش، ترسان و پناه‌خواه و توبه گر و آمرزش‌خواهم.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و همهٔ گناهان مرا از قدیم و جدید، و هر جرمی را که مرتکب شده‌ام، بر من بیامرز.

بار خدایا! بلا [و گرفتاری‌ها]ی مرا سخت [و طاقت‌فرسا] مساز، و دشمن‌شادم مگردان، که دفاع‌کننده و بازدارنده‌ای جز تو نیست.

۲۹۳۳ . الکافی ـ به نقل از علی بن رئاب ـ: امام کاظمﷺ فرمود: «در ماه رمضان، آغازین ماه سال،[1] این دعا را بخوان». و فرمود: «هر کس با خلوص نیّت، این دعا را بخواند، در آن سال به فتنه و گزندی که به دین و جسم او صدمه برسد، دچار نخواهد شد و خداوندﷻ او را از شرّ حوادث آن سال، حفظ خواهد کرد. [بگو:] "بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم به نام تو که همه چیز در برابرش خاضع است، و به رحمت تو که همه چیز را در بر گرفته است، و به عزّت تو که با آن، همه چیز را مقهور خود ساخته‌ای، و به عظمت تو که همه چیز در برابرش فروتن است، و به نیروی تو که همه چیز در برابرش تسلیم است، و به جبروت و قدرت تو که همه چیز را مغلوب کرده است، و به علم تو که بر همه چیز، احاطه دارد، ای

---

۱ . سال قمری بنا به قولی با ماه رمضان آغاز می‌شود.

كُلُّ شَيءٍ، وبِجَبَروتِكَ الَّتي غَلَبَت كُلَّ شَيءٍ، وبِعِلمِكَ الَّذي أحاطَ بِكُلِّ شَيءٍ، يا نورُ يا قُدّوسُ[١]، يا أوَّلُ قَبلَ كُلِّ شَيءٍ ويا باقي بَعدَ كُلِّ شَيءٍ.

يا اللهُ يا رَحمٰنُ يا اللهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُنزِلُ النِّقَمَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَقطَعُ الرَّجاءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُديلُ الأَعداءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَرُدُّ الدُّعاءَ وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي يُستَحَقُّ بِها نُزولُ البَلاءِ[٢]، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَحبِسُ غَيثَ السَّماءِ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَكشِفُ الغِطاءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُعَجِّلُ الفَناءَ، وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تورِثُ النَّدَمَ، وَاغفِر لي الذُّنوبَ الَّتي تَهتِكُ العِصَمَ....[٣]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١. القدّوس: الطاهر المنزّه عن العيوب (النهاية: ج ٤ ص ٢٣ «قدس»).

٢. في كتاب من لا يحضره الفقيه والإقبال: «واغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء».

٣. الكافي: ج ٤ ص ٧٢ ح ٣، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٠٦ ح ٢٦٦، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٠٢ ح ١٨٤٨، المقنعة: ص ٣٢٠، الإقبال: ج ١ ص ١١٥، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٤١ ح ٢.

روشنایی، ای پاک [از هر عیب]، ای آن که هیچ چیز نبود و تو بودی، و ای آن که همه چیز، نابود می‌شود و تو می‌مانی!

ای خدا، ای مهرگستر، ای خدا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و آن گناهانم را که نعمت‌ها را می‌بَرَند، بر من بیامرز. آن گناهانم را که کیفرها [ی تو] را فرود می‌آورند، بر من بیامرز. آن گناهانم را که امید را قطع می‌کنند، بر من بیامرز. آن گناهانم را که دشمنان را چیره می‌سازند، بر من بیامرز. آن گناهانم را که دعا را بر می‌گردانند، بر من بیامرز. آن گناهانم را که به سبب آنها، فرود آمدن بلا سزاوار می‌شود، بر من بیامرز. آن گناهانم را که باران آسمان را بند می‌آورند، بر من بیامرز. آن گناهانی را که پرده‌دری می‌کنند، بر من بیامرز. آن گناهانی را که مرگ و نابودی را شتاب می‌بخشند، بر من بیامرز. آن گناهانی را که پشیمانی می‌آورند، بر من بیامرز. آن گناهانی را که پرده‌ها را می‌دَرَند، بر من بیامرز...»[۳].

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بخش دهم

صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او و بر دیگر پیامبران علیهم‌السلام

شامل:

درآمد

فصل یکم : تفسیر صلوات بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

فصل دوم : فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان او و تشویق بر آن

فصل سوم : آداب صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

فصل چهارم : برکت‌های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت او علیهم‌السلام

فصل پنجم : صلوات فرستادن بر پیامبران علیهم‌السلام

فصل ششم : صلوات‌های رسیده از پیشوایان بر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت او علیهم‌السلام

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

درآمد

واژه‌شناسی «صَلاة»

برخی از واژه‌شناسان برای مادّهٔ «صلو / صلی» دو معنا ذکر کرده‌اند: یکی آتش و مشابه آن، و دیگری نوعی عبادت.

ابن فارس، در این باره می‌گوید:

> مادّهٔ «صلی (صاد و لام و حرف معتل)»، دو اصل معنایی دارد: یکی آتش و مانند آن چون تب و گرما، و دیگری از جنس عبادت است. در معنای اوّل گفته می‌شود: «صَلَیتُ العود بالنار (چوب را با آتش سوزاندم)»... معنای دوم، صَلات به معنای دعا کردن است. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هر گاه یکی از شما به غذایی دعوت شد، اجابت کند. اگر روزه نداشت، از آن غذا بخورد و اگر روزه داشت برایشان دعای خیر و برکت کند»... صَلات شرعی، عبارت است: از رکوع و سجود و دیگر حدود و ارکان نماز. صلات از جانب خدا، به معنای رحمت است....[1]

راغب نیز در تبیین معنای دعا می‌گوید:

> بسیاری از اهل لغت گفته‌اند: «صلاة» به معنای دعا و برکت خواستن برای کسی و تمجید است. گفته می‌شود: «صلّیتُ علیه»، یعنی: برایش دعا

---

۱. معجم مقاییس اللغة: ج ۳ ص ۳۰۰.

کردم و او را به پاکی ستودم. [پیامبر خدا]ﷺ فرمود: «إذا دُعِيَ أحَدُكُم إلىٰ طَعامٍ فَلْيُجِب و إن كانَ صائِماً فَلْيُصَلِّ؛ هر گاه یکی از شما به غذایی دعوت شد بپذیرد و اگر روزه داشت برای دعوت کننده، دعا کند». [در قرآن آمده است:] ﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ؛[1] بر ایشان درود فرست که درود فرستادن تو، مایهٔ آرامش آنان است﴾ و ﴿يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ؛[2] بر پیامر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید [شما نیز] بر او درود فرستید﴾ صلوات پیامبر و خدا بر مسلمانان، در حقیقت، تزکیهٔ آنهاست، و می‌فرماید: ﴿أُولَـٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ؛[3] آنان [کسانی هستند] که درودها و رحمت از خدایشان بر ایشان باد﴾. صلوات فرشتگان و مردم، به معنای دعا کردن و آمرزش خواستن است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَـٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ؛[4] خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند﴾. صَلات، به معنای آن عبادت مخصوص (نماز)، در اصل به معنای دعاست، و نماز را صلات گفته‌اند از باب نام‌گذاری شیء به اسم جزئی از آن. صلات (نماز)، از عباداتی است که در همهٔ شرایع آسمانی وجود داشته است، هر چند شکل آن در هر شریعتی، متفاوت با شریعت دیگر بوده است. لذا فرمود: ﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ كِتَـٰبًا مَّوْقُوتًا؛[5] نماز بر مؤمنان، در اوقات معیّن، مقرّر شده بود﴾. بعضی گفته‌اند: «صلوة» در اصل از «صلی» گرفته شده است و معنای «صلّی الرجل»، این است که شخص با این عبادت، «صُلی» را که به معنای آتش برافروختهٔ الهی است، از خود، دفع کرده است. بنای «صلّیٰ (دور کردن آتش از

---

۱. توبه: آیهٔ ۱۰۳.
۲. احزاب: آیهٔ ۵۶.
۳. بقره: آیهٔ ۱۵۷.
۴. احزاب: آیهٔ ۵۶.
۵. نساء: آیهٔ ۱۰۳.

خود)» مانند «مرّض» است که به معنای برطرف کردن بیماری است.[۱]

بر این اساس، مقصود از صلوات (درود) فرستادن بر پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار، دعا کردن برای آنهاست.

صلاة، در قرآن و حدیث

بررسی مواردی از قرآن و حدیث که کلمهٔ «صلاة» در آنها به کار رفته، نشان می‌دهد که معنای جامع این واژه، توجّه توأم با ستایش و اظهار تعظیم و تکریم است. علّامه سیّد محمّد حسین طباطبایی﵀ در این باره می‌گوید:

> معنای جامع کلمهٔ «صلاة» آن گونه که از موارد کاربرد آن استفاده می‌شود، انعطاف است. پس این معنا برحسب اختلاف مواردی که به آن نسبت داده می‌شود، فرق می‌کند. به همین جهت گفته شده است: «صلاة» از جانب خدا به معنای رحمت است، و از جانب فرشتگان به معنای طلب آمرزش و از جانب مردم به معنای دعا کردن؛ لیکن صلاتی که در قرآن به خدا نسبت داده شده، به معنای رحمت خاص بر مؤمنان است که سعادت آخرت و رستگاری ابدی، بر آن مترتّب است. به همین جهت، [خداوند] در تعلیل صلوات فرستادن خود بر آنان می‌فرماید: ﴿**لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ**؛[۲] تا شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی ببرد و خدا نسبت به مؤمنان مهربان است﴾.[۳]

پیش از ملاحظهٔ احادیث این بخش، چند نکته قابل توجّه است:

۱. معنای صلوات بر پیامبرﷺ

بر پایهٔ آنچه در تبیین معنای «صلاة» ذکر شد، معنای صلوات بر پیامبرﷺ، اظهار

---

۱. مفردات ألفاظ القرآن: ص ۴۹۰.

۲. احزاب: آیهٔ ۴۳.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱۶ ص ۳۲۹.

محبّت به پیامبرﷺ و تعظیم و تکریم ایشان است. از این رو، آنچه در احادیث در تفسیر صلوات بر ایشان آمده است (مانند: رحمت،[۱] ستایش،[۲] دعا،[۳] پاک دانستن پیامبرﷺ از کاستی‌ها و آفات،[۴] و وفا نمودن به پیمان الهی در پذیرفتن نبوّت ایشان[۵]) در واقع، مصادیق معنای جامع صلوات بر پیامبر خداست.

۲. پیام سیاسیِ درود فرستادن بر پیامبرﷺ

با اندکی تأمّل در تأکید و تشویق قرآن و احادیث اسلامی به درود فرستادن بر پیامبر خدا، بویژه در احادیثی که در بارهٔ کیفیت و ادب صلوات بر ایشان وارد شده و بر ضمیمه کردن اهل بیت به پیامبرﷺ در هنگام فرستادن صلوات تأکید دارند، روشن می‌گردد که این ذکر مبارک، افزون بر بُعد اعتقادی و معنوی، دارای بُعد سیاسی و حکومتی است، بدین گونه که تداوم اظهار محبّت حقیقی اُمّت اسلامی به پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار، زمینهٔ تداوم حاکمیت اسلام به رهبری خاندان رسالت را در جامعه فراهم می‌سازد. از این رو، صلوات بر پیامبرﷺ تنها یک عبادت نیست؛ بلکه یک شعار سیاسی نیز هست و به همین جهت در حدیث نبوی، بر بلند کردن صدا در گفتن این ذکر (همانند همهٔ شعارهای سیاسی) تأکید شده است:

اِرفَعوا أصواتَکُم بِالصَّلاةِ عَلَیَّ؛ فَإنَّها تَذهَبُ بِالنِّفاقِ.[۶]

صدایتان را به صلوات بر من بلند کنید؛ چرا که نفاق را از بین می‌برد.

---

۱. ر.ک: ص ۳۲۹ ح ۲۹۳۴ و ۲۹۳۵.
۲. ر.ک: ص ۳۳۱ ح ۲۹۳۶.
۳. ر.ک: ص ۳۲۹ ح ۲۹۳۴ و ۲۹۳۵.
۴. ر.ک: ص ۳۳۱ ح ۲۹۳۷.
۵. ر.ک: ص ۳۳۱ ح ۲۹۳۸.
۶. ر.ک: ص ۳۷۱ ح ۳۰۱۶.

این سخن، بدان معناست که شخص منافق نمی‌تواند همیشه این شعار سیاسی را بلند تکرار کند؛ چرا که تکرار این شعار به صورت آشکارا و بلند، سبب می‌گردد بیماری نفاق به تدریج علاج شود و انسان به ایمان حقیقی دست یابد.

۳. حکمت درود فرستادن بر همهٔ انبیا

درود فرستادن بر پیامبران سلف، هر چند پیام سیاسیِ درود فرستادن بر خاتم انبیا و خاندان او را ندارد، متضمّن پیام اعتقادی و اجتماعی مهمّی است؛ زیرا احترام به همهٔ انبیا، نشانهٔ عقیده‌مند بودن مسلمانان به صداقت آنان و زمینه‌ساز نزدیک شدن هر چه بیشتر پیروان ادیان به یکدیگر است.

۴. مهم‌ترین برکات درود فرستادن بر پیامبر

در فصل چهارم، آثار و برکات فراوانی برای صلوات بر پیامبر ذکر شده است، مانند: آمرزش گناهان، عافیت (آسایش)، اجابت دعا، درمان بیماری نفاق، کفایت امور مادّی و معنوی و...؛ لیکن به نظر می‌رسد که مهم‌ترین اثر این ذکر پُربرکت، درود فرستادن خداوند متعال و سلام دادن پیامبر خاتمی‌مرتبت بر صلوات فرستنده است که در واقع، باید گفت سایر برکات صلوات بر پیامبر نیز ریشه در همین اثر دارد.

الفصل الأوّل

تفسير الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله

الكتاب

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَـٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَـٰأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾.[1]

الحديث

٢٩٣٤ . معاني الأخبار عن أبي حمزة: سَأَلتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ عزّ وجلّ : ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَـٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَـٰأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ فَقالَ : الصَّلاةُ مِنَ اللهِ عزّ وجلّ رَحمَةٌ ، ومِنَ المَلائِكَةِ تَزكِيَةٌ ، ومِنَ النّاسِ دُعاءٌ . وأمّا قَولُهُ عزّ وجلّ : ﴿وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ فَإِنَّهُ يَعنِي التَّسليمَ لَهُ فيما وَرَدَ عَنهُ.[2]

٢٩٣٥ . ثواب الأعمال عن ابن المغيرة عن أبي الحسن عليه السلام ـ وقَد سُئِلَ عَن مَعنىٰ صَلاةِ اللهِ وصَلاةِ مَلائِكَتِهِ وصَلاةِ المُؤمِنينَ ـ : صَلاةُ اللهِ رَحمَةٌ مِنَ اللهِ[3] ، وصَلاةُ مَلائِكَتِهِ تَزكِيَةٌ مِنهُم لَهُ ، وصَلاةُ المُؤمِنينَ دُعاءٌ مِنهُم لَهُ.[4]

---

١ . الأحزاب : ٥٦.

٢ . معاني الأخبار : ص ٣٦٨ ح ١ ، الاعتقادات : ص ٢٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٥٥ ح ٢٧ .

٣ . في جامع الأخبار : «رحمة من الله له».

٤ . ثواب الأعمال : ص ١٨٧ ح ١ عن ابن المغيرة ، جامع الأخبار : ص ١٥٩ ح ٣٨١ عن أبي المغيرة ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٩٥ ح ٣ وج ٩٤ ص ٥٨ ح ٣٨.

فصل یکم

تفسیر صلوات بر پیامبر ﷺ

قرآن

﴿خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [شما نیز] بر او درود فرستید و درودی کامل گویید﴾.

حدیث

۲۹۳۴ . **معانی الأخبار** ـ به نقل از ابو حمزه ـ: از امام صادق ﷺ در بارهٔ این فرمودهٔ خداوند ﷻ پرسیدم که: ﴿خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [شما نیز] بر او درود فرستید و درودی کامل گویید﴾. فرمود: «درود، از جانب خدا رحمت است و از جانب فرشتگان، تزکیه[1] و از جانب مردم، دعا».

و فرمود: ﴿درودی کامل گویید﴾، یعنی به آنچه می‌گوید، گردن نهید.

۲۹۳۵ . **ثواب الأعمال** ـ به نقل از ابن مغیره ـ: ابوالحسن ﷺ،[2] در پاسخ به پرسش از معنای درود خدا و درود فرشتگانش و درود مؤمنان ـ: درود خدا، رحمت از جانب خداست. درود فرشتگانش، تزکیهٔ آنها نسبت به پیامبر ﷺ است و درود مؤمنان، دعای آنها برای اوست.

---

۱ . تزکیه: تأیید و تصدیق کردن کسی؛ گواهی دادن به حقّانیت و اعتبار کسی؛ امین و درست‌کردار خواندن کسی.

۲ . منظور از ابوالحسن ﷺ در این‌جا امام کاظم یا امام رضا ﷺ است.

٢٩٣٦ . الإمام الصادق عليه السلام ـ في قَولِ اللهِ تَعالىٰ : ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَـٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا﴾ ـ : أثنوا عَلَيهِ وسَلِّموا لَهُ .[1]

٢٩٣٧ . جمال الأُسبوع عن عبدالرحمٰن بن كثير : سَأَلتُهُ[2] عَن قَولِ اللهِ تَبارَكَ وتَعالىٰ : ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَـٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا﴾ ، فَقالَ : صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِ تَزكِيَتُهُ لَهُ فِي السَّماءِ .

قُلتُ : ما مَعنىٰ تَزكِيَةِ اللهِ إيّاهُ ؟

قال : زَكّاهُ بِأَن بَرَّأَهُ مِن كُلِّ نَقصٍ وآفَةٍ يَلزَمُ مَخلوقاً .

قُلتُ : فَصَلاةُ المُؤمِنينَ ؟

قالَ : يُبَرِّؤونَهُ ويُعَرِّفونَهُ بِأَنَّ اللهَ قَد بَرَّأَهُ مِن كُلِّ نَقصٍ هُوَ فِي المَخلوقينَ ، مِنَ الآفاتِ الَّتي تُصيبُهُم في بُنيَةِ خَلقِهِم ، فَمَن عَرَّفَهُ ووَصَفَهُ بِغَيرِ ذٰلِكَ فَما صَلّىٰ عَلَيهِ .

قُلتُ : فَكَيفَ نَقولُ نَحنُ إذا صَلَّينا عَلَيهِم ؟

قالَ : تَقولونَ : اللّٰهُمَّ إنّا نُصَلّي عَلىٰ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما أمَرتَنا بِهِ ، وكَما صَلَّيتَ أنتَ عَلَيه ، فَكَذٰلِكَ صَلاتُنا عَلَيهِ .[3]

٢٩٣٨ . الإمام الصادق عليه السلام : مَن صَلّىٰ عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله ، فَمَعناهُ : إنّي أنَا عَلَى الميثاقِ وَالوَفاءِ الَّذي قَبِلتُ حينَ قَولِهِ : ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُواْ بَلَىٰ﴾[4] .[5]

---

١ . المحاسن : ج ٢ ص ٥٣ ح ١١٥٦ .

٢ . هكذا جاءت مضمرة .

٣ . جمال الأسبوع : ص ١٥٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٧١ ح ٦٦ .

٤ . آل عمران : ١٧٢ .

٥ . معاني الأخبار : ص ١١٥ ح ١ عن يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عليه السلام ، فلاح السائل : ص ٢٢٦ ح ١٢٦ ، مختصر بصائر الدرجات : ص ١٥٩ كلاهما عن زيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عنه عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٥٤ ح ٢٥ .

۲۹۳۶ . امام صادقﷺ ـ در بارهٔ سخن خدای متعال که: ﴿**خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [شما نیز] بر او درود فرستید و درودی کامل گویید**﴾ ـ: [یعنی] او را بستایید و در برابرش تسلیم باشید.

۲۹۳۷ . جمال الأُسبوع ـ به نقل از عبد الرحمان بن کثیر ـ: از امامﷺ[1] در بارهٔ این سخن خداوند ـ تبارک و تعالی ـ پرسیدم: ﴿**خدا و فرشتگانش بر پیامبر، درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر او درود فرستید و درودی کامل گویید**﴾.

فرمود: درود فرستادن خدا بر او، تزکیهٔ او در آسمان است».

گفتم: تزکیهٔ خدا از او، به چه معناست؟

فرمود: «تأیید می‌کند که او را از هر کاستی و آسیبی که لازمهٔ مخلوق است، مبرّا داشته است».

گفتم: درود فرستادن مؤمنان، چه؟

فرمود: «او را تبرئه کرده، چنین معرّفی می‌کنند که خداوند، وی را از هر نقصی که خاصّ [دیگر] مخلوقات [انسانی] است، یعنی از آفت‌هایی [و امراضی] که به ساختمان بدنشان می‌رسد، مبرّا کرده است. پس هر که او را به غیر از این، وصف و معرّفی کند، بر او درود نفرستاده است».

گفتم: پس هرگاه بر ایشان درود می‌فرستیم، چگونه بگوییم؟

فرمود: «می‌گویید: "بار خدایا! ما بر پیامبرت محمّد و بر خاندان محمّد، درود می‌فرستیم، همان گونه که تو ما را بدان، فرمان داده‌ای، و همان سان که تو خود، بر او درود فرستاده‌ای. چنین است درود فرستادن ما بر او».

۲۹۳۸ . امام صادقﷺ: هر که بر پیامبرﷺ درود فرستد، معنایش این است که: من، بر آن پیمان و وفایی که پذیرفتم، هستم؛ آن گاه که [خداوند] فرمود: ﴿**آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا...**﴾.

---

۱. منظور در اینجا امام صادقﷺ است.

الفَصلُ الثّاني

فَضلُ الصَّلاةِ عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله وَالحَثُّ عَلَيها

١ / ٢

قيمَةُ الصَّلاةِ عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله

٢٩٣٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَن سَرَّهُ أن يَلقَى اللهَ غَداً راضِياً فَليُكثِرِ الصَّلاةَ عَلَيَّ.[١]

٢٩٤٠ . عنه صلى الله عليه وآله: أولَى النّاسِ بي في يَومِ القِيامَةِ أكثَرُهُم عَلَيَّ صَلاةً.[٢]

٢٩٤١ . عنه صلى الله عليه وآله: صَلاتُكُم عَلَيَّ مُجَوِّزَةٌ لِدُعائِكُم، ومَرضاةٌ لِرَبِّكُم، وزَكاةٌ لِأَبدانِكُم.[٣]

٢٩٤٢ . عنه صلى الله عليه وآله: ما مِن دُعاءٍ إلّا بَينَهُ وبَينَ السَّماءِ حِجابٌ حَتّىٰ يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، فَإذا فَعَلَ ذٰلِكَ خُرِقَ ذٰلِكَ الحِجابُ ودَخَلَ الدُّعاءُ، فَإذا لَم يَفعَل ذٰلِكَ رَجَعَ الدُّعاءُ.[٤]

---

١ . كنزالعمّال: ج ١ ص ٥٠٤ ح ٢٢٢٩ نقلاً عن الديلمي عن عائشة.

٢ . سنن الترمذي: ج ٢ ص ٣٥٤ ح ٤٨٤، التاريخ الكبير: ج ٥ ص ١٧٧ الرقم ٥٥٩ كلاهما عن عبد الله بن مسعود؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٨ ح ٢٢٤٠، جامع الأخبار: ص ١٥٣ ح ٣٤٦ عن عبد الله بن مسعود.

٣ . الجعفريات: ص ٢١٥ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، جمال الأسبوع: ص ١٥٩ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، جامع الأخبار: ص ١٥٦ ح ٣٦٦ وفيهما «لأعمالكم» بدل «لأبدانكم»، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٤ ح ٥٢ وص ٦٨ ح ٥٦؛ فردوس الأخبار: ج ٢ ص ٥٤٦ ح ٣٥٥٤.

٤ . بشارة المصطفى: ص ٢٣٦ عن الحرث عن الإمام عليّ عليه السلام، جامع الأخبار: ص ١٥٦ ح ٣٦٧ نحوه، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ٢٥٨ ح ٧؛ الفردوس: ج ٤ ص ٤٧ ح ٦١٤٨ عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيه «وعلى آل محمّد»، كنزالعمّال: ج ٢ ص ٨٨ ح ٣٢٧٠.

فصل دوم

فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او و تشویق به آن

۱ / ۲
ارزش درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او

۲۹۳۹ . **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: هر کس دوست دارد که فردا [ی قیامت]، خدای را در حالی دیدار کند که از او خشنود است، بر من بسیار درود بفرستد.

۲۹۴۰ . **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: نزدیک ترینِ مردم به من در روز رستاخیز، کسی است که بیشتر بر من درود فرستد.

۲۹۴۱ . **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: درود فرستادن شما بر من، مجوّز [پذیرفته شدن] دعای شما و مایهٔ خشنودی پروردگارتان و زکات بدن‌های شماست.

۲۹۴۲ . **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: هیچ دعایی نیست، مگر این که میان آن و آسمان (درگاه خداوند)، پرده‌ای است، تا آن گاه که بر پیامبر و بر خاندان پیامبر، درود فرستاده شود. چون این کار صورت گیرد، آن پرده می‌شکافد و دعا [به درگاه خداوند] داخل می‌شود، و اگر این کار نشود، دعا برمی‌گردد.

٢٩٤٣ . **المصنّف لعبد الرزاق عن يعقوب بن زيد التيمي:** قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ : أتاني آتٍ مِن رَبّي فَقالَ : لا يُصَلّي عَلَيكَ عَبدٌ صَلاةً إلّا صَلّى اللهُ عَلَيهِ عَشراً .

فَقالَ رَجلٌ : يا رَسولَ اللهِ، ألا أجعَلُ نِصفَ دُعائي لَكَ؟ قالَ : إن شِئتَ .

قالَ : ألا أجعَلُ كُلَّ دُعائي لَكَ؟ قالَ : إذاً يَكفِيَكَ اللهُ هَمَّ الدُّنيا وَالآخِرَةِ .[١]

٢٩٤٤ . **الكافي عن أبي بصير:** سَأَلتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام : ما مَعنىٰ : أجعَلُ صَلَواتي كُلَّها لَكَ؟

فَقالَ : يُقَدِّمُهُ بَينَ يَدَي كُلِّ حاجَةٍ، فَلا يَسأَلُ اللهَ عزّ وجلّ شَيئاً حَتّىٰ يَبدَأَ بِالنَّبيِّ ﷺ فَيُصَلِّيَ عَلَيهِ ثُمَّ يَسأَلَ اللهَ حَوائِجَهُ .[٢]

٢٩٤٥ . **رسول الله ﷺ:** لَقِيَني جَبرائيلُ عليه السلام فَبَشَّرَني، قالَ : إنَّ اللهَ عزّ وجلّ يَقولُ : مَن صَلّىٰ عَلَيكَ صَلَّيتُ عَلَيهِ، ومَن سَلَّمَ عَلَيكَ سَلَّمتُ عَلَيهِ، فَسَجَدتُ لِذٰلِكَ .[٣]

٢٩٤٦ . **الإمام علي عليه السلام:** مَن صَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبيِّ ﷺ سَمِعَهُ النَّبيُّ ورُفِعَت دَعوَتُهُ .[٤]

٢٩٤٧ . **عنه عليه السلام:** صَلّوا عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ؛ فَإِنَّ اللهَ عزّ وجلّ يَقبَلُ دُعاءَكُم عِندَ ذِكرِ مُحَمَّدٍ ﷺ ودُعائِكُم لَهُ وحِفظِكُم إيّاهُ ﷺ .[٥]

---

١ . المصنّف لعبد الرزّاق : ج ٢ ص ٢١٥ ح ٣١١٤، فضل الصلاة على النبي ﷺ : ص ٢٨ ح ١٣، تفسير ابن كثير : ج ٦ ص ٤٥٦ كلاهما نحوه .

٢ . الكافي : ج ٢ ص ٤٩٢ ح ٤، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٨ ح ٢٠٣٨ عن أبي بصير وابن الحكم، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣١٦ ح ٢١ .

٣ . جامع الأخبار : ص ١٥٧ ح ٣٧١، تيسير المطالب : ص ٣٥٣ عن عبد الرحمن بن عوف، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٥ ح ٥٢ .

٤ . الخصال : ص ٦٣٠ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، عدّة الداعي : ص ١٥٢ نحوه، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٥٠ ح ١٤ .

٥ . الخصال : ص ٦١٣ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص ١٠٣ وفيه «ورعايتكم له» بدل «ودعائكم له ...»، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣٠٩ ح ٧ وج ٩٤ ص ٥٠ ح ١٤ .

۲۹۴۳ . **المصنَّف**، عبد الرزّاق ـ به نقل از یعقوب بن زید تَیمی ـ: پیامبر خدا فرمود: «یکی از جانب پروردگارم نزد من آمد و گفت: "هر بنده‌ای بر تو درود فرستد، خداوند، ده بار بر او درود می‌فرستد"».

مردی گفت: ای پیامبر خدا! آیا نصف دعایم را به شما اختصاص ندهم؟

فرمود: «هر طور مایلی».

گفت: آیا همهٔ دعایم را به شما اختصاص ندهم؟

فرمود: «در این صورت، خداوند، تو را از دغدغهٔ دنیا و آخرت، خلاص می‌کند».

۲۹۴۴ . **الکافی** ـ به نقل از ابو بصیر ـ: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: معنای جملهٔ «همهٔ درودهایم را به شما اختصاص می‌دهم» چیست؟

فرمود: «یعنی او را پیشاپیش هر حاجت خود قرار دهد، و هر چه از خداوند عزوجل درخواست می‌کند، نخست از پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز کند و بر او درود بفرستد و سپس حاجت‌های خود را از خدا بخواهد».

۲۹۴۵ . **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام به دیدار من آمد و مرا مژده داد و گفت: خدای عزوجل می‌فرماید: «هر که بر تو درود بفرستد، من بر او درود می‌فرستم، و هر که بر تو سلام فرستد، من بر او سلام می‌فرستم» و من به شکرانهٔ آن، سجده کردم.

۲۹۴۶ . **امام علی** علیه السلام: هر کس بر پیامبر، محمّد صلی الله علیه و آله، درود فرستد، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را می‌شنود و دعایش [به درگاه خداوند] بالا برده می‌شود.

۲۹۴۷ . **امام علی** علیه السلام: بر محمّد و خاندان محمّد، درود بفرستید؛ چرا که در هنگام بردن نام محمّد صلی الله علیه و آله و دعا کردن شما برای او و پاسداشتتان از او، خداوند عزوجل دعایتان را می‌پذیرد.

٢٩٤٨ . عنه عليه السلام: إذا قَرَأتُم: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ﴾ فَصَلّوا عَلَيهِ؛ فِي الصَّلاةِ كُنتُم أو في غَيرِها.[١]

٢٩٤٩ . عنه عليه السلام: بِالشَّهادَتَينِ تَدخُلونَ الجَنَّةَ، وبِالصَّلاةِ تَنالونَ الرَّحمَةَ، أكثِروا مِنَ الصَّلاةِ عَلىٰ نَبِيِّكُم ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا﴾.[٢]

٢٩٥٠ . عنه عليه السلام ـ لِيَهودِيٍّ قالَ لَهُ: إنَّ آدَمَ عليه السلام أسجَدَ اللهُ المَلائِكَةَ لَهُ، فَهَل فَضلٌ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله بِمِثلِ ذٰلِكَ؟ ـ: قَد كانَ ذٰلِكَ، ولَئِن أسجَدَ اللهُ عز وجل لِآدَمَ مَلائِكَتَهُ، فَإِنَّ ذٰلِكَ لِما أودَعَ اللهُ عز وجل صُلبَهُ مِنَ الأَنوارِ وَالشَّرَفِ، إذ كانَ هُوَ الوِعاءُ، ولَم يَكُن سُجودُهُم عِبادَةً لَهُ، وإنَّما كانَ سُجودُهُم طاعَةً لِأَمرِ اللهِ وتَكرِمَةً وتَحِيَّةً، مِثلَ السَّلامِ مِنَ الإنسانِ عَلَى الإنسانِ، وَاعتِرافاً لِآدَمَ بِالفَضيلَةِ.

ولَقَد أعطىٰ مُحَمَّداً صلى الله عليه وآله أفضَلَ مِن ذٰلِكَ؛ وهُوَ أنَّ اللهَ تَعالىٰ صَلّىٰ عَلَيهِ وأمَرَ مَلائِكَتَهُ أن يُصَلّوا عَلَيهِ، وأمَرَ جَميعَ خَلقِهِ بِالصَّلاةِ عَلَيهِ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ، فَقالَ جَلَّ ثَناؤُهُ: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا﴾ فَلا يُصَلّي عَلَيهِ في حَياتِهِ أحَدٌ وبَعدَ وَفاتِهِ إلّا صَلَّى اللهُ عَلَيهِ بِذٰلِكَ عَشراً، وأعطاهُ مِنَ الحَسَناتِ عَشراً بِكُلِّ صَلاةٍ صَلّىٰ عَلَيهِ، ولا أحَدٌ يُصَلّي عَلَيهِ بَعدَ وَفاتِهِ إلّا وهُوَ يَعلَمُ بِذٰلِكَ، ويَرُدُّ عَلَى المُصَلّي وَالمُسَلِّمِ مِثلَ ذٰلِكَ، إنَّ اللهَ تَعالىٰ جَعَلَ دُعاءَ أُمَّتِهِ

---

١ . الخصال: ص ٦٢٩ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص ١١٩، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ١٩ ح ٩.

٢ . التوحيد: ص ٧٣ ح ٢٧، الأمالي للصدوق: ص ٣٩٩ ح ٥١٥ كلاهما عن جابر بن يزيد الجعفي عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج ٨ ص ١٩ ح ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «بالشهادة»، تحف العقول: ص ٩٢، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٨ ح ٣.

۲۹۴۸ . امام علیﷺ: هر گاه ﴿خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند﴾ را خواندید، بر او درود فرستید، در نماز بودید یا غیر نماز.

۲۹۴۹ . امام علیﷺ: با شهادتین، به بهشت می‌روید و با صلوات (/نماز)، بـه رحـمت [خداوند] نایل می‌شوید. بر پیامبرتان بسیار درود بفرستید. ﴿خدا و فرشتگان او بر پیامبر، درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [شما نیز] بر او درود بفرستید و سلامی کامل بگویید﴾.

۲۹۵۰ . امام علیﷺ ـ به مردی یهودی که به ایشان گفت: خداوند برای آدمﷺ فرشتگان را به سجده وا داشت. آیا برای محمّدﷺ چنین امتیازی هست؟ ـ: چنین است. اگر خداوند ﷻ فرشتگانش را به سجده در برابـر آدم وا داشت، بـه خـاطر انـوار و شرافتی بود که خداوند ﷻ در پشت او نهاد؛ زیرا او ظرف بود. و سجدهٔ فرشتگان برای پرستش آدم نبود؛ بلکه سـجدهٔشان، در واقـع، اطـاعت از فـرمان خـدا و [نوعی] احترام و درود فرستادن، همانند سلام‌گویی انسان بر انسان بود و اعتراف به برتری آدم بود.

خداوند، برتر از این را به محمّدﷺ عطا فرمود و آن، این است که خـدای متعال، خود بر او درود فرستاد و به فرشتگانش فرمود که بر او درود بفرستند و همهٔ آفریدگانش را نیز دستور داد که تا روز قیامت بر او درود بفرستند. او ـ که نقّاش بزرگ است ـ فرمود: ﴿خدا و فرشتگانش بر پیامبر، درود مـی‌فرستند. ای کسانی که ایـمان آورده‌ایـد! [شـما نـیز] بـر او درود بـفرستید و سـلامی کـامل بگویید﴾. پس، هر که بر او، چه در زمان حیاتش و چـه پس از وفـاتش، درود فرستد، خداوند ده بار بر او درود می‌فرستد و برای هر درودی که فرستاده است، ده حسنه عطایش می‌کند. و هر که بعد از وفات ایشان بر او درود فرستد، او درود وی را می‌فهمد و جواب درود فرستنده و سلام گوینده را به همان سان می‌دهد.

فيما يَسألونَ رَبَّهُم جَلَّ ثَناؤُهُ مَرفوعاً مِن إجابَتِهِ، حَتّىٰ يُصَلّوا فيهِ عَلَيهِ ﷺ، فَهٰذا أكبَرُ وأعظَمُ مِمّا أعطَى اللهُ تَبارَكَ وتَعالىٰ لِآدَمَ ﷺ.[١]

٢٩٥١ . **جمال الأُسبوع عن أبي عبد الله البرقي يرفعه:** قالَ رَجُلٌ لِأَبي عَبدِ اللهِ ﷺ : جُعِلتُ فِداكَ، أخبِرني عَن قَولِ اللهِ تَبارَكَ وتَعالىٰ وما وَصَفَ مِنَ المَلائِكَةِ : ﴿يُسَبِّحُونَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ لَايَفْتُرُونَ﴾[٢] ثُمَّ قالَ : ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَـٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا﴾، كَيفَ لا يَفتُرونَ وهُم يُصَلّون عَلَى النَّبيِّ ﷺ؟

فَقالَ أبو عَبدِ اللهِ ﷺ : إنَّ اللهَ تَبارَكَ وتَعالىٰ لَمّا خَلَقَ مُحَمَّداً ﷺ أمَرَ المَلائِكَةَ فَقالَ : أنقِصوا مِن ذِكري بِمِقدارِ الصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ، [فَقَولُ الرَّجُلِ: صَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ][٣] فِي الصَّلاةِ مِثلُ قَولِهِ : سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ ولا إلٰهَ إلّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ.[٤]

٢٩٥٢ . **الإمام الصادق ﷺ:** أفضَلُ الدُّعاءِ الصَّلاةُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ ﷺ.[٥]

٢٩٥٣ . **عنه ﷺ:** مَن ذَكَرَ اللهَ كُتِبَتْ لَهُ عَشرُ حَسَناتٍ، ومَن ذَكَرَ رَسولَ اللهِ ﷺ كُتِبَت لَهُ عَشرُ حَسَناتٍ؛ لِأَنَّ اللهَ تَعالىٰ قَرَنَ رَسولَهُ بِنَفسِهِ.[٦]

٢٩٥٤ . **الكافي عن عبد السلام بن نعيم:** قُلتُ لِأَبي عَبدِ اللهِ ﷺ : إنّي دَخَلتُ البَيتَ ولَم يَحضُرني شَيءٌ مِنَ الدُّعاءِ إلّا الصَّلاةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ.

---

١ . إرشاد القلوب: ص ٤٠٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٩ ح ٥٩ وج ١٦ ص ٣٤٣ ح ٣٣.

٢ . الأنبياء: ٢٠.

٣ . مابين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

٤ . جمال الأسبوع: ص ١٥٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٧١ ح ٦٦.

٥ . جامع الأحاديث للقمّي: ص ١٨٦ عن الإمام الرضا ﷺ، الفقه المنسوب للإمام الرضا ﷺ: ص ٣٤٥ عن العالم ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٩٦ ح ٢٣ وص ٣٢٢ ح ٣٥.

٦ . علل الشرائع: ص ٥٧٩ ح ٧ عن عبد الحميد، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٤ ح ٢٤.

خدای متعال، دعای امّت او را برای آنچه از پروردگارشان ﷻ می‌خواهند، از اجابتْ دور نگه می‌دارد تا آن که در آن دعا بر او درود بفرستند و این، بزرگ‌تر و مهم‌تر از آن چیزی است که خدای ـ تبارک و تعالی ـ به آدم ﷺ عطا فرمود.

۲۹۵۱ . **جمال الأسبوع** ـ به نقل از ابو عبد الله برقی، در حدیثی که سند آن را به امام صادق ﷺ رسانده است ـ: مردی به امام صادق ﷺ گفت: قربانت گردم! مرا از این سخن خدای ـ تبارک و تعالی ـ و آنچه در بارهٔ فرشتگان فرموده است، آگاه فرما که: ﴿شب و روز، بی وقفه، تسبیح می‌گویند﴾ و سپس [در جایی دیگر] فرموده است: ﴿خدا و فرشتگانش بر پیامبر، درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [شما نیز] بر او درود بفرستید و سلامی کامل بگویید﴾. چگونه از تسبیح، باز نمی‌ایستند، در حالی که بر پیامبر ﷺ درود می‌فرستند؟

امام صادق ﷺ فرمود: «خدای ـ تبارک و تعالی ـ چون محمّد ﷺ را آفرید، به فرشتگان فرمود: "به اندازهٔ درود فرستادن بر محمّد، از ذکر من بکاهید". [بنا بر این، این گفتهٔ آدمی: درود خدا بر محمّد باد] در نماز، همسنگ این است که بگوید: پاکا خدا و ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست. خدا بزرگ‌تر است».

۲۹۵۲ . **امام صادق** ﷺ: برترین دعا، درود فرستادن بر پیامبر خداست.

۲۹۵۳ . **امام صادق** ﷺ: هر که یاد خدا کند، ده نیکی برایش نوشته می‌شود، و هر که یاد پیامبر خدا کند، [نیز] ده نیکی برایش نوشته می‌شود؛ چرا که خدای متعال پیامبرش را در کنار خودش قرار داده است.

۲۹۵۴ . **الکافی** ـ به نقل از عبد السلام بن نعیم ـ: به امام صادق ﷺ گفتم: من به خانه (کعبه) در آمدم؛ امّا هیچ دعایی جز درود فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد، به یادم نیامد.

فَقالَ : أما إنَّهُ لَم يَخرُج أحَدٌ بِأفضَلَ مِمّا خَرَجتَ بِهِ.[١]

٢٩٥٥ . **تهذيب الأحكام عن أبي بصير:** قُلتُ لِأَبي عَبدِ اللهِ عليه السلام : أُصَلّي عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله وأنَا ساجِدٌ؟

فَقالَ : نَعَم ، هُوَ مِثلُ سُبحانَ اللهِ ، وَاللهُ أكبَرُ.[٢]

٢٩٥٦ . **الكافي عن عبدالله بن سليمان:** سَأَلتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَذكُرُ النَّبيَّ صلى الله عليه وآله وهُوَ فِي الصَّلاةِ المَكتوبَةِ إمّا راكِعاً وإمّا ساجِداً ، فَيُصَلّي عَلَيهِ وهُوَ عَلىٰ تِلكَ الحالِ؟

فَقالَ : نَعَم ، إنَّ الصَّلاةَ عَلىٰ نَبِيِّ اللهِ صلى الله عليه وآله كَهَيئَةِ التَّكبيرِ وَالتَّسبيحِ ، وهِيَ عَشرُ حَسَناتٍ ، يَبتَدِرُها ثَمانِيَةَ عَشَرَ مَلَكاً أيُّهُم يُبَلِّغُها إيّاهُ.[٣]

٢٩٥٧ . **الإمام الكاظم عليه السلام:** أفضَلُ الدُّعاءِ الصَّلاةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِم ، ثُمَّ الدُّعاءُ لِلإِخوانِ ، ثُمَّ الدُّعاءُ لِنَفسِكَ فيما أحبَبتَ.[٤]

٢٩٥٨ . **الكافي عن عبيدالله بن عبد الله:** دَخَلتُ عَلىٰ أبِي الحَسَنِ الرِّضا عليه السلام فَقالَ لي : ما مَعنىٰ قَولِهِ : ﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ﴾[٥]؟ قُلتُ : كُلَّما ذَكَرَ اسمَ رَبِّهِ قامَ فَصَلّىٰ.

فَقالَ لي : لَقَد كَلَّفَ اللهُ هٰذا شَطَطاً[٦]! فَقُلتُ : جُعِلتُ فِداكَ فَكَيفَ هُوَ؟

فَقالَ : كُلَّما ذَكَرَ اسمَ رَبِّهِ صَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ.[٧]

---

١ . الكافي : ج ٢ ص ٤٩٤ ح ١٧ ، ثواب الأعمال : ص ١٨٦ ح ٢ ، عدّة الداعي : ص ١٥٠ عن عبد الله بن نعيم ، بحار الأنوار : ج ٩٩ ص ٣٦٩ ح ٥ وج ٩٤ ص ٥٧ ح ٣٤.

٢ . تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ٣١٤ ح ١٢٧٩.

٣ . الكافي : ج ٣ ص ٣٢٢ ح ٥ ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ٢٩٩ ح ١٢٠٦ عن عبد الله بن سنان.

٤ . مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٢٣٨ ح ٢٥٧٧ ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص ٣٤٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣٢٢ ح ٣٥ وص ٢٩٦ ح ٢٣.

٥ . الأعلى : ١٥.

٦ . كَلَّفتَني شَطَطاً : أي أمراً شاقّاً (مجمع البحرين : ج ٢ ص ٩٥٢ «شطط»).

٧ . الكافي : ج ٢ ص ٤٩٤ ح ١٨.

فرمود: «بدان که هیچ کس با چیزی (و پاداشی) برتر از آنچه تو با آن بیرون آمدی، بیرون نیامده است».

۲۹۵۵ . **تهذیب الأحکام** ـ به نقل از ابو بصیر ـ: به امام صادق﵇ گفتم: در حال سجده، بر پیامبرﷺ درود بفرستم؟

فرمود: «آری. آن، همانند "سبحان الله" و "الله أکبر" است».

۲۹۵۶ . **الکافی** ـ به نقل از عبد الله بن سلیمان ـ: از امام صادق﵇ پرسیدم: انسان در حال گزاردن نماز واجب، در رکوع یا سجود، نام پیامبرﷺ را می‌برد. آیا در آن حال، بر او درود بفرستد؟

فرمود: «آری. درود فرستادن بر پیامبر خدا، همانند گفتن "الله أکبر" و "سبحان الله" است و ده ثواب دارد و هجده فرشته به سوی آن ثواب‌ها می‌شتابند تا هر یک زودتر از دیگری آنها را به او برسانند».

۲۹۵۷ . **امام کاظم﵇**: بهترین دعا، درود فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد است ـ که درود خدا بر ایشان باد ـ. سپس دعا کردن برای برادران و آن گاه دعا کردن برای خودت در بارهٔ آنچه دوست داری.

۲۹۵۸ . **الکافی** ـ به نقل از عبید الله بن عبدالله ـ: بر امام رضا﵇ در آمدم. به من فرمود: «معنای این سخن خداوند: ﴿و نام پروردگارش را برد و نماز گزارد﴾ چیست؟».

گفتم: یعنی هر زمان که نام پروردگارش را بُرد، برخیزد و نماز بگزارد.

به من فرمود: «پس خداوند، تکلیف فراتر از توان کرده است!».

گفتم: قربانت گردم! پس معنایش چیست؟

فرمود: «یعنی هرگاه نام پروردگارش را برد، بر محمّد و خاندان او درود فرستد».

٢٩٥٩ . الإمام الرضا عليه السلام: الصَّلاةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ تَعدِلُ عِندَ اللهِ عزوجل التَّسبيحَ وَالتَّهليلَ وَالتَّكبيرَ.[١]

٢٩٦٠ . الإمام الهادي عليه السلام: إنَّمَا اتَّخَذَ اللهُ عزوجل إبراهيمَ خَليلاً لِكَثرَةِ صَلاتِهِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِم.[٢]

راجع: ص ٣٧٢ (بركات الصلاة على رسول الله وأهل بيته).

٢ / ٢
قيمَةُ الصَّلاةِ عَلَيهِ وَعَلىٰ آلِهِ صلى الله عليه وآله يَومَ الجُمُعَةِ وَلَيلَتِها

٢٩٦١ . رسول الله صلى الله عليه وآله: أكثِروا عَلَيَّ الصَّلاةَ يَومَ الجُمُعَةِ.[٣]

٢٩٦٢ . عنه صلى الله عليه وآله: أكثِرُوا الصَّلاةَ عَلَيَّ يَومَ الجُمُعَةِ ولَيلَةَ الجُمُعَةِ؛ فَمَن صَلّىٰ عَلَيَّ صَلاةً صَلَّى اللهُ عَلَيهِ عَشراً.[٤]

٢٩٦٣ . عنه صلى الله عليه وآله: أكثِروا مِنَ الصَّلاةِ عَلَيَّ في يَومِ الجُمُعَةِ ولَيلَةِ الجُمُعَةِ؛ فَمَن فَعَلَ ذٰلِكَ كُنتُ لَهُ شَهيداً وشافِعاً يَومَ القِيامَةِ.[٥]

٢٩٦٤ . عنه صلى الله عليه وآله: أكثِروا عَلَيَّ مِنَ الصَّلاةِ في كُلِّ يَومِ جُمُعَةٍ؛ فَإنَّ صَلاةَ أُمَّتي تُعرَضُ عَلَيَّ في

---

١ . عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٢٩٤ ح ٥٢، الأمالي للصدوق: ص ١٣٢ ح ١٢٤ كلاهما عن الحسن بن عليّ بن فضّال، روضة الواعظين: ص ٣٥٣، جامع الأخبار: ص ١٥٥ ح ٣٥٩، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٧ ح ٢.

٢ . علل الشرائع: ص ٣٤ ح ٣ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٤ ح ٩.

٣ . عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ١٣٥ ح ٣٧٩، مسند الشاميّين: ج ٤ ص ١٨ ح ٢٦ كلاهما عن أنس، فضل الصلاة على النبيّ صلى الله عليه وآله للجهضمي: ص ٤٠ عن الحسن، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ٣ ص ٢٠٥ ح ٥٣٣٨ وفيه «عن أبي عمران الجوني قال: بلغني أنّ رسول الله صلى الله عليه وآله كان يقول ...».

٤ . السنن الكبرى: ج ٣ ص ٣٥٣ ح ٥٩٩٤، فضائل الأوقات للبيهقي: ص ١٣٦ ح ٣٢١ كلاهما عن أنس، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٩٤ ح ٢١٧٩.

٥ . كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٩ ح ٢١٤٢، الجامع الصغير: ج ١ ص ٢٠٩ ح ١٤٠٥ كلاهما نقلاً عن البيهقي في شُعب الإيمان عن أنس.

۲۹۵۹ . **امام رضا**ﷺ: درود فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد، در نزد خداوند، همسنگ گفتنِ «سبحان الله» و گفتن «لا إله إلّا الله» و گفتن «الله أكبر» است.

۲۹۶۰ . **امام هادی**ﷺ: خداوند ﷻ به این دلیل، ابراهیمﷺ را خلیل خود کرد که بر محمّد و خاندان او ـ که درودهای خدا بر ایشان باد ـ زیاد درود می‌فرستاد.

ر.ک: ص ۳۷۳ (برکت‌های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و اهل بیت او).

۲ / ۲
ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او ﷺ در روز و شب جمعه

۲۹۶۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: در روز جمعه، فراوان بر من درود بفرستید.

۲۹۶۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: در روز و شب جمعه، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا هر کس بر من یک درود بفرستد، خداوند، ده درود بر او می‌فرستد.

۲۹۶۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: در روز و شب جمعه، فراوان بر من درود بفرستید، که هر کس چنین کند، در روز قیامت، گواه و شفیع او می‌شوم.

۲۹۶۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: در روزهای جمعه، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا درودهای امّتم، در هر روز جمعه به من ارائه می‌شود. پس هر کس بیشتر بر من درود

كُلِّ يَومِ جُمُعَةٍ، فَمَن كانَ أكثَرَهُم عَلَيَّ صَلاةً كانَ أقرَبَهُم مِنّي مَنزِلَةً.[١]

٢٩٦٥ . عنه ﷺ: إنَّ مِن أفضَلِ أيّامِكُم يَومَ الجُمُعَةِ؛ فَأكثِروا عَلَيَّ مِنَ الصَّلاةِ فيهِ، فَإنَّ صَلاتَكُم مَعروضَةٌ عَلَيَّ.[٢]

٢٩٦٦ . الإمام عليّ عليه السلام: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: أكثِروا مِنَ الصَّلاةِ عَلَيَّ يَومَ الجُمُعَةِ؛ فَإنَّهُ يَومٌ تُضاعَفُ فيهِ الأعمالُ، وَاسأَلُوا اللهَ تَعالىٰ لِيَ الدَّرَجَةَ الوَسيلَةَ[٣] مِنَ الجَنَّةِ.

قيلَ: يا رَسولَ اللهِ، ومَا الدَّرَجَةُ الوَسيلَةُ مِنَ الجَنَّةِ؟

قالَ ﷺ: هِيَ أعلىٰ دَرَجَةٍ فِي الجَنَّةِ لايَنالُها إلّا نَبِيٌّ، وأرجو أن أكونَ أنَا هُوَ.[٤]

٢٩٦٧ . رسول الله ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ يَومَ الجُمُعَةِ إيماناً وَاحتِساباً، اِستَأنَفَ العَمَلَ.[٥]

٢٩٦٨ . عنه ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ يَومَ الجُمُعَةِ مِئَةَ مَرَّةٍ، جاءَ يَومَ القِيامَةِ ومَعَهُ نورٌ لَو قُسِّمَ ذٰلِكَ النُّورُ بَينَ الخَلقِ كُلِّهِم لَوَسِعَهُم.[٦]

٢٩٦٩ . عنه ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ يَومَ الجُمُعَةِ مِئَةَ مَرَّةٍ، قَضَى اللهُ لَهُ سِتّينَ حاجَةً؛ ثَلاثونَ مِنها لِلدُّنيا، وثَلاثونَ لِلآخِرَةِ.[٧]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . السنن الكبرى: ج ٣ ص ٣٥٣ ح ٥٩٩٥ عن أبي أُمامة، كنزالعمّال: ج ١ ص ٤٨٨ ح ٢١٤١؛ بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٥٨ نقلاً عن الرسالة للشهيد الثاني.

٢ . سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٨٨ ح ١٥٣١ وج ١ ص ٢٧٥ ح ١٠٤٧، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٥٢٤ ح ١٦٣٦، سنن النسائي: ج ٣ ص ٩١، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ١٩١ ح ٩١٠، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٣٥٣ ح ٥٩٩٣ كلّها عن أوس بن أوس.

٣ . في جامع الأخبار: «الدرجة والوسيلة».

٤ . مسند زيد: ص ١٥٦، جامع الأخبار: ص ١٥٧ ح ٣٧٠ وراجع دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٧٩ وبحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٥ ح ٥٢.

٥ . المحاسن: ج ١ ص ١٣٢ ح ١٦١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام.

٦ . حلية الأولياء: ج ٨ ص ٤٧ عن محمّد بن عجلان عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام عليّ عليه السلام، كنزالعمّال: ج ١ ص ٥٠٧ ح ٢٢٤٠.

٧ . ثواب الأعمال: ص ١٨٧ ح ١ عن محمّد بن الفضيل عن الإمام الرضا عليه السلام، المصباح للكفعمي: ص ٤٢١ بهامشه، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٥١ ح ٢٨.

فرستد، مقامش به من نزدیک‌تر است.

۲۹۶۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: یکی از بافضیلت‌ترین روزهای شما روز جمعه است. پس در این روز، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا درود شما به من عرضه می‌شود.

۲۹۶۶ . **امام علی**ؑ: پیامبر خدا فرمود: «در روز جمعه، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا جمعه روزی است که در آن، اعمال، دو چندان محاسبه می‌شوند. از خداوند بزرگ برای من درجهٔ "وسیله" را در بهشت، مسئلت کنید».

گفته شد: ای پیامبر خدا! درجهٔ «وسیله» در بهشت چیست؟

فرمود: «آن، بالاترین درجهٔ بهشت است و جز پیامبر، کسی به آن مقام نمی‌رسد و امیدوارم که من، آن پیامبر باشم».

۲۹۶۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در روز جمعه، از روی ایمان و برای رضای خدا، بر من درود فرستد، کار را از نو آغاز کرده است.[۱]

۲۹۶۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در روز جمعه، صد مرتبه بر من درود فرستد، روز قیامت با چنان نوری بیاید که اگر آن نور در میان همهٔ خلایق تقسیم شود، همگان را جوابگو خواهد بود.

۲۹۶۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در روز جمعه صد بار بر من درود فرستد، خداوند، شصت حاجت او را برمی‌آورد: سی حاجت دنیوی و سی حاجت اُخروی.

---

۱ . کنایه از این که تمام گناهانش آمرزیده شده است.

٢٩٧٠ . عنه ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ يَومَ الجُمُعَةِ، كانَت شَفاعَةً لَهُ عِندي يَومَ القِيامَةِ.[١]

٢٩٧١ . الإمام الصادق ﷺ: إنَّ مِنَ السُّنَّةِ أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ أهلِ بَيتِهِ في كُلِّ يَومِ جُمُعَةٍ ألفَ مَرَّةٍ، وفي سائِرِ الأيّامِ مِئَةَ مَرَّةٍ.[٢]

٢٩٧٢ . عنه ﷺ ـ لِعُمَرَ بنِ يَزيدٍ ـ: يا عُمَرُ، إنَّهُ إذا كانَ لَيلَةُ الجُمُعَةِ نَزَلَ مِنَ السَّماءِ مَلائِكَةٌ بِعَدَدِ الذَّرِّ، في أيديهِم أقلامُ الذَّهَبِ وقَراطيسُ الفِضَّةِ، لا يَكتُبونَ[٣] إلىٰ لَيلَةِ السَّبتِ إلّا الصَّلاةَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وعَلَيهِم، فَأكثِر مِنها.[٤]

٣ / ٢

قيمَةُ الصَّلاةِ عَلَيهِ وعَلىٰ آلِهِ ﷺ عِندَ الدُّعاءِ

٢٩٧٣ . رسول الله ﷺ: لا تَجعَلوني كَقَدَحِ الرّاكِبِ[٥]؛ فَإنَّ الرّاكِبَ يَملَأُ قَدَحَهُ فَيَشرَبُهُ إذا شاءَ. اِجعَلوني في أوَّلِ الدُّعاءِ وفي آخِرِهِ وفي وَسَطِهِ.[٦]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . كنزالعمّال: ج ١ ص ٥٠٦ ح ٢٢٣٩ نقلاً عن الديلمي عن عائشة.

٢ . الكافي: ج ٣ ص ٤١٦ ح ١٣، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٤ ح ٩، جمال الأسبوع: ص ١٢٤ كلّها عن عمر بن يزيد، جامع الأحاديث للقمّي: ص ١٥٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣١٥ ح ٢٤.

٣ . في الكافي: «لا تكتبون»، والتصويب من بحار الأنوار والمصادر الأخرى.

٤ . الكافي: ج ٣ ص ٤١٦ ح ١٣، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٤ ح ٩، جمال الأسبوع: ص ١٢٣ كلّها عن عمر بن يزيد، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣١٤ ح ٢٤ وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٢٥١ والخصال: ص ٣٩٣ ح ٩٥.

٥ . اي اجعلوا لذكري منزلة خاصّة، لا أن تذكروني متى ما شئتم ظنّاً بعدم أهمّية ذكري.
تجدر الإشارة إلى أنّ ابن الأثير شرح هذا الحديث كما يلي: أي لا تؤخّروني في الذكر؛ لأنّ الراكب يعلّق قَدَحه في آخر رحْله عند فراغه من ترحاله، ويجعله خلفه (النهاية: ج ٤ ص ١٩ «قدح»).

٦ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٢ ح ٥ عن ابن القدّاح، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٩ ح ٢٠٣٩ كلاهما عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٦ ح ٢١؛ المصنّف لعبد الرزّاق: ج ٢ ص ٢١٦ ح ٣١١٧، شعب الإيمان: ج ٢ ص ٢١٦ ح ١٥٧٨ كلاهما عن جابر نحوه، كنزالعمّال: ج ١ ص ٥٠٩ ح ٢٢٥٣.

۲۹۷۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در روز جمعه، بر من درود بفرستد، در روز قیامت، آن درود، شفیع او در نزد من خواهد بود (/به واسطهٔ آن، شفاعتش خواهم کرد).

۲۹۷۱ . **امام صادق**ؑ: از سنّت است که در هر روز جمعه، هزار مرتبه و در دیگر روزها، صد مرتبه بر محمّد و اهل بیت او درود بفرستی.

۲۹۷۲ . **امام صادق**ؑ ـ به عمر بن یزید ـ: ای عمر! چون شب جمعه می‌شود، به شمار مورچگان از آسمان، فرشته فرود می‌آید و در دستانشان خامه‌های زرّین و کاغذهای سیمین است و تا شب شنبه، جز درود بر محمّد و خاندان محمّد ـ که درود خدا به او و بر ایشان باد ـ، چیزی را نمی‌نویسند. پس فراوان درود بفرست.

۳/۲
ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او ﷺ در هنگام دعا

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۹۷۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: مرا به سانِ پیالهٔ سواره قرار ندهید[1] که هرگاه می‌خواهد [و تشنه می‌شود]، پیاله‌اش را پُر می‌کند و می‌نوشد؛ [بلکه] مرا در آغاز دعا و در پایان و در میان آن، جای دهید.

---

۱ . یعنی برای یاد کردن من، اهمّیت قائل شوید، نه این که هر گاه دلتان خواست، به گمان این که یاد من اهمّیتی ندارد، از من یاد کنید.

٢٩٧٤ . عنه ﷺ: الدُّعاءُ مَحجوبٌ عَنِ اللهِ حَتّىٰ يُصَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ.[١]

٢٩٧٥ . الإمام الصادق ﷺ: كُلُّ دُعاءٍ يُدعَى اللهُ ﷻ بِهِ مَحجوبٌ عَنِ السَّماءِ، حَتّىٰ يُصَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ.[٢]

٢٩٧٦ . عنه ﷺ: مَن كانَت لَهُ إلَى اللهِ ﷻ حاجَةٌ فَليَبدَأ بِالصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، ثُمَّ يَسأَلُ حاجَتَهُ، ثُمَّ يَختِمُ بِالصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ؛ فَإِنَّ اللهَ ﷻ أكرَمُ مِن أن يَقبَلَ الطَّرَفَينِ ويَدَعَ الوَسَطَ، إذا كانَتِ الصَّلاةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ لا تُحجَبُ عَنهُ.[٣]

٢٩٧٧ . عيون أخبار الرضا ﷺ عن رجاء بن أبي الضحّاك: كانَ [الرِّضا] ﷺ يَبدَأُ في دُعائِهِ بِالصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، ويُكثِرُ مِن ذٰلِكَ فِي الصَّلاةِ وغَيرِها.[٤]

راجع: ص ٣٣٢ (قيمة الصلاة على النبيّ وآله).

٤ / ٢
قيمَةُ الصَّلاةِ عَلَيهِ وعَلىٰ آلِهِ ﷺ في الكِتابَةِ

٢٩٧٨ . رسول الله ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ في كِتابِهِ، لَم تَزَلِ المَلائِكَةُ تُصَلّي عَلَيهِ مادامَ اسمي في

---

١ . شُعب الإيمان: ج ٢ ص ٢١٦ ح ١٥٧٦ عن الحارث، كنز العمّال: ج ٢ ص ٧٨ ح ٣٢١٥ نقلاً عن أبي الشيخ وكلاهما عن الإمام عليّ ﷺ؛ عوالي اللآلي: ج ٢ ص ٢٢٣ ح ٣١ وفيه «كلّ دعاء» بدل «الدعاء».

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١٠ عن صفوان الجمّال، ثواب الأعمال: ص ١٨٦ ح ٣، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٨ ح ٢٢٣٨ كلاهما عن الحارث الأعور عن الإمام عليّ ﷺ وليس فيهما «يدعى الله ﷻ به»، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ٢٦٠ ح ١٥؛ المعجم الأوسط: ج ١ ص ٢٢٠ ح ٧٢١، شُعب الإيمان: ج ٢ ص ٢١٦ ح ١٥٧٥ كلاهما عن الحارث وعاصم بن ضمرة عن الإمام عليّ ﷺ وليس فيهما «يدعى الله ﷻ به»، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٦٩ ح ٣٩٨٨.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٤ ح ١٦ عن ابن جمهور عن أبيه عن رجاله، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٩ ح ٢٠٤٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٦ ح ٢١.

٤ . عيون أخبار الرضا ﷺ: ج ٢ ص ١٨٢ ح ٥، بحار الأنوار: ج ٤٩ ص ٩٤ ح ٧.

۲۹۷۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: دعا به درگاه خدا نمی‌رسد، تا آن گاه که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستاده شود.

۲۹۷۵ . **امام صادق**ؑ: هر دعایی به درگاه خدای ﷻ از رفتن به آسمان، ممنوع است تا آن گاه که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستاده شود.

۲۹۷۶ . **امام صادق**ؑ: هر کس به خداوند ﷻ حاجتی داشت، نخست بر محمّد و خاندان او درود فرستد، سپس حاجت خود را بخواهد و در پایان، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستد؛ زیرا خدای ﷻ کریم‌تر از آن است که دو سوی [دعا] را بپذیرد و میان [آن] را وا نهد؛ چرا که درود فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد، از درگاه خداوند، منع نمی‌شود.

۲۹۷۷ . **عیون أخبار الرضا**ؑ ـ به نقل از رجاء بن أبی ضحّاک ـ: امام رضاؑ دعایش را با درود فرستادن بر محمّد و خاندان او آغاز می‌کرد و در نماز و غیر نماز، فراوان درود می‌فرستاد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ر.ک: ص ۳۳۳ (ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او).

۴ / ۲
ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او ﷺ در نوشتار

۲۹۷۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در نوشته‌اش بر من درود فرستد، تا زمانی که نام من در آن

ذٰلِكَ الكِتابِ.[١]

٢٩٧٩ . عنه ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ في كِتابٍ، لَم تَزَلِ المَلائِكَةُ تَستَغفِرُ لَهُ مادامَ اسمي في ذٰلِكَ الكِتابِ.[٢]

٥ / ٢
بُلوغُ صَلاةِ المُؤمِنينَ إلَى النَّبِيِّ ﷺ

٢٩٨٠ . رسول الله ﷺ: صَلّوا عَلَيَّ وسَلِّموا؛ فَإِنَّ صَلاتَكُم وسَلامَكُم يَبلُغُني أينَما كُنتُم.[٣]

٢٩٨١ . عنه ﷺ: حَيثُما كُنتُم فَصَلّوا عَلَيَّ؛ فَإِنَّ صَلاتَكُم تَبلُغُني.[٤]

٢٩٨٢ . عنه ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ عِندَ قَبري سَمِعتُهُ، ومَن صَلّىٰ عَلَيَّ نائِياً أُبلِغتُهُ.[٥]

٢٩٨٣ . عنه ﷺ: إنَّ لِلّهِ مَلائِكَةً سَيّاحينَ في الأَرضِ، يُبَلِّغوني مِن أُمَّتي السَّلامَ.[٦]

---

١ . تاريخ دمشق: ج ٦ ص ٨٠ ح ١٤٢٢ عن أبي هريرة، تفسير القرطبي: ج ١٤ ص ٢٣٥؛ جامع الأخبار: ص ١٥٧ ح ٣٧٣ عن أبي هريرة.

٢ . المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٢٣٢ ح ١٨٣٥ عن أبي هريرة، ربيع الأبرار: ج ٢ ص ٢٤٨، كنزالعمّال: ج ١ ص ٥٠٧ ح ٢٢٤٣؛ منية المريد: ص ٣٤٧.

٣ . مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ١٧١ ح ٦٧٢٨ عن العلاء بن عبد الرحمٰن عن الإمام الحسن ﷺ، كنزالعمّال: ج ١ ص ٤٩٨ ح ٢١٩٩ نقلاً عن الحكيم عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه ﷺ عنه ﷺ؛ كنزالفوائد: ج ٢ ص ١٥٢ عن الأشجّ عن الإمام عليّ ﷺ عنه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٨٣ ص ٣٢٤ ح ٢٤.

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٩٧ ح ٨٨١٢ عن أبي هريرة، المعجم الكبير: ج ٣ ص ٨٢ ح ٢٧٢٩ عن الحسن بن الإمام الحسن بن عليّ بن أبي طالب عن أبيه ﷺ عنه ﷺ؛ كنزالفوائد: ج ٢ ص ١٥٢ عن الأشجّ عن الإمام عليّ ﷺ عنه ﷺ.

٥ . شُعب الإيمان: ج ٢ ص ٢١٨ ح ١٥٨٣، تاريخ بغداد: ج ٣ ص ٢٩٢ كلاهما عن أبي هريرة؛ الفصول المختارة: ص ١٣٠ وفيه «من سلّم» بدل «من صلّى»؛ الأمالي للطوسي: ص ١٦٧ ح ٢٧٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٨٢ ح ٤.

٦ . سنن النسائي: ج ٣ ص ٤٣، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ١٦٩ ح ٤٣٢٠ وص ١٤٦ ح ٤٢١٠، سنن الدارمي: ج ٢ ص ٧٧٣ ح ٢٦٧٢، المستدرك على الصحيحين: ج ٢ ص ٤٥٦ ح ٣٥٧٦، شُعب الإيمان: ج ٢ ص ٢١٨ ح ١٥٨٢؛ الأمالي للصدوق: ص ٣٨٩ ح ٥٠١ كلّها عن عبد الله بن مسعود.

نوشته باشد، فرشتگان بر او درود می‌فرستند.

۲۹۷۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در نوشته‌ای بر من درود فرستد، تا آن گاه که نام من در آن نوشته است، فرشتگان، پیوسته برایش آمرزش می‌طلبند.

۵ / ۲
رسیدن صلوات مؤمنان به پیامبرﷺ

۲۹۸۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: بر من درود و سلام بفرستید؛ زیرا درود و سلام شما، هر کجا که باشید، به من می‌رسد.

۲۹۸۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر جا که بودید، بر من درود بفرستید؛ چون درود شما به من می‌رسد.

۲۹۸۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در کنار قبرم بر من درود بفرستد، آن را می‌شنوم و هر کس از دور بر من درود فرستد، درودش به اطّلاع من رسانده می‌شود.

۲۹۸۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند، فرشتگانی دارد که در زمین می‌گردند و سلام امّتم را به من می‌رسانند.

٢٩٨٤ . عنه ﷺ: أكثِروا عَلَيَّ الصَّلاةَ في يَومِ الجُمُعَةِ ؛ فَإِنَّهُ لَيسَ أحَدٌ يُصَلّي عَلَيَّ يَومَ الجُمُعَةِ إلّا عُرِضَت عَلَيَّ صَلاتُهُ.[١]

٢٩٨٥ . سنن ابن ماجة عن أبي الدرداء: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ : أكثِرُوا الصَّلاةَ عَلَيَّ يَومَ الجُمُعَةِ ؛ فَإِنَّهُ مَشهودٌ تَشهَدُهُ المَلائِكَةُ، وإنَّ أحداً لَن يُصَلِّيَ عَلَيَّ إلّا عُرِضَت عَلَيَّ صَلاتُهُ حَتّىٰ يَفرُغَ مِنها.

قُلتُ : وبَعدَ المَوتِ ؟

قالَ : وبَعدَ المَوتِ، إنَّ اللهَ حَرَّمَ عَلَى الأَرضِ أن تَأكُلَ أجسادَ الأَنبِياءِ، فَنَبِيُّ اللهِ حَيٌّ يُرزَقُ.[٢]

٢٩٨٦ . الإمام الصادق ﷺ: صَلّوا إلىٰ جانِبِ قَبرِ النَّبيِّ ﷺ، وإن كانَت صَلاةُ المُؤمِنينَ تَبلُغُهُ أينَما كانوا.[٣]

٢٩٨٧ . عنه ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَى النَّبيِّ وآلِهِ مِئَةَ مَرَّةٍ في كُلِّ يَومٍ، أسداها[٤] سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ يُبَلِّغُها إلىٰ رَسولِ اللهِ ﷺ قَبلَ صاحِبِهِ.[٥]

راجع: ص ٣٤٢ (قيمة الصلاة عليه وعلى آله يوم الجمعة وليلتها).

---

١ . المستدرك على الصحيحين : ج ٢ ص ٤٥٧ ح ٣٥٧٧ عن أبي مسعود الأنصاري، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٣٩٩ ح ٦ عن الحسن وفيه «فإنّها معروضة عليّ» بدل «فإنّه ليس ...»، فضل الصلاة على النبي ﷺ للجهضمي: ص ٤٠ عن الحسن وفيه «فإنّها تعرض عليّ»، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٩٤ ح ٢١٧٨ وص ٥٠٦ ح ٢٢٣٥.

٢ . سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٥٢٤ ح ١٦٣٧، البداية والنهاية: ج ٥ ص ٢٧٦؛ مجمع البيان: ج ١٠ ص ٧٠٨.

٣ . الكافي : ج ٤ ص ٥٥٣ ح ٧، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٧ ح ١١ كلاهما عن معاوية بن وهب، الأصول الستّة عشر: ص ٨٣ عن ذريح المحاربي، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٥٦ ح ٣٠.

٤ . السَّدْوُ : مدّ اليد نحو الشيء (لسان العرب : ج ١٤ ص ٣٧٤ «سدا»).

٥ . جامع الأخبار: ص ١٥٥ ح ٣٥٣ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٣ ح ٥٢.

۲۹۸۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: در روز جمعه، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا هیچ کس نیست که در روز جمعه بر من صلوات بفرستد، مگر آن که درودش به من رسانده می‌شود.

۲۹۸۵ . **سنن ابن ماجة** ـ به نقل از ابودرداء ـ: پیامبر خدا فرمود: «در روز جمعه، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا در روز جمعه، فرشتگان، همه جا حاضر می‌شوند، و هر کس بر من درود فرستد، درودش به من ابلاغ می‌شود، تا آن گاه که از درود فرستادن، فارغ شود».

من گفتم: حتّی بعد از مرگ؟

فرمود: «حتّی بعد از مرگ؛ [چون] خداوند، زمین را ممنوع کرده است که جسدهای پیامبران را بخورد. پس، پیامبر خدا زنده است و روزی می‌خورد».

۲۹۸۶ . **امام صادق**ﷺ: در کنار قبر پیامبرﷺ، درود بفرستید، هر چند که درود مؤمنان، هر کجا که باشند، به ایشان می‌رسد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۹۸۷ . **امام صادق**ﷺ: هر کس در هر روز، صد مرتبه بر پیامبرﷺ و خاندان او درود بفرستد، هفتاد هزار فرشته دست‌هایشان را به سوی آن صلوات‌ها دراز می‌کنند تا هر یک، زودتر از دیگری، آنها را به پیامبر خدا برسانند.

ر. ک: ص ۳۴۳ (ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او در روز و شب جمعه).

٦ / ٢
ذَمُّ تَركِ الصَّلاةِ عِندَ ذِكرِ النَّبيِّ صلى الله عليه وآله

٢٩٨٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ البَخيلَ كُلَّ البَخيلِ الَّذي إذا ذُكِرتُ عِندَهُ لَم يُصَلِّ عَلَيَّ.[١]

٢٩٨٩ . عنه صلى الله عليه وآله: كَفىٰ بِهِ شُحّاً أن أُذكَرَ عِندَهُ ثُمَّ لا يُصَلّي عَلَيَّ.[٢]

٢٩٩٠ . عنه صلى الله عليه وآله: مِنَ الجَفاءِ أن أُذكَرَ عِندَ الرَّجُلِ فَلا يُصَلّي عَلَيَّ.[٣]

٢٩٩١ . عنه صلى الله عليه وآله ـ في حَديثٍ يَذكُرُ فيهِ أبخَلَ النّاسِ و... وأجفَى النّاسِ ـ: وأمّا أجفَى النّاسِ، فَرَجُلٌ ذُكِرتُ بَينَ يَدَيهِ فَلَم يُصَلِّ عَلَيَّ.[٤]

٢٩٩٢ . عنه صلى الله عليه وآله: مَن ذُكِرتُ عِندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَيَّ، دَخَلَ النّارَ فَأبعَدَهُ اللهُ.[٥]

٢٩٩٣ . عنه صلى الله عليه وآله: ناداني جِبريلُ مِن تِلقاءِ العَرشِ، فَقالَ: يا مُحَمَّدُ، الرَّحمٰنُ عز وجل يَقولُ لَكَ: مَن ذُكِرتَ بَينَ يَدَيهِ فَلَم يُصَلِّ عَلَيكَ دَخَلَ النّارَ.[٦]

٢٩٩٣ . عنه صلى الله عليه وآله: رَغِمَ أنفُ رَجُلٍ ذُكِرتُ عِندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَيَّ.[٧]

---

١ . الإرشاد: ج ٢ ص ١٦٩، معاني الأخبار: ص ٢٤٦ ح ٩؛ سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٥١ ح ٣٥٤٦، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٤٢٩ ح ١٧٣٦، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٣٤ ح ٢٠١٥ كلّها عن عبد الله بن عليّ بن الحسين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام.

٢ . المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٣٩٩ ح ٧ عن الحسن.

٣ . المصنّف لعبد الرزّاق: ج ٢ ص ٢١٧ ح ٣١٢١ عن محمّد بن عليّ.

٤ . عدّة الداعي: ص ٣٤، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣٧، إرشاد القلوب: ص ٨٠، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٥٧ ح ٥٥.

٥ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٥ ح ١٩، الأمالي للصدوق: ص ٦٧٦ ح ٩١٨، المحاسن: ج ١ ص ١٧٩ ح ٢٨٠ كلّها عن محمّد بن هارون، ثواب الأعمال: ص ٢٤٦ ح ١ عن محمّد بن مروان وكلّها عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، روضة الواعظين: ص ٣٥٥، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٧٤ ح ٦٢؛ صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ١٨٨ ح ٩٠٧ عن أبي هريرة، المعجم الكبير: ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٢٠٢٢ عن جابر وكلاهما نحوه.

٦ . الفردوس: ج ٤ ص ٢٨١ ح ٦٨٣١ عن عبد الله بن جراد.

٧ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٥٠ ح ٣٥٤٥، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٦١ ح ٧٤٥٥، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٣٤ ح ٢٠١٦ كلّها عن أبي هريرة؛ جامع الأحاديث للقمّي: ص ٨٣، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٨٦ ح ١٠٠ نقلاً عن كتاب الإمامة والتبصرة.

۶ / ۲
نکوهش صلوات نفرستادن در هنگام برده شدن نام پیامبر ﷺ

۲۹۸۸ . **پیامبر خدا** ﷺ: بخیل واقعی، کسی است که هرگاه نام من در نزد او برده شود، بر من درود نفرستد.

۲۹۸۹ . **پیامبر خدا** ﷺ: در بُخل شخص، همین بس که نام من در نزد او برده شود و بر من، درود نفرستد.

۲۹۹۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: از بی‌مهری [به من] است که نزد کسی نام من برده شود و او بر من، درود نفرستد.

۲۹۹۱ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ در حدیثی که در آن، بخیل‌ترینِ مردم و... و بی‌مهرترینِ آنان را معرفی می‌کند ـ: و بی‌مهرترینِ مردم، مردی است که در حضور او نام من برده شود و او بر من، درود نفرستد.

۲۹۹۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: هر کس نام من در نزد او برده شود و بر من درود نفرستد، به آتش می‌رود و خدا او را [از رحمت خود] دور می‌کند.

۲۹۹۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: جبرئیل ﷺ از برابر عرش به من بانگ داد که: ای محمّد! خدای مهرگستر به تو می‌فرماید: «کسی که نام تو در حضورش برده شود و بر تو درود نفرستد، به دوزخ می‌رود».

۲۹۹۴ . **پیامبر خدا** ﷺ: خوار باد آن که نام من در نزدش برده شود و بر من، درود نفرستد!

٢٩٩٥ . عنه ﷺ: مَن ذُكِرتُ عُندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَيَّ، أخطَأَ طَريقَ الجَنَّةِ.[١]

٢٩٩٦ . عنه ﷺ: مَن ذُكِرتُ عِندَهُ فَنَسِيَ الصَّلاةَ عَلَيَّ، خُطِئَ بِهِ طَريقَ الجَنَّةِ.[٢]

٢٩٩٧ . عنه ﷺ: يا عَليُّ، مَن نَسِيَ الصَّلاةَ عَلَيَّ فَقَد أخطَأَ طَريقَ الجَنَّةِ.[٣]

٧ / ٢
لا صَلاةَ لِمَن لَم يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وآلِهِ ﷺ

٢٩٩٨ . رسول الله ﷺ: لا صَلاةَ لِمَن لا يُصَلّي عَلَى النَّبيِّ ﷺ.[٤]

٢٩٩٩ . عنه ﷺ: مَن صَلّىٰ صَلاةً لَم يُصَلِّ فيها عَلَيَّ ولا عَلىٰ أهلِ بَيتي، لَم تُقبَل مِنهُ.[٥]

٣٠٠٠ . الإمام الصادق ﷺ: مَن صَلّىٰ ولَم يُصَلِّ عَلَى النَّبيِّ ﷺ وتَرَكَ ذٰلِكَ مُتَعَمِّداً، فَلا صَلاةَ لَهُ.[٦]

---

١ . جامع الأخبار: ص ١٥٧ ح ٣٦٨، الجعفريات: ص ٢١٥ عن الإمام الكاظم عن آبائه ﷺ عنه ﷺ.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٥ ح ١٩ عن محمّد بن هارون وح ٢٠ عن أبي بصير، ثواب الأعمال: ص ٢٤٦ ح ١ عن محمّد بن مروان وكلّها عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٠ ح ٤٤.

٣ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٧٣ ح ٥٧٦٢ عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، الأمالي للطوسي: ص ١٤٥ ح ٢٣٦ عن بشر بن سالم البجلي ومحمّد بن عمران الذهلي عن الإمام الصادق ﷺ عنه ﷺ؛ سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٢٩٤ ح ٩٠٨، المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١٣٩ ح ١٢٨١٩ كلاهما عن ابن عبّاس، السنن الكبرى: ج ٩ ص ٤٨١ ح ١٩١٧٧ عن أبي هريرة وليس في الثلاثة الأخيرة «يا عليّ».

٤ . سنن ابن ماجة: ج ١ ص ١٤٠ ح ٤٠٠، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٤٠٢ ح ٩٩٢، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٥٢٩ ح ٣٩٦٧، المعجم الكبير: ج ٦ ص ١٢١ ح ٥٦٩٩ كلّها عن سهل بن سعد الساعدي؛ عوالي اللآلي: ج ٢ ص ٢٢٢ ح ٣٠.

٥ . سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٥٥ ح ٦ عن جابر عن الإمام الباقر ﷺ عن أبي مسعود الأنصاري، عوالي اللآلي: ج ٢ ص ٤٠ ح ١٠١ عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر ﷺ عن ابن مسعود الأنصاري، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٧٩.

٦ . تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٥٩ ح ٦٢٥ وج ٢ ص ١٠٨ ح ٣١٤، الاستبصار: ج ١ ص ٣٤٣ ح ١٢٩٢ كلّها عن

۲۹۹۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: کسی که نام من در حضورش برده شود و بر من درود نفرستد، از راه بهشتْ دور افتاده است.

۲۹۹۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس نام من در نزدش برده شود و او درود فرستادن بر من را فراموش کند، از راه بهشت، به بیراهه رفته است.

۲۹۹۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: ای علی! هر کس درود فرستادن بر من را فراموش کند، راه بهشت را گم کرده است.

۷ / ۲

پذیرفته نشدن نماز کسی که بر پیامبر و خاندان او علیهم‌السلام صلوات نفرستد

۲۹۹۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: نماز کسی که [در آن] بر پیامبرﷺ درود نفرستد، نماز نیست.

۲۹۹۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: کسی که نماز بخواند و در آن، بر من و اهل بیتم درود نفرستد، نمازش پذیرفته نمی‌شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۰۰۰ . **امام صادق**علیه‌السلام: کسی که نماز بخواند و [در آن] بر پیامبرﷺ درود نفرستد و این کار را عمداً نکند، نمازش نماز نیست.

٣٠٠١ . عنه ﷺ: إذا صَلّىٰ أحَدُكُم ولَم يَذكُرِ النَّبيَّ وآلَهُ ﷺ في صَلاتِهِ، يُسلَكُ بِصَلاتِهِ غَيرَ سَبيلِ الجَنَّةِ.[1]

٣٠٠٢ . الصواعق المحرقة عن الشافعي:

يـــا أهـــلَ بَيتِ رَسـولِ اللهِ حُـبُّكُمُ فَرضٌ مِنَ اللهِ فِـي القُـرآنِ أنـزَلَهُ
كَفاكُم مِـن عَـظيمِ القَـدرِ أنَّكُـمُ مَن لَم يُصَلِّ عَلَيكُم لا صَلاةَ لَهُ.[2]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٥ ح ١٩، الأمالي للصدوق: ص ٦٧٦ ح ٩١٧، المحاسن: ج ١ ص ١٧٩ ح ٢٨٠ كلّها عن محمّد بن هارون، ثواب الأعمال: ص ٢٤٦ ح ١ عن محمّد بن مروان، روضة الواعظين: ص ٣٥٥، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٨٠ ح ١.

٢ . الصواعق المحرقة: ص ١٤٨، نور الأبصار: ص ١٢٧.

۳۰۰۱ . **امام صادق**ﷺ: هر گاه یکی از شما نماز بخواند و در نمازش از پیامبر و خاندان او یاد نکند، نمازش به سبب آن به راه غیر بهشت، برده می‌شود.

۳۰۰۲ . **الصواعق المُحرِقة** ـ به نقل از شافعی ـ :

ای خاندان پیامبر خدا! دوست داشتن شما

از جانب خدا در قرآنی که فرو فرستاده، واجب گشته است.

در بزرگی مقام و منزلت شما، همین بس که

هر کس بر شما درود نفرستد، نمازش نماز نیست.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ الثّالِثُ

أدَبُ الصَّلاةِ عَلى رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله

١ / ٣

ضَمُّ آلِ النَّبِيِّ عليهم السلام إلَيهِ في الصَّلاةِ

٣٠٠٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله: صَلّوا عَلَيَّ وَاجتَهِدوا فِي الدُّعاءِ، وقولوا : اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ.[١]

٣٠٠٤ . صحيح البخاري عن كعب بن عجرة: قيلَ : يا رَسولَ اللهِ، أمَّا السَّلامُ عَلَيكَ فَقَد عَرَفناهُ، فَكَيفَ الصَّلاةُ؟

قالَ : قولوا : اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيتَ عَلىٰ آلِ إبراهيمَ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، اللّٰهُمَّ بارِك عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما بارَكتَ عَلىٰ آلِ إبراهيمَ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.[٢]

---

١ . السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٩ ح ٩٨٨١، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٤٢٣ ح ١٧١٤ نحوه وكلاهما عن زيد بن خارجة، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٩٢ ح ٢١٦٩.

٢ . صحيح البخاري: ج ٤ ص ١٨٠٢ ح ٤٥١٩ وج ٣ ص ١٢٣٣ ح ٣١٩٠ وج ٥ ص ٢٣٣٨ ح ٥٩٩٦ كلاهما نحوه، صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٠٥ ح ٦٦ و ٦٥ عن بشير بن سعد، سنن أبي داوود: ج ١ ص ٢٥٧ ح ٩٧٦، سنن الترمذي: ج ٢ ص ٣٥٢ ح ٤٨٣، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٢٩٣ ح ٩٠٤، سنن النسائي: ج ٣ ص ٤٧، سنن الدارمي: ج ١ ص ٣٢٩ ح ١٣١٦ و ١٣١٧ عن أبي مسعود الأنصاري، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٣٢٠ ح ١٨١٢٧، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٧٥ ح ٣٩٩٤.

فصل سوم

آداب صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۱ / ۳

ضمیمه کردن خاندان پیامبر به پیامبر صلی الله علیه و آله در صلوات

۳۰۰۳ . **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله**: بر من درود بفرستید و در دعا کردن بکوشید، و بگویید: «بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست».

۳۰۰۴ . **صحیح البخاری** ـ به نقل از کعب بن عُجره ـ: [به پیامبر خدا] گفته شد: ای پیامبر خدا! سلام کردن بر شما را می‌دانیم؛ درود فرستادن، چگونه است؟

فرمود: «بگویید: "بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد، درود فرست، همچنان که بر خاندان ابراهیم، درود فرستادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری. بار خدایا! به محمّد و به خاندان محمّد برکت ده، همچنان که به خاندان ابراهیم برکت دادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری"».

٣٠٠٥ . **صحيح البخاري عن أبي سعيد الخدريّ:** قُلنا : يا رَسولَ اللهِ، هٰذَا السَّلامُ عَلَيكَ، فَكَيفَ نُصَلّي عَلَيكَ؟ قالَ : قولوا :

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ كَما صَلَّيتَ عَلىٰ إبراهيمَ، وبارِك عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما بارَكتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ.[١]

٣٠٠٦ . **صحيح البخاري عن عبدالرحمٰن بن أبي ليلى:** لَقِيَني كَعبُ بنُ عُجرَةَ فَقالَ : ألا أُهدي لَكَ هَدِيَّةً سَمِعتُها مِنَ النَّبيِّ ﷺ؟ فَقُلتُ : بَلىٰ، فَأَهدِها لي.

فَقالَ : سَأَلنا رَسولَ اللهِ ﷺ فَقُلنا : يا رَسولَ اللهِ، كَيفَ الصَّلاةُ عَلَيكُم أهلَ البَيتِ، فَإِنَّ اللهَ قَد عَلَّمَنا كَيفَ نُسَلِّمُ عَلَيكُم؟ قالَ : قولوا :

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما صَلَّيتَ عَلىٰ إبراهيمَ وعَلىٰ آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ. اللّٰهُمَّ بارِك عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما بارَكتَ عَلىٰ إبراهيمَ وعَلىٰ آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.[٢]

٣٠٠٧ . **معاني الأخبار عن أبي حمزة:** سَأَلتُ أبا عَبدِ اللهِ ﷺ ... فَقُلتُ لَهُ : فَكَيفَ نُصَلّي عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ؟

قالَ : تَقولونَ : صَلَواتُ اللهِ وصَلَواتُ مَلائِكَتِهِ وأنبِيائِهِ ورُسُلِهِ وجَميعِ خَلقِهِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَالسَّلامُ عَلَيهِ وعَلَيهِم ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ.

---

١ . صحيح البخاري : ج ٥ ص ٢٣٣٩ ح ٥٩٩٧ وج ٤ ص ١٨٠٢ ح ٤٥٢٠ وفيه «التسليم» بدل «السلام عليك»، صحيح مسلم : ج ١ ص ٣٠٥ ح ٦٥، سنن الدارمي : ج ١ ص ٣٣٠ ح ١٣١٧ كلاهما عن بشير بن سعد، سنن النسائي : ج ٣ ص ٤٩ والثلاثة الأخيرة نحوه.

٢ . صحيح البخاري : ج ٣ ص ١٢٣٣ ح ٣١٩٠ وج ٤ ص ١٨٠٢ ح ٤٥١٩، صحيح مسلم : ج ١ ص ٣٠٥ ح ٦٦، سنن أبي داوود : ج ١ ص ٢٥٧ ح ٩٧٦، سنن الترمذي : ج ٢ ص ٣٥٢ ح ٤٨٣، سنن ابن ماجة : ج ١ ص ٢٩٣ ح ٩٠٤ كلّها نحوه؛ روضة الواعظين : ص ٣٥٣ نحوه وراجع تحف العقول : ص ٤٣٣.

۳۰۰۵. **صحیح البخاری** ـ به نقل از ابوسعید خُدری ـ: گفتم: ای پیامبر خدا! در سلام کردن به شما می‌گوییم: «السلام علیک». چگونه بر شما درود بفرستیم؟

فرمود: «بگویید: "بار خدایا! بر بنده و فرستاده‌ات محمّد، درود فرست، چنان که بر ابراهیم، درود فرستادی، و به محمّد و خاندان محمّد برکت ده، چنان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم، برکت دادی"».

۳۰۰۶. **صحیح البخاری** ـ به نقل از عبد الرحمان بن ابی لیلی ـ: کعب بن عُجره به من برخورد و گفت: آیا هدیه‌ای تو را ارمغان نکنم که آن را از پیامبرﷺ شنیدم؟

گفتم: چرا، ارمغانم کن.

گفت: از پیامبر خدا سؤال کردیم و گفتیم: ای پیامبر خدا! درود فرستادن بر شما خاندان، چگونه است، که سلام کردن بر شما را خداوند به ما آموخته است؟ فرمود: «بگویید: بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد، درود فرست، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود فرستادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری. بار خدایا! به محمّد و خاندان محمّد برکت ده، چنان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم، برکت دادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری».

۳۰۰۷. **معانی الأخبار** ـ به نقل از ابوحمزه ـ: از امام صادقؑ پرسیدم... و گفتم: چه سان بر محمّد و خاندان او درود بفرستیم؟

فرمود: «می‌گویید: "درود خدا و درود فرشتگان او و پیامبران و فرستادگان او و همهٔ آفریدگانش بر محمّد و خاندان محمّد باد، و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر ایشان باد!"».

قالَ : فَقُلتُ : فَما ثَوابُ مَن صَلّىٰ عَلَى النَّبيِّ وآلِهِ بِهٰذِهِ الصَّلاةِ؟

قالَ : الخُروجُ مِنَ الذُّنوبِ ـ وَاللهِ ـ كَهَيئَتِهِ يَومَ وَلَدَتهُ أُمُّهُ.[١]

٣٠٠٨ . **قرب الإسناد عن بكر بن محمّد:** سَمِعتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام يَقولُ وقالَ بَعضُ أصحابِهِ : اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيتَ عَلىٰ إبراهيمَ، فَقالَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام : لا، ولٰكِن : كَأَفضَلِ ما صَلَّيتَ وبارَكتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ[٢].[٣]

٣٠٠٩ . **الإمام الصادق عليه السلام:** قالَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله ذاتَ يَومٍ لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام : ألا اُبَشِّرُكَ؟

قالَ : بَلىٰ، بِأَبي أنتَ وأُمّي! فَإِنَّكَ لَم تَزَل مُبَشِّراً بِكُلِّ خَيرٍ.

فَقالَ : أخبَرَني جَبرَئيلُ آنِفاً بِالعَجَبِ!

فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : ومَا الَّذي أخبَرَكَ يا رَسولَ اللهِ؟

فَقالَ : أخبَرَني أنَّ الرَّجُلَ مِن اُمَّتي إذا صَلّىٰ عَلَيَّ، وأتبَعَ بِالصَّلاةِ عَلىٰ أهلِ بَيتي، فُتِحَت لَهُ أبوابُ السَّماءِ وصَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَةُ سَبعينَ صَلاةً...

فَإِذا صَلّىٰ عَلَيَّ، ولَم يُتبِع بِالصَّلاةِ عَلىٰ أهلِ بَيتي، كانَ بَينَها وبَينَ السَّماءِ سَبعونَ حِجاباً، ويَقولُ اللهُ جَلَّ جَلالُهُ : «لا لَبَّيكَ ولا سَعدَيكَ، يا مَلائِكَتي، لا تُصعِدوا دُعاءَهُ إلّا أن يُلحِقَ بِالنَّبيِّ عِترَتَهُ»، فَلا يَزالُ مَحجوباً حَتّىٰ يُلحِقَ بي أهلَ بَيتي.[٤]

---

١ . معاني الأخبار : ص ٣٦٨ ح ١، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٥٥ ح ٢٧.

٢ . قال الشيخ الحرّ العاملي رحمه الله بعد نقل هذه الرواية : المراد من هذه الأحاديث بيان أفضل الكيفيّات، وهو ظاهر (وسائل الشيعة : ج ٤ ص ١٢١٤ ح ٤).

٣ . قرب الإسناد : ص ٤٠ ح ١٣٠، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٤٩ ح ١٠.

٤ . ثواب الأعمال : ص ١٨٨ ح ١، الأمالي للصدوق : ص ٦٧٦ ح ٩١٦، جمال الأسبوع : ص ١٥٧ كلّها عن عبد الله بن سنان، روضة الواعظين : ص ٣٥٤، جامع الأخبار : ص ١٦٠ ح ٣٨٣، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٥٦ ح ٣٠.

گفتم: پاداش کسی که با این درود، بر پیامبر و خاندانش درود فرستد، چیست؟

فرمود: «پاک شدن از گناهان ـ به خدا سوگند ـ، درستْ همانند روزی که مادرش او را زایید».

۳۰۰۸. **قرب الإسناد** ـ به نقل از بکر بن محمّد ـ: از امام صادق﵇ شنیدم که وقتی یکی از یارانش گفت: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، چونان درودی که بر ابراهیم فرستادی، فرمود: «نه؛ بلکه بگو: "چونان برترین درودی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی و برکتی که به او و آنها دادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری"».[1]

۳۰۰۹. **امام صادق﵇**: روزی پیامبر خدا به امیر مؤمنان فرمود: «آیا تو را نویدی ندهم؟».

گفت: چرا، پدر و مادرم به فدایت! شما همیشه نوید به خوبی می‌دهی.

فرمود: «چند لحظه پیش، جبرئیل به من خبر شگفتی داد».

امیر مؤمنان گفت: چه خبری به شما داد، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «به من خبر داد که هر گاه فردی از امّتم بر من درود فرستد و در پی آن، بر خاندانم درود فرستد، درهای آسمان برایش گشوده می‌شوند و فرشتگان، هفتاد درود بر او می‌فرستند....

و هر گاه بر من درود فرستد و به دنبال آن بر خاندانم درود نفرستد، میان درود او و آسمان، هفتاد پرده قرار می‌گیرد و خداوندﷻ فرماید: "نه، هرگز، ای فرشتگان من! دعای او را بالا نیاورید، مگر آن که عترت پیامبر را نیز به او ملحق کند". پس همچنان درودش در پرده است، تا آن گاه که خاندانم را به من ضمیمه کند».

---

۱. شیخ حرّ عاملی، بعد از نقل این روایت می‌گوید: مراد از این احادیث، چنان که پیداست، بیان برترین کیفیت درود فرستادن است (وسائل الشیعة: ج ۴ ص ۱۲۱۴ ح ۲۴).

٣٠١٠ . **الإمام الحسن**عليه السلام ـ مِن خُطبَةٍ لَهُ لَمّا عَزَمَ عَلَى الصُّلحِ ـ: وفَرَضَ اللهُ عزوجل الصَّلاةَ عَلىٰ نَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله عَلىٰ كافَّةِ المُؤمِنينَ فَقالوا: يا رَسولَ اللهِ، كَيفَ الصَّلاةُ عَلَيكَ؟ فَقالَ: «قولوا: اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ»، فَحَقٌّ عَلىٰ كُلِّ مُسلِمٍ أن يُصَلِّيَ عَلَينا مَعَ الصَّلاةِ عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله فَريضَةً واجِبَةً.[١]

٣٠١١ . **مسند زيد عن أبي خالد**: عَدَّهُنَّ في يَدَيَّ زَيدُ بنُ عَليٍّ، وقالَ زَيدُ بنُ عَليٍّ: عَدَّهُنَّ في يَدَيَّ عَليُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام، وقالَ عَليُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام: عَدَّهُنَّ في يَدَيَّ الحُسَينُ بنُ عَليٍّ عليه السلام، وقالَ الحُسَينُ بنُ عَليٍّ عليه السلام: عَدَّهُنَّ في يَدَيَّ أميرُ المُؤمِنينَ عَليُّ بنُ أبي طالِبٍ عليه السلام، وقالَ عَليُّ بنُ أبي طالِبٍ عليه السلام: عَدَّهُنَّ في يَدَيَّ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله، وقالَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: عَدَّهُنَّ في يَدَيَّ جِبريلُ عليه السلام، وقالَ جِبريلُ عليه السلام: هٰكَذا نَزَلتُ بِهِنَّ مِن عِندِ رَبِّ العِزَّةِ عزوجل:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيتَ عَلىٰ إبراهيمَ وعَلىٰ آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ. وبارِك عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما بارَكتَ عَلىٰ إبراهيمَ وعَلىٰ آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ. وتَرَحَّم عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما تَرَحَّمتَ عَلىٰ إبراهيمَ وعَلىٰ آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ. وتَحَنَّن عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما تَحَنَّنتَ عَلىٰ إبراهيمَ وعَلىٰ آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ. وسَلِّم عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما سَلَّمتَ عَلىٰ إبراهيمَ وعَلىٰ آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.

قالَ أبو خالِدٍ: عَدَّهُنَّ بِأَصابِعِ الكَفِّ مَضمومَةً، واحِدَةً واحِدَةً مَعَ الإبهامِ.[٢]

---

١ . الأمالي للطوسي: ص ٥٦٤ ح ١١٧٤ عن عبد الرحمٰن بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٤١ ح ٥.

٢ . مسند زيد: ص ٤٢٩، تيسير المطالب: ص ٣٥٣، مستدرك الوسائل: ج ٥ ص ٣٤٨ ح ٦٠٥٨ نقلاً عن مجموعة الشهيد الأوّل.

۳۰۱۰. **امام حسن**ﷺ ـ از سخنرانی آن حضرت آن گاه که تصمیم به صلح گرفت ـ: خداوندﷻ درود فرستادن بر پیامبرشﷺ را بر همهٔ مؤمنان، واجب گردانید. مؤمنان گفتند: ای پیامبر خدا! درود فرستادن بر شما چگونه است؟

فرمود: «بگویید: "بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست"».

بنا بر این، وظیفهٔ هر مسلمانی است که در کنار درود فرستادن بر پیامبرﷺ، بر ما نیز درود فرستد و این، یک تکلیف واجب است.

۳۰۱۱. **مسند زید** ـ به نقل از ابو خالد ـ: زید بن علی با دستان من بر شمرد و گفت: [پدرم] امام زین العابدینﷺ با دستان من برشمرد و فرمود: «حسین بن علیﷺ با دستان من برشمرد و فرمود: امیر مؤمنان علی بن ابی طالبﷺ با دستان من برشمرد و فرمود: پیامبر خدا با دستان من برشمرد و فرمود: جبرئیل با دستان من برشمرد و گفت: این گونه اینها را از نزد پروردگار عزّت فرود آوردم:

"بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد درود فرست، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم، درود فرستادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری. و به محمّد و خاندان محمّد برکت ده، آن سان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم، برکت دادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری. و بر محمّد و بر خاندان محمّد رحم آور، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم، رحم آوردی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری. و بر محمّد و بر خاندان محمّد مهر وَرز، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم، مهر ورزیدی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری. و بر محمّد و بر خاندان محمّد درود فرست، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم، درود فرستادی، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری"».

او این [دعاها] را با انگشتان دست، در حالی که آنها را به هم چسبانیده بود، یکی یکی به همراه انگشت شستش، برشمرد.

٢ / ٣
النَّهيُ عَنِ الصَّلاةِ البَتراءِ

٣٠١٢ . رسول الله ﷺ: لا تُصَلّوا عَلَيَّ صَلاةً مَبتورَةً إذا صَلَّيتُم عَلَيَّ، بَل صَلّوا عَلىٰ أهلِ بَيتي، ولا تَقطَعوهُم مِنّي؛ فَإِنَّ كُلَّ سَبَبٍ ونَسَبٍ مُنقَطِعٌ يَومَ القِيامَةِ إلّا سَبَبي ونَسَبي.[١]

٣٠١٣ . الإمام الرضا عليه السلام: حَدَّثَني أبي عَن جَدِّهِ عليهم السلام أنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ قالَ: ... مَن ذُكِرتُ عِندَهُ فَصَلّىٰ عَلَيَّ ولَم يُغفَر لَهُ فَأَبعَدَهُ اللهُ.

قيلَ: يا رَسولَ اللهِ، كَيفَ يُصَلّي عَلَيكَ ولَم يُغفَر لَهُ؟

فَقالَ ﷺ: إنَّ العَبدَ إذا صَلّىٰ عَلَيَّ ولَم يُصَلِّ عَلىٰ آلي، لُفَّت تِلكَ الصَّلاةُ وضُرِبَ بِها وَجهُهُ، وإذا صَلّىٰ عَلَيَّ وعَلىٰ آلي غُفِرَ لَهُ.[٢]

٣٠١٤ . رسول الله ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ ولَم يُصَلِّ عَلىٰ آلي لَم يَجِد ريحَ الجَنَّةِ، وإنَّ ريحَها لَيوجَدُ مِن مَسيرَةِ خَمسِمِئَةِ عامٍ.[٣]

٣٠١٥ . الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعَ أبي رَجُلاً مُتَعَلِّقاً بِالبَيتِ، وهُوَ يَقولُ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ. فَقالَ لَهُ أبي: يا عَبدَ اللهِ لا تَبتُرها، لا تَظلِمنا حَقَّنا، قُل: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ.[٤]

راجع: ص ٣٥٦ (لا صلاة لمن لم يصلّ على النبي وآله)

---

١ . بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢٠٩ ح ٤٨ وج ٩٣ ص ١٤ كلاهما نقلاً عن تفسير النعماني عن إسماعيل بن جابر عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليه السلام.

٢ . فضائل الأشهر الثلاثة: ص ١١٥ ح ١٠٩ عن الحسن بن عليّ بن فضّال، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٨١ ح ٤٧.

٣ . الأمالي للصدوق: ص ٢٦٧ ح ٢٩١ عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظين: ص ٣٥٤، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٨٦ ح ١٥٠.

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٥ ح ٢١، عدّة الداعي: ص ١٤٩ كلاهما عن ابن القدّاح.

۲ / ۳
نهی از صلوات فرستادن به طور ناقص

۳۰۱۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه بر من درود فرستادید، درود ناقص نفرستید؛ بلکه بر خاندانم نیز درود بفرستید و آنان را از من نبُرید؛ چرا که در روز قیامت، هر گونه پیوند خویشاوندی قطع می‌شود، جز پیوند خویشاوندی من.

۳۰۱۳ . **امام رضا**ؑ: پدرم از جدّش ؑ برایم باز گفت که پیامبر خدا فرمود: «... هر کس نام من در نزدش برده شود و بر من، درود فرستد، امّا آمرزیده نشود، خدایش دور گرداند!».

گفته شد: ای پیامبر خدا! چگونه ممکن است بر شما درود بفرستد؛ امّا آمرزیده نشود؟

فرمود: «بنده، هر گاه بر من درود بفرستد و بر خاندانم صلوات نفرستد، آن درود، مچاله و به صورت او زده می‌شود، و هر گاه بر من و بر خاندانم درود فرستد، آمرزیده می‌شود».

۳۰۱۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس بر من درود بفرستد و بر خاندانم درود نفرستد، بوی بهشت را ـ که از فاصلهٔ پانصد سال راه به مشام می‌رسد ـ استشمام نمی‌کند.

۳۰۱۵ . **امام صادق**ؑ: پدرم از مردی که به خانه (کعبه) آویخته بود، شنید که می‌گوید: بار خدایا! بر محمّد، درود فرست.

پدرم به او فرمود: «ای بندهٔ خدا! صلواتت را ناقص مکن و در حقّ ما ستم روا مدار (/حقّ ما را تباه مگردان). بگو: "بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست"».

ر. ک: ص ۳۵۷ (پذیرفته نشدن نماز کسی که بر پیامبر و خاندان او صلوات نفرستد).

٣ / ٣
رَفعُ الصَّوتِ بِالصَّلاةِ

٣٠١۶ . رسول الله ﷺ: اِرفَعوا أصواتَكُم بِالصَّلاةِ عَلَيَّ ؛ فَإِنَّها تَذهَبُ بِالنِّفاقِ.[١]

راجع: ص ٣٨٨ (بركات الصلاة على رسول الله وأهل بيته / ذهاب النفاق).

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١٣، ثواب الأعمال: ص ١٩٠ ح ١ كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق ﷺ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٨ ح ٢٢٤٣، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٩ ح ٤١.

۳/۳
صلوات فرستادن با صدای بلند

۳۰۱۶. **پیامبر خدا**ﷺ: صداهایتان را به درود بر من بلند کنید؛ زیرا این کار، نفاق را از بین می‌برد.

ر.ک: ص ۳۸۹ (برکت‌های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و اهل بیت او / زدوده شدن نفاق).

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ الرّابِعُ

بَرَكاتُ الصَّلاةِ عَلى رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وأهلِ بَيتِهِ عليهم السلام

١ / ٤

صَلَواتُ اللهِ عَلَى المُصَلّي

٣٠١٧ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ صَلاةً، صَلَّى اللهُ عَلَيهِ بِها عَشراً.[١]

٣٠١٨ . سنن النسائي عن أبي طلحة: إنَّ رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله جاءَ ذاتَ يَومٍ وَالبُشرىٰ في وَجهِهِ، فَقُلنا: إنّا لَنَرَى البُشرىٰ في وَجهِكَ!

فَقالَ: إنَّهُ أتانِي المَلَكُ فَقالَ: يا مُحَمَّدُ، إنَّ رَبَّكَ يَقولُ: أما يُرضيكَ أنَّهُ لا يُصَلّي عَلَيكَ أحَدٌ إلّا صَلَّيتُ عَلَيهِ عَشراً، ولا يُسَلِّمُ عَلَيكَ أحَدٌ إلّا سَلَّمتُ عَلَيهِ عَشراً؟[٢]

٣٠١٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ اللهَ أعطىٰ مَلَكاً مِنَ المَلائِكَةِ أسماءَ الخَلائِقِ كُلِّهِم وأسماءَ آبائِهِم،

---

١ . صحيح مسلم: ج ١ ص ٢٨٨ ح ١١، سنن أبي داوود: ج ١ ص ١٤٤ ح ٥٢٣، سنن النسائي: ج ٢ ص ٢٥ كلّها عن عبد الله بن عمرو بن العاص، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٠٦ ح ١١٩٩٨، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٣٥ ح ٢٠١٨ كلاهما عن أنس، كنز العمّال: ج ٧ ص ٧٠٠ ح ٢٠٩٩٨.

٢ . سنن النسائي: ج ٣ ص ٤٤، سنن الدارمي: ج ٢ ص ٧٧٣ ح ٢٦٧١، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٥١١ ح ١٦٣٦٣، المستدرك على الصحيحين: ج ٢ ص ٤٥٦ ح ٣٥٧٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٣٩٨ ح ١، كنز العمّال: ج ١ ص ٥٠٣ ح ٢٢٢٢ وراجع الصراط المستقيم: ج ٣ ص ٢٠١ ح ٣١ وعوالي اللآلي: ج ١ ص ٢٣٩ ح ١٥٧.

فصل چهارم

برکت‌های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

۱/۴

درود فرستادن خدا بر فرستندهٔ صلوات

۳۰۱۷ . **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: هر کس بر من یک درود بفرستد، خداوند در برابر آن، ده درود بر او می‌فرستد.

۳۰۱۸ . **سنن النسائی** ـ به نقل از ابو طلحه ـ: روزی پیامبر خدا با چهره‌ای نویدبخش آمد. گفتیم: در چهرهٔ شما نوید می‌بینیم!

فرمود: «فرشته نزد من آمد و گفت: ای محمّد! پروردگارت می‌فرماید: "آیا این، خشنودت نمی‌سازد که هر کس بر تو درود فرستد، من ده درود بر او می‌فرستم و هر کس بر تو درود بگوید، من ده درود بر او می‌گویم؟"».

۳۰۱۹ . **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: خداوند به فرشته‌ای از فرشتگان، نام‌های همهٔ آدمیان و نام‌های پدرانشان را داد و هر گاه من مُردم، آن فرشته تا روز قیامت بر سر قبرم

فَهُوَ قائِمٌ عَلىٰ قَبري إذا مِتُّ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ، فَلَيسَ أحَدٌ يُصَلّي عَلَيَّ صَلاةً إلّا قالَ: يا مُحَمَّدُ! صَلّىٰ عَلَيكَ فُلانُ بنُ فُلانٍ بِكَذا وكَذا، وإنَّ رَبّي كَفَلَ لي أن يُصَلِّيَ عَلىٰ ذٰلِكَ العَبدِ بِكُلِّ واحِدَةٍ عَشراً.[١]

٣٠٢٠ . **مسند ابن حنبل عن عبدالرحمٰن بن عوف:** خَرَجَ رَسولُ اللهِ ﷺ فَتَوَجَّهَ نَحوَ صَدَقَتِهِ، فَدَخَلَ فَاستَقبَلَ القِبلَةَ، فَخَرَّ ساجِداً، فَأَطالَ السُّجودَ حَتّىٰ ظَنَنتُ أنَّ اللهَ ﷻ قَبَضَ نَفسَهُ فيها، فَدَنَوتُ مِنهُ فَجَلَستُ، فَرَفَعَ رَأسَهُ فَقالَ: مَن هٰذا؟ قُلتُ: عَبدُ الرَّحمٰنِ. قالَ: ما شَأنُكَ؟ قُلتُ: يا رَسولَ اللهِ، سَجَدتَ سَجدَةً خَشيتُ أن يَكونَ اللهُ ﷻ قَد قَبَضَ نَفسَكَ فيها!

فَقالَ: إنَّ جَبرَئيلَ عليه السلام أتاني فَبَشَّرَني، فَقالَ: إنَّ اللهَ ﷻ يَقولُ: مَن صَلّىٰ عَلَيكَ صَلَّيتُ عَلَيهِ، ومَن سَلَّمَ عَلَيكَ سَلَّمتُ عَلَيهِ. فَسَجَدتُ لِلّٰهِ ﷻ شُكراً.[٢]

٣٠٢١ . **رسول الله ﷺ:** ما صَلّىٰ عَلَيَّ عَبدٌ مِن أُمَّتي صَلاةً صادِقاً بِها في قَلبِ نَفسِهِ، إلّا صَلَّى اللهُ عَلَيهِ بِها عَشرَ صَلَواتٍ، وكَتَبَ لَهُ بِها عَشرَ حَسَناتٍ، ورَفَعَ لَهُ بِها عَشرَ دَرَجاتٍ، ومَحا عَنهُ بِها عَشرَ سَيِّئاتٍ.[٣]

٢ / ٤
سَلامُ النَّبيِّ صلى الله عليه وآله

٣٠٢٢ . **الإمام الباقر عليه السلام:** إنَّ مَلَكاً مِنَ المَلائِكَةِ سَأَلَ اللهَ أن يُعطِيَهُ سَمعَ العِبادِ، فَأَعطاهُ اللهُ،

---

١ . جمال الأسبوع: ص ١٦١ عن عمّار بن ياسر، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٨ ح ٥٦ وراجع مسند البزّار: ج ٤ ص ٢٥٤ ح ١٤٢٥.

٢ . مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٤٠٧ ح ١٦٦٤، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٥١٨ ح ٣٩٣٦ نحوه، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٣٥ ح ٢٠١٩ وفيه ذيله، كنز العمّال: ج ١ ص ٥٠٢ ح ٢٢٢٠.

٣ . المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ١٩٦ ح ٥١٣ عن أبي بردة، كنز العمّال: ج ١ ص ٥٠٣ ح ٢٢٢٣؛ روضة الواعظين: ص ٣٥٤ وراجع سنن النسائي: ج ٣ ص ٥٠ ومسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٥٠٩ ح ١٦٣٥٢.

می‌ایستد، و هر کس بر من درودی فرستد، فرشته می‌گوید: «ای محمّد! فلان پسر فلان، چندین و چند درود بر تو فرستاد» و پروردگارم به من ضمانت داده است که به ازای هر یک، ده درود بر آن بنده بفرستد.

۳۰۲۰. **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از عبد الرحمان بن عوف ـ: پیامبر خدا بیرون شد و به سوی صدقه‌اش (زکاتش) رفت و به آن در آمد و رو به قبله کرد و به سجده افتاد و سجده‌اش را چندان به درازا کشانید که گمان بردم خداوند ﷻ او را قبض روح کرده است.

نزدیک ایشان رفتم و نشستم. سرش را برداشت و فرمود: «کیستی؟».

گفتم: عبد الرحمان.

فرمود: «چه می‌خواهی؟».

گفتم: ای پیامبرخدا! چنان سجده‌ای کردید که ترسیدم خداوند ﷻ جان شما را در آن حال گرفته باشد!

فرمود: «جبرئیل ﷺ نزد من آمد و مژده‌ام داد و گفت: خداوند ﷻ می‌فرماید: "هر کس بر تو درود فرستد، من بر او درود می‌فرستم و هر کس بر تو سلام فرستد، من بر او سلام می‌فرستم. از این رو، برای خداوند ﷻ سجدهٔ شکر گزاردم».

۳۰۲۱. **پیامبر خدا** ﷺ: هر بنده‌ای از امّتم بر من درود فرستد و در درون جانش به آن باور داشته باشد، خداوند در برابر آن، ده صلوات بر او می‌فرستد و به ازای آن، ده کار نیک برایش می‌نویسد و به واسطهٔ آن، او را ده درجه بالا می‌برد و ده گناه از او می‌زداید.

۲ / ۴
درود پیامبر ﷺ

۳۰۲۲. **امام باقر** ﷺ: فرشته‌ای از فرشتگان از خداوند درخواست کرد که گوش [و شنوایی]

فَذٰلِكَ المَلَكُ قائِمٌ حَتّىٰ تَقومَ السّاعَةُ لَيسَ أحَدٌ مِنَ المُؤمِنينَ يَقولُ : صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وآلِهِ وسَلَّمَ، إلّا قالَ المَلَكُ : وعَلَيكَ السَّلامُ، ثُمَّ يَقولُ المَلَكُ : يا رَسولَ اللهِ، إنَّ فُلاناً يُقرِئُكَ السَّلامَ، فَيَقولُ رَسولُ اللهِ : وعَلَيهِ السَّلامُ.[١]

٣ / ٤
صَلَواتُ المَلائِكَةِ وجَميعِ الخَلقِ

٣٠٢٣ . رسول الله ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ ومَلائِكَتُهُ، ومَن شاءَ فَليُقِلَّ ومَن شاءَ فَليُكثِر.[٢]

٣٠٢٤ . عنه ﷺ: ما مِن مُسلِمٍ يُصَلّي عَلَيَّ إلّا صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَةُ ما صَلّىٰ عَلَيَّ، فَليُقِلَّ العَبدُ مِن ذٰلِكَ أو لِيُكثِر.[٣]

٣٠٢٥ . الإمام الصادق ﷺ: إذا ذُكِرَ النَّبِيُّ ﷺ فَأكثِروا الصَّلاةَ عَلَيهِ ؛ فَإنَّهُ مَن صَلّىٰ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ صَلاةً واحِدَةً صَلَّى اللهُ عَلَيهِ ألفَ صَلاةٍ في ألفِ صَفٍّ مِنَ المَلائِكَةِ، ولَم يَبقَ شَيءٌ مِمّا خَلَقَهُ اللهُ إلّا صَلّىٰ عَلَى العَبدِ لِصَلاةِ اللهِ عَلَيهِ وصَلاةِ مَلائِكَتِهِ، فَمَن لَم يَرغَب في هٰذا فَهُوَ جاهِلٌ مَغرورٌ قَد بَرِئَ اللهُ مِنهُ ورَسولُهُ وأهلُ بَيتِهِ.[٤]

٣٠٢٦ . عنه ﷺ ـ لِإسحاقَ بنِ فَرّوخٍ ـ : مَن صَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عَشراً صَلَّى اللهُ عَلَيهِ ومَلائِكَتُهُ مِئَةَ مَرَّةٍ، ومَن صَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ مِئَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ

---

١ . الأمالي للطوسي : ص ٦٧٨ ح ١٤٣٧ عن جابر ، عدّة الداعي : ص ١٥٢ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٨٣ كلاهما عن جابر عن الإمام الصادق ﷺ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٧٠ ح ٦١.

٢ . الكافي : ج ٢ ص ٤٩٢ ح ٧ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق ﷺ .

٣ . سنن ابن ماجة : ج ١ ص ٢٩٤ ح ٩٠٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٣٢٥ ح ١٥٦٨٩ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٢ ص ٣٩٨ ح ٢ نحوه وكلّها عن عامر بن ربيعة ، كنز العمّال : ج ١ ص ٥٠٣ ح ٢٢٢٤ وص ٤٩٩ ح ٢٢٠١ .

٤ . الكافي : ج ٢ ص ٤٩٢ ح ٦ ، ثواب الأعمال : ص ١٨٥ ح ١ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٨٧ ح ٢٢٣٦ ، جمال الأسبوع : ص ١٥٦ كلّها عن أبي بصير ، جامع الأخبار : ص ١٥٨ ح ٣٧٥ ، بحار الأنوار : ج ١٧ ص ٣٠ ح ١١ .

بندگان را به او بدهد و خداوند، آن را به او داد. آن فرشته تا قیام قیامت، همچنان ایستاده است و هر مؤمنی بگوید: «درود و سلام خدا بر او (پیامبر) و خاندانش باد»، فرشته می‌گوید: «و بر تو سلام!» و فرشته سپس می‌گوید: «ای پیامبر خدا! فلانی به تو سلام می‌فرستد» و پیامبر خدا می‌فرماید: «سلام بر او!»

۳ / ۴
درود فرستادن فرشتگان و همهٔ خلایق

۳۰۲۳. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس بر من درود بفرستد، خدا و فرشتگانش بر او درود می‌فرستند. حال، هر که می‌خواهد، اندک بگوید و هر که می‌خواهد، بسیار بگوید.

۳۰۲۴. **پیامبر خدا**ﷺ: هر مسلمانی بر من درود بفرستد، تا زمانی که بر من درود می‌فرستد، فرشتگان بر او درود می‌فرستند. حال، بنده خواه اندک بگوید، خواه بسیار.

۳۰۲۵. **امام صادق**ؑ: هر گاه نام پیامبرﷺ برده شد، بر او فراوان درود فرستید؛ زیرا هر کس یک درود بر پیامبرﷺ بفرستد، خداوند هزار درود در هزار صف از فرشتگان بر او می‌فرستد، و به سبب درود فرستادن خدا و فرشتگانش بر او، هر موجودی که خدا آفریده است نیز بر او درود می‌فرستد. پس، هر که به چنین چیزی راغب نباشد، نادانی فریب‌خورده [ی شیطان] است و خدا و پیامبرش و اهل بیت او، از وی بیزارند.

۳۰۲۶. **امام صادق**ؑ ـ به اسحاق بن فَرّوخ ـ: هر کس بر محمّد و خاندان محمّد ده درود بفرستد، خداوند و فرشتگانش صد درود بر او می‌فرستند و هر کس بر محمّد و خاندان محمّد، صد بار درود بفرستد، خداوند و فرشتگانش هزار بار بر او

ومَلائِكَتُهُ ألفاً، أما تَسمَعُ قَولَ اللهِ ﷻ: ﴿هُوَ ٱلَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَمَلَـٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَـٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ وَكَانَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾[1]؟[2]

٤ / ٤
غُفرانُ الذُّنوبِ

٣٠٢٧. رسول الله ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ كُلَّ يَومٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ، وكُلَّ لَيلَةٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ، حُبّاً بي وشَوقاً إلَيَّ، كانَ حَقّاً عَلَى اللهِ أن يَغفِرَ لَهُ ذُنوبَهُ تِلكَ اللَّيلَةَ وذٰلِكَ اليَومَ.[3]

٣٠٢٨. عنه ﷺ: أكثِروا الصَّلاةَ عَلَيَّ؛ فَإِنَّ صَلاتَكُم عَلَيَّ مَغفِرَةٌ لِذُنوبِكُم، وَاطلُبوا لِيَ الدَّرَجَةَ وَالوَسيلَةَ؛ فَإِنَّ وَسيلَتي عِندَ رَبّي شَفاعَةٌ لَكُم.[4]

٣٠٢٩. عنه ﷺ: ما مِن أحَدٍ مِن أُمَّتي يَذكُرُني ثُمَّ صَلّىٰ عَلَيَّ إلّا غَفَرَ اللهُ لَهُ ذُنوبَهُ وإن كانَ[5] أكثَرَ مِن رَملِ عالِجٍ[6].[7]

٣٠٣٠. الإمام الحسن ﷺ: قالوا: يا رَسولَ اللهِ، أرَأَيتَ قَولَ اللهِ ﷻ: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَـٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ﴾[8]؟ قالَ: إنَّ هٰذا لَمِنَ المَكتومِ، ولَولا أنَّكُم سَألتُموني عَنهُ ما أخبَرتُكُم. إنَّ اللهَ ﷻ وَكَّلَ بي مَلَكَينِ، لا أُذكَرُ عِندَ عَبدٍ مُسلِمٍ فَيُصَلّي عَلَيَّ، إلّا قالَ ذانِكَ

---

١. الأحزاب: ٤٣.

٢. الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١٤ عن إسحاق بن فرّوخ مولى آل طلحة.

٣. المعجم الكبير: ج ١٨ ص ٣٦٢ ح ٩٢٨ عن أبي كاهل؛ الدعوات: ص ٨٦ ح ٢٢٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٧٠ ح ٦٣.

٤. تاريخ دمشق: ج ٦١ ص ٣٨١ ح ٢٢٦٦١ عن أبي صالح عن الإمام الحسن ﷺ، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٩ ح ٢١٤٣.

٥. في إرشاد القلوب: «كانت».

٦. عالِج: رمال معروفة بالبادية (لسان العرب: ج ٢ ص ٣٢٧ «علج»).

٧. جامع الأخبار: ص ١٥٥ ح ٣٥٥ عن أنس، إرشاد القلوب: ص ١٩٠ وفيه «مثل» بدل «أكثر من».

٨. الأحزاب: ٥٦.

درود می‌فرستند. مگر نشنیده‌ای این سخن خدای‌ﷻ را که: ﴿او و فرشتگانش بر شما درود می‌فرستند تا شما را از تاریکی‌ها به روشنایی برد و خدا به مؤمنان، مهربان است﴾؟

۴/۴
آمرزش گناهان

۳۰۲۷. **پیامبر خداﷺ**: هر کس از روی محبّت و شوق به من، هر روز، سه مرتبه و هر شب، سه مرتبه بر من درود فرستد، بر خداست که گناهان آن شب و آن روز او را بیامرزد.

۳۰۲۸. **پیامبر خداﷺ**: بر من، فراوان درود بفرستید؛ زیرا درود فرستادن شما بر من، مایهٔ آمرزش گناهان شماست، و برای من [از خداوند،] درجه و وسیله درخواست کنید؛ زیرا وسیلهٔ من در نزد پروردگارم، شفاعت کردن برای شماست.

۳۰۲۹. **پیامبر خداﷺ**: هر فردی از امّت من که نام مرا ببرد و آن گاه بر من درود بفرستد، بی‌گمان، خداوند، گناهانش را می‌آمرزد، اگرچه بیشتر از ریگ‌های ریگزار عالج[1] باشد.

۳۰۳۰. **امام حسنؑ**: گفتند: ای پیامبر خدا! معنای این سخن خدای‌ﷻ چیست: ﴿خدا و فرشتگانش بر پیامبر، درود می‌فرستند﴾؟

فرمود: «این، از نهفتنی‌هاست و اگر نبود که در بارهٔ آن از من سؤال کردید، هیچ گاه به شما خبر نمی‌دادم. خدای‌ﷻ دو فرشته برای من گماشته است که هر گاه نزد بندهٔ مسلمانی نام من برده شود و او بر من، درود فرستد، آن دو فرشته

---

۱. عالج، ریگزاری است در حجاز.

المَلَكانِ : غَفَرَ اللهُ لَكَ، وقالَ اللهُ ومَلائِكَتُهُ جَواباً لِذَينِكَ المَلَكَينِ : آمينَ.[١]

٣٠٣١ . **الإمام الصادق**عليه السلام: قالَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله ذاتَ يَومٍ لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام : ألا أُبَشِّرُكَ؟

قالَ : بَلىٰ بِأَبي أنتَ وأُمّي، فَإِنَّكَ لَم تَزَل مُبَشِّراً بِكُلِّ خَيرٍ.

فَقالَ : أخبَرَني جَبرائيلُ آنِفاً بِالعَجَبِ.

فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : ومَا الَّذي أخبَرَكَ يا رَسولَ اللهِ؟

قالَ : أخبَرَني أنَّ الرَّجُلَ مِن أُمَّتي إذا صَلّىٰ عَلَيَّ وأتبَعَ بِالصَّلاةِ عَلىٰ أهلِ بَيتي، فُتِحَت لَهُ أبوابُ السَّماءِ وصَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَةُ سَبعينَ صَلاةً، وإنَّهُ لَمُذنِبٌ وخَطّاءٌ[٢]، ثُمَّ تَحاتُّ عَنهُ الذُّنوبُ كَما يَتَحاتُّ الوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ، ويَقولُ اللهُ تَبارَكَ وتَعالىٰ : لَبَّيكَ عَبدي وسَعدَيكَ، يا مَلائِكَتي أنتُم تُصَلّونَ عَلَيهِ سَبعينَ صَلاةً وأنَا أُصَلّي عَلَيهِ سَبعَمِئَةِ صَلاةٍ.[٣]

٣٠٣٢ . **الإمام عليّ**عليه السلام: الصَّلاةُ عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله أمحَقُ[٤] لِلخَطايا مِنَ الماءِ لِلنّارِ، وَالسَّلامُ عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله أفضَلُ مِن عِتقِ رِقابٍ.[٥]

٣٠٣٣ . **الإمام الرضا**عليه السلام: مَن لَم يَقدِر عَلىٰ ما يُكَفِّرُ بِهِ ذُنوبَهُ، فَليُكثِر مِنَ الصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

---

١ . المعجم الكبير : ج ٣ ص ٨٩ ح ٢٧٥٣، تفسير ابن كثير : ج ٦ ص ٤٦٥ كلاهما عن أُمّ أنيس، تفسير القرطبي : ج ١٤ ص ٢٣٣، كنز العمّال : ج ٢ ص ٣٥ ح ٣٠٢٧؛ عوالي اللآلي : ج ٢ ص ٣٨ ح ٩٧، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٨٧ ح ٦ نقلاً عن الدرّ المنثور عن الإمام الحسين عليه السلام .

٢ . في المصدر : «وإنّه للذنب حطّاء»، وهو تصحيف ظاهر، وقد صحّحناه طبقاً لما في جمال الأسبوع، وفي الأمالي للصدوق : «وإن كان مذنباً خطّاءً».

٣ . ثواب الأعمال : ص ١٨٨ ح ١، الأمالي للصدوق : ص ٦٧٥ ح ٩١٦، جمال الأسبوع : ص ١٥٧ كلّها عن عبد الله بن سنان، جامع الأخبار : ص ١٦٠ ح ٣٨٣، روضة الواعظين : ص ٣٥٤، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٥٦ ح ٣٠.

٤ . المَحْق : النقص والمحو والإبطال (النهاية : ج ٤ ص ٣٠٣ «محق»).

٥ . ثواب الأعمال : ص ١٨٥ ح ١ عن عاصم بن ضمرة، جامع الأخبار : ص ١٥٨ ح ٣٧٤ وفيه «وآله» بعد «النبيّ» في كلا الموضعين، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٥٧ ح ٣٣.

مـی‌گویند: خـدایت بـیامرزد! و خـدا و فـرشتگانش در جـواب آن دو فـرشته می‌گویند: "آمین"».

۳۰۳۱. **امام صادق**ﷺ: روزی پیامبر خدا به امیر مؤمنان فرمود: «آیا خبر خوشی به تـو ندهم؟».

[امیر مؤمنان] گفت: چرا، پدر و مادرم به فدایت؛ چـون شـما هـمیشه خـبر خوش می‌دهی!

فرمود: «چند لحظه پیش، جبرئیل خبر شگفتی به من داد».

امیر مؤمنان گفت: چه خبری به شما داد، ای پیامبر خدا؟

پیامبرﷺ فرمود: «به من خبر داد که هر گاه مردی از امّتم بر من درود فرستد و در پی آن بر خاندانم درود فرستد، درهای آسمان برایش گشـوده مـی‌شوند و فرشتگان، هفتاد درود بر او می‌فرستند، با آن که گنهکار و خطاکار است. سپس گناهانش همچون برگ درخت از او فرو می‌ریزند و خدای ـ تبارک و تـعالی ـ می‌فرماید: "بله بنده‌ام، بله! ای فرشتگان من! شما هفتاد درود بر او می‌فرستید و من هفتصد درود بر وی می‌فرستم"».

۳۰۳۲. **امام علی**ﷺ: درود فرستادن بر پیامبرﷺ گناهان را زودتر نابود می‌کند تا آب آتش را، و سلام کردن بر پیامبرﷺ فضیلتش بیشتر از آزاد کردن بنده است.

۳۰۳۳. **امام رضا**ﷺ: هر کس توانایی دادن کفّاره برای گناهانش را نداشت، بر محمّد و

وآلِهِ؛ فَإِنَّها تَهدِمُ الذُّنوبَ هَدماً.[١]

٥/٤
العافِيَة

٣٠٣٤. رسول الله ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ مَرَّةً، فَتَحَ اللهُ عَلَيهِ باباً مِنَ العافِيَةِ.[٢]

٦/٤
زَكاةُ المُصَلّي

٣٠٣٥. رسول الله ﷺ: صَلّوا عَلَيَّ فَإِنَّها زَكاةٌ لَكُم.[٣]

٣٠٣٦. عنه ﷺ: أيُّما رَجُلٍ مُسلِمٍ لَم يَكُن عِندَهُ صَدَقَةٌ، فَليَقُل في دُعائِهِ: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ، وصَلِّ عَلَى المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ»؛ فَإِنَّها لَهُ زَكاةٌ.[٤]

٧/٤
إجابَةُ الدُّعاءِ

٣٠٣٧. رسول الله ﷺ: صَلاتُكُم عَلَيَّ إجابَةٌ لِدُعائِكُم، وزَكاةٌ لِأَعمالِكُم.[٥]

---

١. عيون أخبار الرضا ﷺ: ج ١ ص ٢٩٤ ح ٥٢، الأمالي للصدوق: ص ١٣١ ح ١٢٣ كلاهما عن الحسن بن عليّ بن فضّال، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٥٦، جامع الأخبار: ص ١٥٤ ح ٣٥٠، روضة الواعظين: ص ٣٥٣، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٧ ح ٢ وص ٦٣ ح ٥٢.

٢. جامع الأخبار: ص ١٥٣ ح ٣٤٤، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٣ ح ٥٢.

٣. مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٩٢ ح ٨٧٧٨، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٣٩٩ ح ١٠، مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ٤٨ ح ٦٣٨٣ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٩٢ ح ٢١٦٧.

٤. الأدب المفرد: ص ١٩٢ ح ٦٤٠، المستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ١٤٤ ح ٧١٧٥، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ١٨٥ ح ٩٠٣ كلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ٤ ص ٥ ح ٩٢٠٢.

٥. الأمالي للطوسي: ص ٢١٥ ح ٣٧٦ عن محمّد بن مروان عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٥٤ ح ٢٢.

خاندان او فراوان صلوات بفرستد؛ زیرا درود، گناهان را به کلّی از بین می‌برد.

۵/۴
آسایش

۳۰۳۴. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس یک صلوات بر من بفرستد، خداوند یک در از عافیت (آسایش) را برایش می‌گشاید.

۶/۴
رشد یافتن فرستندهٔ صلوات

۳۰۳۵. **پیامبر خدا**ﷺ: بر من صلوات بفرستید؛ زیرا صلوات، مایهٔ رشد شماست.

۳۰۳۶. **پیامبر خدا**ﷺ: هر مرد مسلمانی که صدقه [و زکات برای دادن] نداشت، در دعایش بگوید: «بار خدایا! بر بنده و فرستاده‌ات، محمّد، درود فرست و بر مردان و زنان مؤمن، و بر مردان و زنان مسلمان، درود فرست»؛ زیرا این برای او، زکات (/مایهٔ رشد) است.

۷/۴
پذیرفته شدن دعا

۳۰۳۷. **پیامبر خدا**ﷺ: درود فرستادن شما بر من، سبب اجابت دعا می‌شود و زکاتِ (/مایهٔ رشدِ) اعمالتان است.

٣٠٣٨ . **الإمام عليّ**عليه السلام: مَن قالَ ثَلاثَ مَرّاتٍ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ» قَضَى اللهُ حاجَتَهُ.[١]

٣٠٣٩ . **مستدرك الوسائل عن تفسير أبي الفتوح الرازي**: عَن أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام أنَّهُ قالَ : لا تَدعُ بِدُعاءٍ إلّا أن تَقولَ في أوَّلِهِ : «صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَافعَل بي كَذا وكَذا».

وكانَ عليه السلام يَفعَلُ كَذٰلِكَ، فَقيلَ لَهُ في ذٰلِكَ، فَقالَ :

الدُّعاءُ مَعَ الصَّلاةِ مَقرونٌ بِالإجابَةِ، وَاللهُ تَعالىٰ يَستَحي أن يَسأَلَ عَنهُ العَبدُ حاجَتَينِ يُجيبُ إحداهُما ويَرُدُّ الأُخرىٰ.[٢]

٣٠٤٠ . **الإمام الصادق**عليه السلام: مَن دَعا ولَم يَذكُرِ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله رَفرَفَ الدُّعاءُ عَلىٰ رَأسِهِ، فَإذا ذَكَرَ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله رُفِعَ الدُّعاءُ.[٣]

٣٠٤١ . **رسول الله**صلى الله عليه وآله: لا يَزالُ الدُّعاءُ مَحجوباً حَتّىٰ يُصَلّىٰ عَلَيَّ وعَلىٰ أهلِ بَيتي.[٤]

٣٠٤٢ . **الإمام الصادق**عليه السلام: لا يَزالُ الدُّعاءُ مَحجوباً حَتّىٰ يُصَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ.[٥]

٣٠٤٣ . **عنه** عليه السلام: إذا دَعا أحَدُكُم فَلْيَبدَأ بِالصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله، ويَقولُ : اِفعَل بي كَذا وكَذا؛ فَإنَّ العَبدَ إذا قالَ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ أهلِ بَيتِهِ» اِستَجابَ لَهُ، فَإذا قالَ : «اِفعَل بي كَذا وكَذا» كانَ أجوَدَ مِن أن يَرُدَّ بَعضاً ويَستَجيبَ بَعضاً.[٦]

---

١ . مستدرك الوسائل : ج ٥ ص ٢٢٧ ح ٥٧٥٤ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

٢ . مستدرك الوسائل : ج ٥ ص ٢٢٧ ح ٥٧٥٦.

٣ . الكافي : ج ٢ ص ٤٩١ ح ٢ عن السكوني، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٨ ح ٢٠٣٦، الجعفريّات : ص ٢١٦ عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام عليّ عليه السلام، جمال الأسبوع : ص ١٦٠ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، عدّة الداعي : ص ١٥٤، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣١٦ ح ٢١ وج ٩٤ ص ٦٨ ح ٥٦.

٤ . كفاية الأثر : ص ٣٩، الصراط المستقيم : ج ٢ ص ١١٨ كلاهما عن أبي ذرّ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٦ ح ٥٣.

٥ . الكافي : ج ٢ ص ٤٩١ ح ١، الأمالي للطوسي : ص ٦٦٢ ح ١٣٧٩ وزاد فيه «عن السماء» بعد «محجوباً»، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٨ ح ٢٠٣٥، عدّة الداعي : ص ١٥٣ كلّها عن هشام بن سالم، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣١٢ ح ١٦.

٦ . جمال الأسبوع : ص ١٦٠ عن عبدالملك بن عتبة، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٨ ح ٥٦.

۳۰۳۸ . **امام علی**ﷺ: هر کس سه بار بگوید: «بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست»، خداوند، حاجتش را برآورده می‌سازد.

۳۰۳۹ . **مستدرک الوسائل** ـ به نقل از تفسیر ابو الفتوح رازی ـ: از امیر مؤمنان روایت شده است که فرمود: «هیچ دعایی مکن، مگر آن که در آغازش بگویی: "بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و با من، چنین و چنان کن"».

خودِ ایشان هم چنین می‌کرد. علّت را از ایشان، جویا شدند. فرمود: «دعای همراه با صلوات، اجابت می‌شود. خداوند متعال شرم می‌کند از این که بنده، دو حاجت از او بخواهد و او یکی را بپذیرد و دیگری را رد کند».

۳۰۴۰ . **امام صادق**ﷺ: هر کس دعا کند و از پیامبرﷺ یاد نکند، آن دعا بر فراز سر او [مانند پرنده‌ای] می‌چرخد، و چون از پیامبرﷺ یاد کند (صلوات بفرستد)، دعا بالا می‌رود.

۳۰۴۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: دعا همچنان در حجاب است، تا آن گاه که بر من و بر اهل بیت من، درود فرستاده شود [که در این هنگام، حجاب کنار می‌رود و دعا به درگاه الهی می‌رود].

۳۰۴۲ . **امام صادق**ﷺ: دعا پیوسته در حجاب است، تا آن گاه که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستاده شود.

۳۰۴۳ . **امام صادق**ﷺ: هر گاه یکی از شما دعا کرد، نخست بر محمّدﷺ درود بفرستد و آن گاه بگوید: «فلان و فلان حاجتم را بر آور»؛ زیرا بنده چون بگوید: «بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان او درود فرست»، دعایش مستجاب می‌شود و چون بگوید: «فلان و فلان حاجت مرا بر آور»، خداوند، بخشاینده‌تر از آن است که قسمتی [از حاجت او] را رد کند و قسمتی را بپذیرد.

٨ / ٤
قَضاءُ الحاجَةِ

٣٠٤٤ . **الإمام الصادق**عليه السلام: مَن قالَ : «يا رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ» مِئَةَ مَرَّةٍ، قُضِيَت لَهُ مِئَةُ حاجَةٍ ؛ ثَلاثونَ لِلدُّنيا وَالباقي لِلآخِرَةِ.[١]

٣٠٤٥ . **عنه** عليه السلام: مَن صَلّىٰ عَلَى النَّبيِّ وآلِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله مَرَّةً واحِدَةً بِنِيَّةٍ وإخلاصٍ مِن قَلبِهِ، قَضَى اللهُ سُبحانَهُ لَهُ مِئَةَ حاجَةٍ ؛ مِنها ثَلاثونَ لِلدُّنيا وسَبعونَ لِلآخِرَةِ.[٢]

٩ / ٤
كِفايَةُ أمرِ الدُّنيا والآخِرَةِ

٣٠٤٦ . **الكافي عن مرازم**: قالَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام : إنَّ رَجُلاً أتىٰ رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله فَقالَ : يا رَسولَ اللهِ، إنّي جَعَلتُ ثُلُثَ صَلَواتي لَكَ، فَقالَ لَهُ خَيراً. فَقالَ لَهُ : يا رَسولَ اللهِ، إنّي جَعَلتُ نِصفَ صَلَواتي لَكَ، فَقالَ لَهُ : ذاكَ أفضَلُ. فَقالَ : إنّي جَعَلتُ كُلَّ صَلَواتي لَكَ، فَقالَ : إذاً يَكفِيَكَ اللهُ ما أهَمَّكَ مِن أمرِ دُنياكَ وآخِرَتِكَ.

فَقالَ لَهُ رَجُلٌ : أصلَحَكَ اللهُ، كَيفَ يَجعَلُ صَلاتَهُ لَهُ؟

فَقالَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام : لا يَسأَلُ اللهَ شَيئاً إلّا بَدَأَ بِالصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ.[٣]

٣٠٤٧ . **الإمام الصادق**عليه السلام: جاءَ رَجُلٌ إلىٰ رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فَقالَ : أجعَلُ نِصفَ صَلَواتي لَكَ؟ قالَ : نَعَم. ثُمَّ قالَ : أجعَلُ صَلَواتي كُلَّها لَكَ؟ قالَ : نَعَم.

---

١ . الكافي : ج ٢ ص ٤٩٣ ح ٩، ثواب الأعمال : ص ١٩٠ ح ١ كلاهما عن معاوية بن عمّار، جامع الأخبار : ص ١٦١ ح ٣٨٥، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٥٩ ح ٤٠.

٢ . الدعوات : ص ٨٩ ح ٢٢٥، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٧٠ ح ٦٣.

٣ . الكافي : ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١٢ وص ٤٩١ ح ٣ عن محمّد بن مسلم نحوه، ثواب الأعمال : ص ١٨٨ ح ١، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٠ ح ٤٢.

۸/۴
برآورده شدن حاجت

۳۰۴۴ . **امام صادق**ﷺ: هر کس صد بار بگوید: «خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست»، صد حاجت او برآورده می‌شود: سی حاجت برای دنیا و بقیّه برای آخرت.

۳۰۴۵ . **امام صادق**ﷺ: هر کس با نیّت و اخلاص قلبی، یک بار بر پیامبرﷺ و خاندان پیامبرﷺ درود فرستد، خداوند پاک، صد حاجت برای او برمی‌آورد: سی حاجت از آنها برای دنیا و هفتاد تا برای آخرت.

۹/۴
کارسازی در دنیا و آخرت

۳۰۴۶ . **الکافی** ـ به نقل از مُرازم ـ: امام صادقﷺ فرمود: «مردی خدمت پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من یک سوم دعاهایم را به شما اختصاص دادم.

[پیامبرﷺ] فرمود: "نیکوست".

گفت: ای پیامبر خدا! نصف دعایم را به شما اختصاص دادم.

فرمود: "این، نیکوتر است".

گفت: همهٔ دعاهایم را به شما اختصاص دادم. فرمود: "در این صورت، خداوندﷻ در دنیا و آخرت برایت کارسازی می‌کند".

مردی به امام صادقﷺ گفت: به سلامت باشید! چگونه کسی دعاهایش را به ایشان، اختصاص می‌دهد؟

فرمود: «[این گونه که] هر حاجتی از خداوندﷻ خواست، نخست بر محمّد و خاندان او درود بفرستد».

۳۰۴۷ . **امام صادق**ﷺ: مردی خدمت پیامبر خدا آمد و گفت: نصف دعاهایم را به شما اختصاص بدهم؟ فرمود: «آری».

دوباره گفت: همهٔ دعاهایم را به شما اختصاص بدهم؟

فرمود: «آری».

فَلَمّا مَضىٰ قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ : كُفِيَ هَمَّ الدُّنيا وَالآخِرَةِ.[١]

٣٠٤٨ . **مسند ابن حنبل عن أُبيّ بن كعب:** قالَ رَجُلٌ : يا رَسولَ اللهِ، أرَأَيتَ إن جَعَلتُ صَلاتي كُلَّها عَلَيكَ؟

قالَ : إذاً يَكفِيَكَ اللهُ تَبارَكَ وتَعالىٰ ما أهَمَّكَ مِن دُنياكَ وآخِرَتِكَ.[٢]

٣٠٤٩ . **سنن الترمذي عن أُبيّ بن كعب:** كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ إذا ذَهَبَ ثُلُثَا اللَّيلِ قامَ فَقالَ : يا أيُّها النّاسُ! أُذكُرُوا اللهَ، أُذكُرُوا اللهَ، جاءَتِ الرّاجِفَةُ تَتبَعُهَا الرّادِفَةُ، جاءَ المَوتُ بِما فيهِ، جاءَ المَوتُ بِما فيهِ.

قالَ أُبَيٌّ : قُلتُ : يا رَسولَ اللهِ، إنّي أُكثِرُ الصَّلاةَ عَلَيكَ، فَكَم أجعَلُ لَكَ مِن صَلاتي؟ فَقالَ : ما شِئتَ، قالَ : قُلتُ : الرُّبعَ؟ قالَ : ما شِئتَ، فَإن زِدتَ فَهُوَ خَيرٌ لَكَ. قُلتُ : النِّصفَ؟ قالَ : ما شِئتَ، فَإن زِدتَ فَهُوَ خَيرٌ لَكَ. قالَ : قُلتُ : فَالثُّلُثَينِ؟ قالَ : ما شِئتَ، فَإن زِدتَ فَهُوَ خَيرٌ لَكَ. قُلتُ : أجعَلُ لَكَ صَلاتي كُلَّها؟

قالَ : إذاً تُكفىٰ هَمَّكَ، ويُغفَرَ لَكَ ذَنبُكَ.[٣]

راجع: ص ٣٣٤ ح ٢٩٣٣ و ٢٩٣٤.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٠ / ٤
ذَهابُ النِّفاقِ

٣٠٥٠ . **رسول الله ﷺ:** الصَّلاةُ عَلَيَّ وعَلىٰ أهلِ بَيتي تَذهَبُ بِالنِّفاقِ.[٤]

راجع: ص ٣٧٠ (أدب الصلاة على رسول الله / رفع الصوت بالصلاة).

---

١ . الكافي : ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١١ عن أبي بكر الحضرمي عمّن سمعه .

٢ . مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٥٠ ح ٢١٣٠٠، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٢ ص ٣٩٩ ح ١٢، المعجم الكبير : ج ٤ ص ٣٥ ح ٣٥٧٤ عن حبّان بن منقذ نحوه، كنزالعمّال : ج ٢ ص ٢٧٨ ح ٤٠٠١ .

٣ . سنن الترمذي : ج ٤ ص ٦٣٦ ح ٢٤٥٧، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٨٩ ح ١٧٠ وفيه «ربع» بدل «ثلثا»، كنزالعمّال : ج ٢ ص ٢٧٦ ح ٣٩٩٧ .

٤ . الكافي : ج ٢ ص ٤٩٢ ح ٨ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام .

چون آن مرد رفت، پیامبر خدا فرمود: «دنیا و آخرتش تضمین شد».

۳۰۴۸ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از اُبَیّ بن کعب ـ: مردی گفت: ای پیامبر خدا! آیا اجازه می‌دهید همهٔ دعایم را به شما اختصاص دهم؟

فرمود: «در این صورت، خداوند ـ تبارک و تعالی ـ در دنیا و آخرت، برایت کارسازی می‌کند».

۳۰۴۹ . **سنن الترمذی** ـ به نقل از اُبَیّ بن کعب ـ: دو سوم شب که می‌گذشت، پیامبر خدا بر می‌خاست و می‌فرمود: «ای مردم! خدا را یاد کنید، خدا را یاد کنید [و برای نماز و نیایش برخیزید] که لرزنده آمده است و از پی آن، لرزه‌ای دگر خواهد آمد! مرگ با همهٔ پیامدهایش در راه است. مرگ با همهٔ پیامدهایش در راه است!».

گفتم: ای پیامبر خدا! من فراوان بر شما درود می‌فرستم. چه‌قدر از دعایم را به شما اختصاص دهم؟

فرمود: «هر چه خواستی».

گفتم: یک چهارم؟

فرمود: هر چه خواستی؛ امّا اگر بیشتر باشد، برایت بهتر است».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

گفتم: نصف؟

فرمود: «هر چه خواستی؛ ولی اگر بیشتر باشد، برای تو بهتر است».

گفتم: دو سوم؟

فرمود: «هر چه خواستی؛ امّا اگر بیشتر باشد، برای تو بهتر است».

گفتم: همهٔ دعایم را به شما اختصاص بدهم؟

فرمود: «در این صورت، به مراد خود می‌رسی و گناهانت آمرزیده می‌شوند».

ر.ک: ص ۳۲۵ ح ۲۹۴۳ و ۲۹۴۴.

۱۰/۴
زدوده شدن نفاق

۳۰۵۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: درود فرستادن بر من و بر خانواده‌ام، نفاق را می‌برَد.

ر.ک: ص ۳۷۱ (صلوات فرستادن با صدای بلند).

١١ / ٤
نورُ يومِ القِيامَةِ

٣٠٥١ . رسول الله ﷺ: زَيِّنوا مَجالِسَكُم بِالصَّلَواتِ عَلَيَّ ؛ فَإِنَّ صَلَواتِكُم عَلَيَّ نورٌ لَكُم يَومَ القِيامَةِ .[١]

٣٠٥٢ . عنه ﷺ: الصَّلاةُ عَلَيَّ نُورٌ عَلَى الصِّراطِ .[٢]

٣٠٥٣ . عنه ﷺ: أكثِرُوا الصَّلاةَ عَلَيَّ ؛ فَإِنَّ الصَّلاةَ عَلَيَّ نورٌ فِي القَبرِ ، ونورٌ عَلَى الصِّراطِ ، ونورٌ فِي الجَنَّةِ .[٣]

٣٠٥٤ . عنه ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ مَرَّةً ؛ خَلَقَ اللهُ تَعالىٰ يَومَ القِيامَةِ عَلىٰ رَأسِهِ نوراً ، وعَلىٰ يَمينِهِ نوراً ، وعَلىٰ شِمالِهِ نوراً ، ومِن فَوقِهِ نوراً ، ومِن تَحتِهِ نوراً ، وفي جَميعِ أعضائِهِ نوراً .[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٢ / ٤
النَجاةُ مِن أهوالِ القِيامَةِ

٣٠٥٥ . رسول الله ﷺ: يا أيُّهَا النّاسُ! إنَّ أنجاكُم يَومَ القِيامَةِ مِن أهوالِها ومَواطِنِها ، أكثَرُكُم عَلَيَّ صَلاةً في دارِ الدُّنيا .[٥]

---

١ . الفردوس : ج ٢ ص ٢٩١ ح ٣٣٣٠ عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج ٩ ص ١٤١ ح ٢٥٤١٥ .

٢ . جامع الأخبار : ص ١٥٦ ح ٣٦٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٤ ح ٥٢ ؛ الفردوس : ج ٢ ص ٤٠٨ ح ٣٨١٤ عن أبي هريرة ، كنزالعمّال : ج ١ ص ٤٩٠ ح ٢١٤٩ نقلاً عن الدارقطني في الأفراد .

٣ . الدعوات : ص ٢١٦ ح ٥٨١ ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ٦٤ ح ٨ .

٤ . جامع الأخبار : ص ١٥٥ ح ٣٦٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٤ ح ٥٢ .

٥ . الفردوس : ج ٥ ص ٢٧٧ ح ٨١٧٥ عن أنس ، كنزالعمّال : ج ١ ص ٥٠٤ ح ٢٢٢٨ .

۱۱ / ۴
روشنایی روز رستاخیز

۳۰۵۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: مجلس‌های خود را با درود فرستادن بر من، زینت بخشید؛ زیرا درودهای شما بر من، در روز رستاخیز، برای شما نور [و روشنایی] است.

۳۰۵۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: درود فرستادن بر من، نوری بر روی صراط است.

۳۰۵۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا درود فرستادن بر من، نوری در قبر، و نوری بر صراط، و نوری در بهشت است.

۳۰۵۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس یک درود بر من بفرستد، خداوندِ بزرگ در روز رستاخیز، یک نور بر فراز سرش و یک نور در سمت راستش و یک نور در سمت چپش و یک نور در بالایش و یک نور در پایین پایش و نوری هم در همهٔ اندام‌هایش می‌آفریند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۲ / ۴
رهایی از هراس‌های رستاخیز

۳۰۵۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: هان، ای مردم! رهنده‌ترینِ شما در روز رستاخیز از هراس‌ها و ایستگاه‌های آن، کسی است که در سرای دنیا بیشتر بر من درود بفرستد.

١٣ / ٤
ثِقَلُ الميزانِ

٣٠٥٦ . رسول الله ﷺ ـ في فَضائِلِ شَهرِ رَمَضانَ ـ: مَن أكثَرَ فيهِ مِنَ الصَّلاةِ عَلَيَّ، ثَقَّلَ اللهُ ميزانَهُ يومَ تَخِفُّ المَوازينُ.[١]

٣٠٥٧ . عنه ﷺ: أنَا عِندَ الميزانِ يومَ القِيامَةِ، فَمَن ثَقُلَت سَيِّئاتُهُ عَلىٰ حَسَناتِهِ جِئتُ بِالصَّلاةِ عَلَيَّ حَتّىٰ أُثقِلَ بِها حَسَناتِهِ.[٢]

٣٠٥٨ . الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليه السلام: ما فِي الميزانِ شَيءٌ أثقَلُ مِنَ الصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وإنَّ الرَّجُلَ لَتوضَعُ أعمالُهُ فِي الميزانِ فَتَميلُ بِهِ، فَيُخرِجُ ﷺ الصَّلاةَ عَلَيهِ فَيَضَعُها في ميزانِهِ فَيُرَجِّحُ بِهِ.[٣]

٣٠٥٩ . الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليه السلام: أثقَلُ ما يوضَعُ فِي الميزانِ يومَ القِيامَةِ الصَّلاةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ أهلِ بَيتِهِ.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٤ / ٤
شَفاعَةُ النَّبيِّ ﷺ

٣٠٦٠ . رسول الله ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ حين يُصبِحُ عَشراً، وحينَ يُمسي عَشراً؛ أدرَكَتهُ

---

١ . عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٢٩٦ ح ٥٣، الأمالي للصدوق: ص ١٥٥ ح ١٤٩، فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٧٨ ح ٦١ كلّها عن الحسن بن عليّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، المصباح للكفعمي: ص ٨٣٦، روضة الواعظين: ص ٣٧٩، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣٥٧ ح ٢٥.

٢ . ثواب الأعمال: ص ١٨٦ ح ١ عن أبي البختري عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المقنع: ص ٢٩٧، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٧ ح ٢٢٣٧، جامع الأخبار: ص ١٥٨ ح ٣٧٦ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٣٠٤ ح ٧٢.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٤ ح ١٥، عدّة الداعي: ص ١٥٢ كلاهما عن محمّد بن مسلم.

٤ . قرب الإسناد: ص ١٤ ح ٤٥ عن إبراهيم بن عبد الحميد، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٩ ح ٩.

۱۳ / ۴
سنگین کردن ترازوی اعمال

۳۰۵۶. **پیامبر خدا**ﷺ ـ در فضایل ماه رمضان ـ: هر کس در این ماه، زیاد بر من درود فرستد، خداوند، در آن روزی که ترازوها سبُک‌اند، ترازوی او را سنگین می‌گرداند.

۳۰۵۷. **پیامبر خدا**ﷺ: در روز قیامت، من کنار ترازو هستم. هر کس بدی‌هایش بر خوبی‌هایش سنگینی کند، درودی را که بر من فرستاده است، می‌آورم و با آن، [کفهٔ] خوبی‌هایش را سنگین می‌گردانم.

۳۰۵۸. **امام باقر یا امام صادق**ؑ: در ترازو [ی اعمال]، عملی سنگین‌تر از درود فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد وجود ندارد. آدمی، اعمالش در ترازو نهاده می‌شود و سبک است. پیامبرﷺ درودهای او را بیرون می‌آورد و در ترازویش می‌گذارد و به سبب آن، سنگین می‌شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۰۵۹. **امام باقر یا امام صادق**ؑ: سنگین‌ترین چیزی که روز قیامت در ترازو نهاده می‌شود، درود فرستادن بر محمّد و بر اهل بیت اوست.

۱۴ / ۴
شفاعت پیامبرﷺ

۳۰۶۰. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس صبحگاهان، ده درود و شامگاهان نیز ده درود بر من

شَفاعتي يَومَ القِيامَةِ.[١]

٣٠٦١. عنه ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وقالَ: «اللّٰهُمَّ أنزِلهُ المَقعَدَ المُقَرَّبَ عِندَكَ يَومَ القِيامَةِ» وَجَبَت لَهُ شَفاعَتي.[٢]

٣٠٦٢. عنه ﷺ: مَن قالَ: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ، وبارِك عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما بارَكتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ، وتَرَحَّم عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما تَرَحَّمتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ» شَهِدتُ لَهُ يَومَ القِيامَةِ بِالشَّهادَةِ، وشَفَعتُ لَهُ.[٣]

١٥ / ٤
دُخولُ الجَنَّةِ

٣٠٦٣. رسول الله ﷺ: مَن صَلّىٰ عَلَيَّ في يَومٍ أَلفَ مَرَّةٍ، لَم يَمُت حَتّىٰ يَرىٰ مَقعَدَهُ مِنَ الجَنَّةِ.[٤]

٣٠٦٤. عنه ﷺ: جاءَني جَبرائيلُ عليه السلام وقالَ: إنَّهُ لا يُصَلّي عَلَيكَ أحَدٌ إلّا ويُصَلّي عَلَيهِ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ، ومَن صَلّىٰ عَلَيهِ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ كانَ مِن أهلِ الجَنَّةِ.[٥]

٣٠٦٥. عنه ﷺ: مَن كانَ آخِرُ كلامِهِ الصَّلاةَ عَلَيَّ وعَلىٰ عَلِيٍّ، دَخَلَ الجَنَّةَ.[٦]

---

١. كنزالعمّال: ج ١ ص ٤٩١ ح ٢١٦٤ نقلاً عن الطبراني عن أبي الدرداء.

٢. مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٤٦ ح ١٦٩٨٨، مسند البزّار: ج ٦ ص ٢٩٩ ح ٢٣١٥، المعجم الكبير: ج ٥ ص ٢٦ ح ٤٤٨٠ و ٤٤٨١ كلّها عن رُوَيفع بن ثابت، كنزالعمّال: ج ١ ص ٤٩٧ ح ٢١٨٩.

٣. الأدب المفرد: ص ١٩٢ ح ٦٤١ عن أبي هريرة؛ بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٨٧ ح ٦.

٤. الترغيب والترهيب: ج ٢ ص ٥٠١ ح ٢٢ نقلاً عن أبي حفص بن شاهين عن أنس.

٥. جامع الأخبار: ص ١٥٦ ح ٣٦٤ عن عبد الرحمٰن بن عوف، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٤ ح ٥٢.

٦. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٦٤ ح ٢٧٣ عن الحسن بن عبد الله بن محمّد بن العبّاس الرازي التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام.

بفرستد، روز قیامت شفاعتم به او می‌رسد.

۳۰۶۱. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس بر محمّد، درود فرستد و بگوید: «بار خدایا! در روز رستاخیز، او را در جایگاه نزدیک خودت بنشان»، شفاعتم برای او واجب می‌گردد.

۳۰۶۲. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس بگوید: «بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد، درود فرست، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود فرستادی، و به محمّد و خاندان محمّد برکت ده، چنان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم، برکت دادی، و بر محمّد و خاندان محمّد رحم کن، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، رحم کردی»، روز قیامت، به شهادت دادن او، شهادت می‌دهم و برایش شفاعت می‌کنم.

۱۵/۴
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
رفتن به بهشت

۳۰۶۳. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس روزی هزار بار بر من درود فرستد، نمی‌میرد تا آن که جایگاه خود در بهشت را می‌بیند.

۳۰۶۴. **پیامبر خدا**ﷺ: جبرئیلؑ نزد من آمد و گفت: هر کس بر تو درود فرستد، هفتاد هزار فرشته بر او درود می‌فرستند، و کسی که هفتاد هزار فرشته بر او درود بفرستند، اهل بهشت است.

۳۰۶۵. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس پایان سخنش، درود بر من و بر علی باشد، به بهشت می‌رود.

الفَصلُ الخامِسُ

الصَّلاةُ عَلَى الأنبِياءِ عليهم السلام

٣٠٦٦ . رسول الله صلى الله عليه وآله: صَلّوا عَلىٰ أنبِياءِ اللهِ ورُسُلِهِ؛ فَإنَّ اللهَ بَعَثَهُم كَما بَعَثَني.[١]

٣٠٦٧ . عنه صلى الله عليه وآله: إذا صَلَّيتُم عَلَى المُرسَلينَ فَصَلّوا عَلَيَّ مَعَهُم؛ فَإنّي رَسولٌ مِن رَبِّ العالَمينَ.[٢]

٣٠٦٨ . الإمام عليّ عليه السلام ـ في كِتابٍ كَتَبَهُ لِابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام ـ: ونَسأَلُهُ أن يُصَلِّيَ عَنّا عَلىٰ نَبِيِّنا صلى الله عليه وآله وعَلىٰ أهلِ بَيتِهِ وعَلىٰ أنبِياءِ اللهِ ورُسُلِهِ، بِصَلاةٍ جَميعِ مَن صَلّىٰ عَلَيهِ مِن خَلقِهِ.[٣]

٣٠٦٩ . عنه عليه السلام ـ فِي الدُّعاءِ ـ: اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ، وعَلىٰ أنبِيائِكَ ورُسُلِكَ أجمَعينَ.[٤]

٣٠٧٠ . فاطمة عليها السلام ـ مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاةِ الظُّهرِ ـ: اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وعَلىٰ جَميعِ الأَنبِياءِ وَالمُرسَلينَ، وعَلَى المَلائِكَةِ أجمَعينَ.[٥]

---

١ . شُعب الإيمان: ج ١ ص ١٤٨ ح ١٣١، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ٢ ص ٢١٦ ح ٣١١٨ وليس فيه «كما بعثني» وكلاهما عن أبي هريرة، تاريخ بغداد: ج ٧ ص ٣٨١ عن أنس، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٩٢ ح ٢١٧٠.

٢ . كنز العمّال: ج ١ ص ٥٠٧ ح ٢٢٤٤ نقلاً عن الديلمي عن أنس.

٣ . تحف العقول: ص ٧٢، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٢٠ ح ٢.

٤ . تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٨٣ ح ٢٣٩ عن عليّ بن عبد الله عن أبيه عن جدّه عن الإمام الحسين عليه السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١٠٩، الإقبال: ج ١ ص ٣٢١، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٢٨.

٥ . فلاح السائل: ص ٣١٤ ح ٢١٢، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٦٨ ح ٤.

فصل پنجم

صلوات فرستادن بر پیامبران ﷺ

۳۰۶۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: بر پیامبران و فرستادگان خدا درود بفرستید؛ زیرا آنها هم مانند من، فرستادهٔ خدا هستند.

۳۰۶۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه بر فرستادگان خدا درود فرستادید، همراه با آن بر من نیز درود بفرستید؛ زیرا من هم فرستادهٔ پروردگار جهانیان هستم.

۳۰۶۸ . **امام علی**ؑ ـ در نامه‌ای که به فرزندش حسنؑ نوشت ـ: و از او [خدا] می‌خواهیم که از جانب ما بر پیامبرمانﷺ و بر اهل بیت او و بر پیامبران و فرستادگانش درود فرستد، با صلوات همهٔ کسانی از آفریدگانش که بر او درود فرستاده‌اند.

۳۰۶۹ . **امام علی**ؑ ـ در دعا ـ: بار خدایا! بر فرشتگان مقرّبت، و بر پیامبران و فرستادگانت، همگی، درود فرست.

۳۰۷۰ . **فاطمه**ؑ ـ از دعای ایشان بعد از نماز ظهر ـ: بار خدایا! بر خاتم پیامبران، محمّد، و بر همهٔ پیامبران و فرستادگان و بر تمامی فرشتگان، درود فرست.

٣٠٧١ . **الإمام زين العابدين**عليه السلام: اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وصَلِّ عَلىٰ مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ، وأنبِيائِكَ وَالصِّدّيقينَ، وأُولِي العَزمِ مِنَ المُرسَلينَ، الَّذينَ أُوذوا في جَنبِكَ، وجاهَدوا فيكَ حَقَّ جِهادِكَ، وقاموا بِأَمرِكَ ووَحَّدوكَ وعَبَدوكَ حَتّىٰ أتاهُمُ اليَقينُ.[١]

٣٠٧٢ . **عنه**عليه السلام ـ فِي القُنوتِ ـ: اللّهُمَّ أنتَ المُبينُ البائِنُ، وأنتَ المَكينُ الماكِنُ المُمَكِّنُ.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ آدَمَ بَديعِ فِطرَتِكَ، ورُكنِ حُجَّتِكَ، ولِسانِ قُدرَتِكَ، وَالخَليفَةِ في بَسيطَتِكَ، وأوَّلِ مُجتَبىً لِلنُّبُوَّةِ بِرَحمَتِكَ، وساحِفِ[٢] شَعرِ رَأسِهِ تَذَلُّلاً لَكَ في حَرَمِكَ لِعِزَّتِكَ، ومُنشَأٍ مِنَ التُّرابِ نَطَقَ إعراباً بِوَحدانِيَّتِكَ، وعَبدٍ لَكَ أنشَأتَهُ لِأُمَّتِكَ، ومُستَعيذٍ بِكَ مِن مَسِّ عُقوبَتِكَ.

وصَلِّ عَلَى ابنِهِ الخالِصِ مِن صَفوَتِكَ، وَالفاحِصِ عَن مَعرِفَتِكَ، وَالغائِصِ المَأمونِ عَن مَكنونِ سَريرَتِكَ، بِما أولَيتَهُ مِن نِعَمِكَ ومَعونَتِكَ، وعَلىٰ مَن بَينَهُما مِنَ النَّبِيِّينَ وَالمُرسَلينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ.[٣]

٣٠٧٣ . **عنه**عليه السلام ـ فِي الصَّلاةِ عَلىٰ آدَمَعليه السلام ـ: اللّهُمَّ وآدَمُ[٤] بَديعُ فِطرَتِكَ، وأوَّلُ مُعتَرِفٍ مِنَ الطّينِ بِرُبوبِيَّتِكَ، وبِكرُ[٥] حُجَجِكَ عَلىٰ عِبادِكَ وبَرِيَّتِكَ، وَالدَّليلُ عَلَى الاِستِجارَةِ بِعَفوِكَ، وَالنّاهِجُ سُبُلَ تَوبَتِكَ، وَالوَسيلَةُ بَينَ الخَلقِ وبَينَ مَعرِفَتِكَ، وَالَّذي لَقَّنتَهُ[٦] ما رَضيتَ بِهِ عَنهُ بِمَنِّكَ عَلَيهِ ورَحمَتِكَ لَهُ، وَالمُنيبُ الَّذي لَم يُصِرَّ عَلىٰ مَعصِيَتِكَ، وسابِقُ المُتَذَلِّلينَ

---

١ . مصباح المتهجّد: ص ١٣٦ ح ٢٢٠، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٤١ ح ٥٠.

٢ . سَحَفَ رأسه: أي حَلَقَهُ (الصحاح: ج ٤ ص ١٣٧٢ «سحف»).

٣ . مُهَج الدعوات: ص ٧٠، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢١٥ ح ١.

٤ . في المصدر: «اللّهمّ وصَلِّ علىٰ آدَمَ...»، والتصويب من بقيّة المصادر.

٥ . البِكْر: أوّل كلّ شيء (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣٧٦ «بكر»).

٦ . في المصدر: «لقّيته»، والتصويب من بعض النسخ.

۳۰۷۱. **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و بر فرشتگان مقرّبت، و بر پیامبرانت و گروندگان راستین، و بر فرستادگان اولو العزم ـ همانان که از بهر تو آزارها دیدند، و در راه تو، چنان که باید، جهاد کردند، و فرمان تو را بر پا داشتند و تو را به یگانگی شناختند و تا لحظهٔ مرگ، تو را بندگی نمودند ـ درود فرست.

۳۰۷۲. **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعای قنوت ـ: بار خدایا! تو پیدایی و هویدا، و تو توانایی و نیرومند و نیروبخش.

بار خدایا! بر آدم، این آفریدهٔ شگفت‌انگیزت، و ستون حجّتت، و زبان قدرتت، و جانشین [تو] در زمینت، و نخستین کسی که از سر لطف و رحمتت برای پیامبری برگزیدی، و نخستین کسی که برای اظهار خواری برای تو و عزّت تو، در حَرَمت، موی سرش را تراشید، و نخستین کسی که از خاک، پدید آمد و زبان به یکتایی تو گشود، و نخستین بنده‌ات که برای امّتت ایجادش کردی، و نخستین کسی که از گرفتار آمدن به کیفر تو به تو پناه بُرد، درود فرست.

و بر فرزندش [محمّد]، این برگزیدهٔ خالص تو و جستجوگر معرفت تو، و غوّاص امینِ ذات نهان تو ـ با لطف و یاری تو که ارزانی‌اش داشتی ـ درود فرست، و نیز بر پیامبران و فرستادگان و راست‌باوران و گواهان و درستکارانی که میان آن دو [از آدم تا خاتمﷺ] بوده‌اند، درود فرست.

۳۰۷۳. **امام زین العابدین**ﷺ ـ در درود فرستادن بر آدمﷺ ـ: بار خدایا! آدم، پدیدهٔ شگفت آفرینش توست، و نخستین موجود خاکی‌ای که به پروردگاری تو اعتراف نمود، و آغازین حجّت تو بر بندگان و آفریدگانت، و نشان دهندهٔ راه پناه بردن به بخشایش تو، و پیمایندهٔ راه‌های توبهٔ تو، و وسیلهٔ میان خلق و شناخت تو؛ همو که از سر لطف و مِهرت بر او، آنچه را که به واسطهٔ آن از او خشنود گشتی، به وی تلقین و الهام فرمودی؛ توبه‌گری که بر نافرمانی از تو پای نفشرد؛ نخستین کسی که با تراشیدن سرش در حرم تو [در پیشگاهت] خواری نمود؛

بِحَلقِ رَأسِهِ في حَرَمِكَ، وَالمُتَوَسِّلُ بَعدَ المَعصِيَةِ بِالطّاعَةِ إلىٰ عَفوِكَ، وأبُو الأَنبِياءِ الَّذين أُوذوا في إجابَتِكَ، وأكثَرُ ساكِني سُكّانِ الأَرضِ سَعياً [و] نَشاطاً في طاعَتِكَ، فَصَلِّ أنتَ عَلَيهِ يا رَحمٰنُ ومَلائِكَتُكَ وساكِنو سَماواتِكَ وأرضِكَ، كَما عَظَّمَ حُرُماتِكَ، ودَلَّنا عَلىٰ سَبيلِ مَرضاتِكَ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[1]

٣٠٧٤ . **الأمالي للطوسي عن معاوية بن عمّار:** ذَكَرتُ عِندَ أبي عَبدِ اللهِ الصّادِقِ عليه السلام بَعضَ الأَنبِياءِ فَصَلَّيتُ عَلَيهِ، فَقالَ: إذا ذُكِرَ أحَدٌ مِنَ الأَنبِياءِ فَابدَأ بِالصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ ثُمَّ عَلَيهِ، صَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ وعَلىٰ جَميعِ الأَنبِياءِ.[2]

٣٠٧٥ . **الإمام الصادق** عليه السلام ـ في دُعاءِ أُمِّ داوودَ ـ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أبينا آدَمَ بَديعِ[3] فِطرَتِكَ، الَّذي كَرَّمتَهُ بِسُجودِ مَلائِكَتِكَ وأبَحتَهُ جَنَّتَكَ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أُمِّنا حَوّاءَ المُطَهَّرَةِ مِنَ الرِّجسِ، المُصَفّاةِ مِنَ الدَّنَسِ، المُفَضَّلَةِ مِنَ الإِنسِ، المُتَرَدِّدَةِ بَينَ مَحالِّ القُدسِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ هابيلَ، وشَيثٍ، وإدريسَ، ونوحٍ، وهودٍ، وصالِحٍ، وإبراهيمَ، وإسماعيلَ، وإسحاقَ، ويَعقوبَ، ويوسُفَ، وَالأَسباطِ، ولوطٍ، وشُعَيبٍ، وأيّوبَ، وموسىٰ، وهارونَ، ويوشَعَ، وميشا، وَالخِضرِ، وذِي القَرنَينِ، ويونُسَ، وإلياسَ، واليَسَعِ، وذِي الكِفلِ، وطالوتَ، وداوودَ، وسُلَيمانَ، وزَكَرِيّا، وشَعيا، ويَحيىٰ، وتورَخَ، ومَتّىٰ، وأرمِيا، وحَيقوقَ، ودانِيالَ، وعُزَيرٍ، وعِيسىٰ، وشَمعونَ،

---

١ . البلد الأمين: ص ٢٤٣، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٢٩٢ وجاء في أوّله «يناسب أن يتلى عند ضريح آدم عليه السلام أو بعد الصلاة لزيارته الدعاء المرويّ عن سيّد الساجدين صلوات الله عليه المشتمل على الصلاة عليه صلّى الله عليه، وهو ممّا أُلحق ببعض نسخ الصحيفة»؛ ينابيع المودّة: ج ٣ ص ٤٢٧.

٢ . الأمالي للطوسي: ص ٤٢٤ ح ٩٥١، الأمالي للصدوق: ص ٤٦٣ ح ٦١٩، روضة الواعظين: ص ٣٥٣، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٨ ح ٥.

٣ . البديع: المبتدَع. بَدَعَ الشيء: أنشأه وبدأه (لسان العرب: ج ٨ ص ٦ «بدع»).

نخستین کسی که پس از نافرمانی، به وسیلهٔ فرمان‌برداری، به دامن بخشایش تو چنگ زد؛ پدر پیامبرانی که در راه اجابت تو آزارها دیدند؛ همو که بیش از همهٔ ساکنان زمین، در طاعت تو کوشید و تلاش کرد. پس تو ـ ای مهرگستر ـ و فرشتگانت و ساکنان آسمان‌هایت و زمینت، بر او درود فرستید، که او حرمت‌های تو را بزرگ داشت و ما را به راه‌های خشنودی تو ره‌نمون شد، ای مهربان ترینِ مهربانان![1]

۳۰۷۴. **الأمالی**، طوسی ـ به نقل از معاویة بن عمّار ـ: در محضر امام صادق﵇ از پیامبری یاد کردم و بر او درود فرستادم. ایشان فرمود: «هر گاه از یکی از پیامبران یاد شد، نخست بر محمّد، درود بفرست و سپس بر او درود خدا بر محمّد و خاندان او و بر همهٔ پیامبران باد!».

۳۰۷۵. **امام صادق**﵇ ـ در دعای اُمّ داوود ـ: بار خدایا! بر پدرمان آدم، این پدیدهٔ شگفت آفرینش، همو که به سجدهٔ فرشتگانت گرامی‌اش داشتی و بهشتت را بر او روا ساختی، درود فرست. بار خدایا! بر مادرمان، حوّای پاک از آلودگی، پالوده از پلیدی، برگزیده از انسان، رفت و آمد کننده در میان جایگاه‌های قدسی، درود فرست.

بار خدایا! بر هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و یوسف و اسباط و لوط و شعیب و ایّوب و موسی و هارون و یوشَع و میشا و خِضر و ذو القرنین و یونس و الیاس و یَسَع و ذو الکِفل و طالوت و داوود و سلیمان و زکریّا و شَعیا و یحیی و تورَخ و مَتّی

---

۱. در آغاز این درود، آمده است: «مناسب است که در نزد آرامگاه آدم﵇ یا بعد از نماز زیارت، او دعایی را که از امام زین العابدین و سیّد الساجدین ـ صلوات الله علیه ـ روایت شد و مشتمل بر درود بر آن بزرگوار است، خوانده شود. این دعا، به برخی نسخه‌های صحیفهٔ سجّادیه الحاق شده است.

وجِرجيسَ، وَالحَوارِيّينَ، وَالأَتباعِ، وخالِدٍ، وحَنظَلَةَ، ولُقمانَ.[١]

٣٠٧٦. عنه عليه السلام ـ فيما يُقالُ عِندَ الأُسطُوانَةِ الخامِسَةِ مِن مَسجِدِ الكوفَةِ ـ: السَّلامُ عَلىٰ أبينا آدَمَ وأُمِّنا حَوّاءَ، السَّلامُ عَلىٰ هابيلَ المَقتولِ ظُلماً وعُدواناً عَلىٰ مَواهِبِ اللهِ ورِضوانِهِ، السَّلامُ عَلىٰ شَيثٍ صَفوَةِ اللهِ المُختارِ الأَمينِ وعَلَى الصَّفوَةِ الصّادقينَ مِن ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبينَ أوَّلِهِم وآخِرِهِم، السَّلامُ عَلىٰ إبراهيمَ وإسماعيلَ وإسحاقَ ويَعقوبَ وعَلىٰ ذُرِّيَّتِهِمُ المُختارينَ، السَّلامُ عَلىٰ موسىٰ كَليمِ اللهِ، السَّلامُ عَلىٰ عيسىٰ روحِ اللهِ، السَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللهِ، السَّلامُ عَلَى المُصطَفَينِ عَلَى العالَمينَ، السَّلامُ عَلىٰ أميرِ المُؤمِنينَ وذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيكَ فِي الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ، السَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ الزَّهراءِ، السَّلامُ عَلىٰ الرَّقيبِ الشّاهِدِ عَلَى الأُمَمِ لِلهِ رَبِّ العالَمينَ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاكتُبني عِندَكَ مِنَ المَقبولينَ، وَاجعَلني مِنَ الفائِزينَ المُطمَئِنّينَ الَّذينَ لا خَوفٌ عَلَيهِم ولا هُم يَحزَنونَ.[٢]

٣٠٧٧. **الإمام الرضا عليه السلام**: السَّلامُ عَلىٰ أبَوَيَّ آدَمَ ونوحٍ، السَّلامُ عَلىٰ أبَوَيَّ إبراهيمَ وإسماعيلَ، السَّلامُ عَلىٰ أبَوَيَّ مُحَمَّدٍ وعَليٍّ، السَّلامُ عَلىٰ عِبادِ اللهِ الصّالِحينَ.[٣]

---

١. الإقبال: ج ٣ ص ٢٤٤، مصباح المتهجّد: ص ٨٠٨ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١١ ص ٥٩ ح ٦٥.

٢. المزار للشهيد الأوّل: ص ٢٣٨، المزار الكبير: ص ١٦٧، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٣٨٨ ح ١١.

٣. كشف الغمّة: ج ٣ ص ٥٥، بحار الأنوار: ج ٤٩ ص ١٧١؛ مطالب السؤول: ص ٨٦.

و اَرمیا و حیقوق و دانیال و عُزَیر و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریان و پیروان و خالد و حنظله و لقمان درود فرست.

۳۰۷۶. امام صادقﷺ ـ از زیارتی که در کنار پنجمین ستونِ[1] مسجد کوفه خوانده می‌شود ـ: درود بر پدرمان آدم و مادرمان حوّا! درود بر هابیل که از روی ستم و تجاوز به دَهِش‌های خدا و خشنودی او [نسبت به وی] کشته شد! درود بر شیث، برگزیدهٔ خالص و امین خدا و بر برگزیدگان راستین از نسل پاک او، از اوّلین تا آخرین آنها! درود بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و بر تبار برگزیدهٔ آنان! درود بر موسی، هم سخن خدا! درود بر عیسی، روح خدا! درود بر محمّد، دوست و محبوب خدا! درود بر برگزیدگان بر جهانیان! درود بر امیر مؤمنان و فرزندان پاک و پاکیزهٔ او، و رحمت و برکات خدا [بر ایشان]! درود بر تو، در میان پیشینیان و پسینیان! درود بر فاطمهٔ زهرا! درود بر ناظر و گواه بر امّت‌ها از بهر خدای پروردگار جهانیان!

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و مرا در نزد خود، از پذیرفته‌شدگان، رقم زن و مرا از رستگارانِ آسوده‌جان، همانان که آنان را نه ترسی می‌رسد و نه اندوهگین می‌شوند، قرار ده.

۳۰۷۷. امام رضاﷺ: درود بر پدرانم، آدم و نوح! درود بر پدرانم، ابراهیم و اسماعیل! درود بر پدرانم، محمّد و علی! درود بر بندگان شایستهٔ خدا!

---

۱. پنجمین ستون، جایگاهی است که خداوند به آدمﷺ توفیق توبه عطا فرمود.

الفَصْلُ السَّادِسُ

الصَّلَواتُ المأثورَةُ

١ / ٦

الصَّلَواتُ المأثورَةُ عَنِ النَّبيِّ صلى الله عليه وآله

٣٠٧٨ . **مسند ابن حنبل عن أمّ سلمة:** إنَّ رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله قالَ لِفاطِمَةَ عليها السلام : اِيتيني بِزَوجِكِ وَابنَيكِ، فَجاءَت بِهِم، فَأَلقىٰ عَلَيهِم كِساءً فَدَكِيّاً، ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيهِم، ثُمَّ قالَ :

اللّٰهُمَّ إنَّ هٰؤُلاءِ آلُ مُحَمَّدٍ، فَاجعَل صَلَواتِكَ وبَرَكاتِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ .[1]

٣٠٧٩ . **البلد الأمين:** دُعاءُ التَّهليلِ مَروِيٌّ عَنِ النَّبيِّ صلى الله عليه وآله : بَسمِل وقُل : لا إلٰهَ إلَّا اللهُ ـ ثَلاثاً ـ ... اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ـ ثَلاثاً ـ بِعَدَدِ ما صَلّىٰ عَلَيهِ المُصَلّونَ .[2]

راجع: ص ٥٠١ (أدب الصّلاة على رسول الله / ضمّ آل النبيّ إليه في الصلاة).

---

١ . مسند ابن حنبل : ج ١٠ ص ٢٢٨ ح ٢٦٨٠٨ ، المعجم الكبير : ج ٣ ص ٥٣ ح ٢٦٦٤ وج ٢٣ ص ٣٣٦ ح ٧٧٩ ، تاريخ دمشق : ج ١٣ ص ٢٠٣ ح ٣١٨٢ ، ذخائر العقبى : ص ٥٦ ، كنز العمّال : ج ١٣ ص ٦٤٥ ح ٢٧٦٢٩ ؛ العمدة : ص ٣٣ ح ١٣ ، بحار الأنوار : ج ٢٥ ص ٢٤٢ ح ٢٣ .

٢ . البلد الأمين : ص ٣٧٤ .

فصل ششم
صلوات‌های رسیده از پیشوایان بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

۱/۶
صلوات‌های رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله

۳۰۷۸ . مسند ابن حنبل ـ به نقل از اُمّ سلمه ـ : پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: «شوهرت و دو پسرت را نزد من بیاور».

او آنان را آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله جامه‌ای فدکی بر روی آنان افکند. سپس دست خود را بر ایشان نهاد، آن گاه فرمود: «بار خدایا! اینان، خاندان (آل) محمّدند. پس درودها و برکت‌هایت را بر محمّد و بر خاندان محمّد قرار ده، که تو ستودنی و بزرگواری».

۳۰۷۹ . البلد الأمین: دعای هنگام «لا إله إلّا الله» گفتن که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده [چنین است]: بگو: «بسم الله» و بگو: «لا إله إلّا الله؛ معبودی جز خدا نیست» (سه مرتبه) .... بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست (سه مرتبه). به آن شمار که درود فرستندگان بر او درود فرستاده‌اند.

ر.ک: ج ۲ ص ۵۰۱ (آداب درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله / ضمیمه کردن خاندان پیامبر به ایشان در درود).

٢ / ٦

الصَّلَواتُ المأثورةُ عَنِ الإمامِ عَلِيِّ بنِ أبي طالِبٍ عليه السلام

٣٠٨٠ . الإمام عليّ عليه السلام ـ في دُعائِهِ لِلنَّبيِّ صلى الله عليه وآله ـ : اللّهُمَّ اقسِم لَهُ مَقسَماً مِن عَدلِكَ، وَاجزِهِ مُضَعَّفاتِ الخَيرِ مِن فَضلِكَ. اللّهُمَّ أعلِ عَلىٰ بِناءِ البانينَ بِناءَهُ، وأكرِم لَدَيكَ نُزُلَهُ، وشَرِّف عِندَكَ مَنزِلَهُ، وآتِهِ الوَسيلَةَ وأعطِهِ السَّناءَ وَالفَضيلَةَ، وَاحشُرنا في زُمرَتِهِ غَيرَ خَزايا ولا نادِمينَ، ولا ناكِبينَ[1] ولا ناكِثينَ[2]، ولا ضالّينَ ولا مُضِلّينَ ولا مَفتونينَ.[3]

٣٠٨١ . عنه عليه السلام: اللّهُمَّ داحِيَ المَدحُوّاتِ[4]، وداعِمَ المَسموكاتِ[5]، وجابِلَ[6] القُلوبِ عَلىٰ فِطرَتِها؛ شَقِيِّها وسَعيدِها، اِجعَل شَرائِفَ صَلَواتِكَ ونَوامِيَ بَرَكاتِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ، الخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَالفاتِحِ لِمَا انغَلَقَ[7]، وَالمُعلِنِ الحَقَّ بِالحَقِّ، وَالدّافِعِ جَيشاتِ[8] الأَباطيلِ، وَالدّامِغِ صَولاتِ الأَضاليلِ كَما حُمِّلَ، فَاضطَلَعَ قائِماً بِأَمرِكَ، مُستَوفِزاً[9] في مَرضاتِكَ، غَيرَ ناكِلٍ عَن قُدُمٍ، ولا واهٍ في عَزمٍ، واعِياً لِوَحيِكَ، حافِظاً لِعَهدِكَ، ماضِياً عَلىٰ نَفاذِ أمرِكَ، حَتّىٰ أورىٰ قَبَسَ القابِسِ[10]، وأضاءَ الطَّريقَ

---

١ . نَكَبَ عن الطريق: عَدَلَ (الصحاح: ج ١ ص ٢٢٨ «نكب»).

٢ . النَّكْث: نَقض العهد (النهاية: ج ٥ ص ١١٤ «نكث»).

٣ . نهج البلاغة: الخطبة ١٠٦، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٣٨١ ح ٩٣.

٤ . الدَّحْو: البسط، والمَدحوّات: الأرضين؛ أي بسط ووسّع الأرضين (النهاية: ج ٢ ص ١٠٦ «دحا»).

٥ . المَسْمُوكات: السماوات السبع (النهاية: ج ٢ ص ٤٠٣ «سمك»).

٦ . جَبَلَهُم الله تعالى: خَلَقَهُم. وجَبَلَه على الشيء: طَبَعَهُ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٤٥ «جبل»).

٧ . الفاتح لما انغلق: أي فتحَ ما انغلق وأُبهم على الناس من مسائل الدين والتوحيد والشرائع (بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٣٧٨).

٨ . جَيشَات: جمع جيشة، وهي المرّة من جَاشَ؛ إذا ارتفع (النهاية: ج ١ ص ٣٢٤ «جيش»).

٩ . الوَفز: العَجَلة (الصحاح: ج ٣ ص ٩٠١ «وفز»).

١٠ . قال ابن الأثير: ومنه حديث عليّ عليه السلام: «حتّى أورىٰ قَبَساً لِقابس»؛ أي أظهَر نوراً من الحقّ لطالبه. والقابِس: طالِب النار، وهو فاعل من قَبَس (النهاية: ج ٤ ص ٤ «قبس»).

۲/۶
صلوات‌های رسیده از امام علی علیه‌السلام

۳۰۸۰ . **امام علی** علیه‌السلام ـ در دعایش برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ـ : بار خدایا! از عدل خویش برای او بهره‌ای [بزرگ] قرار ده، و از بخشایشت، چندْ چندان، نیکی پاداشش ده.

بار خدایا! بنای [دین] او را بر بنای بناکنندگان (ادیان پیشین)، بلندی بخش، و از او در نزد خویش، به گرمی پذیرایی فرما، و منزلت او را بزرگ دار، و وسیله (بالاترین درجهٔ بهشت) و بلندی و برتری عطا فرما، و ما را در گروه او محشور کن، در حالی که نه سرافکنده باشیم، نه پشیمان، نه منحرف، نه پیمان‌شکن، نه گم‌راه، نه گم‌راه کننده، و نه فریب‌خورده [و گناه آلود].

۳۰۸۱ . **امام علی** علیه‌السلام: بار خدایا! ای گسترانندهٔ گسترده‌ها (زمین‌های هفتگانه) و ای نگه دارندهٔ افراشته‌ها (هفت آسمان)، و ای آفرینندهٔ دل‌ها بر سرشتشان: شوربخت و نیک‌بخت! درودهای ارزنده‌ات را و برکت‌های فزاینده‌ات را بر محمّد، بنده‌ات و فرستاده‌ات، قرار ده؛ همو که پایان‌بخش [شرایع] پیشین است و گشایندهٔ بسته‌ها و آشکار کنندهٔ حق با حق، و دفع کنندهٔ خروش‌های باطل، و فرو کوبندهٔ یورش‌های گم‌راهی، آن گونه که [مسئولیتش] بر دوش او نهاده شد و قدرتمندانه، به فرمان تو برخاست (/فرمان تو را اجرا کرد) و در راه خشنودی تو شتافت، بی آن که گامی به پس رود، یا در عزم او سستی راه یابد؛ بلکه وحی تو را فرا گرفت و پیمانِ تو را پاس داشت و فرمان تو را به کار بست تا آن که برای جویندهٔ شعلهٔ آتش [معرفت]، شعله افروخت، و برای آن که در بیراهه می‌رفت،

لِلخابِطِ[١]، وهُدِيَت بِهِ القُلوبُ بَعدَ خَوضاتِ الفِتَنِ وَالآثامِ، وأقامَ بِموضِحاتِ الأَعلامِ ونَيِّراتِ الأَحكامِ.

فَهُوَ أمينُكَ المَأمونُ، وخازِنُ عِلمِكَ المَخزونِ، وشَهيدُكَ[٢] يَومَ الدِّينِ، وبَعيثُكَ[٣] بِالحَقِّ، ورَسولُكَ إلَى الخَلقِ.

اللّٰهُمَّ افسَح لَهُ مَفسَحاً في ظِلِّكَ، وَاجزِهِ مُضاعَفاتِ الخَيرِ مِن فَضلِكَ، اللّٰهُمَّ وأعلِ عَلىٰ بِناءِ البانينَ بِناءَهُ، وأكرِم لَدَيكَ مَنزِلَتَهُ، وأتمِم لَهُ نورَهُ، وَاجزِهِ مِن ابتِعاثِكَ لَهُ مَقبولَ الشَّهادَةِ، ومَرضِيَّ المَقالَةِ، ذا مَنطِقٍ عَدلٍ، وخُطبَةٍ فَصلٍ.

اللّٰهُمَّ اجمَع بَينَنا وبَينَهُ في بَردِ العَيشِ، وقَرارِ النِّعمَةِ، ومُنَى الشَّهَواتِ، وأهواءِ اللَّذّاتِ، ورَخاءِ الدَّعَةِ، ومُنتَهَى الطُّمَأنينَةِ، وتُحَفِ الكَرامَةِ.[٤]

٣٠٨٢. **الإمام عليّ عليه السلام**: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ ونَبِيِّكَ صَلاةً نامِيَةً زاكِيَةً، تَرفَعُ بِها دَرَجَتَهُ وتُبَيِّنُ بِها فَضلَهُ.

وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وبارِك عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، كَما صَلَّيتَ وبارَكتَ وتَرَحَّمتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.[٥]

٣٠٨٣. **عنه عليه السلام**: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ، وأعطِهِ اليَومَ أفضَلَ الوَسائِلِ، وأشرَفَ العَطاءِ وأعظَمَ الحِباءِ وَالمَنازِلِ، وأسعَدَ الجُدودِ وأقَرَّ الأَعيُنِ.

---

١. الخَبْط: المشي على غير الطريق (مجمع البحرين: ج ١ ص ٤٩١ «خبط»).

٢. شهيدك يوم الدين: أي شاهدك على أُمّته يوم القيامة (النهاية: ج ٢ ص ٥١٣ «شهد»).

٣. بعيثُك: أي مبعوثك الذي بعثته إلى الخلق، فهو فعيل بمعنى مفعول (النهاية: ج ١ ص ١٣٨ «بعث»).

٤. نهج البلاغة: الخطبة ٧٢، الغارات: ج ١ ص ١٥٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٨٣ ح ٣ وح ٤؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٨٢ ح ٣، شرح نهج البلاغة: ج ١٩ ص ١٣٥، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٧٠ ح ٣٩٨٩ نقلاً عن المعجم الأوسط وأبي نعيم في عوالي سعيد بن منصور وكلاهما عن سلامة الكندي وكلّها نحوه.

٥. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٣٢ ح ١٢٦٣، مصباح المتهجّد: ص ٣٨٣ عن زيد بن وهب، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٩ ح ٦٨.

راه را روشن نمود، و دل‌های فرو رفته در گمراهی‌ها و گناهان، به واسطهٔ او هدایت شدند و آن بزرگوار، نشانه‌های روشنگر و احکام نورانی را بر پا داشت.

پس او امانتدارِ مورد اعتماد توست و گنجینه‌دار گنج دانش تو، گواه تو در روز جزا، فرستادهٔ بر حقّ تو، و پیک تو به سوی مردمان است.

بار خدایا! برای او در سایه‌ات، جایی فراخ بگشا و از بخشایشت، دو چندان، نیکی پاداشش ده.

بار خدایا! بنای [شریعتِ] او را بر بنای [دیگر] بنیان‌گذاران (پیامبران)، بلندی بخش، و مقام او را در نزد خویش، پُر ارج دار، و نورش را کامل گردان، و پاداش برانگیخته شدنش به رسالت را پذیرفته شدن گواهی، و پسندیدگی گفتار او سخن درست و حکم قطعی قرار ده.

بار خدایا! ما را با او در زندگانیِ خوش، و نعمت جاویدان، و خواهش‌های مطلوب، و لذّت‌های خواستنی، و رهایی بسیار، و آرامش بیکران، و ارمغان‌های کرامت، گِرد هم بیاور.

۳۰۸۲ . **امام علی**ؑ: بار خدایا! بر بنده و فرستاده و پیامبرت محمّد، درود فرست؛ درودی بالنده و فزاینده و پاک که با آن، درجه‌اش را بالا بری و برتری‌اش را آشکارا سازی.

بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و به محمّد و خاندان محمّد، برکت ده، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود فرستادی و برکت دادی و مهر آوردی، که تو ستوده‌خصال و بزرگواری.

۳۰۸۳ . **امام علی**ؑ: بار خدایا! بر محمّد، بنده و فرستاده‌ات، درود فرست و امروز، برترین وسیله‌ها و باارزش‌ترین دَهِش و بزرگ‌ترین ارمغان و جایگاه‌ها، و خوش‌ترین بخت‌ها، و روشن‌ترین چشم‌ها (شادترین دل‌ها) را عطایش فرما.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، الَّذينَ أمَرتَ بِطاعَتِهِم، وأذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيراً.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، الَّذينَ ألهَمتَهُم عِلمَكَ، وَاستَحفَظتَهُم كُتُبَكَ، وَاستَرعَيتَهُم عِبادَكَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ وحَبيبِكَ وخَليلِكَ، وسَيِّدِ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ مِنَ الأَنبِياءِ وَالمُرسَلينَ وَالخَلقِ أجمَعينَ، وعَلىٰ آلِهِ الطَّيِّبينَ الَّذينَ أمَرتَ بِطاعَتِهِم، وأوجَبتَ عَلَينا حَقَّهُم ومَوَدَّتَهُم.[1]

٣٠٨٤. عنه ﷺ ـ فِي الحِكَمِ المَنسوبَةِ إلَيهِ ـ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كُلَّما ذَكَرَهُ الذّاكِرونَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كُلَّما غَفَلَ عَن ذِكرِهِ الغافِلونَ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ كَلِماتِكَ وعَدَدَ مَعلوماتِكَ، صَلاةً لا نِهايَةَ لَها ولا غايَةَ لِأَمَدِها.[2]

٣٠٨٥. عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ فَبِدَرَجَتِكَ الرَّفيعَةِ ومَحَلَّتِكَ المَنيعَةِ، وفَضلِكَ البالِغِ وسَبيلِكَ الواسِعِ، أسأَلُكَ أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كَما دانَ لَكَ ودَعا إلىٰ عِبادَتِكَ، وأوفىٰ بِعُهودِكَ وأنفَذَ أحكامَكَ وَاتَّبَعَ أعلامَكَ[3]، عَبدِكَ ونَبِيِّكَ، وأمينِكَ عَلىٰ عَهدِكَ إلىٰ عِبادِكَ، القائِمِ بِأَحكامِكَ، ومُؤَيِّدِ مَن أطاعَكَ، وقاطِعِ عُذرِ مَن عَصاكَ.

اللّٰهُمَّ فَاجعَل مُحَمَّداً ﷺ أجزَلَ مَن جَعَلتَ لَهُ نَصيباً مِن رَحمَتِكَ، وأنضَرَ مَن أشرَقَ وَجهُهُ بِسِجالِ[4] عَطِيَّتِكَ، وأقرَبَ الأَنبِياءِ زُلفَةً[5] يَومَ القِيامَةِ عِندَكَ، وأوفَرَهُم

---

١. البلد الأمين: ص ٩٣، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٤٠ ح ٧.

٢. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٤٨ ح ٩٩٦.

٣. أعلامَك: أي آثارك وشرائعك وطرائقك الظاهرة (ملاذ الأخيار: ج ٥ ص ٢٣٠).

٤. السِّجال: جمع السَّجْل؛ وهو الدلو إذا مُلِئَ ماءً، وذكره لأنّ غسل الوجه بالماء يوجب النضارة [الحسن والبهاء] (بحار الأنوار: ج ٢ ص ٣٤٤).

٥. الزُّلفة: المنزلة (القاموس المحيط: ج ٣ ص ١٤٩ «زلف»).

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ همانان که به فرمان بُرداری از ایشان، فرمان دادی، و آلودگی را از ایشان برده، پاکِ پاکشان گردانیدی.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ همانان که دانش خود را در اختیارشان نهادی و آنان را نگهبان کتاب‌هایت و سرپرست بندگانت قرار دادی.

بار خدایا! بر محمّد، بنده‌ات و فرستاده‌ات و عزیزت و دوستت و سَرور اوّلین و آخرین آدمیان از پیامبران و فرستادگان و همهٔ خلق، و بر خاندان پاک او، همانان که بر فرمان بُرداری از ایشان فرمان داده، حقّ آنان و دوستی‌شان را بر ما واجب ساختی، درود فرست.

۳۰۸۴. **امام علی**ﷺ ـ در حکمت‌های منسوب به ایشان ـ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، هر آن زمان که یادکنندگانْ یادش کنند، و بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، هر آن زمان که غافلان از یادش غفلت ورزند.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، به شمارِ کلماتت و به عدد معلوماتت؛ درودی که مدّت آن را پایانی و انجامی نباشد.

۳۰۸۵. **امام علی**ﷺ: بار خدایا! به حقّ پایگاه بلندت و جایگاه دست نایافتنی‌ات و بخشایش فراگیرت و راه پهناورت، از تو می‌خواهم بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی، که او تو را فرمان بُرد، و به پرستش تو فرا خواند، و به پیمان‌هایت وفا کرد، و فرمان‌هایت را روان ساخت، و نشانه‌هایت را دنبال کرد؛ بر بنده‌ات و پیامبرت و امین تو در رساندن پیامت به بندگانت، بر پا دارندهٔ احکامت، و پشتیبان هر آن که از تو فرمان برَد، و گیرندهٔ عذر [و بهانه] از کسی که تو را نافرمانی کرد.

پس ـ ای خداوند ـ محمّدﷺ را برخوردارترینِ کسانی قرار ده که از رحمت خود، بهره‌مندشان ساخته‌ای، و شادمان‌ترین کسی که از دَهِش سرشار تو، چهره‌اش شگفته است و در روز قیامت، او را از همهٔ پیامبران به خود، نزدیک‌تر

حَظّاً مِن رِضوانِكَ، وأكثَرَهُم صُفوفَ أُمَّةٍ في جِنانِكَ، كَما لَم يَسجُد لِلأَحجارِ ولَم يَعتَكِف لِلأَشجارِ، ولَم يَستَحِلَّ السِّباءَ[1] ولَم يَشرَبِ الدِّماءَ.[2]

٣٠٨٦. عنه ﷺ: الحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمينَ، وصَلَّى اللهُ عَلى طَيِّبِ المُرسَلينَ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللهِ، المُنتَجَبِ الفاتِقِ الرّاتِقِ.[3]

اللّهُمَّ فَخُصَّ مُحَمَّداً ﷺ بِالذِّكرِ المَحمودِ وَالحَوضِ المَوروِدِ، اللّهُمَّ آتِ مُحَمَّداً صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ الوَسيلَةَ وَالرِّفعَةَ والفَضيلَةَ، وَاجعَل فِي المُصطَفَينَ مَحَبَّتَهُ، وفِي العِلِّيّينَ دَرَجَتَهُ، وفِي المُقَرَّبينَ كَرامَتَهُ.

اللّهُمَّ أعطِ مُحَمَّداً صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ مِن كُلِّ كَرامَةٍ أفضَلَ تِلكَ الكَرامَةِ، ومِن كُلِّ نَعيمٍ أوسَعَ ذٰلِكَ النَّعيمِ، ومِن كُلِّ عَطاءٍ أجزَلَ ذٰلِكَ العَطاءِ، ومِن كُلِّ يُسرٍ أنضَرَ[4] ذٰلِكَ اليُسرِ، ومِن كُلِّ قِسمٍ أوفَرَ ذٰلِكَ القِسمِ، حَتّىٰ لا يَكونَ أحَدٌ مِن خَلقِكَ أقرَبَ مِنهُ مَجلِساً، ولا أرفَعَ مِنهُ عِندَكَ ذِكراً ومَنزِلَةً، ولا أعظَمَ عَلَيكَ حَقّاً، ولا أقرَبَ وَسيلَةً مِن مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ، إمامِ الخَيرِ وقائِدِهِ وَالدّاعي إلَيهِ، وَالبَرَكَةِ عَلىٰ جَميعِ العِبادِ وَالبِلادِ، ورَحمَةٍ لِلعالَمينَ.

اللّهُمَّ اجمَع بَينَنا وبَينَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ فِي بَردِ العَيشِ، وتَروُّحِ[5] الرَّوحِ[6]، وقَرارِ النِّعمَةِ، وشَهوَةِ الأَنفُسِ، ومُنَى الشَّهَواتِ، ونِعَمِ اللَّذّاتِ، ورَجاءِ

---

١. السِّباء: الخمر (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٧ «سبأ»).

٢. تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٥١ ح ٣٢٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٢٨ ح ١٥٠١ وفيه «السابغ» بدل «البالغ»، مصباح المتهجّد: ص ٥٢٧ ح ٦١١، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٩٣ ح ٢.

٣. الفاتق الراتق: يعني فاتِق الجور وممزّقه، وراتق الخلل الذي وقع في الدِّين. والكلام استعارة (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٣٥٩ «فتق»).

٤. في الإقبال: «أيسر» بدل «أنضر».

٥. في الإقبال ومصباح المتهجّد: «برد» بدل «تروّح».

٦. الرَّوحُ: بَرد نسيم الريح (لسان العرب: ج ٢ ص ٤٥٧ «روح»).

گردان، و بهره‌مندترینشان از خشنودی‌ات قرار ده، و صفوف امّتش را در پیشگاهت از صنوف امّت‌های آنان، افزونتر گردان؛ زیرا او برای سنگی (بُتی) سجده نکرد و درختی را نپرستید و میخوارگی را روا نشمُرد و خونی نیاشامید.

۳۰۸۶ . **امام علی**ؑ: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است، و درود خدا بر خوب‌ترین پیامبران، محمّد بن عبد الله، آن برگزیده و رتق و فتق کنندهٔ امور.

بار خدایا! یاد پسندیده و حوضی را که [تشنگان] بر آن وارد می‌شوند، بر محمّد ویژه گردان.

بار خدایا! به محمّد ـ که درودهای تو بر او و خاندانش باد ـ، وسیله (بالاترین درجهٔ بهشت) و بلندی و برتری ارزانی دار و او را در میان برگزیدگان، محبوب گردان و با بلندپایگان، هم‌درجه و در میان مقرّبان، گرامی [و ارجمند].

بار خدایا! به محمّد ـ که درودهای تو بر او و خاندانش باد ـ، از هر کرامتی، برترین آن را عطا فرما، و از هر نعمتی، گسترده‌ترین آن را، و از هر دَهِشی، فراوان‌ترین آن را، و از هر آسایشی، با طراوت‌ترین آن را، و از هر بهره‌ای، بیشترین آن را، چندان که هیچ یک از آفریدگانت، نزدیک‌تر از او به تو نباشد، و نه نام و جایگاهش در نزد تو بلندتر، و نه حقّش بر تو بیشتر، نه واسطه‌اش کوتاه‌تر از محمّد ـ که درودهای تو بر او و خاندانش باد ـ این پیشوا و جلودار خوبی‌ها و دعوت‌کنندهٔ به آنها، و برکت برای همهٔ بندگان و سرزمین‌ها، و رحمت برای جهانیان.

بار خدایا! ما را در خُنکای زندگی، و نسیم رحمت، و جایگاه نعمت، و خواستهٔ جان‌ها، و خواسته‌های مطلوب، و نعمت‌های لذّتبخش، و امید برتری، و رسیدن به آرامش و آقایی کرامت و روشنایی چشم (شادمانی و خوشی) و خرّمی نعمت‌ها، و زیبایی و درخشندگی‌ای که شبیه زیبایی‌ها و درخشندگی‌های

الفَضيلَةِ، وشُهودِ الطُّمَأنينَةِ، وسُؤدَدِ[1] الكَرامَةِ، وقُرَّةِ العَينِ، ونَضرَةِ النَّعيمِ، وبَهجَةٍ لا تُشبِهُ بَهجاتِ الدُّنيا، نَشهَدُ أنَّهُ قَد بَلَّغَ الرِّسالَةَ، وأدَّى النَّصيحَةَ، وَاجتَهَدَ لِلأُمَّةِ، وأُوذِيَ في جَنبِكَ، وجاهَدَ في سَبيلِكَ، وعَبَدَكَ حَتّىٰ أتاهُ اليَقينُ، فَصَلَّى اللهُ عَلَيهِ وآلِهِ الطَّيِّبينَ.

اللّٰهُمَّ رَبَّ البَلَدِ الحَرامِ، ورَبَّ الرُّكنِ وَالمَقامِ، ورَبَّ المَشعَرِ الحَرامِ، ورَبَّ الحِلِّ وَالحَرامِ، بَلِّغ روحَ مُحَمَّدٍ ﷺ عَنّا السَّلامَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ، وعَلىٰ أنبِيائِكَ ورُسُلِكَ أجمَعينَ، وصَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَى الحَفَظَةِ الكِرامِ الكاتِبينَ، وعَلىٰ أهلِ طاعَتِكَ مِن أهلِ السَّماواتِ السَّبعِ وأهلِ الأَرَضينَ السَّبعِ مِنَ المُؤمِنينَ أجمَعينَ.[2]

۳۰۸۷. عنه ﷺ: فَصَلِّ عَلىٰ خِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ وصِفوَتِكَ مِن بَرِيَّتِكَ وأمينِكَ عَلىٰ وَحيِكَ بِأَفضَلِ الصَّلَواتِ، وبارِك عَلَيهِ بِأَفضَلِ البَرَكاتِ، بِما بَلَّغَ عَنكَ مِنَ الرِّسالاتِ وصَدَعَ بِأَمرِكَ ودَعا إلَيكَ، وأفصَحَ بِالدَّلائِلِ عَلَيكَ بِالحَقِّ المُبينِ حَتّىٰ أتاهُ اليَقينُ، صَلَّى اللهُ عَلَيهِ فِي الأَوَّلينَ، وصَلَّى اللهُ عَلَيهِ فِي الآخِرينَ، وعَلىٰ آلِهِ وأهلِ بَيتِهِ الطّاهِرينَ، وَاخلُفهُ فيهِم بِأَحسَنِ ما خَلَفتَ بِهِ أحَداً مِنَ المُرسَلينَ بِكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ...

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِ مُحَمَّدٍ وصِلهَا اللّٰهُمَّ بِدَوامٍ وَابدَأها بِتَمامٍ، إنَّكَ واسِعُ الحِباءِ[3] كَريمُ العَطاءِ.[4]

---

۱. السُّؤدَدُ: المجد والشرف (تاج العروس: ج ۵ ص ۳۲ «سود»).

۲. تهذيب الأحكام: ج ۳ ص ۸۳ ح ۲۳۹ عن عليّ بن عبد الله عن أبيه عن جدّه، الإقبال: ج ۱ ص ۳۲۰ كلاهما عن الإمام الحسين ﷺ، مصباح المتهجّد: ص ۵۵۷ ح ۶۵۱ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۱۲۷ ح ۳؛ العقد الفريد: ج ۳ ص ۱۲۶ نحوه.

۳. حَبَوتُ الرجلَ حِباءً: أعطيتُه الشيء بغير عِوَض (المصباح المنير: ص ۱۲۰ «حبا»).

۴. مُهَج الدعوات: ص ۱۵۵، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۴۰۴ ح ۳۴.

دنیا نیست، با محمّد ـ که درودهای تو بر او و خاندانش باد ـ گرد آور. گواهی می‌دهیم که او پیام [تو] را رساند و راه‌نمایی و خیرخواهی نمود، و برای امّت کوشید، و از برای تو آزار دید، و در راه تو جهاد کرد، و تو را پرستید تا آن گاه که از سرای دنیا کوچید. پس درود خدا بر او و خاندان پاکش باد!

بار خدایا! ای پروردگار سرزمین حرام (مکّه)، و ای پروردگار رُکن و مقام، و ای پروردگار مشعر الحرام، و ای پروردگار حلّ و حرام! از جانب ما به روان محمّد، درود رسان.

بار خدایا! بر فرشتگان مقرّبت، و بر پیامبران و فرستادگانت، همگی، درود فرست.

بار خدایا! بر گرامی نگهبانانِ نویسنده (/فرشتگان حافظ و نویسندهٔ اعمال بندگان)، و بر تمامی فرمان‌بُردارانت از اهل آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه، درود فرست.

۳۰۸۷ . **امام علی**ؑ: بر منتخب خود از میان آفریدگانت، و برگزیده‌ات از میان مردمانت، و امین تو بر وحی‌ات، برترین درودها را بفرست، و افزون‌ترین برکت‌ها را ارزانی‌اش بدار، به پاداش پیام‌هایی که از جانب تو رساند، و فرمان تو را اجرا کرد و به سوی تو فرا خواند، و نشانه‌های وجود تو را به درستی و آشکارا نشان داد تا آن گاه که یقین (مرگ) به سراغش آمد. درود خدا بر او در میان پیشینیان، و درود خدا بر او در میان پسینیان، و بر خاندان و خانوادهٔ پاک او باد! [بار خدایا!] برای او در میان خاندانش جانشینی کن، بهتر از هر جانشینی که برای یکی از فرستادگانت کرده‌ای، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

بر محمّد و اهل بیت محمّد، درود فرست و آن را ـ ای خداوند ـ، پیوسته برقرار بدار، و به کمال و تمام، آغازش کن، که بخشش تو گسترده و دَهِشَت، کریمانه است.

٣ / ٦

الصَّلَواتُ المأثورةُ عَنْ فاطِمَةَ الزَّهراءِ عليها السلام

٣٠٨٨ . **فاطمة** عليها السلام ـ مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاةِ العَصرِ ـ: اللّهُمَّ ذَا الرَّحمَةِ الواسِعَةِ، وَالصَّلاةِ النّافِعَةِ الرّافِعَةِ، صَلِّ عَلىٰ أكرَمِ خَلقِكَ عَلَيكَ، وأحَبِّهِم إلَيكَ، وأوجَهِهِم لَدَيكَ؛ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ، المَخصوصِ بِفَضائِلِ الرَّسائِلِ، أشرَفَ وأكرَمَ وأرفَعَ وأعظَمَ وأكمَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ مُبَلِّغٍ عَنكَ ومُؤتَمَنٍ عَلىٰ وَحيِكَ.

اللّهُمَّ كَما سَدَدتَ بِهِ العَمىٰ وفَتَحتَ بِهِ الهُدىٰ، فَاجعَل مَناهِجَ سُبُلِهِ لَنا سُنَناً، وحُجَجَ بُرهانِهِ لَنا سَبَباً، نَأتَمُّ بِهِ إلَى القُدومِ عَلَيكَ...

اللّهُمَّ وَاجعَل صَلَواتِكَ وبَرَكاتِكَ ومَنَّكَ ومَغفِرَتَكَ ورَحمَتَكَ ورِضوانَكَ وفَضلَكَ وسَلامَتَكَ وذِكرَكَ ونورَكَ وشَرَفَكَ ونِعمَتَكَ وخِيَرَتَكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما صَلَّيتَ وبارَكتَ وتَرَحَّمتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.

اللّهُمَّ أعطِ مُحَمَّداً الوَسيلَةَ العُظمىٰ، وكَريمَ جَزائِكَ فِي العُقبىٰ، حَتّىٰ تُشَرِّفَهُ يَومَ القِيامَةِ يا إلٰهَ الهُدىٰ.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ جَميعِ مَلائِكَتِكَ وأنبِيائِكَ ورُسُلِكَ، سَلامٌ عَلىٰ جَبرَئيلَ وميكائيلَ وإسرافيلَ وحَمَلَةِ العَرشِ ومَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ والكِرامِ الكاتِبينَ وَالكَرّوبِيّينَ[1]، وسَلامٌ عَلىٰ مَلائِكَتِكَ أجمَعينَ، وسَلامٌ عَلىٰ أبينا آدَمَ وعَلىٰ أُمِّنا حَوّاءَ، وسَلامٌ عَلَى النَّبِيّينَ أجمَعينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ، وسَلامٌ عَلَى المُرسَلينَ أجمَعينَ، وَالحَمدُ للهِ رَبِّ العالَمينَ.[2]

٣٠٨٩ . **عنها** عليها السلام ـ مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاةِ الظُّهرِ ـ: اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ

---

١ . الكَرّوبيّون: هم سادة الملائكة، والمقرّبون منهم (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٥٦٠ «كرب»).

٢ . فلاح السائل: ص ٣٦٠ ح ٢٤١، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٨٧ ح ١١.

۳/۶
صلوات‌های رسیده از فاطمهٔ زهرا علیها السلام

۳۰۸۸ . **فاطمه** علیها السلام ـ از دعای ایشان پس از نماز عصر ـ: بار خدایا! ای صاحب رحمتِ گسترده، و درود سودمند رفعت‌بخش، ارجمندترین و گرامی‌ترین و بلند مرتبه‌ترین و بزرگ‌ترین و کامل‌ترین درودی را که بر پیامبری از پیامبرانت، و امینی از اُمنای وحی‌ات فرستاده‌ای؛ گرامی‌ترین و محبوب‌ترین و معتبرترین آفریده‌ات در نزدت، محمّد، بنده‌ات و فرستاده‌ات و برگزیده برای [ابلاغ] پیام‌های ارزنده‌ات، بفرست.

بار خدایا! همچنان که به وسیلهٔ او گم‌راهه‌ها به راستی و راه راست را گشودی، راه‌های روشن او را رسم و راه ما، و دلایل آشکار او را دستاویزمان قرار ده تا برای وارد شدن بر تو، از او پیروی کنیم....

بار خدایا! درودها و برکت‌هایت را، و احسان و آمرزش و مِهر و خشنودی و فزونی و سلامتت را، و یادت را، و روشنایی و بزرگی و نعمت و خوبی‌هایت را بر محمّد و بر خاندان محمّد، قرار ده، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود فرستادی و برکتشان دادی و مورد مهر خود، قرارشان دادی، که به راستی تو ستودنی و بزرگواری.

بار خدایا! بزرگ‌ترین وسیله را و پاداش‌های کریمانه‌ات را در آخرت، به محمّد عطا فرما تا در روز رستاخیز، او را شرافت بخشی، ای خدای هدایت!

بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد و بر همهٔ فرشتگانت و پیامبرانت و فرستادگانت، درود فرست. سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و فرشتگان مقرّبت و نویسندگان گرامی [اعمال] و کرّوبیان![1] سلام بر همهٔ فرشتگانت! سلام بر پدرمان آدم و بر مادرمان حوّا! سلام بر پیامبران، همگی، و تصدیق کنندگان [ـِ پیامبران] و گواهان (/شهیدان) و نیکان! درود بر همهٔ فرستادگان و ستایش، خدای را که پروردگارِ جهانیان است.

۳۰۸۹ . **فاطمه** علیها السلام ـ از دعای ایشان پس از نماز ظهر ـ: بار خدایا! بر محمّد، خاتم پیامبران،

---

۱ . کروبیان سرور فرشتگان و مقرّبان آنها هستند.

وعَلىٰ جَميعِ الأَنبِياءِ وَالمُرسَلينَ وعَلَى المَلائِكَةِ أجمَعينَ، وعَلىٰ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ، وعَلىٰ أئِمَّةِ الهُدىٰ أجمَعينَ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما هَدَيتَنا بِهِ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما رَحِمتَنا بِهِ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما عَزَّزتَنا بِهِ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما فَضَّلتَنا بِهِ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما شَرَّفتَنا بِهِ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما بَصَّرتَنا بِهِ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما أنقَذتَنا بِهِ مِن شَفا حُفرَةٍ مِنَ النّارِ.

اللّٰهُمَّ بَيِّض وَجهَهُ، وأعلِ كَعبَهُ[1] وأفلِج حُجَّتَهُ[2]، وأتمِم نورَهُ، وثَقِّل ميزانَهُ، وعَظِّم بُرهانَهُ، وَافسَح لَهُ حَتّىٰ يَرضىٰ، وبَلِّغهُ الدَّرَجَةَ وَالوَسيلَةَ مِنَ الجَنَّةِ، وَابعَثهُ المَقامَ المَحمودَ الَّذي وَعَدتَهُ، وَاجعَلهُ أفضَلَ النَّبِيّينَ وَالمُرسَلينَ عِندَكَ مَنزِلَةً ووَسيلَةً، وَاقصُص بِنا أثَرَهُ، وَاسقِنا بِكَأسِهِ، وأوردِنا حَوضَهُ، وَاحشُرنا في زُمرَتِهِ، وتَوَفَّنا عَلىٰ مِلَّتِهِ، وَاسلُك بِنا سَبيلَهُ، وَاستَعمِلنا بِسُنَّتِهِ، غَيرَ خَزايا ولا نادِمينَ ولا شاكّينَ ولا مُبَدِّلينَ.[3]

٣٠٩٠. عنها عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاةِ المَغرِبِ ـ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ صَلاةً يَشهَدُ الأَوَّلونَ مَعَ الأَبرارِ، وسَيِّدِ المُتَّقينَ وخاتَمِ النَّبِيّينَ، وقائِدِ الخَيرِ ومِفتاحِ الرَّحمَةِ.

اللّٰهُمَّ رَبَّ البَيتِ الحَرامِ وَالشَّهرِ الحَرامِ، ورَبَّ المَشعَرِ الحَرامِ، ورَبَّ الرُّكنِ وَالمَقامِ، ورَبَّ الحِلِّ وَالحَرامِ، بَلِّغ روحَ مُحَمَّدٍ مِنّا التَّحِيَّةَ وَالسَّلامَ، سَلامٌ عَلَيكَ

---

١. وأعل كعبَه: هو دعاء له بالشرف والعلو. والأصل فيه كعب القناة؛ وهو أنبوبها، وما بين كلّ عقدتين منها كَعْبٌ. وكلّ شيء علا وارتفع فهو كَعْب (النهاية: ج ٤ ص ١٧٩ «كعب»).

٢. الفَلْج: الظَّفَر والفَوز (الصحاح: ج ١ ص ٣٣٥ «فلج»).

٣. فلاح السائل: ص ٣١٤ ح ٢١٢، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٦٨ ح ٤.

و بر همهٔ پیامبران و فرستادگان، و بر همهٔ فرشتگان، و بر خاندان نیک و پاک او، بر همهٔ پیشوایان هدایت، درود فرست. آمین، ای پروردگارِ جهانیان!

بار خدایا! بر محمّد درود فرست که به واسطهٔ او ما را راه نمایی فرمودی. بر محمّد درود فرست که به واسطهٔ او بر ما مهرورزیدی. بر محمّد درود فرست که به واسطهٔ او، ما را عزّت بخشیدی. بر محمّد درود فرست که به واسطهٔ او، ما را برتری دادی. بر محمّد درود فرست که به واسطهٔ او، ما را شرافت دادی. بر محمّد درود فرست که به واسطهٔ او، ما را بینایی و بینش بخشیدی. بر محمّد درود فرست که به واسطهٔ او، ما را از لبهٔ مَغاکی از آتش رهانیدی.

بار خدایا! او را رو سپید گردان، و مقام و آوازه‌اش را بلند بخش، و حجّتش را پیروز دار، و روشنایی‌اش را کامل ساز، و ترازویش را سنگین کن، و برهانش را بزرگ گردان، و چندان گشایش عطایش فرما تا راضی شود، و او را در بهشت، به درجه و وسیله (عالی‌ترین مقام) برسان. به مقام پسندیده‌ای که او را وعده داده‌ای، برسان، و او را با منزلت‌ترین و بلندپایه‌ترینِ پیامبران و فرستادگان در نزد خودت قرار ده، و ما را دنباله‌رو او گردان، و از جام او به ما بنوشان و بر حوض [کوثر] او، واردمان ساز، و در گروه او محشورمان فرما، و ما را بر دین او بمیران، و رهرو راه او و عمل‌کنندهٔ به سنّتش، قرارمان ده، و مگذار که خوار و پشیمان و دودل و تغییر دهنده[ی دین او] شویم.

۳۰۹۰. **فاطمه**ﷺ ـ از دعای ایشان بعد از نماز مغرب ـ: بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد، درود فرست؛ درودی که نخستینان، همراه با نیکان و سَرور پرهیزگاران و خاتم پیامبران و پیشرو خوبی و کلید رحمت، شاهد آن باشند.

بار خدایا! ای پروردگار خانهٔ حرام و ماه حرام، و ای پروردگار مشعرالحرام، و ای پروردگار رُکن و مقام، و ای پروردگار حلّ و حرام! از جانب ما به روح محمّد،

يا رَسولَ اللهِ، سَلامٌ عَلَيكَ يا أمينَ اللهِ، سَلامٌ عَلَيكَ يا مُحَمَّدَ بنَ عَبدِ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ، فَهُوَ كَما وَصَفتَهُ بِالمُؤمِنينَ رَؤوفٌ رَحيمٌ، اللّٰهُمَّ أعطِهِ ما سَأَلَكَ وأفضَلَ ما سُئِلتَ لَهُ وأفضَلَ ما أنتَ مَسؤولٌ لَهُ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ.[1]

۳۰۹۱. **عنها** عليها السلام ـ مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاةِ العِشاءِ ـ: صَلَّى اللهُ عَلَى البَشيرِ النَّذيرِ، وَالسِّراجِ المُنيرِ، وعَلىٰ جَميعِ المَلائِكَةِ وَالنَّبِيّينَ. اللّٰهُمَّ داحِيَ المَدحُوّاتِ، وبارِئَ المَسموكاتِ، وجَبّارَ القُلوبِ عَلىٰ فِطرَتِها؛ شَقِيِّها وسَعيدِها، اِجعَل شَرائِفَ صَلَواتِكَ، ونَوامِيَ بَرَكاتِكَ، ورَأفَةَ تَحِيَّتِكَ، عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ وأمينِكَ عَلىٰ وَحيِكَ، القائِمِ بِحُجَّتِكَ، وَالذّابِّ عَن حَرَمِكَ، وَالصّادِعِ بِأَمرِكَ، وَالمُشَيِّدِ بِآياتِكَ، وَالموفي لِنَذرِكَ.

اللّٰهُمَّ فَأَعطِهِ بِكُلِّ فَضيلَةٍ مِن فَضائِلِهِ، ونَقيبَةٍ مِن مَناقِبِهِ، وحالٍ مِن أحوالِهِ، ومَنزِلَةٍ مِن مَنازِلِهِ ـ رَأَيتَ مُحَمَّداً لَكَ فيها ناصِراً، وعَلىٰ كُلِّ مَكروهٍ بَلائِكَ صابِراً، ولِمَن عاداكَ مُعادِياً، ولِمَن والاكَ مُوالِياً، وعَمّا كَرِهتَ نائِياً، وإلىٰ ما أحبَبتَ داعِياً ـ فَضائِلَ مِن جَزائِكَ، وخَصائِصَ مِن عَطائِكَ وحِبائِكَ، تُسني[2] بِها أمرَهُ، وتُعلي بِها دَرَجَتَهُ، مَعَ القُوّامِ بِقِسطِكَ وَالذّابّينَ عَن حَرَمِكَ، حَتّىٰ لا يَبقىٰ سَناءٌ ولا بَهاءٌ ولا رَحمَةٌ ولا كَرامَةٌ إلّا خَصَصتَ مُحَمَّداً بِذٰلِكَ، وآتَيتَهُ مِنهُ الذُّرىٰ[3]، وبَلَّغتَهُ المَقاماتِ العُلىٰ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ.[4]

---

۱. فلاح السائل: ص ۴۲۴ ح ۲۹۰، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۱۰۴ ح ۸.

۲. أسناه: رفَعَه وأعلاه (الصحاح: ج ۶ ص ۲۳۸۴ «سنا»).

۳. ذُرى الشيء: أعاليه (الصحاح: ج ۶ ص ۲۳۴۵ «ذرا»).

۴. فلاح السائل: ص ۴۴۳ ح ۳۰۳، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۱۱۶ ح ۲.

تحیّت و درود برسان. سلام بر تو، ای فرستادهٔ خدا! سلام بر تو، ای امین خدا! سلام بر تو، ای محمّد بن عبدالله! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد؛ زیرا او همچنان که تو [ای خدا] وصفش کرده‌ای، نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است.

بار خدایا! آنچه را از تو خواسته و برترین چیزی را که از تو برای او درخواست شده، و برترین چیزی را که تا روز قیامت از تو برایت درخواست خواهد شد، به او عطا فرما. آمین، ای پروردگار جهانیان!

۳۰۹۱. **فاطمه**ﷺ ـ از دعای ایشان پس از نماز عشا ـ: درود خدا بر نویددهندهٔ هشداردِه و چراغ تابان، و بر همهٔ فرشتگان و پیامبران! بار خدایا، ای گستراننده زمین‌ها و آفرینندهٔ آسمان‌ها و سرشتندهٔ دل‌ها بر خوشبختی و شوربختی! درودهای ارزنده و برکت‌های بالنده و درود مهرآمیزت را بر محمّد، بنده‌ات و فرستاده‌ات و امین وحی‌ات، بر پا دارندهٔ حجّتت، و دفاع کننده از حرم [و حریم]ات، و اجرا کنندهٔ فرمانت، و معمار نشانه‌هایت، و عمل کننده به نذرت قرار ده.

بار خدایا! برای هر فضیلتی از فضیلت‌هایش و هر خوبی‌ای از خوبی‌هایش، و هر حالی از احوالش، و هر منزلتی از منزلت‌هایش که دیدن محمّد در آنها تو را یاری می‌کند، و بر هر بلای ناخوشایند تو شکیباست، و با دشمن تو، دشمنی می‌ورزد و با دوست تو، دوستی می‌کند، و از آنچه تو خوشی نداری، دوری می‌کند، و به آنچه تو دوست داری، فرا می‌خواند، از پاداش‌های برترت و دَهِش‌ها و بخشش‌های ویژه‌ات، ارزانی‌اش دار؛ پاداش‌ها و دَهِش‌ها و بخشش‌هایی که با آنها، مقام او را والا گردانی و درجه‌اش را بالا بری، همراه با بر پا دارندگان عدالتت و دفاع‌کنندگان از حریمت، تا جایی که هیچ والایی و تابناکی و رحمت و کرامتی نمانَد، مگر آن که آنها را به محمّد، اختصاص دهی، و بالاترین مرتبه‌شان را به او دهی، و به مقامات بلندش برسانی. آمین، ای پروردگار جهانیان!

٤/٦
الصَّلاةُ المأثورةُ عَنِ الإمامِ الحَسَنِ المُجتبىٰ عليه السلام

٣٠٩٢ . **الإمام الحسن** عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ لَهُ في قُنوتِهِ ـ: أسألُكَ بِمُغَيَّباتِ عِلمِكَ في بَواطِنِ أسرارِ سَرائِرِ المُسِرّينَ إلَيكَ، أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً يَسبِقُ بِها مَنِ اجتَهَدَ مِنَ المُتَقَدِّمينَ، ويَتَجاوَزُ[1] فيها مَن يَجتَهِدُ مِنَ المُتَأَخِّرينَ.[2]

٥/٦
الصَّلاةُ المأثورةُ عَنِ الإمامِ الحُسَينِ سَيِّدِ الشُّهَداءِ عليه السلام

٣٠٩٣ . **الإمام الحسين** عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ يومَ عَرَفَةَ ـ: اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ ونَبِيِّكَ، وعَلىٰ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ أجمَعينَ... اللّهُمَّ إنّا نَتَوَجَّهُ إلَيكَ في هٰذِهِ العَشِيَّةِ الَّتي شَرَّفتَها وعَظَّمتَها بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ ورَسولِكَ وخِيَرَتِكَ وأمينِكَ عَلىٰ وَحيِكَ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ البَشيرِ النَّذيرِ السِّراجِ المُنيرِ الَّذي أنعَمتَ بِهِ عَلَى المُسلِمينَ وجَعَلتَهُ رَحمَةً لِلعالَمينَ. اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ كَما مُحَمَّدٌ أهلُ ذٰلِكَ يا عَظيمُ، فَصَلِّ عَلَيهِ وعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ المُنتَجَبينَ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ أجمَعينَ.[3]

٦/٦
الصَّلَواتُ المأثورةُ عَنِ الإمامِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ زَينِ العابِدينَ عليه السلام

٣٠٩٤ . **الإمام زين العابدين** عليه السلام: الحَمدُ لِلّهِ الَّذي مَنَّ عَلَينا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله دونَ الأُمَمِ الماضِيَةِ وَالقُرونِ السّالِفَةِ، بِقُدرَتِهِ الَّتي لا تَعجِزُ عَن شيءٍ وإن عَظُمَ، ولا يَفوتُها شَيءٌ وإن

---

١. في بحار الأنوار: «... صلاةً نسبق بها ... ونتجاوز فيها ...»، وهو الأنسب.

٢. مُهَج الدعوات: ص ٦٨، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢١٣ ح ١.

٣. الإقبال: ج ٢ ص ٨٥، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٢٣ ح ٣.

۴/۶
صلوات رسیده از امام مجتبی علیه‌السلام

۳۰۹۲. **امام حسن علیه‌السلام** ـ از دعای ایشان در قنوتش ـ: از تو درخواست می‌کنم به حقّ علم غیبت از اعماق رازهای درون نجواکنندگان با تو، از تو درخواست می‌کنم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی؛ درودی که با آن بر کوشندگان پیشین، پیشی گیرد و در آن، از کوشندگان آینده هم بگذرد.

۵/۶
صلوات رسیده از امام حسین علیه‌السلام

۳۰۹۳. **امام حسین علیه‌السلام** ـ از دعای ایشان در روز عرفه ـ: بار خدایا! بر محمّد، بنده‌ات و فرستاده‌ات و پیامبرت، و بر خاندان وارسته و پاک او، همگی‌شان، درود فرست....

بار خدایا! در این شامگاهی که آن را اوج و بزرگی بخشیدی، به محمّد پیامبرت و فرستاده‌ات و برگزیده‌ات و امین تو بر وحی‌ات، به درگاه تو رو می‌کنم.

بار خدایا! بر آن نوید بخشِ هشدار دهنده و آن چراغ تابان که نعمت وجود او را به مسلمانان، ارزانی داشتی و برای جهانیان، رحمت قرار دادی، درود فرست.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست که محمّد، سزاوار آن است، ای بزرگ! بر او و بر خاندان برگزیده و وارسته و پاک او، همگی‌شان، درود فرست.

۶/۶
صلوات‌های رسیده از امام زین العابدین علیه‌السلام

۳۰۹۴. **امام زین العابدین علیه‌السلام**: ستایش، خدای را که با توانایی‌اش که از هیچ چیز و هیچ کاری هر چند بزرگ، در نمی‌ماند، و هیچ چیزی، هر چند خُرد، از آن نمی‌رَهد.

لَطُفَ[۱]، فَخَتَمَ بِنا عَلىٰ جَميعِ مَن ذَرَأَ، وجَعَلَنا شُهداءَ عَلىٰ مَن جَحَدَ، وكَثَّرَنا بِمَنِّهِ عَلىٰ مَن قَلَّ.

اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ أَمينِكَ عَلىٰ وَحيِكَ، ونَجيبِكَ مِن خَلقِكَ، وصَفِيِّكَ مِن عِبادِكَ، إمامِ الرَّحمَةِ، وقائِدِ الخَيرِ، ومِفتاحِ البَرَكَةِ، كَما نَصَبَ لِأَمرِكَ نَفسَهُ، وعَرَّضَ فيكَ لِلمَكروهِ بَدَنَهُ، وكاشَفَ فِي الدُّعاءِ إلَيكَ حامَّتَهُ[۲]، وحارَبَ في رِضاكَ أُسرَتَهُ، وقَطَّعَ في إحياءِ دينِكَ رَحِمَهُ، وأقصَى الأَدنَينَ عَلىٰ جُحودِهِم، وقَرَّبَ الأَقصَينَ عَلَى استِجابَتِهِم لَكَ، ووالىٰ فيكَ الأَبعَدينَ، وعادىٰ فيكَ الأَقرَبينَ، وأدأَبَ[۳] نَفسَهُ في تَبليغِ رِسالَتِكَ، وأتعَبَها بِالدُّعاءِ إلىٰ مِلَّتِكَ، وشَغَلَها بِالنُّصحِ لِأَهلِ دَعوَتِكَ، وهاجَرَ إلىٰ بِلادِ الغُربَةِ ومَحَلِّ النَّأيِ[۴] عَن مَوطِنِ رَحلِهِ ومَوضِعِ رِجلِهِ، ومَسقَطِ رَأسِهِ ومَأنَسِ نَفسِهِ، إرادةً مِنهُ لِإِعزازِ دينِكَ، وَاستِنصاراً عَلىٰ أهلِ الكُفرِ بِكَ، حَتّىٰ استَتَبَّ لَهُ ما حاوَلَ في أعدائِكَ، وَاستَتَمَّ لَهُ ما دَبَّرَ في أوليائِكَ، فَنَهَدَ[۵] إلَيهِم مُستَفتِحاً بِعَونِكَ، ومُتَقَوِّياً عَلىٰ ضَعفِهِ بِنَصرِكَ، فَغَزاهُم في عُقرِ دِيارِهِم، وهَجَمَ عَلَيهِم في بُحبوحَةِ[۶] قَرارِهِم، حَتّىٰ ظَهَرَ أمرُكَ وعَلَت كَلِمَتُكَ ولَو كَرِهَ المُشرِكونَ.

اللّٰهُمَّ فَارفَعهُ بِما كَدَحَ فيكَ إلَى الدَّرَجَةِ العُليا مِن جَنَّتِكَ، حَتّىٰ لا يُساوىٰ في مَنزِلَةٍ ولا يُكافَأَ في مَرتَبَةٍ، ولا يُوازِيَهُ لَدَيكَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ ولا نَبِيٌّ مُرسَلٌ، وعَرِّفهُ في أهلِهِ الطّاهِرينَ وأُمَّتِهِ المُؤمِنينَ مِن حُسنِ الشَّفاعَةِ أجَلَّ ما وَعَدتَهُ، يا نافِذَ العِدَةِ، يا

---

۱. لَطُفَ: صَغُرَ ودَقَّ (القاموس المحيط: ج ۳ ص ۱۹۵ «لطف»).

۲. الحامّة: الخاصّة. وحامّة الرجل: أقرباؤه (الصحاح: ج ۵ ص ۱۹۰۷ «حمم»).

۳. أدأَبَ الرجل الدابّة: أتعبها، دأب: جدّ وتعب (تاج العروس: ج ۱ ص ۴۷۶ «دأب»).

۴. النَّأيُ: البُعد (لسان العرب: ج ۱۵ ص ۳۰۰ «نأي»).

۵. نَهَدَ: نهض (النهاية: ج ۵ ص ۱۳۴ «نهد»).

۶. البُحبُوحة: وسط المَحلّة، وبُحبُوحَةُ الدار: وسطها (لسان العرب: ج ۲ ص ۴۰۷ «بحح»).

پیامبرش محمّدﷺ را به ما، نه امت‌های گذشته و نسل‌های پیشین، بخشید، و ما را [امّت] خاتم همهٔ آفریدگانش قرار داد، و گواهان بر منکران، و به لطف خویش، ما را بر همگان، فزونی بخشید.

بار خدایا! بر محمّد، آن امین وحی‌ات و مخلوق برگزیده‌ات و بندهٔ خالصت، پیشوای مهر و پیشاهنگ نیکی، و کلید برکت، درود فرست که او همهٔ توان و تلاش خود را در راه فرمان تو به کار گرفت، و به خاطر تو، تن خویش را آماج هرگونه آزار ساخت و در راه دعوت به سوی تو، با بستگانش در افتاد، و از برای خشنودی تو با خاندانش جنگید و برای زنده داشتن دین تو، از ارحامش بُرید، و نزدیکان را چون [تو را] انکار می‌کردند، از خود دور ساخت، و دوران [و بیگانگان] را از آن رو که به دعوت تو پاسخ دادند، به خویش نزدیک داشت، و به خاطر تو، با بیگانگانْ دوستی کرد و با نزدیکانْ دشمنی ورزید. در رساندن پیام تو، خویشتن را به رنج افکند، و در فراخوانی به آیین تو، خود را خسته کرد، و به راه‌نمایی پذیرندگان دعوتت پرداخت، و برای تقویت دین تو و پیروز شدن بر کفرورزانِ به تو، به دیار غربت و جایگاه دور از خانه و کاشانه و زادگاهش و سرزمینی که با آن اُنس گرفته بود، هجرت کرد تا آن که کوشش‌های او در برابر دشمنانت، بر وفق مراد او شد، و اندیشه‌هایش در بارهٔ دوستانت به بار نشست. پس با کمک خواستن از تو و نیرو طلبیدن از یاری تو به سبب ناتوانی‌اش، به سوی دشمنانت حرکت کرد و در عمق خانه‌هایشان، بر آنها تاخت و در قلب سرزمینشان، بر آنها یورش بُرد تا آن که علی رغم خواست مشرکان، فرمانت آشکار شد و دینت چیره گشت.

بار خدایا! پس او را به پاداش رنجی که در راه تو کشید، به بالاترین درجهٔ بهشتت بر آور، تا هیچ کس در منزلت، با او برابری نکند و به مرتبهٔ او نرسد، و هیچ فرشتهٔ مقرّب و پیامبر مُرسلی در نزد تو، همتراز او نباشد، و حُسن شفاعت او را در حقّ خاندان پاک و امّت خداباورش، بیش از آنچه وعده‌اش داده‌ای، به

وافِيَ القَولِ، يا مُبَدِّلَ السَّيِّئاتِ بِأَضعافِها مِنَ الحَسَناتِ، إنَّكَ ذُو الفَضلِ العَظيمِ.[١]

٣٠٩٥. عنه عليه السلام: اللّٰهُمَّ اجعَل أكمَلَ صَلَواتِكَ وأشرَفَها، وأجمَلَ تَحِيّاتِكَ وألطَفَها، وأشمَلَ بَرَكاتِكَ وأعطَفَها، وأجَلَّ هِباتِكَ وأرأَفَها عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وأكرَمِ الأُمِّيّينَ، وعَلىٰ أهلِ بَيتِهِ الأَصفِياءِ الطّاهِرينَ، وعِترَتِهِ النُّجَباءِ المُختارينَ، وشيعَتِهِ الأَوفِياءِ المُوازِرينَ، مِن أنصارِهِ وَالمُهاجِرينَ، وأدخِلنا في شَفاعَتِهِ يَومَ الدّينِ، مَعَ مَن دَخَلَ في زُمرَتِهِ مِنَ المُوَحِّدينَ، يا أكرَمَ الأَكرَمينَ، ويا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[٢]

٣٠٩٦. عنه عليه السلام: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ وآلِ مُحَمَّدٍ، صَلاةً عالِيَةً عَلَى الصَّلَواتِ، مُشرِفَةً فَوقَ التَّحِيّاتِ، صَلاةً لا يَنتَهي أمَدُها ولا يَنقَطِعُ عَدَدُها، كَأَتَمِّ ما مَضىٰ مِن صَلَواتِكَ عَلىٰ أحَدٍ مِن أولِيائِكَ، إنَّكَ المَنّانُ[٣] الحَميدُ، المُبدِئُ المُعيدُ، الفَعّالُ لِما تُريدُ.[٤]

٣٠٩٧. عنه عليه السلام: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ كَما بَلَّغَ رِسالَتَكَ، وصَدَعَ بِأَمرِكَ، ونَصَحَ لِعِبادِكَ، اللّٰهُمَّ اجعَل نَبِيَّنا صَلَواتُكَ عَلَيهِ وعَلىٰ آلِهِ يَومَ القِيامَةِ أقرَبَ النَّبِيّينَ مِنكَ مَجلِساً، وأمكَنَهُم مِنكَ شَفاعَةً، وأجَلَّهُم عِندَكَ قَدراً، وأوجَهَهُم عِندَكَ جاهاً.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وشَرِّف بُنيانَهُ، وعَظِّم بُرهانَهُ، وثَقِّل ميزانَهُ، وتَقَبَّل شَفاعَتَهُ، وقَرِّب وَسيلَتَهُ، وبَيِّض وَجهَهُ، وأتِمَّ نورَهُ، وَارفَع دَرَجَتَهُ، وأحيِنا عَلىٰ سُنَّتِهِ، وتَوَفَّنا عَلىٰ مِلَّتِهِ، وخُذ بِنا مِنهاجَهُ، وَاسلُك بِنا سَبيلَهُ، وَاجعَلنا مِن

---

١. الصحيفة السجّادية: ص ٢٥ الدعاء ٢؛ شرح نهج البلاغة: ج ٦ ص ١٨٦ عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيه «فختم بنا على جميع ... بمنّه على ما قلّ».

٢. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٦٠ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين من مؤلّفات بعض قدمائنا.

٣. المَنّانُ: هو الذي يبدأ بالنوال قبل السؤال (مجمع البحرين: ج ١ ص ٤٦٨ «منن»).

٤. الصحيفة السجّادية: ص ١١٥ الدعاء ٢٧.

او نشان بده، ای عمل کننده به وعده، ای وفا کنندهٔ به قول، ای تبدیل کنندهٔ بدی‌ها [و گناهان] به چندین برابرشان از خوبی! راستی که تو، صاحب بخشش بزرگی.

۳۰۹۵ . **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! کامل‌ترین و پُرارج‌ترین درودهایت، و زیباترین و خوش‌ترین تحیّت‌ها و فراگیرترین و مهرآمیزترین برکت‌هایت، و بزرگ‌ترین و با رأفت‌ترین دَهِشهایت را برای محمّد، خاتم پیامبران و گرامی‌ترینِ درس ناخواندگان، و بر خانوادهٔ ناب و پاک او، و عترت برگزیده و منتخب او، و پیروان وفادار و پشتیبان او از مهاجر و انصار، قرار ده، و در روز رستاخیز، ما را نیز همانند دیگر یکتاپرستانِ گروه او، از شفاعتش برخوردار گردان، ای بزرگوارترینِ بزرگوران، و ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

۳۰۹۶ . **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد، بنده و فرستاده‌ات و بر خاندان محمّد، درود فرست؛ درودی بلندتر از همهٔ درودها و بالاتر از همهٔ درودها؛ درودی که نه زمانش به سر آید، و نه شمارَش به پایان رسد؛ درودی چون کامل‌ترین درودی که در گذشته بر یکی از دوستانت فرستاده‌ای، که به راستی، تو بسیار بخشنده و ستودنی و آغاز کننده [ی آفرینش] و باز گرداننده‌ای، و آنچه خواهی، انجام می‌دهی.

۳۰۹۷ . **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد، بنده و فرستاده‌ات، درود فرست که او پیام تو را رسانید، و فرمان تو را اجرا کرد، و برای بندگانتْ خیرخواهی نمود.

بار خدایا! در روز رستاخیز، پیامبر ما را ـ که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد ـ، از همهٔ پیامبران به خودت نزدیک‌تر دار، و شفاعتش را پذیرفته‌تر، و قدر و منزلتش را بزرگ‌تر، وجاهتش را بیشتر بدار.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و بنای او را بلند گردان، و بُرهانش را بزرگ دار، و ترازویش را سنگین کن، و شفاعتش را بپذیر، و درجه‌اش را [به خود] نزدیک کن، و او را روسپید ساز، و نورش را کامل گردان، و درجه‌اش را بالا ببر، و ما را بر روش او زنده دار، و بر آیین او بمیران. ما را در

أهلِ طاعَتِهِ، وَاحشُرنا في زُمرَتِهِ، وأوردِنا حَوضَهُ، وَاسقِنا بِكَأسِهِ.

وصَلِّ اللّٰهُمَّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، صَلاةً تُبَلِّغُهُ بِها أفضَلَ ما يَأمُلُ مِن خَيرِكَ وفَضلِكَ وكَرامَتِكَ، إنَّكَ ذو رَحمَةٍ واسعَةٍ وفَضلٍ كَريمٍ.

اللّٰهُمَّ اجزِهِ بِما بَلَّغَ مِن رِسالاتِكَ، وأدّىٰ مِن آياتِكَ، ونَصَحَ لِعِبادِكَ، وجاهَدَ في سَبيلِكَ، أفضَلَ ما جَزَيتَ أحَداً مِن مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ، وأنبِيائِكَ المُرسَلينَ المُصطَفَينَ، وَالسَّلامُ عَلَيهِ وعَلىٰ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ.[1]

۳۰۹۸. عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ المُصطَفىٰ، وعَلىٰ عَلِيٍّ المُرتَضىٰ، وفاطِمَةَ الزَّهراءِ، وخَديجَةَ الكُبرىٰ، وَالحَسَنِ المُجتَبىٰ، وَالحُسَينِ الشَّهيدِ بِكَربَلاءَ، وعَلىٰ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ زَينِ العابِدينَ، ومُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ الباقِرِ، وجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ، وموسَى بنِ جَعفَرٍ الكاظِمِ، وعَلِيِّ بنِ موسَى الرِّضا، ومُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ، وعَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ، وَالحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ العَسكَرِيِّ، وَالحُجَّةِ القائِمِ المَهدِيِّ ابنِ الحَسَنِ، الإمامِ المُنتَظَرِ، صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِم أجمَعينَ.

اللّٰهُمَّ والِ مَن والاهُم، وعادِ مَن عاداهُم، وَانصُر مَن نَصَرَهُم، وَاخذُل مَن خَذَلَهُم، وَالعَن مَن ظَلَمَهُم، وعَجِّل فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانصُر شيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، وأهلِك أعداءَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَارزُقني رُؤيَةَ قائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجعَلني مِن أتباعِهِ وأشياعِهِ، وَالرّاضينَ بِفِعلِهِ، بِرَحمَتِكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[2]

۳۰۹۹. عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ نَبِيِّنا وآلِهِ كَما صَلَّيتَ عَلىٰ مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ، وصَلِّ عَلَيهِ وآلِهِ كَما صَلَّيتَ عَلىٰ أنبِيائِكَ المُرسَلينَ، وَصَلِّ عَلَيهِ وَآلِهِ كَما صَلَّيتَ عَلىٰ

---

۱. الصحيفة السجّادية: ص ۱۶۱ الدعاء ۴۲، مصباح المتهجّد: ص ۵۲۲ ح ۶۰۳، الإقبال: ج ۱ ص ۴۵۳ عن محمّد بن عبد الله بن المطّلب الشيباني بإسناده، المصباح للكفعمي: ص ۶۲۱.

۲. مُهَج الدعوات: ص ۲۹ وص ۲۸۱، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۲۶۵ ح ۱.

راه او بـدار، و در مسـیر او بِـبَر، و از فـرمان‌بُردارانش قـرار ده، و در گـروه او محشورمان فرما، و ما را بر حوض او وارد ساز، و از جام او سیرابمان گردان.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان او، درود فرست، درودی که بـا آن، او را بـه برترین نیکی و بخشش و کرامتت که امید آن را داشت، برسانی. به راستی که تو دارای رحمتِ گسترده و بخششِ بزرگواران هستی.

بار خدایا! به پاس آن که پیام‌هایت را رسانید، و آیاتت را ابلاغ کرد، و بندگانت را راه نمایی فرمود، و در راه تو کوشش کرد، او را پاداش ده، بهترین پاداشی را که به یکی از فرشتگان مقرّبت و پیامبران مُرسل و برگزیده‌ات داده‌ای. سلام و مهر و نیکی‌های افزون خداوند، بر او و بر خاندان نیک و پاک او باد!

۳۰۹۸ . **امام زین العابدین**ﷺ: درود فرست بر محمّد مصطفی، و بر علی مرتضی و فاطمهٔ زهرا و خدیجهٔ کبرا و حسن مجتبی و حسینْ شهید کربلا، و بر علی بن الحسین زین العابدین و محمّد بن علی باقر و جعفر بن محمّد صادق و موسی بن جعفر کاظم و علی بن موسی الرضا و محمّد بن علی تقی، و علی بن محمّد نـقی، و حسن بن علی عسکری و حجّت قائم مهدی بن الحسـن، امـام مـنتظر ـ کـه درودهای خدا بر همهٔ ایشان باد ـ.

بار خدایا! آن را که دوستشان بدارد، دوست بدار، و آن را که دشمنشان دارد، دشمن بدار، و آن را که یاری‌شان دهد، یاری ده، و آن را که تنهایشان بگذارد، تنها و [بی یار] گذار، و آن را که بر ایشان ستم کند، نفرین فرما، و هر چه زودتر خاندان محمّد را در گشایش قرار ده، و پیروان خاندان محمّد را یاری بخش، و دشمنان خاندان محمّد را نابود کن، و دیدن قائم خاندان محمّد را روزی‌ام فرما، و مـرا از پـیروان و شـیعیانش، و رضـایتمندان از کـردار او قـرار ده، بـه حـقّ مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان!

۳۰۹۹ . **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! بر پیامبر ما محمّد و خاندان او، درود فرست، چونان که بر فرشتگان مقرّبت، درود فرستادی. بر او و خاندانش درود فرست، چونان که بر پیامبران مُرسلت درود فرستادی. بر او و خاندانش درود فرست،

عِبادِكَ الصالِحينَ، وَأفضَلَ مِن ذٰلِكَ يا رَبَّ العالَمينَ، صَلاةً تَبلُغُنا بَرَكَتُها، وَيَنالُنا نَفعُها، وَيُستَجابُ لَها دُعاؤُنا، إنَّكَ أكرَمُ مَن رُغِبَ إلَيهِ، وَأكفىٰ مَن تُوُكِّلَ عَلَيهِ، وَأعطىٰ مَن سُئِلَ مِن فَضلِهِ، وَأنتَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.[1]

۳۱۰۰. **عنه** عليه السلام: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، كَصَلَواتِكَ وبَرَكاتِكَ وتَحِيّاتِكَ عَلىٰ أصفِيائِكَ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ، وعَجِّلِ الفَرَجَ وَالرَّوحَ وَالنُّصرَةَ وَالتَّمكينَ وَالتَّأييدَ لَهُم.[2]

۳۱۰۱. **الإمام الصادق** عليه السلام: كانَ عَليُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام إذا زالَتِ الشَّمسُ صَلّىٰ ودَعا، ثُمَّ صَلّىٰ عَلَى النَّبيِّ وآلِهِ فَقالَ:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ، ومَوضِعِ الرِّسالَةِ، ومُختَلَفِ المَلائِكَةِ، ومَعدِنِ العِلمِ، وأهلِ بَيتِ الوَحيِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، الفُلكِ الجارِيَةِ فِي اللُّجَجِ[3] الغامِرَةِ[4]، يَأمَنُ مَن رَكِبَها ويَغرَقُ مَن تَرَكَها، المُتَقَدِّمُ لَهُم مارِقٌ[5]، وَالمُتَأخِّرُ عَنهُم زاهِقٌ، وَاللّازِمُ لَهُم لاحِقٌ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، الكَهفِ الحَصينِ، وغِياثِ المُضطَرّينَ، ومَلجَإِ الهارِبينَ، ومَنجَى الخائِفينَ، وعِصمَةِ المُعتَصِمينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، صَلاةً كَثيرَةً تَكونُ لَهُم رِضىً ولِحَقِّ مُحَمَّدٍ

---

۱. الصحيفة السجّادية: ص ۱۷۹ الدعاء ۴۵، مصباح المتهجّد: ص ۶۴۷ ح ۷۱۸، الإقبال: ج ۱ ص ۴۲۹ كلاهما نحوه، المزار الكبير: ص ۶۲۷، البلد الأمين: ص ۴۸۳، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۱۷۶ ح ۱.

۲. الصحيفة السجّادية: ص ۲۰۶ الدعاء ۴۸.

۳. اِلتجّ البحر: تلاطمت أمواجه (النهاية: ج ۴ ص ۲۳۳ «لجج»).

۴. غَمَرَ الماءُ: كَثُر. وغَمَره الماءُ: غطّاه (القاموس المحيط: ج ۲ ص ۱۰۴ «غمر»).

۵. المَارِقُ: الخارج عن الدين (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۶۸۹ «مرق»).

چونان که بر بندگان شایسته‌ات درود فرستادی، و برتر از آن [درودها] ـ ای پروردگار جهانیان، چنان درودی که برکتش به ما برسد و سودش دست ما را نیز بگیرد و به واسطهٔ آن، دعای ما پذیرفته شود. به راستی که تو کریم‌ترین کسی هستی که از او تقاضا می‌کنند، و کار سازترین کسی هستی که بر او توکّل کنند، و دهنده‌ترین کسی هستی که از فضل او درخواست می‌کنند، و تو بر هر چیزی توانایی.

۳۱۰۰ . **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست ـ به راستی که تو ستودنی و بزرگواری ـ، همچون درودها و برکت‌ها و تحیّت‌هایت بر برگزیدگانت ابراهیم و خاندان ابراهیم. و هر چه زودتر در کار آنان، گشایش و شادمانی و یاری و قدرت و تأیید، عطا فرما.

۳۱۰۱ . **امام صادق**ﷺ: امام زین العابدینﷺ چون خورشید زوال می‌یافت، نماز می‌خواند و دعا می‌کرد. سپس بر پیامبر و خاندانش درود می‌فرستاد و می‌فرمود: «بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ همانان که درخت نبوّت، و جایگاه رسالت، و محلّ آمد و شدِ فرشتگان، و معدن دانش، و اهل بیت وحی هستند.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ همانان که [به سان] کشتی روان در آب‌های انبوه و خروشان‌اند که هر کس در آن بنشیند ایمن باشد و هر کس آن را وا گذارد، غرق می‌شود. آن که از ایشان پیشی گیرد، از دین خارج می‌شود، و آن که از ایشان وا پس مانَد، نابود می‌شود، و آن که همراه ایشان باشد، به مقصد می‌رسد.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ همانان که پناهگاه استوارند، و یاریگر درماندگان، و پناه گریختگان، و نجاتبخش بیمناکان، و حامی پناه‌جویان‌اند.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ درود بسیار که پسندِ

وآلِ مُحَمَّدٍ أداءً وقَضاءً، بِحَولٍ مِنكَ وقُوَّةٍ يا رَبَّ العالَمينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، الَّذين أوجَبتَ حَقَّهُم ومَوَدَّتَهُم وفَرَضتَ طاعَتَهُم ووَلايَتَهُم.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعمُر قَلبي بِطاعَتِكَ ولا تُخزِهِ بِمَعصِيَتِكَ، وَارزُقني مُواساةَ مَن قَتَّرتَ عَلَيهِ مِن رِزقِكَ مِمّا وَسَّعتَ عَلَيَّ مِن فَضلِكَ.

الحَمدُ لِلّٰهِ عَلىٰ كُلِّ نِعمَةٍ، وأستَغفِرُ اللّٰهَ مِن كُلِّ ذَنبٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ مِن كُلِّ هَولٍ[1].[2]

۳۱۰۲. **الإمام زين العابدين**ﷺ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ إذا ذُكِرَ الأَبرارُ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ مَا اختَلَفَ اللَّيلُ وَالنَّهارُ، صَلاةً لا يَنقَطِعُ مَدَدُها ولا يُحصىٰ عَدَدُها، صَلاةً تَشحَنُ الهَواءَ، وتَملَأُ الأَرضَ وَالسَّماءَ.

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ حَتّىٰ يَرضىٰ، وصَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وآلِهِ بَعدَ الرِّضا، صَلاةً لا حَدَّ لَها ولا مُنتَهىٰ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[3]

۳۱۰۳. **عنه**ﷺ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ في كُلِّ وَقتٍ وكُلِّ أوانٍ وعَلىٰ كُلِّ حالٍ، عَدَدَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ مَن صَلَّيتَ عَلَيهِ، وأضعافَ ذٰلِكَ كُلِّهِ بِالأَضعافِ الَّتي لا يُحصيها غَيرُكَ، إنَّكَ فَعّالٌ لِما تُريدُ.[4]

۳۱۰۴. **عنه**ﷺ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ كَما هَدَيتَنا بِهِ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ كَمَا

---

۱. هالَهُ الشيء: أفزعه (الصحاح: ج ۵ ص ۱۸۵۵ «هول»).

۲. مصباح المتهجّد: ص ۳۶۱ ح ۴۸۵، جمال الأسبوع: ص ۲۵۰، الإقبال: ج ۳ ص ۳۰۰ عن العبّاس بن مجاهد عن أبيه نحوه وفيه «كان عليّ بن الحسينﷺ يدعو عند كلّ زوال من أيّام شعبان، وفي ليلة النصف منه، ويصلّي على النبيﷺ بهذه الصلوات ...»، بحار الأنوار: ج ۹۰ ص ۱۹ ح ۳.

۳. الصحيفة السجّادية: ص ۱۳۴ الدعاء ۳۲.

۴. الصحيفة السجّادية: ص ۱۷۰ الدعاء ۴۴.

آنان باشد، و حقّ محمّد و خاندان محمّد را به جا آورد و بپردازد، به نیرو و توانت، ای پروردگار جهانیان!

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ همانان که حقّ آنان و دوستی‌شان را واجب ساختی، و فرمانبَری از آنان و ولایتشان را لازم شمردی.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و دلم را به طاعتت، آباد گردان، و آن را با نافرمانی از تو، خوار و رسوا مکن، و توفیقم ده تا از رزقی که به فضل خویش بر من وسعت داده‌ای، به کسی که روزی‌ات را بر او تنگ داشته‌ای، کمک رسانم.

خدای را بر هر نعمتی ستایش می‌گویم، و از هر گناهی از خدا آمرزش می‌طلبم، و در برابر هر [ترس و] هراسی، جز از نیرو و توان خداوند، کمک نمی‌توان گرفت.

۳۱۰۲. **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! هر آن گاه که از نیکان یاد شود، بر محمّد و خاندان او درود بفرست. تا شب و روز در گردش است، بر محمّد و خاندان او درود بفرست؛ درودی بی پایان و بی شمار؛ درودی که فضا را آکَنده سازد و زمین و آسمان را پُر کند.

درود خدا بر او تا آن که خشنود شود. درود خدا بر او و خاندانش، پس از خشنودی؛ درودی بی‌کران و بی پایان، ای مهربان‌ترینِ مهربان!

۳۱۰۳. **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، در هر گاه و هر آن و هر حال، به شمار درودهایی که بر هر کس فرستاده‌ای، و [بلکه] چندین برابر همهٔ آنها؛ چندین برابری که جز خودِ تو، کسی از عهدهٔ شمارش آنها برنمی‌آید، که به راستی تو آنچه خواهی، انجام می‌دهی.

۳۱۰۴. **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، که ما را به واسطهٔ او هدایت کردی.

استَنقَذتَنا بِهِ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً تَشفَعُ لَنا يَومَ القِيامَةِ ويَومَ الفاقَةِ إلَيكَ، إنَّكَ عَلىٰ كُلِ شَيءٍ قَديرٌ، وهُوَ عَلَيكَ يَسيرٌ.[۱]

۳۱۰۵. عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ أكثَرَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن خَلقِكَ، وآتِهِ عَنّا أفضَلَ ما آتَيتَ أحَداً مِن عِبادِكَ، وَاجزِهِ عَنّا أفضَلَ وأكرَمَ ما جَزَيتَ أحَداً مِن أنبِيائِكَ عَن أُمَّتِهِ، إنَّكَ أنتَ المَنّانُ بِالجَسيمِ، الغافِرِ لِلعَظيمِ، وأنتَ أرحَمُ مِن كُلِّ رَحيمٍ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الأَخيارِ الأَنجَبينَ.[۲]

۳۱۰۶. عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، كَأَفضَلِ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن خَلقِكَ قَبلَهُ، وأنتَ مُصَلٍّ عَلىٰ أحَدٍ بَعدَهُ، وآتِنا فِي الدُّنيا حَسَنَةً وفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً، وقِنا بِرَحمَتِكَ عَذابَ النّارِ.[۳]

۳۱۰۷. عنه ﷺ: صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً دائِمَةً نامِيَةً، لَا انقِطاعَ لِأَبَدِها ولا مُنتَهىٰ لِأَمَدِها، وَاجعَل ذٰلِكَ عَوناً لي وسَبَباً لِنَجاحِ طَلِبَتي، إنَّكَ واسِعٌ كَريمٌ، ومِن حاجَتي يا رَبِّ كَذا وكَذا.[۴]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۱۰۸. عنه ﷺ: رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ المُنتَجَبِ المُصطَفَى المُكَرَّمِ المُقَرَّبِ أفضَلَ صَلَواتِكَ، وبارِك عَلَيهِ أتَمَّ بَرَكاتِكَ، وتَرَحَّم عَلَيهِ أمتَعَ رَحَماتِكَ.

رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً زاكِيَةً لا تَكونُ صَلاةٌ أزكىٰ مِنها، وصَلِّ عَلَيهِ صَلاةً نامِيَةً لا تَكونُ صَلاةٌ أنمىٰ مِنها، وصَلِّ عَلَيهِ صَلاةً راضِيَةً لا تَكونُ صَلاةٌ فَوقَها.

رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، صَلاةً تُرضيهِ وتَزيدُ عَلىٰ رِضاهُ، وصَلِّ عَلَيهِ صَلاةً

---

۱. الصحيفة السجّادية: ص ۱۲۸ الدعاء ۳۱.

۲. الصحيفة السجّادية: ص ۴۲ الدعاء ۶.

۳. الصحيفة السجّادية: ص ۸۷ الدعاء ۲۰.

۴. الصحيفة السجّادية: ص ۵۹ الدعاء ۱۳.

بر محمّد و خاندان او درود فرست که به واسطهٔ او، ما را نجات بخشیدی. بر محمّد و خاندان او درود فرست؛ چنان درودی که در روز رستاخیز و روز نیازمندی ما به تو، ما را شفاعت کند، که به راستی تو بر هر کاری توانایی، و آن برای تو آسان است.

۳۱۰۵. **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، افزون‌ترین درودی را که بر یکی از آفریدگانت فرستاده‌ای، و از جانب ما به او عطا فرما، بهترین چیزی را که به کسی از بندگانت عطا کرده‌ای، و از جانب ما پاداشش ده، برترین و ارجمندترین پاداشی را که به یکی از پیامبرانت از جانب امّتش داده‌ای، که به راستی تو بخشندهٔ نعمت‌های سِتُرگی، آمرزندهٔ [گناهان] بزرگی، و تو مهربان‌تر از هر مهربانی. پس بر محمّد و خاندان خوب و پاک و نیک و والای او درود فرست.

۳۱۰۶. **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، چون برترین درودی که پیش از او بر آفریده‌ای از آفریدگانت فرستاده‌ای و پس از او بر کسی خواهی فرستاد، و در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی، و به رحمت خود، ما را از عذاب آتش، نگه دار.

۳۱۰۷. **امام زین العابدین**ﷺ: بر محمّد و خاندان او درود فرست؛ درودی پاینده و بالنده و ابدی و پایان‌ناپذیر، و آن را کمک و سببی برای رسیدن به مطلوبم قرار ده، که به راستی، تو گشایش‌بخش و بزرگواری. از جملهٔ حاجت‌های من ـ ای پروردگار ـ، این و آن است.

۳۱۰۸. **امام زین العابدین**ﷺ: ای پروردگار من! برترین درودهایت را بر محمّد و خاندان محمّد ـ که برگزیده و پسندیده و گرامی و مقرّب [در نزد تو] است ـ، بفرست و کامل‌ترین برکت‌هایت را به او ده، و لذّتبخش‌ترین (پر بهره‌ترین) رحمت‌هایت را ارزانی‌اش دار.

پروردگار من! بر محمّد و خاندان او درود فرست؛ درودی پاک که پاک‌تر از آن، درودی نباشد. بر او درود فرست؛ درودی بالنده که بالنده‌تر از آن، درودی نباشد. بر او درود فرست؛ درودی خشنودساز که بالاتر از آن، درودی نباشد.

پروردگار من! بر محمّد و خاندان او درود فرست؛ درودی که او را خشنود و

تُرضيكَ وتَزيدُ عَلىٰ رِضاكَ، وصَلِّ عَلَيهِ صَلاةً تُرضيكَ وتَزيدُ عَلىٰ رِضاكَ لَهُ، وصَلِّ عَلَيهِ صَلاةً لا تَرضىٰ لَهُ إلّا بِها، ولاتَرىٰ غَيرَهُ لَها أهلاً.

رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً تُجاوِزُ رِضوانَكَ، ويَتَّصِلُ اتِّصالُها بِبَقائِكَ، ولا يَنفَدُ كَما لا تَنفَدُ كَلِماتُكَ.

رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً تَنتَظِمُ صَلَواتِ مَلائِكَتِكَ وأنبِيائِكَ ورُسُلِكَ وأهلِ طاعَتِكَ، وتَشتَمِلُ عَلىٰ صَلَواتِ عِبادِكَ مِن جِنِّكَ وإنسِكَ وأهلِ إجابَتِكَ، وتَجتَمِعُ عَلىٰ صَلاةِ كُلِّ مَن ذَرَأتَ وبَرَأتَ مِن أصنافِ خَلقِكَ.

رَبِّ صَلِّ عَلَيهِ وآلِهِ صَلاةً تُحيطُ بِكُلِّ صَلاةٍ سالِفَةٍ ومُستَأنَفَةٍ، وصَلِّ عَلَيهِ وعَلىٰ آلِهِ صَلاةً مَرضِيَّةً لَكَ ولِمَن دونَكَ، وتُنشِئُ مَعَ ذٰلِكَ صَلاةً تُضاعِفُ مَعَها تِلكَ الصَّلَواتِ عِندَها، وتَزيدُها عَلىٰ كُرورِ الأَيّامِ زِيادَةً في تَضاعيفَ لا يَعُدُّها غَيرُكَ.

رَبِّ صَلِّ عَلىٰ أطائِبِ أهلِ بَيتِهِ الَّذينَ اختَرتَهُم لِأَمرِكَ، وجَعَلتَهُم خَزَنَةَ عِلمِكَ، وحَفَظَةَ دينِكَ، وخُلفاءَكَ في أرضِكَ، وحُجَجَكَ عَلىٰ عِبادِكَ، وطَهَّرتَهُم مِنَ الرِّجسِ وَالدَّنَسِ تَطهيراً بِإرادَتِكَ، وجَعَلتَهُمُ الوَسيلَةَ إلَيكَ، وَالمَسلَكَ إلىٰ جَنَّتِكَ.

رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً تُجزِلُ لَهُم بِها مِن نِحَلِكَ[1] وكَرامَتِكَ، وتُكمِلُ لَهُمُ الأَشياءَ مِن عَطاياكَ ونَوافِلِكَ[2]، وتُوَفِّرُ عَلَيهِمُ الحَظَّ مِن عَوائِدِكَ وفَوائِدِكَ.

رَبِّ صَلِّ عَلَيهِ وعَلَيهِم صَلاةً لا أمَدَ في أوَّلِها، ولا غايَةَ لِأَمَدِها، ولا نِهايَةَ لِآخِرِها.

رَبِّ صَلِّ عَلَيهِم زِنَةَ عَرشِكَ وما دونَهُ، ومِلءَ سَماواتِكَ وما فَوقَهُنَّ، وعَدَدَ أرَضيكَ وما تَحتَهُنَّ وما بَينَهُنَّ، صَلاةً تُقَرِّبُهُم مِنكَ زُلفىٰ، وتَكونُ لَكَ ولَهُم رِضىً،

---

۱. النِّحْلَة: العَطيّة (لسان العرب: ج ۱۱ ص ۶۵۰ «نحل»).

۲. النوافل: العطايا والفواضل (لسان العرب: ج ۱۱ ص ۶۷۲ «نفل»).

خشنودتر سازد. بر او درود فرست؛ درودی که تو را خشنود و خشنودتر سازد. بر او درود فرست؛ درودی که تو را از او خشنود و خشودتر سازد. بر او درود فرست؛ درودی که جز آن را برای او نپسندی و جز او، کسی دیگر را شایستهٔ آن نبینی.

پروردگار من! بر محمّد و خاندان او درود فرست؛ درودی که از خشنودی‌ات در گذرد و به جاودانگی تو بپیوندد و همچون کلماتت، پایان‌ناپذیر باشد.

پروردگار من! بر محمّد و خاندانش درود فرست؛ درودی که درودهای فرشتگانت و پیامبرانت و فرستادگانت و فرمان‌بُردارانت را به رشتهٔ خود کِشد، و [همهٔ] درودهای بندگانت، از جنّ و انس و پذیرندگانت را در برگیرد، و درود هر آن کس را که آفریده‌ای و پدید آورده‌ای، از هرگونه مخلوقت، در خود گِرد آور.

پروردگار من! بر او و خاندانش درود فرست؛ درودی که همهٔ درودهای گذشته و جدید را در میان گیرد. بر او و خاندانش درود فرست؛ درودی که پسند تو و جز تو باشد، و همراهش درودی پدید آوری که با آن، آن درودها [ی پیشین] را چند برابر گردانی و با گردش ایّام، چندین و چند برابرشان بیفزایی، که جز تو، کسی نمی‌تواند آنها را بشمارد.

پروردگار من! بر پاک‌ترین خاندانش درود فرست که آنان را برای کار [و دین] خود برگزیدی و خزانه‌داران دانشت و نگهبانان دینت و جانشینان خود در زمینت و حجّت‌های خویش بر بندگانت قرارشان دادی، و به خواست خود، آنان را از پلیدی و آلودگی به کلّی پاک گردانیدی، و وسیله‌ای به سوی خودت و راهی برای رسیدن به بهشتت قرارشان دادی.

پروردگار من! بر محمّد و خاندان او درود فرست؛ درودی که به سبب آن، پیشکش‌ها و ارجداشتت را برای ایشان، فراوان گردانی، و دَهِش‌ها و بخشش‌هایت را به آنان، کامل سازی، و بهره‌شان را از سودها و فوایدت، بسیار کنی.

پروردگار من! بر او و بر ایشان درود فرست؛ درودی که آغازش را نقطه‌ای و عمرش را سرآمدی و آخرش را پایانی نباشد.

پروردگار من! بر ایشان درود فرست، به وزن عرشت و آنچه زیر آن است، و به حجم آسمان‌هایت و آنچه بالای آنهاست، و به شمار زمین‌هایت و آنچه زیر

ومُتَّصِلَةً بِنَظائِرِهِنَّ أبَداً.

اللّٰهُمَّ إنَّكَ أيَّدتَ دينَكَ في كُلِّ أوانٍ، بِإمامٍ أقَمتَهُ عَلَماً لِعِبادِكَ، ومَناراً في بِلادِكَ، بَعدَ أن وَصَلتَ حَبلَهُ بِحَبلِكَ، وجَعَلتَهُ الذَّريعَةَ إلىٰ رِضوانِكَ، وَافتَرَضتَ طاعَتَهُ، وحَذَّرتَ مَعصِيَتَهُ، وأمَرتَ بِامتِثالِ أوامِرِهِ، وَالانتِهاءِ عِندَ نَهيِهِ، وألّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ، ولا يَتَأَخَّرَ عَنهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عِصمَةُ اللّائِذينَ، وكَهفُ المُؤمِنينَ، وعُروَةُ المُتَمَسِّكينَ، وبَهاءُ العالَمينَ.

اللّٰهُمَّ فَأَوزِع[1] لِوَلِيِّكَ شُكرَ ما أنعَمتَ بِهِ عَلَيهِ، وأوزِعنا مِثلَهُ فيهِ، وآتِهِ مِن لَدُنكَ سُلطاناً نَصيراً، وَافتَح لَهُ فَتحاً يَسيراً، وأعِنهُ بِرُكنِكَ الأَعَزِّ، وَاشدُد أزرَهُ، وقَوِّ عَضُدَهُ، وراعِهِ بِعَينِكَ، وَاحمِهِ بِحِفظِكَ، وَانصُرهُ بِمَلائِكَتِكَ، وَأمِدِدهُ بِجُندِكَ الأَغلَبِ، وأقِم بِهِ كِتابَكَ وحُدودَكَ وشَرائِعَكَ وسُنَنَ رَسولِكَ صَلَواتُكَ اللّٰهُمَّ عَلَيهِ وآلِهِ، وأحيِ بِهِ ما أماتَهُ الظّالِمونَ مِن مَعالِمِ دينِكَ، وَاجلُ بِهِ صَدَأَ الجَورِ عَن طَريقَتِكَ، وأبِن بِهِ الضَّرّاءَ مِن سَبيلِكَ، وأزِل بِهِ النّاكِبينَ عَن صِراطِكَ، وَامحَق بِهِ بُغاةَ قَصدِكَ عِوَجاً، وألِن جانِبَهُ لِأَولِيائِكَ، وَابسُط يَدَهُ عَلىٰ أعدائِكَ، وهَب لَنا رَأفَتَهُ ورَحمَتَهُ وتَعَطُّفَهُ وتَحَنُّنَهُ، وَاجعَلنا لَهُ سامِعينَ مُطيعينَ، وفي رِضاهُ ساعينَ، وإلىٰ نُصرَتِهِ وَالمُدافَعَةِ عَنهُ مُكنِفينَ[2]، وإلَيكَ وإلىٰ رَسولِكَ صَلَواتُكَ اللّٰهُمَّ عَلَيهِ وآلِهِ بِذٰلِكَ مُتَقَرِّبينَ.

اللّٰهُمَّ وصَلِّ عَلىٰ أولِيائِهِمُ المُعتَرِفينَ بِمَقامِهِم، المُتَّبِعينَ مَنهَجَهُم، المُقتَفينَ آثارَهُم، المُستَمسِكينَ بِعُروَتِهِم، المُتَمَسِّكينَ بِوِلايَتِهِم، المُؤتَمّينَ بِإمامَتِهِم، المُسَلِّمينَ لِأَمرِهِم، المُجتَهِدينَ في طاعَتِهِم، المُنتَظِرينَ أيّامَهُم، المادّينَ إلَيهِم

---

١. أوزعني: أي ألهمني وأولعني (النهاية: ج ٥ ص ١٨١ «وزع»).

٢. كَنَفَهُ: صانَهُ وحَفِظَه وحاطَه وأعانه، كأكنَفَهُ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ١٩٢ «كنف»).

آنها و ما بین آنهاست؛ درودی که آنان را به تو نزدیک گردانَد، تو و ایشان را پسند آید، و تا ابد به همانندهای آن درودها پیوسته باشد.

بار خدایا! تو در هر زمان، دینت را به وسیلهٔ پیشوایی کمک رساندی که او را نشانه‌ای برای بندگانت و چراغِ فروزانی در شهرهایت قرار دادی، پس از آن که رشته‌اش را به رشتهٔ خودت پیوستی، و او را دستاویزی به سوی خشنودی‌ات گردانیدی و اطاعتش را واجب ساختی، و از سرکشی در برابرش بر حذر داشتی، و به اجرای اوامرش و خودداری از انجام دادن نهی‌هایش، فرمان دادی، و این که هیچ کس نباید بر او پیشی گیرد (به دستور او باید به هر کاری اقدام کند) یا از او پس مانَد (نباید خلاف دستورش رفتار کند). پس او نگهبان پناه‌جویان، و پناه مؤمنان، و دستاویز چنگ زنندگان، و روشناییِ جهانیان است.

بار خدایا! پس ولی [و پیشوایان دین] خود را سپاس‌گزار نعمت‌هایی که به او ارزانی داشته‌ای، قرار ده، و ما را نیز سپاس‌گزار نعمت وجود او بدار (/ ما را نیز در نعمتی که به ما بخشیده‌ای، سپاس‌گزار قرار ده)، و از جانب خود، به او قدرتی (/حجّتی) یاریگر عطا فرما، و برایش فتحی آسانْ فراهم آر، و به نیرومندترین تکیه‌گاهت، او را کمک کن، و پشتش را قوی دار، و بازویش را پُرتوان ساز، و از او مراقبت فرما، و با نگهداشت خود، حمایتش کن، و با فرشتگانت، یاری‌اش ده، و با ظفرمندترین سربازانت، او را مدد رسان، و به واسطهٔ او کتابت و احکامت و قوانینت و سنّت‌های پیامبرت را ـ که درودهای تو، ای خداوند، بر او و خاندانش باد ـ، بر پا بدار، به وسیلهٔ او تعالیم دینت را که ستمگران میرانده‌اند، زنده گردان، به واسطهٔ او، زنگارِ کج‌روی در راهت را بزُدای، به واسطهٔ او سختی (/کوری) را از مسیرت کنار زن، به واسطهٔ او منحرفان از خطّت را نابود کن، به وسیلهٔ او، آنان را که خواهان کژی در راه راست تو هستند، از میان بردار، او را نسبت به دوستانت، نرم‌خو گردان، و دستش را بر دشمنانت بگشای، و رأفت و مهربانی و عطوفت و دلسوزی‌اش را به ما ببخش، و ما را حرف شنو و فرمان بُردار او و کوشا در جهت جلب رضایت او، و آمادهٔ یاری دادن و دفاع از او قرار ده و بدین ترتیب، ما را به خودت و پیامبرت ـ که درودهای تو، ای خدا، بر او و خاندانش باد ـ، نزدیک گردان.

بار خدایا! بر دوستان ایشان که به مقام آنان اعتراف دارند، و راهشان را می‌پویند، و از پی آنان می‌روند، و به دستاویز ایشانْ چنگ می‌زنند، و به رشتهٔ ولایتشان آویخته‌اند، و آنان را به پیشوایی خود گرفته‌اند و به فرمان آنان، گردن نهاده‌اند، و در فرمانبری از آنانْ کوشایند، و چشم به راه دولت آنان هستند، و چشمانشان به سوی

أعيُنَهُم، [وَاحفَظهُم بِ][1] الصَّلَواتِ المُبارَكاتِ الزّاكِياتِ النّامِياتِ الغادِياتِ الرّائِحاتِ، وسَلِّم عَلَيهِم وعَلىٰ أرواحِهِم، وَاجمَع عَلَى التَّقوىٰ أمرَهُم، وأصلِح لَهُم شُؤونَهُم، وتُب عَلَيهِم إنَّكَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ وخَيرُ الغافِرينَ، وَاجعَلنا مَعَهُم في دارِ السَّلامِ بِرَحمَتِكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[2]

۳۱۰۹. **عنه** عليه السلام: أشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً نَبِيُّهُ المُرسَلُ، ووَلِيُّهُ المُفَضَّلُ، وشَهيدُهُ المُستَعدَلُ، المُؤَيَّدُ بِالنّورِ المُضيءِ، وَالمُسَدَّدُ بِالأَمرِ المَرضِيِّ، بَعَثَهُ بِالأَوامِرِ الشّافِيَةِ، وَالزَّواجِرِ النّاهِيَةِ، وَالدَّلائِلِ الهادِيَةِ، الَّتي أوضَحَ بُرهانَها، وشَرَحَ بُنيانَها، في كِتابٍ مُهَيمِنٍ عَلىٰ كُلِّ كِتابٍ، جامِعٍ لِكُلِّ رُشدٍ وصَوابٍ، فيهِ نَبَأُ القُرونِ، وتَفصيلُ الشُّؤونِ، وفَرضُ الصَّلاةِ وَالصِّيامِ، وَالفَرقُ بَينَ الحَلالِ وَالحَرامِ فَدَعا إلىٰ خَيرِ سَبيلٍ، وشَفىٰ مِن هُيامِ الغَليلِ، حَتّىٰ عَلَا الحَقُّ وظَهَرَ، وزَهَقَ الباطِلُ وَانحَسَرَ، صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وآلِهِ، صَلاةً دائِمَةً مُمَهَّدَةً لا تَنقَضي لَها مُدَّةٌ، ولا يَنحَصِرُ لَها عِدَّةٌ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، ما جَرَتِ النُّجومُ فِي الأَبراجِ، وتَلاطَمَتِ[3] البُحورُ بِالأَمواجِ، ومَا ادلَهَمَّ[4] لَيلٌ داجٍ، وأشرَقَ نَهارٌ ذُو ابتِلاجٍ، وصَلِّ عَلَيهِ وآلِهِ ما تَعاقَبَتِ الأَيّامُ، وتَناوَبَتِ الأَعوامُ، وما خَطَرَتِ الأَوهامُ، وتَدَبَّرَتِ الأَفهامُ، وما بَقِيَ الأَنامُ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ الأَنبِياءِ، وآلِهِ البَرَرَةِ الأَتقِياءِ، وعَلىٰ عِترَتِهِ النُّجَباءِ، صَلاةً مَعروفَةً بِالتَّمامِ وَالنَّماءِ، وباقِيَةً بِلا فَناءٍ وَانقِضاءٍ.[5]

---

۱. ما بين المعقوفين أثبتناه من الإقبال.

۲. الصحيفة السجّادية: ص ۱۸۹ الدعاء ۴۷، الإقبال: ج ۲ ص ۹۰، المصباح للكفعمي: ص ۸۸۹.

۳. في المصدر: «طلاطمة»، والتصويب من الصحيفة السجّادية الجامعة: ص ۴۳۸.

۴. ادلَهَمَّ الظلام: كثُف (القاموس المحيط: ج ۴ ص ۱۱۳ «دلهم»).

۵. بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۱۵۴ ح ۲۲ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين من مؤلّفات بعض قدمائنا.

آنانْ دوخته شده است، درود فرست، [و آنان را محافظت فرما] با درودهای خجسته و فزاینده و بالنده و شبانه‌روزی، و بر آنان و بر جان‌هایشان، درود فرست، و آنان را بر پایهٔ پرهیزگاری فراهم آور، و امورشان را سامان ده، و توبهٔ آنان را بپذیر، که تو توبه‌پذیری مهربان و بهترینِ آمرزندگانی، و ما را در سرای بی گزند (بهشت) با آنان قرار ده، به حقّ مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

۳۱۰۹. **امام زین العابدین**ﷺ: گواهی می‌دهم که محمّد، پیامبر فرستاده شدهٔ اوست، و برترین دوست و ولیّ او، و گواه عادل اوست. با نور تابناک، تأیید شده و با دستور پسندیده، راه‌نمایی شده است. [خداوند] او را با فرمان‌های شفابخش و نهی‌های باز دارنده و دلیل‌های راه نما فرستاد، و برهان آنها را روشن نمود و ساختمانشان را تشریح کرد، در کتابی که حاکم (/نگهبان) بر هر کتابی است و در بردارندهٔ هرگونه درستی و صوابی خبر نسلها [ی پیشین] و تفصیل امور، و وجوب نماز و روزه، و فرق میان حلال و حرام در آن آمده است. او به بهترین راه، فرا خوانْد، و عطش سوزان تشنگان را فرو نشانْد، تا آن که حق، برآمد و نمایان شد و باطل، نابود و ناپدید گشت. درود خدا بر او و خاندانش باد، درودی پاینده و آماده که مدّتش به سر نمی‌آید و به شماره‌ای محدود نمی‌شود.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، تا هر آن گاه که ستارگان در برج‌ها روان‌اند، و دریاها به موج، خروشان، و تا هر آن گاه که شبی تار در کار است و روزی روشن می‌تابد! بر او و خاندانش درود فرست تا زمانی که روزها و سال‌ها از پیِ هم می‌آیند، و تا هر آن گاه که اوهام، خطور می‌کنند و اندیشه‌ها می‌اندیشند، و مردمان به سر می‌برند.

بار خدایا! بر محمّد، خاتم پیامبران، و بر خاندان پاک و پرهیزگار او، و بر دودمان والاتبارش درود فرست؛ درودی با وصفِ کمال و بالندگی و ماندگار و به دور از نیستی و پایان‌پذیری.

٧/٦

الصَّلَواتُ المأثورةُ عنِ الإمامِ محمّدِ بنِ عليٍّ الباقرِ عليه السلام

٣١١٠ . **الإمام الباقر** عليه السلام: يا اللهُ الَّذي لَيسَ كَمِثلِهِ شَيءٌ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صَلاةً كَثيرَةً طَيِّبَةً مُبارَكَةً، اللّٰهُمَّ أعطِ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ جَميعَ الخَيرِ كُلِّهِ، وَاصرِف عَن مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ جَميعَ الشَّرِّ كُلِّهِ.[١]

٣١١١ . **عنه** عليه السلام: إذا صَلَّيتَ العَصرَ يَومَ الجُمُعَةِ فَقُل: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ الأَوصِياءِ المَرضِيّينَ بِأَفضَلِ صَلَواتِكَ، وبارِك عَلَيهِم بِأَفضَلِ بَرَكاتِكَ، وعَلَيهِمُ السَّلامُ وعَلىٰ أرواحِهِم وأجسادِهِم ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ».

مَن قالَها في دُبُرِ العَصرِ كَتَبَ اللهُ لَهُ مِئَةَ أَلفِ حَسَنَةٍ، ومَحا عَنهُ مِئَةَ أَلفِ سَيِّئَةٍ، وقَضىٰ لَهُ مِئَةَ أَلفِ حاجَةٍ، ورَفَعَ لَهُ بِها مِئَةَ أَلفِ دَرَجَةٍ.[٢]

٨/٦

الصَّلَواتُ المأثورةُ عنِ الإمامِ جعفرِ بنِ محمّدٍ الصّادقِ عليه السلام

٣١١٢ . **الإمام الصادق** عليه السلام: إذا صَلَّيتَ العَصرَ يَومَ الجُمُعَةِ فَقُل: «اللّٰهُمَّ اجعَل صَلَواتِكَ وصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ وأنبِيائِكَ ورُسُلِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الأُمِّيِّ وعَلىٰ أهلِ بَيتِهِ، وعَلَيهِمُ السَّلامُ ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ» مِئَةَ مَرَّةٍ.[٣]

---

١ . مصباح المتهجّد: ص ٣٦٥ ح ٤٩١، جمال الأسبوع: ص ٢٥٦ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٥٠.

٢ . تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٩ ح ٦٨، ثواب الأعمال: ص ٦٠ ح ١، الأمالي للطوسي: ص ٤٤٠ ح ٩٨٦، الأمالي للصدوق: ص ٤٨٤ ح ٦٥٦، جمال الأسبوع: ص ٢٧٥ ح ٤ كلّها عن ناجية، مستطرفات السرائر: ص ٦٠ ح ٣٠ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٩٢ ح ٥ وج ٨٦ ص ٧٩ ح ٤.

٣ . جمال الأسبوع: ص ٢٧٨ ح ٩ عن زيد الشحّام وص ٢٧٧ ح ٨ عن حفص بن أبي البختري نحوه، ← بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٩١ ح ٤.

۷ / ۶
صلوات‌های رسیده از امام باقر علیه‌السلام

۳۱۱۰ . **امام باقر علیه‌السلام**: ای خدایی که هیچ چیز چون او نیست! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست؛ درودی بسیار و پاک و بابرکت. بار خدایا! هر چه خوبی است، سراسر، به محمّد و خاندان محمّد، عطا فرما، و هر چه بدی است، سراسر، از محمّد و خاندان محمّد، دور دار.

۳۱۱۱ . **امام باقر علیه‌السلام**: هر گاه نماز عصر روز جمعه را خواندی، بگو: «بار خدایا! برترین درودهایت را بر محمّد و خاندان محمّد، این اوصیای پسندیده، بفرست و برترین برکت‌هایت را به آنان، ارزانی دار. درود و رحمت خدا و برکات او بر آنان و بر جان‌ها و تن‌های آنان باد!».

هر کس بعد از نماز عصر، این دعا را بگوید، خداوند، صدهزار ثواب برایش می‌نویسد، و صد هزار گناه از او پاک کند، و صدهزار حاجت، از او برآورده سازد، و صدهزار درجه او را بالا می‌برد.

۸ / ۶
صلوات‌های رسیده از امام صادق علیه‌السلام

۳۱۱۲ . **امام صادق علیه‌السلام**: چون نماز عصر روز جمعه را خواندی، صد مرتبه بگو: «بار خدایا! درودهای خودت و درودهای فرشتگانت و پیامبرانت و فرستادگانت را بر محمّد اُمّی و بر خانوادهٔ او بفرست. درود و رحمت خدا و برکات او بر ایشان باد!».

٣١١٣ . عنه عليه السلام: مَن قالَ بَعدَ صَلاةِ الفَجرِ أو بَعدَ صَلاةِ الظُّهرِ : «اللّٰهُمَّ اجعَل صَلَواتِكَ وصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ ورُسُلِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ» لَم يُكتَب عَلَيهِ ذَنبٌ سَنَةً.[١]

٣١١٤ . عنه عليه السلام: مَن قالَ بَعدَ صَلاةِ الفَجرِ وبَعدَ صَلاةِ الظُّهرِ : «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وعَجِّل فَرَجَهُم» لَم يَمُت حَتّىٰ يُدرِكَ القائِمَ.[٢]

٣١١٥ . عنه عليه السلام ـ في فَضلِ الصَّلاةِ عَلَى النَّبيِّ وآلِهِ صلى الله عليه وآله بَعدَ فَريضَةِ العَصرِ يَومَ الجُمُعَةِ ـ: إذا كان يَومُ القِيامَةِ بَعَثَ اللهُ تَعالَى الأَيّامَ، ويَبعَثُ الجُمُعَةَ أمامَها... فَتَقِفُ عَلىٰ بابِ الجَنَّةِ وَالأَيّامُ خَلفَها، فَيَشفَعُ لِكُلِّ مَن أكثَرَ الصَّلاةَ فيها عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله... تَقولُ : «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وعَجِّل فَرَجَهُم» مِئَةَ مَرَّةٍ.[٣]

٣١١٦ . عنه عليه السلام: مَن صَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ عَلَيهِ وعَلَيهِمُ السَّلامُ حينَ يُصَلِّي العَصرَ يَومَ الجُمُعَةِ قَبلَ أن يَنفَتِلَ مِن صَلاتِهِ[٤] عَشرَ مَرّاتٍ، يَقولُ : «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ الأَوصِياءِ المَرضِيّينَ بِأَفضَلِ صَلَواتِكَ، وبارِك عَلَيهِم بِأَفضَلِ بَرَكاتِكَ، وعَلَيهِ وعَلَيهِمُ السَّلامُ وعَلىٰ أرواحِهِم وأجسادِهِم ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ» صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَةُ مِن تِلكَ الجُمُعَةِ إلَى الجُمُعَةِ المُقبِلَةِ في تِلكَ السّاعَةِ.[٥]

٣١١٧ . عنه عليه السلام: الصَّلاةُ عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله بَعدَ العَصرِ يَومَ الجُمُعَةِ تَقولُ : اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وبارِك عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَارحَم مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ، وَارفَع

---

١ . مصباح المتهجّد: ص ٣٦٨ ح ٤٩٧، جمال الأسبوع: ص ٢٦١، المصباح للكفعمي: ص ٥٥٧، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٣١ ح ٤.

٢ . مصباح المتهجّد: ص ٣٦٨ ح ٤٩٨، جمال الأسبوع: ص ٢٦١، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٧٧ ح ١١.

٣ . جمال الأسبوع: ص ٢٧٧ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٩١ ح ٤.

٤ . انفَتَلَ فلان عن صلاته: انصرف (لسان العرب: ج ١١ ص ٥١٤ «فتل»).

٥ . جمال الأسبوع: ص ٢٧٤ ح ١ عن أبي إسماعيل الصيقل، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٩٠ ح ٤.

۳۱۱۳ . **امام صادق**ﷺ: هر کس بعد از نماز صبح یا پس از نماز ظهر بگوید: «بار خدایا! درودهای خودت و درودهای فرشتگانت و فرستادگانت را بر محمّد و خاندان محمّد بفرست»، تا یک سال برایش گناهی نوشته نمی‌شود.

۳۱۱۴ . **امام صادق**ﷺ: هر کس بعد از نماز صبح و پس از نماز ظهر بگوید: «بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و دولت آنان را شتاب بخش»، نمی‌میرد تا قائم را دریابد.

۳۱۱۵ . **امام صادق**ﷺ: ـ در ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او، پس از نماز عصر روز جمعه ـ: چون روز رستاخیز شود، خدای متعال، روزها را زنده می‌گرداند، و جمعه را پیشاپیش آنها می‌فرستد... و او بر درِ بهشت می‌ایستد و دیگر روزها، در پسِ او. برای هر کس که در آن، بیشتر بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستاده است، شفاعت می‌کند.

[پس بعد از نماز عصر جمعه] صد مرتبه می‌گویی: «بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و در فرج آنان، تعجیل فرما».

۳۱۱۶ . **امام صادق**ﷺ: هر کس چون نماز عصر روز جمعه راخواند، پیش از آن‌که از حالت نمازش روی‌گردان شود، ده بار بگوید: «بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، این اوصیای پسندیده [ی خداوند]، برترین درودهایت را بفرست و برترین برکت‌هایت را نثار آنان کن. درود و رحمت و برکات خدا بر او و بر ایشان و بر جان‌ها و تن‌هایشان باد!»، فرشتگان، از آن جمعه تا جمعهٔ آینده، در همان ساعت بر او درود می‌فرستند.

۳۱۱۷ . **امام صادق**ﷺ: درود فرستادن بر پیامبرﷺ بعد از نماز عصر روز جمعه چنین است که می‌گویی: «بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و به محمّد و خاندان محمّد، برکت ده، و به محمّد و خاندان محمّد، رحمت آور، و محمّد

وآلَ مُحَمَّدٍ، الَّذينَ أذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيراً.[۱]

۳۱۱۸. عنه عليه السلام: اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَارحَم مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ، وبارِك عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، كَما صَلَّيتَ ورَحِمتَ وبارَكتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الأَوصِياءِ وَالسُّعَداءِ وَالشُّهَداءِ وأئِمَّةِ الهُدىٰ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الأَبدالِ[۲] وَالأَوتادِ، وَالسُّيّاحِ وَالعُبّادِ، وَالمُخلِصينَ وَالزُّهّادِ، وأهلِ الجِدِّ وَالاِجتِهادِ، وَاخصُص مُحَمَّداً وأهلَ بَيتِهِ بِأَفضَلِ صَلَواتِكَ، وأجزَلِ كَراماتِكَ، وبَلِّغ روحَهُ وجَسَدَهُ مِنّي تَحِيَّةً وسَلاماً، وزِدهُ فَضلاً وشَرَفاً وإكراماً، حَتّىٰ تُبَلِّغَهُ أعلىٰ دَرَجاتِ أهلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيّينَ وَالمُرسَلينَ وَالأَفاضِلِ المُقَرَّبينَ.

اللّهُمَّ وصَلِّ عَلىٰ مَن سَمَّيتُ ومَن لَم أُسَمِّ مِن مَلائِكَتِكَ وأنبِيائِكَ ورُسُلِكَ وأهلِ طاعَتِكَ، وأوصِل صَلَواتي إلَيهِم وإلىٰ أرواحِهِم، وَاجعَلهُم إخواني فيكَ وأعواني عَلىٰ دُعائِكَ.[۳]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۱۱۹. عنه عليه السلام: اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأدخِلني في كُلِّ خَيرٍ أدخَلتَ فيهِ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ، وأخرِجني مِن كُلِّ سُوءٍ أخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وعَلَيهِم، وَالسَّلامُ عَلَيهِ وعَلَيهِم ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ وسَلَّمَ كَثيراً.[۴]

---

۱. جمال الأسبوع: ص ۲۷۵ ح ۳ عن عمر بن يزيد، مصباح المتهجّد: ص ۳۸۶ ح ۵۱۳ من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۰ ص ۹۰ ح ۴.

۲. الأبدال: قوم بهم يقيم الله الأرض ... لا يموت أحدهم إلّا قام مكانه آخر من سائر الناس (القاموس المحيط: ج ۳ ص ۳۳۳ «بدل»).

۳. الإقبال: ج ۳ ص ۲۴۴، مصباح المتهجّد: ص ۸۰۹ ح ۸۷۲ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۴۸ وج ۹۸ ص ۴۰۱ ح ۱.

۴. تهذيب الأحكام: ج ۳ ص ۷۲ ح ۲۳۰، الإقبال: ج ۱ ص ۸۵، مصباح المتهجّد: ص ۵۴۳ ح ۶۳۰ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۳۶۲ ح ۱.

و خاندان محمّد را، همانان که پلیدی را از ایشان بُردی و پاکِ پاک‌شان کردی، بلندی بخش».

۳۱۱۸ . **امام صادق**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و به محمّد و خاندان محمّد، رحمت آور، و به محمّد و خاندان محمّد، برکت ده، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم، درود فرستادی و رحمت آوردی و برکت دادی، به راستی که تو ستودنی و بزرگواری.

بار خدایا! بر جانشینان و نیک‌بختان و گواهان و پیشوایان هدایت، درود فرست. بار خدایا! بر اَبدال[۱] و اَوتاد[۲] و سائحان[۳] و عابدان و مُخلصان و زاهدان و اهل کوشش و تلاش [در عمل و طاعت]، درود فرست، و برترین درودهایت و بیشترین کرامت‌هایت را به محمّد و اهل بیت او اختصاص ده، و از جانب من، به جان و جسم او تحیّت و درود فرست، و بر برتری و بزرگی و بزرگداشت او بیفزای، چندان که او را به بالاترین درجهٔ بزرگانِ از پیامبران و فرستادگان و برترین مقرّبان [درگاهت] برسانی.

بار خدایا! بر فرشتگانت و پیامبرانت و فرستادگانت و اهل طاعتت، چه آن که نام بردم و چه آن که نام نبردم، درود فرست، و درودهای مرا به آنان و به روان‌هایشان برسان، و ایشان را برادران من در راه خودت و کمک کنندگان به من در دعا به درگاه خود، قرار ده.

۳۱۱۹ . **امام صادق**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و هر آن خوبی‌ای که محمّد و خاندان محمّد را به آن در آوردی، مرا نیز به آن در آور، و هر آن بدی‌ای که محمّد و خاندان محمّد را ـ که درود خدا بر او و بر ایشان باد ـ، بیرون بردی، مرا نیز از آن بیرون بِبَر. درود فراوان و رحمت و برکات خدا بر او و برایشان باد!

---

۱ . ابدال، جماعتی هستند که خداوند به برکت وجود آنان، زمین را نگه داشته است... و هر یک از آنها بمیرد، دیگری جای او را بگیرد.

۲ . اوتاد، در اصل به معنای میخ‌هاست و در اصطلاح، گروهی از اولیاء الله هستند که به منزلهٔ ارکان عالم‌اند.

۳ . سائحان در اصل گردشگران‌هستند ولی طبق‌نظر مفسران‌در قرآن وحدیث به‌معنای‌روزه‌داران‌می‌باشد.

٣١٢٠ . **جمال الأسبوع عن حريز:** قُلتُ لِأَبي عَبدِ اللهِ عليه السلام : جُعِلتُ فِداكَ، كَيفَ الصَّلاةُ عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله؟... فَقالَ لي : إنَّكَ لَحافِظٌ يا حَريزُ، فَقُل كَما أقولُ لَكَ :

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ الَّذينَ أذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيراً... اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ الَّذينَ ألهَمتَهُم عِلمَكَ وَاستَحفَظتَهُم كِتابَكَ وَاسترعَيتَهُم عِبادَكَ. اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ الَّذينَ أمَرتَ بِطاعَتِهِم وأوجَبتَ حُبَّهُم ومَوَدَّتَهُم. اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ الَّذينَ جَعَلتَهُم وُلاةَ أمرِكَ بَعدَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وعَلىٰ أهلِ بَيتِهِ.[1]

٣١٢١ . **تهذيب الأحكام عن عبيدالله الحلبي:** قالَ[2] في قُنوتِ الجُمُعَةِ : اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ أئِمَّةِ المُسلِمينَ، اللّٰهُمَّ اجعَلني مِمَّن خَلَقتَهُ لِدينِكَ، ومِمَّن خَلَقتَهُ لِجَنَّتِكَ.

قُلتُ : أُسَمِّي الأَئِمَّةَ؟ قالَ : سَمِّهِم جُملَةً.[3]

٣١٢٢ . **الإمام الصادق عليه السلام:** اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ البَشيرِ النَّذيرِ، السِّراجِ المُنيرِ، الطُّهرِ الطّاهِرِ، الخَيِّرِ الفاضِلِ، خاتَمِ أنبِيائِكَ، وسَيِّدِ أصفِيائِكَ، وخالِصِ أخِلّائِكَ، ذِي الوَجهِ الجَميلِ، وَالشَّرَفِ الأَصيلِ، وَالمِنبَرِ النَّبيلِ، وَالمَقامِ المَحمودِ، وَالمَنهَلِ المَشهودِ، وَالحَوضِ المَوردِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما بَلَّغَ رِسالَتَكَ، وجاهَدَ في سَبيلِكَ، ونَصَحَ لِأُمَّتِهِ، وعَبَدَكَ حَتّىٰ أتاهُ اليَقينُ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطّاهِرينَ الأَخيارِ، الأَتقِياءِ الأَبرارِ، الَّذينَ انتَجَبتَهُم لِدينِكَ، وَاصطَفَيتَهُم مِن خَلقِكَ، وَائتَمَنتَهُم عَلىٰ وَحيِكَ، وجَعَلتَهُم

---

١ . جمال الأسبوع : ص ١٥٨، الإقبال : ج ٢ ص ١٧٤ نحوه، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٧ ح ٥٥.

٢ . كذا جاء مضمراً، والحلبي من كبار أصحاب الإمام الصادق عليه السلام.

٣ . تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٨ ح ٦٣.

۳۱۲۰ . **جمال الأسبوع** ـ به نقل از حریز ـ: به امام صادق﵇ گفتم: فدایت شوم! درود فرستادن بر پیامبرﷺ چگونه است؟

به من فرمود: «تو حافظه‌ای نیکوداری، ای حریز! پس آن گونه بگو که برایت می‌گویم. [بگو:] "بار خدایا! بر محمّد و اهل بیت او که پلیدی را از ایشان بُردی و کاملاً پاکشان گردانیدی، درود فرست.... بار خدایا! بر محمّد و خانوادهٔ او که دانش خود را به ایشان الهام فرمودی و نگهداری از کتابت و سرپرستی بندگانت را به آنان سپردی، درود فرست، بار خدایا! بر محمّد و اهل بیت او که به فرمانبری از آنان، فرمان دادی و محبّت و دوستی ایشان را واجب ساختی، درود فرست. بار خدایا! بر محمّد و اهل بیت او که آنان را اولیای امر خود پس از پیامبرت ـ درود خدا بر او و بر خانواده‌اش ـ قرار دادی، درود فرست».

۳۱۲۱ . **تهذیب الأحکام** ـ به نقل از عبید الله حلبی[1] ـ: [امام﵇] در دعای قنوت نماز جمعه گفت: «بار خدایا! بر محمّد و بر امامان مسلمانان، درود فرست. بار خدایا! مرا از کسانی قرار ده که برای دین خود آفریدی، و از آنان که برای بهشتت، خلق کردی».

گفتم: نام امامان را ببرم؟

فرمود: «به طور کلّی از آنها نام ببر».[2]

۳۱۲۲ . **امام صادق﵇**: بار خدایا! درود فرست بر محمّد، آن بشارتگر هشداردهنده، چراغ تابان، پاک و پاکیزه، نیکوکار برجسته، خاتم پیامبرانت و آقای برگزیدگانت، و ناب‌ترینِ دوستانت، صاحب روی زیبا، و بزرگی اصیل، و جایگاه والا و شریف، و مقام پسندیده و چشمهٔ همگانی، و حوضی که [برای سیراب شدن] بر آن در آیند.

بار خدایا! بر محمّد، درود فرست که او پیام تو را رسانید، و در راه تو کوشید، و امّتش را راه‌نمایی کرد، و تازنده بود، تو را پرستید. بر محمّد و خاندان پاک و نیک و پرهیزگار و نیکوکار او درود فرست؛ همانان که ایشان را برای دین خود پسندیدی، و از میان آفریدگانت برگزیدی، و وحی خود را نزد آنان، به امانت

---

۱ . حلبی از اصحاب برجسته امام صادق﵇ بوده است.

۲ . یعنی: بگو: امامان؛ همهٔ امامان.

خُزّانَ عِلمِكَ، وتَراجِمَةَ وَحيِكَ، وأعلامَ نورِكَ، وحَفَظَةَ سِرِّكَ، وأذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيراً.

اللّٰهُمَّ انفَعنا بِحُبِّهِم، وَاحشُرنا في زُمرَتِهِم وتَحتَ لِوائِهِم، ولا تُفَرِّق بَينَنا وبَينَهُم، وَاجعَلني بِهِم عِندَكَ وَجيهاً فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ، ومِنَ المُقَرَّبينَ الَّذينَ لا خَوفٌ عَلَيهِم ولا هُم يَحزَنونَ.[1]

٣١٢٣. عنه عليه السلام: إذا أرَدتَ أن تَخرُجَ مِن مَكَّةَ وتَأتِيَ أهلَكَ فَوَدِّعِ البَيتَ... وَاحمَدِ اللهَ وأثنِ عَلَيهِ، وصَلِّ عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله، ثُمَّ قُل:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ، ونَبِيِّكَ وأمينِكَ، وحَبيبِكَ ونَجِيِّكَ[2] وخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ، اللّٰهُمَّ كَما بَلَّغَ رِسالاتِكَ، وجاهَدَ في سَبيلِكَ، وصَدَعَ بِأَمرِكَ، وأُوذِيَ في جَنبِكَ، وعَبَدَكَ حَتّىٰ أتاهُ اليَقينُ....[3]

٣١٢٤. عنه عليه السلام: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وصَفِيِّكَ ونَجِيِّكَ ودَليلِكَ، وَالدّاعي إلىٰ سَبيلِكَ، وعَلىٰ أميرِ المُؤمِنينَ وَلِيِّكَ وخَليفَتِكَ مِن بَعدِ رَسولِكَ، وعَلىٰ أوصِيائِهِمَا المُستَحفَظينَ دينَكَ، المُستَودَعينَ حَقَّكَ، وَالمُسترعَينَ خَلقَكَ، وعَلَيهِم أجمَعينَ السَّلامُ ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ.[4]

٣١٢٥. عنه عليه السلام: اللّٰهُمَّ سامِكَ المَسموكاتِ، وداحِيَ المَدحُوّاتِ، خالِقَ الأَرضِ وَالسَّماواتِ،

---

١. مصباح المتهجّد: ص ١٠٣ ح ١٧٢، فلاح السائل: ص ٢٢٤ ح ٢٩١، المصباح للكفعمي: ص ٥٨ كلّها عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٨ ح ٩.

٢. في تهذيب الأحكام: «ونجيبك».

٣. الكافي: ج ٤ ص ٥٣٠ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٨٠ ح ٩٥٧ كلاهما عن معاوية بن عمّار.

٤. الإقبال: ج ١ ص ٢٣٤ عن عليّ بن ميمون الصائغ أبي الأكراد، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٧ ح ٢ وج ٩٢ ص ٢٠٨ ح ٤.

نهادی، و خزانه‌داران دانشت و مترجمان وحی‌ات، و نشانه‌های نورت و نگهداران رازت قرارشان دادی و آلودگی را از ایشان بُردی و پاکِ پاکشان ساختی.

بار خدایا! ما را از دوستی آنان، سودمند دار، و در گروه آنان و زیر پرچم ایشان، محشورمان فرما. ما را از آنان، جدا مساز، و مرا به واسطهٔ آنان، نزد خودت در دنیا و آخرت، آبرومند و از نزدیکانی گردان که بیمی برایشان نیست و اندوهگین نمی‌شوند.

۳۱۲۳ . امام صادقؑ: هرگاه خواستی از مکّه خارج شوی و نزد خانواده‌ات بروی، با خانه [ی کعبه] بدرود گوی... و خدای را بستای و ثنایش گوی و بر پیامبرﷺ درود فرست. سپس بگو: «بار خدایا! بر محمّد، بنده ات و فرستاده ات و پیامبرت و امانتدارت و محبوبت و هم‌رازت و برگزیده ات، از میان آفریدگانت، درود فرست ـ بار خدایا ـ، زیرا او پیام‌های تو را رسانید، و در راه تو سخت کوشید، و فرمان تو را به کار بست، و برای تو آزار دید، و تازنده بود، تو را پرستید....

۳۱۲۴ . امام صادقؑ: بار خدایا! بر محمّد، پیامبرت و برگزیده ات و هم‌رازت و راه نمایت و دعوتگر به راهت، درود فرست، و هم بر امیر مؤمنان، ولیّ تو و جانشینت بعد از پیامبرت، و بر جانشینان آنان که نگهبانان دینت قرارشان داده‌ای و حقّت را به دست آنان سپرده‌ای و به سرپرستی خلقت گماشته‌ای ـ که درود و رحمت و برکات خدا بر همهٔ ایشان بادا! ـ.

۳۱۲۵ . امام صادقؑ: بار خدایا، ای بر افرازندهٔ آسمان‌های بلند، و گستراننده زمین‌های پهناور، ای آفرینندهٔ زمین و آسمان‌ها! تو از ما پیمان ستاندی و ما به پیامبری

أخَذتَ عَلَينا عَهدَكَ وَاعتَرَفنا بِنُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ، وأقرَرنا بِوِلايَةِ عَليِّ بنِ أبي طالبٍ ﷺ فَسَمِعنا وأطَعنا، وأمَرتَنا بِالصَّلاةِ عَلَيهِم فَعَلِمنا أنَّ ذٰلِكَ حَقٌّ فَاتَّبَعناهُ.

اللّٰهُمَّ إنّي أُشهِدُكَ وأُشهِدُ مُحَمَّداً وعَلِيّاً وَالثَّمانِيَةَ حَمَلَةَ العَرشِ، وَالأَربَعَةَ الأَملاكَ خَزَنَةَ عِلمِكَ، أنَّ فَرضَ صَلاتي لِوَجهِكَ، ونَوافلي وزَكاتي وما طابَ لي مِن قَولٍ وعَمَلٍ عِندَكَ فَعَلىٰ محمّدٍ وآلِ محمّدٍ.

وأسأَلُكَ اللّٰهُمَّ أن توصِلَني بِهِم وتُقَرِّبَني بِهِم لَدَيكَ، كما أمَرتَني بِالصَّلاةِ عَلَيهِ، وأُشهِدُكَ أنّي مُسَلِّمٌ لَهُ ولِأَهلِ بَيتِهِ ﷺ، غَيرَ مُستَنكِفٍ ولا مُستَكبِرٍ، فَزَكِّنا بِصَلاتِكَ وصَلاةِ مَلائِكَتِكَ، إنَّهُ في وَعدِكَ وقَولِكَ: ﴿هُوَ ٱلَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَمَلَـٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَـٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ وَكَانَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ۞ تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُۥ سَلَـٰمٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا﴾[1] فَأَزلِفنا[2] بِتَحِيَّتِكَ وسَلامِكَ، وَامنُن عَلَينا بِأَجرٍ كَريمٍ مِن رَحمَتِكَ، وَاخصُصنا مِن مُحَمَّدٍ ﷺ بِأَفضَلِ صَلَواتِكَ، ﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ﴾[3]، وزَكِّنا بِصَلاتِهِ وصَلَواتِ أهلِ بَيتِهِ، فَاجعَل ما آتَيتَنا مِن عِلمِهِم ومَعرِفَتِهِم مُستَقَرّاً عِندَكَ، مَشفوعاً لا مُستَودَعاً يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[4]

۳۱۲۶. **عنه** ﷺ: تَقولُ وأنتَ عَلىٰ بابِ المَسجِدِ [الحَرامِ]:

... اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وبارِك عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَارحَم مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ، كَما صَلَّيتَ وبارَكتَ وتَرَحَّمتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.

---

۱. الأحزاب: ۴۳ و ۴۴.

۲. أزلَفَ الشيءَ: قرّبه. والزُّلفى: القربى والدرجة والمَنزلة (لسان العرب: ج ۹ ص ۱۳۸ «زلف»).

۳. التوبة: ۱۰۳.

۴. جمال الأسبوع: ص ۱۵۸ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۶۶ ح ۵۴.

محمّدﷺ اعتراف کردیم، و به ولایت علی بن ابی طالب اقرار نمودیم، و شنیدیم و فرمان بُردیم. به ما فرمودی که بر ایشان، درود فرستیم و ما دانستیم که این، حقّ است و پیروی‌اش کردیم.

بار خدایا! تو را گواه می‌گیرم، و محمّد و علی و هشت [فرشتهٔ] بردارندهٔ عرش، و چهار فرشتهٔ خزانه‌دار دانش تو را هم گواه می‌گیرم که نمازهای واجب و مستحبّم، و زکاتم و هر گفتار و کردار خوبی که نزد تو دارم، [همه] از آنِ محمّد و خاندان محمّد باشد.

از تو می‌خواهم ـ ای خداوند ـ، که مرا به آنان، بپیوندی و به واسطهٔ ایشان، در نزد خویش، مقربّم داری، همچنان که مرا به درود فرستادن بر او فرمان دادی. تو را گواه می‌گیرم که من، تسلیم او و اهل بیتش هستم، بی هیچ سرپیچی و گردنکشی. پس با درود فرستادن خودت و درود فرستادن فرشتگانت [برما] ما را پاک گردان که این خود، در وعده و گفتار توست: ﴿اوست کسی که با فرشتگان خود، بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بر آورد و نسبت به مؤمنان، همواره مهربان است. درودشان، روزی که دیدار کنند، سلام خواهد بود و برای آنان، پاداشی نیکو آماده کرده است﴾. پس با درود و سلام خود، ما را به مقام قُرب رسان، و پاداشی نیکو از رحمتت به ما ارزانی دار، و برترین درودهایت را توسّط محمّدﷺ به ما عطا فرما [چرا که خودت به ایشان فرموده‌ای:] ﴿و بر ایشان، درود فرست که درود فرستادن تو، مایهٔ آرامش آنان است﴾. و با درود (دعای) او و درودهای اهل بیتش، ما را پاک گردان و آنچه از دانش و شناخت ایشان به ما داده‌ای، نزد خودت ثابت و استوار و شفاعت شده، و نه عاریتی، نگه دار، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

۳۱۲۶. امام صادقﷺ: زمانی که بر درگاه مسجد [الحرام] قرار گرفتی، می‌گویی: «... بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست. به محمّد و خاندان محمّد، برکت ده. بر محمّد و خاندان محمّد، رحمت آور، همچنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود فرستادی و برکت دادی و رحمت آوردی، که به راستی، تو ستوده و بزرگی.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، عَبدِكَ ورَسولِكَ، وعَلىٰ إبراهيمَ خَليلِكَ، وعَلىٰ أنبِيائِكَ ورُسُلِكَ وسَلِّم عَلَيهِم، وسَلامٌ عَلَى المُرسَلينَ، وَالحَمدُ للهِ رَبِّ العالَمينَ.[1]

۳۱۲۷. **عنه** ﷺ: الحَمدُ للهِ رَبِّ العالَمينَ وصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وعَلىٰ آلِهِ الطّاهِرينَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيلِ إذا يَغشىٰ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّهارِ إذا تَجَلّىٰ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِي الآخِرَةِ وَالأُولىٰ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ما لاحَ الجَديدانِ[2]، ومَا اطَّرَدَ الخافِقانِ[3]، وما حَدَا الحادِيانِ[4]، وما عَسعَسَ لَيلٌ[5] وَادلَهَمَّ ظَلامٌ، وما تَنَفَّسَ صُبحٌ وما أضاءَ فَجرٌ.[6]

۳۱۲۸. **عنه** ﷺ: صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ الَّذي صَدَعَ بِأَمرِكَ، وبالَغَ في إظهارِ دينِكَ، وأكَّدَ ميثاقَكَ، ونَصَحَ لِعِبادِكَ، وبَذَلَ جُهدَهُ في مَرضاتِكَ، اللّهُمَّ شَرِّف بُنيانَهُ، وعَظِّم بُرهانَهُ.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

اللّهُمَّ وصَلِّ عَلىٰ وُلاةِ الأَمرِ بَعدَ نَبِيِّكَ، تَراجِمَةِ وَحيِكَ، وخُزّانِ عِلمِكَ، وأُمَنائِكَ في بِلادِكَ، الَّذينَ أمَرتَ بِمَوَدَّتِهِم، وفَرَضتَ طاعَتَهُم عَلىٰ بَرِيَّتِكَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيهِم صَلاةً دائِمَةً باقِيَةً.

---

۱. الكافي: ج ۴ ص ۴۰۲ ح ۲، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۱۰۰ ح ۳۲۸ كلاهما عن أبي بصير.

۲. الجديدان: الليل والنهار (القاموس المحيط: ج ۱ ص ۲۸۱ «جدد»).

۳. الخافقان: طرفا السماء والأرض، وقيل: المغرب والمشرق (النهاية: ج ۲ ص ۵۶ «خفق»).

۴. الحاديان: هما الليل والنهار، كأنّهما يحدوان بالناس للسير إلى قبورهم (مجمع البحرين: ج ۱ ص ۳۷۶ «حدا»).

۵. عسعس الليل: أقبل ظلامه أو أدبر (القاموس المحيط: ج ۲ ص ۲۳۱ «عسس»).

۶. مصباح المتهجّد: ص ۷۵ ح ۱۲۴، فلاح السائل: ص ۳۶۲ ح ۲۴۲، المصباح للكفعمي: ص ۵۲ كلّها عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۸۸ ح ۱۲.

بار خدایا! بر بنده و فرستاده‌ات محمّد و خاندان محمّد، و بر دوستت ابراهیم، و بر پیامبرانت و فرستادگانت درود و سلام فرست. درود بر فرستادگان، و ستایش، خدای را پروردگار جهانیان.

۳۱۲۷. **امام صادق**ﷺ: ستایش، خدای راکه پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمّد، خاتم پیامبران و بر خاندان پاک او بادا!

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست در شب، آن گاه که پرده افکند، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست در روز، آن گاه که روشن شود. بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست در آخرت و دنیا. بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست تا زمانی که دو نوشونده (شب و روز)، پدیدار شوند و طلوع و غروبی در پیِ هم آید، و دو ساربان، حُدی (آواز) می‌خوانند،[1] و تا آن گاه که شبی فرا رسد و تاریکی، فرو پوشاند و تا آن گاه که صبحی بر دمَد و سپیده‌ای روشن شود.

۳۱۲۸. **امام صادق**ﷺ: بر محمّد، بنده‌ات و فرستاده‌ات، درود فرست؛ همو که فرمان تو را اجرا کرد، و در آشکار [و پیروز گردانیدن] دین تو، نهایت کوشش خود را به کار بُرد، و پیمان تو را استوار ساخت، و برای بندگانت، خیرخواهی نمود، و همهٔ نیروی خود را در راه خشنودی تو صرف کرد، بار خدایا! بنای او را بلند گردان، و بُرهانش را عظمت بخش.

بار خدایا! بر اولیای امر پس از پیامبرت، و بیان‌کنندگان وحی‌ات، و خزانه‌داران دانشت، و اُمنای تو در شهرهایت، درود فرست؛ همانان که به دوستی‌شان فرمان دادی و اطاعت از آنان را بر آفریدگانت واجب ساختی. بار خدایا! بر ایشان درود فرست؛ درودی پاینده و ماندگار.

---

۱. مقصود از دو ساربان، شب و روز است که به ساربان تشبیه شده‌اند که کاروان آدمیان را به سوی گورهایشان پیش می‌برند، چنان که ساربان برای شتاب دادن به حرکت قافلهٔ اشتران، برایشان آواز (حُدی) می‌خوانند.

اللّهُمَّ وصَلِّ عَلَى السُّيّاحِ وَالعُبّادِ، وأهلِ الجِدِّ وَالاِجتِهادِ.[١]

٣١٢٩ . عنه ﷺ: يا أسمَعَ السّامِعينَ، ويا أبصَرَ النّاظِرينَ، ويا أسرَعَ الحاسِبينَ، (و) يا أجوَدَ الأَجوَدينَ، ويا أكرَمَ الأَكرَمينَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفضَلِ وأجزَلِ وأوفىٰ وأحسَنِ وأجمَلِ وأكرَمِ وأطهَرِ وأزكىٰ وأنوَرِ وأعلىٰ وأبهىٰ وأسنىٰ وأنمىٰ وأدوَمِ وأعَمِّ وأبقىٰ ما صَلَّيتَ وبارَكتَ ومَنَنتَ وسَلَّمتَ وتَرَحَّمتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.

اللّهُمَّ امنُن عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كَما مَنَنتَ عَلىٰ موسىٰ وهارونَ، وسَلِّم عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كَما سَلَّمتَ عَلىٰ نوحٍ فِي العالَمينَ، اللّهُمَّ وأورِد عَلَيهِ مِن ذُرِّيَّتِهِ وأزواجِهِ وأهلِ بَيتِهِ وأصحابِهِ وأتباعِهِ مَن تَقَرُّ بِهِ عَينُهُ، وَاجعَلنا مِنهُم ومِمَّن تَسقيهِ بِكَأسِهِ وتورِدُهُ حَوضَهُ، وَاحشُرنا فِي زُمرَتِهِ وَاجعَلنا تَحتَ لِوائِهِ، وأدخِلنا في كُلِّ خَيرٍ أدخَلتَ فيهِ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ، وأخرِجنا مِن كُلِّ سوءٍ أخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ، ولا تُفَرِّق بَينَنا وبَينَ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ طَرفَةَ عَينٍ أبَداً، ولا أقَلَّ مِن ذٰلِكَ ولا أكثَرَ.[٢]

٣١٣٠ . عنه ﷺ: يُستَحَبُّ أن يُصَلّىٰ عَلَى النَّبيِّ ﷺ بَعدَ العَصرِ يَومَ الجُمُعَةِ بِهٰذِهِ الصَّلاةِ:

اللّهُمَّ إنَّ مُحَمَّداً ﷺ كَما وَصَفتَهُ في كِتابِكَ حَيثُ تَقولُ: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾[٣]، فَأَشهَدُ أنَّهُ كَذٰلِكَ،

---

١ . الإقبال: ج ٢ ص ١٥٠، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٦٣.

٢ . مصباح المتهجّد: ص ٦٣ ح ١٠١، فلاح السائل: ص ٣١٩ ح ٢١٥، المصباح للكفعمي: ص ٤٥ كلّها عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٧٠ ح ٥.

٣ . التوبة: ١٢٨.

بار خدایا! بر زاهدان و عابدان و اهل کوشش و تلاش [در عبادت] هم درود فرست.

۳۱۲۹. امام صادقﷺ: ای شنواترینِ شنوندگان، ای بیناترینِ بینندگان، ای سریع‌ترینِ حسابگران، ای بخشنده‌ترینِ بخشندگان، و ای بزرگوارترینِ بزرگواران! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، همانند برترین و بیشترین و کامل‌ترین و نیکوترین و زیباترین و کریمانه‌ترین و پاک‌ترین و ناب‌ترین و نورانی‌ترین و والاترین و درخشان‌ترین و شکوهمندترین و بالنده‌ترین و پاینده‌ترین و فراگیرترین و ماندگارترین درود و برکت و لطف و درود و رحمتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی، که به راستی تو، ستوده و بزرگواری.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، منّت نِه، چنان که بر موسی و هارون، منّت نهادی، و بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، چنان که بر نوح در میان جهانیان، درود فرستادی.

بار خدایا! از فرزندان او و همسرانش و خانواده‌اش و یارانش و پیروانش، کسانی را بر [حوض کوثر] او در آور که دیدگانش بدانها روشن شود، و ما را از ایشان و از کسانی قرار ده که با جام او سیرابشان می‌کنی و بر حوض او وارد می‌کنی. ما را در گروه او محشور فرما و زیر پرچم او در آور، و ما را در هر آن خوبی‌ای که محمّد و خاندان محمّد را به آن داخل کردی، داخل کن، و از هر بدی‌ای که محمّد و خاندان محمّد را از آن بیرون بردی، بیرونمان ببر، و هرگز ما را از محمّد و خاندان محمّد، چشم بر هم زدنی و نه کمتر و بیشتر از آن، جدا مکن.

۳۱۳۰. امام صادقﷺ: مستحبّ است که بعد از نماز عصر روز جمعه، با این صلوات، بر پیامبرﷺ درود فرستاده شود: «بار خدایا! محمّدﷺ چنان است که تو، خود، در کتابت او را وصف کرده‌ای، آن جا که فرمایی: ﴿برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید. به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان، دلسوز و مهربان است﴾. من، گواهی دهم که او چنین است، و تو به

وأنَّكَ لَم تَأمُر بِالصَّلاةِ عَلَيهِ إلّا بَعدَ أن صَلَّيتَ عَلَيهِ أنتَ ومَلائِكَتُكَ، وأنزَلتَ في مُحكَمِ قُرآنِكَ: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا﴾[1] لا لِحاجَةٍ إلىٰ صَلاةِ أحَدٍ مِنَ المَخلوقينَ بَعدَ صَلاتِكَ عَلَيهِ، ولا إلىٰ تَزكِيَتِهِم إيّاهُ بَعدَ تَزكِيَتِكَ، بَلِ الخَلقُ جَميعاً هُمُ المُحتاجونَ إلىٰ ذٰلِكَ؛ لِأنَّكَ جَعَلتَهُ بابَكَ الَّذي لا تَقبَلُ لِمَن أتاكَ إلّا مِنهُ، وجَعَلتَ الصَّلاةَ عَلَيهِ قُربَةً مِنكَ ووَسيلَةً إلَيكَ وزُلفَةً عِندَكَ، ودَلَلتَ المُؤمِنينَ عَلَيهِ، وأمَرتَهُم بِالصَّلاةِ عَلَيهِ لِيَزدادوا بِها أُثرَةً[2] لَدَيكَ وكَرامَةً عَلَيكَ، ووَكَّلتَ بِالمُصَلّينَ عَلَيهِ مَلائِكَتَكَ يُصَلّونَ عَلَيهِ ويُبَلِّغونَهُ صَلاتَهُم وتَسليمَهُم...

اللّٰهُمَّ إنّي أبدَأُ بِالشَّهادَةِ لَهُ ثُمَّ بِالصَّلاةِ عَلَيهِ، وإن كُنتُ لا أبلُغُ مِن ذٰلِكَ رِضىٰ نَفسي، ولا يُعَبِّرُهُ لِساني عَن ضَميري...

اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ ونَبِيِّكَ ووَلِيِّكَ ونَجِيِّكَ وصَفِيِّكَ وصَفوَتِكَ وخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ، الَّذِي انتَجَبتَهُ لِرِسالاتِكَ، وَاستَخلَصتَهُ لِدينِكَ، وَاستَرعَيتَهُ عِبادَكَ، وَائتَمَنتَهُ عَلىٰ وَحيِكَ، عَلَمِ الهُدىٰ، وبابِ التُّقىٰ وَالنُّهىٰ، وَالعُروَةِ الوُثقىٰ فيما بَينَكَ وبَينَ خَلقِكَ، الشّاهِدِ لَهُمُ المُهَيمِنِ عَلَيهِم، أشرَفَ وأفضَلَ وأزكىٰ وأطهَرَ وأنمىٰ وأطيَبَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن خَلقِكَ، وأنبِيائِكَ ورُسُلِكَ، وأصفِيائِكَ وَالمُخلِصينَ مِن عِبادِكَ.

اللّٰهُمَّ وَاجعَل صَلَواتِكَ وغُفرانَكَ ورِضوانَكَ ومُعافاتَكَ وكَرامَتَكَ ورَحمَتَكَ ومَنَّكَ

---

١. الأحزاب: ٥٦.

٢. الأثرَةُ والمأثَرَةُ والمَأثُرَةُ: المَكرُمَةُ لأنّها تُؤثَرُ أي تُذكَرُ ويَأثُرُها قَرنٌ عَن قَرنٍ يَتَحَدَّثونَ بِها، وفي المحكم: المكرمة المُتَوارَثَةُ (لسان العرب: ج ٤ ص ٧ «أثر»).

درود فرستادن بر او فرمان ندادی، مگر پس از آن که تو خود و فرشتگانت، بر او درود فرستادید، و در قرآن محکمت، فرو فرستادی که: ﴿خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما نیز بر او درود فرستید و درودی کامل گویید﴾، نه این که با وجود درود فرستادن تو بر او، به درود فرستادن اَحَدی از مخلوقات، نیاز باشد، و با وجود ستایش تو از او، به ستایش آنان از او حاجتی باشد؛ بلکه این جملهٔ خلایق‌اند که به این کار (درود فرستادن بر او) نیاز دارند؛ زیرا تو، او (پیامبر) را درگاه خود قرار دادی، به طوری که جز آن کس را که از این در در آید، نپذیری، و درود فرستادن بر او را مایهٔ نزدیک شدن به خودت و وسیله‌ای به سویت، و منزلتی در نزدت قراردادی، و مؤمنان را بدان راه نمایی کردی، و به درود فرستادن بر او فرمانشان دادی تا بدان وسیله، بر ارجمندی و شرافت خویش در پیشگاه تو بیفزایند، و فرشتگانت را بر درود فرستندگان بر او گماشتی که بر او درود فرستند و درودها و سلام‌های آنان را به او برسانند....

بار خدایا! من، نخست به [نبوّت و حقانیت] او گواهی می‌دهم. سپس بر او درود می‌فرستم، اگر چه با این کار، هنوز به رضایت خاطر نمی‌رسم و زبانم [چنان که باید]، گویای دروغ نیست....

بار خدایا! بر محمّد، بنده‌ات و فرستاده‌ات و پیامبرت و دوستت و هم رازت و برگزیده‌ات و بهترینت و منتخب تو از میان آفریدگانت، درود فرست؛ همو که برای [ابلاغ] پیام‌هایت برگزیدی، و برای دینت گزینش کردی، و سرپرستی بندگانت را به او سپردی، و امین وحی خود قرارش دادی؛ آن نشانی راه، و درِ پرهیزگاری و خِردمندی، و استوارترین دستگیرهٔ رشتهٔ میان تو و آفریدگانت، گواه آنان و نگهبان ایشان؛ بهترین و برترین و ناب‌ترین و پاک‌ترین و بالنده‌ترین و خوش‌ترین درودی را که بر یکی از آفریدگانت و پیامبرانت و فرستادگانت و برگزیدگانت و بندگان مخلصت فرستاده‌ای.

بار خدایا! درودها و آمرزش و خشنودی و عافیت و کرامت و رحمت و لطف

وفَضلَكَ وسَلامَكَ وشَرَفَكَ وإعظامَكَ وتَبجيلَكَ، وصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ ورُسُلِكَ وأنبِيائِكَ وَالأَوصِياءِ وَالشُّهَداءِ وَالصِّدّيقينَ وعِبادِكَ الصّالِحينَ وحَسُنَ أُولئِكَ رَفيقاً، وأهلِ السَّماواتِ وَالأَرَضينَ وما بَينَهُما وما فَوقَهُما وما تَحتَهُما، وما بَينَ الخافِقينَ وما بَينَ الهَواءِ وَالشَّمسِ وَالقَمَرِ وَالنُّجومِ وَالجِبالِ وَالشَّجَرِ وَالدَّوابِّ، وما سَبَّحَ لَكَ فِي البَرِّ وَالبَحرِ وفِي الظُّلمَةِ وَالضِّياءِ بِالغُدُوِّ وَالآصالِ وفي آناءِ اللَّيلِ وأطرافِ النَّهارِ وساعاتِهِ، عَلىٰ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللهِ سَيِّدِ المُرسَلينَ، وخاتَمِ النَّبِيّينَ، وإمامِ المُتَّقينَ، ومَولَى المُؤمِنينَ، ووَلِيِّ المُسلِمينَ، وقائِدِ الغُرِّ المُحَجَّلينَ[1]، ورَسولِ رَبِّ العالَمينَ إلَى الجِنِّ وَالإِنسِ وَالأَعجَمينَ[2]، وَالشّاهِدِ البَشيرِ الأَمينِ، النَّذيرِ الدّاعي إلَيكَ بِإِذنِكَ السِّراجِ المُنيرِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِي الأَوَّلينَ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِي الآخِرينَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ يَومَ الدِّينِ؛ يَومَ يَقومُ النّاسُ لِرَبِّ العالَمينَ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما هَدَيتَنا بِهِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَمَا استَنقَذتَنا بِهِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَمَا أنعَشتَنا[3] بِهِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما أحيَيتَنا بِهِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما شَرَّفتَنا بِهِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما أعزَزتَنا بِهِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما فَضَّلتَنا بِهِ...

---

١. الغُرّ المُحَجَّلون: أي بيض مواضع الوضوء من الأيدي والوَجه والأقدام، استعار أثر الوضوء في الوجه واليدين والرجلين للإنسان من البياض الذي يكون في وجه الفرس ويديه ورجليه (النهاية: ج ١ ص ٣٤٦ «حجل»).

٢. يريد بالأعجمين الذين لا يفصحون، لا العجم الذين هم خلاف العرب؛ لأنّ العجم من الإنس، والأعجمي: الذي لا يفصح سواء كان من العرب أو العجم لآفة في لسانه لا يتبيّن كلامه (بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٨٨).

٣. نَعَشَه اللهُ: رَفَعه، كأنعَشَه (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٢٩٠ «نعش»).

و فضل و سلام و ارج و بزرگداشت و گرامیداشتت را، و درودهای فرشتگان و فرستادگان و پیامبرانت و جانشینان [پیامبران] و گواهی دهندگان و تصدیق کنندگان و بندگان شایسته‌ات ـ که نیکوْ رفیقانی هستند ـ، و اهل آسمان‌ها و زمین‌ها و هر آنچه میان آنها و بالای آنها و زیر آنهاست، و آنچه میان مشرق و مغرب و میان هوا و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان‌اند، و آنچه را در خشکی و آب و در تاریکی و روشنایی، هر بام و شام و در ساعات شب و اوقات روز، تو را تسبیح می‌گویند. [درود همهٔ اینان را] بر محمّد بن عبدالله قرار ده، او که سَرور فرستادگان، و خاتم پیامبران، و پیشوای پرهیزگاران، و آقای مؤمنان، و حامی و سرپرست مسلمانان، و پیشرو بی همتایان، و فرستادهٔ پروردگار جهانیان به سوی جنّ و اِنس و بی‌زبانان، و گواه و بشارتگر و امین و هشدار دهنده و دعوت کننده به سوی تو با اجازهٔ تو، و چراغ تابان بود.

بار خدایا! در میان نخستینیان، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست. بار خدایا! در میان پسینیان، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، در روز جزا ـ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند ـ، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست. بار خدایا! بر محمّد درود فرست که به واسطهٔ او، ما را هدایت کردی. بار خدایا! بر محمّد، درود فرست که به واسطهٔ او، ما را نجات بخشیدی. بار خدایا! بر محمّد درود فرست که به وسیلهٔ او، ما را رفعت بخشیدی. بار خدایا! بر محمّد درود فرست که به واسطهٔ او ما را زنده ساختی. بار خدایا! بر محمّد، درود فرست که به واسطهٔ او، ما را بزرگی بخشیدی. بار خدایا! بر محمّد، درود فرست که به واسطهٔ او ما را عزّت دادی. بار خدایا! بر محمّد، درود فرست که به واسطهٔ او ما را برتری عطا کردی... .

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأعطِهِ مِنَ الوَسيلَةِ وَالفَضيلَةِ وَالشَّرَفِ وَالكَرامَةِ ما يَغبِطُهُ[1] بِهِ المَلائِكَةُ المُقَرَّبونَ، وَالنَّبِيّونَ وَالمُرسَلونَ، وَالخَلقُ أجمَعونَ...

اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَارحَم مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ، كَأَفضَلِ ما صَلَّيتَ ورَحِمتَ وبارَكتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.

اللّٰهُمَّ وَامنُن عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفضَلِ ما مَنَنتَ عَلىٰ موسىٰ وهارونَ.

اللّٰهُمَّ وسَلِّم عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفضَلِ ما سَلَّمتَ عَلىٰ نوحٍ فِي العالَمينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ أئِمَّةِ المُسلِمينَ، الأَوَّلينَ مِنهُم وَالآخِرينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ إمامِ المُسلِمينَ، وَاحفَظهُ مِن بَينِ يَدَيهِ ومِن خَلفِهِ وعَن يَمينِهِ وعَن شِمالِهِ ومِن فَوقِهِ ومِن تَحتِهِ، وَافتَح لَهُ فَتحاً يَسيراً، وَانصُرهُ نَصراً عَزيزاً، وَاجعَل لَهُ مِن لَدُنكَ سُلطاناً نَصيراً. اللّٰهُمَّ عَجِّل فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وأهلِك أعداءَهُم مِنَ الجِنِّ وَالإنسِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ وذُرِّيَّتِهِ وأزواجِهِ الطَّيِّبينَ الأَخيارِ، الطّاهِرينَ المُطَهَّرينَ، الهُداةِ المَهدِيّينَ، غَيرِ الضّالّينَ ولَا المُضِلّينَ، الَّذين أذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيراً.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِي الأَوَّلينَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِي

---

۱. يقال: غَبَطتُ الرجلَ أغبِطه غَبطاً، إذا اشتهيت أن يكون لك مثل ما له، وأن يدوم عليه ما هو فيه (النهاية: ج ۳ ص ۳۳۹ «غبط»).

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و به او چنان وسیله (منزلت والا) و برتری و بزرگی و ارجمندی عطا فرما که فرشتگان مقرّب و پیامبران و فرستادگان و همهٔ خلایق، بر او غبطه بخورند....

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و بر محمّد و خاندان محمّد، رحمت آور، همچون برترین درود و رحمت و برکتی که نثار ابراهیم و خاندان ابراهیم کردی، که به راستی، تو ستوده و بزرگواری.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، منّت نِه، همچون برترین منّتی که بر موسی و هارون نهادی. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، همچون برترین درودی که بر نوح در میان جهانیان فرستادی».

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد و بر امامان مسلمانان، نخستین و واپسین آنان، درود فرست.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد و بر امام مسلمانان درود فرست، و او را از پیشِ رو و از پشت سر و از راست و از چپ و از بالا و از پایین [از شش جهت]، نگهداری کن و برایش فتحی آسان فراهم آور و به نصرتی نیرومند، یاری‌اش ده و از نزد خود، برایش تسلّطی یاری‌بخش قرار ده. بار خدایا! به فرج [ـِ دولت] خاندان محمّد، شتاب ببخش و دشمنان آنان را، از جنّ و انس، نابود کن.

بار خدایا! بر محمّد و اهل بیت او و ذریّه و همسرانش درود فرست، که خوب و نیک و پاک و مطهّر و هدایتگر و هدایتْ شده‌اند، نه گم راه و نه گم راه کننده، همانان که پلیدی را از ایشان بردی و پاکِ پاکشان نمودی.

بار خدایا! در میان نخستینیان، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. در میان پسینیان، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. در جمع آسمانیان، بر

الآخِرينَ، وصَلِّ عَلَيهِم فِي المَلَأِ الأَعلىٰ، وصَلِّ عَلَيهِم أبَدَ الآبِدينَ، صَلاةً لا مُنتَهىٰ لَها ولا أمَدَ دونَ رِضاكَ، آمينَ آمينَ رَبَّ العالَمينَ...

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ الوُلاةِ السّادَةِ الكُفاةِ[1]، الكُهولِ[2] الكِرامِ، القادَةِ القَماقِمِ[3] الضِّخامِ، اللُّيوثِ الأَبطالِ، عِصمَةً لِمَن اعتَصَمَ بِهِم، وإجارَةً لِمَنِ استَجارَ بِهِم، وَالكَهفِ الحَصينِ، وَالفُلكِ الجارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الغامِرَةِ، الرّاغِبُ عَنهُم مارِقٌ، وَالمُتَأَخِّرُ عَنهُم زاهِقٌ، وَاللّازِمُ لَهُم لاحِقٌ، رِماحِكَ في أرضِكَ، وصَلِّ عَلىٰ عِبادِكَ في أرضِكَ الَّذين أنقَذتَ بِهِم مِنَ الهَلَكَةِ وأنَرتَ بِهِم مِنَ الظُّلمَةِ، شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ ومَوضِعِ الرِّسالَةِ ومُختَلَفِ المَلائِكَةِ ومَعدِنِ العِلمِ، صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وعَلَيهِم أجمَعينَ، آمينَ آمينَ رَبَّ العالَمينَ.[4]

۹/۶

الصَّلَواتُ المأثورَةُ عَنِ الإمامِ موسَى بنِ جَعفَرٍ الكاظِمِ عليه السلام

۳۱۳۱. الإمام الكاظم عليه السلام: مَن قالَ في دُبُرِ صَلاةِ الصُّبحِ وصَلاةِ المَغرِبِ قَبلَ أن يَثنِيَ[5] رِجلَيهِ أو

---

۱. رجلٌ كَفيٌّ: أي كافٍ (لسان العرب: ج ۱۵ ص ۲۲۷ «كفي»). وقال العلّامة المجلسي رحمه الله: الكُفاة: جمع الكفيّ؛ وهو الذي يكفيك الشرور والآفات، وفي بعض النسخ: «الكُماة»؛ وهو جمع الكَمِيّ؛ وهو الشجاع (بحار الأنوار: ج ۹۰ ص ۸۹).

۲. الكَهْل: الحليم العاقل (النهاية: ج ۴ ص ۲۱۳ «كهل»).

۳. القَمقام: السيّد. والقَمقام: العدد الكثير، ويقال: سيّدٌ قَمقامٌ لكثرة خيره (الصحاح: ج ۵ ص ۲۰۱۵ «قمم»).

۴. مصباح المتهجّد: ص ۳۸۷ ح ۵۱۷، البلد الأمين: ص ۷۲، جمال الأسبوع: ص ۲۸۸، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۴۳ ح ۲۶ نقلاً عن أصل قديم من مؤلّف قدماء الأصحاب نحوه وكلاهما عن مهران بن جعفر بن محمّد، وج ۹۰ ص ۸۲ ح ۳.

۵. أراد قبل أن يَصرِف رجلَه عن حالته التي عليها في التشهّد (النهاية: ج ۱ ص ۲۲۶ «ثنى»).

آنان درود فرست. تا همیشهٔ همیشه، بر آنان درود فرست؛ درودی که نهایت و پایانی جز رضایت تو نداشته باشد. آمین، آمین، ای پروردگار جهانیان!

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست؛ این خاندانِ فرمان فرما، آقا، کفایت کننده، دانا، بزرگوار، پیشوا، مِهتر، بزرگ، شیر دل، پهلوان، نگهدار کسی که به آنان پناه برَد، حامی کسی که از آنان امان بخواهد، غار مستحکم، کشتی روان در آب‌های ژرف و متلاطم؛ همانان که هر کس از ایشان روی گرداند، از دین خارج گشته است و هر که از آنان واپس ماند، نابود می‌شود و کسی که همراه ایشان باشد، به مقصد می‌رسد؛ همانان که نیزه‌های تو در زمین تو هستند. درود فرست بر آن بندگان خود در زمینت که به واسطهٔ آنان، [دیگر بندگانت را] از هلاکت رهانیدی و به نور وجود آنان، تاریکی را زدودی؛ همانان که درخت نبوّت، جایگاه رسالت، محلّ آمد و شد فرشتگان، و کان دانش‌اند. درود خدا بر او و بر ایشان، همگی! آمین، آمین، ای پروردگار جهانیان.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۹/۶
صلوات‌های رسیده از امام کاظم علیه‌السلام

۳۱۳۱. **امام کاظم علیه‌السلام**: هر کس در پیِ نماز صبح و نماز مغرب، پیش از آن که پاهایش را از حالت تشهّد خارج سازد یا با کسی حرفی بزند، بگوید: «خدا و فرشتگان

يُكَلِّمَ أحَداً : «﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَـٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا﴾، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبيِّ وذُرِّيَّتِهِ» قَضَى اللهُ لَهُ مِئَةَ حاجَةٍ؛ سَبعونَ فِي الدُّنيا وثَلاثونَ فِي الآخِرةِ.[1]

۳۱۳۲. عنه ﷺ: مِن سِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الصَّلاةِ عَلَى النَّبيِّ وآلِهِ : «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِي الأَوَّلينَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِي الآخِرينَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِي المَلَأِ الأَعلىٰ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِي المُرسَلينَ.

اللّٰهُمَّ أعطِ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ الوَسيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالفَضيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الكَبيرَةَ، اللّٰهُمَّ إنّي آمَنتُ بِمُحَمَّدٍ ﷺ ولَم أرَهُ، فَلا تَحرِمني يَومَ القِيامَةِ رُؤيَتَهُ، وَارزُقني صُحبَتَهُ، وتَوَفَّني عَلىٰ مِلَّتِهِ، وَاسقِني مِن حَوضِهِ مَشرَباً رَوِيّاً سائِغاً هَنيئاً لا أظمَأُ بَعدَهُ أبَداً، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.

اللّٰهُمَّ كَما آمَنتُ بِمُحَمَّدٍ ﷺ ولَم أرَهُ فَعَرِّفني فِي الجِنانِ وَجهَهُ، اللّٰهُمَّ بَلِّغ روحَ مُحَمَّدٍ عَنّي تَحِيَّةً كَثيرَةً وسَلاماً».

فَإنَّ مَن صَلّىٰ عَلَى النَّبيِّ ﷺ بِهٰذِهِ الصَّلَواتِ هُدِمَت ذُنوبُهُ، ومُحِيَت خَطاياهُ، ودامَ سُرورُهُ، وَاستُجيبَ دُعاؤُهُ، وأُعطِيَ أمَلَهُ، وبُسِطَ لَهُ في رِزقِهِ، وأُعينَ عَلىٰ عَدُوِّهِ، وهُيِّئَ لَهُ سَبَبُ أنواعِ الخَيرِ، ويُجعَلُ مِن رُفَقاءِ نَبِيِّهِ فِي الجِنانِ الأَعلىٰ. يَقولُهُنَّ ثَلاثَ

---

۱. ثواب الأعمال: ص ۱۸۷ ح ۱ عن ابن المغيرة، جامع الأخبار: ص ۱۵۹ ح ۳۸۱ عن أبي المغيرة، فلاح السائل: ص ۴۰۸ ح ۲۷۸ عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۹۵ ح ۳ وص ۹۷ ح ۵.

او بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما نیز بر او درود فرستید و سلامی کامل دهید». بار خدایا! بر محمّد پیامبر و نسل او درود فرست»، خداوند صد حاجت او را بر می‌آورد؛ هفتاد در دنیا و سی در آخرت.

۳۱۳۲. امام کاظمﷺ: از اسرار خاندان محمّد در درود فرستادن بر پیامبرﷺ و خاندان او [، در این جملات نهفته است]: «بار خدایا! در میان پیشینیان، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. در میان پسینیان، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست! در میان جمع برین (عالم بالا و نزد فرشتگان)، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و در میان فرستادگان [الهی]، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

بار خدایا! به محمّد و خاندان محمّد، مقام والای قرب و بلندْ پایگی و برتری و درجهٔ بزرگ عطا فرما. بار خدایا! من در حالی به محمّدﷺ ایمان آورده‌ام که او را ندیده‌ام، پس در روز رستاخیز، مرا از دیدن او محروم مگردان و همراهی با او را روزی‌ام کن. مرا بر آیین او بمیران، و از حوض او به من بنوشان؛ نوشی شاداب و لذیذ و گوارا که پس از آن، هرگز تشنه نشوم. به راستی که تو بر هر چیز توانایی.

بار خدایا! من در حالی به محمّدﷺ ایمان آورده‌ام که او را ندیده‌ام، پس در باغ‌های بهشت، رخسار او را به من بنمایان. بارخدایا! از جانب من، تحیّت و درود بسیار، به روان محمّد برسان».

هر کس با این صلوات‌ها، بر پیامبرﷺ درود فرستد، گناهانش در هم فرو می‌ریزد، خطاهایش پاک می‌شود، شادمانی‌اش ماندنی می‌شود، دعایش مستجاب می‌گردد، آرزویش برآورده می‌شود، در روزی‌اش گشایش داده می‌شود، در برابر دشمنش کمک می‌شود، اسباب هر گونه خیر و خوبی، برایش فراهم می‌گردد و در بهشت‌های برین، از همدمان پیامبرش قرار داده می‌شود.

مَرّاتٍ غُدوَةً، وثَلاثَ مَرّاتٍ عَشِيَّةً.[1]

۳۱۳۳. **عنه** عليه السلام: يا مَن لا تَخفىٰ عَلَيهِ اللُّغاتُ، ولا تَتَشابَهُ عَلَيهِ الأَصواتُ... أسأَلُكَ بِغِناكَ عَن خَلقِكَ، وبِحاجَتِهِم إلَيكَ، وبِفَقرِهِم وفاقَتِهِم إلَيكَ، أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ وأهلِ بَيتِهِ الطَّيِّبينَ الأَئِمَّةِ الرّاشِدينَ... أسأَلُكَ أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ ونَبِيِّكَ، وخاصَّتِكَ وخالِصَتِكَ وصَفِيِّكَ وخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ، وأمينِكَ عَلىٰ وَحيِكَ ومَوضِعِ سِرِّكَ، ورَسولِكَ الَّذي أرسَلتَهُ إلىٰ عِبادِكَ وجَعَلتَهُ رَحمَةً لِلعالَمينَ ونوراً استَضاءَ بِهِ المُؤمِنونَ؛ فَبَشَّرَ بِالجَزيلِ مِن ثَوابِكَ، وأنذَرَ بِالأَليمِ مِن عِقابِكَ.

اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيهِ بِكُلِّ فَضيلَةٍ مِن فَضائِلِهِ، وبِكُلِّ مَنقَبَةٍ مِن مَناقِبِهِ، وبِكُلِّ حالٍ مِن حالاتِهِ، وبِكُلِّ مَوقِفٍ مِن مَواقِفِهِ صَلاةً تُكَرِّمُ بِها وَجهَهُ، وأعطِهِ الدَّرَجَةَ وَالوَسيلَةَ وَالرِّفعَةَ وَالفَضيلَةَ. اللّٰهُمَّ شَرِّف فِي القِيامَةِ مَقامَهُ، وعَظِّم بُنيانَهُ، وأعلِ دَرَجَتَهُ، وتَقَبَّل شَفاعَتَهُ في أُمَّتِهِ، وأعطِهِ سُؤلَهُ، وَارفَعهُ فِي الفَضيلَةِ إلى غايَتِها.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أهلِ بَيتِهِ أئِمَّةِ الهُدىٰ ومَصابيحِ الدُّجىٰ، وأُمَنائِكَ في خَلقِكَ وأصفِيائِكَ مِن عِبادِكَ، وحُجَجِكَ في أرضِكَ ومَنارِكَ في بِلادِكَ، الصّابِرينَ عَلىٰ بَلائِكَ، الطّالِبينَ رِضاكَ الموفينَ بِوَعدِكَ، غَيرَ شاكّينَ فيكَ ولا جاحِدينَ عِبادَتَكَ، وأولِيائِكَ وسَلائِلِ أولِيائِكَ، وخُزّانِ عِلمِكَ الَّذينَ جَعَلتَهُم مَفاتيحَ الهُدىٰ ونورَ مَصابيحِ الدُّجىٰ؛ صَلَواتُكَ عَلَيهِم ورَحمَتُكَ ورِضوانُكَ.

---

۱. ثواب الأعمال: ص ۱۸۷ ح ۱ عن ابن المغيرة، جامع الأخبار: ص ۱۵۹ ح ۳۸۱ عن أبي المغيرة، المصباح للكفعمي: ص ۵۵۹ عن الإمام الصادق عليه السلام وفي صدره «من أراد أن يسرّ محمّداً وآله في الصلاة عليهم فليقل: اللّهمّ يا أجود من أعطى، ويا خير من سئل، ويا أرحم من استرحم، اللّهمّ صلّ ...» وليس فيه من «فإنّ من صلّى على النبيّ صلى الله عليه وآله ...»، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۹۶ ح ۳ وج ۹۴ ص ۸۵ ح ۵.

این صلوات‌ها را سه بار در صبح و سه بار در هنگام شب می‌گوید.

۳۱۳۳. **امام کاظم**ﷺ: ای کسی که زبان‌ها بر او پوشیده نیست و در تشخیص صداها، دچار اشتباه نمی‌شود!... به [حقّ] بی‌نیازی‌ات از آفریدگانت و نیازمندی آنان به تو، و به فقیری و تنگ‌دستی آنان نزد تو، از تو می‌خواهم که بر محمّد، این برگزیدهٔ تو از میان آفریدگانت، و بر خاندان پاک او، این پیشوایان ره یافته، درود فرستی... از تو می‌خواهم که بر محمّد، بنده‌ات و فرستاده‌ات و پیغامبرت و بندهٔ خاصّ و خالصت و دوست صمیمی‌ات و برگزیدهٔ تو از میان خلقت، و امین تو بر وحی‌ات و محرم رازت، و فرستادهٔ تو که او را به سوی بندگانت فرستادی و او را رحمتی برای جهانیان قرار دادی و نوری برای مؤمنان که از روشنایی‌اش استفاده می‌کنند، و او [مردمان را] به پاداش فراوان تو بشارت داد و از کیفر دردناکت بیم داد.

بار خدایا! پس به ازای هر فضیلتی از فضایلش و برای هر منقبتی از مناقبش و هر حالی از حالاتش و هر موضعی از مواضعش، بر او درود فرست؛ چنان درودی که با آن، او را سرفراز کنی و به او درجه و مقام والای قرب و بلندی و برتری عطا فرمایی. بار خدایا! در رستاخیز، مقامش را بلند گردان، بنایش را شکوهمند بدار، درجه‌اش را بالا ببر، شفاعتش را در حقّ امّتش بپذیر، خواسته‌اش را بر آور، و او را تا نهایت برتری، بالا ببر.

بار خدایا! درود فرست بر اهل بیت او، این پیشوایانِ راهِ راست و چراغ‌های تاریکی‌ها و اُمنای تو در میان خلقت و برگزیدگان تو از میان بندگانت و حجّت‌های تو در زمینت و نشانه‌های تو در شهرهایت، آنان که شکیبا بر بلای تو و جویندهٔ خشنودیِ تو و وفاکنندهٔ به وعدهٔ تو هستند، در تو تردید ندارند و منکر بندگیِ [خود در برابر] تو نیستند، دوستان تو و فرزندان دوستان توینند، و خزانه‌داران دانش تو هستند؛ همانان که کلیدهای هدایت و روشناییِ چراغ‌های تاریکی‌ها قرارشان دادی. درودهای تو و رحمت و خشنودی تو، بر ایشان باد.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وعَلىٰ مَنارِكَ في عِبادِكَ الدّاعي إلَيكَ بِإذنِكَ، القائِمِ بِأمرِكَ المُؤَدّي عَن رَسولِكَ عَلَيهِ وآلِهِ السَّلامُ. اللّهُمَّ إذا أظهَرتَهُ فَأَنجِز لَهُ ما وَعَدتَهُ، وسُق إلَيهِ أصحابَهُ، وَانصُرهُ وقَوِّ ناصِريهِ، وبَلِّغهُ أفضَلَ أمَلِهِ، وأعطِهِ سُؤلَهُ، وجَدِّد بِهِ عَن مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ بَعدَ الذُّلِّ الَّذي قَد نَزَلَ بِهِم بَعدَ نَبِيِّكَ؛ فَصاروا مَقتولينَ مَطرودينَ مُشَرَّدينَ خائِفينَ غَيرَ آمِنينَ، لَقوا في جَنبِكَ ابتِغاءَ مَرضاتِكَ وطاعَتِكَ الأَذىٰ وَالتَّكذيبَ، فَصَبَروا عَلىٰ ما أصابَهُم فيكَ، راضينَ بِذٰلِكَ مُسَلِّمينَ لَكَ في جَميعِ ما وَرَدَ عَلَيهِم وما يَرِدُ عَلَيهِم.

اللّهُمَّ عَجِّل فَرَجَ قائِمِهِم بِأَمرِكَ، وَانصُرهُ وَانصُر بِهِ دينَكَ الَّذي غُيِّرَ وبُدِّلَ، وجَدِّد بِهِ مَا امتَحىٰ مِنهُ وبُدِّلَ بَعدَ نَبِيِّكَ صلى الله عليه وآله.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَميعِ الأَنبِياءِ وَالمُرسَلينَ؛ الَّذين بَلَّغوا عَنكَ الهُدىٰ وَاعتَقَدوا لَكَ المَواثيقَ بِالطّاعَةِ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيهِم وعَلىٰ أرواحِهِم وأجسادِهِم، وَالسَّلامُ عَلَيهِم ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلىٰ مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ، وأُولِي العَزمِ مِن أنبِيائِكَ المُرسَلينَ، وعِبادِكَ الصّالِحينَ أجمَعينَ.[1]

١٠ / ٦
الصَّلَواتُ المأثورَةُ عَنِ الإمامِ عَلِيِّ بنِ موسَى الرِّضا عليه السلام

٣١٣٣ . الإمام الرضا عليه السلام: أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ وحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، شَهادَةً أُخَلِّصُها لَهُ وأدَّخِرُها عِندَهُ، وصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النُّبُوَّةِ وخَيرِ البَرِيَّةِ، وعَلىٰ آلِهِ آلِ

---

١ . جمال الأسبوع: ص ١٨٣ عن الحسن بن القاسم العبّاسي، مصباح المتهجّد: ص ٣٠٦ ـ ٣١٠ ح ٤١٧ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ١٩٥ ح ٣.

بار خدایا! درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد، و بر آن که نشانه‌ات در میان بندگانت و با اجازهٔ تو، به سوی تو فرا می‌خوانَد و فرمان تو را برپا می‌دارد و از جانب پیامبرت ـ که بر او و خاندانش درود باد ـ انجام وظیفه می‌کند. بار خدایا! هر گاه آشکارش نمودی، وعده‌ای را که به او داده‌ای، تحقّق بخش و یارانش را به سوی او روان کن، او را یاری ده و یارانش را نیرو بخش، او را به بزرگ‌ترین آرزویش برسان و خواسته‌اش را به او عطا کن و به واسطهٔ او، محمّد و خاندانش را ـ که پس از پیامبرت به خواری افتادند و کشته و رانده و آواره شدند و در ترس و نا امنی به سر می‌بردند و به خاطر خشنودی و طاعت تو، آزارها دیدند و تکذیب شدند، ولی آنان بر آنچه در راه تو به آنان رسید، شکیبایی ورزیدند و بدان راضی بودند و در تمام رنج و گزندهایی که به آنان رسید و می‌رسد، تسلیم [حکم] تو بودند ـ دوباره نیرو و عزّت بخش.

بار خدایا! به ظهور قائم آنان ـ که برپا دارندهٔ فرمان توست ـ شتاب بخش و او را یاری ده و به واسطهٔ او، دینت را که در آن تغییر و تحوّل داده‌اند، یاری کن و به واسطهٔ او، هر بخشی از دینت را که پس از پیامبرت ﷺ محو یا جای گزین شده است، از نو احیا کن.

بار خدایا! بر همهٔ پیامبران و فرستادگان که از جانب تو هدایت کردند و با تو پیمان طاعت بستند، درود فرست. بار خدایا! بر ایشان و بر جان و جسم ایشان درود فرست؛ درود بر آنان باد و رحمت و برکات خدا.

بار خدایا! بر محمّد و بر فرشتگان مقرّبت و بر آن پیامبران فرستاده‌ات که اولوالعزم بوده‌اند و بربندگان شایسته‌ات، همگی، درود فرست.

۱۰/۶
صلوات‌های رسیده از امام رضا ﷺ

۳۱۳۴. امام رضا ﷺ: گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و بی‌انباز؛ گواهی‌ای که آن را از سرِ اخلاص می‌گویم و نزد تو اندوخته‌اش می‌کنم. و

وشَجَرَةِ النِّعمَةِ ومَعدِنِ الرِّسالَةِ ومُختَلَفِ المَلائِكَةِ.[۱]

۳۱۳۵ . قرب الإسناد عن أحمد بن محمّد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام، قالَ: قُلتُ لَهُ: كَيفَ الصَّلاةُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله في دُبُرِ المَكتوبَةِ، وكَيفَ السَّلامُ عَلَيهِ؟

فَقالَ عليه السلام: تَقولُ: السَّلامُ عَلَيكَ يا رَسولَ اللهِ ورَحمةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيكَ يا مُحَمَّدَ بنَ عَبدِ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يا خِيَرَةَ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يا حَبيبَ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يا صَفوَةَ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يا أمينَ اللهِ، أشهَدُ أنَّكَ رَسولُ اللهِ، وأشهَدُ أنَّكَ مُحَمَّدُ بنُ عَبدِ اللهِ، وأشهَدُ أنَّكَ قَد نَصَحتَ لِأُمَّتِكَ، وجاهَدتَ في سَبيلِ رَبِّكَ، وعَبَدتَهُ حَتّىٰ أتاكَ اليَقينُ، فَجَزاكَ اللهُ ـ يا رَسولَ اللهِ ـ أفضَلَ ما جَزىٰ نَبِيّاً عَن أُمَّتِهِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.[۲]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الصَّلاةُ المأثورَةُ عَنِ الإمامِ محمّدِ بنِ عليٍّ الجَوادِ عليه السلام

۳۱۳۶ . الإمام الجواد عليه السلام: الحَمدُ للهِ مُتِمِّ النِّعَمِ بِرَحمَتِهِ، وَالهادي إلىٰ شُكرِهِ بِمَنِّهِ، وصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خَيرِ خَلقِهِ؛ الَّذي جَمَعَ فيهِ مِنَ الفَضلِ ما فَرَّقَهُ فِي الرُّسُلِ قَبلَهُ، وجَعَلَ تُراثَهُ إلىٰ مَن خَصَّهُ بِخِلافَتِهِ وسَلَّمَ تَسليماً.[۳]

---

۱. الكافي: ج ۵ ص ۳۷۳ ح ۷ عن معاوية بن حكيم، مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۴۴۹ ح ۱۵۴۱ وفيه «أئمّة الرحمة ومعادن الحكمة» بدل «آل الرحمة ...»، بحار الأنوار: ج ۱۰۳ ص ۲۶۴ ح ۴.

۲. قرب الإسناد: ص ۳۸۲ ح ۱۳۴۴، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۲۴ ح ۲۵.

۳. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۳۹۸ ح ۴۳۹۹، مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۴۴۸ ح ۱۵۴۰، بحار الأنوار: ج ۱۰۳ ص ۲۶۴ ح ۳.

درودهای خدا بر محمّد، خاتم پیامبران و بهترینِ مردمان و بر خاندان او که خاندان رحمت و درخت نعمت و مهد رسالت و محلّ آمد و شد فرشتگان‌اند.

۳۱۳۵. قرب الاسناد ـ به نقل از احمد بن محمّد بن ابی نصر ـ: به امام رضا علیه السلام گفتم: درود فرستادن و سلام دادن بر پیامبر خدا پس از نماز واجب، چگونه است؟

فرمود: می‌گویی: «درود بر تو، ای فرستادهٔ خدا! و رحمت و برکات خدا بر تو باد. درود بر تو، ای محمّد بن عبدالله. درود بر تو، ای برگزیدهٔ خدا. درود بر تو، ای محبوب خدا. درود بر تو، ای دُردانهٔ خدا. درود بر تو، ای امین خدا! گواهی می‌دهم که تو فرستادهٔ خدا هستی. گواهی می‌دهم که تو محمّد بن عبدالله‌ای. گواهی می‌دهم که تو برای امّتت خیرخواهی کردی و درراه پروردگارت جهاد نمودی و سخت کوشیدی و تا زنده بودی، او را پرستش و بندگی کردی. پس خداوند به تو ـ ای فرستادهٔ خدا! ـ برترین پاداشی را دهد که به پیامبری از جانب امّتش داده است. بار خدایا! برترین درودی را که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی، بر محمّد و خاندان محمّد بفرست، که تو ستوده و بزرگواری».

۱۱/۶
صلوات رسیده از امام جواد علیه السلام

۳۱۳۶. امام جواد علیه السلام: سپاس و ستایش، خدای را که به رحمت خویش، نعمت‌ها را [بر بنده‌اش] تمام می‌کند و به لطف خویش، به سپاس‌گزاری‌اش ره نمون می‌شود، و درود خدا بر بهترین آفریده‌اش محمّد که هر فضیلتی را که در پیامبرانِ پیش از او پراکنده بود، در وجود او یک جا فراهم آورد و میراث او را به کسی داد که جانشینی‌اش را به او بخشید، و درود فراوان بر او باد.

١٢ / ٦

الصَّلَواتُ المأثورةُ عَنِ الإمامِ عَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ الهادي عليه السلام

٣١٣٧ . **الإمام الهادي عليه السلام**: اللّهُمَّ وإنَّ أوَّلَ ما أسأَلُكَ مِن حاجَتي، وأطلُبُ إلَيكَ مِن رَغبَتي، وأتَوَسَّلُ إلَيكَ بِهِ بَينَ يَدَي مَسأَلَتي، وأتَقَرَّبُ بِهِ إلَيكَ بَينَ يَدَي طَلِبَتي، الصَّلاةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وأسأَلُكَ أن تُصَلِّيَ عَلَيهِ وعَلَيهِم كَأفضَلِ ما أمَرتَ أن يُصَلّىٰ عَلَيهِم، وكَأفضَلِ ما سَأَلَكَ أحَدٌ مِن خَلقِكَ، وكَما أنتَ مَسؤولٌ لَهُ ولَهُم إلىٰ يَومِ القِيامَةِ.

اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيهِم بِعَدَدِ مَن صَلّىٰ، وبِعَدَدِ مَن لَم يُصَلِّ عَلَيهِم، وبِعَدَدِ مَن لا يُصَلّي عَلَيهِم، صَلاةً دائِمَةً تَصِلُها بِالوَسيلَةِ وَالرِّفعَةِ وَالفَضيلَةِ، وصَلِّ عَلىٰ جَميعِ أنبِيائِكَ ورُسُلِكَ وعِبادِكَ الصّالِحينَ، وصَلِّ اللّهُمَّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ وسَلِّم عَلَيهِم تَسليماً.

اللّهُمَّ ومِن جودِكَ وكَرَمِكَ أنَّكَ لا تُخَيِّبُ مَن طَلَبَ إلَيكَ وسأَلَكَ ورَغِبَ فيما عِندَكَ، وتُبغِضُ مَن لَم يَسأَلكَ، ولَيسَ أحَدٌ كَذٰلِكَ غَيرُكَ، وطَمَعي يا رَبِّ في رَحمَتِكَ ومَغفِرَتِكَ وثِقَتي بِإحسانِكَ وفَضلِكَ حَداني عَلىٰ دُعائِكَ وَالرَّغبَةِ إلَيكَ وإنزالِ حاجَتي بِكَ، وقَد قَدَّمتُ أمامَ مَسأَلَتي التَّوَجُّهَ بِنَبِيِّكَ الَّذي جاءَ بِالحَقِّ وَالصِّدقِ مِن عِندِكَ، ونورِكَ وصِراطِكَ المُستَقيمِ؛ الَّذي هَدَيتَ بِهِ العِبادَ، وأحيَيتَ بِنورِهِ البِلادَ، وخَصَصتَهُ بِالكَرامَةِ وأكرَمتَهُ بِالشَّهادَةِ، وبَعَثتَهُ عَلىٰ حينِ فَترَةٍ مِنَ الرُّسُلِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وآلِهِ.

اللّهُمَّ وإنّي مُؤمِنٌ بِسِرِّهِ وعَلانِيَتِهِ، وسِرِّ أهلِ بَيتِهِ ـ الَّذين أذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيراً ـ وعَلانِيَتِهِم، اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ ولا تَقطَع بَيني وبَينَهُم

۱۲/۶
صلوات‌های رسیده از امام هادی علیه‌السلام

۳۱۳۷. امام هادی علیه‌السلام: بار خدایا! نخستین حاجتی که از تو می‌خواهم و نخستین امیدی که به تو دارم و پیش از بیان خواسته‌ام، به آن توسّل می‌جویم و آن را وسیلهٔ تقرّبم به درگاهت قرار می‌دهم، درود بر محمّد و خاندان اوست. از تو می‌خواهم بر او و بر ایشان درود فرستی، برترین درودی که دستور داده‌ای بر آنان فرستاده شود و برترین درودی که [تاکنون] آفریده‌ای از آفریدگانت از تو خواسته است و تا روز قیامت از تو برای او و برای آنان خواسته خواهد شد.

بار خدایا! بر آنان درود فرست، به شمار کسانی که درود فرستاده‌اند و به شمار کسانی که بر ایشان درود نفرستاده‌اند و به شمار کسانی که بر ایشان درود نمی‌فرستند؛ درودی همیشگی که آن را به مقام قرب به خداوند و بلندی و برتری، وصل کنی. همچنین بر همهٔ پیامبران و فرستادگان و بندگان شایسته‌ات درود فرست و ـ خدایا ـ بر محمّد و خاندان او درود فرست و سلام‌شان گوی.

بار خدایا! از بخشندگی و بزرگواری توست که هر که را از تو درخواست کرد و آنچه را نزد توست [از ثواب و پاداش و کرامت] آرزو کرد، ناکام نمی‌گردانی، و آن را که از تو درخواست نکند، دشمن می‌داری، و جز تو، کسی چنین نیست. ای پروردگار من! طمع من به رحمت و آمرزش تو و اعتمادم به نیکی و لطف تو، مرا وا داشت که تو را بخوانم و از تو درخواست کنم و نیازم را به نزد تو آورم. پیش از بیان درخواستم، به پیامبرت توجه نمودم؛ همو که از جانب تو، حق و راستی و نیز روشنایی و راه راستِ تو را آورد؛ همو که به واسطه‌اش بندگان را هدایت کردی، و با فروغ او، سرزمین‌ها را زندگی بخشیدی، و به او کرامت عطا کردی و به شهادت،[1] مفتخرش ساختی، و پس از مدّت‌ها که پیامبری نیامده بود، او را فرستادی. درود خدا بر او و بر خاندانش باد!

بار خدایا! من به نهان و آشکار او، و به نهان خاندانش ـ همانان که پلیدی را از ایشان بردی و یکباره پاکشان گردانیدی ـ و به آشکار آنان، ایمان دارم. بار خدایا!

---

۱. شاید به معنای «شهود و اطّلاع از عالم غیب» باشد، یا «گواهی دادن خداوند بر حقّانیت و نبوّت ایشان».

فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ، وَاجعَل عَمَلي بِهِم مُتَقَبَّلاً.[۱]

۳۱۳۸. عنه ﷺ ـ فِي الزِّيارَةِ الجامِعَةِ ـ: بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، كَما شَهِدَ اللهُ لِنَفسِهِ وشَهِدَت لَهُ مَلائِكَتُهُ وأُولُو العِلمِ مِن خَلقِهِ، لا إلٰهَ إلّا هُوَ العَزيزُ الحَكيمُ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ المُنتَجَبُ ورَسولُهُ المُرتَضىٰ، أرسَلَهُ بِالهُدىٰ ودينِ الحَقِّ لِيُظهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ ولَو كَرِهَ المُشرِكونَ.

اللّٰهُمَّ اجعَل أفضَلَ صَلَواتِكَ وأكمَلَها، وأنمىٰ بَرَكاتِكَ وأعَمَّها، وأزكىٰ تَحِيّاتِكَ وأتَمَّها عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ ونَبِيِّكَ ونَجِيِّكَ ووَلِيِّكَ ورَضِيِّكَ وصَفِيِّكَ وخِيَرَتِكَ وخاصَّتِكَ وخالِصَتِكَ، وأمينِكَ الشّاهِدِ لَكَ وَالدّالِّ عَلَيكَ، وَالصّادِعِ بِأَمرِكَ وَالنّاصِحِ لَكَ، وَالمُجاهِدِ في سَبيلِكَ وَالذّابِّ عَن دينِكَ، وَالموضِحِ لِبَراهينِكَ وَالمَهدِيِّ إلىٰ طاعَتِكَ، وَالمُرشِدِ إلىٰ مَرضاتِكَ وَالواعي لِوَحيِكَ، وَالحافِظِ لِعَهدِكَ وَالماضي عَلىٰ إنفاذِ أمرِكَ، المُؤَيَّدِ بِالنّورِ المُضيءِ، وَالمُسَدَّدِ بِالأَمرِ المَرضِيِّ، المَعصومِ مِن كُلِّ خَطَأٍ وزَلَلٍ، المُنَزَّهِ مِن كُلِّ دَنَسٍ وخَطَلٍ[۲]، وَالمَبعوثِ بِخَيرِ الأَديانِ وَالمِلَلِ، مُقَوِّمِ المَيلِ والعِوَجِ، ومُقيمِ البَيِّناتِ وَالحُجَجِ، المَخصوصِ بِظُهورِ الفَلَجِ[۳] وإيضاحِ المَنهَجِ، المُظهِرِ مِن تَوحيدِكَ مَا استَتَرَ، وَالمُحيي مِن عِبادَتِكَ ما دَثَرَ[۴]، وَالخاتِمِ لِما سَبَقَ وَالفاتِحِ لِمَا انغَلَقَ، المُجتَبىٰ مِن خَلائِقِكَ وَالمُعتامِ[۵] لِكَشفِ حَقائِقِكَ، وَالموضَحَةِ بِهِ

---

۱. مصباح المتهجّد: ص ۳۴۴ ح ۴۵۳، جمال الأسبوع: ص ۲۱۱ كلاهما عن يعقوب بن يزيد الكاتب الأنباري، بحار الأنوار: ج ۹۰ ص ۵۰ ح ۱۲.

۲. الخَطَل: المنطق الفاسد (النهاية: ج ۲ ص ۵۰ «خطل»).

۳. الفَلَجُ: الظَفَرُ والفوز (الصحاح: ج ۱ ص ۳۳۵ «فلج»).

۴. دَثَرَ: قَدِمَ ودَرَس وعفا (تاج العروس: ج ۶ ص ۳۹۲ «دثر»).

۵. المعتام: المختار (مجمع البحرين: ج ۲ ص ۱۳۰۰ «عيم»).

پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و در دنیا و آخرت، میان من و آنان جدایی مینداز و به برکت وجود ایشان، عمل مرا پذیرفتنی دار.

۳۱۳۸. امام هادیﷺ ـ در زیارت جامعه ـ: به نام خدای مهرگستر مهربان. گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست و یگانه و بی‌انباز است، همچنان که خدا خود در حقّ خویش گواهی داده است، و فرشتگانش و آفریدگانِ دانشمندش در حقّ او گواهی داده‌اند. معبودی جز او ـ که نیرومند و استوار است ـ نیست. گواهی می‌دهم که محمّد، بندهٔ برگزیده و فرستادهٔ پسندیدهٔ اوست. او را با راه راست و دینِ درست فرستاد تا آن را بر همهٔ دین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان، خوش نداشته باشند.

بار خدایا! برترین و کامل‌ترین درودهایت، و گسترده‌ترین و فراگیرترینِ آنها، و افزون‌ترین و تام‌ترین سلام‌هایت را بر آقای ما، محمّد قرار ده؛ همو که بنده و فرستاده و پیامبر و همراز و دوست و پسند تو و دُردانه و برگزیده و بندهٔ خاص و ناب تو، و امانتدار تو و گواه و راه‌نمای به توست؛ همو که فرمان تو را به کار بست و برای تو خیرخواهی و راه نمایی کرد، و در راه تو و دفاع از دین تو، جهاد [و تلاش] نمود؛ او که بیان کنندهٔ برهان‌های تو و هدایت‌شده به طاعت تو، و ارشاد کننده به موجبات خشنودی تو، و دریافت کنندهٔ وحی تو، و نگهدار پیمان تو، و پیگیر در اجرای فرمان تو، تأییدشده به نور تابان، و راه‌نمایی (/تقویت) شده با امر پسندیده بود؛ کسی که مصون از هر خطا و لغزش، و پاک از هر آلودگی و ژاژخایی، و فرستاده‌شده با بهترین دین‌ها و آیین‌ها، و راست کنندهٔ انحراف و کژی، و اقامه کنندهٔ دلیل‌های و حجّت‌ها بود؛ همو که مخصوص‌شده به ظهور پیروزی [حق] و روشن ساختن راه بود و آشکارکنندهٔ آنچه از توحیدِ تو پنهان شده بود، و زنده کنندهٔ آنچه از عبادت تو کهنه شده بود، و پایان دهندهٔ گذشته، و گشایندهٔ بسته‌ها، و برگزیده از میان آفریدگانت و انتخاب‌شده برای مکشوف ساختن حقایقت بود؛ کسی که به واسطهٔ او نشانه‌های راه هدایت، پیدا

أشراطُ الهُدىٰ، وَالمَجلُوِّ بِهِ غِربيبُ[١] العَمىٰ، دافِعِ جَيَشانِ الأَباطيلِ، ودامِغِ[٢] صَولاتِ الأَضاليلِ، المُختارِ مِن طينَةِ الكَرَمِ وسُلالَةِ المَجدِ الأَقدَمِ، ومَغرِسِ الفَخارِ المُعرِقِ[٣]، وفَرعِ العُلَا المُثمِرِ المورِقِ، المُنتَجَبِ مِن شَجَرَةِ الأَصفِياءِ ومِشكاةِ الضِّياءِ وذُؤابَةِ[٤] العَلياءِ وسُرَّةِ البَطحاءِ[٥]، بَعيثِكَ بِالحَقِّ وبُرهانِكَ عَلىٰ جَميعِ الخَلقِ، خاتِمِ أَنبِيائِكَ وحُجَّتِكَ البالِغَةِ في أَرضِكَ وسَمائِكَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيهِ صَلاةً يَنغَمِرُ في جَنبِ انتِفاعِهِ بِها قَدرُ الانتِفاعِ، ويَجوزُ[٦] مِن بَرَكَةِ التَّعَلُّقِ بِسَبَبِها ما يَفوقُ قَدرَ المُتَعَلِّقينَ بِسَبَبِهِ، وزِدهُ بَعدَ ذٰلِكَ مِنَ الإِكرامِ وَالإِجلالِ ما يَتَقاصَرُ عَنهُ فَسيحُ الآمالِ، حَتّىٰ يَعلُوَ مِن كَرَمِكَ أعلىٰ مَحالِّ المَراتِبِ، ويَرقىٰ مِن نِعَمِكَ أسنىٰ مَنازِلِ المَواهِبِ، وخُذ لَهُ اللّٰهُمَّ بِحَقِّهِ وواجِبِهِ مِن ظالِميهِ وظالِمِي الصَّفوَةِ مِن أقارِبِهِ.

اللّٰهُمَّ وصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وذَيّانِ دينِكَ، وَالقائِمِ بِالقِسطِ مِن بَعدِ نَبِيِّكَ، عَلِيِّ بنِ أبي طالِبٍ أميرِ المُؤمِنينَ وإمامِ المُتَّقينَ، وسَيِّدِ الوَصِيّينَ ويَعسوبِ[٧] الدّينِ، وقائِدِ الغُرِّ

---

١. الغربيب: الشديد السواد (الصحاح: ج ١ ص ١٩٢ «غرب»). أي المكشوف به ظلَم الظلام (بحار الأنوار: ج ٢٩ ص ٥٩٨).

٢. في بحار الأنوار: «... دافع جيشات الأباطيل ودافع صولات...»، وهو الأنسب.

٣. أعرق الرجل: صار عريقاً، وهو الذي له عِرقٌ في الكَرَم. وأعرَقَ الشجرُ: امتدّت عروقه في الأرض (تاج العروس: ج ١٣ ص ٣٢٨ «عرق»).

٤. الذؤابة: وهي الشعر المضفور من شعر، وذؤابة الجبل: أعلاه. ثمّ استعير للعزّ والشرف (النهاية: ج ٢ ص ١٥١ «ذأب»)

٥. قوله: «وسرّة البطحاء» أي أشرف من نشأ ببطحاء مكّة؛ فإنّ السرّة في وسط الإنسان، وخير الأمور أوسطها (بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ١٨٦).

٦. في بحار الأنوار: «ويحوز» بدل «ويجوز».

٧. اليعسوب: السيّد والرئيس والمقدّم. وأصله: فحل النحل (النهاية: ج ٣ ص ٢٣٤ «عسب»).

شد و تاریکیِ کوری [و گم‌راهی‌ها] زدوده گشت، و فرو نشانندهٔ جوششهای باطل‌ها، و سرکوب کنندهٔ یورش‌های گم‌راهی‌ها بود؛ او که برگزیده از سرشتِ بزرگواری و تبار بزرگیِ دیرین، و نهالستان افتخاراتِ ریشه‌دار، و شاخهٔ پر بار و برگِ رفعت، و گلچین‌شده از درختِ برگزیدگان و چراغدان تابان و کاکُلِ سرافرازی و کانون بَطحا (/وادی مکّه) بود؛ همان که فرستادهٔ بر حقّ تو، و برهان تو بر همهٔ خلق، پایان‌بخش پیامبرانت و حجّت رسای تو در زمین و آسمانت بود.

بار خدایا! بر او درودی فرست که هیچ کس به مانند او از چنان درودی بهره‌مند نشده باشد، و برکت چنگ آویختن به رشتهٔ آن، از اندازهٔ چنگ زنندگان به آن، فراتر رود، و پس از آن بر گرامیداشت و بزرگداشت او، چندان بیفزای که در پهنهٔ آرزوها هم نگنجد، تا آن که به کَرَم تو، به بالاترین رتبه‌ها دست یابد، و به لطف تو تا بلندترین جایگاه‌های بخشش فراز آید. بار خدایا! حقّ و وظیفهٔ او را از کسانی که به او و به بهترین نزدیکانش ستم کردند، بستان.

بار خدایا! بر دوستت و داور و فرمان روا در دینت، و برپا دارندهٔ برابری و داد بعد از پیامبرت، بر علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان و پیشوای پرواپیشگان، مِهتر اوصیا و پیشوای دین، رهبر بی‌همانندان، قبلهٔ عارفان و نشان رهجویان،

المُحَجَّلينَ، قِبلَةِ العارِفينَ وعَلَمِ المُهتَدينَ، وعُروَتِكَ الوُثقىٰ وحَبلِكَ المَتينِ، وخَليفَةِ رَسولِكَ عَلَى النّاسِ أجمَعينَ، ووَصيِّهِ فِي الدُّنيا وَالدّينِ، الصِّدّيقِ الأَكبَرِ فِي الأَنامِ، وَالفاروقِ الأَزهَرِ بَينَ الحَلالِ وَالحَرامِ، ناصِرِ الإِسلامِ ومُكَسِّرِ الأَصنامِ، مُعِزِّ الدّينِ وحامِيهِ، وواقِي الرَّسولِ وكافيهِ، المَخصوصِ بِمُؤاخاتِهِ يَومَ الإِخاءِ، ومَن هُوَ مِنهُ بِمَنزِلَةِ هارونَ مِن موسىٰ، خامِسِ أصحابِ الكِساءِ، وبَعلِ سَيِّدَةِ النِّساءِ، المُؤثِرِ بِالقوتِ بَعدَ ضُرِّ الطَّوىٰ[1]، وَالمَشكورِ سَعيُهُ في «هَل أتىٰ»، مِصباحِ الهُدىٰ ومَأوَى التُّقىٰ، ومَحَلِّ الحِجىٰ[2] وطَودِ[3] النُّهىٰ[4]، الدّاعي إِلَى المَحَجَّةِ العُظمىٰ، وَالظّاعِنِ[5] إِلَى الغايَةِ القُصوىٰ، وَالسّامي إِلَى المَجدِ وَالعُلىٰ، وَالعالِمِ بِالتَّأويلِ وَالذِّكرىٰ، الَّذي أخدَمتَهُ خَواصَّ مَلائِكَتِكَ بِالطّاسِ وَالمِنديلِ حَتّىٰ تَوَضَّأَ، ورَدَدتَ عَلَيهِ الشَّمسَ بَعدَ دُنُوِّ غُروبِها حَتّىٰ أدّىٰ في أوَّلِ الوَقتِ لَكَ فَرضاً، وأطعَمتَهُ مِن طَعامِ أهلِ الجَنَّةِ حينَ مَنَحَ المِقدادَ قَرضاً، وباهَيتَ بِهِ خَواصَّ مَلائِكَتِكَ إذ شَرىٰ نَفسَهُ ابتِغاءَ مَرضاتِكَ لِتَرضىٰ، وجَعَلتَ وَلايَتَهُ إحدىٰ فَرائِضِكَ فَالشَّقِيُّ مَن أقَرَّ بِبَعضٍ وأنكَرَ بَعضاً.

عُنصُرِ الأَبرارِ ومَعدِنِ الفَخارِ وقَسيمِ الجَنَّةِ وَالنّارِ، صاحِبِ الأَعرافِ وأبِي الأَئِمَّةِ الأَشرافِ، المَظلومِ المُغتَصَبِ وَالصّابِرِ المُحتَسِبِ، وَالمَوتورِ[6] فِي نَفسِهِ وعِترَتِهِ، المَقصودِ في رَهطِهِ[7] وأعِزَّتِهِ، صَلاةً لَا انقِطاعَ لِمَزيدِها ولَا اتِّضاعَ لِمَشيدِها.

---

١. طَوَى يطوى فهو طاوٍ: أي خالي البطن جائع لم يأكل (النهاية: ج ٣ ص ١٤٦ «طوا»).

٢. الحِجَىٰ: العَقْل (المصباح المنير: ص ١٢٣ «حجا»).

٣. الطَّوْد: الجبل العظيم (الصحاح: ج ٢ ص ٥٠٢ «طود»).

٤. النُّهىٰ: العقول والألباب؛ سمّيت بذلك لأنّها تنهى صاحبَها عن القبيح (النهاية: ج ٥ ص ١٣٩ «نها»).

٥. ظعن: ذهب وسار (لسان العرب: ج ١٣ ص ٢٧٠ «ظعن»).

٦. المَوتُور: أي صاحب الوِتْر، الطالب بالثأر (النهاية: ج ٥ ص ١٤٨ «وتر»).

٧. المقصود في رهطه: أي الذي يقصده الناس لكشف مشكلاتهم من بين رهطه، أو يقصده رهطه. ولعلّه تصحيف المقهور (بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ١٨٦).

دستگیرهٔ استوار و رشتهٔ محکم تو، جانشین پیامبر تو در میان همهٔ مردمان، وصیّ او در دنیا و دین، بزرگ‌ترین تصدیق کننده[ی حق] در عالم و روشن‌ترین جداکنندهٔ میان حلال و حرام، یاور اسلام و در هم شکنندهٔ بت‌ها، تقویت کننده و حامی دین، حافظ و جان‌فدای پیامبر درود فرست؛ همان که پیامبرﷺ در روز برادرخواندگی، او را به برادری خویش برگزید، و همان که برای او چونان هارون برای موسی بود؛ پنجمینِ یاران کسا و شوهر سرور بانوان؛ کسی که با وجود گرسنگیِ شدید خویش، خوراکش را ایثار کرد، و کسی که در سورهٔ ﴿هل اتی﴾ از کار او قدردانی شده است؛ چراغ راه و مهد پروا، و جایگاه خِرَد و کوه بلند خردمندی؛ دعوت کننده به سوی بزرگ‌ترین مقصد (/راه)، و حرکت کننده به جانب نهایی‌ترین هدف، و بالا رونده به سوی بزرگی و بلندی، و دانا به معنا و باطن [قرآن]؛ کسی که فرشتگان مخصوصت را با کاسه و حوله به خدمتش فرستادی تا وضو گرفت، و خورشید را که نزدیک غروبش بود، برایش برگرداندی تا نمازش را اوّل وقت برایت بگزارد، و آن گاه که به مقداد، وام بخشید، از خوراک بهشتیان به او خوراندی، و آن گاه که جانش را در طبق اخلاص نهاد تا تو خشنود شوی، به وجود او بر فرشتگان مخصوصت نازیدی، و ولایت (/دوستی) او را یکی از واجباتت قرار دادی ـ و بدبخت، کسی که به پاره‌ای اقرار کند و پاره‌ای دیگر را انکار نماید! ـ؛ ریشهٔ خوبان و کان افتخارات و تقسیم کنندهٔ بهشت و دوزخ، صاحب اَعراف[1] و پدر امامان بزرگوار؛ آن ستم دیده‌ای که حقّش غصب شد و برای خدا شکیبایی ورزید؛ آن خونخواه انتقام ناگرفتهٔ خویش و خاندانش؛ آن که در میان خویشان و عزیزانش مقصود بود[2]؛ درودی که افزایش آن، پایان نپذیرد و بلندیِ آن فرود نمی‌گیرد.

---

۱. اعراف، مکانی است میان بهشت و جهنّم.

۲. یعنی کسی که مردم برای حلّ مشکلات خود، از میان خویشاوندانش، به او مراجعه می‌کنند، یا خویشاوندانش به او رجوع می‌کنند. شاید کلمهٔ «مقصود»، تصحیف‌شدهٔ «مقهور» باشد.

اللّٰهُمَّ ألبِسهُ حُلَلَ الإنعامِ، وتَوِّجهُ تاجَ الإكرامِ، وَارفَعهُ إلىٰ أعلىٰ مَرتَبَةٍ ومَقامٍ، حَتّىٰ يَلحَقَ نَبِيَّكَ عَلَيهِ وعَلىٰ آلِهِ السَّلامُ، وَاحكُم لَهُ اللّٰهُمَّ عَلىٰ ظالِميهِ، إنَّكَ العَدلُ فيما تَقضيهِ.

اللّٰهُمَّ وصَلِّ عَلَى الطّاهِرَةِ البَتولِ، الزَّهراءِ ابنَةِ الرَّسولِ، أُمِّ الأَئِمَّةِ الهادينَ، وسَيِّدَةِ نِساءِ العالَمينَ، وارِثَةِ خَيرِ الأَنبِياءِ، وقَرينَةِ خَيرِ الأَوصِياءِ، القادِمَةِ عَلَيكَ مُتَأَلِّمَةً مِن مُصابِها بِأَبيها، مُتَظَلِّمَةً مِمّا حَلَّ بِها مِن غاصِبيها، ساخِطَةً عَلىٰ أُمَّةٍ لَم تَرعَ حَقَّكَ في نُصرَتِها، بِدَليلِ دَفنِها لَيلاً في حُفرَتِها، المُغتَصَبَةِ حَقُّها، المُغَصَّصَةِ بِريقِها، صَلاةً لا غايَةَ لِأَمَدِها، ولا نِهايَةَ لِمَدَدِها، ولَا انقِضاءَ لِعَدَدِها.

اللّٰهُمَّ فَتَكَفَّل لَها عَن مَكارِهِ[1] دارِ الفَناءِ في دارِ البَقاءِ بِأَنفَسِ الأَعواضِ، وأَنِلها مِمَّن عانَدَها نِهايَةَ الآمالِ وغايَةَ الأَغراضِ، حَتّىٰ لا يَبقىٰ لَها وَليٌّ ساخِطٌ لِسَخَطِها إلّا وهُوَ راضٍ، إنَّكَ أعَزُّ مَن أَجابَ المَظلومينَ وأعدَلُ قاضٍ، اللّٰهُمَّ ألحِقها فِي الإكرامِ بِبَعلِها وأبيها وخُذ لَهَا الحَقَّ مِن ظالِميها.

اللّٰهُمَّ وصَلِّ عَلَى الأَئِمَّةِ الرّاشِدينَ، وَالقادَةِ الهادينَ، وَالسّادَةِ المَعصومينَ، الأَتقِياءِ الأَبرارِ، مَأوَى السَّكينَةِ وَالوَقارِ، وخُزّانِ العِلمِ ومُنتَهَى الحِلمِ وَالفَخارِ، وساسَةِ العِبادِ، وأركانِ البِلادِ، وأدِلَّةِ الرَّشادِ، الأَلِبّاءِ[2] الأَمجادِ، العُلَماءِ بِشَرعِكَ الزُّهّادِ، مَصابيحِ الظُّلَمِ، ويَنابيعِ الحِكَمِ، وأولِياءِ النِّعَمِ، وعِصَمِ الأُمَمِ، قُرَناءِ التَّنزيلِ وآياتِهِ، وأُمَناءِ التَّأويلِ ووُلاتِهِ، وتَراجِمَةِ الوَحيِ ودَلالاتِهِ.

---

١. في المصدر: «مكان»، والتصويب من بحار الأنوار.

٢. اللَّبيب: العاقل، الجمع ألبّاء (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٢٧ «لبب»).

بار خدایا! جامه‌های انعام خویش را بر او بپوشان، و تاج گرامیداشت را بر سرش نِه، و او را به بالاترین مرتبه و مقام برسان تا آن که به پیامبرت ـ که بر او و بر خاندانش درود باد ـ برسد، و ـ ای خداوند ـ در برابر ستمگران بر او، به سود وی حکم دِه، که تو در حکمی که می‌دهی، دادگری.

بار خدایا! بر آن بانوی پاکِ بریده از دنیا و نورانی، دخت پیامبر، مام پیشوایان هدایتگر و سَرور بانوان عالم، وارث بهترینِ پیامبران، و همسر بهترینِ اوصیا درود فرست؛ همان که در حالی بر تو وارد شد که از مصیبت پدرش دردمند بود و دادخواه از آنچه غصب کنندگان حقّش بر سر او آورده بودند و ناخرسند از امّتی که وظیفهٔ الهی خود را در یاری دادنش به جا نیاوردند ـ و دلیلش هم این است که شبانه به خاک سپرده شد و حقّش غصب شد، و از غصّه دق کرد درودی که زمان آن را پایانی و مدّتش را نهایتی و شمارش را به سر آمدنی نباشد.

بار خدایا! به جای ناملایماتی که در سرای نابودی کشید، بهترین عوض‌ها را در سرای جاودانگی به او عطا فرما، و او را در بارهٔ کسانی که با او کینه‌توزی کردند، به نهایت آرزوها و غایت خواسته‌هایش برسان، تا آن که هر دوستدار او که بر اثر خشم او، در خشم بوده، خشنود شود، که به راستی، تو قوی‌ترین کسی هستی که به دادِ ستم دیدگان رسیده‌ای، و دادگرترینِ داورانی. بار خدایا! او را نیز در گرامیداشت، به پایهٔ شوهرش و پدرش برسان و حقّ او را از ستمگران بر او، بستان.

بار خدایا! بر امامان ره یافته و راهبران هدایتگر و مِهتران مصون از خطا، پرواپیشگان نیکوکار، مهد آرامش و وقار، خزانه‌داران علم و نهایت بردباری (/خردمندی) و افتخار، مربّیان بندگان و ارکان سرزمین‌ها و راه‌نمایان راه، خردمندان بزرگمنش، عالمان به شریعت تو و زهدپیشگان، چراغ‌های تاریکی‌ها و چشمه‌های فرزانگی‌ها و صاحبان نعمت‌ها و پناه امّت‌ها، همگِنان قرآن و آیات آن، و امینان و فرمان روایان تأویل [و معانی باطنیِ] آن، و مترجمان وحی و دلالت‌های آن، پیشوایان راه راست و چراغ خانه‌های تاریکی‌ها و نشانه‌های پروا

أئِمَّةِ الهُدىٰ، ومَنارِ الدُّجىٰ، وأعلامِ التُّقىٰ، وكُهوفِ الوَرىٰ، وحَفَظَةِ الإسلامِ، وحُجَجِكَ عَلىٰ جَميعِ الأَنامِ: الحَسَنِ وَالحُسَينِ سَيِّدَي شَبابِ أهلِ الجَنَّةِ وسِبطَي نَبِيِّ الرَّحمَةِ، وعَليِّ بنِ الحُسَينِ السَّجّادِ زَينِ العابِدينَ، ومُحَمَّدِ بنِ عَليٍّ باقِرِ عِلمِ الدّينِ، وجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ الأَمينِ، وموسَى بنِ جَعفَرٍ الكاظِمِ الحَليمِ، وعَليِّ بنِ موسَى الرِّضا الوَفِيِّ، ومُحَمَّدِ بنِ عَليٍّ البَرِّ التَّقِيِّ، وعَليِّ بنِ مُحَمَّدٍ المُنتَجَبِ الزَّكِيِّ، وَالحَسَنِ بنِ عَليٍّ الهادِي الرَّضِيِّ، وَالحُجَّةِ بنِ الحَسَنِ صاحِبِ العَصرِ وَالزَّمَنِ، وَصِيِّ الأَوصِياءِ وبَقِيَّةِ الأَنبِياءِ، المُستَتِرِ عَن خَلقِكَ وَالمُؤَمَّلِ لِإظهارِ حَقِّكَ، المَهدِيِّ المُنتَظَرِ وَالقائِمِ الَّذي بِهِ تَنتَصِرُ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيهِم أجمَعينَ صَلاةً باقِيَةً فِي العالَمينَ، تُبَلِّغُهُم[1] بِها أفضَلَ مَحَلِّ المُكَرَّمينَ، اللّٰهُمَّ ألحِقهُم فِي الإكرامِ بِجَدِّهِم وأبيهِم، وخُذ لَهُمُ الحَقَّ مِن ظالِميهِم - إلىٰ أن قالَ -:

اللّٰهُمَّ فَكما وَفَّقتَني لِلإيمانِ بِنَبِيِّكَ وَالتَّصديقِ لِدَعوَتِهِ، ومَنَنتَ عَلَيَّ بِطاعَتِهِ وَاتِّباعِ مِلَّتِهِ، وهَدَيتَني إلىٰ مَعرِفَتِهِ ومَعرِفَةِ الأَئِمَّةِ مِن ذُرِّيَّتِهِ، وأكمَلتَ بِمَعرِفَتِهِمُ الإيمانَ، وقَبِلتَ بِوَلايَتِهِم وطاعَتِهِمُ الأَعمالَ، وَاستَعبَدتَ بِالصَّلاةِ عَلَيهِم عِبادَكَ، وجَعَلتَهُم مِفتاحاً لِلدُّعاءِ وسَبَباً لِلإجابَةِ، فَصَلِّ عَلَيهِم أجمَعينَ، وَاجعَلني بِهِم عِندَكَ وَجيهاً فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ ومِنَ المُقَرَّبينَ.[2]

١٣ / ٦
الصَّلَواتُ المأثورَةُ عَنِ الإمامِ الحَسَنِ بنِ عَليٍّ العَسكَرِيِّ عليه السلام

٣١٣٩. الإمام العسكري عليه السلام: صَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِهِ ورَسولِهِ وخِيَرَتِهِ مِن خَلقِهِ، وذَريعَةِ

---

١. في المصدر: «تبلغ»، والتصويب من بحار الأنوار.

٢. مصباح الزائر: ص ٤٧٦، بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ١٧٨.

و پناهگاه‌های مردمان، و نگهبانان اسلام و حجّت‌های تو بر همهٔ آدمیان: حسن و حسین، سَروران جوانان بهشتی و نوادگان پیامبر رحمت، و علی بن الحسین، سجّاد زین العابدین، و محمّد بن علی، شکافندهٔ علم دین، و جعفر بن محمّد، آن راستگوی درستکار، و موسی بن جعفر، آن فرو خورندهٔ خشم و بردبار، و علی بن موسی، آن خشنود وفادار، و محمّد بن علی، آن نیکوکار پرهیزگار، و علی بن محمّد، آن برگزیدهٔ پاک، و حسن بن علی، آن هدایتگر پسندیده، و حجّة بن الحسن، امام روزگار و زمان، جانشین جانشینان و یادگار پیامبران، آن که از خلق تو نهان است و برای پیروز گردانیدن حقّ تو، بدو امید بسته شده است، آن مهدی منتظَر و آن قیام کننده‌ای که به واسطهٔ او انتقام خواهی کشید، درود فرست.

بار خدایا! بر ایشان، سراسر، درود فرست؛ درودی که در میان جهانیان، باقی بماند و با آن، آنان را به برترین جایگاه گرامیان برسانی. بار خدایا! ایشان را در گرامیداشت، به مرتبهٔ جدّشان و پدرشان برسان و حقّ آنان را از ستمگرانشان بستان....

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بار خدایا! تو که به من توفیق ایمان آوردن به پیامبرت و تصدیق دعوتش را دادی، و نعمت فرمانبری از او و پیروی از دینش را ارزانی‌ام داشتی، و به شناخت او و شناخت امامانِ از نسل او ره‌نمونم شدی، و شناخت آنان را شرط کمال ایمان قرار دادی، و پذیرش اعمال را منوط به ولایت و اطاعت از آنان دانستی، و بندگانت را به درود فرستادن بر ایشان فرمان دادی، و آنان را سرآغاز دعا و سبب اجابت نهادی، بر همهٔ ایشان درود فرست و به واسطهٔ آنان، مرا در دنیا و آخرت نزد خودت باآبرو و از نزدیکان [درگاهت] قرار ده.

۱۳/۶

صلوات‌های رسیده از امام حسن عسکری علیه‌السلام

۳۱۳۹. امام عسکری علیه‌السلام: درود خدا بر محمّد، بنده و فرستاده و برگزیدهٔ او از میان

المُؤمِنينَ إلىٰ رَحمَتِهِ وآلِهِ الطّاهِرينَ وُلاةِ أمرِهِ.[١]

٣١٤٠ . **مصباح المتهجّد عن أبي محمّد عبد الله بن محمّد العابد:** سالتُ مَولايَ أبا مُحَمَّدٍ الحَسَنَ بنَ عَليٍّ عليه السلام في مَنزِلِهِ بِـ«سُرَّ مَن رَأىٰ» سَنَةَ خَمسٍ وخَمسينَ ومِئَتَينِ أن يُملِيَ عَلَيَّ مِنَ الصَّلاةِ عَلَى النَّبيِّ وأوصِيائِهِ عَلَيهِ وعَلَيهِمُ السَّلامُ، وأحضَرتُ مَعِيَ قِرطاساً كَثيراً، فَأَملىٰ عَلَيَّ لَفظاً مِن غَيرِ كِتابٍ :

أ ـ الصَّلاةُ عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما حَمَلَ وَحيَكَ وبَلَّغَ رِسالاتِكَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما أحَلَّ حَلالَكَ وحَرَّمَ حَرامَكَ وعَلَّمَ كِتابَكَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما أقامَ الصَّلاةَ وآتَى الزَّكاةَ ودَعا إلىٰ دينِكَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما صَدَّقَ بِوَعدِكَ وأشفَقَ مِن وَعيدِكَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما غَفَرتَ بِهِ الذُّنوبَ وسَتَرتَ بِهِ العُيوبَ وفَرَّجتَ بِهِ الكُروبَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما دَفَعتَ بِهِ الشَّقاءَ وكَشَفتَ بِهِ الغَمّاءَ[٢] وأجَبتَ بِهِ الدُّعاءَ ونَجَّيتَ بِهِ مِنَ البَلاءِ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما رَحِمتَ بِهِ العِبادَ وأحيَيتَ بِهِ البِلادَ وقَصَمتَ بِهِ الجَبابِرَةَ وأهلَكتَ بِهِ الفَراعِنَةَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما أضعَفتَ بِهِ الأَموالَ وأحرَزتَ[٣] بِهِ مِنَ الأَهوالِ وكَسَّرتَ بِهِ الأَصنامَ ورَحِمتَ بِهِ الأَنامَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ كَما بَعَثتَهُ بِخَيرِ الأَديانِ، وأعزَزتَ بِهِ الإيمانَ، وتَبَّرتَ[٤] بِهِ الأَوثانَ، وعَظَّمتَ بِهِ البَيتَ الحَرامَ، وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ الطّاهِرينَ الأَخيارِ وسَلِّم تَسليماً.

---

١ . مُهَج الدعوات: ص ٨٥، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٢٨.

٢ . في بحار الأنوار: «العماء» بدل «الغمّاء».

٣ . في جمال الأسبوع وبحار الأنوار: «وحذّرت» بدل «وأحرزت».

٤ . تَبَرَّهُ: أي كَسَرَهُ وأهلكه (النهاية: ج ١ ص ١٧٩ «تبر»).

آفریدگانش، و وسیلهٔ مؤمنان برای رسیدن به رحمت او، و [درود] بر خاندان پاک او که اولیای امرِ اویند!

۳۱۴۰. **مصباح المتهجّد** ـ به نقل از ابو محمّد عبد الله بن محمّد عابد ـ: در سال دویست و پنجاه و پنج، از آقایم ابومحمّد حسن بن علی علیه‌السلام، در منزل ایشان در سامرّا تقاضا کردم که درود فرستادن بر پیامبر و اوصیای ایشان را ـ که درود بر او و بر ایشان باد ـ به من املا بفرماید، و مقدار زیادی کاغذ هم با خودم آورده بودم. ایشان بدون آن که از روی کتاب و نوشته‌ای بخواند، به من، چنین املا کرد:

الف ـ صلوات بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

«بار خدایا! بر محمّد درود فرست، که او حامل وحی تو بود و پیام‌های تو را [به خلق] رساند. بر محمّد درود فرست که او حلال تو را حلال و حرام تو را حرام گردانید و کتاب تو را تعلیم داد. بر محمّد درود فرست، که نماز گزارد و زکات پرداخت و به دین تو فرا خواند. بر محمّد درود فرست، که وعدهٔ تو را راست شمرد و از تهدید تو بیم داشت. بر محمّد درود فرست، که به واسطهٔ او، گناهان [بندگانت] را آمرزیدی و عیب‌ها و بدی‌ها را پوشاندی و رنج و اندوه‌ها را زدودی. بر محمّد درود فرست که به برکت وجود او، بدبختی را دفع کردی و غم را برطرف ساختی و دعاها[ی بندگان] را اجابت فرمودی و از بلاها رهانیدی. بر محمّد درود فرست، که به واسطهٔ او، بر بندگان، رحمت آوردی و آبادی‌ها را زنده گردانیدی و پادشاهان را در هم شکستی و فرعونان را نابود کردی. بر محمّد درود فرست، که به واسطهٔ او، دارایی‌ها را افزون ساختی و [مردمان را] از هراس‌ها نگه داشتی و به واسطهٔ او بت‌ها را شکستی و به مردم، مِهر ورزیدی. بر محمّد درود فرست، که او را با بهترین دین‌ها فرستادی و ایمان را تقویت کردی و بت‌ها را از میان بردی و بیت الحرام را بزرگ داشتی. بر محمّد و خانوادهٔ پاک و نیک او، درود و سلام کامل فرست».

ب ـ الصَّلاةُ عَلىٰ أميرِ المُؤمِنينَ عَليٍّ عليه السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أميرِ المُؤمِنينَ عَليِّ بنِ أبي طالِبٍ، أخي نَبِيِّكَ ووَصِيِّهِ ووَلِيِّهِ وصَفِيِّهِ ووَزيرِهِ، ومُستَودَعِ عِلمِهِ ومَوضِعِ سِرِّهِ وبابِ حِكمَتِهِ، وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدّاعي إلىٰ شَريعَتِهِ، وخَليفَتِهِ في أُمَّتِهِ ومُفَرِّجِ الكَربِ عَن وَجهِهِ، قاصِمِ الكَفَرَةِ ومُرغِمِ الفَجَرَةِ، الَّذي جَعَلتَهُ مِن نَبِيِّكَ بِمَنزِلَةِ هارونَ مِن موسىٰ.

اللّٰهُمَّ والِ مَن والاهُ، وعادِ مَن عاداهُ، وَانصُر مَن نَصَرَهُ، وَاخذُل مَن خَذَلَهُ، وَالعَن مَن نَصَبَ لَهُ مِنَ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ، وصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن أوصِياءِ أنبِيائِكَ يا رَبَّ العالَمينَ.

ج ـ الصَّلاةُ عَلَى السَّيِّدَةِ فاطِمَةَ عليها السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدّيقَةِ فاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ، حَبيبَةِ حَبيبِكَ ونَبِيِّكَ، وأُمِّ أحِبّائِكَ وأصفِيائِكَ، الَّتي انتَجَبتَها وفَضَّلتَها وَاختَرتَها عَلىٰ نِساءِ العالَمينَ. اللّٰهُمَّ كُنِ الطّالِبَ لَها مِمَّن ظَلَمَها وَاستَخَفَّ بِحَقِّها، وكُنِ الثّائِرَ اللّٰهُمَّ بِدَمِ أولادِها.

اللّٰهُمَّ وكَما جَعَلتَها أُمَّ أئِمَّةِ الهُدىٰ، وحَليلَةَ صاحِبِ اللِّواءِ، وَالكَريمَةَ عِندَ المَلَأِ الأَعلىٰ، فَصَلِّ عَلَيها وعَلىٰ أُمِّها خَديجَةَ الكُبرىٰ، صَلاةً تُكَرِّمُ بِها وَجهَ أبيها مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله، وتُقِرُّ بِها أعيُنَ ذُرِّيَّتِها، وأبلِغهُم عَنّي في هٰذِهِ السّاعَةِ أفضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ.

د ـ الصَّلاةُ عَلَى الحَسَنِ وَالحُسَينِ عليهما السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ وَالحُسَينِ عَبدَيكَ ووَلِيَّيكَ وَابنَي رَسولِكَ وسِبطَيِ الرَّحمَةِ

ب ـ صلوات بر امیر مؤمنان علی

«بار خدایا! بر امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب، برادر پیامبرت و وصی و یار و دوست خالص و دستیار او، و مخزن علم و سپردگاه راز و دَرِ [شهرِ] حکمت او، و بیان کنندهٔ حجّت او و دعوت کننده به شریعت او، و جانشین او در میان امّتش و زدایندهٔ غم از چهرهٔ او، و در هم شکنندهٔ کافران و به تسلیم کشانندهٔ کجروان، همو که او را برای پیامبرت به منزلهٔ هارون برای موسی قرار دادی، درود فرست.

بار خدایا! هر که را دوستش می‌دارد، دوست بدار و هر که را دشمنش می‌دارد، دشمن بدار، و هر که را یاری‌اش می‌کند، یاری کن و هر که را وا می‌گذاردش، وا گذار، و کسانی را که با او به دشمنی برمی‌خیزند، از اوّلین تا آخرین آدمیان، لعنت فرما، و برترین درودی را که بر یکی از اوصیای پیامبرانت فرستاده‌ای، بر او نیز بفرست، ای پروردگار جهانیان!».

ج ـ صلوات بر فاطمهٔ زهرا

«بار خدایا! بر بانوی راستین و پارسا و وارسته، دوست‌داشتنی نزد دوست و پیامبرت، مادر عزیزان و دوستان برگزیده‌ات، همو که او را برگزیدی و بر زنان عالم، برتری و امتیازش دادی، درود فرست.

بار خدایا! تو خود، حقّ او را از کسانی که به وی ستم کردند و حق [و حرمتش] را سبُک شمردند، بستان و تو خود ـ ای خداوند ـ انتقام خون فرزندانش را بگیر.

بار خدایا! تو که او را مام پیشوایان هدایت، و همسر پرچمدار [حق]، و گرامی در نزد فرشتگان عالم بالا قرار دادی، بر او و بر مادرش خدیجهٔ کبری درود فرست؛ درودی که با آن، پدرش را عزیز داری و دیدگان فرزندانش را روشن گردانی، و در این لحظه از جانب من، برترین تحیّت و درود را به آن بزرگواران نیز برسان».

د ـ صلوات بر امام حسن و امام حسین

«بار خدایا! بر حسن و حسین، این دو بنده‌ات و دو دوستت و فرزندان

وسَيِّدَي شَبابِ أهلِ الجَنَّةِ، أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن أولادِ النَّبِيّينَ وَالمُرسَلينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ ابنِ سَيِّدِ النَّبِيّينَ ووَصِيِّ أميرِ المُؤمِنينَ، السَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ رَسولِ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ سَيِّدِ الوَصِيّينَ، أشهَدُ أنَّكَ يَابنَ أميرِ المُؤمِنينَ أمينُ اللهِ وابنُ أمينِهِ، عِشتَ مَظلوماً ومَضَيتَ شَهيداً، وأشهَدُ أنَّكَ الإمامُ الزَّكِيُّ الهادِي المَهدِيُّ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيهِ وبَلِّغ روحَهُ وجَسَدَهُ عَنّي في هٰذِهِ السّاعَةِ أفضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ المَظلومِ الشَّهيدِ، قَتيلِ الكَفَرَةِ وطَريحِ الفَجَرَةِ، السَّلامُ عَلَيكَ يا أبا عَبدِ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ رَسولِ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ أميرِ المُؤمِنينَ، أشهَدُ موقِناً أنَّكَ أمينُ اللهِ وابنُ أمينِهِ، قُتِلتَ مَظلوماً ومَضَيتَ شَهيداً، وأشهَدُ أنَّ اللهَ تَعالَى الطّالِبُ بِثارِكَ، ومُنجِزُ ما وَعَدَكَ مِنَ النَّصرِ وَالتَّأييدِ في هَلاكِ عَدُوِّكَ وإظهارِ دَعوَتِكَ، وأشهَدُ أنَّكَ وَفَيتَ بِعَهدِ اللهِ، وجاهَدتَ في سَبيلِ اللهِ، وعَبَدتَ اللهَ مُخلِصاً حَتّىٰ أتاكَ اليَقينُ، لَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتكَ، ولَعَنَ اللهُ أُمَّةً خَذَلَتكَ، ولَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَلَّبَت[1] عَلَيكَ، وأبرَأُ إلَى اللهِ تَعالىٰ مِمَّن أكذَبَكَ وَاستَخَفَّ بِحَقِّكَ وَاستَحَلَّ دَمَكَ، بِأَبي أنتَ وأُمّي يا أبا عَبدِ اللهِ، لَعَنَ اللهُ قاتِلَكَ، ولَعَنَ اللهُ خاذِلَكَ، ولَعَنَ اللهُ مَن سَمِعَ واعِيَتَكَ[2] فَلَم يُجِبكَ ولَم يَنصُركَ، ولَعَنَ اللهُ مَن سَبىٰ نِساءَكَ، أنَا إلَى اللهِ مِنهُم بَريءٌ ومِمَّن والاهُم ومالَأَهُم[3] وأعانَهُم عَلَيهِ، أشهَدُ أنَّكَ وَالأَئِمَّةَ مِن وُلدِكَ كَلِمَةُ

---

١. التأليب: التحريض والإفساد. وألّب بينهم: أفسد. وهم عليه ألبٌ واحد: أي مجتمعون عليه بالظلم والعداوة (تاج العروس: ج ١ ص ٣٠٦ «ألب»).

٢. الواعية: الصراخ والصوت (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٤٠٠ «وعى»).

٣. مالأهُ على الأمر: ساعدَهُ وشايعه أي أعانه وقوّاه. يقال للقوم إذا تتابعوا برأيهم على أمر: قد تمالؤوا عليه (تاج العروس: ج ١ ص ٢٥٣ «ملأ»).

فرستاده‌ات و نوادگان [پیامبر] رحمت و دو آقای جوانان اهل بهشت، درود فرست؛ برترین درودی که بر فرزندی از فرزندان پیامبران و فرستادگانت فرستاده‌ای.

بار خدایا! بر حسن، فرزند مِهتر پیامبران و وصیّ امیر مؤمنان، درود فرست. درود بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! درود بر تو، ای فرزند مهتر اوصیا! گواهی می‌دهم که تو ـ ای فرزند امیر مؤمنان ـ امین خدا و فرزند امین خدا هستی، مظلومانه زیستی و شهید از دنیا رفتی. گواهی می‌دهم که تو پیشوای پاک و هدایتگر و هدایت‌شده‌ای. بار خدایا! بر او درود فرست و در این لحظه از جانب من، برترین درود و سلام را به جان و تن او برسان.

بار خدایا! بر حسین بن علی، آن ستم دیدهٔ شهید که با شمشیر کافران به قتل رسید و به دست منحرفان بر خاک فتاده شد، درود فرست. درود بر تو، ای ابا عبد الله! درود بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! درود بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان! از سر یقین، گواهی می‌دهم که تو امین خدا و فرزند امین خدا هستی. به ستم، کشته شدی و شهید از دنیا رفتی. گواهی می‌دهم که خدای متعال خونخواه توست و وعدهٔ یاری و پشتیبانی‌ای را که در بارهٔ نابودی دشمنانت و آشکار ساختن دعوتت به تو داده بود، تحقّق بخشید. گواهی می‌دهم که تو به پیمانت با خدا وفا کردی و در راه خدا کوشیدی و تا زنده بودی، خدا را با اخلاص پرستیدی. لعنت خدا بر آن مردمی که تو را کشتند! لعنت خدا بر مردمی که از یاری رساندن به تو، خودداری ورزیدند، و لعنت خدا بر مردمی که علیه تو دست به تحریک زدند! من به پیشگاه خدا اعلام برائت می‌کنم از کسی که تو را تکذیب کرد و حق [و حرمتت] را سبک شمرد و [ریختن] خونت را روا دانست.

پدر و مادرم به فدایت، ای ابا عبدالله! خدا لعنت کند قاتل تو را! خدا لعنت کند واگذارندهٔ تو را! خدا لعنت کند کسی را که فریاد تو را شنید؛ ولی آن را پاسخ نداد و یاری‌ات نرساند، و خدا لعنت کند کسانی را که زنان [اهل بیتِ] تو را به اسیری بردند! من از آنان و از هر آن کس که یاری و پیروی‌شان کرد و در این کارها به کمک آنان شتافت، در پیشگاه خدا اعلام بیزاری می‌کنم.

التَّقوىٰ وبابُ الهُدىٰ وَالعُروَةُ الوُثقىٰ وَالحُجَّةُ عَلىٰ أهلِ الدُّنيا، وأشهَدُ أنّي بِكُم مُؤمِنٌ وبِمَنزِلَتِكُم موقِنٌ، ولَكُم تابِعٌ بِذاتِ نَفسي وشَرائِعِ ديني وخَواتيمِ عَمَلي ومُنقَلَبي في دُنيايَ وآخِرَتي.

هـ ـ الصَّلاةُ عَلىٰ عَليِّ بنِ الحُسَينِ سَيِّدِ العابِدينَ عليه السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَليِّ بنِ الحُسَينِ سَيِّدِ العابِدينَ، الَّذِي استَخلَصتَهُ لِنَفسِكَ وجَعَلتَ مِنهُ أئِمَّةَ الهُدىٰ الَّذينَ يَهدونَ بِالحَقِّ وبِهِ يَعدِلونَ[1]، الَّذِي اختَرتَهُ لِنَفسِكَ وطَهَّرتَهُ مِنَ الرِّجسِ وَاصطَفَيتَهُ وجَعَلتَهُ هادِياً مَهدِيّاً.

اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن ذُرِّيَّةِ أنبِيائِكَ، حَتّىٰ يَبلُغَ بِهِ ما تَقَرُّ بِهِ عَينُهُ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ، إنَّكَ عَزيزٌ حَكيمٌ.

و ـ الصَّلاةُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ عليه السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بنِ عَليٍّ باقِرِ العِلمِ وإمامِ الهُدىٰ، وقائِدِ أهلِ التَّقوىٰ، وَالمُنتَجَبِ[2] مِن عِبادِكَ.

اللّٰهُمَّ وكَما جَعَلتَهُ عَلَماً لِعِبادِكَ، ومَناراً لِبِلادِكَ، ومُستَودَعاً لِحِكمَتِكَ، ومُترجِماً لِوَحيِكَ، وأمَرتَ بِطاعَتِهِ وحَذَّرتَ عَن مَعصِيَتِهِ، فَصَلِّ عَلَيهِ يا رَبِّ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن ذُرِّيَّةِ أنبِيائِكَ وأصفِيائِكَ ورُسُلِكَ وأُمَنائِكَ، يا رَبَّ العالَمينَ.

ز ـ الصَّلاةُ عَلىٰ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ، خازِنِ العِلمِ، الدّاعي إلَيكَ بِالحَقِّ، النّورِ

---

١. وبه يعدلون: أي وبالحقّ يحكمون ويعدلون في حكمهم (بحار الأنوار: ج ١٣ ص ١٧٢).

٢. المُنتَجَبُ: المُختار من كلّ شيء، وقد انتجب فلانٌ فلاناً: إذا استخلصه واصطفاه اختياراً على غيره (لسان العرب: ج ١ ص ٧٤٨ «نجب»).

گواهی می‌دهم که تو و امامان از فرزندان تو، مظهر پروا و دروازهٔ راه (/هدایت) و دستگیرهٔ استوار و حجّت بر مردمان دنیا هستید، و گواهی می‌دهم که به شما ایمان دارم و به مقام شما یقین دارم، و در درون جانم و در احکام دینم و خاتمه‌های کارم و بازگشتم در دنیا و آخرتم، پیرو شما هستم».

هـ ـ صلوات بر امام زین العابدین علیه‌السلام

«بار خدایا! بر علی بن الحسین، سالار عبادت‌پیشگان، درود فرست؛ همان که او را برای خود برگزیدی، و پیشوایان هدایتگر را ـ که به حق هدایت می‌کنند و به حق حکم می‌کنند ـ، از نسل او قرار دادی؛ همان که او را برای خودت انتخاب کردی و از آلودگی پاکش ساختی و او را خالص گردانیدی و هدایتگری هدایت‌شده قرارش دادی.

بار خدایا! پس برترین درودی را که بر یکی از فرزندان پیامبرانت فرستاده‌ای، بر او بفرست تا با آن به مرتبه‌ای برسد که در دنیا و آخرت، دیده‌اش روشن [و دلش شاد] گردد، که به راستی، تو نیرومند و دانایی».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

و ـ درود بر امام باقر علیه‌السلام

«بار خدایا! بر محمّد بن علی، آن شکافندهٔ دانش و پیشوای هدایت و رهبر تقواپیشگان و برگزیده از میان بندگانت، درود فرست.

بار خدایا! از آن روی که او را نشانهٔ راه بندگانت و منارهٔ شهرهایت و سپردگاه حکمتت و مترجم وحیَت قرار دادی و به اطاعت از او فرمان دادی و از نافرمانی‌اش بر حذر داشتی، پس ـ ای پروردگار من ـ برترین درودی را که بر یکی از فرزندان پیامبران و برگزیدگان و فرستادگان و امینانت فرستاده‌ای، بر او نیز بفرست، ای پروردگار جهانیان!».

ز ـ صلوات بر امام صادق علیه‌السلام

«بار خدایا! بر جعفر بن محمّد صادق، آن خزانه‌دار دانش و دعوت کننده به

المُبينِ.

اللّٰهُمَّ وكَما جَعَلتَهُ مَعدِنَ كَلامِكَ ووَحيِكَ، وخازِنَ عِلمِكَ ولِسانَ تَوحيدِكَ، ووَلِيَّ أمرِكَ ومُستَحفِظَ دينِكَ، فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن أصفِيائِكَ وحُجَجِكَ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.

ح ـ الصَّلاةُ عَلىٰ موسَى بنِ جَعفَرٍ عليه السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ الأَمينِ المُؤتَمَنِ موسَى بنِ جَعفَرٍ، البَرِّ الوَفِيِّ، الطّاهِرِ الزَّكِيِّ، النّورِ المُبينِ، المُجتَهِدِ المُحتَسِبِ الصّابِرِ عَلَى الأَذىٰ فيكَ.

اللّٰهُمَّ وكَما بَلَّغَ عَن آبائِهِ مَا استودِعَ مِن أمرِكَ ونَهيِكَ، وحَمَلَ عَلَى المَحَجَّةِ[1]، وكابَدَ[2] أهلَ العِزَّةِ[3] وَالشِّدَّةِ فيما كانَ يَلقىٰ مِن جُهّالِ قَومِهِ، رَبِّ فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ وأكمَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِمَّن أطاعَكَ ونَصَحَ لِعِبادِكَ، إنَّكَ غَفورٌ رَحيمٌ.

ط ـ الصَّلاةُ عَلىٰ عَلِيِّ بنِ موسَى الرِّضا عليه السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بنِ موسَى الرِّضا، الَّذِي ارتَضَيتَهُ ورَضِيتَ بِهِ مَن شِئتَ مِن خَلقِكَ.

اللّٰهُمَّ وكَما جَعَلتَهُ حُجَّةً عَلىٰ خَلقِكَ، وقائِماً بِأَمرِكَ، وناصِراً لِدينِكَ، وشاهِداً عَلىٰ عِبادِكَ، وكَما نَصَحَ لَهُم فِي السِّرِّ وَالعَلانِيَةِ، ودَعا إلىٰ سَبيلِكَ بِالحِكمَةِ وَالمَوعِظَةِ الحَسَنَةِ، فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن أولِيائِكَ وخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ، إنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ.

---

۱. المَحَجَّة: جادَّة الطريق (الصحاح: ج ۱ ص ۳۰۴ «حجج»).

۲. كابدتُ الأمرَ: إذا قاسَيت شدّته (الصحاح: ج ۲ ص ۵۳۰ «كبد»).

۳. في جمال الأسبوع: «الغِرّة» بدل «العِزّة».

سوی تو با حق، و آن نور روشنگر، درود فرست.

بار خدایا! از آن روی که او راکان سخن و وحیت، و خزانه‌دار علمت و زبان توحیدت، و ولیّ امرت و نگهبان دینت قرار دادی، برترین درودی راکه به یکی از دوستان خالصت و حجّت‌هایت فرستاده‌ای، بر او نیز بفرست، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری».

ح ـ صلوات بر امام کاظم

«بار خدایا! بر امانتدار مورد اعتماد، موسی بن جعفر، آن نیکوکار وفادار (/تمام عیار)، پاکِ وارسته، نور آشکار و آن که از بهر تو کوشید و بر آزارهایی که در راه تو دید، شکیب ورزید، درود فرست.

بار خدایا! از آن روی که اوامر و نواهی تو راکه از پدرانش به او سپرده شده بود، [به مردم] ابلاغ کرد و همگان را به راه روشن وا داشت و از نادانان قدرتمند و زورمند قومش رنج‌ها دید، پس ـ ای پروردگار من ـ برترین و کامل‌ترین درودی راکه بر یکی از آنان که از تو اطاعت کرده و بندگانت را ارشاد کرده‌اند، فرستادی، بر او نیز بفرست، که تو آمرزگاری و مهربانی».

ط ـ صلوات بر امام رضا

«بار خدایا! بر علی بن موسی الرضا که از او خشنود گشتی و به امامت او برای هر کس از خَلقت که خواستی، رضایت دادی، درود فرست.

بار خدایا! از آن روی که او را حجّت بر بندگانت و برپا دارندهٔ فرمانت و یاور دینت و گواه بر بندگانت قرار دادی، و از آن روی که او در نهان و آشکار، خیرخواهی آنان کرد و با حکمت و اندرز نیکو، به راه تو دعوت کرد، پس، برترین درودی راکه بر یکی از دوستانت و بهترین آفریدگانت فرستادی، بر او بفرست، که به راستی، تو بخشنده‌ای بزرگواری».

ي ـ الصَّلاةُ عَلىٰ مُحَمّدِ بنِ عَليِّ بنِ موسىٰ عليهما السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بنِ عَليِّ بنِ موسىٰ، عَلَمِ التُّقىٰ، ونورِ الهُدىٰ، ومَعدِنِ الوَفاءِ، وفَرعِ الأَزكِياءِ، وخَليفَةِ الأَوصِياءِ، وأمينِكَ عَلىٰ وَحيِكَ.

اللّٰهُمَّ وكَما هَدَيتَ بِهِ مِنَ الضَّلالَةِ، وَاستَنقَذتَ بِهِ مِنَ الحَيرَةِ[1]، وأرشَدتَ بِهِ مَنِ اهتَدىٰ، وزَكَّيتَ مَن تَزَكّىٰ، فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن أولِيائِكَ، إنَّكَ عَزيزٌ حَكيمٌ.

ك ـ الصَّلاةُ عَلىٰ عَليِّ بنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَليِّ بنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الأَوصِياءِ، وإمامِ الأَتقِياءِ، وخَلَفِ أئِمَّةِ الدّينِ، وَالحُجَّةِ عَلَى الخَلائِقِ أجمَعينَ.

اللّٰهُمَّ كَما جَعَلتَهُ نوراً يَستَضيءُ بِهِ المُؤمِنونَ، فَبَشَّرَ بِالجَزيلِ مِن ثَوابِكَ، وأنذَرَ بِالأَليمِ مِن عِقابِكَ، وحَذَّرَ بَأسَكَ وذَكَّرَ بِأيّامِكَ[2]، وأحَلَّ حَلالَكَ وحَرَّمَ حَرامَكَ، وبَيَّنَ شَرائِعَكَ وفَرائِضَكَ، وحَضَّ[3] عَلىٰ عِبادَتِكَ، وأمَرَ بِطاعَتِكَ ونَهىٰ عَن مَعصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن أولِيائِكَ وذُرِّيَّةِ أنبِيائِكَ، يا إلٰهَ العالَمينَ.

قالَ أبو مُحَمَّدٍ اليَمَنِيُّ: فَلَمّا انتَهَيتُ إلَى الصَّلاةِ عَلَيهِ أمسَكَ، فَقُلتُ لَهُ في ذٰلِكَ فَقالَ: لَولا أنَّهُ دينٌ أمَرَنَا اللهُ تَعالىٰ أن نَفعَلَهُ[4] ونُؤَدِّيَهُ إلىٰ أهلِهِ لَأَحبَبتُ الإمساكَ، ولٰكِنَّهُ الدّينُ، أكتُب:

---

١. في جمال الأسبوع: «الجهالة» بدل «الحيرة».

٢. في جمال الأسبوع وبحار الأنوار: «بآياتك» بدل «بأيّامك».

٣. الحَضّ على الشيء: الحَثّ على الشيء (النهاية: ج ١ ص ٤٠٠ «حضض»).

٤. في جمال الأسبوع وبحار الأنوار: «نبلّغه» بدل «نفعله».

ی ـ صلوات بر امام جواد علیه‌السلام

«بار خدایا! بر محمّد بن علی بن موسی، آن نشانهٔ پروا و نور هدایت و معدن وفا و شاخهٔ پاکان و جانشین اوصیا و امین تو بر وحیت، درود فرست.

بار خدایا! از آن روی که به واسطهٔ او [مردمان را] از گم‌راهی به راه آوردی و از سرگردانی نجات بخشیدی و هدایتجویان را ارشاد کردی و طالبانِ پاکی را پاک ساختی، پس، برترین درودی را که بر یکی از اولیایت فرستاده‌ای، بر او بفرست، که به راستی، تو قدرتمند و دانایی».

ک ـ صلوات بر امام هادی علیه‌السلام

بار خدایا! بر علی بن محمّد، آن وصیّ اوصیا و پیشوای تقواپیشگان و جانشین (/زادهٔ) پیشوایان دین، و حجّت بر همهٔ آفریدگان، درود فرست.

بار خدایا! از آن روی که او را نوری قرار دادی که مؤمنان از آن پرتو گیرند، و او به پاداش شایان تو مُژده داد و از کیفر دردناک تو بیم داد، و از خشم تو بر حذر داشت و روزهای (/نشانه‌های) تو را یادآور شد، و حلال تو را حلال و حرامت را حرام شمرد، و احکام و واجباتت را بیان کرد، و به عبادتت تشویق نمود، و به فرمان برداری از تو فرمان داد و از نافرمانی‌ات باز داشت، پس برترین درودی را که بر یکی از اولیایت و فرزندان پیامبرانت فرستاده‌ای، بر او بفرست، ای معبود جهانیان!».

چون نوبت صلوات بر خود ایشان (امام عسکری) رسید، ادامه نداد. من بر ادامهٔ آن اصرار ورزیدم. فرمود: «اگر نبود که این [بیان صلوات‌ها] از دین است و خداوند متعال به ما فرمان داده است که آن را به اهلش برسانیم، دوست داشتم که دیگر ادامه ندهم؛ امّا این، از دین است. بنویس:

ل ـ الصَّلاةُ عَلَى الحَسَنِ بنِ عَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ بنِ عَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ، البَرِّ التَّقِيِّ، الصّادِقِ الوَفِيِّ، النّورِ المُضيءِ، خازِنِ عِلمِكَ، وَالمُذَكِّرِ بِتَوحيدِكَ، ووَلِيِّ أمرِكَ، وخَلَفِ أئِمَّةِ الدّينِ الهدُاةِ الرّاشِدينَ، وَالحُجَّةِ عَلىٰ أهلِ الدُّنيا، فَصَلِّ عَلَيهِ يا رَبِّ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن أصفِيائِكَ وحُجَجِكَ وأولادِ رُسُلِكَ يا إلٰهَ العالَمينَ.

م ـ الصَّلاةُ عَلىٰ وَلِيِّ الأَمرِ المُنتَظَرِ عليه السلام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَابنِ أولِيائِكَ، الَّذينَ فَرَضتَ طاعَتَهُم وأوجَبتَ حَقَّهُم وأذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيراً.

اللّٰهُمَّ انتَصِر بِهِ لِدينِكَ، وَانصُر بِهِ أولِياءَكَ وأولِياءَهُ وشيعَتَهُ وأنصارَهُ وَاجعَلنا مِنهُم.

اللّٰهُمَّ أعِذهُ مِن شَرِّ كُلِّ باغٍ وطاغٍ، ومِن شَرِّ جَميعِ خَلقِكَ، وَاحفَظهُ مِن بَينِ يَدَيهِ ومِن خَلفِهِ وعَن يَمينِهِ وعَن شِمالِهِ، وَاحرُسهُ وَامنَعهُ أن يوصَلَ إلَيهِ بِسوءٍ، وَاحفَظ فيهِ رَسولَكَ وآلَ رَسولِكَ، وأظهِر بِهِ العَدلَ، وأيِّدهُ بِالنَّصرِ، وَانصُر ناصِريهِ، وَاخذُل خاذِليهِ، وَاقصِم بِهِ جَبابِرَةَ الكَفَرَةِ، وَاقتُل بِهِ الكُفّارَ وَالمُنافِقينَ وجَميعَ المُلحِدينَ حَيثُ كانوا وأينَ كانوا مِن مَشارِقِ الأَرضِ ومَغارِبِها وبَرِّها وبَحرِها، وَامـلَأ بِهِ الأَرضَ عَدلاً، وأظهِر بِهِ دينَ نَبِيِّكَ عَلَيهِ وآلِهِ السَّلامُ، وَاجعَلني اللّٰهُمَّ مِن أنصارِهِ وأعوانِهِ وأتباعِهِ وشيعَتِهِ، وأرِني في آلِ مُحَمَّدٍ ما يَأمُلونَ، وفي عَدُوِّهِم ما يَحذَرونَ، إلٰهَ الحَقِّ آمينَ.[1]

---

١. مصباح المتهجّد: ص ٣٩٩، جمال الأسبوع: ص ٢٩٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٧٣ ح ١.

ل ـ صلوات بر امام حسن عسکری علیه‌السلام

بار خدایا! بر حسن بن علی بن محمّد، این نیکوکار پرهیزگار، و راستگوی وفادار، و نور تابان و خزانه‌دار دانش تو و یادآور توحید تو و ولیّ امر تو، و یادگار پیشوایان هدایتگر و ره یافتهٔ دین، و حجّت [تو] بر مردم دنیا، درود فرست و ـ ای پروردگار من ـ برترین درودی را که بر یکی از برگزیدگانت و حجّت‌هایت و فرزندان فرستادگانت فرستاده‌ای، بر او نیز بفرست، ای معبود جهانیان!».

م ـ صلوات بر ولیّ امر منتظَر علیه‌السلام

«بار خدایا! بر ولیّ خود و فرزند اولیای خود، درود فرست؛ همانان که اطاعت از آنان را فریضه شمردی و حقّ آنان را واجب دانستی و پلیدی را از ایشان بردی و پاکِ پاکشان گردانیدی.

بار خدایا! به واسطهٔ او دینت را یاری رسان و به وسیلهٔ او دوستان خود و دوستان او و پیروان و طرفدارانش را نصرت بخش و ما را نیز در زمرهٔ ایشان قرار ده.

بار خدایا! او را از گزند هر ستمگر و سرکشی و از گزند همهٔ خَلقت در پناه خویش بدار، و از پیش رو و از پشت سر و از راست و از چپش محافظتش فرما، و از این که به او بدی رسد، حراست و نگهداری‌اش کن، و پیامبر و خاندان پیامبرت را در وجود او نگه دار، و به واسطهٔ او، عدالت را آشکار گردان، و او را یاری رسان، و یاورانش را یاری ده، و فروگذارندگانش را فروگذار، و به واسطهٔ او، فرمان‌روایانِ کفر را در هم کوب، و کافران و منافقان و همهٔ بی‌دینان را ـ هر که باشند و در هر کجای زمین، از شرق و غرب و خشکی و آب، که باشند ـ به قتل رسان، و به واسطهٔ او، زمین را از دادگری آکنده ساز، و دین پیامبرت را ـ که بر او و خاندانش درود باد ـ آشکار و پیروزگردان، و مرا ـ ای خدا ـ از طرفداران و یاران و پیروان و شیعیان او بدار، و مرا شاهد رسیدن خاندان محمّد به آرزوهایشان و شاهد آنچه دشمنان آنان از آن می‌ترسیدند [یعنی نابودی‌شان] قرار ده. آمین، ای معبود راستین!».

١٤ / ٦
الصَّلَواتُ المأثورةُ عَنِ الإمامِ المهدِيِّ عليه السلام

٣١٤١ . **مصباح المتهجّد:** دُعاءٌ آخَرُ مَروِيٌّ عَن صاحِبِ الزَّمانِ عليه السلام، خَرَجَ إلىٰ أبِي الحَسَنِ الضَّرّابِ الأَصفَهانِيِّ بِمَكَّةَ، بِإسنادٍ لَم نَذكُرهُ اختِصاراً، نُسخَتُهُ: بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ المُرسَلينَ، وخاتَمِ النَّبِيّينَ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ، المُنتَجَبِ فِي الميثاقِ، المُصطَفىٰ فِي الظِّلالِ، المُطَهَّرِ مِن كُلِّ آفَةٍ، البَريءِ مِن كُلِّ عَيبٍ، المُؤَمَّلِ لِلنَّجاةِ، المُرتَجىٰ لِلشَّفاعَةِ، المُفَوَّضِ إلَيهِ دينُ اللهِ.

اللّٰهُمَّ شَرِّف بُنيانَهُ، وعَظِّم بُرهانَهُ، وأفلِج حُجَّتَهُ، وَارفَع دَرَجَتَهُ، وأضِئ نورَهُ، وبَيِّض وَجهَهُ، وأعطِهِ الفَضلَ وَالفَضيلَةَ، وَالوَسيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفيعَةَ، وَابعَثهُ مَقاماً مَحموداً يَغبِطُهُ بِهِ الأَوَّلونَ وَالآخِرونَ.

وصَلِّ عَلىٰ أميرِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينَ، وقائِدِ الغُرِّ المُحَجَّلينَ، وسَيِّدِ الوَصِيّينَ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ.

وصَلِّ عَلىٰ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ إمامِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينَ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ.

وصَلِّ عَلَى الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ إمامِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينَ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ.

وصَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ إمامِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينَ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ.

وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ إمامِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينَ، وحُجَّةِ رَبِّ

۱۴/۶
صلوات‌های رسیده از امام مهدی علیه‌السلام

۳۱۴۱ . **مصباح المتهجّد**: این، دعای دیگری است که از امام زمان علیه‌السلام روایت شده و از ناحیهٔ ایشان برای ابو الحسن ضرّاب اصفهانی در مکّه فرستاده شده است، و ما به جهت رعایت اختصار، اسناد آن را ذکر نمی‌کنیم. متن دعا، چنین است: «به نام خداوند مهرگستر مهربان. بار خدایا! درود فرست بر محمّد، سالار فرستادگان و خاتم پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست؛ آن‌که در همان گاه پیمان‌ستانی (عهد اَلَست) برگزیده شد، و در [عالم] سایه‌ها [مثال] گلچین شد؛ همو که از هر آفتی پاک، و از هر عیبی مبرّاست، و امید رهایی [از دوزخ] است، و چشم شفاعت به او دوخته شده، و [اختیار] دین خدا به او سپرده شده است.

بار خدایا! بنای [دین] او را بلند، و برهانش را بزرگ، و حجّتش را آشکار گردان، و درجه‌اش را بالا ببر، و نورش را تابان، و رویش را سپید کن، و برتری و فضیلت و مقام قرب به خداوند و درجهٔ رفیع به او عطا فرما، و در چنان جایگاه ستودنی‌ای برانگیزش که همگان در آن بر او غبطه خورند.

و بر امیر مؤمنان، و وارث فرستادگان [الهی]، و رهبر سرافرازان، و سالار جانشینان، و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست.

و بر حسن بن علی، پیشوای مؤمنان، و وارث فرستادگان، و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست.

و بر حسین بن علی، پیشوای مؤمنان، و وارث فرستادگان، و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست.

و بر علی بن الحسین، پیشوای مؤمنان، و وارث فرستادگان، و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست.

و بر محمّد بن علی، پیشوای مؤمنان، و وارث فرستادگان، و حجّت

العالَمينَ.

وصَلِّ عَلىٰ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ إمامِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينَ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ.

وصَلِّ عَلىٰ موسَى بِن جَعفَرٍ إمامِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينَ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ.

وصَلِّ عَلىٰ عَليِّ بنِ مُوسىٰ إمامِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينَ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ.

وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بنِ عَليٍّ إمامِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينَ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ.

وصَلِّ عَلىٰ عَليِّ بنِ مُحَمَّدٍ إمامِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينَ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

وصَلِّ عَلَى الحَسَنِ بنِ عَليٍّ إمامِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينِ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ.

وصَلِّ عَلَى الخَلَفِ الهادِي المَهدِيِّ إمامِ المُؤمِنينَ، ووارِثِ المُرسَلينَ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ الأَئِمَّةِ الهادينَ [المَهدِيّينَ][1]، العُلَماءِ الصّادِقينَ، [الأَوصِياءِ المَرضِيّينَ][2]، الأَبرارِ المُتَّقينَ، دَعائِمِ دينِكَ، وأركانِ تَوحيدِكَ،

---

١. أثبتنا ما بين المعقوفين من الغيبة للطوسي وبحار الأنوار.

٢. أثبتنا ما بين المعقوفين من دلائل الإمامة.

پروردگار جهانیان، درود فرست.

و بر جعفر بن محمّد، پیشوای مؤمنان، و وارث فرستادگان، و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست.

و بر موسی بن جعفر، پیشوای مؤمنان، و وارث فرستادگان، و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست.

و بر علی بن موسی، پیشوای مؤمنان، و وارث فرستادگان، و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست.

و بر محمّد بن علی، پیشوای مؤمنان، و وارث فرستادگان، و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست.

و بر علی بن محمّد، پیشوای مؤمنان، و وارث فرستادگان، و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

و بر حسن بن علی، پیشوای مؤمنان و وارث فرستادگان، و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست.

و بر یادگار هدایتگر هدایت‌شده، پیشوای مؤمنان،و وارث فرستادگان، و حجّت پروردگار جهانیان، درود فرست.

بار خدایا! بر محمّد و اهل بیت او، این پیشوایان هدایتگر [هدایت‌شده]، و دانشمندان راستگو و راستین [، و جانشینان پسندیده]، و نیکوکاران پرهیزگار، و ستون‌های دینت، و ارکان توحیدت، و مترجمان وحیت، و حجّت‌های تو بر

وتَراجِمَةِ[١] وَحيِكَ، وحُجَجِكَ عَلىٰ خَلقِكَ، وخُلَفائِكَ في أرضِكَ، الَّذينَ اختَرتَهُم لِنَفسِكَ، وَاصطَفَيتَهُم عَلىٰ عِبادِكَ، وَارتَضَيتَهُم لِدينِكَ، وخَصَصتَهُم بِمَعرِفَتِكَ، وجَلَّلتَهُم بِكَرامَتِكَ، وغَشَّيتَهُم بِرَحمَتِكَ، ورَبَّيتَهُم بِنِعمَتِكَ، وغَذَّيتَهُم بِحِكمَتِكَ، وألبَستَهُم نورَكَ، ورَفَعتَهُم في مَلَكوتِكَ، وحَفَفتَهُم بِمَلائِكَتِكَ وشَرَّفتَهُم بِنَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وعَلَيهِم صَلاةً زاكِيَةً نامِيَةً كَثيرَةً دائِمَةً طَيِّبَةً، لا يُحيطُ بِها إلّا أنتَ، ولا يَسَعُها إلّا عِلمُكَ، ولا يُحصيها أحَدٌ غَيرُكَ.

اللّٰهُمَّ وصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ المُحيي سُنَّتَكَ، القائِمِ بِأَمرِكَ، الدّاعي إلَيكَ، الدَّليلِ عَلَيكَ، حُجَّتِكَ عَلىٰ خَلقِكَ، وخَليفَتِكَ في أرضِكَ، وشاهِدِكَ عَلىٰ عِبادِكَ.

اللّٰهُمَّ أعِزَّ نَصرَهُ، ومُدَّ في عُمرِهِ، وزَيِّنِ الأَرضَ بِطُولِ بَقائِهِ.

اللّٰهُمَّ اكفِهِ بَغيَ الحاسِدينَ، وأعِذهُ مِن شَرِّ الكائِدينَ، وَازجُر[٢] عَنهُ إرادَةَ الظّالِمينَ، وخَلِّصهُ مِن أيدِي الجَبّارينَ.

اللّٰهُمَّ أعطِهِ في نَفسِهِ وذُرِّيَّتِهِ وشيعَتِهِ ورَعِيَّتِهِ وخاصَّتِهِ وعامَّتِهِ وعَدُوِّهِ وجَميعِ أهلِ الدُّنيا ما تُقِرُّ بِهِ عَينَهُ، وتَسُرُّ بِهِ نَفسَهُ، وبَلِّغهُ أفضَلَ ما أمَّلَهُ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.

اللّٰهُمَّ جَدِّد بِهِ مَا امتَحىٰ مِن دينِكَ، وأحيِ به ما بُدِّلَ مِن كِتابِكَ، وأظهِر بِهِ ما غُيِّرَ مِن حُكمِكَ، حَتّىٰ يَعودَ دينُكَ بِهِ وعَلىٰ يَدَيهِ غَضّاً جَديداً خالِصاً مُخلَصاً، لا شَكَّ

---

١. تَراجِمة وَحيك: هي جمع تَرجُمان؛ وهو المترجم المفسِّر للّسان، يقال: ترجم فلانٌ كلامَه: بيّنه وأوضحه (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٢٢ «ترجم»).

٢. في الغيبة للطوسي ودلائل الإمامة: «وادحر» بدل «وازجر».

خَلقت، و یادگاران تو در زمینت، درود فرست؛ همانان که آنان را برای خویش برگزیدی، و آنان را بر بندگانت برتری دادی، و آنان را برای دینت پسندیدی، و شناختت را به آنان بخشیدی (/اختصاص دادی) و خلعت گرامیداشتت را بر آنان پوشاندی، و پردهٔ رحمتت را بر ایشان افکندی، و آنان را به نعمت خود پروردی، و با حکمتت تغذیه‌شان کردی، و آنان را در نور خود پوشاندی، و در ملکوت خویش بالایشان بردی، و آنان را در احاطهٔ فرشتگانت قرار دادی، و به وجود پیامبرت ـ که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد ـ شرافتشان بخشیدی.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست؛ درودی فزاینده و بالنده و فراوان و پاینده و پاک، که جز تو کسی بر آن احاطه نداشته باشد، و در علم کسی جز تو نگنجد، و کسی جز تو از عهدهٔ شمارش آن بر نیاید.

بار خدایا! و بر ولیّ خود، آن زنده کنندهٔ [آیین و] روش تو، و برپا دارندهٔ فرمانت، و فراخواننده به سوی تو، و راه‌نما به تو، و حجّت تو بر خَلقت، و جانشین تو در زمینت، و گواه تو بر بندگانت، درود فرست.

بار خدایا! او را نصرتی نیرومند عطا کن، و عمرش را دراز گردان، و زمین را به طول عمر او زینت بخش.

بار خدایا! او را از حسد حسودان نگه دار، و از شرّ توطئه‌گران، در پناه خویش بدار، و بدسگالی ستمگران را از او دفع کن، و از دست خودکامگان، نجاتش ده.

بار خدایا! در بارهٔ خودش و فرزندانش و شیعیانش و رعیّتش و خاصّگانش و عموم مردمانش و دشمنانش و همهٔ مردم دنیا به او آن عطا فرما که با آن، دیدهٔ او را روشن گردانی، و دل و جانش را شاد سازی، و او را به برترین آرمان و آرزویش در دنیا و آخرت برسان، که به راستی، تو بر هر چیز، توانایی.

بار خدایا! به واسطهٔ او آنچه از دینت محو شده است، نو گردان، و آنچه از کتابت دگرگون شده است، دوباره زنده کن، و آنچه از احکامت تغییر داده شده است، آشکار ساز تا آن که دین تو به وسیلهٔ او و با دستان او، دگرباره تازه

فيهِ ولا شُبهَةَ مَعَهُ، ولا باطِلَ عِندَهُ ولا بِدعَةَ لَدَيهِ.

اللّٰهُمَّ نَوِّر بِنورِهِ كُلَّ ظُلمَةٍ، وهُدَّ بِرُكنِهِ كُلَّ بِدعَةٍ، وَاهدِم بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلالَةٍ، وَاقصِم بِهِ كُلَّ جَبّارٍ، وأخمِد بِسَيفِهِ كُلَّ نارٍ، وأهلِك بِعَدلِهِ كُلَّ جَورٍ، وأجرِ حُكمَهُ عَلىٰ كُلِّ حُكمٍ، وأذِلَّ بِسُلطانِهِ كُلَّ سُلطانٍ.

اللّٰهُمَّ أذِلَّ كُلَّ مَن ناواهُ[1]، وأهلِك كُلَّ مَن عاداهُ، وَامكُر بِمَن كادَهُ، وَاستَأصِل مَن جَحَدَهُ حَقَّهُ، وَاستَهانَ بِأَمرِهِ، وسَعىٰ في إطفاءِ نورِهِ وأرادَ إخمادَ ذِكرِهِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ المُصطَفىٰ، وعَلِيٍّ المُرتَضىٰ، وفاطِمَةَ الزَّهراءِ، وَالحَسَنِ الرِّضا، وَالحُسَينِ المُصَفّىٰ، وجَميعِ الأَوصِياءِ، مَصابيحِ الدُّجىٰ، وأعلامِ الهُدىٰ، ومَنارِ التُّقىٰ، وَالعُروَةِ الوُثقىٰ، وَالحَبلِ المَتينِ، وَالصِّراطِ المُستَقيمِ، وصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ، ووُلاةِ عَهدِكَ، وَالأَئِمَّةِ مِن وُلدِهِ، ومُدَّ في أعمارِهِم، وزِد في آجالِهِم، وبَلِّغهُم أقصىٰ آمالِهِم ديناً ودُنياً وآخِرَةً، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.[2]

٣١٤٢ . **الإمام المهدي عليه السلام**: أسأَلُكَ أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ خِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ، فَصَلِّ عَلَيهِم بِأَفضَلِ صَلَواتِكَ وصَلِّ عَلىٰ جَميعِ النَّبيّينَ وَالمُرسَلينَ الَّذينَ بَلَّغوا عَنكَ الهُدىٰ، وأعقَدوا لَكَ المَواثيقَ بِالطّاعَةِ، وصَلِّ عَلىٰ عِبادِكَ الصّالِحينَ.[3]

٣١٤٣ . **الإقبال عن أبي عمرو محمّد بن محمّد بن نصر السكوني**: سَأَلتُ أبا بَكرٍ أحمَدَ بنَ مُحَمَّدِ بنِ عُثمانَ البَغدادِيَّ أن يُخرِجَ إلَيَّ أدعِيَةَ شَهرِ رَمَضانَ الَّتي كانَ عَمُّهُ أبو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ

---

١ . ناوأهُ: فاخره وعاداه (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣١ «ناء»).

٢ . مصباح المتهجّد: ص ٤٠٦ ح ٥٣٤، الغيبة للطوسي: ص ٢٧٧ ح ٢٣٨، دلائل الإمامة: ص ٥٤٩ ح ٥٢٤، جمال الأسبوع: ص ٣٠٤، البلد الأمين: ص ٧٩، بحار الأنوار: ج ٥٢ ص ٢٠ ح ١٤ وج ٩٤ ص ٨١ ح ٢.

٣ . مُهَج الدعوات: ص ٩٢، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٣٥ ح ١.

و نو و ناب و پیراسته گردد و هیچ شک و شبهه‌ای در آن نماند، و در آن، هیچ باطل و بدعتی وجود نداشته باشد.

بار خدایا! به نور او، هر تاریکی را روشن گردان، و با قدرت او، هر بدعتی را از میان بردار، و به نیروی او، هر گم راهی‌ای را در هم شکن، و به وسیلهٔ او، هر زورگویی را در هم کوب، و با شمشیر او، هر آتشی را خاموش گردان، و با دادگری او، هر بیدادی را نابود کن، و فرمان او را بر هر فرمانی حاکم گردان، و با سلطنت او، هر سلطانی (/سلطنتی) را خوار کن.

بار خدایا! هر آن کس را که با او می‌ستیزد، خوار گردان، و هر آن کس را که با او دشمنی می‌ورزد، نابود کن، و با هر کس که با او نیرنگ می‌زند، نیرنگ زن، و هر آن کس را که حقّ او را انکار می‌کند و فرمان او را خوار می‌دارد و در خاموش کردن نور او می‌کوشد و می‌خواهد نام و یاد او را خاموش کند، ریشه‌کن فرما.

بار خدایا! بر محمّد مصطفی و علی مرتضی و فاطمهٔ زهرا و حسن رضا و حسین مصفّا و همهٔ اوصیا، این چراغ‌های تاریکی‌ها و نشانه‌های راه و مناره‌های پروا و دستگیرهٔ استوار و رشتهٔ محکم و راه راست، درود فرست، و بر ولّی خود و اولیای عهدت و امامان از نسل او، درود فرست، و زندگی‌شان را دراز گردان، و بر عمرهایشان بیفزای، و به نهایت آرزوهایشان در دین و دنیا و آخرت برسان، که به راستی، تو بر هر چیز، توانایی».

۳۱۴۲. امام مهدیﷺ: از تو درخواست می‌کنم که بر محمّد و خاندان محمّد، این برگزیدگان تو از میان بر همهٔ آفریدگانت، درود فرستی. پس برترین درودهایت را بر ایشان بفرست، و بر همهٔ پیامبران و فرستادگان که از جانب تو به هدایت پرداختند و برایت [از مردم] پیمان بر طاعت گرفتند، درود فرست، و بر بندگان شایسته‌ات نیز درود فرست.

۳۱۴۳. الإقبال ـ به نقل از ابو عمرو، محمّد بن محمّد بن نصر سَکونی ـ: از ابوبکر احمد بن محمّد بن عثمان بغدادی خواستم تا دعاهای ماه رمضان را که عمویش ابو جعفر محمّد بن عثمان بن سعید عَمری، آنها را می‌خوانده است، در اختیار

عُثمانَ بنِ السَّعيدِ العَمرِيُّ يَدعو بِها، فَأَخرَجَ إلَيَّ دَفتَراً مُجَلَّداً بِأَحمَرَ، فَنَسَختُ مِنهُ أدعِيَةً كَثيرَةً، وكانَ مِن جُملَتِها:

وتَدعو بِهٰذَا الدُّعاءِ في كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ؛ فَإِنَّ الدُّعاءَ فـي هٰـذَا الشَّـهرِ تَسمَعُهُ المَلائِكَةُ وتَستَغفِرُ لِصاحِبِهِ، وهُوَ:

اللّٰهُمَّ إنّي أفتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمدِكَ وأنتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ...

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ وأمينِكَ وصَفِيِّكَ وحَبيبِكَ وخِيَرَتِكَ مِـن خَلقِكَ، وحافِظِ سِرِّكَ ومُبَلِّغِ رِسالاتِكَ، أفضَلَ وأحسَنَ وأجـمَلَ وأكـمَلَ وأزكـىٰ وأنمىٰ وأطيَبَ وأطهَرَ وأسنىٰ وأكثَرَ ما صَلَّيتَ وبارَكتَ وتَرَحَّمتَ وتَحَنَّنتَ وسَلَّمتَ عَلىٰ أحَدٍ مِن عِبادِكَ وأنبِيائِكَ ورُسُلِكَ وصَفوَتِكَ وأهلِ الكَرامَةِ عَلَيكَ مِن خَلقِكَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ أميرِ المُؤمِنينَ ووَصِيِّ رَسولِ رَبِّ العالَمينَ، عَبدِكَ ووَلِيِّكَ وأخي رَسولِكَ وحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلقِكَ وآيَتِكَ الكُبرىٰ وَالنَّبَأِ العَظيمِ.[1]

وصَلِّ عَلىٰ الصِّدّيقَةِ الطّاهِرَةِ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ العالَمينَ.

وصَلِّ عَلىٰ سِبطَيِ الرَّحمَةِ وإمامَيِ الهُدَى الحَسَنِ وَالحُسَينِ سَيِّدَي شَبابِ أهلِ الجَنَّةِ.

وصَلِّ عَلىٰ أئِمَّةِ المُسلِمينَ: عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ، ومُحَمَّدِ بنِ عَـلِيٍّ، وجَـعفَرِ بـنِ مُحَمَّدٍ، وموسَى بنِ جَعفَرٍ، وعَلِيِّ بنِ موسىٰ، ومُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ، وعَلِيِّ بنِ مُـحَمَّدٍ، وَالحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ، وَالخَلَفِ المَهدِيِّ[2]، حُجَجِكَ عَلىٰ عِبادِكَ وأُمَنائِكَ فـي بِـلادِكَ،

---

١. في مصباح المتهجّد وتهذيب الأحكام والبلد الأمين لا يوجد قوله: «عبدك ووليّك ... العظيم».

٢. في مصباح المتهجّد وتهذيب الأحكام لا يوجد قوله: «عليّ بن الحسين ... المهديّ».

من بگذارد. او دفتری با جلد قرمز به من داد و من دعاهای بسیاری را از روی آن نوشتم، از جمله این را:

این دعا را در هر شب ماه رمضان می‌خوانی؛ زیرا فرشتگان، دعا در این ماه را می‌شنوند و برای دعا کننده آمرزش می‌طلبند، و دعا این است:

«بار خدایا! ثناگویی را با ستایش تو آغاز می‌کنم، و تویی که به لطف خویش، به راه درست ره‌نمون می‌شوی....

بار خدایا! بر محمّد، بنده‌ات و فرستاده‌ات و امینت و دوست صمیمی‌ات و محبوبت و برگزیدهٔ تو از میان خَلقت و نگهبان رازت و رسانندهٔ پیام‌هایت [به مردم]، برترین و نیکوترین و زیباترین و کامل‌ترین و فزاینده‌ترین و بالنده‌ترین و خوش‌ترین و پاک‌ترین و عالی‌ترین و بیشترین درودی را بفرست که بر یکی از بندگانت و پیامبرانت و فرستادگانت و دوستان صمیمی‌ات و آن کس از خَلقت که در نزد تو گرامی و ارجمند است، فرستاده‌ای و به او برکت داده‌ای و رحم آورده‌ای و مهر ورزیده‌ای و درود فرستاده‌ای.

بار خدایا! بر علی، امیر مؤمنان و وصیّ فرستادهٔ پروردگار جهانیان، آن بندهٔ تو و ولّی تو و برادر پیامبر تو و حجّت تو بر خَلقت و بزرگ‌ترین آیت تو و آن خبر بزرگ، درود فرست.

و بر آن بانوی راستین‌ایمان و پاک، فاطمه، بانوی زنان عالم، درود فرست.

و بر دو نوهٔ [پیامبر] رحمت، و دو پیشوای هدایت، حسن و حسین، آقای جوانان بهشتی، درود فرست.

و بر پیشوایان مسلمانان: علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و علی بن محمّد و حسن بن علی و جانشین [او] مهدی، این حجّت‌های تو بر بندگانت و معتمدان تو در

صَلاةً كَثيرَةً دائِمَةً.

اللّٰهُمَّ وصَلِّ عَلىٰ وَليِّ أمرِكَ القائِمِ المُؤَمَّلِ، وَالعَدلِ المُنتَظَرِ، وحُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ، وأيِّدهُ بِروحِ القُدُسِ يا رَبَّ العالَمينَ.[1]

٣١٤٣. **الاحتجاج عن محمّد بن عبدالله بن جعفر الحميري** ـ مِن تَوقيعٍ خَرَجَ مِنَ النّاحِيَةِ المُقَدَّسَةِ بَعدَ الزِّيارَةِ المَعروفَةِ بِزِيارَةِ آلِ ياسينَ ـ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ[2] حُجَّتِكَ في أرضِكَ، وخَليفَتِكَ في بِلادِكَ، وَالدّاعي إلىٰ سَبيلِكَ، وَالقائِمِ بِقِسطِكَ، وَالثّائِرِ بِأمرِكَ، وَليِّ المُؤمِنينَ، وبَوارِ الكافِرينَ، ومُجَلِّي الظُّلمَةِ، ومُنيرِ الحَقِّ، وَالسّاطِعِ بِالحِكمَةِ وَالصِّدقِ، وكَلِمَتِكَ التّامَّةِ في أرضِكَ، المُرتَقِبِ الخائِفِ، وَالوَليِّ النّاصِحِ، سَفينَةِ النَّجاةِ، وعَلَمِ الهُدىٰ، ونورِ أبصارِ الوَرىٰ، وخَيرِ مَن تَقَمَّصَ وَارتَدىٰ، ومُجَلِّي العَمىٰ، الَّذي يَملَأُ الأَرضَ عَدلاً وقِسطاً كَما مُلِئَت ظُلماً وجَوراً، إنَّك عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وابنِ أولِيائِكَ، الَّذينَ فَرَضتَ طاعَتَهُم وأوجَبتَ حَقَّهُم، وأذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيراً.

اللّٰهُمَّ انصُر[هُ] وَانتَصِر بِهِ [لِدينِكَ، وَانصُر بِهِ][3] أولِياءَكَ وأولِياءَهُ وشيعَتَهُ وأنصارَهُ وَاجعَلنا مِنهُم.

اللّٰهُمَّ أعِذهُ مِن شَرِّ كُلِّ باغٍ وطاغٍ، ومِن شَرِّ جَميعِ خَلقِكَ، وَاحفَظهُ مِن بَينِ يَدَيهِ

---

١. الإقبال: ج ١ ص ١٣٨، مصباح المتهجّد: ص ٥٧٨ ح ٦٩٠، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٠٨ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ١٦٦ ح ١٤.

٢. في بعض نسخ المصدر الخطّية: «اللّهمّ صلّ على م ح م د ابن الحسن المنتظر ...».

٣. أثبتنا ما بين المعقوفين من بحار الأنوار.

شهرهایت، درود فرست؛ درودی بسیار و پایدار.

بار خدایا! بر ولیّ امر خود ـ که همگان آرزوی ظهور او را دارند و در انتظار عدالت اویند ـ درود فرست و او را در احاطهٔ فرشتگان مقرّب خود قرار ده، و با روح القدس، پشتیبانی‌اش فرما، ای پروردگار جهانیان!

۳۱۴۴. **الاحتجاج** ـ به نقل از محمّد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از توقیعی که پس از زیارت معروف به «زیارت آل یاسین» از ناحیهٔ مقدّسه صادر شد ـ: بار خدایا! بر محمّد، این حجّت تو در زمینت، و جانشین تو در سرزمینت، و دعوت کننده به راه تو، و برپادارندهٔ عدالت تو، و خونخواه (/قیام کننده) به فرمان تو، و سرپرست مؤمنان، و نابود کنندهٔ کافران، و زدایندهٔ تاریکی‌ها، و روشن کنندهٔ حق، و برافروزندهٔ [چراغ] حکمت و راستی، و کلمهٔ تامّ تو در زمینت، آن نگران بیمناک، و دوست خیرخواه، و کشتی نجات، و نشان هدایت، و نور دیدگان مردم، و بهترین کسی که پیراهن و ردا بر تن کرده است، و برطرف کنندهٔ کوری، همان که زمینِ آکنده از ستم و بیداد را پُر از عدالت و داد می‌کند، درود فرست، که به راستی، تو بر هر چیز، توانایی.

بار خدایا! بر ولیّ‌ات و فرزند اولیایت، همانان که اطاعت از ایشان را فریضه قرار دادی و حقّشان را واجب گردانیدی و پلیدی را از ایشان بردی و پاک پاکشان ساختی، درود فرست.

بار خدایا! او را یاری ده، و به وسیلهٔ او [دینت را] یاری رسان و به وسیلهٔ او دوستانت و دوستان و شیعیان و هواداران او را [یاری رسان]، و ما را در زمرهٔ ایشان قرار ده.

بار خدایا! او را از گزند هر ستمگر و سرکشی، و از گزند همهٔ آفریدگانت، در پناه خویش دار، و از پیش رو و از پشت سر و از راست و از چپش او را محافظت

ومِن خَلفِهِ وعَن يَمينِهِ وعَن شِمالِهِ، وَاحرُسهُ وَامنَعهُ مِن أن يوصَلَ إلَيهِ بِسوءٍ، وَاحفَظ فيهِ رَسولَكَ وآلَ رسولِكَ، وأظهِر بِهِ العَدلَ، وأيِّدهُ بِالنَّصرِ، وَانصُر ناصِريهِ، وَاخذُل خاذِليهِ، وَاقصِم بِهِ جَبابِرَةَ الكَفَرَةِ[1]، وَاقتُل بِهِ الكُفّارَ وَالمُنافِقينَ وجَميعَ المُلحِدينَ حَيثُ كانوا في مَشارِقِ الأَرضِ ومَغارِبِها، بَرِّها وبَحرِها، وَاملَأ بِهِ الأَرضَ عَدلاً وأظهِر بِهِ دينَ نَبِيِّكَ، وَاجعَلني اللّٰهُمَّ مِن أنصارِهِ وأعوانِهِ وأتباعِهِ وشيعَتِهِ، وأرِني في آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ ما يَأمُلونَ، وفي عَدُوِّهِم ما يَحذَرونَ، إلٰهَ الحَقِّ آمينَ، يا ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[2]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١. في بعض نسخ المصدر الخطّيّة وبحار الأنوار: «جبابرة الكفر».

٢. الاحتجاج: ج ٢ ص ٥٩١ ح ٣٥٨، بحار الأنوار: ج ٥٣ ص ١٧١ ح ٥ وج ١٠٢ ص ٨١ ح ١ وراجع مصباح الزائر: ص ٤٣٠ والمزار الكبير: ص ٥٦٦ ـ ٥٧٣.

فرما، و از این که به او بدی و آسیبی رسد، پاسداری و نگهداری‌اش کن، و در وجود او، پیامبر و خاندان پیامبرت را نگه دار، و به واسطهٔ او، عدالت را آشکار گردان، و با نصرت خویش مددش رسان، و یاوران او را یاری رسان، و وا گذارندگانش را وا گذار، و به وسیلهٔ او، سردمداران کافران را نابود کن، و کافران و منافقان و همهٔ بی‌دینان را ـ در هر کجای زمین، شرق و غرب و خشکی و دریای آن، که باشند ـ به قتل رسان، و به واسطهٔ او، زمین را از عدالت، آکنده ساز، و دین پیامبرت را آشکار (چیره) گردان، و مرا ـ ای خداوند ـ در زمرهٔ یاران و کمککاران و پیروان و شیعیان او در آور، و مرا شاهد رسیدن خاندان محمّدﷺ به آرزوهایشان، و آنچه دشمنانشان از آن بیمناکند قرار ده. آمین، ای معبود راستین، ای پروردگار شُکوه و ارج، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فهرست‌ها

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. فهرست آیات ۵۱۷
۲. فهرست اعلام ۵۴۷
۳. فهرست ادیان، فرقه‌ها و مذاهب ۵۶۷
۴. فهرست جمعیت‌ها و قبیله‌ها ۵۶۹
۵. فهرست شهرها و مکان‌ها ۵۷۳
۶. فهرست زمان‌ها و روزها ۵۷۵
۷. فهرست منابع و مآخذ ۵۷۷
فهرست تفصیلی ۶۰۱


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فهرس الآيات

الآية	الرقم	الصفحة
الفاتحة		
﴿بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾	١	١/ ٣٢٤، ٣٣٠، ٣٣٢، ٣٣٤، ٣٣٨، ٣٤٤، ٣٤٦، ٣٤٨، ٣٥٠، ٣٥٢، ٣٥٤، ٣٥٦، ٣٩٢، ٣٩٨، ٤٠٠، ٤٠٨، ٤١٠، ٤١٢، ٤١٤، ٤١٦، ٤١٨
﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ﴾	٢	١/ ٣٤٨، ٣٥٠؛ ٢/ ١٨٨، ١٩٠، ٢٠٢، ٢٠٦، ٢٢٤
﴿ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾	٣	١/ ٣٥٠
﴿مَـٰلِكِ يَوْمِ ٱلدِّينِ﴾	٤	١/ ٣٥٠
﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾	٥	١/ ٣٥٠
﴿ٱهْدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلْمُسْتَقِيمَ﴾	٦	١/ ٣٥٠

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

﴿صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنعَمتَ عَلَيهِمۡ غَيرِ ٱلمَغضُوبِ عَلَيهِمۡ...﴾ ٧ ١/ ٣٥٢

البقرة

﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَومِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَأمُرُكُم أَن تَذۡبَحُواْ...﴾ ٦٧ ٣/ ٣٠٢
﴿وَإِنَّآ إِن شَآءَ ٱللَّهُ لَمُهۡتَدُونَ﴾ ٧٠ ٣/ ١٦٦
﴿يَتۡلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ﴾ ١٢١ ٣/ ٣٩٦
﴿فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلعَلِيمُ﴾ ١٣٧ ٣/ ٥٤٤، ٥٥٦
﴿فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ﴾ ١٥٢ ١/ ١٠٠، ١١٤، ٢١٢، ٢١٤، ٢١٦، ٢٢٠
﴿وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ﴾ ١٨٥ ٣/ ٤٤
﴿وَلِتُكۡمِلُواْ ٱلعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ...﴾ ١٨٥ ٣/ ٤٢
﴿فَإِذَآ أَفَضتُم مِّنۡ عَرَفَٰتٖ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ عِندَ ٱلمَشۡعَرِ...﴾ ١٩٨ ١/ ١٧٦
﴿لَيسَ عَلَيكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ فَإِذَآ...﴾ ١٩٨ ١/ ١٧٦
﴿ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنۡ حَيثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱستَغۡفِرُواْ ٱللَّهَ...﴾ ١٩٩ ١/ ١٧٦؛ ٤/ ١٧٦، ١٧٨، ٢٧٦
﴿فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكۡرِكُمۡ ءَابَآءَكُمۡ أَوۡ أَشَدَّ ذِكۡرٗا﴾ ١٩٩ ١/ ١٧٨
﴿وَٱستَغۡفِرُواْ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾ ١٩٩ ٤/ ٥٨
﴿فَإِذَا قَضَيتُم مَّنَاسِكَكُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكۡرِكُمۡ ءَابَآءَكُمۡ...﴾ ٢٠٠ ١/ ١٧٦
﴿وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡدُودَٰتٖ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَومَينِ...﴾ ٢٠٣ ١/ ١٧٤، ١٧٦؛ ٣/ ٥٦
﴿وَيُحِبُّ ٱلمُتَطَهِّرِينَ﴾ ٢٢٢ ٤/ ٩٢
﴿لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلحَيُّ ٱلقَيُّومُ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَومٞ لَّهُۥ مَا...﴾ ٢٥٥ ٣/ ٥٧٦

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

آل‌عمران

﴿ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا...﴾	١٦	٤/ ١٠٠
﴿ٱلصَّـٰبِرِينَ وَٱلصَّـٰدِقِينَ وَٱلْقَـٰنِتِينَ وَٱلْمُنفِقِينَ ...﴾	١٧	٤/ ١٠٠، ١٠٢، ١٠٤، ٢٧٨
﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ وَأُوْلُوا۟ ٱلْعِلْمِ ...﴾	١٨	٤/ ٢٣٢
﴿إِذْ قَالَتِ ٱمْرَأَتُ عِمْرَٰنَ رَبِّ إِنِّى نَذَرْتُ لَكَ مَا فِى بَطْنِى...﴾	٣٥	٣/ ٢٨٢، ٤١٨
﴿فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّى وَضَعْتُهَآ أُنثَىٰ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ...﴾	٣٦	٣/ ٢٨٢، ٤٢٠
﴿إِنِّىٓ أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ ٱلشَّيْطَـٰنِ ٱلرَّجِيمِ﴾	٣٦	٣/ ٤٢٠
﴿قَالَ رَبِّ ٱجْعَل لِّىٓ ءَايَةً قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ...﴾	٤١	١/ ٢٦، ٤٩٤
﴿وَٱذْكُر رَّبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِٱلْعَشِىِّ وَٱلْإِبْكَـٰرِ﴾	٤١	١/ ١٧٠
﴿ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ﴾	١٠٢	١/ ٤٤
﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا۟ فَـٰحِشَةً أَوْ ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا۟...﴾	١٣٥	١/ ٢٢٤؛ ٤/ ٤٨، ٥٨، ٢٧٨
﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلْقَلْبِ...﴾	١٥٩	٤/ ٢٠٤
﴿فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِى ٱلْأَمْرِ فَإِذَا...﴾	١٥٩	٤/ ٢٧٨
﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا۟ بَلَىٰ﴾	١٧٢	٤/ ٣٣٠
﴿ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدْ جَمَعُوا۟ لَكُمْ ...﴾	١٧٣	٣/ ١٨٤
﴿فَٱنقَلَبُوا۟ بِنِعْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوٓءٌ﴾	١٧٤	٣/ ١٨٦
﴿إِنَّ فِى خَلْقِ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَـٰفِ ٱلَّيْلِ...﴾	١٩٠	١/ ٤٢
﴿ٱلَّذِينَ يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَـٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ...﴾	١٩١	١/ ٤٢، ٦٠

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

النساء

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَاتَقْرَبُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنتُمْ سُكَـٰرَىٰ...﴾ ٤٣ ١/ ١٥٤

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ...﴾ ٦٤ ٤/ ١٧٤

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّـلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ...﴾ ٦٤ ٤/ ١٧٤، ١٧٦، ١٩٨، ٢٧٨

٣١٢

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَاذْكُرُواْ ٱللَّهَ قِيَـٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ...﴾ ١٠٣ ١/ ٤٤

﴿وَٱسْتَغْفِرِ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ ١٠٦ ٤/ ٥٨

﴿وَمَن يَعْمَلْ سُوٓءًا أَوْ يَظْـلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ ٱللَّهَ يَجِدِ...﴾ ١١٠ ٤/ ٥٨، ٢٧٨

﴿إِنَّ ٱلْمُنَـٰفِقِينَ يُخَـٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَـٰدِعُهُمْ وَإِذَا قَامُواْ...﴾ ١٤٢ ١/ ٢٨

﴿يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَايَذْكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ ١٤٢ ١/ ١١٤

﴿مَا يَفْعَلُ ٱللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَءَامَنتُمْ﴾ ١٤٧ ٤/ ٧٦

المائدة

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قُمْتُمْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ فَاغْسِلُواْ...﴾ ٦ ١/ ١٥٤

﴿أَفَلَايَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ ٧٤ ٤/ ٥٨، ٢٧٨

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيْطَـٰنُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ...﴾ ٩١ ١/ ١٤٢

الأنعام

﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ...﴾ ١ ٢/ ١٩٨، ٢٦٠، ٣٢٨

﴿قُلْ أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتَـٰكُمْ عَذَابُ ٱللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ ٱلسَّاعَةُ أَغَيْرَ...﴾ ٤٠ ١/ ٣٢٨

﴿بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ ...﴾	٤١	١/ ٣٢٨
﴿فَقُطِعَ دَابِرُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ وَٱلْحَمْدُ...﴾	٤٥	٢/ ٢٠٠
﴿أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ﴾	٦٥	٣/ ٢٢٨
﴿أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا﴾	٦٥	٣/ ٢٢٨
﴿قُلْ هُوَ ٱلْقَادِرُ عَلَىٰٓ أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ﴾	٦٥	٣/ ٢٢٨
﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِىٍّ عَدُوًّا شَيَٰطِينَ ٱلْإِنسِ وَٱلْجِنِّ...﴾	١١٢	٣/ ٢٩٠
﴿شَيَٰطِينَ ٱلْإِنسِ وَٱلْجِنِّ﴾	١١٢	٣/ ٢٩٢
﴿فَكُلُوا۟ مِمَّا ذُكِرَ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَيْهِ إِن كُنتُم بِـَٔايَـٰتِهِۦ مُؤْمِنِينَ﴾	١١٨	١/ ٣٧٠

الأعراف

﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى هَدَىٰنَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلَآ أَنْ...﴾	٤٣	١/ ٣٨٢
﴿وَقَالُوا۟ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى هَدَىٰنَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِىَ...﴾	٤٣	٢/ ٢٠٤
﴿فَٱلْيَوْمَ نَنسَىٰهُمْ كَمَا نَسُوا۟ لِقَآءَ يَوْمِهِمْ هَٰذَا﴾	٥١	١/ ٢٨٢
﴿سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾	١٨٢	٤/ ٤٦، ٤٨
﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ نَزْغٌ فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ ...﴾	٢٠٠	٣/ ١٩٦، ٢٥٢، ٢٨٢
﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ إِذَا مَسَّهُمْ طَٰٓئِفٌ مِّنَ ٱلشَّيْطَٰنِ تَذَكَّرُوا۟...﴾	٢٠١	١/ ١١٠، ٢٢٤، ٢٢٦؛ ٣/ ٢٨٢
﴿بِٱلْغُدُوِّ وَٱلْـَٔاصَالِ﴾	٢٠٥	١/ ١٢٤
﴿وَدُونَ ٱلْجَهْرِ مِنَ ٱلْقَوْلِ﴾	٢٠٥	١/ ١٢٤
﴿وَٱذْكُر رَّبَّكَ فِى نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ...﴾	٢٠٥	١/ ١٢٤، ١٢٦، ١٥٦، ١٧٠

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَايَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ ...﴾ ٢٠٦ ٢/ ١٠٤

الأنفال

﴿إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ...﴾ ٢ ١/ ١٥٦
﴿وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّمَا أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَٰدُكُمْ فِتْنَةٌ﴾ ٢٨ ٣/ ٣٠٨
﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ...﴾ ٣٣ ٤/ ٦٨، ٧٤، ٧٦
﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُواْ وَٱذْكُرُواْ...﴾ ٤٥ ١/ ١٨٢

التوبة

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُواْ مَا ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُواْ حَسْبُنَا...﴾ ٥٩ ٢/ ٢٧٠
﴿ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتُ بَعْضُهُم مِّنۢ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ...﴾ ٦٧ ١/ ٢٨٠
﴿نَسُواْ ٱللَّهَ فَنَسِيَهُمْ﴾ ٦٧ ١/ ٢٨٠
﴿وَمَا نَقَمُوٓاْ إِلَّآ أَنْ أَغْنَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُ مِن فَضْلِهِ﴾ ٧٤ ٢/ ٢٧٠
﴿إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ﴾ ٨٠ ٤/ ٩٢
﴿ٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَاتَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ...﴾ ٨٠ ٤/ ١٩٦، ٢٨٠
﴿وَلَاتُصَلِّ عَلَىٰٓ أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَاتَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِۦٓ﴾ ٨٤ ٤/ ١٩٨
﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ﴾ ١٠٣ ٤/ ٤٥٢
﴿ٱلتَّٰٓئِبُونَ ٱلْعَٰبِدُونَ ٱلْحَٰمِدُونَ ٱلسَّٰٓئِحُونَ ٱلرَّٰكِعُونَ...﴾ ١١٢ ٢/ ٢١٨، ٢٢٠
﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسْتَغْفِرُواْ لِلْمُشْرِكِينَ...﴾ ١١٣ ٤/ ١٩٢، ١٩٤، ٢٨٠
﴿وَمَا كَانَ ٱسْتِغْفَارُ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَآ...﴾ ١١٤ ٤/ ١٩٢، ١٩٤، ١٩٦

﴿فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ﴾ ١١٤ ٤/ ١٩٦

﴿وَمَا كَانَ ٱسْتِغْفَارُ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ﴾ ١١٤ ٤/ ٢٨٠

﴿وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ...﴾ ١١٨ ٣/ ٢١٨

﴿لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ...﴾ ١٢٨ ٤/ ٤٥٦

﴿فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُلْ حَسْبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ...﴾ ١٢٩ ٣/ ٢٥٦

يونس

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم ...﴾ ٩ ٢/ ٢١٠

﴿دَعْوَىٰهُمْ فِيهَا سُبْحَٰنَكَ ٱللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَٰمٌ وَءَاخِرُ...﴾ ١٠ ١/ ٤٤٨، ٤٦٠، ٤٦٢، ٤٧٤؛ ٢/ ٢٠٢، ٢١٠، ٢١٢

﴿سُبْحَٰنَكَ ٱللَّهُمَّ﴾ ١٠ ١/ ٤٦٢

﴿وَءَاخِرُ دَعْوَىٰهُمْ أَنِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾ ١٠ ١/ ٤٦٢؛ ٢/ ٢١٢

﴿أَلَآ إِنَّ أَوْلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ٦٢ ١/ ٨٦

هود

﴿وَأَنِ ٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَٰعًا حَسَنًا...﴾ ٣ ٤/ ٨٤، ٢٨٠

﴿وَقَالَ ٱرْكَبُواْ فِيهَا بِسْمِ ٱللَّهِ مَجْرٖىٰهَا وَمُرْسَىٰهَآ إِنَّ رَبِّي...﴾ ٤١ ١/ ٣٥٦، ٤٠٢

﴿قَالَ يَٰنُوحُ إِنَّهُۥ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُۥ عَمَلٌ غَيْرُ صَٰلِحٖ...﴾ ٤٦ ٣/ ٣٠٢

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِۦ عِلْمٌ وَإِلَّا...﴾ ٤٧ ٣/ ٣٠٢

﴿وَيَٰقَوْمِ ٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ يُرْسِلِ ٱلسَّمَآءَ...﴾ ٥٢ ٤/ ٨٤

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

﴿وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ﴾	٥٢	٤/ ٩٤
﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم...﴾	٥٢	٤/ ٢٨٢
﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا...﴾	٦١	٤/ ٨٤
﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ...﴾	٦١	٤/ ٢٨٠
﴿وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾	٩٠	٤/ ٢٤، ٢٨٠

يوسف

﴿وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ...﴾	٢٣	٣/ ٢٩٤
﴿وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ﴾	٢٩	٤/ ٢٨٢
﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي﴾	٥٣	٣/ ٢٩٤
﴿فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾	٦٤	١/ ٤٠٢
﴿قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا...﴾	٧٨	٣/ ٣٢٢
﴿قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِندَهُ إِنَّا إِذًا...﴾	٧٩	٣/ ٣٢٢
﴿تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَاطِئِينَ﴾	٩١	٤/ ٢٠٠
﴿قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ...﴾	٩٢	٤/ ٢٠٠
﴿أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾	٩٦	٤/ ١٠٠
﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾	٩٧	٤/ ١٠٠، ٢٠٠
﴿يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾	٩٧	٤/ ٢٨٢
﴿قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾	٩٨	٤/ ١٠٠، ١٠٢، ٢٠٠

الرعد

﴿سَوَاءٌ مِّنكُم مَّنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَن جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ...﴾	١٠	٢/ ٢٧٦

﴿وَيُسَبِّحُ ٱلرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِۦ وَيُرْسِلُ...﴾ ١٣ ٢/ ١٣٠

﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا...﴾ ١٥ ١/ ١٧٠

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ ٱللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ ٱللَّهِ...﴾ ٢٨ ١/ ٢٣٢

إبراهيم

﴿لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ ٧ ٢/ ٢٢٤؛ ٤/ ٨٨

﴿رَبَّنَا ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ ٱلْحِسَابُ﴾ ٤١ ٤/ ١٨٠

الحجر

﴿إِنَّ عِبَادِى لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَـٰنٌ إِلَّا مَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ...﴾ ٤٢ ٣/ ٢٥٢

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَـٰكَ سَبْعًا مِّنَ ٱلْمَثَانِى وَٱلْقُرْءَانَ ٱلْعَظِيمَ﴾ ٨٧ ١/ ٣٣٨

﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾ ٩٧ ١/ ٤٧٤

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّـٰجِدِينَ﴾ ٩٨ ١/ ٤٧٤

﴿وَٱعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ ٱلْيَقِينُ﴾ ٩٩ ١/ ٤٧٤

النحل

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ ٱلْقُرْءَانَ فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيْطَـٰنِ ٱلرَّجِيمِ﴾ ٩٨ ٣/ ١٩٨، ٢٣٤، ٢٨٢، ٣٩٠

﴿إِنَّهُۥ لَيْسَ لَهُۥ سُلْطَـٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ...﴾ ٩٩ ١/ ٢٣٢؛ ٣/ ٢٥٤، ٢٨٢

الإسراء

﴿وَإِن مِّن شَىْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِۦ وَلَـٰكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾ ٤٤ ٢/ ١١٦، ١٢٨، ١٤٤، ١٤٦

﴿تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَـٰوَٰتُ ٱلسَّبْعُ وَٱلْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ وَإِن...﴾	٤٤	٢/ ١٣٠
﴿وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِى ٱلْقُرْءَانِ وَحْدَهُ وَلَّوْا۟ عَلَىٰٓ أَدْبَـٰرِهِمْ...﴾	٤٦	١/ ٤٠٨، ٤١٠، ٤١٢
﴿وَلَّوْا۟ عَلَىٰٓ أَدْبَـٰرِهِمْ نُفُورًا﴾	٤٦	١/ ٤١٠
﴿وَشَارِكْهُمْ فِى ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَوْلَـٰدِ﴾	٦٤	٣/ ٤١٨
﴿ٱدْعُوا۟ ٱللَّهَ أَوِ ٱدْعُوا۟ ٱلرَّحْمَـٰنَ﴾	١١٠	١/ ٣٥٦
﴿وَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٌ...﴾	١١١	٢/ ٦٠
﴿وَلَـئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ...﴾	١١١	٢/ ٢٠٢

الكهف

﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ ٱلْكِتَـٰبَ وَلَمْ يَجْعَل...﴾	١	٢/ ٢٦٠
﴿إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا﴾	٥	٢/ ٢٦٠
﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَا۟ىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا﴾	٢٣	٣/ ١٦٤، ١٦٦، ١٧٢، ١٧٤، ١٧٨، ١٨٠
﴿إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ وَٱذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰٓ أَن...﴾	٢٤	٣/ ١٦٤، ١٧٢، ١٧٨، ١٨٠
﴿وَٱذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾	٢٤	٣/ ١٧٦، ١٧٨، ١٨٠
﴿وَٱصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِىِّ...﴾	٢٨	١/ ١٧٠، ٢٦٤، ٤٩٦
﴿وَكَانَ أَمْرُهُۥ فُرُطًا﴾	٢٨	١/ ٢٦٤
﴿وَٱضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ...﴾	٣٢	٣/ ١١٠
﴿أَنَا۠ أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا﴾	٣٤	٣/ ١١٠
﴿مَّآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَـٰذِهِۦٓ أَبَدًا﴾	٣٥	٣/ ١١٠

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُ﴾	٣٥	٣/ ١١٠
﴿وَمَا أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةً وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّى لَأَجِدَنَّ ...﴾	٣٦	٣/ ١١٠
﴿أَكَفَرْتَ بِٱلَّذِى خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلًا﴾	٣٧	٣/ ١١٠
﴿لَّٰكِنَّا۠ هُوَ ٱللَّهُ رَبِّى وَلَآ أُشْرِكُ بِرَبِّىٓ أَحَدًا﴾	٣٨	٣/ ١١٠
﴿وَلَوْلَآ إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِ...﴾	٣٩	٣/ ١٠٨، ١١٠
﴿فَعَسَىٰ رَبِّىٓ أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا...﴾	٤٠	٣/ ١١٠
﴿أَوْ يُصْبِحَ مَآؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبًا﴾	٤١	٣/ ١١٠
﴿يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا...﴾	٤٢	٣/ ١١٠
﴿وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا...﴾	٤٣	٣/ ١١٠
﴿وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓا۟ إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوٓا۟...﴾	٥٥	٤/ ٧٤، ٢٨٢
﴿سَتَجِدُنِىٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرًا﴾	٦٩	٣/ ١٧٠
﴿وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَٰفِرِينَ عَرْضًا﴾	١٠٠	١/ ٢٩٠
﴿ٱلَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِى غِطَآءٍ عَن ذِكْرِى وَكَانُوا۟...﴾	١٠١	١/ ٢٩٠
﴿قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَىَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ...﴾	١١٠	٤/ ٢٣٠

مريم

﴿فَأَوْحَىٰٓ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا۟ بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾	١١	١/ ٤٩٢
﴿قَالَتْ إِنِّىٓ أَعُوذُ بِٱلرَّحْمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا﴾	١٨	٣/ ٢٢٦، ٥٤٤
﴿سَلَٰمٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّىٓ إِنَّهُۥ كَانَ بِى حَفِيًّا﴾	٤٧	٤/ ٢٨٢
﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾	٦٤	١/ ٢٨٠

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

طه

﴿اَلرَّحْمَـٰنُ عَلَى اَلْعَرْشِ اَسْتَوَىٰ﴾	۵	۳/ ۱۰۴
﴿وَأَقِمِ اَلصَّلَوٰةَ لِذِكْرِى﴾	۱۴	۱/ ۹۴
﴿قَالَ رَبِّ اَشْرَحْ لِى صَدْرِى﴾	۲۴	۱/ ۲۶
﴿وَيَسِّرْ لِى أَمْرِى﴾	۲۵	۱/ ۲۶
﴿وَاَحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِى﴾	۲۶	۱/ ۲۶
﴿يَفْقَهُوا قَوْلِى﴾	۲۷	۱/ ۲۶
﴿وَاَجْعَل لِّى وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِى﴾	۲۸	۱/ ۲۶
﴿هَـٰرُونَ أَخِى﴾	۲۹	۱/ ۲۶
﴿اَشْدُدْ بِهِ أَزْرِى﴾	۳۰	۱/ ۲۶
﴿وَأَشْرِكْهُ فِى أَمْرِى﴾	۳۱	۱/ ۲۶
﴿كَىْ نُسَبِّحَكَ كَثِيراً﴾	۳۲	۱/ ۲۶
﴿وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا﴾	۳۳	۱/ ۲۸
﴿قَالَ لَاتَخَافَا إِنَّنِى مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ﴾	۴۶	۳/ ۵۴۴
﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ ءَادَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِىَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾	۱۱۵	۳/ ۱۷۲
﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِى فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنكًا وَنَحْشُرُهُ﴾	۱۲۴	۱/ ۲۸۶
﴿قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِى أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنتُ بَصِيرًا﴾	۱۲۵	۱/ ۲۸۸
﴿قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ ءَايَـٰتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَٰلِكَ ٱلْيَوْمَ تُنسَىٰ﴾	۱۲۶	۱/ ۲۸۸
﴿وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِـَٔايَـٰتِ رَبِّهِ ...﴾	۱۲۷	۱/ ۲۸۸
﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ...﴾	۱۳۰	۱/ ۴۷۰، ۵۰۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ...﴾ ١٣٠ ١/ ٥٠٠؛ ٢/ ٢٣٠

الأنبياء

﴿وَلَهُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَنْ عِندَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ...﴾ ١٩ ٢/ ١٠٦
﴿يُسَبِّحُونَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ﴾ ٢٠ ٢/ ١٠٦، ١١٤؛ ٤/ ٣٣٨
﴿لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْـَٔلُونَ﴾ ٢٣ ٢/ ٣٩٦
﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ...﴾ ٢٥ ٢/ ٤٤٦
﴿قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحْمَٰنِ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ...﴾ ٤٢ ١/ ٢٩٠
﴿وَأَرَادُوا۟ بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَخْسَرِينَ﴾ ٧٠ ٣/ ٥٤٦
﴿فَفَهَّمْنَٰهَا سُلَيْمَٰنَ وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ...﴾ ٧٩ ٢/ ١٤٠
﴿وَٱلطَّيْرَ...﴾ ٧٩ ٢/ ١٤٠
﴿وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ...﴾ ٨٧ ١/ ٤٨٤
﴿لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبْحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ ٨٧ ١/ ٤٨٦
﴿فَٱسْتَجَبْنَا لَهُۥ وَنَجَّيْنَٰهُ مِنَ ٱلْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنجِي ٱلْمُؤْمِنِينَ﴾ ٨٨ ١/ ٤٨٤، ٤٨٦
﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْوَٰرِثِينَ﴾ ٨٩ ٤/ ٩٤

الحجّ

﴿وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ...﴾ ٢٧ ١/ ١٧٤
﴿لِّيَشْهَدُوا۟ مَنَٰفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ فِي أَيَّامٍ...﴾ ٢٨ ١/ ١٧٤
﴿وَبَشِّرِ ٱلْمُخْبِتِينَ﴾ ٣٤ ١/ ١٥٦

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

﴿ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَٱلصَّـٰبِرِينَ عَلَىٰ مَا ...﴾ ٣٥ ١/ ١٥٦

المؤمنون

﴿ٱخْسَـُٔوا۟ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ﴾ ١٨ ٣/ ٥٤٤

﴿فَمَا ٱسْتَكَانُوا۟ لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾ ٧٦ ٣/ ٦٨؛ ٤/ ٢٧٤، ٣١٢

﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَـٰطِينِ﴾ ٩٧ ٣/ ١٩٦، ٢٨٢، ٢٨٤

﴿وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ﴾ ٩٨ ٣/ ١٩٦، ٢٨٢

﴿قَالُوا۟ رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَآلِّينَ﴾ ١٠٦ ١/ ٢٨٨

﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَـٰلِمُونَ﴾ ١٠٧ ١/ ٢٨٨

﴿قَالَ ٱخْسَـُٔوا۟ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ﴾ ١٠٨ ١/ ٢٨٨

﴿إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا...﴾ ١٠٩ ١/ ٢٨٨

﴿فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ...﴾ ١١٠ ١/ ٢٨٨، ٢٩٨

﴿إِنِّى جَزَيْتُهُمُ ٱلْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوٓا۟ أَنَّهُمْ هُمُ...﴾ ١١١ ١/ ٢٩٨

النور

﴿فِى بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا ٱسْمُهُۥ يُسَبِّحُ...﴾ ٣٦ ١/ ٧٦، ٤٩٢

﴿يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلْغُدُوِّ وَٱلْـَٔاصَالِ﴾ ٣٦ ١/ ٧٨، ٢٣٦

﴿فِى بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا ٱسْمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ...﴾ ٣٦ ١/ ٧٦، ٤٩٢

﴿رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَـٰرَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ...﴾ ٣٧ ١/ ٧٦، ٧٨، ٨٠، ٨٢، ٢٣٦، ٥٢٢

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَـٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ...﴾ ٤١ ٢/ ١١٤

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا...﴾ ٦٢ ٤/ ٢٠٤

﴿فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ...﴾ ٦٢ ٤/ ٢٨٢

الفرقان

﴿قَالُوا سُبْحَـٰنَكَ مَا كَانَ يَنبَغِي لَنَا أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ ...﴾ ١٨ ١/ ٢٩٠

﴿إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَـٰمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ ٤٤ ٢/ ٣٩٦

﴿خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا﴾ ٥٤ ٢/ ٤٢٢

﴿قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾ ٧٧ ٤/ ٧٦

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الشعراء

﴿وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ﴾ ٢٢٤ ١/ ٢٨

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ﴾ ٢٢٥ ١/ ٢٨

﴿وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ﴾ ٢٢٦ ١/ ٢٨

﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّـٰلِحَـٰتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا...﴾ ٢٢٧ ١/ ٢٨

النمل

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَـٰنَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي...﴾ ١٥ ٢/ ٢٤٠

﴿إِنَّهُ مِن سُلَيْمَـٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَـٰنِ...﴾ ٣٠ ١/ ٣٥٦، ٣٥٨

﴿قَالَ يَـٰقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا ...﴾ ٤٦ ٤/ ٤٦، ٢٨٤

﴿اَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَـٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ اَلَّذِينَ اَصْطَفَىٰ ءَاللَّهُ خَيْرٌ...﴾ ٥٩ ٢/ ٢٦٠

﴿وَقُلِ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ ءَايَـٰتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ...﴾ ٩٣ ٢/ ٢٠٢

القصص

﴿قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَـٰنًا فَلَا...﴾ ٣٥ ٣/ ٥٤٤

﴿قَالُوا۟ سِحْرَانِ تَظَـٰهَرَا﴾ ٤٨ ٣/ ١٦٦

﴿وَقَالُوٓا۟ إِنَّا بِكُلٍّ كَـٰفِرُونَ﴾ ٤٨ ٣/ ١٦٦

﴿وَهُوَ ٱللَّهُ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ ٱلْحَمْدُ فِى ٱلْأُولَىٰ وَٱلْـَٔاخِرَةِ وَلَهُ...﴾ ٧٠ ٢/ ١٩٨

العنكبوت

﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَآءِ وَٱلْمُنكَرِ﴾ ٤٥ ١/ ٩٤

﴿وَلَذِكْرُ ٱللَّهِ أَكْبَرُ﴾ ٤٥ ١/ ١٠٠، ٢١٦

﴿وَلَـٰٓئِن سَأَلْتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ...﴾ ٦٣ ٢/ ٢٠٢

الرّوم

﴿فَسُبْحَـٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾ ١٧ ١/ ٤٩٢، ٤٩٦؛ ٢/ ٤٤، ٦٠

﴿وَلَهُ ٱلْحَمْدُ فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾ ١٨ ١/ ٤٩٢، ٤٩٦؛ ٢/ ٤٦، ٦٠

﴿يُخْرِجُ ٱلْحَىَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَىِّ...﴾ ١٩ ٢/ ٦٠

لقمان

﴿اَلْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَايَعْلَمُونَ﴾ ٢٥ ٢/ ٢٦٠

السجدة

﴿إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِـَٔايَـٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا۟ بِهَا خَرُّوا۟ سُجَّدًا...﴾ ١٥ ١/ ٤٧٤

﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ ٱلْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا﴾ ١٦ ١/ ٧٦

﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ ٱلْمَضَاجِعِ﴾ ١٦ ١/ ٢٠٠

الأحزاب

﴿وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرًا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ﴾ ٣٥ ١/ ٢٨

﴿إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَـٰتِ وَٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَـٰتِ...﴾ ٣٥ ١/ ٥٨

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ ٤١ ١/ ٢٦، ٤٠

﴿ٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ ٤١ ١/ ٨٤، ١١٤، ١١٦، ٤٩٤؛ ٢/ ٨٨

﴿وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ ٤٢ ١/ ٢٦، ٤٠، ٤٩٤

﴿لِيُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَـٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ وَكَانَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ ٤٣ ٤/ ٣٧٨

﴿هُوَ ٱلَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَمَلَـٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ...﴾ ٤٣ ٤/ ٤٥٢

﴿تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُۥ سَلَـٰمٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا﴾ ٤٤ ٤/ ٤٥٢

﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَـٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ...﴾ ٥٦ ٤/ ٣٢٨، ٣٣٠، ٣٣٦، ٣٣٨، ٤٥٨، ٤٦٦

﴿وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا﴾ ٥٦ ٤/ ٣٢٨

سبأ

﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ...﴾ ١ ٢/ ١٩٨، ٣٢٨، ٤١٨

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

﴿يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ...﴾	٢	٢/ ٢٦٠، ٣٢٨
﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلاً يَـٰجِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَٱلطَّيْرَ...﴾	١٠	٢/ ١٤٠
﴿يَـٰجِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَٱلطَّيْرَ﴾	١٠	٢/ ١٤٠

فاطر

﴿فَاطِرِ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ جَاعِلِ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةِ رُسُلاً أُوْلِي...﴾	١	٢/ ٧٠
﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ﴾	١	٢/ ٢٦٠
﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ جَاعِلِ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةِ...﴾	١	٢/ ٤١٨
﴿مَّا يَفْتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ...﴾	٢	٢/ ٧٠
﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ ٱلْكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلْعَمَلُ ٱلصَّـٰلِحُ يَرْفَعُهُ﴾	١٠	٢/ ٤٧٦، ٤٨٤
﴿يَرْجُونَ تِجَـٰرَةً لَّن تَبُورَ﴾	٢٩	١/ ٥٢٢
﴿لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ﴾	٣٠	١/ ٥٢٢

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الصّافات

﴿فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ ٱلْمُسَبِّحِينَ﴾	١٤٣	١/ ٤٨٤
﴿لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾	١٤٤	١/ ٤٨٤
﴿سُبْحَـٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾	١٥٩	١/ ٤٤٦
﴿إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ﴾	١٦٠	١/ ٤٤٦
﴿وَإِنَّا لَنَحْنُ ٱلصَّافُّونَ﴾	١٦٥	٢/ ١٠٦
﴿وَإِنَّا لَنَحْنُ ٱلْمُسَبِّحُونَ﴾	١٦٦	٢/ ١٠٦

﴿سُبْحَـٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾	١٨٠	١/ ٢٠٢، ٤٤٦
﴿وَسَلَـٰمٌ عَلَى ٱلْمُرْسَلِينَ﴾	١٨١	١/ ٢٠٢
﴿وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ﴾	١٨٢	١/ ٢٠٢

صٓ

﴿وَٱذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلْأَيْدِ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ﴾	١٧	٢/ ١٤٠
﴿إِنَّا سَخَّرْنَا ٱلْجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحْنَ بِٱلْعَشِىِّ وَٱلْإِشْرَاقِ﴾	١٨	١/ ٤٩٤؛ ٢/ ١٤٠
﴿وَٱلطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُۥٓ أَوَّابٌ﴾	١٩	٢/ ١٤٠
﴿وَظَنَّ دَاوُۥدُ أَنَّمَا فَتَنَّـٰهُ فَٱسْتَغْفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ﴾	٢٤	٤/ ٣٨، ٢٨٤
﴿فَغَفَرْنَا لَهُۥ ذَٰلِكَ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ﴾	٢٥	٤/ ٣٨

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الزمر

﴿أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَـٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِۦ ...﴾	٢٢	١/ ٢٣٤
﴿يَـٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا۟ مِن رَّحْمَةِ ...﴾	٥٣	٤/ ٣١٢
﴿وَمَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦ وَٱلْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُۥ يَوْمَ ...﴾	٦٧	١/ ٤٠٢؛ ٢/ ٣١٦
﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ رَبَّهُمْ إِلَى ٱلْجَنَّةِ زُمَرًا﴾	٧٣	٤/ ٤٢
﴿وَقَالُوا۟ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى صَدَقَنَا وَعْدَهُۥ وَأَوْرَثَنَا ٱلْأَرْضَ ...﴾	٧٤	٢/ ٢٠٤
﴿وَتَرَى ٱلْمَلَـٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنْ حَوْلِ ٱلْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ ...﴾	٧٥	٢/ ١٠٤
﴿وَقُضِىَ بَيْنَهُم بِٱلْحَقِّ وَقِيلَ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ﴾	٧٥	٢/ ٢٠٠

غافر

﴿وَٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ﴾	٧	٤/ ٢١٠
﴿ٱلَّذِينَ يَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ...﴾	٧	٤/ ٢٠٨، ٢١٠، ٢٢٤، ٢٨٤
﴿وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَا ـ إلىٰ قَولِهِ ـ: ٱلْحَكِيمُ﴾	٨	٤/ ٢١٠
﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِىٓ أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُۥٓ إِنِّىٓ أَخَافُ...﴾	٢٦	٣/ ٢٩٨
﴿وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّى عُذْتُ بِرَبِّى وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ...﴾	٢٧	٣/ ٢٩٨
﴿وَأُفَوِّضُ أَمْرِىٓ إِلَى ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرٌۢ بِٱلْعِبَادِ﴾	٤٤	٣/ ١٨٦؛ ٤/ ٨٢
﴿فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِ مَا مَكَرُواْ وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرْعَوْنَ سُوٓءُ...﴾	٤٥	٣/ ١٨٦
﴿فَٱصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَٱسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ...﴾	٥٥	١/ ٤٩٢؛ ٢/ ٢٣٢؛ ٤/ ٢٤، ٢٨٤
﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَـٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَـٰتِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَـٰنٍ أَتَىٰهُمْ...﴾	٥٦	٣/ ٢٩٨
﴿هُوَ ٱلْحَىُّ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ...﴾	٦٥	٢/ ٢١٠
﴿فَٱدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ﴾	٦٥	٢/ ٤٦٨

فصّلت

﴿قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَىَّ أَنَّمَآ إِلَـٰهُكُمْ إِلَـٰهٌ وَٰحِدٌ...﴾	٦	٤/ ٢٤
﴿فَٱسْتَقِيمُوٓاْ إِلَيْهِ وَٱسْتَغْفِرُوهُ﴾	٦	٤/ ٢٨٤
﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيْطَـٰنِ نَزْغٌ فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ هُوَ...﴾	٣٦	٣/ ١٩٦، ٢٨٢
﴿فَإِنِ ٱسْتَكْبَرُواْ فَٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيْلِ...﴾	٣٨	٢/ ١٠٤

الشورىٰ

﴿تَكَادُ ٱلسَّمَـٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ وَٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ...﴾	٥	٢/ ١٠٤؛ ٤/ ٢٠٨

﴿وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى ٱلْأَرْضِ﴾ ٥ ٤/ ٢١٠

﴿وَٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن...﴾ ٥ ٤/ ٢٨٤

﴿ٱسْتَجِيبُوا۟ لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ...﴾ ٤٧ ٣/ ٢١٨

الزخرف

﴿سُبْحَـٰنَ ٱلَّذِى سَخَّرَ لَنَا هَـٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقْرِنِينَ﴾ ١٣ ١/ ٣٨٢؛ ٢/ ٢٨٦؛ ٣/ ٥٢، ٤٢٨

﴿وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ﴾ ١٤ ١/ ٣٨٢؛ ٣/ ٥٢

﴿وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ ٱلرَّحْمَـٰنِ نُقَيِّضْ لَهُۥ شَيْطَـٰنًا فَهُوَ لَهُۥ...﴾ ٣٦ ١/ ٢٨٢، ٢٩٦

﴿وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ﴾ ٣٧ ١/ ٢٨٢، ٢٩٦

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَـٰلَيْتَ بَيْنِى وَبَيْنَكَ بُعْدَ ٱلْمَشْرِقَيْنِ...﴾ ٣٨ ١/ ٢٨٢، ٢٩٦

﴿وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِى ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ﴾ ٣٩ ١/ ٢٨٤

الدخان

﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ ٤ ٣/ ٤٧٢

﴿وَإِنِّى عُذْتُ بِرَبِّى وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ﴾ ٢٠ ٣/ ٢٢٦

﴿يَوْمَ لَا يُغْنِى مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَيْـًٔا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ ٤١ ٢/ ٣٩٨

الجاثية

﴿فَلِلَّهِ ٱلْحَمْدُ رَبِّ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ﴾ ٣٦ ٢/ ٢٠٢

محمّد

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَـٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...﴾	١٩	٢/ ٤٥٢، ٤٥٦؛ ٤/ ٥٢، ٥٤، ١٨٢، ٢٨٤، ٤٥٦
﴿يَـٰأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...﴾	٣٣	١/ ٥٣٨

الفتح

﴿إِنَّـا أَرْسَلْنَـٰكَ شَـٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾	٨	١/ ٤٩٤
﴿لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ...﴾	٩	١/ ٤٩٤
﴿سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَٰلُنَا...﴾	١١	٤/ ٢٨٦
﴿وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا﴾	٢٦	٢/ ٤٤٨؛ ٣/ ٣٠

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

قَ

﴿مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾	١٨	٤/ ٦٤
﴿لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ﴾	٢٨	٤/ ٢٧٠
﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ...﴾	٣٩	١/ ٤٧٤، ٥٠٠؛ ٢/ ٢٣٠
﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ﴾	٣٩	١/ ٥٠٢
﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَـٰرَ السُّجُودِ﴾	٤٠	١/ ٤٧٤، ٥٠٠

الذاريات

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾	١٧	٤/ ١٠٠، ١٠٦، ٢٧٦

﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ ١٨ ٤/ ١٠٠، ١٠٦، ١٠٨، ٢٧٦

الطور

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ﴾ ٤٨ ١/ ٥٠٤

﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ...﴾ ٤٨ ١/ ٤٧٤، ٥٠٢

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ﴾ ٤٩ ١/ ٤٧٤، ٥٠٤، ٥٠٦، ٥١٢

النجم

﴿فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾ ٢٩ ١/ ١٤٦

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ...﴾ ٣١ ٢/ ٣٩٦

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الرحمٰن

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ ٦٠ ١/ ٤٤٨؛ ٢/ ٤٩٠

المديد

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ ١ ٢/ ١٣٠

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ...﴾ ١٦ ١/ ١٥٦

المجادلة

﴿إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ...﴾ ٩ ٣/ ٤٥٠

﴿اَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ...﴾ ١٩ ١/ ١٤٢

﴿أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ٢٢ ١/ ٧٢؛ ٤/ ٤٢

الحشر

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾ ١٠ ٤/ ١٨٤

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ...﴾ ١٩ ١/ ٢٨٢

﴿نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ﴾ ١٩ ١/ ٢٨٢

﴿الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ...﴾ ٢٣ ٢/ ٥٢٤

﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...﴾ ٢٤ ٢/ ٥٢٤

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الممتحنة

﴿حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ...﴾ ٤ ٤/ ٢٨٦

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَن...﴾ ١٢ ٤/ ٢٠٤

﴿وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ...﴾ ١٢ ٤/ ٢٨٦

الصفّ

﴿كَأَنَّهُم بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ﴾ ٤ ٣/ ٣٧٨، ٥٥٠

الجمعة

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ...﴾ ٩ ١/ ١٨٠

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ وَٱبْتَغُواْ مِن...﴾ ١٠ ١/ ٢٦

المنافقون

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوْاْ...﴾ ٥ ٤/ ١٩٦، ٢٨٦
﴿إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ﴾ ٦ ٤/ ١٩٦
﴿سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ ...﴾ ٦ ٤/ ١٩٦، ١٩٨، ٢٨٦
﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَـٰدُكُمْ...﴾ ٩ ١/ ١٤٤

التغابن

﴿إِنَّمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَـٰدُكُمْ فِتْنَةٌ﴾ ١٥ ٣/ ٣١٠
﴿وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِۦ فَأُوْلَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ﴾ ١٦ ٣/ ٣١٨

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الطلاق

﴿وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّهُۥ مَخْرَجًا﴾ ٢ ٣/ ١٢٤
﴿وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ ٣ ٣/ ١٢٤

القلم

﴿بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَـٰوَمُونَ﴾ ٣٠ ٤/ ٢٧٠

المعارج

﴿ٱلَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَآئِمُونَ﴾ ٢٣ ١/ ٦٠

نوح

﴿فَقُلْتُ ٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارًا﴾	١٠	٣/ ١٨٤؛ ٤/ ٥٨، ٨٠، ٨٤، ٨٦، ٨٨، ٩٢، ٩٤، ٩٦، ١٨٤، ٢٨٦
﴿يُرْسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا﴾	١١	٤/ ٨٤، ٨٦، ٨٨، ٩٢، ٩٤، ٩٦
﴿وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ...﴾	١٢	٤/ ٨٤، ٨٦، ٩٢، ٩٤، ٩٦، ٩٨
﴿وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ﴾	١٢	٤/ ٨٨
﴿رَّبِّ ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِىَ مُؤْمِنًا ...﴾	٢٨	٤/ ١٨٠

الجنّ

﴿وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ ٱلْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ ٱلْجِنِّ...﴾	٦	٣/ ٢٢٢
﴿وَأَمَّا ٱلْقَٰسِطُونَ فَكَانُوا۟ لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾	١٥	١/ ٢٩٠
﴿وَأَلَّوِ ٱسْتَقَٰمُوا۟ عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَٰهُم مَّآءً غَدَقًا﴾	١٦	١/ ٢٩٠
﴿لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِۦ يَسْلُكْهُ عَذَابًا...﴾	١٧	١/ ٢٩٠

المزّمّل

﴿وَٱسْتَغْفِرُوا۟ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾	٢٠	٤/ ٢٤
﴿وَمَا تُقَدِّمُوا۟ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِ هُوَ...﴾	٢٠	٤/ ٢٨٦

الإنسان

﴿فَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا﴾	٢٤	١/ ٥٠٠

﴿وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾	٢٥	١/ ٢٦، ٥٠٠
﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً﴾	٢٦	١/ ٥٠٠، ٥٠٢
﴿وَسَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً﴾	٢٦	١/ ٥٠٤

المطفّفين

﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾	١٤	١/ ١٤٦؛ ٤/ ٧٢
﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ﴾	١٥	١/ ١٤٦

الأعلى

﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ﴾	١٥	٤/ ٣٤٠

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الكوثر

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾	١	٣/ ٦٨
﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾	٢	٣/ ٦٨

الكافرون

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾	١	٣/ ٤١٢

النّصر

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾	١	٢/ ٦؛ ٤/ ٢٤، ١٦٨

﴿وَرَأَيْتَ ٱلنَّاسَ يَدْخُلُونَ فِى دِينِ ٱللَّهِ أَفْوَاجًا﴾	٢	٤/ ٢٤، ١٦٨
﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَٱسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابَام﴾	٣	٤/ ٢٤، ١٦٦، ١٦٨، ٢٨٨

الإخلاص

﴿ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾	١	٣/ ٢٨٦
﴿قُلْ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾	١	٣/ ٤١٢، ٤٨٢
﴿ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ﴾	٢	٣/ ٢٨٦
﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾	٣	٣/ ٢٨٦
﴿وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾	٤	٣/ ٢٨٦

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفلق

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ﴾	١	٣/ ١٩٦، ٥٥٠
﴿مِن شَرِّ مَا خَلَقَ﴾	٢	٣/ ١٩٦
﴿وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾	٣	٣/ ١٩٦
﴿وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِى ٱلْعُقَدِ﴾	٤	٣/ ١٩٦
﴿وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾	٥	٣/ ١٩٦

النّاس

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾	١	٣/ ١٩٦، ٢٢٦، ٢٩٠، ٥٥٠
﴿مَلِكِ ٱلنَّاسِ﴾	٢	٣/ ١٩٦، ٢٢٦، ٢٩٠

﴿إِلَـٰهِ ٱلنَّاسِ﴾	۳	۳/۱۹۶، ۲۲۶، ۲۹۰
﴿مِن شَرِّ ٱلْوَسْوَاسِ ٱلْخَنَّاسِ﴾	۴	۳/۱۹۶، ۲۹۰
﴿ٱلَّذِى يُوَسْوِسُ فِى صُدُورِ ٱلنَّاسِ﴾	۵	۳/۱۹۶، ۲۹۲
﴿مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ﴾	۶	۳/۱۹۶، ۲۹۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فهرست اعلام

نام صفحه

آدم، ۲ / ۲۷۶؛ ۳ / ۱۱۸، ۱۷۲، ۱۷۴؛ ۴ / ۱۴۰، ۲۰۶، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۱۶

أبان بن تغلب، ۱ / ۵۱۰؛ ۲ / ۵۸

إبراهيم، ۱ / ۱۸۲، ۴۱۸، ۴۶۴، ۵۳۶؛ ۲ / ۷۲، ۱۹۶، ۲۹۶؛ ۳ / ۹۶، ۲۳۰، ۵۴۶؛ ۴ / ۱۹۴، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۹۴، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۸، ۴۱۶، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۶۲، ۴۷۲

إبراهيم بن أبي البلاد، ۴ / ۳۸، ۱۹۴

إبراهيم بن أبي يحيى، ۲ / ۱۲

إبراهيم بن صالح، ۴ / ۸۸

إبراهيم بن عبد الله الحسن، ۳ / ۱۴۰

نام صفحه

إبراهيم بن عبد الحميد، ۳ / ۲۶۸

إبراهيم بن ميمون، ۴ / ۱۲۶

إبليس (ر. ک: الشيطان)، ۱ / ۱۷۲، ۱۷۴، ۲۲۸، ۲۳۰، ۴۰۰؛ ۲ / ۷۴؛ ۳ / ۱۱۶، ۱۲۰، ۲۸۸؛ ۴ / ۴۸، ۷۲، ۱۰۲

ابن أبي أوفى، ۱ / ۵۲۲

ابن أبي عمير، ۴ / ۹۴

ابن أبي كبشة، ۱ / ۴۱۲

ابن بكير، ۱ / ۱۱۴

ابن جندب، ۴ / ۳۲

ابن حميد، ۳ / ۳۴۴

ابن الدّرداء، ۳ / ۲۷۸

ابن رئاب، ۱ / ۳۲۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ابن الطيّار، ٣ / ١٥٨
ابن عبّاس، ١ / ٤٤، ٨٦، ٨٨، ٢٦٢، ٣٣٦، ٣٤٤، ٣٤٦، ٣٤٨، ٣٥٢، ٤٥٤، ٤٥٨؛ ٢ / ١٠، ١٦، ٧٤، ٨٢، ١٣٤، ٢٠٦، ٢٨٠، ٢٩٦، ٤٩٨؛ ٣ / ٣٦، ٣٨، ١٢٢، ١٦٤، ١٧٦، ١٧٨، ٢٠٦، ٢٥٦، ٣٠٠، ٤٠٢، ٤٥٤، ٤٥٦، ٤٧٨؛ ٤ / ١٦٠
ابن العزرميّ، ٢ / ٢٩٢
ابن عمر، ١ / ١٨٨، ٢٠٠؛ ٢ / ٢٨٤؛ ٣ / ٥٢، ٤٦٤؛ ٤ / ١٤٤، ١٥٤، ١٨٦، ٣٠٦
ابن فضّال، ١ / ٢١٦
ابن القدّاح، ١ / ٤٠
ابن الكوّاء، ٢ / ٤٨٤
ابن متّويه، ٢ / ١٣٢
ابن محبوب، ٣ / ٢٢
ابن مسعود (ر. ك: عبدالله بن مسعود)، ١ / ١٠٠، ٢٩٦، ٤٩٦، ٥٢٠، ٥٢٢؛ ٢ / ١٣٤، ٤٧٦
ابن المغيرة، ٤ / ٣٢٨
أبو أُسامة، ١ / ٢٣٦؛ ٣ / ٣٧٦، ٤٩٤
أبو إسحاق الهمداني، ٤ / ١٩٤
أبو أُمامة الباهلي، ٢ / ١٠، ٢٦٤، ٣٠٦؛ ٣ / ٢٨٤، ٢٩٢، ٣٧٦، ٣٩٦؛ ٤ / ١٤٢، ٢٤٢
أبو أيّوب الأنصاري، ٢ / ٢٦٦
أبو برزة الأسلمي، ١ / ٥١٢
أبو بصير، ١ / ٤٤، ١١٠، ١٨٤، ٢٢٦، ٢٢٨؛ ٢ / ٦٢، ١٩٤، ٢٦٨؛ ٣ / ٧٢، ٢٣٠، ٢٣٤، ٣١٨، ٣٨٢؛ ٤ / ١٠٨، ٣٣٤، ٣٤٠
أبو بكر، ٣ / ٣١٢؛ ٤ / ٣٠٨
أبو بكر أحمد بن محمّد بن عثمان البغدادي، ٢ / ٤٣٤
أبو بكر بن أبي سمّاك، ٤ / ١٠٨
أبو بكر بن قحافة، ١ / ٥٦
أبو بكر الحضرمي، ١ / ٥١٠
أبو بكرة، ٣ / ٤٠٠
أبو تميمة الهجيمي، ١ / ٣٩٨
أبو جعفر الباقر عليه السلام (ر. ك: محمّد بن عليّ الباقر عليه السلام)، ١ / ٢١٠، ٢٩٤، ٣١٨، ٤١٠، ٥١٠؛ ٢ / ١٤٤، ١٩٢، ٢٤٠، ٢٦٨؛ ٣ / ٤٦، ٦٢، ١١٨، ١٤٢، ١٤٤، ١٧٠، ٣١٨، ٤٩٠؛ ٤ / ٩٠، ٩٤، ٩٨، ١٠٢
أبو جعفر الثاني عليه السلام (ر. ك: محمّد بن عليّ الجواد عليه السلام)، ٤ / ٩٨
أبو جعفر محمّد بن عثمان، ٢ / ٤٣٤

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

أبو جعفر المنصور، ۳ / ۱۴۰
أبو جهل، ۱ / ۴۱۲
أبو جهل بن هشام، ۱ / ۴۱۰
أبو الحارث، ۲ / ۱۲۲
أبو حازم، ۱ / ۴۵۶
أبو الحسن، ۱ / ۳۴۴؛ ۳ / ۱۳۶؛ ۴ / ۳۲۸
أبو الحسن الأوّل (ر.ک: موسى بن جعفر الكاظم)، ۳ / ۷۰
أبو الحسن الثّالث، ۴ / ۷۸
أبو الحسن الرضا، ۲ / ۲۴۰، ۴۷۲؛ ۳ / ۱۰۶، ۱۷۰، ۱۸۲؛ ۴ / ۱۲۶
أبو الحسن الضّرّاب الأصفهانيّ، ۴ / ۵۰۰
أبو الحسن عليّ، ۱ / ۴۵۰
أبو الحسن الكاظم، ۱ / ۳۲۰، ۴۰۴؛ ۲ / ۵۲۸؛ ۳ / ۳۸۸، ۴۶۰، ۵۷۲؛ ۴ / ۳۸، ۸۸، ۱۰۶
أبو حفص الصائغ، ۱ / ۴۱۶
أبو حمزة، ۲ / ۲۵۲، ۲۶۸؛ ۳ / ۶۶، ۱۴۸؛ ۴ / ۳۲۸، ۳۶۲
أبو حمزة الثّماليّ، ۱ / ۲۴۰؛ ۲ / ۵۴، ۱۲۸؛ ۳ / ۳۲۴
أبو حميد الساعدي، ۳ / ۶۸
أبو حنيفة، ۲ / ۲۷۰، ۲۷۲
أبو خالد، ۴ / ۳۶۶
أبو خديجة، ۱ / ۳۷۸
أبو الدرداء، ۱ / ۹۸، ۵۳۴؛ ۲ / ۹۶؛ ۴ / ۳۵۲
أبو ذرّ الغفّاري، ۱ / ۱۲۶، ۱۶۰، ۲۰۲، ۲۵۶، ۴۷۸؛ ۲ / ۱۳۶، ۴۵۶؛ ۳ / ۱۰۰، ۱۲۲، ۲۹۲؛ ۴ / ۱۰۴، ۲۲۰
أبو رزين، ۱ / ۶۰
أبو سعيد الخدري، ۱ / ۳۲، ۶۶، ۶۸، ۸۴، ۵۴۲؛ ۲ / ۸، ۲۶۴؛ ۳ / ۲۶، ۱۱۴، ۲۸۴، ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۹۶، ۴۲۲؛ ۴ / ۱۸۸، ۳۶۲
أبو سعيد المدائني، ۲ / ۴۴، ۵۰، ۵۸
أبو سلمة بن عبد الرحمٰن، ۱ / ۵۳۴
أبو شبل، ۲ / ۵۰۲
أبو الصباح، ۳ / ۴۸
أبو صفيّة، ۲ / ۱۶۴
أبو الصلت الهروي، ۲ / ۴۷۲
أبو طلحة، ۴ / ۳۷۲
أبو طلحة الأنصاري، ۱ / ۴۷۶؛ ۲ / ۴۹۲
أبو عبد الله البرقي، ۴ / ۳۳۸
أبو عبد الله الصادق (ر.ک: جعفر بن محمّد الصادق)، ۱ / ۴۴، ۸۲، ۱۱۰،

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٣٧٢، ٣٧٨، ٤١٦، ٤٥٢، ٤٧٢، ٥٠٢، ٥١٠،
٥١٨؛ ٢ / ٤٤، ٥٠، ٥٨، ٨٨، ٩٠، ٩٤، ١٣٦،
١٩٢، ١٩٤، ٢١٤، ٢٣٨، ٢٤٤، ٢٧٠، ٤٠٦،
٤١٢، ٤١٤، ٥٢٦؛ ٣ / ٢٢، ٢٤، ٤٢، ٤٨،
٥٦، ٦٦، ٧٠، ٧٢، ١١٨، ١٤٢، ١٤٤، ١٥٨،
١٧٠، ١٧٢، ١٧٦، ١٧٨، ٢٣٦، ٢٤٤، ٢٦٨،
٢٧٦، ٣٠٤، ٣٣٦، ٣٨٢، ٣٨٨، ٤٠٠، ٤١٨،
٤٤٤، ٤٥٦، ٤٩٤؛ ٤ / ٤٦، ٦٦، ٩٨، ١٠٢،
١٣٨، ١٦٠، ١٩٤، ٣٢٨، ٣٣٤، ٣٣٨، ٣٦٢،
٣٦٤، ٣٨٦، ٤٠٠، ٤٤٨

أبو عبد الله المدائني، ٢ / ٢٤٤

أبو عبيد الله الجدلي، ٣ / ٤٤٢

أبو عبيدة الحذّاء، ٢ / ٢٧٤

أبو عثمان، ١ / ٢٦٨

أبو عمرو، ٢ / ٤٣٤

أبو عمرو محمّد بن محمّد بن نصر السكوني، ٤ / ٥٠٦

أبو الفضل، ٣ / ٤٩٠

أبو القاسم = رسول الله ﷺ

أبو قلابة، ١ / ١٦٦

أبو القمقام، ٤ / ٨٨

أبو كاهل، ٤ / ١٨٢

أبو ليلى، ٣ / ٣٩٤

أبو مالك، ١ / ٣٥٨

أبو محمّد = أبو بصير

أبو محمّد الأنصاري، ٢ / ٢٤٤

أبو محمّد الحسن بن عليّ عليه السلام، ٤ / ٤٨٦

أبو محمّد عبد الله بن محمّد العابد، ٤ / ٤٨٦

أبو محمّد اليمنيّ، ٤ / ٤٩٦

أبو مطر، ٢ / ٢٨٢

أبو معتب بن عمرو، ٣ / ٤٣٢

أبو موسى الأشعري، ٣ / ٣٠٦؛ ٤ / ٢٢٨، ٢٤٢

أبو هارون المكفوف، ٢ / ٨٦

أبو هريرة، ١ / ٢٧٦، ٣٤٨، ٣٥٠، ٣٩٦، ٤١٠، ٥٢٢، ٥٣٦، ٥٤٢؛ ٢ / ٦، ٢٧٨، ٣٠٤، ٤٤٦؛ ٣ / ٣٠، ٥٤، ٧٠، ١٠٠، ١٠٢، ١١٤، ١٤٨، ٢٢٠، ٢٧٢، ٣١٤، ٣٥٤؛ ٤ / ٣٢

أبو يحيى، ٣ / ٥٧٠

أبيّ بن كعب، ٤ / ٢٢٦، ٣٨٨

الشيخ أبي عمرو العمري، ٣ / ٣٢٠

أحمد بن الحسن الميثمي، ٢ / ١٤

أحمد بن عبد العزيز، ٤ / ١٠٦

أحمد بن محمّد بن أبي نصر، ٤ / ٤٧٢

أحمد بن محمّد بن خالد، ٢ / ٣١٤

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

أحمد بن محمّد بن خالد، ۲ / ۳۱۴
أحمدﷺ = رسول اللهﷺ
أخنوخ، ۲ / ۱۳۲
إدريس، ۱ / ۴۷۰، ۵۰۴؛ ۳ / ۳۶۴؛ ۴ / ۴۰۰
أرميا، ۴ / ۴۰۰
أُسامة بن زيد، ۱ / ۴۰۰؛ ۳ / ۱۶۸
أسباط بن سالم، ۱ / ۸۲
إسحاق، ۳ / ۲۳۰؛ ۴ / ۴۰۰، ۴۰۲
إسحاق بن إسماعيل النّيسابوري، ۲ / ۴۳۰
إسحاق بن راهويه، ۲ / ۴۷۲
إسحاق بن عمّار، ۲ / ۲۳۸
إسرافيل، ۳ / ۳۸۴، ۵۴۸؛ ۴ / ۴۱۶
إسماعيل، ۳ / ۲۳۰؛ ۴ / ۴۰۰، ۴۰۲
إسماعيل بن سهل، ۴ / ۹۰، ۹۸
إسماعيل بن عمّار، ۲ / ۸۸
إسماعيل بن الفضل الهاشمي، ۱ / ۵۰۲؛ ۴ / ۲۰۰
إسماعيل الجعفي، ۱ / ۴۵۲
الأسود بن سريع، ۲ / ۲۰۶
الأصبغ بن نباتة، ۲ / ۴۸۲، ۵۱۲؛ ۴ / ۱۵۸
إلياس، ۴ / ۴۰۰
أُمّ الأئمّة الهادين = فاطمةس
أُمّ أئمّة الهدى = فاطمةس
الإمام الباقرس (ر. ک: أبو جعفر الباقرس)، ۱ / ۵۸، ۱۱۰، ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۴۴، ۴۵۲؛ ۲ / ۸، ۴۶، ۵۴، ۵۶، ۲۴۴، ۲۷۴، ۳۱۲؛ ۳ / ۵۸، ۹۰، ۱۰۰، ۱۴۸، ۳۸۶، ۴۱۰، ۴۵۸، ۵۴۸؛ ۴ / ۹۶
الإمام الجوادس، ۳ / ۵۷۶
الإمام الحسن بن عليّ المجتبىس (ر. ک: الحسن بن عليس)، ۲ / ۳۷۲؛ ۴ / ۹۲
الإمام الحسينس (ر. ک: الحسين بن عليس)، ۱ / ۸۶؛ ۲ / ۵۰، ۱۲۲، ۱۶۶، ۳۸۰، ۴۲۰، ۵۱۶؛ ۴ / ۲۲۲
الإمام الرضاس (ر. ک: علي بن موسى الرضاس)، ۱ / ۳۱۸، ۳۶۰، ۵۲۴؛ ۲ / ۷۲، ۴۲۲، ۵۳۰؛ ۳ / ۵۷۴؛ ۴ / ۳۴۸، ۴۷۲
الإمام زين العابدينس (ر. ک: علي بن الحسينس)، ۱ / ۴۵۶؛ ۲ / ۳۴، ۳۸، ۵۲، ۳۸۴، ۵۲۰؛ ۳ / ۵۳۰؛ ۴ / ۴۲۲
الإمام الصادقس (ر. ک: جعفر بن محمد الصادقس)، ۱ / ۴۰، ۵۴، ۱۲۲، ۱۳۴، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۷۸، ۱۹۸، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۵۴، ۲۸۴، ۳۲۲، ۳۲۴،

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۲۶، ۳۳۰، ۳۳۸، ۴۵۴، ۵۳۰؛ ۲ / ۱۲،
۴۰، ۴۴، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۱۴۶، ۲۴۲،
۲۴۶، ۲۴۸، ۲۷۰، ۳۱۲، ۴۰۸، ۴۱۰؛
۳ / ۲۲، ۹۰، ۱۳۶، ۲۳۴، ۲۴۸، ۲۵۴،
۲۶۶، ۲۶۸، ۳۰۴، ۳۶۴، ۳۷۶، ۳۹۰، ۳۹۴؛
۴ / ۳۴، ۵۴، ۱۰۸، ۱۲۴، ۲۱۲
الإمام العسكري، ۲ / ۵۳۲
الإمام عليّ (ر.ك: أمير المؤمنين)،
۲ / ۸، ۱۲، ۳۰، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۶،
۲۵۶، ۳۲۰، ۵۰۸؛ ۳ / ۲۳۸، ۴۹۰، ۵۱۸؛
۴ / ۳۰، ۲۴۴، ۴۰۶
الإمام الكاظم (ر.ك: موسى بن جعفر
الكاظم)، ۲ / ۷۲، ۵۲۸؛ ۳ / ۳۴، ۲۲۶،
۲۶۸، ۵۷۰؛ ۴ / ۱۹۶، ۳۰۴، ۳۱۶
الإمام المنتظر، ۴ / ۴۲۸
الإمام المهدي، ۲ / ۱۷۰، ۴۳۰، ۵۳۴؛
۳ / ۵۸۰
الإمام الهادي، ۱ / ۳۵۸؛ ۲ / ۷۲؛
۳ / ۵۷۸
أمّ أنس، ۱ / ۳۲
أمّ خالد بنت خالد، ۳ / ۳۸۰
أمّ داوود، ۴ / ۴۰۰
أمّ رافع، ۴ / ۱۵۶
أمّ سلمة، ۱ / ۳۵۰، ۳۵۲؛ ۳ / ۳۰۲، ۴۲۲؛
۴ / ۴۰۴
أمّ مبشّر، ۳ / ۳۸۰
أمير المؤمنين (ر.ك: علي بن أبي
طالب)، ۱ / ۸۴، ۱۳۸، ۳۲۲، ۳۲۶،
۳۳۰، ۳۵۲، ۳۸۸، ۴۵۰، ۴۵۶، ۵۴۰؛
۲ / ۱۴، ۴۴، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۹۰، ۲۲۰،
۲۸۲، ۲۹۲، ۳۷۶، ۴۱۴، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۸۲،
۴۸۴؛ ۳ / ۱۶، ۱۸، ۳۲، ۳۶، ۴۶، ۵۰، ۹۰،
۱۴۰، ۱۴۲، ۱۸۰، ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۶،
۳۱۰، ۳۲۴، ۳۷۰، ۴۳۰، ۵۲۶؛ ۴ / ۱۶،
۲۸، ۶۴، ۸۰، ۱۱۴، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۵۸،
۲۲۴، ۲۷۶، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۸۰، ۳۸۴، ۴۰۲،
۴۵۰، ۴۷۸، ۴۸۸، ۴۹۰، ۵۰۰، ۵۰۸
أمين الله، ۴ / ۴۷۲
أنس بن مالك، ۱ / ۸۶، ۲۷۲، ۳۴۴، ۴۱۴،
۵۳۲، ۵۳۴؛ ۲ / ۱۲، ۸۲، ۱۳۶، ۱۶۰،
۲۷۲، ۳۰۰؛ ۳ / ۵۸، ۱۰۸، ۱۲۸، ۳۰۴،
۳۱۸، ۳۲۸، ۴۶۲، ۴۹۴؛ ۴ / ۲۸، ۱۰۶،
۱۴۹، ۲۲۶
أيّوب، ۴ / ۴۰۰
أحمد بن محمّد، ۱ / ۵۰۴
البراء بن عازب، ۳ / ۴۳۶، ۴۶۲

البراء بن مالك، ۴ / ۲۲۶
بشر بن بشّار الأسدي، ۲ / ۷۲
بشير الدهّان، ۱ / ۲۱۴
بشير الرّحّال، ۱ / ۳۷۸؛ ۲ / ۲۶۸
بكر بن محمّد، ۴ / ۳۶۴
بلال، ۲ / ۱۴۲
بلال بن سعد، ۳ / ۲۰۸
تورخ، ۴ / ۴۰۰
ثابت بن أبي صفيّة، ۲ / ۱۲۸
ثوبان، ۴ / ۱۶۲
جابر، ۲ / ۱۶۴
جابر بن عبد الله الأنصاري، ۱ / ۱۶۴، ۱۷۲، ۲۷۴، ۳۴۸؛ ۲ / ۴۷۶؛ ۳ / ۱۶، ۴۰، ۴۲، ۲۲۸، ۴۳۲، ۴۵۸، ۴۱۰
جابر بن يزيد الجعفي، ۳ / ۹۰، ۴۱۰؛ ۴ / ۳۰
جبرئيل، ۱ / ۲۱۶، ۲۷۲، ۲۹۰، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۸۴، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۵۲، ۴۵۸، ۴۹۰، ۵۱۰، ۵۴۰؛ ۲ / ۸، ۳۴، ۱۳۰، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۸۰، ۵۲۰؛ ۳ / ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۶۸، ۹۶، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۶۶، ۱۷۸، ۲۰۶، ۲۳۴، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۵۸، ۳۶۶، ۳۸۴، ۴۴۴، ۴۵۰، ۴۶۸، ۵۴۸؛ ۴ / ۱۴۰، ۲۱۰، ۳۳۴، ۳۵۴، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۷۴، ۳۸۰، ۳۹۴، ۴۱۶
جبير بن مطعم، ۳ / ۳۹۸
جرجيس، ۴ / ۴۰۲
جعفر بن أبي طالب، ۲ / ۵۸، ۴۱۲؛ ۳ / ۳۴۲، ۵۸۴
جعفر بن محمّد الصادق (ر. ك: أبو عبد الله الصادق)، ۱ / ۲۹۸، ۳۶۰، ۴۱۲، ۴۱۶، ۵۱۸؛ ۲ / ۷۸، ۲۲۸، ۲۷۰، ۴۰۶، ۴۷۲، ۴۷۴؛ ۳ / ۶۲، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۳۹۲؛ ۴ / ۲۰۰، ۴۲۸، ۴۴۲، ۴۸۴، ۴۹۲، ۵۰۲، ۵۰۸
جعفر بن محمّد الفزاري، ۳ / ۱۰۶
جميع بن عمير، ۳ / ۲۴
جميل، ۳ / ۱۳۶
جندب بن عبد الله، ۳ / ۴۴۲
جويريّة بنت الحارث، ۲ / ۱۰
الحارث الأعور، ۳ / ۹۰، ۲۶۶
الحارث بن المغيرة، ۲ / ۱۳۶؛ ۴ / ۳۴
حبّة العرني، ۲ / ۲۲۰
حبيب الله، ۴ / ۴۰۲، ۴۷۲
حبيب بن أبي ثابت، ۲ / ۲۹۸
الحجّة بن الحسن، ۴ / ۴۸۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٤ / ٣٦

حرملة بن زيد، ٤ / ١٩٨

حريز بن عبد الله، ٣ / ٢٦٨، ٤٥٨؛ ٤ / ٤٤٨

الحسن البصري، ٣ / ١٠٠، ٣٥٠

الحسن بن عليّ عليه السلام، ١ / ٤٦، ٢٤٢، ٤١٦؛ ٢ / ٧٦، ٣٧٦؛ ٣ / ٢٠٦، ٢٣٠، ٣٨٦؛ ٤ / ١٥٤، ٢٢٨، ٣٩٦، ٤٢٨، ٤٨٤، ٤٨٨، ٤٩٠، ٥٠٠

الحسن بن عليّ بن فضّال، ١ / ٣٣٠

الحسن بن عليّ العسكري عليه السلام، ٢ / ٨٠، ٤٣٠؛ ٤ / ٤٢٨، ٤٨٤، ٤٩٨، ٥٠٢، ٥٠٨

الحسين بن بشّار، ١ / ٨٢

الحسين بن خالد، ٢ / ٥٣٠

الحسين بن زرارة، ٣ / ١٧٨

الحسين بن عبد الله بن جندب، ٣ / ١٠٦

الحسين بن علوان الكلبي، ٣ / ٩٠

الحسين بن علي عليه السلام، ١ / ٤١٦؛ ٢ / ٧٨، ٣٨٠، ٤٧٢، ٤٧٤؛ ٣ / ٦٢، ٢٠٦، ٢٣٠، ٣٧٠، ٤١٠؛ ٤ / ٢٠٨، ٢٢٢، ٣٦٦، ٤٢٨، ٤٨٤، ٤٨٨، ٤٩٠، ٥٠٠

الحصين بن عبد الرحمٰن، ٢ / ٤٠

حفص، ٤ / ٦٦

الحكم بن عمير، ١ / ٤١٤

الحلبي، ١ / ١٧٨؛ ٣ / ٢٧٦، ٣٩٠، ٣٩٤، ٤١٨

حمّاد، ٤ / ٢١٢

حمّاد بن عبد الله، ٤ / ١١٦

حمّاد بن عثمان، ٢ / ١٩٢؛ ٣ / ١١٨

حمّام أبي بردة، ٢ / ٢٥٦

حمزة بن حمران، ٣ / ١٧٦

حمزة بن عبدالمطّلب، ٢ / ١٦٢

حمزة بن محمّد، ٢ / ٧٤

حميد بن مسلم، ٢ / ٣٨٠

الحميري، ٢ / ١٧٠؛ ٣ / ٤٠٠

حنّان بن سدير، ١ / ٤١٦؛ ٣ / ٤٠٠

حنظلة عليه السلام، ٤ / ٤٠٢

حوّاء، ٤ / ٤٠٠، ٤٠٢، ٤١٦

حيقوق عليه السلام، ٤ / ٤٠٠

خاتم النّبيّين صلى الله عليه وآله، ٤ / ٣٩٦، ٤٦٠

خالد عليه السلام، ٤ / ٤٠٢

خالد بن الوليد، ١ / ٢٥٤؛ ٣ / ٢٧٦

خالد العبسي، ٣ / ٢٦٨

خديجة الكبرى عليها السلام، ٤ / ٤٢٨، ٤٨٨

خزيمة بن ثابت، ٣ / ٤٠٨

الخضر عليه السلام، ١ / ٥٢٨؛ ٤ / ٤٠٠

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

خزيمة بن ثابت، ۳ / ۴۰۸
الخضر، ۱ / ۵۲۸؛ ۴ / ۴۰۰
خلّاد بن السائب الأنصاري، ۳ / ۲۳۴
دانيال، ۴ / ۴۰۰
داوود، ۱ / ۴۲، ۶۶، ۱۰۶، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۴، ۲۲۲، ۲۶۰، ۲۹۶، ۴۶۸، ۵۱۸؛ ۲ / ۵۶، ۱۴۰؛ ۳ / ۵۴۶؛ ۴ / ۴۰۰
داوود بن أبي خالد، ۳ / ۱۷۰
داوود بن سرحان، ۱ / ۱۱۸؛ ۴ / ۲۲۴
داوود بن عليّ، ۳ / ۱۴۰
داوود بن فرقد، ۱ / ۳۷۲؛ ۲ / ۹۴
داوود بن كثير، ۲ / ۲۷۰
داوود الرقّي، ۲ / ۱۴۶؛ ۳ / ۱۷۰، ۲۶۸
داوود الصرمي، ۱ / ۳۵۸
دعبل بن عليّ، ۲ / ۲۴۰
ذو القرنين، ۳ / ۱۶۶؛ ۴ / ۴۰۰
ذو الكفل، ۴ / ۴۰۰
رافع بن خديج، ۴ / ۱۴۴
ربيعة بن كعب الأسلمي، ۱ / ۴۷۶؛ ۲ / ۸
ربيعة الجرشي، ۳ / ۳۹۸؛ ۴ / ۱۳۶
رجاء بن أبي الضحّاك، ۱ / ۴۱۶، ۵۲۴؛ ۳ / ۳۹۶؛ ۴ / ۱۱۰، ۳۴۸
رسول الله (ر. ك: محمّد بن عبد الله ـ النبي) ۱ / ۲۸، ۳۲، ۳۴، ۴۴، ۵۰، ۶۶، ۶۸، ۷۶، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۸۸، ۹۲، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۵۰، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۰۰، ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۹۴، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۳۶، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۹۰، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۴، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۲۰، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۵۲، ۴۶۴، ۴۷۰، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۲، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۸، ۵۴۰، ۵۴۲؛ ۲ / ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۲۰، ۳۰، ۳۴، ۳۶، ۸۲، ۸۶، ۸۸، ۹۲، ۹۶، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۶۰، ۱۸۸، ۱۹۲، ۲۰۶، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۲، ۳۷۶، ۳۷۸، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۱۲، ۵۱۴؛ ۳ / ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۸،

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۶۲، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۸۸، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۲،
۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶،
۱۲۸، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸،
۱۷۰، ۱۷۸، ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۳۲، ۲۶۴،
۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۴،
۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۲، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۲، ۳۱۴،
۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۴۲، ۳۴۴،
۳۵۲، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۶، ۳۸۰،
۳۹۲، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۳۰،
۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۸،
۴۵۴، ۴۵۶، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۷۲، ۴۷۶، ۴۸۲،
۴۸۴، ۴۸۶، ۴۹۴، ۵۰۰، ۵۱۸، ۵۵۰، ۵۶۶،
۵۶۸، ۵۸۴؛ ۴ / ۲۸، ۳۴، ۳۶، ۵۴، ۶۸،
۷۶، ۹۲، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۳۲،
۱۳۶، ۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۶۲،
۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۸،
۱۹۸، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۴۰، ۲۴۲،
۳۰۶، ۳۳۴، ۳۳۸، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۵۸، ۳۶۰،
۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۶،
۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۹۶، ۴۰۴، ۴۲۰،
۴۶۰، ۴۷۲، ۴۹۰، ۵۰۸
رفاعة بن رافع الزرقي، ۲ / ۳۱۰
روح الله ﷺ (عيسى ﷺ)، ۱ / ۸۸؛ ۴ / ۴۰۲
الرّوح الأمين، ۲ / ۴۷۴
زاذان، ۴ / ۱۵۶، ۱۶۲
زرارة، ۱ / ۵۸، ۲۱۰؛ ۲ / ۱۴۴؛ ۳ / ۴۶،
۲۳۶، ۳۸۶؛ ۴ / ۹۶
زكريّا ﷺ، ۴ / ۴۰۰
الزّكيّة ﷺ، ۴ / ۴۸۸
الزّهراء ﷺ، ۴ / ۱۷۰؛ ۴ / ۴۸۲
الزّهري، ۳ / ۴۰
زياد بن مروان، ۳ / ۳۸۸، ۵۷۲
زيد، ۳ / ۷۰
زيد بن أرقم، ۲ / ۴۷۸؛ ۳ / ۲۵۶
زيد بن ثابت، ۲ / ۹۶؛ ۳ / ۳۶۲، ۳۸۲
زيد بن خالد، ۲ / ۴۹۰
زيد بن عليّ، ۱ / ۲۲۲، ۴۱۰؛ ۲ / ۳۸؛
۳ / ۲۴۴؛ ۴ / ۱۲۴، ۳۶۶
زيد الزّرّاد، ۳ / ۳۷۲
زيد الشحّام، ۱ / ۴۵۴
زيد العمي، ۳ / ۲۳۲
زين العابدين ﷺ (ر. ك: علي بن الحسين ﷺ)، ۲ / ۳۸۰؛ ۴ / ۲۹۲، ۴۲۸، ۴۸۴
سدير، ۳ / ۴۹۰
سعد بن أبي وقّاص، ۲ / ۱۰

سعد بن زيد، ۳ / ۱۳۶
سعد بن معاذ، ۳ / ۴۰
سعد المؤذّن، ۳ / ۴۴
سعيد بن أبي سعيد، ۳ / ۳۳۲
سعيد بن جبير، ۱ / ۳۵۲
سعيد بن العاص، ۳ / ۵۲
سعيد بن المسيّب، ۱ / ۳۴؛ ۲ / ۳۴، ۴۹۴
سعيد بن يسار، ۴ / ۹۸
السّعيد العمري، ۲ / ۴۳۴
سعيد النقّاش، ۳ / ۴۲
السفيان الثّوري، ۲ / ۲۲۴، ۲۳۸؛ ۳ / ۱۲۰؛ ۴ / ۸۶
السكوني، ۴ / ۵۴
سلمان الفارسي، ۱ / ۲۶۸؛ ۳ / ۴۰، ۹۸
سليمان ﷺ، ۱ / ۴۶۸؛ ۲ / ۲۱۰؛ ۴ / ۴۰۰
سليمان بن جعفر الجعفري، ۴ / ۹۶، ۹۸
سليمان بن خالد، ۱ / ۲۰۰؛ ۳ / ۳۶۴، ۳۸۸، ۴۱۸
سليمان بن صرد، ۳ / ۲۶۰
سليمان الجعفري، ۱ / ۳۴۴، ۳۸۰، ۴۰۴؛ ۳ / ۴۶۰
سماعة بن مهران، ۱ / ۳۷۰؛ ۳ / ۲۳۴، ۴۰۰؛ ۴ / ۴۶
سمرة بن جندب، ۴ / ۱۱۴
سنان، ۲ / ۲۷۰
السندي، ۱ / ۲۴۴
سهيل بن عمرو، ۱ / ۳۵۸
سيّد الشّهداء = الحسين بن عليّ ﷺ
سيّد العابدين ﷺ (ر. ک: علي بن الحسين ﷺ)، ۲ / ۳۴؛ ۴ / ۴۹۲
سيّد المرسلين، ۴ / ۴۶۰
سيّدة نساء العالمين، ۴ / ۴۸۲
الشافعي، ۴ / ۳۵۸
شدّاد بن أوس، ۴ / ۳۰۶
الشّريف، ۲ / ۲۷۸
الشعبي، ۱ / ۳۵۶، ۴۱۴
شعيا ﷺ، ۴ / ۴۰۰
شعيب ﷺ، ۴ / ۴۰۰
الشفاء بنت خلف، ۴ / ۱۷۲
شمعون ﷺ، ۴ / ۴۰۰
شمعون الراهب، ۱ / ۱۵۰
شيبة بن ربيعة، ۱ / ۴۱۰
شيث ﷺ، ۴ / ۴۰۰، ۴۰۲
الشّيطان (ر. ک: إبليس)، ۱ / ۸۲، ۱۱۸، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۸۴، ۲۹۴، ۳۴۴، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۱۶؛

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٣ / ١٠٠، ١١٨، ١٣٠، ١٣٢، ١٣٦، ١٤٨،
٢٣٤، ٢٤٨، ٢٥٠، ٢٥٢، ٢٥٤، ٢٥٦، ٢٥٨،
٢٦٠، ٢٧٢، ٢٨٤، ٢٨٦، ٢٨٨، ٢٩٠، ٢٩٢،
٢٩٦، ٢٩٨، ٣٧٦، ٣٧٨، ٣٩٠، ٣٩٦، ٣٩٨،
٤٠٠، ٤٠٤، ٤٠٦، ٤١٠، ٤١٢، ٤١٤، ٤١٦،
٤١٨، ٤٢٠، ٤٢٢، ٤٣٦، ٤٣٨، ٤٤٢، ٤٤٤،
٤٤٨، ٤٥٠، ٤٦٠، ٤٦٢، ٤٦٤، ٤٨٠، ٤٨٢،
٤٨٦، ٤٩٤، ٤٩٦، ٥١٤، ٥٢٦، ٥٣٢، ٥٣٤،
٥٣٨، ٥٤٠، ٥٤٢، ٥٤٦، ٥٤٨، ٥٥٢، ٥٦٢؛
٤ / ٢٨، ٦٠، ١٧٠، ٢٥٢، ٢٦٨
صاحب الزّمان عليه السلام، ٢ / ٨٠؛ ٤ / ٥٠٠
صالح عليه السلام، ٤ / ٤٠٠
صباح الحذّاء، ١ / ٢٣٦
الصّدّيقة عليها السلام، ٤ / ٤٨٨
صفوان بن مهران الجمّال، ١ / ٣٨٢، ٤١٦؛
٢ / ٤٠٨؛ ٣ / ٧٠، ١٤٠، ١٤٢
صفوان بن يحيى، ١ / ٣٣٠
صفوة الله، ٤ / ٤٧٢
صهيب، ٣ / ٤٣٠
طالوت عليه السلام، ٤ / ٤٠٠
الطّاهرة البتول عليها السلام، ٤ / ٤٨٢
طلحة بن أبي طلحة، ٣ / ٣٨، ٤٠
ظريف بن ناصح، ٣ / ٣٣٦
عـــائشة، ١ / ٨٤، ٥٠٨؛ ٢ / ٦، ٩٢، ١٣٤؛
٣ / ٢٦٤، ٣٢٤، ٣٥٦، ٣٦٨، ٣٩٢، ٣٩٨،
٤٠٠، ٤٤٠، ٤٧٦، ٥٨٢؛ ٤ / ٣٤، ٤٠، ١٦٨، ٢٤٠
عائشة بنت سعد بن أبي وقّاص، ٣ / ١٥٨
عائشة بنت قدامة بن مظعون، ٣ / ٥١٨
عبّاد بن كثير، ١ / ٢٦٦
عبادة بن الصامت، ٣ / ٤٣٤
عبّاس، ١ / ٣٤٦
عبد الأعلى بن أعين، ١ / ١١٠
عبد الأعلى التميمي، ٤ / ١٧٦
عبد الله، ٢ / ٦، ١٣٤؛ ٣ / ٤٤، ٣٩٢
عبد الله بن أبان، ٣ / ٢٤٤
عبد الله بن بسر، ١ / ٤٨، ٥٠
عبد الله بن بكير، ٢ / ٢٤٢
عبد الله بن جعفر، ٢ / ٢٧٨، ٥١٢
عبد الله بن جندب، ٤ / ٣٢
عبد الله بن الحارث، ٣ / ٢٠٤
عبد الله بن حامد، ١ / ١٢٢
عبد الله بن الحسن، ٣ / ١٤٠
عبد الله بن رواحة الأنصاري، ١ / ٢٦٢
عبد الله بن الزبير، ٢ / ٥٠٠
عبد الله بن سلّام، ١ / ٥٤، ٤٥٨
عبد الله بن سليمان، ٤ / ٣٤٠

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

عبد الله بن سليمان، ۴ / ۳۴۰
عبد الله بن سنان، ۱ / ۳۳۲؛ ۳ / ۴۸۴
عبد الله بن عطاء، ۲ / ۴۶
عبد الله بن عليّ، ۲ / ۲۶۸
عبد الله بن عمر، ۱ / ۳۴۸؛ ۳ / ۴۴، ۵۴، ۳۴۴
عبد الله بن عمرو، ۳ / ۳۵۶، ۳۷۶؛ ۴ / ۱۳۲
عبد الله بن قيس، ۳ / ۳۳۴
عبد الله بن الكوّاء اليشكري، ۳ / ۳۲۴
عبد الله بن مسعود (ر. ك: ابن مسعود)، ۱ / ۳۴۶، ۵۲۰؛ ۲ / ۱۶؛ ۳ / ۳۶، ۸۸، ۲۳۲، ۳۶۲، ۴۶۲؛ ۴ / ۱۶۶
عبد الله بن مطرف، ۲ / ۲۸۸
عبد الله بن نافع، ۴ / ۲۲۸
عبد الله بن يحيىٰ، ۱ / ۳۳۰، ۳۸۸
عبد الله بن يسار، ۳ / ۷۴
عبد الله الحضرمي، ۴ / ۱۴۲
عبد خير، ۱ / ۳۵۲؛ ۳ / ۱۸۲
عبد الرحمن بن أبي ليلى، ۴ / ۳۶۲
عبد الرحمٰن بن أبي نجران، ۱ / ۳۱۸
عبد الرحمن بن سويد الكاهلي، ۴ / ۱۶۲
عبد الرحمن بن سيابة، ۳ / ۳۰۴
عبد الرحمن بن عبيد بن أبي الكنود، ۲ / ۳۶
عبد الرحمن بن عوف، ۴ / ۳۷۴
عبد الرحمن بن قرط، ۲ / ۸، ۱۳۰
عبد الرحمن بن كثير، ۴ / ۳۳۰
عبد الرحمن بن هبيرة، ۱ / ۲۲۸
عبد السلام بن صالح الهروي، ۴ / ۱۲۶
عبد السلام بن نعيم، ۴ / ۳۳۸
عبد العزيز بن مسلم، ۱ / ۲۸۰
عبد العظيم بن عبد الله، ۳ / ۴۱۲
عبيد الله بن عبد الله، ۴ / ۳۴۰
عبيد الله الحلبي، ۴ / ۴۴۸
عبيد بن زرارة، ۲ / ۲۷۰؛ ۴ / ۱۵۸
عبيدة، ۳ / ۵۸
عتبة بن ربيعة، ۱ / ۴۱۰
عثمان بن أبي سودة، ۱ / ۵۳۶
عثمان بن أبي العاص، ۳ / ۲۶۴، ۴۷۶
عثمان بن عفّان، ۱ / ۳۳۶؛ ۳ / ۱۰۲، ۲۶۴؛ ۴ / ۱۹۰
عثمان بن عيسى، ۳ / ۴۰۰، ۴۵۶
عثمان بن مظعون، ۳ / ۵۲، ۵۴
العرباض بن سارية، ۱ / ۴۸۲
العزرمي، ۲ / ۲۴۶
عزير، ۴ / ۴۰۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

عصمة بن مالك، ١ / ١٨٦
عقبة بن أبي معيط، ٣ / ١٦٤
عقبة بن عامر الجهني، ١ / ٧٦، ١٦٤، ٥٠٨؛ ٣ / ١٠٨
العلاء بن سيّابة، ٣ / ٣٣٦
العلاء بن كامل، ١ / ١٢٦
علقمة، ٢ / ١٣٤
العلوي المصري، ٣ / ٥٨٠
عليّ بن أبي حمزة، ١ / ٢٢٤
عليّ بن أبي طالب عليه السلام (ر. ك: أمير المؤمنين عليه السلام)، ١ / ١٠٨، ٣٥٢، ٣٦٠، ٣٦٤، ٣٧٢، ٣٧٨، ٣٨٢، ٤٠٤، ٤١٤، ٤١٦، ٤٥٠، ٤٥٦؛ ٢ / ٣٦، ٤٤، ٥٠، ٧٦، ١٢٨، ١٣٦، ١٦٠، ١٦٤، ٢٠٦، ٢٣٠، ٢٤٤، ٢٨٢، ٢٨٤، ٢٨٦، ٣٠٤، ٤٥٤، ٤٧٢، ٥١٠، ٥١٢؛ ٣ / ١٨، ٣٢، ٣٦، ٣٨، ٤٠، ٤٢، ٤٤، ٤٦، ٥٠، ٥٨، ٦٢، ٦٤، ٧٤، ٩٠، ٩٨، ١٢٠، ١٣٠، ١٨٢، ٢٠٤، ٢٧٠، ٣٣٤، ٣٤٠، ٣٨٤، ٤١٦، ٤٣٠، ٤٦٤، ٤٧٢، ٤٨٦، ٥٨٤؛ ٤ / ٢٠، ٢٦، ٦٢، ١٠٤، ١٣٢، ١٤٤، ١٤٨، ١٦٢، ٢٠٦، ٢١٠، ٢٢٤، ٢٢٨، ٢٤٨، ٣٥٦، ٣٦٦، ٤٠٢، ٤٢٨، ٤٥٢، ٤٨٨
عليّ بن أسباط، ١ / ١٩٤، ٢٢٢
عليّ بن جعفر، ٢ / ٤٢٠؛ ٤ / ١٩٦
عليّ بن حسّان، ٢ / ٤٠٦، ٤١٠
عليّ بن الحسين عليه السلام (ر. ك: زين العابدين عليه السلام)، ١ / ٣٢٦، ٣٦٢، ٤١٦، ٤١٨؛ ٢ / ٣٤، ٧٨، ١٢٨، ١٦٤، ٢١٠، ٢٤٤، ٢٥٢، ٢٥٨، ٢٦٨، ٢٨٨، ٣٨٠، ٣٨٤، ٤٧٢، ٤٧٤، ٥١٦؛ ٣ / ٦٢، ٤٠٨؛ ٤ / ٣٦٦، ٤٢٢، ٤٢٨، ٤٣٠، ٤٨٤، ٤٩٢، ٥٠٠، ٥٠٨
عليّ بن الحكم، ٢ / ٢٤٠
عليّ بن رئاب، ٣ / ٥٧٢؛ ٤ / ٣١٦
عليّ بن ربيعة الأسدي، ١ / ٣٨٢؛ ٢ / ٢٨٦؛ ٤ / ١٥٠
عليّ بن زيد، ٢ / ٣٤
عليّ بن عيسى، ١ / ٤٢، ٢٨٤؛ ٢ / ١٣٠؛ ٣ / ٢٤٨
عليّ بن محمّد النّقيّ عليه السلام، ٢ / ٨٠، ٤٢٤؛ ٣ / ٦٢؛ ٤ / ٤٢٨، ٤٧٤، ٤٨٤، ٤٩٦، ٥٠٢، ٥٠٨
عليّ بن موسى الرضا عليه السلام، ١ / ٣٣٠، ٤١٦؛ ٢ / ٨٠؛ ٣ / ٦٢؛ ٤ / ١٢٦، ٤٢٨، ٤٧٠، ٤٨٤، ٤٩٤، ٥٠٢، ٥٠٨
عليّ بن مهزيار، ٣ / ١١٨، ٣٤٨

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

عليّ بن يقطين، ۳ / ۴۳۶
عمارة بن زعكرة، ۱ / ۱۸۲
عمران بن الحصين، ۱ / ۵۲۰؛ ۳ / ۲۹۴؛ ۴ / ۲۴۰
عمر بن أبي حسنة الجمّال، ۴ / ۹۸
عمر بن الخطّاب، ۱ / ۴۵۰، ۴۵۶؛ ۳ / ۵۰۰
عمر بن سعد، ۲ / ۲۵۶
عمر بن عبد العزيز، ۱ / ۴۲۸
عمر بن مسلم، ۱ / ۸۲
عمر بن يزيد، ۴ / ۳۴۶
عمرو بن أبي المقدام، ۲ / ۵۲۶
عمرو بن شعيب، ۳ / ۲۷۸
عمرو بن شمر، ۱ / ۴۱۲
عمرو بن عبسة، ۲ / ۱۴۴
عمرو بن عبيد، ۱ / ۳۷۸؛ ۲ / ۲۶۸
عوف بن مالك الأشجعي، ۱ / ۵۰۸؛ ۳ / ۱۲۲، ۳۹۲
عيسىٰ، ۱ / ۸۸، ۹۰، ۱۳۰، ۱۵۸، ۱۹۴، ۲۲۲، ۲۲۴، ۴۶۸؛ ۲ / ۷۴، ۵۲۰؛ ۳ / ۲۱۸؛ ۴ / ۱۴۴، ۴۰۰، ۴۰۲
عيسى بن عبد الله بن عمر، ۱ / ۵۱۸
فاطمة، ۱ / ۱۱۴، ۳۷۶، ۴۱۸؛ ۲ / ۴۴، ۴۸، ۵۰، ۷۶، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۱۶۰، ۱۶۲، ۲۳۰، ۳۶۶، ۵۱۴؛ ۳ / ۴۰، ۴۲، ۳۵۴، ۳۸۴، ۴۱۶، ۴۲۰، ۴۴۸، ۵۲۸؛ ۴ / ۲۰۸، ۲۹۲، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۱۶، ۴۲۸، ۴۸۲، ۴۸۸
فاطمة بنت الحسين، ۲ / ۱۶۴
الفتّاك، ۲ / ۱۲۲
الفتح بن يزيد الجرجاني، ۱ / ۳۲۰، ۳۲۲
فرعون، ۳ / ۳۸، ۲۳۲
الفضل بن شاذان، ۱ / ۹۶؛ ۲ / ۷۲؛ ۳ / ۳۴
القائم، ۲ / ۵۳۴
القاسم بن عبد الرحمن، ۲ / ۱۶۴
قبيصة بن مخارق الهلاليّ، ۳ / ۱۳۰
قسرة بنت رواس الكنديّة، ۱ / ۲۱۶
قطبة، ۳ / ۳۲۲
قيس بن سعد بن عبادة، ۳ / ۹۶
كامل بن العلاء، ۳ / ۶۲
كثير بن كلثمة، ۲ / ۷۴
كعب، ۲ /
كعب بن عجرة، ۲ / ۱۹۲، ۲۲۰، ۴۴۸؛ ۴ / ۳۶۰
كليم الله، ۴ / ۴۰۲
كميل بن زياد، ۱ / ۴۸، ۱۳۰، ۲۳۸، ۳۹۲،

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

كليم الله ﷺ، ۴ / ۴۰۲
كميل بن زياد، ۱ / ۴۸، ۱۳۰، ۲۳۸، ۳۹۲، ۳۹۶؛ ۲ / ۲۳۸؛ ۳ / ۱۲۸، ۱۳۲، ۳۰۰؛ ۴ / ۱۶، ۱۸
لقمان ﷺ، ۱ / ۴۷۲؛ ۳ / ۲۴۰؛ ۴ / ۴۰۲
لوط ﷺ، ۴ / ۴۰۰
مالك الأشتر، ۳ / ۵۸، ۳۶۴
المأمون، ۲ / ۴۷۲
متّى ﷺ، ۴ / ۴۰۰
محمّد بن إبراهيم التيمي، ۲ / ۱۲۲؛ ۳ / ۴۵۶
محمّد بن أبي بكر
محمّد بن أبي بكر الثقفي، ۱ / ۳۶، ۱۱۸؛ ۳ / ۵۸
محمّد بن أبي حمزة، ۴ / ۱۲۴
محمّد بن أحمد بن يحيى، ۲ / ۳۷۶، ۴۲۲
محمّد بن جعفر، ۲ / ۹۴
محمّد بن الحسين العلوي، ۲ / ۳۱۲
محمّد بن الحنفيّة، ۱ / ۲۰۸؛ ۳ / ۳۵۴؛ ۴ / ۲۳۶
محمّد بن خالد البرقي، ۳ / ۷۶
محمّد بن الريّان، ۴ / ۷۸
محمّد بن سعد بن زرارة، ۲ / ۱۰
محمّد بن سنان، ۱ / ۳۱۸؛ ۲ / ۲۴۴؛ ۳ / ۳۸۸
محمّد بن عبد الله بن جعفر الحميري، ۲ / ۱۶۸؛ ۴ / ۵۱۰
محمّد بن عبد الله بن الحسن، ۳ / ۱۴۰، ۱۴۲
محمّد بن عبد الله ﷺ (ر. ك: رسول الله ـ النبي ﷺ)، ۱ / ۴۸، ۶۸، ۱۳۲، ۱۸۲، ۲۰۰، ۲۳۲، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۶۶، ۲۹۰، ۳۴۴، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۴، ۳۹۸، ۴۱۰، ۴۱۸، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۸، ۴۶۴، ۴۸۰، ۵۳۰، ۵۳۶؛ ۲ / ۸، ۷۶، ۸۲، ۹۲، ۲۲۲، ۲۳۲، ۲۸۰، ۲۸۸، ۲۹۶، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۲، ۳۲۰، ۳۷۸، ۳۸۲، ۳۸۴، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۳۴، ۴۵۸، ۴۸۰، ۴۹۰، ۴۹۶، ۵۰۶، ۵۱۴، ۵۲۶، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۴؛ ۳ / ۱۸، ۲۶، ۳۲، ۳۶، ۳۸، ۴۲، ۴۸، ۵۰، ۹۶، ۱۱۶، ۱۶۶، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۲۶، ۲۸۸، ۳۱۸، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۵۴، ۳۵۸، ۳۶۶، ۳۷۴، ۴۰۶، ۴۱۴، ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۵۰، ۴۸۰، ۴۹۲، ۵۱۴، ۵۲۸، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۶۲، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴؛ ۴ / ۸۲، ۱۱۴، ۱۸۶، ۱۹۶، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۳۲، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۵۰،

۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴،
۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۹۰،
۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۱۶،
۳۱۸، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۲،
۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۴، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۶،
۳۶۸، ۳۷۶، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۲،
۳۹۴، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۰۶،
۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۲۰،
۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۴،
۴۳۶، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸،
۴۵۰، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۲،
۴۶۴، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۶،
۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۸، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۶،
۵۰۸، ۵۱۰

محمّد بن عذافر، ۲ / ۹۴

محمّد بن عليّ الباقر عليه السلام (ر. ك: أبو جعفر الباقر عليه السلام)، ۱ / ۲:۴۱۶ / ۷۸، ۱۲۸، ۴۰۲، ۴۷۲، ۴۷۴؛ ۳ / ۶۲، ۴۳۶؛ ۴ / ۴۲۸، ۴۴۲، ۴۸۴، ۴۹۲، ۵۰۰، ۵۰۸

محمّد بن عليّ بن إبراهيم، ۲ / ۱۴۶

محمّد بن عليّ الجواد عليه السلام (ر. ك: أبو جعفر الثاني عليه السلام)، ۲ / ۸۰، ۴۲۲؛ ۳ / ۶۲؛ ۴ / ۴۲۸، ۴۸۴، ۴۹۶، ۵۰۲، ۵۰۸

محمّد بن عيسى، ۲ / ۸۴

محمّد بن محمّد بن نصر السكوني، ۲ / ۴۳۴

محمّد بن مسلم، ۱ / ۵۸؛ ۲ / ۴۱۴؛ ۳ / ۵۸، ۲۳۶، ۳۷۲، ۴۴۴

محمّد بن وهبان، ۲ / ۱۲۲

محمّد بن يوسف، ۴ / ۹۶

مخنف بن يزيد، ۱ / ۵۶

مرازم بن حكيم، ۳ / ۱۷۰، ۱۷۲؛ ۴ / ۳۸۶

مربع، ۱ / ۳۲

مروان، ۱ / ۳۵۸

مسرف بن عقبة، ۳ / ۳۳۶

المسوّر بن مخرمة، ۱ / ۳۵۸

المسيح عليه السلام، ۱ / ۲۸۶؛ ۳ / ۲۱۸

المسيح الدّجّال، ۳ / ۳۰۶، ۳۸۲، ۵۰۲، ۵۰۶

المطّلب بن عبد الله بن حنطب، ۱ / ۳۶۸

معاذ بن جبل، ۱ / ۳۴، ۵۰، ۵۴، ۱۰۰؛ ۲ / ۵۰۲؛ ۳ / ۸۸، ۲۵۸

معاوية، ۱ / ۲۷۲؛ ۳ / ۳۳۴

معاوية بن إسحاق الأنصاري، ۳ / ۲۴۴

معاوية بن عمّار، ۱ / ۳۳۸، ۳۵۴؛ ۲ / ۲۵۶؛ ۳ / ۳۳۶؛ ۴ / ۱۰۸، ۱۳۸، ۴۰۰

معاوية بن وهب، ۲ / ۵۶
معتب (مولى الإمام الصادق عليه السلام)، ۴ / ۲۲۴
المعلّى بن خنيس، ۳ / ۱۴۰، ۱۴۲
المفضّل بن عمر، ۱ / ۲۹۸، ۴۰۰؛ ۲ / ۲۱۴، ۴۱۲؛ ۳ / ۷۰، ۴۴۴؛ ۴ / ۱۰۲
ملك الرّوم، ۲ / ۳۷۴
ملك الموت، ۳ / ۵۶۸
المنذر بن الجارود، ۳ / ۴۳۲
المنصور، ۳ / ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۵۸۴
موسى عليه السلام، ۱ / ۴۲، ۴۴، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۶۴، ۷۴، ۱۵۶، ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۸، ۲۸۴، ۲۸۶، ۴۷۰، ۴۸۸؛ ۲ / ۵۶، ۱۳۰، ۱۶۴، ۴۶۰، ۴۶۲؛ ۳ / ۱۲۰، ۱۷۰، ۲۴۸؛ ۴ / ۱۳۰، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۵۶، ۴۶۲، ۴۸۸
موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام (ر. ك: أبو الحسن الأوّل عليه السلام)، ۲ / ۸۰، ۴۲۰، ۴۷۲، ۴۷۴؛ ۳ / ۶۲؛ ۴ / ۴۲۸، ۴۶۴، ۴۸۴، ۴۹۴، ۵۰۲، ۵۰۸
موسى بن عبد الله النخعي، ۳ / ۶۲
المهدي العبّاسيّ، ۳ / ۳۳۸
المهدي المنتظر (عج)، ۴ / ۴۸۴، ۵۰۲، ۵۰۸
ميشا عليه السلام، ۴ / ۴۰۰
ميكائيل عليه السلام، ۲ / ۸، ۱۳۰؛ ۳ / ۴۰، ۴۲، ۳۸۴، ۵۴۸؛ ۴ / ۴۱۶
ميمونة، ۳ / ۳۸۰
النّبيّ صلى الله عليه وآله (ر. ك: محمّد بن عبد الله ـ رسول الله)، ۱ / ۳۴، ۴۴، ۴۸، ۶۸، ۸۴، ۹۲، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۸۰، ۱۹۰، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۵۴، ۲۶۲، ۲۷۴، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۲۸، ۴۴۸، ۴۵۲، ۴۷۰، ۴۸۰، ۵۰۸، ۵۲۲، ۵۳۰، ۵۳۲؛ ۲ / ۶، ۱۰، ۲۶، ۳۶، ۷۶، ۸۴، ۹۰، ۹۲، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۴، ۱۶۴، ۲۰۸، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۵۶، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۱۴، ۳۲۶، ۳۵۰، ۳۷۴، ۳۷۶، ۴۵۶، ۴۷۶، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۳۰؛ ۳ / ۳۴، ۳۶، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۵۸، ۶۸، ۷۰، ۷۴، ۸۸، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۴۸، ۱۵۸، ۱۶۸، ۱۷۶، ۱۷۸، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۵۲، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۹۲، ۲۹۴، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۳۴، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۵۰،

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

۴۴۰، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۲،
۴۹۴؛ ۴ / ۳۲، ۴۰، ۵۴، ۶۰، ۱۱۲، ۱۱۴،
۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۶،
۱۶۸، ۱۷۲، ۱۸۸، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۴۰، ۲۴۲،
۳۰۶، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۵۰،
۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۷۴، ۳۷۶،
۳۸۰، ۳۸۴، ۳۸۶، ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۴۴، ۴۴۸،
۴۵۰، ۴۵۶، ۴۶۶، ۴۸۶

النّضر بن الحارث، ۳ / ۱۶۴

النعمان بن سعد، ۳ / ۴۹۰

نعيم بن سلامة، ۲ / ۲۶۶

نـوح، ۱ / ۴۵۶، ۵۳۰؛ ۲ / ۴۶۲، ۴۶۴؛
۴ / ۴۰۰، ۴۰۲

نوف البكاليّ، ۲ / ۱۰۶

النوفلي، ۲ / ۳۶

واصل بن عطاء، ۱ / ۳۷۸

وليّ الأمر المنتظر، ۴ / ۴۹۸

وهيب بن الورد، ۴ / ۴۸

هابيل، ۴ / ۴۰۰، ۴۰۲

هارون، ۴ / ۴۰۰، ۴۵۶، ۴۶۲، ۴۸۸

هارون بن خارجة، ۳ / ۴۸۴

هارون الرشيد، ۳ / ۳۳۸

هشـام بـن الحكـم، ۱ / ۳۱۸، ۳۲۰، ۴۵۰؛
۲ / ۵۳۰؛ ۳ / ۳۴

هشام الجواليقي، ۱ / ۴۵۲

هلال بن خبّاب، ۲ / ۲۸۶

هلقام بن أبي هلقام، ۴ / ۱۷۰

هود، ۴ / ۴۰۰

يحيى بن أبي كثير، ۳ / ۳۳۰

يـحيى بـن زكـريّا، ۱ / ۲۳۰؛ ۴ / ۴۸،
۴۰۰

يحيى بن الفضل النوفلي، ۲ / ۵۲۸

يزيد بن الأسود، ۴ / ۱۹۸

يزيد بن الأصمّ، ۱ / ۴۵۰

يزيد بن قسيط، ۳ / ۲۵۲

اليسع، ۴ / ۴۰۰

يعقوب، ۴ / ۲۰۰، ۴۰۰، ۴۰۲

يعقوب بن زيد التيمي، ۴ / ۳۳۴

يعقوب بن شعيب، ۳ / ۵۶

يوسف، ۳ / ۲۳۲؛ ۴ / ۲۰۰، ۴۰۰

يوشع، ۴ / ۴۰۰

يونس، ۱ / ۴۸۴؛ ۲ / ۳۶؛ ۴ / ۴۰۰

يونس بن ظبيان، ۳ / ۲۶۶؛ ۴ / ۷۲

يـونس بـن عـبد الرحـمن، ۱ / ۵۱۸؛
۳ / ۱۸۲

يونس بن يعقوب، ۱ / ۴۷۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

(۲)

فهرست ادیان، فرقه‌ها و مذاهب

نام صفحه

الإسلام، ۱ / ۴۸، ۲۷۲؛ ۲ / ۳۰۴، ۳۱۶، ۳۲۶، ۳۳۸، ۳۹۰؛ ۳ / ۷۰، ۴۳۴؛ ۴ / ۴۸۰، ۴۸۴

اُمّة محمّدﷺ، ۲ / ۲۲۰؛ ۳ / ۱۱۶؛ ۴ / ۲۲، ۲۱۴

دین محمّدﷺ، ۱ / ۳۷۶

الشیعة، ۱ / ۳۸، ۷۰، ۱۱۸، ۱۹۲، ۲۲۰؛ ۳ / ۱۴۰؛ ۴ / ۲۰۶

الصّابئون، ۲ / ۲۶۰

المجوس، ۲ / ۲۶۰، ۳۰۴، ۳۷۴

المسلمون، ۱ / ۵۶، ۳۴۶، ۳۵۸؛ ۲ / ۱۴، ۲۲۸، ۲۶۸، ۴۵۸، ۵۱۲، ۵۳۰؛ ۳ / ۴۰، ۴۲، ۴۸، ۵۸۶؛ ۴ / ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۲۰، ۲۲۶،

نام صفحه

۳۸۲، ۴۲۲، ۴۳۸، ۴۴۸، ۴۶۰، ۴۶۲، ۵۰۸

ملّة إبراهیم، ۱ / ۳۷۶

النّصاری، ۲ / ۲۶۰، ۳۰۴، ۳۷۴

الیهود، ۱ / ۴۴۸؛ ۲ / ۲۲۰، ۲۶۰، ۲۹۶، ۳۰۴، ۳۷۴، ۴۹۰؛ ۳ / ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۸؛ ۴ / ۳۳۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

(۳)
فهرست جمعیّت‌ها و قبیله‌ها

نام	صفحه
آل إبراهیم علیه السلام، ۴ / ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۹۴، ۴۰۸، ۴۱۶، ۴۵۲، ۴۵۶، ۴۶۲، ۴۷۲	
آل داوود علیه السلام، ۱ / ۴۶۸	
آل محمّد علیهم السلام، ۱ / ۱۳۲، ۲۰۰، ۲۴۲، ۲۶۶، ۳۷۰، ۴۱۶؛ ۲ / ۱۲۲، ۲۳۲، ۳۲۰، ۳۸۲، ۴۱۰، ۴۲۴، ۴۳۴، ۵۲۶، ۵۳۲، ۵۳۴؛ ۳ / ۴۸، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۲۶، ۳۲۰، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۵۴، ۳۶۶، ۴۸۰، ۵۲۸، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۸۰، ۵۸۴؛ ۴ / ۱۱۴، ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۹۰، ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۷۶، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۸، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۹۸، ۵۰۶، ۵۱۲
آل النّبیّ صلی الله علیه و آله، ۴ / ۳۸۶	
آل یاسین، ۴ / ۵۱۰	
الأئمّة علیهم السلام، ۱ / ۹۲؛ ۳ / ۴۳۰؛ ۴ / ۱۸۶، ۴۴۶، ۴۹۰	
الأتباع، ۴ / ۴۰۲	
الأسباط، ۴ / ۴۰۰	
أصحاب الأُخدود، ۳ / ۳۵۰	
أصحاب الحدیث، ۲ / ۴۷۲	
أصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله، ۱ / ۲۷۴	
أصحاب عیسی علیه السلام، ۲ / ۲۲۰	
أصحاب الکهف، ۳ / ۱۶۶	

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

أصحاب معاوية، ٣ / ٣٣٤
أصحاب النبيّ ﷺ، ٤ / ١٥٦
الأصفياء، ٢ / ٤٢٢
الأنبياء ﷺ، ١ / ١١٦، ١٨٢، ٥٢٠، ٥٢٦؛ ٢ / ٤٠٤، ٤٦٠، ٤٩٨؛ ٣ / ٣٨، ٤٧٢، ٥٧٠، ٥٨٤؛ ٤ / ٣٥٢، ٤٠٠، ٤١٠، ٤١٨، ٤٨٢، ٤٨٤
الأنصار، ٢ / ١٩٢؛ ٣ / ٤٠، ١٢٦
الأوصياء ﷺ، ٤ / ٤٤٦، ٤٨٢، ٤٨٤، ٤٩٦
أولو العزم من المرسلين، ٤ / ٣٩٨
أهل الآخرة، ١ / ١٩٠
أهل الإيمان، ١ / ١٩٠
أهل البقيع (الغرقد)، ٤ / ١٩٠
أهل البيت ﷺ، ١ / ٣٨، ١١٨، ٤١٤، ٤١٨؛ ٢ / ١٢٠، ١٧٤، ٢٤٢، ٣٦٠، ٣٧٦، ٤٧٤، ٤٧٦؛ ٣ / ٦٢، ٦٤، ٢٠٦، ٣٢٤، ٤٠٨، ٤٤٤؛ ٤ / ٢٠٤، ٢١٢، ٢٢٨، ٣٤٢، ٣٤٦، ٣٥٦، ٣٦٢، ٣٦٤، ٣٦٨، ٣٧٢، ٣٧٦، ٣٨٠، ٣٨٤، ٣٨٨، ٣٩٢، ٣٩٦، ٤٠٤، ٤١٤، ٤٢٦، ٤٣٠، ٤٣٦، ٤٤٢، ٤٤٦، ٤٤٨، ٤٥٢، ٤٥٦، ٤٦٢، ٤٦٨، ٤٧٠، ٤٧٤، ٤٨٦، ٥٠٢
أهل الخير، ١ / ١٩٠
أهل الذّكر، ١ / ٦٨
أهل العراق، ٣ / ١١٨
أهل العلم، ١ / ٧٢
أهل الكرم، ١ / ٦٨
أهل المدينة، ٣ / ٢٢٠
أهل المسجد، ١ / ٣٤
بنو إسرائيل، ١ / ٢٣٠؛ ٢ / ١٦٤؛ ٣ / ١٦٦
بنو سعد، ٢ / ٩٠
بنو سليم، ٢ / ٢٦٦
بنو قريظة، ٣ / ٤٠
بنو مخزوم، ٣ / ١٤٠
بنو النّجّار، ٣ / ٣٨٠
التّوّابون، ٣ / ٢٠٠؛ ٤ / ١٥٢
الجبّارون، ٢ / ٤٣٦
الجعفريّون، ٤ / ٨٨
الجنّ، ٢ / ٣٧٨؛ ٣ / ٢٣٢، ٢٩٢، ٥٢٢، ٥٤٨، ٥٧٨؛ ٤ / ٤٦٠، ٤٦٢
الحواريّون، ١ / ٨٨؛ ٤ / ٤٠٢
الزّاهدون، ١ / ٧٢؛ ٤ / ٤٤٦
السّعداء، ٤ / ٤٤٦
الشّاكرون، ٢ / ٢٠٤، ٣٩٠
الشّاهدون، ٢ / ٥١٨
الشّهداء، ٤ / ٣٩٨، ٤١٦، ٤٤٦

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

شیعة الإمام علیّ، ۴ / ۲۰۶، ۲۲۴
العـــارفون، ۱ / ۱۳۴، ۱۳۸؛ ۲ / ۳۸۴؛ ۳ / ۵۳۰
العجم، ۳ / ۲۳۲
العرب، ۲ / ۲۶۰؛ ۳ / ۲۳۲
الفاسقون، ۱ / ۱۰۶
الفقهاء، ۱ / ۷۲
قـــریش، ۱ / ۵۳۸؛ ۳ / ۱۴۰، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۶
الکاتبون، ۲ / ۴۰۴
الکافرون، ۲ / ۵۰۰
المادحون، ۲ / ۳۶۸
المتّقون، ۱ / ۷۰، ۱۰۴؛ ۴ / ۱۴۶
المتواصلون، ۱ / ۶۸
المتواضعون، ۱ / ۳۴
المتوکّلون، ۱ / ۶۸، ۲۵۶؛ ۲ / ۴۶۰
المجاهدون، ۱ / ۳۴
المجتهدون، ۲ / ۴۱۲
المحسنون، ۲ / ۳۹۰
المخلصون، ۳ / ۴۸؛ ۴ / ۴۴۶
المـــرسلون، ۲ / ۴۶، ۲۶۰، ۳۲۶، ۳۷۸، ۴۱۲، ۴۶۰؛ ۳ / ۴۸، ۵۷۰، ۵۸۴، ۵۸۶؛ ۴ / ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۲۸، ۴۴۶، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۹۰، ۵۰۶
المشـــرکون، ۱ / ۱۷۸، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۲۸؛ ۲ / ۲۶۰، ۳۷۴؛ ۳ / ۱۲۴
المـلائکة، ۱ / ۶۶، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۴، ۳۶۲، ۳۷۰، ۳۷۶، ۳۹۶، ۴۷۸، ۵۰۸، ۵۲۶، ۵۳۲، ۵۳۸؛ ۲ / ۱۲، ۲۸، ۴۶، ۴۸، ۵۶، ۶۶، ۷۸، ۸۲، ۸۴، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۴۲، ۲۶۰، ۲۷۸، ۳۵۰، ۴۱۲، ۴۳۴، ۴۶۰، ۴۸۴؛ ۳ / ۳۶، ۴۲، ۶۸، ۱۱۴، ۱۵۰، ۲۳۲، ۳۸۴؛ ۴ / ۶۲، ۱۲۲، ۱۸۶، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۶، ۳۲۸، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۶۴، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۸۰، ۳۹۶، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۳۰، ۴۴۴، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۷۲، ۵۰۸
المـــلائکة المـــقرّبون، ۱ / ۲۰۰؛ ۲ / ۴۱۲، ۵۱۸؛ ۳ / ۴۸، ۵۷۰، ۵۸۴؛ ۴ / ۳۹۶، ۴۱۴، ۴۲۸، ۴۷۰
المنافقون، ۱ / ۱۱۴؛ ۴ / ۱۹۸
الموقنون، ۱ / ۴۸
المهاجرون، ۳ / ۴۰
النّاطقون، ۲ / ۴۱۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

النّبیّون، ۲ / ۳۵۰، ۴۱۲؛ ۴ / ۳۹۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

(٤)
فهرست شهرها و مکان‌ها

نام صفحه

الاسطوانة الخامسة من مسجد الكوفة، ۴ / ۴۰۲

البلد الحرام، ۴ / ۴۱۴

البيت الحرام، ۴ / ۱۷۶، ۴۱۸

الحجر الأسود، ۳ / ۷۰، ۳۶۰

خراسان، ۱ / ۵۲۴

دار اسامة، ۳ / ۴۰

الرّكن اليمانيّ، ۳ / ۴۸۴؛ ۴ / ۴۱۴، ۴۱۸

زمزم، ۲ / ۸، ۱۳۰

الصّفا، ۴ / ۱۴۰

صفّين، ۲ / ۲۵۶، ۳۵۰؛ ۳ / ۳۰۲

العراق، ۳ / ۱۴۰، ۱۴۲

العراقين، ۱ / ۲۰۴

عرفة، ۳ / ۵۸

قبر الحسين عليه السلام، ۱ / ۱۴۶؛ ۲ / ۱۶۲،

نام صفحه

۱۶۶، ۱۶۸؛ ۳ / ۴۷۲؛ ۴ / ۲۰۸، ۲۲۲

قبر حمزة، ۲ / ۱۶۸

قبر النّبيّ صلی الله علیه و آله، ۳ / ۴۰۸؛ ۴ / ۱۷۴، ۲۲۲، ۳۵۲

الكعبة، ۱ / ۴۱۲؛ ۳ / ۴۸۴؛ ۴ / ۱۴۰

الكوفة، ۲ / ۲۸۲، ۴۸۲

المدينة، ۱ / ۴۱۶؛ ۳ / ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۶۴، ۳۳۶

مرو، ۱ / ۴۱۶

المسجد الأقصىٰ، ۲ / ۸، ۱۳۰

المسجد الحرام، ۲ / ۸، ۱۳۰

مسجد السّهلة، ۳ / ۲۴۴

مسجد النّبيّ صلی الله علیه و آله، ۳ / ۱۴۰

المشعر الحرام، ۴ / ۴۱۴، ۴۱۸

مصر، ۳ / ۲۳۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

المقام، ۲ / ۸، ۱۳۰؛ ۴ / ۴۱۴، ۴۱۸

مکّة، ۱ / ۲۰۴؛ ۲ / ۳۴؛ ۴ / ۴۸، ۵۰۰

منی، ۱ / ۱۷۸؛ ۳ / ۴۶، ۵۸

نیسابور، ۲ / ۴۷۲

الیمن، ۳ / ۲۶۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

(۵)

فهرست زمان‌ها و روزها

نام صفحه

أيّام البيض من رجب، ۲ / ۱۶؛ ۴ / ۱۲۰

أيّام التّشريق، ۱ / ۱۷۸؛ ۳ / ۴۶، ۵۸

أيّام العشر، ۲ / ۵۲۰

تزويج فاطمة عليها السلام، ۳ / ۴۱۶

حجّة الوداع، ۴ / ۱۳۸

شهر الله، ۴ / ۱۲۸

الشّهر الحرام، ۴ / ۴۱۸

شهر ذي الحجّة، ۱ / ۱۷۴؛ ۲ / ۵۱۰؛ ۴ / ۲۰۲

شهر ربيع الآخر، ۴ / ۲۰۴

شهر ربيع الأوّل، ۴ / ۲۰۲

شهر رجب، ۲ / ۸؛ ۴ / ۱۲۰، ۱۲۲

شهر رمضان، ۱ / ۴۰، ۲۱۸؛ ۲ / ۱۴، ۶۲، ۸۴، ۲۹۰، ۳۹۰، ۴۱۲، ۴۲۲، ۴۳۴؛ ۳ / ۲۱۲، ۲۹۰، ۳۲۶، ۳۷۰، ۴۷۰، ۴۷۲، ۵۳۲، ۵۵۸، ۵۷۲؛ ۴ / ۱۲۶، ۱۲۸، ۲۱۴، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۹۲، ۵۰۸

شهر شعبان، ۳ / ۵۷۰؛ ۴ / ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۲۳۸

شهر صفر، ۴ / ۲۰۲

شهر محرّم، ۴ / ۲۰۲

صفّين، ۴ / ۱۹۲

عشر ذي الحجّة، ۲ / ۵۲۰

عيد الأضحى، ۳ / ۴۶

غزوة أُحد، ۳ / ۳۸

فتح مكّة، ۳ / ۷۰

ليلة الإسراء، ۱ / ۵۳۶؛ ۲ / ۸

ليلة الجمعة، ۴ / ۱۱۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ليلة السّبت، ۳ / ۴۶۸

ليلة صفّين، ۳ / ۲۵۶

ليلة عاشوراء، ۴ / ۳۰

ليلة الفطر، ۳ / ۴۴

ليلة القدر، ۳ / ۴۷۲

ليلة المعراج، ۳ / ۳۸

ليلة النّصف من شعبان، ۳ / ۲۱۰؛ ۴ / ۱۲۴

ولادة الحسن، ۳ / ۴۲۰

يوم الإثنين، ۳ / ۴۶۸، ۵۷۶

يوم أُحد، ۳ / ۴۷۴

يوم الأحزاب، ۲ / ۳۰۸؛ ۳ / ۴۷۴

يوم الأربعاء، ۱ / ۱۶۲؛ ۳ / ۵۷۲، ۵۷۸

يوم تاسوعاء، ۲ / ۲۵۴

اليوم الثّالث عشر، ۱ / ۱۷۴

يوم الثّلاثاء، ۳ / ۲۹۸، ۵۷۶

يوم الجمعة، ۱ / ۱۸۰؛ ۳ / ۳۸۸، ۴۶۸؛ ۴ / ۱۱۴، ۱۸۶، ۲۳۴، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۵۲

يوم الحديبية، ۴ / ۲۰۸

يوم الخميس، ۳ / ۵۷۴، ۵۷۸؛ ۴ / ۱۱۲

يوم صفّين، ۱ / ۱۶۰؛ ۳ / ۵۲۰

يوم الطّفّ، ۳ / ۲۹۸

يوم عرفة، ۱ / ۲۱۸، ۲۲۰؛ ۲ / ۵۰، ۴۹۸؛ ۳ / ۵۸، ۱۶۰، ۲۵۸، ۴۶۸، ۴۷۲، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۶۰، ۵۶۴؛ ۴ / ۲۹۸، ۴۲۲

يوم النّحر، ۱ / ۱۷۸؛ ۳ / ۴۶؛ ۴ / ۱۱۶

يوم الهرير، ۳ / ۳۰۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فهرست منابع و مآخذ

۱. الآداب، أحمد بن حسین البیهقی (م ۴۵۸ ق)، تعلیق: أبو عبد الله السعید المندوه، بیروت: المؤسّسة الثقافیة، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۹۸ م.

۲. إثبات الوصیّة للإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، [المنسوب إلی] علی بن الحسین المسعودی (م ۳۴۶ ق)، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۹ ق، دوم.

۳. الاحتجاج علی أهل اللجاج، أحمد بن علی الطَبرسی (م ۶۲۰ ق)، تحقیق: إبراهیم البهادری و محمّد هادی‌به، تهران: دار الأسوة، ۱۴۱۳ ق، اوّل.

۴. إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل، نور الله بن السیّد شریف الشوشتری (القاضی التستری) (م ۱۰۱۹ ق)، با تصحیح و تعلیق: السیّد شهاب الدین المرعشی، قم: مکتبة آیة الله المرعشی، ۱۴۱۱ ق، اوّل.

۵. إحیاء علوم الدین، محمّد بن محمّد الغزّالی (م ۵۰۵ ق)، بیروت: دار الهادی، ۱۴۱۲ ق، اوّل.

۶. الأخبار الطِّوال، أحمد بن داوود الدینَوَری (م ۲۸۲ ق)، تحقیق: عبد المنعم عامر، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ ق، اوّل.

۷. الاختصاص، [المنسوب إلی] محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق)، تحقیق: علی أکبر الغفّاری، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ ق، چهارم.

۸. اختیار معرفة الرجال (رجال الکشّی)، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: السیّد مهدی الرجائی، قم: مؤسّسة آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۴ ق، اوّل.

۹. أدب الإملاء و الاستملاء، عبد الکریم بن محمّد السمعانی (م ۵۶۲ ق)، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۱ ق، اوّل.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۰ . الأدب المفرد، محمّد بن إسماعيل البخارى (م ۲۵۶ ق)، تحقيق: محمّد بن عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميّة.
۱۱ . الأذكار النووية، محيى الدين أبو زكريا يحيى بن شرف النَّوَوى (م ۶۷۱ ق)، بيروت: دار الفكر.
۱۲ . إرشاد القلوب، الحسن بن محمّد الديلمى (م ۷۱۱ ق)، بيروت: مؤسّسة الأعلمى، ۱۳۹۸ ق، چهارم.
۱۳ . الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م ۴۱۳ ق)، تحقيق: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۳ ق، اوّل.
۱۴ . أسباب نزول القرآن، على بن أحمد الواحدى النيسابورى (م ۴۶۸ ق)، تحقيق: كمال بسيونى زُغلول، بيروت: دار الكتب العلميّة.
۱۵ . الاستبصار فى ما اختلف من الأخبار، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ۴۶۰ ق)، تحقيق: حسن الموسوى الخرسان، تهران: دار الكتب الإسلاميّة، اوّل.
۱۶ . أسد الغابة فى معرفة الصحابة، على بن أبى الكرم محمّد الشيبانى (ابن الأثير الجَزَرى) (م ۶۳۰ ق)، تحقيق: على محمّد معوّض وعادل أحمد عبد الموجود، بيروت: دار الكتب العلميّة ۱۴۱۵ق، اوّل.
۱۷ . الأسماء و الصفات، أحمد بن الحسين بن علىّ البيهقى، تحقيق: عبد الله بن محمّد الراشدى، جدّه: مكتبة السوادى.
○ . الأشعثيّات = الجعفريات.
۱۸ . الإصابة فى تمييز الصحابة، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م ۸۵۲ ق)، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمّد معوّض، بيروت: دار الكتب العلميّة، ۱۴۱۵ ق، اوّل.
۱۹ . إصلاح المنطق، يعقوب بن إسحاق بن السِّكّيت (م ۲۴۴ ق)، شرح و تحقيق: أحمد محمّد شاكر، عبد السلام محمّد هارون، قاهره: دار المعارف، ۱۳۴۹ هـ.ق ـ ۱۹۷۰ م.
۲۰ . الأصول الستّة عشر، نخبة من الرواة، قم: دار الشبسترى، ۱۴۰۵ ق، دوم.
۲۱ . الاعتقادات، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقيق: عاصم عبد السيّد، قم: المؤتمر العالمى لألفيّة الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ ق، اوّل.
۲۲ . أعلام الدين فى صفات المؤمنين، الحسن بن محمّد الديلمى (م ۷۱۱ ق)، تحقيق: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام.

۲۳ . إعلام الورى بأعلام الهدى، الفضل بن الحسن الطَّبْرِسی (م ۵۴۸ ق)، تحقیق: مؤسّسة آل البیت علیهم السلام، قم: مؤسّسة آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۷ ق، اوّل.

۲۴ . الإقبال بالأعمال الحسنة فی ما یعمل مرّة فی السنة: علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: السیّدجواد القیّومی، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۴ق، اوّل.

۲۵ . الزهد، عبدالله بن المبارک الحنظلی المروزی (ابن المبارک) (م ۱۸۱ ق)، تحقیق: حبیب الرحمان الأعظمی، بیروت: دار الکتب العلمیّة.

۲۶ . الأمالی، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: مؤسّسة البعثة، قم: مؤسّسة البعثة، ۱۴۰۷ ق، اوّل.

۲۷ . الأمالی، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: مؤسّسة البعثة، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق، اوّل.

۲۸ . الأمالی، حسین بن إسماعیل المَحاملی (م ۳۳۰ق) تحقیق: إبراهیم إبراهیم القیس، أُردن: المکتبة الإسلامیة، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۱ م.

۲۹ . الأمالی، محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق)، تحقیق: حسین أستاد ولی وعلی أکبر الغفّاری، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ ق، دوم.

۳۰ . الأمالی (الأمالی الخمیسیة)، یحیی بن الحسین الشجری (م ۴۹۹ ق)، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۳ ق، سوم.

۳۱ . الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان، علی بن موسی الحلی (السیّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: مؤسّسة آل البیت علیهم السلام، قم: مؤسّسة آل البیت علیهم السلام.

۳۲ . الأولیاء، عبد الله بن محمّد القُرَشی (ابن أبی الدنیا) (م ۲۸۱ ق)، تحقیق: محمّد السعید بسیونی زغلول، بیروت: مؤسّسة الکتب الثقافیة، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۳ م.

۳۳ . اهل بیت در قرآن و حدیث، محمّد محمدی ری‌شهری، ترجمه: حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آژیر، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۹ش، اوّل.

۳۴ . أهل البیت فی آیة التطهیر، السیّد جعفر مرتضی العاملی، بیروت: دار الأمیر للثقافة والعلوم، ۱۴۱۳ ق، اوّل.

۳۵ . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار علیهم السلام، محمّد باقر بن محمّد تقی المجلسی (العلّامة المجلسی) (م ۱۱۱۱ ق)، بیروت: مؤسّسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق، دوم.

۳۶ . البداية و النهاية، إسماعيل بن عمر الدمشقى (ابن كثير) (م ۷۷۴ ق)، تحقيق: مكتبة المعارف، بيروت: مكتبة المعارف.

۳۷ . البرهان فى تفسير القرآن (تفسير البرهان)، السيّدهاشم بن سليمان البحرانى (م ۱۱۰۷ ق)، تحقيق: مؤسّسة البعثة، ۱۴۱۵ق، اوّل.

۳۸ . بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، محمّد بن محمّد الطبرى (م ۵۲۵ ق)، نجف: المطبعة الحيدريّة، ۱۳۸۳ ق، دوم.

۳۹ . بصائر الدرجات، محمّد بن الحسن الصفّار القمّى (ابن فرّوخ) (م ۲۹۰ ق)، قم: مكتبة آية الله المرعشى، ۱۴۰۴ ق، اوّل.

۴۰ . البلد الأمين و الدرع الحصين، إبراهيم بن على الحارثى العاملى (الكفعمى) (م ۹۰۵ ق).

۴۱ . تاج العروس من جواهر القاموس، السيّد محمّد المرتضى بن محمّد الحسينى الزّبيدى (م ۱۲۰۵ ق)، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۴ ق، اوّل.

۴۲ . تاريخ أصبهان، أحمد بن عبد الله الأصبهانى (أبو نعيم) (م ۴۳۰ ق)، تحقيق: سيّد كسروى حسن، بيروت: دار الكتب العلميّة.

۴۳ . تاريخ الطبرى (تاريخ الأمم و الملوك)، محمّد بن جرير الطبرى (م ۳۱۰ ق)، تحقيق: محمّد أبو الفضل إبراهيم، مصر: دار المعارف.

۴۴ . التاريخ الكبير، محمّد بن إسماعيل البخارى (م ۲۵۶ ق)، بيروت: دار الفكر.

۴۵ . تاريخ المدينة المنوّرة، عمر بن شَبّه النّميرى البصرى (م ۲۶۲ ق)، تحقيق: فهيم محمّد شلتوت، بيروت: دار التراث، ۱۴۱۰ ق، اوّل.

۴۶ . تاريخ بغداد أو مدينة السلام، أحمد بن على الخطيب البغدادى (م ۴۶۳ ق)، مدينه: المكتبة السلفيّة.

۴۷ . تاريخ دمشق، على بن الحسن بن هبة الله الدمشقى (ابن عساكر) (م ۵۷۱ق)، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۵ق، اوّل.

۴۸ . تأويل الآيات الظاهرة فى فضائل العترة الطاهرة (كنز جامع الفوائد)، السيّدعلى الغروى الحسينى الإسترآبادى (م ۹۴۰ ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدى عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدى عليه السلام، ۱۴۰۷ ق، اوّل.

۴۹ . التحصين، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ق)، قم: مؤسّسة دار الكتاب، ۱۴۱۳ق.

۵۰. تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، الحسن بن علی الحرّانی (ابن شُعبة) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: علی أکبر الغفّاری، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ ق، دوم.
۵۱. تذکرة الخواصّ (تذکرة خواصّ الأمّة فی خصائص الأئمّة ﷺ)، یوسف بن قُزُغلی (سبط ابن الجوزی) (م ۶۵۴ ق)، مقدمه: السیّد محمّد صادق بحر العلوم، تهران: مکتبة نینوی الحدیثة.
۵۲. ترجمه و شرح غرر الحکم و درر الکلم، آقا جمال خوانساری، تحقیق: میر جلال الدین محدّث أرمَوی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش، سوم.
۵۳. الترغیب و الترهیب من الحدیث الشریف، عبدالعظیم بن عبد القوی المنذری الشامی (م ۶۵۶ ق)، تحقیق: مصطفی محمّد عمارة، بیروت: دار إحیاء التراث، ۱۳۸۸ ق، سوم.
۵۴. تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم)، إسماعیل بن عمر البُصروی الدمشقی (م ۷۷۴ ق)، تحقیق: عبد العزیز غنیم و محمّد أحمد عاشور و محمّد إبراهیم البنّا، قاهره: دار الشعب.
○. تفسیر ابوالفتوح رازی = روض الجنان و روح الجنان.
○. تفسیر البرهان = البرهان فی تفسیر القرآن.
۵۵. تفسیر البیضاوی، عبد الله بن عمر البیضاوی (م ۶۸۵ ق)، بیروت: مؤسّسة الأعلمی، ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۹۰ م.
۵۶. تفسیر الثعلبی (الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن)، عبد الرحمان بن محمّد الثعالبی، تحقیق: علی محمّد معوّض و عادل أحمد عبد الموجود و عبد الفتاح أبو سنة، بیروت: دار إحیاء التراث و مؤسّسة التاریخ العربی، ۱۴۱۸ ق/ ۱۹۹۷ م.
○. تفسیر الطبری = جامع البیان عن تأویل آی القرآن.
۵۷. تفسیر العیّاشی، محمّد بن مسعود السلمی السمرقندی (العیّاشی) (م ۳۲۰ ق)، تحقیق: السیّدهاشم الرسولی المحلّاتی، تهران: المکتبة العلمیّة، ۱۳۸۰ ق، اوّل.
○. تفسیر الفخر الرازی = التفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب.
○. تفسیر القرآن العظیم = تفسیر ابن کثیر.
○. تفسیر القرطبی = الجامع لأحکام القرآن.
۵۸. تفسیر القمّی، علی بن إبراهیم القمّی (م ۳۰۷ ق)، به کوشش: السیّد الطیّب الموسوی الجزائری، نجف: مطبعة النجف الأشرف.
۵۹. التفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب (تفسیر الفخر الرازی)، محمّد بن عمر الرازی (الفخر الرازی) (م ۶۰۴ ق)، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۰ ق، اوّل.

۶۰. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرىؑ، تحقيق: مدرسة الإمام المهدىؑ، قم: مدرسة الإمام المهدىؑ، ۱۴۰۹ق، اوّل.

○ . تفسير الميزان = الميزان فى تفسير القرآن.

۶۱. تفسير فرات الكوفى، فرات بن إبراهيم الكوفى (ق ۴ ق)، به كوشش: محمّد الكاظم، تهران: وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى، ۱۴۱۰ ق، اوّل.

○ . تفسير مجمع البيان = مجمع البيان.

○ . تفسير نور الثّقلين = نور الثقلين.

۶۲. تلخيص الحبير، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (ت ۸۵۲هـ.ق)، بيروت: دار المعرفة.

۶۳. التمحيص، محمّد بن همّام الإسكافى (ابن همّام) (م ۳۳۶ ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدىؑ، قم: مدرسة الإمام المهدىؑ.

۶۴. التمهيد لما فى الموطّأ من المعانى و الأسانيد، يوسف بن عبد الله القُرطُبى (ابن عبد البرّ) (م ۴۶۳ ق)، تحقيق: مصطفى العلوى و محمّد عبد الكبير البكرى، جدّه: مكتبة السوادى، ۱۳۸۷ق.

۶۵. تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعة ورّام)، ورّام بن أبى فراس الحمدان (م ۶۰۵ ق)، بيروت: دار التعارف و دار صعب.

۶۶. تنبيه الغافلين، نصر بن محمّد السمرقندى (م ۳۷۲ ق)، تحقيق: يوسف على بديوى، بيروت: دار ابن كثير، ۱۴۱۳ ق، اوّل.

۶۷. التوحيد، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقيق: السيّدهاشم الحسينى الطهرانى، قم: مؤسّسة النشر الإسلامى، ۱۳۹۸ ق، اوّل.

۶۸. تهذيب الأحكام فى شرح المقنعة، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ۴۶۰ق)، بيروت: دار التعارف، ۱۴۰۱ ق، اوّل.

۶۹. تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، يونس بن عبد الرحمان المزّى (م ۷۴۲ ق)، تحقيق: بشّار عوّاد معروف، بيروت: مؤسّسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق، اوّل.

۷۰. تيسير المطالب فى أمالى الإمام أبى طالب، يحيى بن الحسين الزيدى اليمانى (الإمام أبوطالب) (م ۳۸۴ ق)، گردآورى: أحمد بن سعد الدين المسورى (ق ۵ق)، بيروت: مؤسّسة الأعلمى، ۱۳۹۵ ق، اوّل.

۷۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمّد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: علی أکبر الغفاری، تهران: مکتبة الصدوق.
۷۲. جامع الأحادیث، جعفر بن أحمد القمّی (ابن الرازی) (ق ۴ ق)، تحقیق: السیّد محمّد الحسینی النیسابوری، مشهد: مؤسّسة الطبع والنشر التابعة للحضرة الرضویّة المقدّسة، ۱۴۱۳ ق، اوّل.
۷۳. جامع الأخبار أو معارج الیقین فی أصول الدین، محمّد بن محمّد الشعیری السبزواری (ق ۷ ق)، تحقیق: مؤسّسة آل البیت علیهم‌السلام، قم: مؤسّسة آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ ق، اوّل.
۷۴. جامع البیان عن تأویل آی القرآن (تفسیر الطبری)، محمّد بن جریر الطبری (م ۳۱۰ق)، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۸ق، اوّل.
۷۵. الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر، عبد الرحمان بن أبی بکر السیوطی (م ۹۱۱ ق)، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ ق، اوّل.
۷۶. الجامع لأحکام القرآن (تفسیر القرطبی)، محمّد بن أحمد الأنصاری (م ۶۷۱ق)، تحقیق: محمّد عبد الرحمان المرعشلی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق، دوم.
۷۷. الجامع لأخلاق الراوی، أحمد بن علی الخطیب البغدادی (م ۴۶۳ ق)، تصحیح: محمّد عجاج الخطیب، بیروت: مؤسّسة الرسالة.
۷۸. الجعفریات (الأشعثیات)، محمّد بن محمّد بن الأشعث الکوفی (ق ۴ ق)، تهران: مکتبة نینوی (چاپ شده به همراه: قرب الإسناد).
۷۹. جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: السیّد جواد القیّومی، قم: مؤسّسة الآفاق، ۱۳۷۱ ش، اوّل.
۸۰. الجمل و النصرة لسید العترة فی حرب البصرة، محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق)، تحقیق: السیّد علی میر شریفی، قم: المؤتمر العالمی لألفیّة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق، اوّل.
۸۱. جوامع الجامع، الفضل بن الحسن الطَّبْرِسی (م ۵۴۸ ق)، تهران: مؤسّسة الطبع والنشر التابعة لجامعة طهران، ۱۳۷۱ ش.
○. الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن = تفسیر الثعلبی.
۸۲. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمّد حسن النجفی الإصفهانی (م ۱۲۶۶ق)، بیروت: مؤسّسة المرتضی العالمیة.

۸۳. جواهر المطالب فی مناقب الإمام علی بن أبی طالب عليه السلام (المناقب لابن الدمشقی)، محمّد بن أحمد الباعونی (م ۸۷۱ ق)، تحقیق: محمّد باقر المحمودی، قم: مجمع إحیاء الثقافة الإسلامیّة، ۱۴۱۵ ق، اوّل.

۸۴. جهش‌ها، محمّدرضا حکیمی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ش.

۸۵. الحاوی للفتاوی فی الفقه و علوم القرآن و الحدیث و الأصول و العقائد و التصوّف و النحو و غیرها، عبد الرحمان بن أبی بکر السیوطی (م ۹۱۱ ق)، بیروت: دار الکتاب العربی.

۸۶. الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة، یوسف بن أحمد البحرانی (م ۱۱۸۶ ق)، تحقیق: محمّدتقی الإیروانی، نجف: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۷ ق.

۸۷. حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، أحمد بن عبد الله الأصبهانی (أبو نعیم) (م ۴۳۰ ق)، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۳۸۷ ق، دوم.

۸۸. حیاة الحیوان الکبری، محمّد بن موسی الدّمیری (م ۸۰۸ ق)، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۸۹. الخرائج و الجرائح، سعید بن هبة الله الراوندی (قطب الدین الراوندی) (م ۵۷۳ ق)، تحقیق: مؤسّسة الإمام المهدی عليه السلام، قم: مؤسّسة الإمام المهدی عليه السلام، ۱۴۰۹ ق، اوّل.

۹۰. الخصال، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ ق، چهارم.

۹۱. الدرّ المنثور فی التفسیر المأثور، عبد الرحمان بن أبی بکر السیوطی (م ۹۱۱ ق)، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق، اوّل.

۹۲. الدروع الواقیة، علی بن موسی الحلی (السیّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: مؤسّسة آل البیت عليهم السلام، قم: مؤسّسة آل البیت عليهم السلام، ۱۴۱۴ ق، اوّل.

۹۳. دستور معالم الحکم و مأثور مکارم الشیم، محمّد بن سلامة (القاضی القضاعی) (م ۴۵۴ ق)، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۱ ق، اوّل.

۹۴. دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضایا و الأحکام، النعمان بن محمّد التمیمی المغربی (القاضی أبو حنیفة) (م ۳۶۳ ق)، تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، مصر: دار المعارف، ۱۳۸۹ ق، سوم.

۹۵. الدعاء، سلیمان بن أحمد الطبرانی (م ۳۶۰ ق)، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۳ ق، اوّل.

۹۶ . الدعوات، سعید بن هبة الله الراوندی (قطب الدین الراونـدی) (م ۵۷۳ ق)، تـحقیق: مـؤسّسة الإمام المهدیﷺ، قم: مؤسّسة الإمام المهدیﷺ، ۱۴۰۷ ق، اوّل.
۹۷ . دلائل الإمامة، محمّد بن جریر الطبری الإمامی (ق ۵ق)، تحقیق: مؤسّسة البعثة، قم: مؤسّسة البعثة.
۹۸ . دلائل النبوّة، أحمد بن عبد الله الأصبهانی (أبو نعیم) (م ۴۳۰ ق) تحقیق: محمّد روّاس قلعجی و عبد البرّ عبّاس، بیروت: دار النفائس، ۱۴۰۶ ق، دوم.
۹۹ . ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، أحمد بـن عـبد الله الطـبری (م ۶۹۳ ق)، تـحقیق: أکـرم البوشی، جدّه: مکتبة الصحابة، ۱۴۱۵ ق، اوّل.
۱۰۰ . ذم الدنیا، عبد الله بن محمّد القُرَشی (ابن أبی الدنیا) (م ۲۸۱ ق)، تحقیق: محمّد السعید بسیونی زغلول، بیروت: مؤسّسة الکتب الثقافیة، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۳م.
۱۰۱ . ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، محمود بن عمر الزمخشری (م ۵۳۸ ق)، تحقیق: سلیم النعیمی، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۰ ق، اوّل.
○ . رجال الکشّی = اختیار معرفة الرجال.
۱۰۲ . روض الجنان و روح الجنان (تفسیر ابو الفتوح رازی)، حسین بن علی رازی (ق ۶ ق)، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش، اوّل.
۱۰۳ . روضة المتّقین، محمّد تقی المجلسی (م ۱۰۷۰ ق)، تصحیح: السیّد حسین الموسوی الکرمانی و علی پناه الإشتهاردی، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.
۱۰۴ . روضة الواعظین، محمّد بن الحسن الفتّال النیسابوری (م ۵۰۸ ق)، تحقیق: حسین الأعلمی، بیروت: مؤسّسة الأعلمی، ۱۴۰۶ ق، اوّل.
۱۰۵ . ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، السیّد علی خان الحسینی المدنی الشیرازی (م ۱۱۲۰ق)، تصحیح: السیّد محسن الحسینی الأمینی، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی.
۱۰۶ . الزهد، أحمد بن محمّد الشیبانی (ابن حنبل) (م ۲۴۱ ق)، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۰۷ . الزهد، حسین بن سعید الکوفی الأهوازی (ق ۳ق)، قم: المطبعة العلمیة.
۱۰۸ . سنن ابن ماجة، محمّد بن یـزید القـزوینی (ابـن مـاجة) (م ۲۷۵ ق)، تـحقیق: مـحمّد فـؤاد عبد الباقی، بیروت: دار إحیاء التراث، ۱۳۹۵ ق، اوّل.
۱۰۹ . سنن أبی داوود، سلیمان بن أشعث السجستانی الأزدی (م ۲۷۵ ق)، تحقیق: محمّد محیی الدین عبد الحمید، بیروت: دار إحیاء السنّة النبویّة.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۱۰ . سُنَنِ التِّرمِذی (الجامع الصحیح)، محمّد بن عیسی الترمذی (أبو عیسی) (م ۲۷۹ ق)، تحقیق: أحمد محمّد شاکر، بیروت: دار إحیاء التراث.

۱۱۱ . سنن الدارقطنی، علی بن عمر البغدادی (الدارقطنی) (م ۲۸۵ ق)، تحقیق: أبو الطیّب محمّد آبادی، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۶ ق، چهارم.

۱۱۲ . سنن الدارمی، عبد الله بن عبد الرحمان الدارمی (م ۲۵۵ ق)، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق، اوّل.

۱۱۳ . السنن الکبری، أحمد بن الحسین البیهقی (م ۴۵۸ ق)، تحقیق: محمّد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیّة، ۱۴۱۴ ق، اوّل.

۱۱۴ . السنن الکبری، أحمد بن شعیب النسائی (م ۳۰۳ ق)، تحقیق: عبد الغفار سلیمان البنداری، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق، اوّل.

۱۱۵ . سنن النسائی، أحمد بن شعیب النسائی (م ۳۰۳ق)، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ق، سوم.

۱۱۶ . السنّة، أحمد بن عمرو الشیبانی (ابن أبی عاصم) (م ۲۷۸ ق)، بیروت: المکتب الإسلامی، ۱۴۱۳ ق، سوم.

۱۱۷ . سیر أعلام النبلاء، محمّد بن أحمد الذهبی (م ۷۴۸ ق)، تحقیق: شُعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسّسة الرسالة، ۱۴۱۴ ق، دهم.

۱۱۸ . السیرة النبویة، عبد الملك بن هشام الحمیری (ابن هشام) (م ۲۱۸ ق)، تحقیق: مصطفی السقّا و إبراهیم الأبیاری، قم: مکتبة المصطفی، ۱۳۵۵ ق، اوّل.

۱۱۹ . شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، النعمان بن محمّد المصری (القاضی أبو حنیفة) (م ۳۶۳ ق)، تحقیق: السید محمّد الحسینی الجلالی، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ ق، اوّل.

۱۲۰ . شرح الأسماء الحسنی، هادی بن مهدی سبزواری (ملّا هادی) (م ۱۲۸۹ ق)، قم: مکتبة بصیرتی، ۱۲۶۷ ق، اوّل.

۱۲۱ . شرح نهج البلاغة، عبد الحمید بن محمّد المعتزلی (إبن أبی الحدید) (م ۶۵۶ ق)، تحقیق: محمّد أبو الفضل إبراهیم، بیروت: دار إحیاء التراث، ۱۳۸۷ ق، دوم.

۱۲۲ . شرح نهج البلاغة، میثم بن علی البحرانی (ابن میثم) (م ۶۸۹ق)، بیروت: دار الآثار للنشر، ۱۴۰۲ق.

۱۲۳ . شُعب الإیمان، أحمد بن الحسین البیهقی (م ۴۵۸ ق)، تحقیق: محمّد السعید بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیّة، ۱۴۱۰ ق، اوّل.

۱۲۴ . الشفا بتعريف حقوق المصطفى ، عيّاض بن موسى اليحصبى (القاضى عياض) (م ۵۴۴ق) ، بيروت: دارالكتب العلمية .
۱۲۵ . الشكر ، عبد الله بن محمّد القرشى (ابن أبى الدنيا) (م ۲۸۱ ق) ، تحقيق: طارق الطنطاوى ، قاهره: مكتبة القرآن .
۱۲۶ . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ، عبيد الله بن عبد الله النيسابورى (الحاكم الحَسَكانى) (ق ۵ ق) ، تحقيق: محمّد باقر المحمودى ، تهران: مؤسّسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامىّ ، ۱۴۱۱ ق ، اوّل .
۱۲۷ . الصحاح (تاج اللغة وصحاح العربية) ، إسماعيل بن حمّاد الجوهرى (م ۳۹۸ ق) ، تحقيق: أحمد بن عبد الغفور عطّار ، بيروت: دار العلم للملايين ، ۱۴۱۰ ق ، چهارم .
۱۲۸ . صحيح ابن حبّان بترتيب ابن بلبان ، محمّد بن احمد بن حبّان (م ۳۵۴ق) ، ترتيب: على بن بلبان الفارسى (م ۷۳۹ ق) ، تحقيق: شعيب الأرنؤوط ، بيروت: مؤسّسة الرسالة ، ۱۴۱۴ ق ، دوم .
۱۲۹ . صحيح ابن خزيمة ، محمّد بن إسحاق السلمى النيسابورى (ابن خزيمة) (م ۳۱۱ ق) ، تحقيق: محمّد مصطفى الأعظمى ، بيروت: المكتب الإسلامى ، ۱۴۱۲ ق ، سوم .
۱۳۰ . صحيح البخارى ، محمّد بن إسماعيل البخارى (م ۲۵۶ ق) ، تحقيق: مصطفى ديب البغا ، بيروت: دار ابن كثير ، ۱۴۱۰ ق ، چهارم .
۱۳۱ . صحيح مسلم ، مسلم بن الحجّاج القشيرى النيسابورى (م ۲۶۱ ق) ، تحقيق: محمّد فؤاد عبد الباقى ، قاهره: دار الحديث ، ۱۴۱۲ ق ، اوّل .
۱۳۲ . صحيفة الإمام الرضا عليه السلام ، [المنسوب إلى] الإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق: مؤسّسة الإمام المهدى عجل الله فرجه ، قم: مؤسّسة الإمام المهدى عجل الله فرجه ، ۱۴۰۸ ق ، اوّل .
۱۳۳ . الصحيفة السجّادية ، [المنسوب إلى] الإمام على بن الحسين عليه السلام ، تصحيح: على أنصاريان ، دمشق: المستشارية الثقافية للجمهوريّة الإسلاميّة الإيرانيّة ، ۱۴۰۵ ق .
۱۳۴ . الصراط المستقيم إلى مستحقّى التقديم ، على بن يونس النباطى البياضى (م ۸۷۷ ق) ، به كوشش: محمّد باقر البهبودى ، تهران: المكتبة المرتضويّة ، ۱۳۸۴ ق ، اوّل .
۱۳۵ . صفات الشيعة ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق) ، تحقيق: مؤسّسة الإمام المهدى عجل الله فرجه ، قم: مؤسّسة الإمام المهدى عجل الله فرجه .
۱۳۶ . صفة الصفوة ، عبد الرحمان بن على (ابن الجوزى) (م ۵۹۷ ق) ، تحقيق: عبد السلام محمّد هارون ، بيروت: دار الفكر ، ۱۴۱۳ ق ، اوّل .

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

۱۳۷ . الصواعق المحرقة فی الرد علی أهل البدع و الزندقة، أحمد بن حجر الهیثمی الکوفی (م ۹۷۴ ق)، به کوشش: عبد الوهّاب عبد اللطیف، مصر: مکتبة القاهرة، ۱۳۸۵ ق، دوم.

۱۳۸ . طبّ الأئمّة علیهم السلام، ابنا بسطام النیسابوریان، تحقیق: محسن عقیل، بیروت: دار المحجة البیضاء و دار الرسول الأکرم.

۱۳۹ . طبّ النبی صلی الله علیه و آله، جعفر بن محمّد المستغفری (أبو العبّاس) (۵۵ ق)، بیروت: مؤسّسة أهل البیت علیهم السلام.

۱۴۰ . الطبقات الکبری، محمّد بن سعد (کاتب الواقدی) (م ۲۳۰ ق)، بیروت: دار صادر.

۱۴۱ . العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، الحسن بن یوسف الحلّی (العلّامة) (م ۷۲۶ ق)، تحقیق: السیّد مهدی الرجائی، قم: مکتبة آیة الله المرعشی، ۱۴۰۸ ق، اوّل.

۱۴۲ . عدّة الداعی و نجاح الساعی، أحمد بن محمّد الحلّی الأسدی (ابن فهد) (م ۸۴۱ ق)، تحقیق: أحمد الموحّدی، تهران: مکتبة وجدانی.

۱۴۳ . العزلة، حمد بن محمّد الخطّابی البستی (م ۳۸۸ ق)، تحقیق: عبد الغفار بنداری، بیروت: دار الکتب العلمیة.

○ . العسل المصفّی فی تهذیب زین الفتی = زین الفتی.

۱۴۴ . العقد الفرید، أحمد بن محمّد الأندلسی (ابن عبد ربّه) (م ۳۲۸ ق)، تحقیق: أحمد الزین و إبراهیم الأبیاری، بیروت: دار الأندلس، ۱۴۰۸ ق، اوّل.

۱۴۵ . علل الشرائع، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، بیروت: دار إحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق، اوّل.

○ . العمدة = عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار.

۱۴۶ . عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار (العمدة)، یحیی بن الحسن الأسدی الحلّی (ابن البِطْریق) (م ۶۰۰ ق)، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ ق، اوّل.

۱۴۷ . عمل الیوم و اللیلة، أحمد بن شعیب النسائی (م ۳۰۳ ق)، تحقیق: فاروق حمادة، بیروت: مؤسّسة الرسالة، ۱۴۰۷ ق، سوم.

۱۴۸ . عمل الیوم و اللیلة، أحمد بن محمّد الدینوری (م ۴۶۴ ق)، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، بیروت: مؤسّسة الکتب الثقافیّة، ۱۴۰۸ ق، اوّل.

۱۴۹ . عوالی اللآلی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة، محمّد بن علی الأحسائی (ابن أبی جمهور) (م ۹۴۰ ق)، تحقیق: مجتبی العراقی، قم: مطبعة سیّد الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۳ ق، اوّل.

۱۵۰ . العین، خلیل بن أحمد الفراهیدی (م ۱۷۵ ق)، تحقیق: مهدی‌المخزومی، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق، اوّل.

۱۵۱ . عیون أخبار الرضاؑ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: السیّد مهدی الحسینی اللاجوردی، تهران: جهان.

۱۵۲ . عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمّد اللیثی الواسطی (ق ۶ ق)، تحقیق: حسین الحسنی البیرجندی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش، اوّل.

۱۵۳ . الغارات، إبراهیم بن محمّد الثقفی (ابن هلال) (م ۲۸۳ ق)، تحقیق: میر جلال الدین المحدّث الأرموی، تهران: انجمن آثار ملّی، ۱۳۹۵ ق، اوّل.

۱۵۴ . الغدیر فی الکتاب و السنّة و الأدب، عبد الحسین بن أحمد الأمینی (م ۱۳۹۰ ق)، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۳۸۷ ق، سوم.

○ . غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد الآمِدی التمیمی (م ۵۵۰ق) = ترجمه و شرح غرر الحکم.

۱۵۵ . الغیبة، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: عباد الله الطهرانی وعلی أحمد ناصح، قم: مؤسّسة المعارف الإسلامیّة، ۱۴۱۱ ق، اوّل.

۱۵۶ . فتح الأبواب، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: حامد الخفّاف، قم: مؤسّسة آل البیتؑ، ۱۴۰۹ ق، اوّل.

۱۵۷ . الفرج بعد الشدّة، علی بن محمّد التنوخی (م ۳۸۴ ق)، بیروت: مؤسّسة النعمان، ۱۴۱۰ ق، اوّل.

۱۵۸ . الفردوس بمأثور الخطاب، شیرویة بن شهردار الدیلمی الهمدانی (م ۵۰۹ ق)، تحقیق: محمّد السعید بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیّة، ۱۴۰۶ ق، اوّل.

۱۵۹ . فرهنگ فارسی، محمّد معین (م ۱۳۵۰ش)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.

۱۶۰ . الفصول المختارة من العیون و المحاسن، السیّد علی بن الحسین الموسوی (الشریف المرتضی) (م ۴۳۶ ق)، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة ذکری ألفیّة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق، اوّل.

۱۶۱ . الفضائل، شاذان بن جبرئیل القمّی (م ۶۶۰ ق)، نجف: المطبعة الحیدریّة، ۱۳۳۸ ق.

۱۶۲ . فضائل الأشهر الثلاثة، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: غلامرضا عرفانیان، قم: مطبعة الآداب، ۱۳۹۶ ق، اوّل.

۱۶۳ . فضائل الأوقات، أحمد بن حسین البیهقی (م ۴۵۸ق)، تحقیق: عدنان عبد الرحمان مجید القیسی، مکّة: مکتبة المنارة، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰ م.

۱۶۴ . فضائل الشيعة، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقيق: مؤسّسة الإمام المهدى عليه السلام، قم: مؤسّسة الإمام المهدى عليه السلام، ۱۴۱۰ ق، اوّل.

۱۶۵ . فضائل الصحابة، أحمد بن محمّد بن حنبل (ابن حنبل) (م ۲۴۱ ق)، تحقيق: وصى الله بن محمّد عبّاس، مكّه: جامعة أم القرى، ۱۴۰۳ ق، اوّل.

۱۶۶ . فضائل القرآن، قاسم بن سلام (م ۲۲۴ ق)، تحقيق: مروان العطية و محسن ضرابه و وفاء تقى الدين، دمشق: دار ابن كثير، ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۵ م.

۱۶۷ . فضل الصلاة على النبى، إسماعيل بن إسحاق (م ۲۸۲ ق)، تحقيق: ناصر الدين الألبانى.

۱۶۸ . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، تحقيق: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، مشهد: المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام.

○ . الفقيه = كتاب من لايحضره الفقيه.

۱۶۹ . الفقيه و المتفقّه، احمد بن على الخطيب البغدادى (م ۴۶۳ ق)، تحقيق: الأنصارى، بيروت: دار الكتب العلمية.

۱۷۰ . فلاح السائل، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقيق: غلامحسين مجيدى، قم: مكتب الإعلام الإسلامى، ۱۴۱۹ ق، اوّل.

۱۷۱ . فيض القدير، محمّد عبد الرؤوف المناوى (ق ۱۰ ق)، بيروت: دار الفكر.

۱۷۲ . القاموس المحيط، محمّد بن يعقوب الفيروز آبادى (م ۸۱۷ ق)، بيروت: دار الفكر.

۱۷۳ . قرب الإسناد، عبد الله بن جعفر الحِمْيرى القمّى (م بعد از ۳۰۴ ق)، تحقيق: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۳ ق، اوّل.

۱۷۴ . قصص الأنبياء، سعيد بن هبة الله الراوندى (قطب الدين الراوندى) (م ۵۷۳ ق) تحقيق: غلامرضا عرفانيان، مشهد: مجمع البحوث الإسلاميّة التابع لمؤسّسة الآستانة الرضويّة، ۱۴۰۹ ق، اوّل.

۱۷۵ . الكافى، محمّد بن يعقوب الكلينى الرازى (ت ۳۲۹ هـ. ق)، تحقيق: على أكبر الغفّارى، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۸۹ ق، دوم.

۱۷۶ . كامل الزيارات، جعفر بن محمّد (ابن قولويه) (م ۳۶۷ ق)، تحقيق: جواد القيّومى، قم: نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق، اوّل.

۱۷۷ . الكامل فى التاريخ، على بن محمّد الشيبانى الموصلى (ابن الأثير) (م ۶۳۰ ق)، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۰۸ ق، اوّل.

۱۷۸ . کتاب من لایحضره الفقیه، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: علی أکبر الغفّاری، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، دوم.
۱۷۹ . الکشّاف، محمود بن عمر الزمخشری (م ۵۳۸ ق)، بیروت: دار المعرفة.
۱۸۰ . کشف الخفاء و الألباس عمّا اشتهر من الأحادیث علی ألسنة الناس، إسماعیل بن محمّد العجلونی الجراحی (م ۱۱۶۲ ق)، بیروت: دار الکتب العلمیة ۱۴۰۸ ق.
۱۸۱ . کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، علی بن عیسی الإربلی (م ۶۸۷ ق)، تصحیح: السیّد هاشم الرسولی المحلّاتی، بیروت: دار الکتاب، ۱۴۰۱ ق، اوّل.
۱۸۲ . کشف المحجّة لثمرة المُهْجة، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: محمّد الحسّون، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۲ ق، اوّل.
۱۸۳ . الکشف و البیان، أحمد بن محمّد الثعلبی (م ۴۲۷ ق)، تحقیق: أبو محمّد بن عاشور، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق/ ۲۰۰۲ م.
۱۸۴ . کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمّة الاثنی عشر، علی بن محمّد الخزّاز القمّی (ق ۴ ق)، تحقیق: السیّد عبد اللطیف الحسینی الکوه کمری، قم: بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۱۸۵ . کمال الدین و تمام النعمة، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: علی أکبر الغفّاری، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ ق، اوّل.
۱۸۶ . کنز العمّال فی سنن الأقوال و الأفعال، علی المتّقی بن حسام الدین الهندی (م ۹۷۵ ق)، تصحیح: صفوة السقّا، بیروت: مکتبة التراث الإسلامی، ۱۳۹۷ ق، اوّل.
۱۸۷ . کنز الفوائد، محمّد بن علی الکراجکی الطرابلسی (م ۴۴۹ ق)، به کوشش: عبد الله نعمة، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۰ ق، اوّل.
○ . کنز جامع الفوائد = تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة.
۱۸۸ . لسان العرب، محمّد بن مکرّم المصری الأنصاری (ابن منظور) (م ۷۱۱ ق)، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۰ ق، اوّل.
۱۸۹ . لسان المیزان، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر) (م ۸۵۲ ق)، مؤسّسة الأعلمی، ۱۴۰۶ ق، سوم.
۱۹۰ . لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا و دیگران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۹۱ . مائة کلمة للإمام أمیر المؤمنین علی، عمرو بن بحر الکنانی (الجاحظ) (م ۲۵۵ ق)، تحقیق: ریاض مصطفی العبدالله، دمشق: دار الحکمة، ۱۴۱۶ ق.

۱۹۲ . مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين على بن أبى طالب و الأئمة من ولده عليهم السلام ، محمّد بن أحمد القمّى (ابن شاذان) (ق ۵ ق) ، تحقيق : نبيل رضا علوان ، قم : أنصاريان .

۱۹۳ . المبسوط فى فقه الإمامية ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ۴۶۰ ق) ، تحقيق : محمّد على الكشفى ، تهران : المكتبة المرتضويّة ، ۱۳۸۷ ق ، سوم .

۱۹۴ . مثير الأحزان ، محمّد بن جعفر الحلى (ابن الحلّى) (م ۶۴۵ ق) ، قم : مدرسة الإمام المهدى عليه السلام .

۱۹۵ . المجازات النبوية ، محمّد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (م ۴۰۶ ق) ، تحقيق و شرح : طه محمّد الزينى ، قم : مكتبة بصيرتى .

۱۹۶ . المجتنى من الدعاء المجتبى ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق) ، تحقيق : صفاء الدين البصرى ، مشهد : مجمع البحوث الإسلاميّة ، ۱۴۱۳ ق .

۱۹۷ . مجمع البحرين ، فخر الدين الطريحى (م ۱۰۸۵ ق) ، تحقيق : السيّد أحمد الحسينى ، تهران : مكتبة نشر الثقافة الإسلاميّة ، ۱۴۰۸ ق ، دوم .

۱۹۸ . مجمع البيان فى تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان) ، الفضل بن الحسن الطَبْرِسى (أمين الإسلام) (م ۵۴۸ ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلاتى والسيّد فضل الله اليزدى الطباطبائى ، بيروت : دار المعرفة ، ۱۴۰۸ ق ، دوم .

۱۹۹ . مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، على بن أبى بكر الهيثمى (م ۸۰۷ ق) ، تحقيق : عبد الله محمّد درويش ، بيروت : دار الفكر ، ۱۴۱۲ ق ، اوّل .

○ . مجموعة ورّام = تنبيه الخواطر و نزهة النواظر .

۲۰۰ . محاسبة النفس ، عبد الله بن محمّد القُرَشى (ابن أبى الدنيا) (م ۳۰۸ ق) ، تحقيق : مجدى السيّد إبراهيم ، القاهرة : مكتبة القرآن .

۲۰۱ . المحاسن ، أحمد بن محمّد البرقى القمّى (م ۲۸۰ ق) ، تحقيق : السيّد مهدى الرجائى ، قم : المجمع العالمى لأهل البيت عليهم السلام ، ۱۴۱۳ ق ، اوّل .

۲۰۲ . المحجة فى الكتاب والسنّة ، محمّد الرّيشَهرى ، بمساعدة : محمّد التقديرى ، بيروت : دار الحديث ، ۱۴۲۱ ق ، اوّل .

۲۰۳ . المحجّة البيضاء فى تهذيب الإحياء ، محمّدمحسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشانى) (م ۱۰۹۱ ق) ، با حاشيه : على أكبر الغفّارى ، قم : جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية ، ۱۳۸۳ ق .

۲۰۴ . مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، حسن بن يوسف الحلّي (م ۷۲۶ق)، تهران: مكتبة نينوى الحديثة، ۱۳۲۳ ق.

۲۰۵ . مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، محمّد باقر بن محمّد تقي المجلسي (العلّامة المجلسي) (م ۱۱۱۱ ق)، تحقيق: السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي، تهران: دار الكتب الإسلاميّة، ۱۳۷۰ ش، سوم.

۲۰۶ . المراسيل، سليمان بن الأشعث السجستاني (م ۲۷۵ ق)، تحقيق: عبد العزيز عزّ الدين السيروان، بيروت: دار القلم، ۱۴۰۶ ق.

۲۰۷ . مروج الذهب و معادن الجوهر، علي بن الحسين المسعودي (م ۳۴۶ ق)، تحقيق: محمّد محيي الدين عبد الحميد، قاهره: مطبعة السعادة، ۱۳۸۴ ق، چهارم.

۲۰۸ . المزار، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م ۴۱۳ ق)، تحقيق: محمّد باقر الأبطحي، قم: المؤتمر العالمي لألفيّة الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ ق، اوّل.

۲۰۹ . المزار، محمّد بن مكّي العاملي (الشهيد الأوّل) (م ۷۸۶ ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۱۰ ق.

۲۱۰ . المزار الكبير، محمّد بن جعفر المشهدي (ق ۶ ق)، تحقيق: السيّد جواد القيّومي الإصفهاني، قم: قيّوم، ۱۴۱۹ ق، اوّل.

۲۱۱ . مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ميرزا حسين النوري الطبرسي (م ۱۳۲۰ ق)، قم: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۷ ق، اوّل.

۲۱۲ . المستدرك على الصحيحين، محمّد بن عبد الله الحاكم النيسابوري (م ۴۰۵ ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميّة، ۱۴۱۱ ق، اوّل.

○ . مستطرفات السرائر = النوادر.

۲۱۳ . مسكّن الفؤاد، زين الدين بن عليّ الجبعي العاملي (الشهيد الثاني) (م ۹۶۵ق)، تحقيق: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۲ ق، دوم.

۲۱۴ . المسند، أحمد بن محمّد الشيباني (ابن حنبل) (م ۲۴۱ ق)، تحقيق: عبد الله محمّد الدرويش، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۴ ق، دوم.

۲۱۵ . مسند ابن جعد، علي بن الجعد الجوهري (م ۲۳۰ ق)، بيروت: مؤسّسة ناور، ۱۴۱۰ق.

۲۱۶ . مسند أبي داوود الطيالسي (مسند الطيالسي)، سليمان بن داوود البصري (أبو داوود الطيالسي) (م ۲۰۴ ق)، بيروت: دار المعرفة.

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

۲۱۷ . مسند أبي يعلى الموصلي، أحمد بن علي التميمي الموصلي (أبو يَعلى) (م ۳۰۷ق)، تحقيق: إرشاد الحقّ الأثري، جدّه: دار القبلة، ۱۴۰۸ ق، اوّل.

۲۱۸ . مسند إسحاق بن راهويه، إسحاق بن إبراهيم الحنظلي المروزي (ابن راهويه) (م ۲۳۸ ق)، تحقيق: عبد الغفور عبد الحق حسين البلوشي، مدينه: مكتبة الإيمان، ۱۴۱۲ ق، اوّل.

۲۱۹ . مسند الإمام زيد (مسند زيد)، [المنسوب إلى] زيد بن علي بن الحسين عليه السلام (م ۱۲۲ ق)، بيروت: منشورات دار مكتبة الحياة، ۱۹۶۶ م، اوّل.

۲۲۰ . مسند البزّار (البحر الزخّار)، أحمد بن عمرو العتكي البزّار (م ۲۹۲ ق)، تحقيق: محفوظ الرحمان زين الله، بيروت: مؤسّسة علوم القرآن، ۱۴۰۹ ق، اوّل.

۲۲۱ . مسند الحميدي، عبد الله بن الزبير الحميدي (م ۲۱۹ ق)، تحقيق: حبيب الرحمان الأعظمي، مدينه: المكتبة السلفيّة.

۲۲۲ . مسند الروياني، محمّد بن هارون الروياني (م ۳۰۷ ق)، تحقيق: أيمن علي أبويماني، مصر: مؤسّسة قرطبة، ۱۴۱۶ ق، اوّل.

۲۲۳ . مسند الشافعي، محمّد بن إدريس الشافعي (م ۲۰۴ ق)، بيروت: دار الكتب العلمية.

۲۲۴ . مسند الشاميين، سليمان بن احمد الطبراني (م ۳۶۰ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: مؤسّسة الرسالة.

۲۲۵ . مسند الشهاب، محمّد بن سلامة (القاضي القضاعي) (م ۴۵۴ ق)، بيروت: مؤسّسة الرسالة.

۲۲۶ . مسند أبي حنيفة، أحمد بن عبد الله الأصبهاني (أبو نُعيم) (م ۴۳۰ق)، قاهره: مكتبة الآداب، ۱۹۸۱ م.

۲۲۷ . مسند أبي يعلى، أحمد بن علي التميمي الموصلي (أبو يعلى) (م ۳۰۷ق)، دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۸۹ م.

۲۲۸ . مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، رجب البرسي (ق ۸ق)، قم: منشورات الشريف الرضي، ۱۴۱۵ ق، اوّل.

۲۲۹ . مشاهير علماء الأمصار، محمّد بن حِبّان البُستي (م ۳۵۴ ق)، تحقيق: رزوق علي إبراهيم، بيروت: دار الوفاء، ۱۴۱۱ ق، اوّل.

۲۳۰ . مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، علي بن الحسن الطَّبْرِسي (ق ۷ق)، تحقيق: مهدي هوشمند، قم: دار الحديث، ۱۴۱۸ ق، اوّل.

۲۳۱ . مشكاة المصابيح، محمّد بن عبد الله العمرى الخطيب التبريزى (ق ۸ق)، تحقيق: محمّد ناصر الدين الآلبانى، دمشق: المكتب الإسلامى.

۲۳۲ . مصباح الزائر، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقيق: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۷ ق، اوّل.

۲۳۳ . مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة، [المنسوب إلى] الإمام الصادق عليه السلام، شرح: عبد الرزّاق گيلانى، (م ۱۰۸۹ ق)، تصحيح: جلال الدين محدّث اُرموى، تهران: صدوق، ۱۴۰۷ ق، سوم.

۲۳۴ . مصباح المتهجّد، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ۴۶۰ ق)، تحقيق: على أصغر مرواريد، بيروت: مؤسّسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ ق، اوّل.

۲۳۵ . المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، أحمد بن محمّد الفيّومى (م ۷۷۰ ق)، قم: مؤسّسة دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق، دوم.

۲۳۶ . المصباح فى الأدعية و الصلوات و الزيارات، إبراهيم بن على الحارثى العاملى (الكفعمى) (م ۹۰۰ ق)، قم: الشريف الرضى.

۲۳۷ . المصنّف، عبد الرزّاق بن همّام الصنعانى (م ۲۱۱ ق)، تحقيق: حبيب الرحمان الأعظمى، بيروت: منشورات المجلس العلمى.

۲۳۸ . المصنّف فى الأحاديث و الآثار، عبد الله بن محمّد العبسى الكوفى (ابن أبى شيبة) (م ۲۳۵ ق)، تحقيق: سعيد محمّد اللحّام، بيروت: دار الفكر.

۲۳۹ . مطالب السؤول فى مناقب آل الرسول، محمّد بن طلحة النصيبى الشافعى (م ۶۵۲ ق)، تحقيق: ماجد أحمد العطيّة، بيروت: مؤسّسة أُم القرى، ۱۴۲۰ق.

۲۴۰ . المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م ۸۵۲ ق)، تحقيق: حبيب الرحمان الأعظمى، بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ ق، اوّل.

۲۴۱ . معانى الأخبار، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقيق: على أكبر الغفّارى، قم: مؤسّسة النشر الإسلامى، ۱۳۶۱ ش، اوّل.

۲۴۲ . المعجم الأوسط، سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (م ۳۶۰ ق)، تحقيق: طارق بن عوض الله وعبد الحسن بن إبراهيم الحسينى، قاهره: دار الحرمين، ۱۴۱۵ ق.

۲۴۳ . معجم البلدان، ياقوت بن عبد الله الحَمَوى الرومى (م ۶۲۶ ق)، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۳۹۹ ق، اوّل.

۲۴۴ . معجم السفر، احمد بن محمّد السلفی (م ۵۷۳ ق)، شرح: عبد الله عمر البارودی، بیروت: دار الفكر، ۱۴۱۴ ق.
۲۴۵ . المعجم الصغیر، سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (م ۳۶۰ ق)، تحقیق: محمّد عثمان، بیروت: دار الفكر، ۱۴۰۱ ق، دوم.
۲۴۶ . معجم الفروق اللغویة، حسین بن عبد الله العسكری (أبو هلال) (ق ۴ ق)، تحقیق: مؤسّسة النشر الإسلامی، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۲۴۷ . المعجم الكبیر، سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (م ۳۶۰ ق)، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق، دوم.
۲۴۸ . المعجم الوسیط، مجمع اللغة العربیة فی القاهرة، تهران: ناصر خسرو (افست).
۲۴۹ . معجم مقاییس اللغة، أحمد بن فارس الرازی (م ۳۹۵ ق)، تحقیق: عبدالسلام محمّد هارون، مصر: شركة مكتبة مصطفی البابی و أولاده.
۲۵۰ . معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، محمّد بن علی الكراجكی (م ۴۴۹ ق)، تحقیق: السیّد أحمد الحسینی، تهران: المكتبة المرتضویة، ۱۳۹۴ ق، دوم.
۲۵۱ . المغازی، محمّد بن عمر بن واقد (الواقدی) (م ۲۰۷ ق)، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت: عالم الكتب، ۱۴۰۴ ق، سوم.
۲۵۲ . المغنی، عبد الله بن أحمد الدمشقی (ابن قدامة) (م ۶۲۰ ق)، بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۵۳ . المغنی عن حمل الأسفار، عبد الرحیم بن الحسین العراقی (م ۸۰۶ ق)، تحقیق: أشرف بن عبد المقصود، ریاض: مكتبة دار طبریة، ۱۴۱۵ ق.
۲۵۴ . مفتاح الفلاح فی عمل الیوم واللّیلة، محمّد بن حسین العاملی (الشیخ البهائی) (م ۱۰۳۰ ق)، تحقیق: السیّد مهدی الرجائی، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۲۵۵ . مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمّد الراغب الإصفهانی (م ۵۰۲ ق)، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق، اوّل.
۲۵۶ . المقنعة، محمّد بن محمّد بن النعمان العُكْبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق)، تحقیق: مؤسّسة النشر الإسلامی، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ ق، دوم.
۲۵۷ . مكائد الشیطان، عبد الله بن محمّد القُرَشی (ابن أبی الدنیا) (م ۳۰۸ ق)، قاهره: مكتبة القرآن.
۲۵۸ . مكارم الأخلاق، الفضل بن الحسن الطَّبْرِسی (أمین الإسلام) (م ۵۴۸ ق)، تحقیق: علاء آل جعفر، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ ق، اوّل.

مركز تحقیقات كامپیوتری علوم اسلامی

۲۵۹ . ملاذ الأخيار فی فهم تهذيب الأخبار، محمّد باقر بن محمّد تقی المجلسی (م ۱۱۱۱ ق) تحقيق: السيّد مهدی الرجائی، قم: مكتبة آية الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۶ ق، اوّل.

۲۶۰ . الملهوف علی قتلی الطفوف، علی بن موسی الحلّی (السيّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقيق: فارس تبريزيان، تهران: دار الأسوة، ۱۴۱۴ ق، اوّل.

۲۶۱ . مناقب آل أبی طالب (المناقب لابن شهرآشوب)، محمّد بن علی المازندرانی (ابن شهرآشوب) (م ۵۸۸ ق)، قم: المطبعة العلميّة.

۲۶۲ . مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام (المناقب للكوفی)، محمّد بن سليمان الكوفی القاضی (م ۳۰۰ ق)، تحقيق: محمّد باقر المحمودی، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلاميّة، ۱۴۱۲ ق، اوّل.

۲۶۳ . المناقب (المناقب للخوارزمی)، الموفّق بن أحمد المكّی الخوارزمی (م ۵۶۸ ق) تحقيق: مالك المحمودی، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ ق، دوم.

۲۶۴ . مناقب علی بن أبی طالب عليه السلام (المناقب لابن المغازلی)، علی بن محمّد الواسطی الشافعی (ابن المغازلی) (م ۴۸۳ ق)، به كوشش: محمّد باقر البهبودی، تهران: المكتبة الإسلاميّة، ۱۴۰۲ ق، دوم.

○ . المناقب لابن الدمشقی = جواهر المطالب فی مناقب الإمام علی بن أبی طالب عليه السلام.

○ . المناقب لابن شهرآشوب = مناقب آل أبی طالب.

○ . المناقب للكوفی = مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام.

۲۶۵ . مناقب مرتضوی، محمّد صالح بن عبد الله حسنی ترمذی (م ۱۰۶۰ ق)، تحقيق: كورش منصوری، تهران: روزنه، ۱۳۸۰ش.

۲۶۶ . المنتخب من مسند عبد بن حُمَيد، عبد بن حُمَيد (م ۲۴۹ ق)، تحقيق: السيّد صبحی البدری السامرائی ومحمود محمّد خليل الصعيدی، قاهره: مكتبة السنّة، ۱۴۰۸ ق، اوّل.

۲۶۷ . المنتقی من أخبار المصطفی، عبد السلام بن تيميّة الحرّانی (م ۶۵۲ ق) تصحيح: محمّد حامد الفقی، بيروت: دار المعرفة.

۲۶۸ . المنجد فی اللغة، لويس معلوف، بيروت: دار المشرق، ۱۹۷۳ م، بيست و يكم.

۲۶۹ . منية المريد، زين الدين علی العاملی (الشهيد الثانی) (م ۹۶۵ ق) قم: مكتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۵ق.

۲۷۰ . موارد الظمآن إلی زوائد ابن حبّان، علی بن أبی بكر الهيثمی (م ۸۰۷ق)، تحقيق: عبد الرزّاق حمزة، بيروت: دار الكتب العلميّة.

۲۷۱ . موسوعة الإمام علی ﷺ فی الكتاب والسنّة والتاریخ، محمّد الرّیشهری و آخرون، قم و بیروت: دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق، اوّل.

۲۷۲ . موسوعة العقائد الإسلامیة، محمّد الرّیشهری، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۵ ق، اوّل.

۲۷۳ . الموطّأ، مالك بن أنس (م ۱۵۸ ق)، تحقیق: محمّد فؤاد عبد الباقی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ ق، اوّل.

۲۷۴ . مهج الدعوات و منهج العبادات، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق) تحقیق: حسین الأعلمی، بیروت: مؤسّسة الأعلمی، ۱۴۱۴ ق، اوّل.

۲۷۵ . المهذّب، عبد العزیز بن البرّاج الطرابلسی (م ۴۸۱ ق)، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین، ۱۴۰۶ق.

۲۷۶ . المیزان فی تفسیر القرآن (تفسیر المیزان)، السیّد محمّد حسین الطباطبائی (م ۱۴۰۴ ق)، قم: إسماعیلیان، ۱۳۹۴ق، سوم.

۲۷۷ . نثر الدرّ، منصور بن الحسین الآبی (أبو سعید الوزیر) (م ۴۲۱ ق)، تحقیق: محمّد علی قرنة، مصر: الهیئة المصریة العامة، ۱۹۸۱ م، اوّل.

۲۷۸ . نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، الحسین بن محمّد الحلوانی (ق ۵ق) تحقیق: مؤسّسة الإمام المهدی ﷺ، قم: مؤسّسة الإمام المهدی ﷺ، ۱۴۰۸ ق، اوّل.

۲۷۹ . النوادر، أحمد بن محمّد الأشعری القمی (م ۲۸۰ ق)، تحقیق: مؤسّسة الإمام المهدی ﷺ، قم: مدرسة الإمام المهدی ﷺ، ۱۴۰۸ ق.

۲۸۰ . النوادر، فضل الله بن علی الحسینی الراوندی (م ۵۷۱ق)، تحقیق: سعید رضا علی عسكری، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۷ش، اوّل.

۲۸۱ . نوادر الأصول فی معرفة أحادیث الرسول، محمّد بن علی بن سورة الترمذی (م ۳۲۰ق)، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الكتب العلمیّة، ۱۴۱۳ ق، اوّل.

۲۸۲ . النوادر (مستطرفات السرائر)، محمّد بن أحمد الحلّی (ابن ادریس) (م ۵۹۸ق)، تحقیق: مؤسّسة الإمام المهدی ﷺ، قم: مؤسّسة الإمام المهدی ﷺ، ۱۴۰۸ ق، اوّل.

۲۸۳ . نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار ﷺ، مؤمن بن حسن مؤمن الشبلنجی (م ۱۲۹۸ ق)، بیروت: دار الكتب العلمیّة، ۱۳۹۸ ق، اوّل.

۲۸۴ . نور الثقلین (تفسیر نور الثقلین)، علی بن جمعة العروسی الحویزی (م ۱۱۱۲ ق)، تحقیق: السیّد هاشم الرسولی المحلّاتی، قم: إسماعیلیان، ۱۴۱۲ق، چهارم.

۲۸۵ . النهاية فی غريب الحديث و الأثر ، مبارك بن محمّد الجَزَری (ابن الأثير) (م ۶۰۶ ق)، تحقيق: طاهر أحمد الزاوی، قم: إسماعيليان، ۱۳۶۷ ش، چهارم.

۲۸۶ . النهاية فی مجرّد الفقه و الفتاوی، محمّد بن الحسن الطوسی (الشيخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق)، بيروت: دار الكتاب العربی، ۱۳۹۰ ق.

۲۸۷ . وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمّد بن الحسن الحرّ العاملی (م ۱۱۰۴ ق)، تحقيق: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق، اوّل.

۲۸۸ . وقعة صفّين، نصر بن مزاحم المنقری (م ۲۱۲ ق)، تحقيق: عبد السلام محمّد هارون، قم: مكتبة آية الله المرعشی، ۱۳۸۲ ق، دوم.

۲۸۹ . الهداية، محمّد بن علی ابن بابويه القمّی (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، قم و تهران: مؤسّسة المطبوعات الدينية و المكتبة الإسلامية، ۱۳۳۷ ق.

۲۹۰ . ينابيع المودّة لذوی القربى، سليمان بن إبراهيم القُندوزی الحنفی (م ۱۲۹۴ ق)، تحقيق: علی جمال أشرف الحسينی، تهران: دار الأسوة، ۱۴۱۶ ق، اوّل.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فهرست تفصیلی

بخش نهم: استغفار (آمرزش‌خواهی از خدا)

درآمد ۹

واژه‌شناسی «استغفار» ۹

استغفار، در قرآن و حدیث ۱۱

۱. روح استغفار ۱۱

۲. معنای غفران الهی ۱۳

۳. نقش استغفار در زندگی مادّی و معنوی ۱۳

فصل یکم: حقیقت آمرزش‌خواهی ۱۷

۱/۱ معنای آمرزش‌خواهی ۱۷

۲/۱ نکوهش آمرزش‌خواهی غیر حقیقی ۲۱

فصل دوم: تشویق به آمرزش‌خواهی و برحذر داشتن از وا نهادن آن ۲۵

۱/۲ تشویق به آمرزش‌خواهی ۲۵

۲/۲ تشویق به آمرزش‌خواهی بسیار ۳۳

الف ـ بسیار آمرزش خواستن پیامبر ﷺ ۳۳

ب ـ بسیار آمرزش خواستن امام کاظم ﷺ ۳۹

۳/۲ فضیلت شخص آمرزش‌خواه ۳۹

۴/۲ بر حذر داشتن از ترک آمرزش‌خواهی ۴۷

فصل سوم: ویژگی‌های آمرزش‌خواهی ۵۳

۱/۳ بهترین پرستش ۵۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲/۳ بهترین نیایش ۵۳
۳/۳ جامع‌ترین نیایش ۵۵
۴/۳ برترین توسّل ۵۵
۵/۳ حربهٔ گنهکار ۵۷
۶/۳ میانجی گنهکار ۵۷
فصل چهارم: برکت‌های آمرزش‌خواهی ۵۹
۱/۴ آمرزش خدا ۵۹
۲/۴ ننوشتن گناهان ۶۳
۳/۴ پاک کردن گناهان ۶۷
۴/۴ صیقل دادن دل‌ها ۷۳
۵/۴ دور کردن شیطان ۷۳
۶/۴ ایمنی از عذاب و بلاها ۷۵
۷/۴ زدودن غم و اندوه ۷۹
۸/۴ برطرف ساختن سختی‌ها ۸۱
۹/۴ گشایش روزی ۸۵
۱۰/۴ بسیاری دانش و دارایی ۹۱
۱۱/۴ پرداخته شدن بدهی‌ها ۹۱
۱۲/۴ روزی شدن فرزند ۹۳
۱۳/۴ همراه بودن با اهل بیت علیهم‌السلام ۹۹
فصل پنجم: اوقات مناسب برای آمرزش‌خواهی ۱۰۱
۱/۵ سحرگاهان ۱۰۱
۲/۵ دعای قنوت نماز وَتْر ۱۰۷
۳/۵ هنگام سپری شدن یک‌سوم شب ۱۱۱
۴/۵ یک‌سومِ آخر هر شب ۱۱۱
۵/۵ روز پنج شنبه ۱۱۳
۶/۵ شب جمعه ۱۱۳
۷/۵ روز جمعه ۱۱۵
۸/۵ پیش از غروب در عرفات ۱۱۷
۹/۵ روز قربان ۱۱۷

۱۰/۵ بامدادان و شامگاهان ۱۱۹
۱۱/۵ ماه رجب، بویژه شب نیمهٔ آن ۱۲۱
۱۲/۵ ماه شعبان، بویژه شب نیمهٔ آن ۱۲۳
۱۳/۵ ماه رمضان ۱۲۷
فصل ششم: مواقع مناسب برای آمرزش‌خواهی ۱۳۳
۱/۶ پیش از خواب ۱۳۳
۲/۶ بعد از بیدار شدن ۱۳۵
۳/۶ آغاز سخنرانی ۱۳۷
۴/۶ در محل مُلتزَم ۱۳۹
۵/۶ هنگام بالا رفتن از صفا ۱۴۱
۶/۶ در پایان مجلس ۱۴۱
۷/۶ هنگام ستایش مردم ۱۴۵
۸/۶ حسادت ۱۴۷
۹/۶ به هم رسیدن ۱۴۹
۱۰/۶ خداحافظی ۱۴۹
۱۱/۶ بیرون رفتن برای سفر ۱۴۹
فصل هفتم: عبادت‌هایی که سزاوار است در آنها طلب آمرزش کرد ۱۵۳
۱/۷ وضو ۱۵۳
۲/۷ بیرون رفتن برای نماز ۱۵۳
۳/۷ وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن ۱۵۵
۴/۷ آغاز کردن نماز ۱۵۵
۵/۷ در میان نماز ۱۵۷
۶/۷ در سجده ۱۵۹
۷/۷ میان دو سجده ۱۶۱
۸/۷ هنگام قنوت ۱۶۱
۹/۷ در پیِ نمازها ۱۶۳
۱۰/۷ در پی تسبیح گفتن ۱۶۷
۱۱/۷ حج و عمره ۱۷۳
۱۲/۷ نماز باران ۱۷۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۳/۷ زیارت قبر پیامبرﷺ ۱۷۵
۱۴/۷ طواف خانه خدا ۱۷۷
۱۵/۷ کوچیدن از عرفات به مشعر ۱۷۷
۱۶/۷ کوچیدن از مشعر به مِنا ۱۷۹
فصل هشتم: آمرزش‌خواهی برای دیگران ۱۸۱
۱/۸ کسانی که باید برایشان، آمرزش خواست ۱۸۱
الف ـ پدر و مادر ۱۸۱
ب ـ مردان و زنان مؤمن ۱۸۳
ج ـ گنهکار ۱۸۷
د ـ غیبت شونده ۱۸۹
هـ شخصِ در حال مرگ و مُرده ۱۸۹
۲/۸ کسانی که نباید برایشان آمرزش خواست ۱۹۳
الف ـ مشرک و کافر ۱۹۳
ب ـ منافق ۱۹۷
۳/۸ کسانی که باید از آنان، درخواست آمرزش‌خواهی کرد ۱۹۹
الف ـ پیامبرﷺ ۱۹۹
ب ـ پدر ۲۰۱
ج ـ مؤمن پرهیزگار گم نام ۲۰۳
د ـ حاجی ۳
۴/۸ کسانی که پیامبر و اهل بیتﷺ او برایشان طلب آمرزش کرده‌اند ۲۰۵
الف ـ مسلمانان ۲۰۵
ب ـ پیروان امام علیؑ ۲۰۷
ج ـ مؤذّن ۲۰۷
د ـ حاجی ۲۰۹
هـ زائران قبر حسینؑ ۲۰۹
۵/۸ کسانی که فرشتگان، برایشان آمرزش می‌خواهند ۲۰۹
الف ـ مؤمنان در زمین ۲۰۹
ب ـ دانشجو ۲۱۳
ج ـ مؤذّن ۲۱۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

د ـ خادم مسجد ۲۱۵
هـ هر مسلمانی که ماه رمضان را درک کند ۲۱۵
و ـ روزه‌دار ۲۱۷
ز ـ نمازگزار ۲۱۷
ح ـ درود فرستندهٔ بر پیامبر و خاندان او ﷺ ۲۲۱
ط ـ زائر امیر مؤمنان ﷺ ۲۲۳
ی ـ زایر امام حسین ﷺ ۲۲۳
ک ـ یاد کنندگان از موضوع امامت ۲۲۵
ل ـ پیروان و دوستداران علی ﷺ ۲۲۵
م ـ برآورندهٔ نیاز مؤمن ۲۲۷
ن ـ کسی که خانواده‌اش را شاد کند ۲۲۹
س ـ عیادت کننده از بیمار ۲۲۹
ع ـ تشییع کنندهٔ جنازهٔ مؤمن ۲۳۱
ف ـ قرائت کنندهٔ قرآن ۲۳۱
ص ـ یاد کنندهٔ از خدا در هنگام خوابیدن ۲۳۳
ق ـ کسی که شب را پاک و با وضو به صبح برد ۲۳۳
ر ـ کسی که حلال بخورد ۲۳۵
ش ـ کسی که در روز جمعه، ناخن‌هایش را بگیرد و ... ۲۳۵
۶/۸ کسانی که همهٔ موجودات، برایشان آمرزش می‌طلبند ۲۳۵
الف ـ جویندهٔ دانش ۲۳۵
ب ـ عالمی که به علم خویش، عمل کند ۲۳۷
ج ـ آموزگار خوبی‌ها ۲۳۹
د ـ مؤذّن ۲۳۹
هـ کسی که سیزده روز از ماه شعبان را روزه بگیرد ۲۳۹
فصل نهم: آمرزش‌خواهی‌های رسیده از پیامبر و اهل بیت ﷺ ۲۴۱
۱/۹ آمرزش‌خواهی‌های پیامبر ﷺ ۲۴۱
۲/۹ آمرزش‌خواهی امام علی ﷺ ۲۴۵
الف ـ پاره‌ای از دعاهای ایشان ۲۴۵
ب ـ برخی از آمرزش‌خواهی‌های ایشان در سحرگاهان ۲۴۷

ج ـ از آمرزش‌خواهی‌های ایشان در قنوت نماز وَتْر ۲۷۷
د ـ از دعای ایشان بعد از نماز مغرب ۲۸۹
هـ ـ از دعای ایشان در هنگام گرفتار سختی و اندوهی شدن ۲۹۱
۳/۹ آمرزش‌خواهی‌های فاطمهٔ زهرا علیها السلام ۲۹۳
۴/۹ آمرزش‌خواهی‌های امام زین العابدین علیه السلام ۲۹۳
۵/۹ آمرزش‌خواهی‌های امام صادق علیه السلام ۲۹۵
۶/۹ آمرزش‌خواهی‌های امام کاظم علیه السلام ۳۰۵
۷/۹ آمرزش‌خواهی خضر علیه السلام ۳۰۷
۸/۹ سَرور آمرزش‌خواهی‌ها ۳۰۷
۹/۹ گوناگون ۳۰۹

بخش دهم: صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او و بر دیگر پیامبران علیهم السلام

درآمد ۳۲۳
واژه‌شناسی «صَلاة» ۳۲۳
صلاة، در قرآن و حدیث ۳۲۵
۱. معنای صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۲۵
۲. پیام سیاسیِ درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۲۶
۳. حکمت درود فرستادن بر همهٔ انبیا علیهم السلام ۳۲۷
۴. مهم‌ترین برکات درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۲۷
فصل یکم: تفسیر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۲۹
فصل دوم: فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او و تشویق به آن ۳۳۳
۱/۲ ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام ۳۳۳
۲/۲ ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام در روز و شب جمعه ۳۴۳
۳/۲ ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام در هنگام دعا ۳۴۷
۴/۲ ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام در نوشتار ۳۴۹
۵/۲ رسیدن صلوات مؤمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۵۱
۶/۲ نکوهش صلوات نفرستادن در هنگام برده شدن نام پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۵۵
۷/۲ پذیرفته نشدن نماز کسی که بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام صلوات نفرستد ۳۵۷
فصل سوم: آداب صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ۳۶۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱/۳ ضمیمه کردن خاندان پیامبرﷺ به پیامبر در صلوات ۳۶۱
۲/۳ نهی از صلوات فرستادن به طور ناقص ۳۶۹
۳/۳ صلوات فرستادن با صدای بلند ۳۷۱
فصل چهارم: برکت‌های صلوات فرستادن بر پیامبر خداﷺ و اهل بیت اوﷺ ۳۷۳
۱/۴ درود فرستادن خدا بر فرستندهٔ صلوات ۳۷۳
۲/۴ درود پیامبرﷺ ۳۷۵
۳/۴ درود فرستادن فرشتگان و همهٔ خلایق ۳۷۷
۴/۴ آمرزش گناهان ۳۷۹
۵/۴ آسایش ۳۸۳
۶/۴ رشد یافتن فرستندهٔ صلوات ۳۸۳
۷/۴ پذیرفته شدن دعا ۳۸۳
۸/۴ بر آورده شدن حاجت ۳۸۷
۹/۴ کارسازی در دنیا و آخرت ۳۸۷
۱۰/۴ زدوده شدن نفاق ۳۸۹
۱۱/۴ روشنایی روز رستاخیز ۳۹۱
۱۲/۴ رهایی از هراس‌های رستاخیز ۳۹۱
۱۳/۴ سنگین کردن ترازوی اعمال ۳۹۳
۱۴/۴ شفاعت پیامبرﷺ ۳۹۳
۱۵/۴ رفتن به بهشت ۳۹۵
فصل پنجم: صلوات فرستادن بر پیامبرانﷺ ۳۹۷
فصل ششم: صلوات‌های رسیده از پیشوایان بر پیامبر خداﷺ و اهل بیت اوﷺ ۴۰۵
۱/۶ صلوات‌های رسیده از پیامبرﷺ ۴۰۵
۲/۶ صلوات‌های رسیده از امام علیؑ ۴۰۷
۳/۶ صلوات‌های رسیده از فاطمهٔ زهراؑ ۴۱۷
۴/۶ صلوات رسیده از امام مجتبیؑ ۴۲۳
۵/۶ صلوات رسیده از امام حسینؑ ۴۲۳
۶/۶ صلوات‌های رسیده از امام زین العابدینؑ ۴۲۳
۷/۶ صلوات‌های رسیده از امام باقرؑ ۴۴۳
۸/۶ صلوات‌های رسیده از امام صادقؑ ۴۴۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۹/۶ صلوات‌های رسیده از امام کاظم علیه السلام ۴۶۵
۱۰/۶ صلوات‌های رسیده از امام رضا علیه السلام ۴۷۱
۱۱/۶ صلوات رسیده از امام جواد علیه السلام ۴۷۳
۱۲/۶ صلوات‌های رسیده از امام هادی علیه السلام ۴۷۵
۱۳/۶ صلوات‌های رسیده از امام حسن عسکری علیه السلام ۴۸۵
الف ـ صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ۴۸۷
ب ـ صلوات بر امیر مؤمنان علی علیه السلام ۴۸۹
ج ـ صلوات بر فاطمهٔ زهرا علیها السلام ۴۸۹
د ـ صلوات بر امام حسن و امام حسین علیهما السلام ۴۸۹
هـ ـ صلوات بر امام زین العابدین علیه السلام ۴۹۳
و ـ درود بر امام باقر علیه السلام ۴۹۳
ز ـ صلوات بر امام صادق علیه السلام ۴۹۳
ح ـ صلوات بر امام کاظم علیه السلام ۴۹۵
ط ـ صلوات بر امام رضا علیه السلام ۴۹۵
ی ـ صلوات بر امام جواد علیه السلام ۴۹۷
ک ـ صلوات بر امام هادی علیه السلام ۴۹۷
ل ـ صلوات بر امام حسن عسکری علیه السلام ۴۹۹
م ـ صلوات بر ولیّ امر منتظَر علیه السلام ۴۹۹
۱۴/۶ صلوات‌های رسیده از امام مهدی علیه السلام ۵۰۱

فهارس

۱ . فهرست آیات ۵۱۷
۲ . فهرست اعلام ۵۴۷
۳ . فهرست ادیان، فرقه‌ها و مذاهب ۵۶۷
۴ . فهرست جمعیت‌ها و قبیله‌ها ۵۶۹
۵ . فهرست شهرها و مکان‌ها ۵۷۳
۶ . فهرست زمان‌ها و روزها ۵۷۵
۷ . فهرست منابع و مآخذ ۵۷۷
۸ . فهرست تفصیلی ۶۰۱